



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد شانزدهم - حرف ص
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۲۴	صابئان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹	صابران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۲	صادقان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱	صاعقه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۳	صالح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۱	صالحان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۴۵	صبح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۷۷	صبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۰۱	صحابه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۳۱	صدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۳۵	صداقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱۰	صدقه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۶۸	صدیقان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۷۶	صراط مستقیم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۲۸	صفات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۰۲	صلاح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۰۸	صلاحیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۲۲	صلح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۹۸	صله رحم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۴۰۳	صنعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

- ۱۴۱۱ صورت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۴۳۰ صومعه ها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۴۳۰ صیحه آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۴۴۴ صید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۱۵۰۶ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد شانزدهم - حرف ص / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف: ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره: ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی: ۱۳۹۰.۵۷۷۷د۳۷۲/۲۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است. که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجش‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانش‌های نوین زبان‌شناسی است می‌باشد. زبان‌شناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را بر اساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن بر اساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلاً به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصور است اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صداها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبانی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآوردند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمى به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علائم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علائم مکتوب یا الفباست. علائمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علائم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علائم کتبی یا خطی) - وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکین اصفهانی

صابئان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صابئان

آثار ایمان صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۲

۲ - ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام اعمال صالح ، شرط دور ماندن مسلمانان ، یهودیان ، نصارا و صابئان از هرگونه ترس و اندوه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

تکرار <ایمان> در <ان الذین آمنوا> و <من آمن> حکایت از آن دارد که: مراد از ایمان در جمله <من آمن> ایمان واقعی و راستین است نه ایمان صوری و اسمی.

ایمان صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱

۱ ایمان به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، شرط رهایی مسلمانان ، یهودیان ، صابئی ها و نصارا از هرگونه ترس و اندوه

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری .. و لا هم يحزنون

<صابئی> که مفرد <صابئون> است به کسی گفته می شود که آیین خویش را رها کرده و به آیینی دیگر گرویده باشد ؛ با توجه به این معنا می توان گفت مصداق مورد نظر از <الصبئون> در این آیه به قرینه وقوع آن بین <الذین ءامنوا و الذین هادوا> <و النصری>، کسانی هستند که با ترک اسلام و یا یهودیت پذیرای آیین نصارا شده باشند.

پاداش صابئان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ -

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن بالله و اليوم الآخر و عمل صلحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم > می توان گفت: ظرف <لاخوف عليهم .. > قیامت است.

دین صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۶

۶ - آیین یهود ، نصارا و صابئان ، از ادیان الهی و آسمانی است .

إن الذين ءامنوا .. و الصبئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۳

۳ آیین یهود ، نصارا و صابئین ، از ادیان رسمی و الهی

إنّ الذين ءامنوا و الذين هادوا و الصبئون و النصری .. فلاخوف عليهم

درباره آیین صابئها نظرات مختلفی بیان شده است، علامه طباطبایی در تفسیر <المیزان> پس از اشاره به اقوالی گوناگون تأیید می کند که آیین صابئی آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیه بوده است.

رسمیت دین صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۸

۸ - دین یهود ، نصارا و صابئان از آیین های به رسمیت شناخته شده در قرآن

إن الذين ءامنوا و الذين هادوا و النصری و الصبئین

از نکته هایی که می تواند توجیه کننده آوردن عناوین مذکور باشد، اعلام رسمیت آیینهای یاد شده است.

عقیده صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۷

۷ صابئی ها نسبت

به دیگر پیروان ادیان الهی دارای زمینه کمتری برای گرایش به ایمان واقعی *

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْءُونَ وَالنَّصْرَى

مرفوع بودن کلمه <الصَّبْءُونَ>، نشان می دهد که تأکید مستفاد از <إِنَّ> در مورد صابئها وجود ندارد.

مسئولیت صابئان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۴

۴ - مسلمانان ، یهودیان ، مسیحیان و صابئی ها سزاوارترین امت ها برای برخوردار شدن از ایمان راستین و انجام عمل صالح

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا

نام بردن از ملتهای مذکور - با وجود این که ایمان راستین چنانچه گذشت از هر فرد و ملتی پذیرفته است - می تواند اشاره به این نکته باشد که: پیروان آیینهای یاد شده دارای زمینه بیشتری برای ایمان حقیقی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۴

۴ ایمان به خدا و قیامت و رسالت انبیا ، از اصول مشترک ادیان آسمانی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّبْءُونَ .. مِنْ ءَامِنٍ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

ایمان به رسولان الهی، از عناوین مذکور در آیه (الَّذِينَ ءَامَنُوا .. النَّصْرَى) استفاده شده است.

صائبیت

تاریخ صائبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۳

۳ - ظهور آیین صابئی ، در حد فاصل میان یهودیت و مسیحیت

و الذین هادوا و الصبیئین و النصری

ذکر <صابئین> بین <یهود> و <نصارا>، اشعار به برداشت فوق دارد.

صابران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صابران

{صابران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۱۷

۱۷ خداوند ، حافظ صابران تقوایپیشه ، از حيله ها و كينه هاى دشمنان دين

و ان تصبروا و تتقوا لا يضرّكم كيدهم شيئاً انّ الله بما يعملون محيط

از اينكه جمله <انّ الله .. > علت براى <لا يضرّكم > است، معلوم مى شود كه خداوند با احاطه كامل به اعمال و كيدهاى دشمنان، مانع ضرررسانى آنان خواهد شد. در نتيجه، حافظ مؤمنان است به شرط اينكه آنها صبر و تقوا را پيشه خود سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ بنى اسرائيل زمان موسى در دوران حكومت فرعون ، مردمى صبور و مقاوم در برابر دشمنان دين بودند .

و تمت كلمت ربك الحسنى على بنى اسرائيل بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پروان او ، صبرپيشگاني مقاوم در برابر ناملايمات راه ايمان

تلک من انباء الغيب .. فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بيان سرگذشت نوح(ع) و پروانش ، اشاره به اين حقيقت دارد كه: آن حضرت و پروانش ، در برابر ناملايمات صبور و شكيبا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۶

۶ آنان كه بر اطاعت فرمان هاى خدا صبورى كنند ، از محسنانند .

واصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۶،۱۸

صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

۱۸ توکل کنندگان بر خداوند ، انسانهایی صبور و مقاومند .

فصبر جمیل والله المستعان علی ما تصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ امیدواران به امداد های الهی ، انسانهایی صبور و مقاومند .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقوای پیشگان صبور و از زمره محسنان بودند .

قد منّ الله علینا إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۱

۱- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

و الذین هاجروا فی الله .. الذین صبروا

<الذین> عطف بیان برای <الذین> در آیه سابق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت ، آزار و تعدیات دشمن ، برخوردار بود .

و اصبر .. و لاتحزن عليهم و لاتك في ضيق مما يمكرون

از اینکه پیامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر می شد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۱

۱- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

آثار ذکر صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - به یاد آوردن بندگان خالص ، شکیا ، نیرومند و پرمراجعه به خداوند ، سازنده و درس آموز است .

اصبر .. و اذکر عبدنا داود ذا الأید إنه أواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- توجّه به اسوه های صبر و خداجویی ، تقویت کننده روحیه شکیبایی در انسان

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

توصیه خداوند به پیامبر(ص) در شکیا بودن همچون پیامبران اولوالعزم و بازگویی آن توصیه برای انسان ها، می تواند پیامدار این نکته باشد که اسوه های مقاومت و دینداری، خود وسیله ای برای تقویت صبر در راستای پایندی به دین و ارزش ها است.

آمزش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۹

۹ صبرپیشگان دارای اعمال صالح ، از مغفرت الهی بهره مند شده و گناهشان آمرزیده می شود .

أُولَئِكَ لَهُم

احتضار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۴

۱۴ - > فی المجمع فی قوله تعالى < تنزل عليهم الملائكة > یعنی عند الموت ... و روی ذالك عن أبي عبدالله (ع) ;

در مجمع البيان درباره قول خدای تعالی < تنزل عليهم الملائكة > آمده است: مقصود نزول ملائکه هنگام مرگ است ... و این مطلب از امام صادق (ع) روایت شده است.

اقتدار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اقتدار و عزت تقوایندگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یا ایها العزیز .. قد منّ الله علينا

مصدق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف (ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

الگوی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۵

۵ - داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوی صابران و بردباران تاریخ

واذکر عبدنا داود

توصیه شدن پیامبر اسلام (ص) به یادآوری سرگذشت حضرت داوود (ع)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

امداد به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۵

۵ - خداوند یاور صبرپیشگان و مقاومان راه ایمان است .

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۳

۱۳ زمان یاری و امداد الهی به مؤمنان صبور و مقاوم در برابر گرفتاری ها ، نزدیک است .

إِلَّا أَنْ

به قرینه جملات سابق (مستهم البأساء ..) به دست می آید که زمان نصرت الهی به مؤمنان صبور نزدیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۹

۹- هجرت کنندگان رنج دیده ، جهادگر و مقاوم ، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او *

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <رَبِّكَ> اسم <إِنَّ> بوده و لام حرف جر و <الذین> متعلق به خبر محذوفی مانند <هو ناصر لهم> باشد.

امنیت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۸

۸- فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

امیدواری صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگان دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدا مأیوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّهُ لِيُؤْسَ كُفُورًا... إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ایمان صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إنَّه لِيُؤْسُ كَفُورٌ .. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

برگزیدگی

صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکر گزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إن فی ذلک لأیت لکل صبار شکور

بشارت به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - پیامبر (ص) وظیفه دار اعلام بشارت های الهی به صبر پیشگان

و بشر الصبرین

۱۴ - رهبران دینی باید صبرپیشگان را به بهره مند شدن از رحمت های الهی بشارت دهند .

و بشر الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۷

۷ - نیل به هدایت و دستیابی به رحمت و الطاف الهی ، بشارت و مژده خداوند به صبرپیشگان راه ایمان

و بشر الصبرین .. أولئک ... هم المهتدون

جمله < أولئک علیهم .. > می تواند بیانگر بشارت و مژده ای باشد که < و بشر الصابریین > بدان اشاره داشت / یعنی: بشرهم بأن علیهم صلوات و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰- هجرت کنندگان مجاهد و صابر ، بشارت داده شده به مغفرت و رحمت گسترده الهی

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا .. إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - فرشتگان ، بشارت دهنده موحدان پایدار بر حق ، به بهشت موعود

وَأَبشُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

<الإبشار> (مصدر <أبشروا>) به معنای مسرور بودن است. بنابراین <أبشروا بالجنة>;

یعنی، به بهشت مسرور و خوشنود باشید.

پاداش اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبت‌های اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکبیا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است؛ یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می‌گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می‌دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

يَجْزُونَ الْعَرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا .. خَلَدِينَ فِيهَا حَسَنَتٍ مُسْتَقَرًّا وَمَقَامًا

پاداش بی شمار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - دریافت اجر و پاداش بی شمار الهی ، تنها از آن صابران است .

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

برداشت بالا از کلمه <إِنَّمَا> که دلالت بر حصر می کند قابل استفاده است.

پاداش صابران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۳

۱۳ محبت خدا، پاداش پایمردی شکیبایان در رویارویی و نبرد با دشمنان دین خدا

فما وهنوا لما اصابهم .. و الله يحب الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربنا .. و ثبت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين. فاتيهم الله ثواب الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۴

۴ ثابت قدمان در ایمان، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشد تثبيتاً. و اذا لأتيناهم من لدنا اجرا عظيماً

در برداشت فوق، <اذا لأتيناهم .. >، نتیجه <اشد تثبيتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۳

۳- خداوند، به هر یک از اعمال نیک صابران، مطابق بهترین نوع آنها پاداش می دهد.

و لنجزين الذين صبروا اجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۹ - ۱

۱ - پاداش صبرپیشگان متوکل بر خدا، بسی ستوده و نیکو است.

نعم أجر العاملين . الذين صبروا و على ربهم يتوكلون

<الذين > بدل برای <العاملين > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۶، ۲۲، ۲۳

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی

إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

<توفیه> (مصدر <یوفی>) به معنای پرداخت کامل است.

۲۲ - < عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) إذا نشرت الدواوين و نصبت الموازين لم ينصب لأهل البلاء ميزان و لم ينشر لهم ديوان ثم تلا هذه الآية > إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ < ;

از امام صادق (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ <.

۲۳ - < عن أمير المؤمنين (ع) : ... قال الله عزوجلّ ... إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ، فما أعطاهم الله في الدنيا لم يحاسبهم به في الآخرة ... > ;

از امام علی (ع) روایت شده: ..خدای عزوجلّ فرمود: <إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ> آنچه را خدا در دنیا به صابران داده است، در قیامت حساب آن را از آنان نمی خواهد <.

تفضل به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۵

۵- صابران ، برخوردار از عنایت و فضل ویژه الهی

و لنجزينّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

حامی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و

آخرت

نحن أولياؤكم في الحيوه الدنیا و فی الآخره

حامی دنیوی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتا پرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولياؤكم في الحيوه الدنیا و فی الآخره

حتمیت پاداش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقوای پیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقوای پیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

حسابرسی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : قال رسول الله (ص) إذا نشرت الدواوين و نصبت الموازين لم ينصب لأهل البلاء ميزان و لم ينشر لهم ديوان ثم تلا هذه الآية > إنما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب < ;

از امام صادق (ع) روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای

سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد.
آن گاه این آیه را تلاوت

فرمود: **إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ**.

حسن فرجام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آن صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا .. و یدرءون بالحسنه السیئه أولئک لهم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۶

۶ عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست .

فنعم عقبی الدار

حمایت از صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۹

۹ - اعطای حیات ویژه به شهیدان ، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است .

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ . وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ

خوش اخلاقی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۱

۱ - پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها در توان صاحبان صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتي هي أحسن .. و ما يلقىها إلا الذين صبروا

ذکر دائمی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاگردند .

لئن أذقنا الإنسنا منا رحمة .. إنه ليؤس كفور. إلا الذين صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور

شده است که < کفور > از کفران (ناسپاسی) باشد.

رستگاری صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر ، تنها گروه رستگار در قیامت

أنهم هم الفائزون

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

زمینه تشخیص صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۲

۲- تکلیف جهاد ، وسیله آزمایش مؤمنان و تمایز مجاهدان و صابران از دیگران

و لنبلوئنکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

با توجه به واژه <المجاهدین> معلوم می شود که موضوع اصلی آزمایش <جهاد> است. به علاوه محور اصلی این آیات فرمان قتال با کفران و جهاد در راه خدا می باشد (إذا أنزلت سوره محکمه و ذکر فیها القتال ...).

سرور صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۸

۸- فرشتگان الهی ، پیامدار امن و سرور برای یکتاپرستان پایدار بر حق

تنزل علیهم الملائکه ألتخافوا و لاتحزنوا

شرح صدر صابران

۱ - پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها در توان صاحبان صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتي هي أحسن . . . و ما يلقىها إلا الذين صبروا

۲ - آزمودگان میدان صبر ، برخوردار از سعه صدر و توان تحمل مخالفان

ادفع بالتي هي أحسن . . . و ما يلقىها إلا الذين صبروا

فعل ماضی <صبروا> می رساند که افرادی می توانند به بدگویی و بدرفتاری مخالفان پاسخ نیک دهند که قبلاً اهل صبر و

بردباری بوده و در آن میدان موفق شده اند.

شکرگزاری صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۲

۲ صابران دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنس من رحمة .. إنه ليؤس كفور. إلا الذين صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که < کفور > از کفران (ناسپاسی) باشد.

صابران از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۷

۷- صبرپیشگان ، انسان هایی شایسته و در زمره صالحان اند .

كُلِّ من الصبرين . إنهم من الصالحين

خداوند، در آیه قبل که در توصیف برخی از پیامبران بود آنان را از صابران معرفی کرده و در این آیه، آنان را از صالحان دانسته است. از مجموع دو آیه استفاده می شود که افراد صبرپیشه، از صالحان و خوبان اند.

صابران در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

يجزون الغرفه بما صبروا .. خلدین فیها حسنت مستقرًا و مقامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - یکتا پرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

<نُزِّلَ> به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

صابران

در فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند.

إِنَّه لِيُؤْسُ كَفُورٌ... إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صابران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۳

۳ - مؤمنان صابر، تنها گروه رستگار در قیامت

أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ

ذکر ضمیر فصل (هم)، بیانگر حصر است.

صابران و ایام الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۴

۱۴- ایام الله و رویداد های آن، دربردارنده نشانه ها و آیات الهی برای مردمان صبرپیشه و شکر گزار

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

مشارالیه <ذلك>، <ذکر> و متعلق <ذکر>، <ایام الله> است و این حکایت از آن دارد که <ایام الله> حاوی آیات خداوندی است.

صابران و تفاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورًا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صابران و تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ،

هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورًا . إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صابران و سرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورًا . إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صابران و قصه قوم سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبا - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

صابران هنگام آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورًا . إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صابران هنگام رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورًا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صابران هنگام سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّه لِيُؤْسُ كَفُورٌ .. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّلٰحَت

عزت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اقتدار و عزت تقوای پیشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ .. قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا

مصدق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف (ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

عفوهای صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۴

۴ - تنها انسان های صابر و شکبیا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ اَعْمَالِ الصّٰلِحِيْنَ

ذکر صبر قبل از غفران، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد، آتش انتقام در انسان شعله‌ور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

عقیده صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۳۴

عمل پسندیده صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- خداوند ، به هر یک از اعمال نیک صابران ، مطابق بهترین نوع آنها پاداش می دهد .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

فرجام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقوایندگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

فضایل اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۲ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، میهمانان خداوند در بهشت

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا .. نَزَلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

<نُزِّلَ> به چیزی گفته می شود که برای پذیرایی از میهمان آماده می کنند.

فضایل صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۹

۲۹ خداوند ، همراه و یاور شکیبایان

وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکر گزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۹

۹- هجرت کنندگان رنج دیده ، جهادگر و مقاوم ، مورد عنایت خاص خداوند و برخوردار از نصرت او *

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثَمَّ جَاهِدُوا وَصَبِرُوا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <رَبِّكَ> اسم <إِنَّ> بوده و لام حرف جر و <الَّذِينَ> متعلق به خبر محذوفی مانند <هو ناصر لهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۴

۴- ارزش مندی صبر و جایگاه

والای صابران ، در پیشگاه خداوند

و إسمعیل . . . کلّ من الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۷

۷- صبرپیشگان ، انسان هایی شایسته و در زمره صالحان اند .

کلّ من الصبرین . إنهم من الصالحین

خداوند، در آیه قبل که در توصیف برخی از پیامبران بود آنان را از صابران معرفی کرده و در این آیه، آنان را از صالحان دانسته است. از مجموع دو آیه استفاده می شود که افراد صبرپیشه، از صالحان و خوبان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۶

۲۶ - صبر ، صفتی بس ارزشمند و صابران ، دارای جایگاهی رفیع در پیشگاه خداوند

ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

این سخن اسماعیل(ع) که: <مرا از زمره صابران خواهی یافت > گویای ارزش والای صبر و رفعت مقام صابران است زیرا او که از بزرگان و پیامبر زادگان است خود را در زمره صابران یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۶

۶ - یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان ، برخوردار از جایگاهی ویژه در پیشگاه خداوند

إنّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقموا تنزّل علیهم الملائکه

نزول پیامی فرشتگان که از فعل مضارع <تنزّل > فهمیده می شود نشانگر عنایت ویژه خداوند به موحدان پایدار بر توحید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پاسخ نیک به رفتار ناپسند مخالفان و معاندان ، تنها در توان صاحبان

صبر و شکیبایی است .

ادفع بالتي هي أحسن . . . و ما يلقىها إلا الذين صبروا

۲ - آزمودگان میدان صبر ، برخوردار از سعه صدر و توان تحمل مخالفان

ادفع بالتي هي أحسن . . . و ما يلقىها إلا الذين صبروا

فعل ماضی <صبروا> می رساند که افرادی می توانند به بدگویی و بدرفتاری مخالفان پاسخ نیک دهند که قبلاً اهل صبر و بردباری بوده و در آن میدان موفق شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته . . . إن فی ذلک لأیت لکل صبار شکور

با توجه به این که لام در <لکل صبار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۴،۵

۴ - تنها انسان های صابر و شکیبا ، قادر به عفو و بخشش خطاکاران اند .

و لمن صبر و غفر إن ذلک لمن عزم الأمور

ذکر صبر قبل از غفران، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که اگر روحیه شکیبایی نباشد، آتش انتقام در انسان شعلهور شده و مانع عفو و گذشت می شود.

۵ - انسان های برخوردار از اراده قوی و خویشتن دار و اهل گذشت ارزشی والا دارند .

و لمن صبر و غفر إن ذلک لمن عزم الأمور

فهم صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- تنها صبرپیشگان ، زمینه دار فهم و دریافت سخنان اهل معرفت اند .

و قال الذين أوتوا العلم . . . و لا يلقىها إلا الصبرون

ضمیر <يلقأها> به سخنان فرزنانگان بازمی گردد؛ یعنی، <و لا يلقى هذه المقاله إلا الصابرون>.

مراد از صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول الله (ص) : یابن مسعود قول الله . . . < و لنبلونکم بشيء من الخوف . . . و بشر الصابرين > قلنا یا رسول الله فمن الصابرون ؟ قال : الذين یصبرون علی طاعه الله واجتنبوا معصیه ، الذين کسبوا طیباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلاً فافلحوا

از رسول خدا(ص) روایت شده . . . که فرمود: ای پسر مسعود . . . سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشيء من الخوف . . . و بشر الصابرين>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی در آمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

مقام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله . . . و الله یحبّ الصّابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ پیکارگران

شکیبا و نیایشگران به درگاه خدا، نیکوکار و محبوب خداوند هستند.

و کائین من نبی قاتل... ربنا... و الله یحبّ المحسنین

مقامات صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۵

۵- صابران، برخوردار از عنایت و فضل ویژه الهی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۶

۶- ارزش والای صبر و مؤمنان شکیبا، در نزد خداوند

إنی جزیتهم الیوم بما صبروا

از آن جایی که خداوند، خود پاداش مؤمنان صابر را متکفل شده است، ارجمندی صبر و مؤمنان شکیبا در نزد خدا، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۰

۲۰- صابران، برخوردار از جایگاهی والا و ویژه در پیشگاه خداوند

إنما یوفی الصبرون أجرهم بغير حساب

اعطای پاداش بی شمار به صابران و منحصر دانستن این پاداش به آنان، گویای برداشت یاد شده است.

نزول ملائکه بر صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- نزول فرشتگان الهی ، بر غیر پیامبران (اهل ایمان و پایداری)

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ .. تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

۱۴ - > فى المجمع فى قوله تعالى < تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ > يعنى عند الموت ... و روى ذلك عن أبى عبد الله (ع) ;

در مجمع البيان درباره قول خدای تعالی < تَنْزَّلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ > آمده است: مقصود نزول ملائکه هنگام

مرگ است . . . و این مطلب از امام صادق(ع) روایت شده است <.

نعمتهای صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ اقتدار و عزت تقوایبشگان صبور و نیکوکار ، از نعمت های بزرگ الهی به آنان است .

قالوا یا ایها العزیز . . . قد منّ الله علینا

مصدق مورد نظر برای نعمت الهی به یوسف(ع) عزت و اقتدار در سرزمین مصر است.

وعده به صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، وعده مکرر خداوند به یکتاپرستان پایدار بر توحید

و أبشروا بالجنّه الّتی کنتم توعدون

ویژگیهای صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۳

۳ - صابران کسانی هستند که به هنگام مواجه شدن با مشکلات ، تسلیم قضای الهی بوده و همه شئون خویش را از خدا دانسته و آن را ابراز می کنند .

و بشر الصبرین . الذین ... قالوا إنا لله و إنا إلیه رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱،۲،۳

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّه لِيُؤْسُ كَفُورٌ . . . إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسنا منا رحمة . . . إِنَّه لِيُؤْسُ كَفُورٌ.

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

۳ صابران دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - دریافت اجر و پاداش بی شمار الهی ، تنها از آن صابران است .

إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرِينَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

برداشت بالا از کلمه <إِنَّمَا> که دلالت بر حصر می کند قابل استفاده است.

هدایت صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۸

۸ - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المہتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المہتدون) حاکی از حصر است.

صادقان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صادقان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۲

۲ عیسی (ع) از زمره راستگویان و درست کرداران

هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم

از مصادیق مورد نظر برای <الصدقین> به قرینه آیات گذشته حضرت مسیح(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۲، ۶

۶ مؤمنان با تقوا، مؤمنان راستین و صادق در ایمانند .

يأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِیْنَ

ذکر <صادقین>، پس

از امر به رعایت تقوا، می تواند برای بیان مصداق مؤمنان متقی باشد.

۱۲ > عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عز و جل : < اتقوا الله و كونوا مع الصادقين > قال : محمد و علی علیهما السلام ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره <الصادقین> در آیه شریفه فرمود: منظور محمد و علی علیهما السلام می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۵

۵ - پیامبران الهی ، گویندگانی صادق و راستگو برای مردمان

و اجعل لی لسان صدق فی آخرین

اطاعت از صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ > روی المعلى بن خنيس عن ابى عبد الله (ع) فی قوله : < كونوا مع الصادقين > : بطاعتهم ;

معلى بن خنيس از امام صادق (ع) درباره قول خدا که فرموده <با صادقان باشید> روایت کرده: بودن با صادقان به معنای اطاعت از آنان است.

برگزیدگی صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱ > صادقین < گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت *

و كونوا مع الصدقين

از اینکه خداوند به طور مطلق به همراه و همگام بودن با <صادقین> فرمان داده است، احتمال می رود که <صادقین> گروهی خاص باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

پاداش صادقان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا يوم ينفع الصديقين صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۱،۱۳

۱ - خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

ليجزي الله الصديقين بصدقهم

لام در <ليجزي> لام عاقبت است.

۱۳ - اعطای پاداش از ناحیه خداوند به راستگویان ، از آمرزگاری و رحمت او است .

ليجزي الله الصديقين .. إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

پیروزی صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصديقين .. ذلك الفوز العظيم

رستگاری صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصديقين .. ذلك الفوز العظيم

رضایت صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۸

۸ خداوند ، خشنود از راستگویان و راستکرداران و آنان ، خشنود از خداوند .

رضی الله عنهم و رضوا عنه

زمینه تشخیص صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۹

۹- لحظه عمل به تکالیف دشوار دین ، لحظه جدا شدن صف صادقان از مدعیان صداقت

فإذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم

از آیه شریفه استفاده

می شود که پس از قطعیت یافتن فرمان های الهی به تکالیف دشواری چون جهاد، صادقان راستین از مدعیان دروغین صداقت متمایز می شوند و بدین جهت خداوند فرموده است: <فلو صدقوا الله لكان خيراً لهم>.

صادقان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۷

۷ مالکیت خداوند بر آسمان ها و زمین و توانایی مطلق وی ، ضامن اعطای بهشت جاودانه به صادقان

ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت .. و ما فیهن و هو علی کل شیء قدير

بیان مالکیت خداوند بر هستی و توانایی مطلق او پس از وعده بهشتی جاویدان به صدق پیشگان، می تواند اشاره به این باشد که تحقق بخشیدن به این وعده هرگز از توان خداوند خارج نیست.

صادقان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱،۱۳

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ینفع الصدقین صدقهم

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ینفع الصدقین .. ذلك الفوز العظیم

عصمت صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۱

۱۱ <صادقین > گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت *

و کونوا مع الصدقین

از اینکه خداوند به طور مطلق به همراه و همگام بودن با <صادقین> فرمان داده است، احتمال می رود که <صادقین> گروهی خاص باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت

مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

فضایل صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا يوم ينفع الصديقين .. ذلك الفوز العظيم

مقامات صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۸،۱۱

۸ مرتبه < صادقین > برترین مرتبه ایمان و دینداری

اتقوا الله و كونوا مع الصديقين

دستور خدا به همراهی و همگامی با صادقان پس از توصیه به تقوای پیشگی بیانگر این حقیقت است که <مرتبه صادقین > مرتبه ای فراتر از مرتبه کسانی است که در راه تقوا گام می نهند و به تعبیر دیگر <صادقین > کسانی هستند که در اوج رعایت تقوایند.

۱۱ < صادقین > گروهی برگزیده و دارای مقام عصمت *

و كونوا مع الصديقين

از اینکه خداوند به طور مطلق به همراه و همگام بودن با <صادقین > فرمان داده است، احتمال می رود که <صادقین > گروهی خاص باشند که در همه اعمال و افکار خویش به مقام عصمت رسیده اند و فرمان به تبعیت مطلق از آنان، بدین جهت صورت گرفته است.

مؤمنان و مقامات صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۹

۹ دستیابی به مرتبه صادقین ، آرمانی ارزشمند برای مؤمنان

اتقوا الله و كونوا مع الصديقين

صاعقه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صاعقه

ابتلا به صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ گرفتار شدن به صاعقه ها برخاسته از مشیت خداوند

است .

یرسل الصوعق فیصیب بها من یشاء

<اصابه> (مصدر یصیب) به معانی رسیدن، فرو ریختن و نیز مصیبت وارد کردن آمده است. بنابر معنای اول و دوم حرف <باء> در <بها> برای تعدیه است و بنابر معنای سوم حرف <باء> برای بیان آلت و وسیله است. و جمله <یصیب بها من یشاء> بر اساس معانی مذکور چنین معنا می شود: <خداوند صاعقه ها را به هر کسی که بخواهد می رساند>، <خداوند صاعقه هارا بر هر کس که بخواهد فرو می ریزد> و <خداوند به وسیله صاعقه ها به هر کس که بخواهد مصیبت وارد می سازد>.

سرعت صاعقه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۵ - ۲

۲ - سرعت و شدت صاعقه ، از بین برنده توان تصمیم گیری ثمودیان

فأخذتهم الصعقه .. فما استطعوا من قیام

صاعقه زدگی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۵

۵ - نزول < مَنْ > و < سلوی > بر بنی اسرائیل و نجاتشان از حرارت شدید خورشید با ابرهای سایه گستر ، پس از حادثه صاعقه زدگی و زنده شدن آنان بود .

ثم بعثنکم .. و ظللنا علیکم الغمام

عطف جمله < ظللنا .. > بر < بعثناکم ... > اقتضا می کند که گفته شود: داستان سایه گستر شدن ابرها و نزول < مَنْ > و < سلوی > پس از داستان صاعقه، تحقق یافته باشد.

صاعقه زدگی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۴۵

۴ - صاعقه فراگیر و نیرومند

، عامل نابودی قوم ثمود

فأخذتهم الصعقه

۵- فراگیری صاعقه بر قوم ثمود ، در عین هشیاری و در مقابل چشمان آنان

فأخذتهم الصعقه و هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۵ - ۱،۲

۱ - ناتوانی و بی پناهی کامل قوم ثمود ، در برابر صاعقه عذاب

فما استطعوا من قیام و ما كانوا منتصرین

۲ - سرعت و شدت صاعقه ، از بین برنده توان تصمیم گیری ثمودیان

فأخذتهم الصعقه .. فما استطعوا من قیام

صاعقه عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۴،۱۳،۶

۶ - صاعقه آسمانی ، موجب به هلاکت رسیدن قوم موسی شد .

فأخذتكم الصعقه

صاعقه آتشی است از آسمان که به هنگام رعد شدید پدید می آید.

۱۳ - قوم موسی ، در پی تقاضای رؤیت خدا ، شاهد فرود آمدن صاعقه بر خود بودند .

فأخذتكم الصعقه و أنتم تنظرون

مفعول <تنظرون> (نگاه می کردید) فرود آمدن صاعقه است.

۱۴ - داستان تقاضای رؤیت خدا و اظهار ناباوری بنی اسرائیل به سخنان موسی (ع) و فرود آمدن صاعقه بر آنان ، داستانی

آموزنده و شایسته به خاطر داشتن

و إذ قلتم یموسی لن تؤمن لک . . . و أنتم تنظرون

<إذ قلتم> عطف بر <نعمتی> در آیه ۴۷ است؛ یعنی: <اذکروا إذ قلتم . . .>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۳، ۱

۱ - خداوند، قوم موسی را پس از هلاکتشان با صاعقه، حیاتی دوباره بخشید و آنان را زنده کرد.

ثم بعثکم من بعد موتکم

۳ - زنده

شدن قوم موسی پس از هلاکتشان با صاعقه ، از نعمت های خداوند به آنان

اذکروا نعمتی التي أنعمت .. ثم بعثکم من بعد موتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۴،۵

۴ - صاعقه فراگیر و نیرومند ، عامل نابودی قوم ثمود

فأخذتهم الصعقه

۵ - فراگیری صاعقه بر قوم ثمود ، در عین هشیاری و در مقابل چشمان آنان

فأخذتهم الصعقه و هم ينظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۵ - ۱

۱ - ناتوانی و بی پناهی کامل قوم ثمود ، در برابر صاعقه عذاب

فما استطعوا من قیام و ما كانوا متصیرین

عذاب با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۳

۳ - عذاب قوم ثمود ، همراه با صاعقه ای عظیم و کشنده *

إننا أرسلنا علیهم صیحه و حده فکانوا کهشیم المحتظر

با توجه به این که خشک شدن بدن قوم ثمود، بیش از آن که متأثر از صدای مهیب باشد، معلول صاعقه است؛ احتمال می رود صیحه در این آیه، بدان جهت آمده باشد که همواره پس از صاعقه صدایی شنیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قوم ثمود ، به وسیله صاعقه کوبنده و سرکش به هلاکت رسیدند .

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

<طاغیه> در اصل، به معنای سرکش و متجاوز از حد و مرز است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه برابر نظر مفسران صاعقه است. البته در آیه ۱۳ سوره

<فصلت> بدان تصریح شده است.

عذاب صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۵

۵ درخواست دیدن خداوند از سوی یهود ، درخواستی ظالمانه و موجب گرفتار شدن آنان به صاعقه

فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصعقة بظلمهم

عوامل مصونیت از صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۳

۲۳ > عن أبي عبدالله (ع) انه قال : لاتملوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها في نوافله لم يصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم يمت بها و لا بصاعقه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره <إذا زلزلت الأرض زلزالها> خسته نشوید ؛ زیرا کسی که آن را در نوافله های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند.

کیفر با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقة بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۳،۵،۶

۳- صاعقه آسمانی ، کیفر روی گردانی از آیات روشن الهی است .

قل أئنکم لتکفرون بالذی .. فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه

۵- صاعقه آسمانی ، کیفر تخلف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و

۶ - صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

اندر تکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

محدوده صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۲۲

۲۲ > عن أبي جعفر الباقر (ع) : ان الصواعق تصيب المسلم و غير المسلم و لاتصيب ذاكراً ;

از امام باقر (ع) روایت شده است: صاعقه ها [ممکن است] به مسلمان و یا غیر مسلمان اصابت کند ; ولی به کسی که مشغول ذکر خداست اصابت نمی کند < .

منشأ صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ خداوند فرستنده صاعقه های آسمانی است .

هو الذی یریکم . . . و یرسل الصوعق

<صواعق> جمع صاعقه است و صاعقه را برخی از اهل لغت به آتشی که از رعد پدید می آید معنا کرده اند و برخی گفته اند: صدای شدیدی است که از جو شنیده می شود و برخی آن را به غرشی از رعد که آتشی همراه آن فرو ریزد ، تفسیر کرده اند.

هلاکت با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۶

۶ بنی اسرائیل در پی تقاضای آشکارا دیدن خداوند ، با صاعقه به هلاکت رسیدند .

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ١٧ - ٧

٧ - هلاكت قوم ثمود ، با صاعقه خوارکننده و خفت آور

فأخذتهم صعقه العذاب الهون

صاعقه آسمانى

ابتلا به صاعقه آسمانى

جلد - نام سوره - سوره -

۱۳ گرفتار شدن به صاعقه ها برخاسته از مشیت خداوند است .

یرسل الصوعق فیصیب بها من یشاء

<اصابه> (مصدر یصیب) به معانی رسیدن، فرو ریختن و نیز مصیبت وارد کردن آمده است. بنابر معنای اول و دوم حرف <باء> در <بها> برای تعدیه است و بنابر معنای سوم حرف <باء> برای بیان آلت و وسیله است. و جمله <یصیب بها من یشاء> بر اساس معانی مذکور چنین معنا می شود: <خداوند صاعقه ها را به هر کسی که بخواهد می رساند>، <خداوند صاعقه ها را بر هر کس که بخواهد فرو می ریزد> و <خداوند به وسیله صاعقه ها به هر کس که بخواهد مصیبت وارد می سازد>.

عوامل مصونیت از صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۳ > عن أبي عبد الله (ع) انه قال : لا تملّوا من قراءه إذا زلزلت الأرض زلزالها فإنه من كانت قراءته بها في نوافله لم يصبه الله عزوجل بزلزله أبداً و لم يمت بها و لا بصاعقه ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: از خواندن سوره <إذا زلزلت الأرض زلزالها> خسته نشوید ؛ زیرا کسی که آن را در نوافله های خود بخواند، خدای عزوجل هیچ گاه او را با زلزله آسیب نمی رساند و به وسیله زلزله و صاعقه به هلاکت نمی رساند .

محدوده صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ > عن أبي جعفر الباقر (ع) : ان الصواعق تصيب

المسلم و غیر المسلم و لاتصیب ذاکراً ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: صاعقه ها [ممکن است] به مسلمان و یا غیر مسلمان اصابت کند / ولی به کسی که مشغول ذکر خداست اصابت نمی کند.

منشأ صاعقه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ خداوند فرستنده صاعقه های آسمانی است .

هو الذی یریکم . . . و یرسل الصوعق

<صواعق> جمع صاعقه است و صاعقه را برخی از اهل لغت به آتشی که از رعد پدید می آید معنا کرده اند و برخی گفته اند: صدای شدیدی است که از جو شنیده می شود و برخی آن را به غرشی از رعد که آتشی همراه آن فرو ریزد ، تفسیر کرده اند.

صالح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صالح(ع)

آب آشامیدنی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۴

۴ - آب آشامیدنی منطقه ثمود ، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم / نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۳

۳- اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه ، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه

بالا- با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسوها> هشداری به این موضع گیری است.

آب دهی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَقَى> و <سُقِیَا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سُقِیَا> اسم مصدر برای <سَقَى> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز برحذر داشتن قوم ثمود از بی توجهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

آثار اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۶

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

آثار ایمان به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۹

۹ - قبول پیامبری صالح (ع) ، مایه تیره بختی در نگاه قوم ثمود

إِنَّا إِذَا لَفِی... سَعْر

در صورتی که <سعر> جمع <سعیر> (آتش افروخته) باشد، مراد از آن در آیه شریفه، گرفتار شدن در آتش حسرت و تیره

بختی خواهد بود.

آثار بشر بودن صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۳

- ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱

۱ - بشر بودن صالح پیامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، برای تکذیب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشراً منا وحدًا نتبعه

آثار تقوای پیروان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۲

۲ - پابندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و كانوا یتقون

جمله <كانوا یتقون> ماضی استمراری است ، یعنی ، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

آثار تکذیب صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵- باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا

آثار دعوت های صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۳

۳ - پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع) ، زمینه بدیمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فإذا هم فریقان یختصمون .. قالوا اظیرنا بک

احتمالاً آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که در پی دعوت صالح (ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

آثار عقرب شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، پس از پی کردن ناقه صالح

فتعاطی فعقر .. إنا أرسلنا علیهم صیحه وحده

آثار قتل شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۲،۳

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

فعقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أيام

۳ قوم ثمود ، پس از کشتن ناقه صالح ، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند .

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه أيام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَدْمِينَ

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:

>فَعَقَرُوهَا فَرَأُوا اَشْرَاطَ الْعَذَابِ فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ / ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند.<

آثار نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

آثار نبوغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۳

۳ قوم ثمود، صالح (ع) را به خاطر ویژگی ها و استعدادهایش، مایه ترقی و تعالی آن قوم می دانستند.

قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا

آزادی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۹

۹ آزادی ناقه صالح برای چریدن، در تضاد با منافع قوم ثمود

فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ

تهدید شدن قوم ثمود به عذاب در صورت بازداري ناقه از چریدن، نشان می دهد که سلامتی ناقه از سوی آنان، در خطر بود و آنها آزادی ناقه را برای چرا، به سود خویش نمی دیدند.

اتمام حجت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۵

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد.

فتولی عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربی

اجابت دعای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبر پس از نوح از سوی خداوند

قال رب انصرنی .. قال عمّا قلیل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عمّا قلیل> به معنای <بعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است؛ یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عمّا قلیل> متعلق به <یصبحنّ> و <إصبح> (مصدر یصبحنّ) به معنای صیوررت و شدن است.

احتجاج صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۵

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزاد گذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ...> به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه الله> نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۸

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست

، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

اخلاص صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱ - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر... إلا على ربّ العلمین

استعدادهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۲

۲ قوم ثمود ، معترف به ویژگی های مثبت و استعدادی خاص در صالح (ع)

قالوا يصلح قد كنت فينا مرجوا قبل هذا

استمداد صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۲

۲ - فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود .

قال ربّ انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبر پس از نوح از سوی خداوند

قال ربّ انصرنی .. قال عمّا قليل لیصبحنّ ندمین

<عن> در <عَمَّا قَلِيلٍ> به معنای <بَعْد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قَلِيلٍ> نیز صفت <ما> است، یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عَمَّا قَلِيلٍ> متعلق به <يَصْبِحَنَّ> و <إِصْبَاحٍ> (مصدر يَصْبِحَنَّ) به معنای صیوررت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۱

۱ - نزول عذابی فراگیر بر نخستین جامعه پس از نوح، در پی استمداد پیامبر آنان از خداوند

قال ربّ

انصرنی . . . فأخذتهم الصيحه

اشراف قوم ثمود و صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۲،۵

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملائه الذين استكبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین . . . > وصفی احترازی باشد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائه الذين استكبروا من قومه . . . أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

اصلاح طلبی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۶

۶ - اصلاح جامعه و از میان بردن فساد ، از اهداف صالح (ع)

و أطيعون . و لا تطيعوا أمر المسرفين . الذین یفسدون فی الأرض و لا یصلحون

اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۱

۲۱ صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لا تمسوها بسوء

اطمینان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۷

۱۷ افزایش اطمینان صالح (ع) به زیان کاری کافران نمود ، تنها دستاورد اصرار آنان بر انصراف او از دعوت به توحید

فما تزیدوننی غیر تخسیر

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است

که <تخسیر> به معنای نسبت دادن خسارت و تباهی باشد، همانند تکفیر و تفسیق که به معنای نسبت دادن کفر و فسق می باشد. بر این مبنا، فاعل <تخسیر> حضرت صالح(ع) است و مفاد جمله <فما تزدوننی...> چنین خواهد شد: آنچه اصرار شما بر ترک دعوت به توحید، بر من می افزاید این است که شما را در خسارت و تباهی ببینم.

اظهار بی اطلاعی از قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۷

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لَوْلِيَهٗ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكُ أَهْلِهٖ وَ إِنَّا لَصٰدِقُونَ

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

اظهار خیرخواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۵

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

اعتماد به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <أمین> می تواند

از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>؛ (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

اعجاز خلقت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۴

۴ - آفرینش ناقه صالح، به طور غیرعادی و خارج از اسباب و علل طبیعی بود.

ناقه الله

از آن جا که همه موجودات، مملوک خدایند، اضافه <ناقه> به نام جلاله <الله>، بیانگر ویژگی آن است و از دخالت مستقیم خداوند، در پیدایش آن حکایت دارد.

اعجاز شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح، معجزه و باقی ماندن آن، براساس علل و عوامل طبیعی بود.

ناقه الله و سقیها .. فعقروها

اعراض از اندازهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۶

۶ - مردم جامعه پس از نوح، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند.

قال رب انصرنی بما کذبون

التجای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - التجای پیامبر پس از نوح به درگاه پروردگار ، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

ظرف <قال> محذوف است ، یعنی ، <قال بعد ما ایس من ایمانهم> . <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه
(موصول حرفی)

(است. بنابراین <بما کذبون> به تأویل <بتکذیبهم ایای> می باشد.

۴ - التجای فرستاده الهی پس از نوح به درگاه پروردگار ، برای نزول عذاب استیصال

قال رب انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما کذبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای <الذی> بوده و عاید آن محذوف است؛ یعنی، <رب انصرنی بالذی کذبونی به> (پرودگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیبم کردند، یاری فرما).

امانتداری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۳،۶

۳ - تأکید صالح (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق شده باشد.

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید صالح(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

امتحان با شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۱

۱ - فرستادن ناقه صالح به سوی قوم ثمود ، وعده الهی برای آزمایش ایشان

إِنَّا مَرَّسَلْنَا نَاقَةَ

انبیای بعد از صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۱

۱ - تاریخ ، شاهد بعثت پیامبران ، پس از نابودی قوم ثمود

ثُمَّ أَنشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرُونًا ۖ أَخْرَيْنَ ۖ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا

<تترا> به معنای پیامی آمدن است. گفتنی است که <تترا> در این آیه، مصدر به معنای فاعل است که در محل نصب و حال است برای <أرسلنا> می باشد. بنابراین تقدیر آن چنین است: <ثُمَّ أَرْسَلْنَا جَائِنًا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ> (پس فرستادگان خود را یکی پس از دیگری، روانه کردیم).

انذارهای صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا بر حذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أَتْنَهْنَا أُن نَعْبُدُ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۶

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لَاتَمْسُوهُا بِسَوْءِ فِئَاخِذِكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدارهای صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز

<عقر> گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - پیامبر پس از نوح (هود یا صالح) ، قوم خود را به عواقب شوم شرک‌ورزی هشدار داد .

ما لکم من إله غیره أفلاتتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۲

۲ - انذار پیوسته مردم به معاد ، از سوی پیامبر جامعه پس از نوح

هیئات هیئات لما توعدون

به کارگیری فعل مضارع، بیانگر این نکته است که پیامبران جامعه پس از نوح، مردم را مستمراً نسبت به مسأله قیامت و معاد، بیم می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۵

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال ، از سوی پیامبر پس از نوح

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱،۴

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان ، نسبت به رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لاتمشوها بسوء . . . یوم عظیم

<مس> (مصدر <لامتسوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادل آسب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند؛ یعنی، مبادا به او گزندى برسانید.

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لاتمسوها بسوء فيأخذكم عذاب يوم عظيم

اهانت به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۸

۸ - تحقیر پیامبر پس از نوح و توهین به او ، از سوی اشراف و سران قومش

ما هذا إلا بشر مثلكم

به کارگیری <هذا> که برای اشاره به نزدیک است بیانگر نوعی توهین و تحقیر نسبت به پیامبر و مقام رسالت او است.

اهداف صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۲ - ۶

۶ - اصلاح جامعه و از میان بردن فساد ، از اهداف صالح (ع)

و أطيعون . و لاتطيعوا أمر المسرفين . الذين يفسدون في الأرض و لا يصلحون

اهمیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم ءايه

اضافه <ناقه> به <الله> بیانگر برداشت فوق است.

اهمیت معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۷

۱۷ ناقه صالح آیه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آيه

اضافه <ناقه> به <الله> بيانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۲

۲ ناقه صالح ، آيه و معجزه ای بزرگ و دارای اهمیتی خاص بود .

هذه ناقه الله لكم آيه

اضافه <ناقه> به <الله> علاوه بر اینکه اشاره به پیدایش ناقه صالح بدون جریان علل عادی دارد ، گویای عظمت و بزرگی ناقه نیز می باشد.

ایمان به صالح(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۶، ۴، ۲

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال المأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین ... > وصفی احترازی باشد. یعنی مأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۴ گروهی از مستضعفان قوم ثمود رسالت صالح (ع) را تصدیق کرده و به وی ایمان آوردند .

للذین استضعفوا لمن ءامن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <منهم> به <الذین> در <للذین استضعفوا> برگردد، نه به <قومه>. در این صورت <لمن ءامن> بدل بعض از کل برای <للذین استضعفوا> است و مفاد آن تقسیم مستضعفان به دو طایفه مؤمنان و غیر مؤمنان خواهد بود.

۶ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال المأ .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۶ - ۴

۴ - اشراف جامعه پس از نوح ، نگران گرایش توده مردم به پیامبرشان

هیئات هیئات لما توعدون

تأکیدهای مکرر اشراف و اصرار شدید آنان بر دروغ بودن ادعاهای پیامبر جامعه پس از

نوح، حکایت از آن دارد که وحشت آنان از این بود که مبادا توده های مردم، تحت تأثیر سخنان آن پیامبر قرار گرفته و به او گرایش پیدا کنند.

ایمان خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لَنبِئْتَهُ وَاٰهْلَهُ

برادری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۴

۴ - موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰی ثَمُوْدَ اٰخَاهُمْ صٰلِحًا

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطف و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

بشارت به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۲

۲ - نزدیک بودن زمان نزول عذاب ، نوید خداوند به نخستین پیامبر پس از نوح

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحَنَّ نَدِمِينَ

بشر بودن صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسخرين

<مسخر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۲

۲ - حضرت صالح (ع) چونان دیگر مردمان ، دارای تمامی خصوصیات بشری

ما أنت إلا بشر مثلنا

بی اعتنایی به هشدارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵ - باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم
ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فكذبوه فعقروها

بی تأثیری انذارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لا تمسوها بسوء... فعقروها

<عَقْرُوهُ> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <اصبحوا> معادل <صاروا> است.

بینات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال يقوم أرىتم إن كنت على بينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۱

۱۱- رسولان الهی با دلایل و براهین روشن در میان اقوام مختلف و از جمله قوم نوح ، عاد و ثمود ، مبعوث شدند .

جاءتهم رسلهم بالبینت

بینش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد : در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک

دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

پشیمانی مکذبان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۳

۳ - پشیمانی سخت تکذیب گران پیامبر جامعه پس از نوح ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال

قال عمّا قليل لیصبحنّ ندمین

تاریخ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۹ - ۹

۹ فاصله زمانی میان عصر شعیب با عصر نوح ، هود و صالح (ع) زیاد بوده است .

مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صلح و ما قوم لوط منکم ببعید

از اینکه شعیب(ع) از میان اقوام یاد شده تنها قوم لوط را به نزدیک بودن با مردم مدین (عصر خویش) توصیف کرد ، برداشت فوق استفاده می شود.

تبلیغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۴

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتكم رساله ربي و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این

راه تلاش بسیار نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرک‌ورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أَتْنَهِنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۳

۳ - تأکید صالح (ع) بر امانت داری خویش در ابلاغ پیام الهی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <أمین> از ریشه <أمانه> (مقابل <خیانه>) مشتق شده باشد.

تشکل مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۸ - ۳

۳ - فسادگران مخالف صالح ، سازمان یافته در نه گروه

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون في الأرض

تشویقهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۵

۵ - تشویق قوم ثمود از سوی صالح (ع) به استغفار و آمرزش خواهی از خداوند ، به جای شتاب‌ورزی در بدی ها

يقوم لم تستعجلون بالسيئه . . . لولا تستغفرون الله

تطير به پيروان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پيروان او، از سوی کافران ثمود

قالوا اَطَّيرنا بک و بمن معک

<تطير> (مصدر <اطيرنا>) مقابل تَفأل و به معنای فال بد زدن است؛ یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن.

بنابراین <اطیّرنا بک و بمن معک> یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

تطیر به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او، از سوی کافران ثمود

قالوا اَطیّرنا بک و بمن معک

<تطیر> (مصدر <اطیّرنا>) مقابل تَفأل و به معنای فال بد زدن است؛ یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیّرنا بک و بمن معک> یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

تعالیم صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۰، ۵

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

۲۰ طلب بخشایش گناهان از خدا، حرکت به سوی او و استغفار از شرک، توصیه ها و پیام های صالح (ع) به قوم ثمود

قال یقوم .. فاستغفروه ثم توبوا إلیه

تکذیب برتری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۳

۳ - قوم ثمود، هرگونه امتیاز صالح (ع)، بر ایشان را منکر بودند.

فقالوا أبشراً منا وحدًا ننبّعه

برداشت بالا در صورتی است که تعبیر <منا> نه برای بیان هم خونی و نژادی؛ بلکه در مقام تأکید بشر بودن و معمولی بودن و امتیاز نداشتن باشد، مضافاً بر این که قید <واحداً> نیز می تواند

تأکید دوباره ای بر عدم امتیاز باشد.

تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون < صالح (ع) > ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

ألقى الذكر عليه من بيننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۱

۱ - دلجویی خداوند از صالح پیامبر (ع) ، در قبال تکذیب ها و اتهام های قومش نسبت به ایشان

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

تلاش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعوننا إليه

فعل مضارع < تدعو > دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۲

۲ - تلاش صالح (ع) برای بازداشتن قوم خویش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

ولا تطيعوا أمر المسرفين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۸

۸ - تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال يقوم لم تستعجلون .. لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

توطئه علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۴

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان

بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و كان في المدينة تسعة رهط .. تقاسموا بالله لنيبته و أهله

نه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است؛ با این حال برای از میان بردن صالح باهم متحد شدند.

توطئه قتل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۴،۷

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون .. قالوا تقاسموا بالله لنيبته و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <تبییتن>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و كان في المدينة تسعة رهط .. تقاسموا بالله لنيبته و أهله

نه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است؛ با این حال برای از میان بردن صالح باهم متحد شدند.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله و إنا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

تهدیدهای صالح(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۶

۶ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، پاسخی بود به ناباوری آنان نسبت به تحقق تهدید های صالح (ع)

ائتنا بما تعدنا .. فأخذتهم الرجفة

از حقایقی که در آیه قبل مطرح شده و می تواند <أخذتهم الرجفة> بر آن مترتب باشد، ناباوری قوم ثمود به تهدیدهای حضرت صالح(ع) است، که از جمله <ائتنا بما تعدنا> به دست می آید.

تهمت به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - دلجویی خداوند از صالح پیامبر (ع) ، در قبال تکذیب ها و اتهام های قومش نسبت به ایشان

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

۴ - متهم کنندگان صالح (ع) به دروغ گویی و خودخواهی ، خود دروغ گویان و خودخواهان واقعی اند .

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

تهمت تکبر به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو كذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت جادوزدگی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرين>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

تهمت جنون به صالح (ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنما أنت من المسحّرين

<مسحّر> (مفرد <مسحّرين>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

تهمت دروغگویی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح ، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملائم من قومه .. إن هو إلا رجل افتري ... و ما نحن له بمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۶

۶ - مردم جامعه پس از نوح ، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند .

قال رب انصرنی بما کذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

تهمت شومی به پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او، از سوی کافران ثمود

قالوا اَطَّيرنا بكَ و بمن معكَ

<تطير> (مصدر <اطيرنا>) مقابل تفأل و به معنای فال بد زدن است؛ یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و

بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیرنا بک و بمن معک> یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

تهمت شومی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱،۳

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او، از سوی کافران ثمود

قالوا اَطیرنا بک و بمن معک

<تطیر> (مصدر <اطیرنا>) مقابل تَفأل و به معنای فال بد زدن است؛ یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اطیرنا بک و بمن معک> یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

۳ - پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع)، زمینه بدیمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فإذا هم فریقان یختصمون .. قالوا اَطیرنا بک

احتمالاً آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که در پی دعوت صالح(ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

تهمت قدرت طلبی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع)، در ادعای پیامبری

بل هو کذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

چرای شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذرانند .

فدروها

تأكل في أرض الله

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فدروها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب أليم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فدروها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأكل في أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزاد گذاری آن برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ... > به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه الله > نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴۸

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فدروها تأكل في أرض الله

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأكل في

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

حامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۴

۴ - حمایت خدا از صالح پیامبر (ع)، در سرنوشت سازترین مراحل و در اوج مکر کافران

لنبيته و أهله .. و مكروا مكرا و مكرنا مكرا و هم لايشعرون

حیات شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۶

۶ - پیدایش ناقه صالح، معجزه و باقی ماندن آن، براساس علل و عوامل طبیعی بود.

ناقه الله و سقيها .. فعقروها

خاستگاه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۴

۴ - صالح پیامبر (ع)، برخاسته از میان قوم ثمود و دارای پیوند نژادی با آنان

فقالوا أبشراً منا وحاداً

احتمال دارد تعبیر <منا>، نظر به هم خونی و پیوند قومی و نژادی داشته باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

خواسته های صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۰

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذرانند .

فذرورها تأكل في أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۳

۳ صالح)

ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذرورها تأکل فی أرض الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لکم رسول أمين . فاتقوا الله و اطیعون

تفریح < اتقوا الله > بر < إِنِّي لکم رسول أمين > می تواند مفید این مطلب باشد .

خوشنامی صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۶

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إِنِّي لکم رسول أمين

تأکید صالح (ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد .

خویشاوندان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح(ع) ، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صالحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحاً

قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطف است، لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطف داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۳

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ - صالح (ع) ، پیامبری از نژاد ثمودیان و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إذ قال لهم أخوهم صلح

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی صالح(ع) با قومش و نیز تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

خویشاوندی قوم ثمود با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۳

۳ - رابطه خویشاوندی صالح پیامبر با قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

قید <أخاهم> هر چند کنایه از رحمت و عطف است؛ لکن با توجه به این که این تعبیر در مورد برخی از پیامبران به کار نرفته است با این که همه پیامبران نسبت به قومشان رحمت و عطف داشته اند می توان گفت واژه یاد شده اشاره

به پیوند خویشاوندی نیز دارد.

خیرخواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۴

۴ - موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلی ثمود أخاهم صلحًا

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطف و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

درخواست اطاعت از صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

درخواست معجزه از صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۶

۶ - ثمودیان ، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند .

فَأْتِ بَثَايَهٗ إِن كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إِنَّا مَرْسَلُوۡا النَّاقَهٗ

جمله <إِنَّا مَرْسَلُوۡا النَّاقَهٗ> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده

و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

دروغگویی مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۹

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لَنبِئْتَهُ و أَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لَوْلَئِهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكُ أَهْلِهِ

دشمنان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۲

۲ - پیشگامی سران و اشراف جامعه پس از نوح ، در مخالفت با پیامبرشان

و قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ

دشمنی با خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لَنبِئْتَهُ و أَهْلَهُ

دشمنی با شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۲

۲ - ناقه صالح ، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسوها بسوء

دشمنی با صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۴ - ۱

۱ - مبارزه اشراف جامعه پس از نوح با پیامبرشان ، در چهره خیر اندیشی و مصلحت طلبی برای مردم

و لئن أطعتم بشرًا .. لخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۱

۱ - بدبخت ترین فرد قوم ثمود ، به طغیان در برابر رسول الهی تحریک شد .

بطغویها . إذ انبعث أشقیها

<بعث>، به معنای برانگیختن چیزی و جهت دادن به آن است (مفردات). <انبعاث> مطاوعه

آن و به معنای تحریک شدن و ارسال و روانه شدن است. <شقاوه> نقطه مقابل <سعاده> است و مانند آن به <اخروی و دنیوی> و <نفسانی و بدنی و خارجی> تقسیم می شود. (مفردات)

دعوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۳، ۵، ۶

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم، دعوت خویش را آغاز کرد.

قال يقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله

۱۳ صالح پیامبر، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۲، ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند.

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند.

فاذکروا ءالاء الله

<الاء> جمع <إلی> و به معنای نعمتهاست.

دعوت های صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ حضرت صالح (ع)، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أَتْنَهْنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

استفهام در <أَتْنَهْنَا أَنْ نَعْبُدُ...> استفهام توییخی است.

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید و یکتاپرستی

أَتْنَهْنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

فعل مضارع <يعبد< گویای این است که مخاطبان صالح، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إليه

فعل مضارع <تدعو< دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع)، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری او

و إنا لفي شك مما تدعونا إليه مريب

<مريب< (تردیدافکن) صفت برای <شك< است و متعلق آن به قرینه جمله <قد كنت فينا مرجوًا< خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إنا لفي...>؛ یعنی، ما در درستی تعالیم تو شك داریم، آن چنان شکی که باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردید کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را، به پذیرفتن رسالت وی، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إني لكم رسول أمين

واژه <أمین> می تواند از ریشه <أمن> و به معنای <مأمون>؛ (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید

دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۱

۱ - فراخوانی مجدد صالح ثمودیان را برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

دلایل آزادی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۸

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذروها تأكل في أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

دلایل نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۸، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم آية

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق

العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاء تکم بینه من ربکم

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاء تکم بینه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاء تکم> برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع) ، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائکة الذین استکبروا من قومه .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال یقوم اریتم ان کنت علی بینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱

۱ پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی ، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و یقوم هذه ناقه الله لکم ءایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال لهم رسول الله ناقة الله

اضافه < ناقه > به < الله > پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

دلداری به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - دلجویی خداوند از صالح پیامبر (ع) ، در قبال تکذیب ها و اتهام های قومش نسبت به ایشان

سِیَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكُذَّابِ الْأَشْر

دلسوزی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۴

۴ صالح (ع) ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۲،۶

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <أَلَا تَتَّقُونَ> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۸

تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال يقوم لم تستعجلون .. لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

رحمت به صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید.

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

رسالت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعونا إليه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۸

۸ صالح (ع)، موظف به ابلاغ توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی بود.

إن كنت علی بینه من ربی .. فمن ینصرنی من الله إن عصيته

جمله <إن عصيته> (اگر خداوند را نافرمانی کنم) می رساند که جمله ای همانند <و أمرنی یابلاغ رسالاته> قبل از <فمن ینصرنی> در تقدیر است. بر این اساس، حاصل معنای <إن كنت ...> چنین می شود: [شما خود قضاوت کنید] اگر من پیامبر باشم و خداوند مرا به ابلاغ رسالتهایی فرمان داده باشد، اگر نافرمانی کنم و به ابلاغ رسالتهای الهی همّت نگمارم، چه کسی

مرا از عقوبت های الهی نجات خواهد داد؟

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۱

۱ - تأکید صالح (ع) بر رسالت الهی خویش برای قومش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۲

۲ - فرستادگان الهی (هود و صالح) ، مبلغ توحید در میان قوم عاد و ثمود

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرِّسَالُ .. أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

روش برخورد صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أروءيتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۴

۴ - موضع صالح (ع) در میان جامعه خود ، موضعی برادرانه و خیرخواهانه

و لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً

واژه <أخاهم> چه دلالت بر خویشاوندی داشته باشد یا نداشته باشد، در هر صورت عطف و رحمت صالح پیامبر را نسبت به قومش می رساند.

روش برخورد مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۹

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبيته و أهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله

روش تبليغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۵

۵ توجه دادن مردم به نعمت های الهی و

سرنوشت پیشینیان ، از روش های تبلیغی صالح (ع) برای گرایش دادن آنان به پرستش خدای یگانه

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء .. فاذکروا ءالاء اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۳

۳ صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و یقوم هذه ناقه الله

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از مهربانی و عطف دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ - سخن دلسوزانه صالح (ع) با ثمودیان ، در دعوت آنان به تقوا و پرهیز از گناه

إذ قال لهم أخوهم صلح ألا تتقون

وجود لحن مشفقانه در تعبیر <ألا تتقون> (آیا نمی خواهید تقوا پیشه کنید)، بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱

۱ - بشر بودن صالح پیامبر (ع) ، بهانه قوم ثمود ، برای تکذیب رسالت آن حضرت

فقالوا أبشراً منا وحدًا نتبعه

زیان به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۳ - ۴

۴- قطعی شدن عذاب بر ثمودیان ، پس از آسیب رساندن به ناقه صالح

و فی ثمود إذ قیل لهم تمّتعوا حتّی حین

سختی عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۵

۵- عملی ساختن قتل ناقه صالح ، امری دشوار برای قوم ثمود

فنادوا صاحبهم

از این که قوم ثمود، برای عملی ساختن توطئه خویش، به فرد خاصی مراجعه کردند، استفاده می شود که آنان یا بیم داشتند که شخصاً وارد عمل شوند و یا توان جسمی آن کار را نداشتند.

سرزنش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۷

۷ حضرت صالح (ع)، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أَتْنَهْنَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا

استفهام در <أَتْنَهْنَا أَنْ نَعْبُدُ ..> استفهام توییحی است.

سرزنشهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶ - ثمودیان، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

استفهام در جمله <أَلَا تَتَّقُونَ> می تواند برای توییح و سرزنش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۵

۵ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) به خاطر غفلت آنان از مرگ و بی توجهی به ناپایدار بودن امکانات دنیایی

أَتْرَكُونَنِي مَا هِنَا ءَامِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع)، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در <أترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده

و به تقدیر <أو تنحتون..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۱

۱ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر بدکرداری آنان

قال يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

استفهام در <لم تستعجلون..> و <لولا تستغفرون> استفهام توییخی است.

سهم آب شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۷، ۶، ۴، ۳، ۱

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود ، میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و تَبَيَّنْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ

۳ - اختصاص یافتن سهمی از آب سرزمین ثمود به ناقه صالح ، برای ایشان دشوار بود و مایه امتحان برای آنان

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ .. أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه درصدد تدارک زمینه امتحانی است که در آیه قبل با تعبیر <فتنه> آمده است.

۴ - اختصاص یافتن نیمی از آب سرزمین ثمود ، به ناقه صالح (ع) *

أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ

ظاهر این است که عبارت <قسمه بینهم> نظر به قسمت مساوی داشته باشد زیرا در غیر آن صورت باید سهم، مشخص می شد.

۶ - قوم ثمود ، موظف به رعایت قانون و تجاوز نکردن به سهم ناقه از آب

كُلُّ شَرْبٍ مُحْتَضَرٌ

۷- مجاز نبودن قوم ثمود ، برای حضور در کناره های آب در زمان اختصاص یافته به ناقه صالح

قسمه بینهم کلّ شرب محتضر

ظاهراً واژه <محتضر> علاوه بر دخالت نکردن هر یک در سهم دیگری، این معنا را نیز افاده می کند که حتی

حضور یافتن هر کدام در کنار نهر یا چشمه، محدود به زمان خاص خودشان بود.

شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۵،۱۶

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم آية

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱۰

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) قال: إن رسول الله (ص) سأله جبرئيل (ع): ... فقال: يا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلى قومه . . . قالوا: يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل . . . فسأل الله تعالى صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلك الجبل . . . ثم لم يفجأهم إلا رأسها . . . ثم خرج سائر جسدها ثم استوت قائمه على الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . . . جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه

که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پر کرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۱، ۱۳

۱۱- تقاضای قوم ثمود در اعطای معجزه مورد نظرشان (ناقه = شتر ماده) از سوی خداوند اجابت شد .

و ءاتینا ثمود الناقه

۱۳- قوم ثمود ، نسبت به معجزه الهی (ناقه) عکس العمل ناروا داشته و با آن ظالمانه برخورد کردند .

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره فظلموا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۳

۳ - ناقه (شتر ماده) ، معجزه صالح پیامبر

قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۲

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إنا مرسلوا الناقه

جمله <إنا مرسلوا الناقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <الناقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناچه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فقال

لهم رسول الله ناقة الله

اضافه <ناقه> به <الله> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

شتر صالح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقة قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقة .. و ما نرسل بالآیت إلا تخویفاً

شرك ستیزی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۶،۷،۸

۶ صالح (ع) ، مردمان را از پرستش غیر خدا بر حذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد ..> استفهام توییخی است.

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد كنت فينا مرجواً قبل هذا أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

شك در صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

شک در نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷- ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

صالح(ع) قبل از نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۶۱ - ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلى ثمود أخاهم صلحًا

مراد از اخوت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا يصلح قد كنت فینا مرجوًا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قد كنت ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع) و اعلام توحید و لزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

صالح(ع) و خواسته های قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹،۱۵

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود.

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

۱۵ صالح (ع)، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را، مایه خسارت و تباهی خویش دانست.

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

صالح(ع) و قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۴،۱۳

۴ صالح (ع)، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

۱۳ صالح پیامبر، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۲،۱۶

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند.

فاذکروا إلاء الله

<الاء> جمع <إلى> و به معنای نعمتهاست.

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عشی یعیثی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۲

۲ صالح (ع) با دروغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲۵، ۲۰، ۴، ۳

۳ خویشاوندی صالح (ع) با قوم ثمود

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح(ع)، برادر قوم ثمود بود (أخاهم صلحاً) می تواند اشاره ای باشد به خویشاوندی صالح(ع) با قوم ثمود.

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاهم صلحاً

مراد از اخوت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

۲۰ طلب بخشایش گناهان از خدا ، حرکت به سوی او و استغفار از شرک ، توصیه ها و پیام های صالح (ع) به قوم ثمود

قال یقوم .. فاستغفروه ثم توبوا إلیه

۲۵ > جاء رجل من أهل الشام إلی علی بن الحسین (ع) فقال : أنت علی بن الحسین ؟ قال : نعم ، قال : أبوک الذی قتل

المؤمنین ؟ ... فقال : ویلک کیف قطعت علی أبی أنه قتل المؤمنین ؟ قال : قوله : إخواننا قد بغوا علينا فقاتلناهم علی

بغیهم . فقال : ویلک أما تقرأ القرآن ؟ قال : بلی . قال : فقد قال الله تعالی ... > و إلى ثمود أخاهم صالحاً < أفکانوا إخوانهم فی دینهم أو فی عشیرتهم ؟ قال له الرجل : لا بل فی عشیرتهم . قال (ع) : فهؤلاء إخوانهم فی عشیرتهم و لیسوا إخوانهم فی دینهم ... /

مردی از اهل شام نزد علی بن الحسین (ع) آمد و گفت: تو علی بن الحسین هستی؟ فرمود: آری. او گفت: پدرت کسی است که مؤمنین را کشت ...، فرمود: وای بر تو چگونه حکم قطعی کردی که پدرم مؤمنین را کشت؟ آن شخص گفت: سخن او (أمیرالمؤمنین (ع)) که گفت: برادران ما علیه ما سرکشی کردند، پس ما هم به خاطر این سرکشی با آنان جنگ کردیم؟ فرمود: وای بر تو! آیا قرآن نمی خوانی؟ گفت: چرا، فرمود: خداوند می فرماید: >... و إلى ثمود أخاهم صالحاً < آیا صالح برادر دینی قوم ثمود بود یا برادر فامیلی آنان؟ گفت: برادر فامیلی آنان بود. فرمود: اینان نیز برادران فامیلی بودند نه برادران دینی <...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أراء یتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح (ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۳،۴،۵،۸

۳ صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و

يقوم هذه ناقة الله

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از مهربانی و عطف دارد.

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقة را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذروها تأكل في أرض الله

۵ صالح (ع) ، بر حذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقة

و لا تمسوها بسوء

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقة برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقة الله .. فذروها تأكل في أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین خدا> در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقة برای چریدن بود؛ یعنی ، چون ناقة از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناقة را از چریدن باز دارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۴

۴ - صالح پیامبر (ع) ، برخاسته از میان قوم ثمود و دارای پیوند نژادی با آنان

فقالوا أبشراً منا وحدًا

احتمال دارد تعبیر <منا>، نظر به هم خونی و پیوند قومی و نژادی داشته باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

صالح(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أريتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

صالح(ع) و گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۹

۹ صالح)

ع) به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار و مستحق عذاب الهی خواهد بود.

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

صالح(ع) و مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود.

يقوم أریتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

صبر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع)، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا النّاقه .. فارتقبهم و اصطبر

صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ - صالح (ع)، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إنّی لکم رسول أمين . فاتّقوا الله و اطيعون

تفریع <اتّقوا الله> بر <إنّی لکم رسول أمين> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فَأْتِ بَنِيَّ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

صفات جسمانی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۵

- ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

عاقِر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۴،۶،۸،۹

۴ - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود ، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

۶ - کشنده ناقه صالح ، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود ، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل *

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های <فتعاطی> و <فعقر> با <فاء> ، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

۸ - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح ، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه <عقر> (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

۹ - > عن أصبغ بن نباته ، قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) . . . يقول : إنما يجمع الناس الرضا والغضب ، أيها الناس إنما عقر ناقه ثمود واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آیه ذلك قوله جلّ وعزّ > فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر < . . . ؛

اصبغ بن نباته گوید: از امیرالمؤمنین(ع) شنیدم. .. که می فرمود: رضایت و غضب مردم [به امری که انجام می گیرد] سبب می شود [که ثواب و عقاب آن] همه را فراگیرد. ای مردم! ناقه ثمود را یک نفر پی کرد؛ ولی خداوند همه آن قوم را گرفتار عذاب کرد؛ زیرا همه راضی

بودند و نشانه این مطلب قول خدای جلّو عزّ است که می فرماید: فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۵

۵ - همدستان کشنده ناقه صالح ، شریک جرم او و مبتلا به عذابی همسان

فتعاطی فعقر .. فکانوا کھشیم المحتظر

مفرد بودن <فعقر> می رساند که کشنده ناقه یک نفر بود ولی تعبیر <أرسلنا علیهم> افاده می کند که عذاب الهی علاوه بر کشنده ناقه شامل همه کسانی بود که به صورت غیر مستقیم، نوعی هم فکری و هماهنگی با وی داشته اند.

عظمت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۵

۵ - ناقه صالح ، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم *

قال هذه ناقه لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۳

۳ - ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه الله

استناد <ناقه> به <الله> و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

عقر شتر صالح (ع)

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱،۲،۴

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْرٌ> به جراحی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا یصلح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلین

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فأخذکم عذاب أليم) بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذین استکبروا .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فأخذتهم> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و . . .

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۱

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <فَعَقَرُوا النَّاقَةَ> در آیه ۷۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۱، ۳، ۴، ۶، ۸

۱ - توطئه قوم ثمود، برای از میان بردن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم فتعاطی فعقر

۳ - تصمیم بدون اندیشه و به دور از تدبیر قوم ثمود، در از میان بردن معجزه الهی (ناقه) *

فنادوا صاحبهم

به کار رفتن <فاء> در <فنادوا> به جای <ثم> یا حرف دیگر احتمال دارد بیانگر بی تأملی قوم ثمود در کشتن ناقه باشد.

۴ - انتخاب فردی خاص و استمداد از او از سوی قوم ثمود، برای کشتن ناقه صالح

فنادوا صاحبهم

۶ - کشنده ناقه صالح، پذیرای پیشنهاد قوم ثمود، در کشتن ناقه بدون هیچ تأمل *

فتعاطی فعقر

کاربرد عبارت های <فتعاطی> و <فعقر> با <فاء>، بیانگر عدم تراخی در قبول و سرعت در عملی ساختن قتل ناقه می باشد.

۸ - تحقق توطئه کشتن ناقه صالح، به وسیله فردی واحد

فعقر

واژه <عقر> (به صورت مفرد) می رساند که هر چند جمع کثیری در توطئه قتل ناقه شرکت داشتند، اما اجرای آن به وسیله فردی واحد صورت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۲ - ۷

۷ - > عن عبد الله بن زمعه قال : خطب رسول الله (ص

(فذكر الناقه و ذكر الذی عقرها فقال : < إذ انبعث أشقاها > قال : انبعث لها رجل عارم عزیز منبع فی رهطه ؛

عبدالله بن زمعه روایت کرده که رسول خدا(ص) خطبه خواند و از ناقه [ثمود] او کسی که آن را پی کرد، سخن گفت و فرمود: [خداوند فرموده] <إذ انبعث أشقاها> مردی برای پی کردن ناقه [صالح] تحریک شد که زشت خو و مردم آزار و در قبیله خود عزیز و مورد حمایت بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۲

۲ - قوم ثمود ، ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

فَعَقَرُوهَا

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: <عَقَرْتُ> (صحاح اللغه). گاهی فعل <عقر> در موردی به کار می رود که آن را <نحر> کرده باشند. (مصباح)

عمل به تکلیف صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعوننا إليه

فعل مضارع <تدعو> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

عوامل تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - انکار بُعد معنوی انسان و منحصر پنداشتن او در بعد حیوانی (چون خوردن و آشامیدن) ، عامل تکذیب رسالت پیامبر پس از نوح ، از سوی اشراف

ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون منه و يشرب مما تشربون

تکيه اشراف

برخوردن و آشامیدن برای انکار رسالت پیامبرشان، نشانگر این حقیقت است که آنان، انسان را موجودی در حد حیوان می پنداشتند و منکر بعد معنوی او بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۸

۸ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله < كذبت ثمود بطغواها > يقول الطغيان حملها على التكذيب ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <كذبت ثمود بطغواها> روایت شده که [خداوند] می فرماید: طغیان و سرکشی، قوم ثمود را به تکذیب [صالح] کشاند.

عوامل نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۲

۲ - پابندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجينا الذين ءامنوا و كانوا يتقون

جمله <كانوا يتقون> ماضی استمراری است؛ یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

فضایل صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۴

۴ صالح (ع) ، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۶

۶ صالح ، پیامبری دلسوز و خیرخواه مردم

و نصحت لکم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاهم صلحًا

مراد از اخوت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱،۲

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قد کنت...> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع) و اعلام توحید و لزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

۲ قوم ثمود ، معترف به ویژگی های مثبت و استعدادی خاص در صالح (ع)

قالوا یصلح قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۶

۶ - صالح (ع) ، شخصیتی خوشنام و امانت دار در میان ثمودیان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

تأکید صالح(ع) بر امین بودن خود، در صورتی ثمربخش است که وی از پیشینه ای همراه با خوشنامی و امانت داری برخوردار باشد.

فلسفه تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۵

۵ - برخورداری صالح (ع) از ویژگی های

بشری ، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسحّرين

<مسحّر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۳،۴

۳- ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

۴- برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی ، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قوم ثمود ، مدعی ارزش خواهی و سعادت جویی ، در تکذیب پیامبری صالح (ع)

إنا إذا لفي ضلل و سحر

قوم ثمود با گفتن <إنا إذا..>، در حقیقت مدعی بودند که ما اکنون در گمراهی و شقاوت نیستیم و چنانچه از صالح(ع) پیروی کنیم، گمراه و تیره بخت خواهیم شد و ما گمراهی و تیره بختی را برای خویش نمی پسندیم.

فلسفه معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان

به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه . . . و ما نرسل بالآیت إلا تخویفًا

قبول هشدارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومش را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

ألا تتقون . إني لكم رسول أمين

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون>؛ (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۷

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدارهای صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

فَعَقَرُوهَا

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۷ > عن أبي عبدالله (ع) (في حديث قوم صالح) . . . قالوا : اعقروا هذه الناقه . . . ثم قالوا : من الذي يلي قتلها و نجعل له جعلاً - ما أحب ، فجاءهم رجل . . . شقى من الأشقياء . . . فجعلوا له جعلاً . . . فقعد لها في طريقها فضربها بالسيف ضربه فلم تعمل شيئاً فضربها ضربه أخرى فقتلها . . . و أقبل قوم صالح فلم يبق أحد منهم إلا

شرکه فی ضربته ... فأوحى الله تبارك و تعالى إلى صالح (ع) ... قل لهم : إني مرسل عليكم عذابي إلى ثلاثة أيام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صدقت عنهم ... فأتاهم صالح (ع) فقال لهم : ... يا قوم إنكم تصبحون غدأ و وجوهكم مصفره واليوم الثانی وجوهكم محمره واليوم الثالث وجوهكم مسوده ... ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او] گفتند: این شتر را از پای در آورید ... سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیا بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب] آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت...ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ قوم ثمود، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند.

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح، از ستمگری های قوم ثمود بود.

و أخذ الذين ظلموا الصيحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود، معلوم می شود ظلم در <الذين ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح، علی رغم هشدار وی

و لاتمسوها بسوء... فعقروها

<عَقْرُوا> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <أصبحوا> معادل <صاروا> است.

۳ - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا ندمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - > عن علی (ع) :...: إنما عقرو ناقه ثمود رجل واحد فعّمهم الله بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه > فعقروها فأصبحوا ندمین <...;

از حضرت علی(ع) روایت شده است:.. پی کنندۀ نفاقہ قوم ثمود یک نفر بود؛ در حالی کہ خداوند عذاب را بر ہمہ آنان فرستاد؛ چون آنان بہ عمل آن

یک نفر راضی بودند. خداوند سبحان می فرماید: <فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

فَعَقَرُوهَا فَاصْبِحُوا نَادِمِينَ . فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ

قداست شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۳

۳ - ناقه صالح ، حیوانی با عظمت و دارای حرمتی ویژه در پیشگاه خداوند

ناقه الله

استناد <ناقه> به <الله> و عنایت ویژه به آزار ندیدن آن و توصیه به دستبرد نزدن مردم به سهمیه آب آن، بیانگر احترام و ارج مندی خاص آن حیوان، در نزد خداوند است.

قصه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۱۵، ۱۳، ۶، ۵، ۳، ۱

۱ صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

<إلى ثمود> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً.

۳ وجود رابطه خویشاوندی میان صالح و قوم ثمود

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

۵ صالح (ع) با برانگیختن عواطف مردم، دعوت خویش را آغاز کرد.

قال يقوم

۶ دعوت به پرستش خدای یکتا، مهمترین و نخستین پیام صالح (ع) برای قوم ثمود

قال يقوم اعبدوا الله

۱۳ صالح پیامبر، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینہ من ربکم

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و

علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لكم ءايه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاء تکم بينه من ربکم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاء تکم> برای توقع باشد.

۲۰ صالح از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذرانند .

فدروها تأکل فی أرض الله

۲۱ صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فدروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب أليم

۲۳ آزادی ناقه صالح برای چریدن ، در تضاد با منافع قوم ثمود

فدروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء

نهی از آزار رساندن به ناقه پس از فرمان به رها ساختن آن در علفزارها، گویای این است که تحمل ناقه آزاد برای قوم ثمود آسان نبوده و با منافع آنان در تضاد بوده است.

۲۵ مالکیت خدا بر زمین ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاری ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فدروها تأکل فی أرض الله

انتساب زمین به خداوند (أرض الله) پس از انتساب ناقه به او (ناقه الله) استدلالی است از سوی صالح بر لزوم آزاد گذاری آن

برای چریدن. یعنی چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست، روا نیست از چریدن بازداشته شود. تفریع جمله <ذروها ... > به وسیله فاء بر جمله <هذه ناقه الله > نیز دلالت بر این معنا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۶، ۱۲، ۴، ۳

۳ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا نعمت خلافت و سکونت گزیدن در سرزمین حجر را نعمتی از جانب خدا بدانند و آن را همواره به خاطر داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا سرنوشت شوم قوم عاد را همواره به یاد داشته باشند .

و اذکروا إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

۱۲ صالح (ع) از مردم خویش خواست تا همواره تمامی نعمت های الهی را به خاطر داشته باشند .

فاذکروا ءالاء الله

<الاء > جمع <إلی > و به معنای نعمتهاست.

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا > از <عثی یعنی عثوا > است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱، ۵، ۲، ۱

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال المأ الذين استكبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که >الذين .

.. < وصفی احترازی باشد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع)، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملأ الذین استکبروا من قومه .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح، تلاشی بی ثمر بود.

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود، در پاسخ مستضعفان، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند.

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاک ساختند.

فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتُوا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عُقِرَ> به جراحی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت.

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف

بر <فَعَقَرُوا النَّاقَةَ> در آیه ۷۷ است.

۲ صالح (ع) با دروغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال يقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتكم رساله ربی و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه تلاش بسیار نمود.

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۳، ۶

۶ صالح (ع)، مردمان را از پرستش غیر خدا برحذر می داشت و علیه شرکورزی قوم ثمود مبارزه می کرد .

أتنهنا أن نعبد ما يعبدون

۱۳ تلاش مستمر و بیوقفه صالح (ع) در انجام رسالت خویش

مما تدعوننا إليه

فعل مضارع <تدعون> دلالت بر استمرار دعوت دارد که از آن به تلاش مستمر تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۴، ۱۵، ۹

۹ صالح (ع) به مردم خویش اعلام کرد: در صورت پذیرش خواسته آنان (ترک دعوت به توحید) گنه کار

و مستحق عذاب الهی خواهد بود .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود .

فمن ینصرنی من الله إن عصيته فما تزیدوننی غیر تخسیر

<فء> در <فما تزیدوننی .. > فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنهننا...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

۱۵ صالح (ع) ، توجه کردن به درخواست کافران قومش (ترک ابلاغ توحید) را ، مایه خسارت و تباهی خویش دانست .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

<تخسیر> به معنای خسارت زدن می باشد و فاعل آن قوم ثمود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱۰، ۸، ۶، ۵، ۴

۴ صالح (ع) از قوم خویش خواست تا ناقه را برای چریدن آزاد بگذارند .

فذررها تأکل فی أرض الله

۵ صالح (ع) ، برحذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

۶ صالح (ع) ، قوم خود را در صورت آزاررسانی به ناقه و بازداشتن آن از چرا ، به عذابی زودرس هشدار داد .

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب قریب

۸ مالکیت خداوند بر چراگاهها ، دلیل صالح (ع) بر لزوم آزاد گذاشتن ناقه برای چریدن در هر کجای زمین

هذه ناقه الله .. فذررها تأکل فی أرض الله

تعبیرهای <ناقه خدا> و <زمین

خدا > در حقیقت استدلال صالح(ع) بر لزوم آزادگذاری ناقه برای چریدن بود، یعنی ، چون ناقه از آن خداست و زمین نیز از آن اوست ، روا نیست ناقه را از چریدن باز دارید.

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) قال : إن رسول الله (ص) سأله جبرئيل (ع) : . . . فقال : يا محمد (ص) ان صالحاً بعث إلى قومه . . . قالوا : يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبها ميل . . . فسأل الله تعالى صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلك الجبل . . . ثم لم يفجأهم إلا رأسها . . . ثم خرج سائر جسد ها ثم استوت قائمه على الأرض . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . . . جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ کافران قوم ثمود، با نادیده گرفتن هشدارهای صالح (ع)، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند.

فَعَقَرُوها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است؛ به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند.

فَعَقَرُوها فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

۳ قوم ثمود، پس از کشتن ناقه صالح، بیش از سه روز مهلت ماندن در دنیا و بهره بردن از متاع آن را نداشتند.

فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

۷ > عن أبي عبد الله (ع) (في حديث قوم صالح) ... قالوا: اعقروا هذه الناقة ... ثم قالوا: من الذي يلي قتلها و نجعل له جعلاً- ما أحب، فجاءهم رجل ... شقى من الأشقياء ... فجعلوا له جعلاً ... فقعد لها في طريقها فضربها بالسيف ضربه فلم تعمل شيئاً فضربها ضربه أخرى فقتلها ... و أقبل قوم صالح فلم يبق أحد منهم إلا شركه في ضربته ... فأوحى الله تبارك و تعالی إلى صالح (ع) ... قل لهم: إني مرسل عليكم عذابي إلى ثلاثة أيام فإنهم تابوا و رجعوا قبلت توبتهم و صدقت عنهم .. فأتاهم صالح (ع) فقال لهم: ... يا قوم إنكم تصبحون غداً و

وجوهکم مصفرّه والیوم الثانی وجوهکم محمّره والیوم الثالث وجوهکم مسوده ... ;

از امام صادق(ع) [در داستان قوم صالح] روایت شده که [قوم او] گفتند: این شتر را از پای در آورید ... سپس گفتند: چه کسی داوطلب کشتن آن می شود ما برای او دستمزدی که دلخواهش باشد قرار می دهیم. پس مردی که از اشقیا بود، نزد آنان آمد ... و دستمزدی برای او قرار دادند. پس آن مرد در راه شتر کمین کرد و ضربتی بر آن وارد کرد که کارساز نبود و با ضربتی دیگر او را کشت ... و قوم صالح آمدند و تمامی آنها [با پرداخت اجرت] در ضربه ای که آن مرد زده بود، خود را سهیم کردند ... پس خدا به صالح وحی کرد که به آنان بگو من تا سه روز عذاب خود را بر شما خواهم فرستاد. پس اگر [در این سه روز] آنان توبه کردند و برگشتند، توبه آنها را می پذیرم و از [عذاب] آنان منصرف می شوم ... پس صالح نزد قومش آمد و گفت...ای قوم! فردا صبح صورتهای شما زرد می شود و روز دوم سرخ و روز سوم سیاه می گردد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۲،۳،۵،۶

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم ثمود بر شرکورزی و انکار رسالت صالح (ع) ، عذابی سخت بر آنان نازل کرد .

فلما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم ثمود است. اضافه آن به ضمیر <نا> حاکی از بزرگی آن عذاب می باشد.

۳ عذاب نازل شده بر قوم

ثمود، عذابی ذلت آور و خوار کننده بود.

نَجِّينَا صٰلِحًا .. و من خزی یومئذ

۵ گروهی از قوم ثمود، توحید را پذیرفتند و به رسالت صالح (ع) ایمان آوردند.

نَجِّينَا صٰلِحًا و الذین ءامنوا معه

۶ خداوند، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رها کنید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت.

نَجِّينَا صٰلِحًا و الذین ءامنوا معه .. و من خزی یومئذ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۱

۱ - فرستاده الهی پس از نوح، متهم به دروغ گویی از سوی اشراف و عناصر مرفه قومش

و قال الملائم من قومه .. ان هو الا رجل افتري ... و ما نحن له بمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۹ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ - التجای پیامبر پس از نوح به درگاه پروردگار، پس از ناامیدی از تأثیر تبلیغاتش در مردم

قال رب انصرنی بما کذبون

ظرف <قال> محذوف است، یعنی، <قال بعد ما ایس من ایمانهم>. <باء> در <بما کذبون> سببیه و <ما> مصدریه (موصول حرفی) است. بنابراین <بما کذبون> به تأویل <بتکذیبهم ایّای> می باشد.

۲ - فرستاده الهی پس از نوح خواستاری یاری خدا در برابر تکذیب گری های قومش بود.

قال رب انصرنی بما کذبون

۴ - التجای فرستاده الهی پس از نوح به درگاه پروردگار، برای نزول عذاب استیصال

قال رب انصرنی بما کذبون

<باء> در <بما كذَّبون> می تواند برای آلیت باشد. در این صورت <ما> اسم موصول و به معنای

<الذی> بوده و عاید آن محذوف است، یعنی، <رَبِّ انصُرْنِی بِالذِّی کَذَّبُونِی بِهِ> (پرودگارا! مرا با همان چیزی که [دروغش پنداشتند و] تکذیب کردند، یاری فرما).

۵ - هشدار قبلی مردم به عذاب استیصال، از سوی پیامبر پس از نوح

قال رَبِّ انصُرْنِی بَمَا کَذَّبُون

۶ - مردم جامعه پس از نوح، هشدار عذاب را جدی نگرفتند و فرستاده الهی را به دروغ گویی متهم کردند.

قال رَبِّ انصُرْنِی بَمَا کَذَّبُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۰ - ۱

۱ - استجابت دعای (نصرت خواهی) پیامبر پس از نوح از سوی خداوند

قال رَبِّ انصُرْنِی .. قال عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحَنَّ نَدْمِين

<عن> در <عَمَّا قَلِيلٍ> به معنای <بعد> و <ما> نکره موصوفه و کنایه از <زمان> می باشد. <قلیل> نیز صفت <ما> است، یعنی، <بعد زمان قلیل>. <عَمَّا قَلِيلٍ> متعلق به <يُصْبِحَنَّ> و <إِصْبَاحٍ> (مصدر یُصْبِحَنَّ) به معنای صیوروت و شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۱

۱ - تکذیب رسالت صالح (ع) از سوی قوم ثمود

كذبت ثمود المرسلين

عده ای مفسران برآنند که <ثمود> نام جد اعلای قوم صالح می باشد. بنابراین تسمیه آن قوم به ثمود از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۶

۶- ثمودیان ، مورد سرزنش صالح (ع) به خاطر بی تقوایی و گنه پیشگی

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

استفهام در جمله <أَلَا تَتَّقُونَ> می تواند برای توبیخ و سرزنش

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۳ - ۲،۵

۲ - فراخوانی صالح (ع) قومه را ، به پذیرفتن رسالت وی ، اعتماد کردن به او و جدی گرفتن هشدارهایش

أَلَا تَتَّقُونَ . إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

واژه <آمین> می تواند از ریشه <آمن> و به معنای <مأمون> (یعنی، فرد مورد اعتماد) باشد. بنابراین آوردن این قید دعوتی است از جانب صالح(ع) که به او اعتماد کنند و به سخنانش گوش فرا دهند و هشدارهایش را جدی بگیرند.

۵ - تصریح صالح (ع) بر خیرخواهی خود و تضمین منافع ثمودیان در پرتو رسالت خویش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

برداشت یاد شده، با توجه به قید <لکم> (همراه با لام انتفاع) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۱،۲

۱ - دعوت مجدد صالح (ع) از ثمودیان برای رعایت تقوای الهی و پرهیز از گناه

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ . . . فَاتَّقُوا اللَّهَ

۲ - صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱ - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر . . . إلا على ربّ العلمين

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۹ - ۴

۴ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتاً فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در <أترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۱ - ۲

۲ - تلاش صالح (ع) برای بازداشتن قوم خویش از اطاعت اسراف گران و متجاوزان

و لاتطیعوا أمر المسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۱،۲،۳،۵

۱ - اتهام جنون و سحرزدگی به صالح (ع) از سوی ثمودیان

قالوا إنما أنت من المسخرین

<مسخر> (مفرد <مسخرین>) به کسی گفته می شود که به شدت افسون شده باشد.

۲ - موضع گیری خصمانه ثمودیان در برابر نصیحت های صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرین

چنان که گفته شد، <مسخر> به کسی گفته می شود که به شدت گرفتار سحر و افسون شده است. این تهمت سخت، بیانگر عمق دشمنی ثمودیان با صالح(ع) است.

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرین

بیان رفاه مندی، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را،

کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

۵- برخورداری صالح (ع) از ویژگی های بشری، دستاویز ثمودیان در رد رسالت وی

قالوا إنما أنت من المسخرين

<مسخر> می تواند مشتق از <سحر> باشد. <سحر> نیز مرادف <رئه> (شش) است. بنابراین واژه <مسحر> به معنای موجود دارای شش است که از خصوصیات بشری می باشد. گفتنی است برپایه این معنا، آیه بعد، توضیح و تفسیر همین تعبیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴،۵،۶،۷

۴- برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا.. ما أنت إلا بشر مثلنا

تعبیر <مثلنا> می تواند به معنای مثلیت در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

۵- ثمودیان، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصدقين

۶- ثمودیان، ایمان به صالح را منوط به ارائه معجزه ای از سوی او می دانستند.

فأت بئایه إن كنت من الصدقين

۷- ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش، تردید داشتند.

فأت بئایه إن كنت من الصدقين

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱،۴

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع)، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه . . . قال هذه ناقه ... شرب یوم معلوم

۴ - آب آشامیدنی منطقه ثمود، یک روز به ناقه صالح اختصاص داشت و یک روز به خود ثمودیان .

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

<شرب> به یک نوبت از آب گفته می شود تقدیر آیه چنین است: <لها شرب یوم معلوم و لکم شرب یوم معلوم / نوبتی از آب در روزی معین از آن او و نوبتی از آن در روزی معین از آن شما است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱،۲،۳،۴

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان، نسبت به رساندن هر گونه گزندی به ناقه

و لاتمسوها بسوء ... یوم عظیم

<مس> (مصدر <لا-تمسوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادل آسب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می کند، یعنی، مبادا به او گزندی برسانید.

۲ - ناقه صالح، در معرض کینه و دشمنی ثمودیان

و لاتمسوها بسوء

۳ - اختصاص یافتن نوبتی از آب به ناقه، موجب ناخرسندی ثمودیان *

لها شرب و لکم شرب یوم معلوم . و لاتمسوها بسوء

با توجه به ارتباط آیه بالا با آیه پیش، احتمال می رود که تقسیم آب، زمینه بداندیشی و نارضایتی را در میان ثمودیان، نسبت به ناقه پدید آورده باشد و <لاتمسوها> هشدار به این موضع گیری است.

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع)

، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لا تمسوها بسوء فإخذكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۱،۲،۳،۸

۱ - اقدام ثمودیان به پی کردن ناقه صالح ، علی رغم هشدار وی

و لا تمسوها بسوء ... فعقروها

<عقر> (مصدر <عقروا>) به معنای پی کردن و <أصبحوا> معادل <صاروا> است.

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است:
<فعقروها فرأوا اشراف العذاب فأصبحوا نادمین؛ ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند>.

۳ - هم دلی و هم گامی ثمودیان در کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین

با توجه به این که ناقه صالح، تنها به وسیله یک تن از ثمودیان پی شد، جمع آمدن <عقروا> و نیز <أصبحوا نادمین>، می رساند که همه قوم ثمود در کشتن ناقه دست داشتند و یا بدان راضی بودند.

۸ - > عن علی (ع) : ... : إنَّما عقر ناقه ثمود رجل واحد فعَمَّهم الله بالعذاب لماعموه بالرضی فقال سبحانه > فعقروها فأصبحوا نادمین < ... ;

از حضرت علی(ع) روایت شده است: .. پی کننده ناقه قوم ثمود یک نفر بود؛ در حالی که خداوند عذاب را بر همه آنان فرستاد؛ چون آنان به عمل آن یک نفر راضی بودند. خداوند سبحانه می فرماید: <فعقروها فأصبحوا نادمین> ...>.

جلد - نام سوره - سوره -

۱ - سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر بدکرداری آنان

قال يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

استفهام در <لم تستعجلون..> و <لولا تستغفرون> استفهام توبيخی است.

۸ - تلاش دلسوزانه صالح (ع) برای رفع گرفتاری ها از قوم خویش و جلب رحمت الهی برای آنان

قال يقوم لم تستعجلون .. لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اتهام شومی و نامبارکی به صالح پیامبر (ع) و پیروان او ، از سوی کافران ثمود

قالوا اظيرنا بك و بمن معك

<تظير> (مصدر <اظيرنا>) مقابل تفاعل و به معنای فال بد زدن است؛ یعنی، چیزی یا کسی را مایه شومی و بدبختی خود انگاشتن. بنابراین <اظيرنا بك و بمن معك> یعنی، ما تو و پیروانت را مایه بدبختی خود می دانیم.

۳ - پدید آمدن دو دستگی و خصومت های اجتماعی در پی دعوت صالح (ع) ، زمینه بدیمن خوانده شدن وی از سوی کافران

فاذا هم فريقان يختصمون .. قالوا اظيرنا بك

احتمالاً آنچه کافران به عنوان شومی و نامبارکی از آن یاد کرده اند، همان دو دستگی و اختلافات اجتماعی باشد که در پی دعوت صالح (ع) و پیدایش مؤمن و کافر به وجود آمده بود.

۴ - مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان بود ، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او .

قال طرکم عند الله بل انتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم..> یعنی، آنچه که

باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد؛ بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل أنتم قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

۱۰ - برخورد های خصمانه ثمودیان با صالح پیامبر (ع) ، ناشی از فریب آنان توسط عوامل خدعه گر

بل أنتم قوم تفتنون

<تفتنون> می تواند از <فتنه> به معنای خدعه و فریب باشد. بنابراین <تفتنون> معادل <تخدعون> است؛ یعنی، این سخنان از خود شما نیست؛ بلکه عناصری مرموز و خدعه گر آنها را به شما تلقین کرده و شما را فریب می دهند. آیه بعد این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۸ - ۳

۳ - فسادگران مخالف صالح ، سازمان یافته در نه گروه

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱،۲،۴،۵،۶،۷،۹

۱ - توطئه و هم قسمی گروه های نه گانه فسادگر ، برای قتل شبانه صالح (ع) و خانواده اش

و كان في المدينة تسعة رهط يفسدون .. قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله

<تقاسم> (مصدر <تقاسموا>) به مشارکت کردن در قسم و <تبییت> (مصدر <نبیتن>) به سوء قصد شبانه گفته می شود.

۲ - فسادانگیزی گروه های نه گانه مخالف صالح ، علی رغم اظهار اعتقادشان به خدا

يفسدون في الأرض

.. قالوا تقاسموا بالله

سوگند خوردن به خدا، حکایت از نوعی باور به خدا دارد.

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی ، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و كان في المدينة تسعة رهط .. تقاسموا بالله لنبئته و أهله

نه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است؛ با این حال برای از میان بردن صالح باهم متحد شدند.

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنبئته و أهله

۶ - توطئه گران علیه صالح ، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبئته و أهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولی دم، نشانگر نگرانی آنان است.

۷ - چاره اندیشی توطئه گران علیه صالح ، برای انکار جنایت خویش و گریز از قصاص یا پرداخت خونبها

ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله و إنا لصدقون

طرح اظهار بی خبری از قتل صالح(ع) و خانواده وی، نشان می دهد که گروه های مزبور می اندیشیده اند تا راهی پیدا کنند و در نتیجه آن از خونخواهی ولی دم یا پرداخت خونبها شانه خالی کنند.

۹ - دروغ و تزویر ، وسیله ای در دست مخالفان صالح برای پیشبرد اهداف خویش

لنبئته و أهله ثم لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك أهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبئته و

أهله .. و مکروا مکراً

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً> آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنا دمرنهم و قومهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجینا الذین ءامنوا

۲ - پابندی مستمر مؤمنان ثمود به تقوا و پرهیز از گناه ، عامل نجات آنان از عذاب الهی

و أنجینا الذین ءامنوا و كانوا یتقون

جمله <كانوا یتقون> ماضی استمراری است؛ یعنی، راز نجات مؤمنان در تقوای مستمر آنان نهفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۴

۴ - تأکید قوم ثمود بر دروغ گویی ، قدرت طلبی و خودخواهی صالح (ع) ، در ادعای پیامبری

بل هو کذاب أشر

<أشر> به معنای متکبر و خودخواه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - قوم ثمود ، تقاضامند معجزه ای (ناقه) از صالح پیامبر (ع)

إِنَّا مَرسلُوا النّاقه

جمله <إِنَّا مَرسلُوا النّاقه> در مقام وعده و اخبار از آینده است. <الف و لام> در <النّاقه> برای عهد بوده و اشاره به همان معجزه مورد درخواست قوم ثمود دارد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۱

۱ - تقسیم آب در سرزمین قوم ثمود ، میان ایشان و ناقه صالح ، به فرمان خداوند

و تَبَّئَهُمْ أَنْ الْمَاءِ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۵

۵ - بهره مند ساختن ناقه صالح از آب آشامیدنی ، دارای برنامه ای خاص بود .

و سقیها

<سَيِّقِي> و <سَيِّقِيَا>، به معنای در اختیار نهادن نوشیدنی است (مفردات) و <سَيِّقِيَا> اسم مصدر برای <سَيِّقِي> می باشد (العین). اضافه این کلمه به ضمیر <ناقه> و نیز بر حذر داشتن قوم ثمود از بی توجهی به آن، نشانه آن است که مردم درباره آب آشامیدنی ناقه، وظیفه خاصی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - > عن ابن نُبَّاتَه قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : .. أيتها الناس إنما عقر ناقه صالح واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آیه ذلك قوله عز وجل > .. فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسویها ... >

أَصْبَغَ بن نُبَّاتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین(ع) که بر منبر کوفه می فرمود: >.. ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پی کرد؛ ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد؛ چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزوجل است >...فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسواها...<.

قوم ثمود و تکذیب صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

قوم ثمود و شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۱

۲۱ صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۱،۲

۱ کافران قوم ثمود ، با نادیده گرفتن هشدار های صالح (ع) ، ناقه او را پی کردند و آن را هلاک ساختند .

ففقروها

<عقر> (مصدر عقروا) در اصل به معنای پی کردن شتر و قطع پاهای آن با شمشیر است، به نحر کردن و کشتن شتر نیز <عقر> گفته می شود.

۲ قوم ثمود ، با پی کردن ناقه صالح و از میان بردن آیت رسالت او ، عذاب الهی را برای خویش قطعی ساختند .

ففقروها فقال تمتعوا فی دارکم ثلاثه ایام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱

۱ قوم ثمود ، بدون بهره گرفتن از مهلت سه روزه ، از کشتن ناقه اظهار ندامت نکردند و بر شرک‌ورزی و انکار رسالت صالح (ع)

ع) اصرار ورزیدند .

فلما جاء أمرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶،۷،۸

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر

و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ... فارتقبهم و اصطر

۷- تذکر خداوند به صالح (ع)، برای آماده بودن در قبال عکس العمل ناشایست قوم ثمود پس از مشاهده معجزه

فارتقبهم و اصطر

امر <فارتقبهم و اصطر> در حقیقت تذکر به صالح(ع) است که انتظار نداشته باشد قوم حق ستیز ثمود با دیدن معجزه او، دست از عناد و لجاج بردارند؛ بلکه [شایسته است] وی به نظارت بنشیند و آماده عکس العمل های ناروای آنان باشد و خویشتن داری کند.

۸- اخبار الهی از برخورد های توطئه آمیز و مخفیانه قوم ثمود، در برابر معجزه الهی *

فارتقبهم

با توجه به این که در واژه <فارتقب> ریزنگری و نظارت دقیق نهفته است، احتمال می رود این فرمان، در مقام بیان حرکت های مرموز قوم ثمود در برابر معجزه ای باشد که برای آنان عطا خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۲

۲- نارضایتی قوم ثمود، از وجود ناقه و سهمیه بندی آب

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ... فنادوا صاحبهم

<فاء> در <فنادوا> تصمیم قتل ناقه را متفرع بر <أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ> کرده است؛ یعنی، چون چنین قانونی وضع شد، آنان بر آشفتمند و کمر به قتل ناقه بستند.

قوم ثمود و صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا يصلح قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قد كنت ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع) و اعلام توحید و لزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

۲ قوم ثمود ، معترف به ویژگی های مثبت و استعدادی خاص در صالح (ع)

قالوا يصلح قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا

۳ قوم ثمود ، صالح (ع) را به خاطر ویژگی ها و استعدادهایش ، مایه ترقی و تعالی آن قوم می دانستند .

قد كنت فينا مرجوًا

۷ حضرت صالح (ع) ، مورد اعتراض و سرزنش قوم ثمود به خاطر فراخوانی آنان به یکتاپرستی و نفی خدایان دروغین

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

استفهام در <أتنهنا أن نعبد ..> استفهام توییخی است.

۸ قوم ثمود ، امید های خویش درباره صالح (ع) را به خاطر مبارزه او علیه شرک ، بر باد رفته می دیدند .

قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

قید <قبل هذا> دلالت بر قطع امید قوم ثمود از صالح(ع) دارد و جمله <أتنهنا> بیانگر دلیل و علت آن است.

۹ پایبندی به آداب و رسوم پدران و نیاکان ، از انگیزه های مخالفت قوم ثمود با صالح (ع) و تعالیم او

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

مراد از <ما>

بتها و معبودهای پنداری مشرکان است. توصیف آنها با جمله <يعبدوا بآؤنا> اشاره به علت حکم قبل (نعبد) دارد؛ یعنی، ما بتها را می پرستیم، چون پدرانمان آنها را می پرستند.

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع)، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری او

و إنا لفي شك مما تدعونا إليه مريب

<مريب> (تردیدافکن) صفت برای <شك> است و متعلق آن به قرینه جمله <قد كنت فينا مرجوًا> خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إنا لفي...>؛ یعنی، ما در درستی تعالیم تو شك داریم، آن چنان شکی که باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردید کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ کفرپیشگان قوم ثمود از صالح (ع) می خواستند که از ادعای خویش دست بردارد و از فراخوانی مردم به توحید منصرف شود.

فمن ينصرني من الله إن عصيته فما تزيدوني غير تخسير

<فاء> در <فما تزيدوني...> فای فصیحه است و حاکی از جمله ای مقدر می باشد و به قرینه <أتنهنا...> در آیه قبل مفاد آیه چنین است: بنابراین اگر به خواسته شما (ترک ابلاغ توحید) گردن نهم، شما جز خسارت زدن چیزی بر من نخواهید افزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۱

۱ - ثمودیان، منکر هرگونه امتیاز و شایستگی صالح (ع)، برای رسالت الهی

قالوا... ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۲

۲ - قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان ، پیوسته با دعوت پیامبران خود به مخالفت برمی خاستند .

مثل دأب قوم نوح . . . و الذین من بعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۳

۳ - قوم ثمود ، هرگونه امتیاز صالح (ع) ، بر ایشان را منکر بودند .

فقالوا أبشراً منا وحدًا نتبعه

برداشت بالا در صورتی است که تعبیر <منا> نه برای بیان هم خونی و نژادی بلکه در مقام تأکید بشر بودن و معمولی بودن و امتیاز نداشتن باشد، مضافاً بر این که قید <واحداً> نیز می تواند تأکید دوباره ای بر عدم امتیاز باشد.

قوم ثمود و نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

کفر به نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلین

کفر به نوبت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند

قال الذين استكبروا إنا بالذی ءامنتم به كفرون

کیفر اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر اضرار به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض الله و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب ألیم

کیفر توطئه علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنا دمرنهم و قومهم أجمعین

کیفر عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - > عن ابن نُبَاتَه قال : سمعت أمير المؤمنين (ع) على منبر الكوفة يقول : ... أيتها الناس إنما عقر ناقة صالح واحد فأصابهم الله بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله عز وجل > .. فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسويها ... < ;

أضيق بن نُبَاتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین (ع) که بر منبر کوفه می فرمود: > .. ای مردم! همانا ناقة صالح را یک نفر [از قوم ثمود] پی کرد؛

ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد؛ چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزوجل است <...فعقروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسواها...>.

کیفر قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان ، در پی کشتن ناقه صالح

فعقروها .. فأخذهم العذاب

کیفر هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، بر قوم ثمود به جهت کشتن ناقه ، عذابی فراگیر نازل کرده ، اعضای بدن آنان را از هم متلاشی ساخت .

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

اطلاق <دمدمه> که بر پوشاندن و فراگیری دلالت دارد بر هلاکت ثمودیان، به جهت آن بود که خداوند، آنان را با عذاب و هلاکت پوشاند (مقایس). جمله <دمدمت الشیء> که گاهی با حرف <علی> و گاهی بدون آن استعمال می شود (قاموس) زمانی کار برد دارد که چیزی را به زمین کوبیده و آن را شکسته و قطعه های آن را پراکنده سازند. (صحاح اللغه)

گناه عقر شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۹

۹ - کشتن ناقه صالح ، گناهی بزرگ و دامنگیر تمام ثمودیان

فدمدم علیهم ربهم بذنبهم

بزرگی گناه قوم ثمود، از کیفر سنگین آنان به دست می آید.

مبارزه با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

مبارزه اشراف کفرییشه ثمود با صالح (ع)، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائه الذین استکبروا من قومہ .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۴

۴ - مبارزه با صالح پیامبر و از میان بردن وی، محور اتحاد و همکاری گروه های فسادگر علی رغم داشتن اختلاف

و کان فی المدینہ تسعہ رهط .. تقاسموا بالله لنبیتہ و أهله

نه گانه بودن گروه های مزبور، خود دلیل تمایزات و وجود نقطه های افتراق میان آنان است، با این حال برای از میان بردن صالح باهم متحد شدند.

مبارزه با مکر مخالفان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۲

۲ - مقابله خداوند با حيله و نیرنگ مخالفان صالح

و مکرنا مکرًا

محافظت از شتر صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم حفاظت از ناقه صالح و رعایت برنامه شرب آن، دستوری از جانب خداوند بود.

فقال لهم رسول الله ناقه الله و سقیها

وصف <رسول الله>، نشانگر الهی بودن دستور است.

محدوده رسالت صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲

۲ رسالت صالح (ع) در محدوده قوم ثمود

و إلى ثمود أخواهم صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۲

۲ رسالت صالح (ع)

، محدود به قوم ثمود بود .

و إلى ثمود أخاهم صلحًا

مخاطبان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ جوانان و میانسالان قوم ثمود ، مخاطبان اصلی حضرت صالح (ع) در دعوت به توحید و یکتاپرستی

أتنهنا أن نعبد ما يعبد ءاباؤنا

فعل مضارع <يعبد> گویای این است که مخاطبان صالح ، کسانی اند که پدرانشان زنده بودند و به پرستش خدایان مشغول بودند.

مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۳

۳ - مخالفت همگانی قوم نوح ، عاد و ثمود با پیامبرانشان (نوح ، هود و صالح)

و ان یکذبوک فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

مخالفت با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مردمداری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۴

۴ صالح (ع)، پیامبری دلسوز و با محبت نسبت به مردم خویش (قوم ثمود)

و إلی ثمود أخواهم صلحاً

تصریح به اینکه صالح برادر قوم ثمود بوده است، می تواند اشاره به این باشد که وی برای آنان، حتی پیش از نبوتش، انسانی دلسوز بوده و نسبت به آنان محبت داشته است.

مزد رسالت صالح(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۱

۱ - تصریح صالح (ع) ، به نداشتن کمترین چشمداشت مادی از مردم در قبال رسالت خویش

و ما أسئلكم عليه من أجر .. إلا على ربّ العلمین

مسئولیت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ مبارزه با شرک ، از وظایف اصلی صالح (ع)

قال یقوم اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إنّا مرسلوا الناقه .. فارتقبهم و اصطبر

معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۳

۱۳ صالح پیامبر ، دعوت کننده قوم ثمود به توحید با تکیه بر دلیل و معجزه ای آشکار از جانب خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره قد جاء تکم بینه من ربکم

۱۵ خداوند بدون جریان اسباب و علل عادی ، شتری آفرید تا معجزه ای باشد بر اثبات رسالت صالح (ع)

هذه ناقه الله لکم ءایه

چون ناقه نشانه ای بر رسالت صالح(ع) بود، معلوم می شود به گونه ای خارق العاده به وجود آمده بود.

۱۶ ناقه صالح ، شاهد و دلیلی آشکار بر حقانیت رسالت آن حضرت

قد جاء تکم بینه من ربکم

۱۸ قوم ثمود در انتظار دلیل و معجزه ای از جانب خداوند برای

اثبات رسالت صالح (ع)

قد جاء تكلم بينه من ربكم

برداشت فوق بر این اساس است که <قد> در <قد جاء تكلم> برای توقع باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۵

۵ مبارزه اشراف کفرپیشه ثمود با صالح (ع)، علی رغم مشاهده معجزه و دلیل روشن بر رسالت آن حضرت

قال الملائه الذين استكبروا من قومه .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱

۱ صالح (ع)، برخوردار از معجزه و دلیلی روشن بر پیامبری خویش

قال يقوم أرى إني كنت على بينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۱، ۱۰

۱ پیدایش شتری به اراده خداوند و بدون جریان اسباب و علل عادی، معجزه صالح (ع) برای اثبات رسالت خویش

و يقوم هذه ناقه الله لكم آيه

۱۰ > عن أبي جعفر (ع) قال: إن رسول الله (ص) سأله جبرئيل (ع): ... فقال: يا محمد (ص) ان صلحاً بعث إلى قومه .

.. قالوا: يا صالح ادع لنا ربك يخرج لنا من هذا الجبل الساعة ناقه حمراء شقراء وبراء عشراء بين جنبيها ميل . . . فسأل الله تعالى

صالح ذلك فانصدع الجبل صدعاً . . . ثم اضطرب ذلك الجبل . . . ثم لم يفجأهم إلا رأسها . . . ثم خرج سائر جسدها ثم

استوت قائمه على

از امام باقر(ع) روایت شده است که رسول خدا از جبرئیل [درباره قوم صالح] سؤال فرمود ، . . . جبرئیل گفت: ای محمد! صالح به سوی قومش مبعوث شد ... به او گفتند: ای صالح! برای ما از پروردگارت بخواه که همین لحظه از این کوه شتری بیرون آورد قرمز پررنگ و پرکرک که ده ماه از حملش گذشته و بین دو پهلویش یک میل فاصله باشد ... آن گاه صالح این را از خدا خواست و کوه شکاف بزرگی برداشت ... سپس به لرزه درآمد ... ناگهان سر شتر از کوه بیرون آمد ... سپس باقی جسدش خارج شد و روی زمین ایستاد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فأت بئایه إن كنت من الصدقین

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إن> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۱،۳

۱ - پاسخ مثبت صالح (ع) ، به معجزه خواهی ثمودیان

فأت بایه .. قال هذه ناقه ... شرب یوم معلوم

۳ - ناقه (شتر ماده) ، معجزه صالح پیامبر

قال هذه ناقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش

در برابر معجزه (ناقه)

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ .. فَاذْقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۲

۲ - ناقه صالح ، معجزه الهی و نشانه رسالت آن حضرت بود .

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ

اضافه <ناقه> به <اللّه> پس از بیان رسالت صالح(ع) بیانگر معجزه بودن آن برای اثبات رسالت او است.

مقامات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱

۱ صالح (ع) ، از پیامبران و رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا .. و إلى ثمود أخاهم صلحاً

<إلى ثمود> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه بیست و پنجم است؛ یعنی: لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند ، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

مکذبان صالح(ع)

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) رسالت حضرت صالح (ع) را مورد تکذیب قرار دادند .

و لقد کذب أصحاب الحجر المرسلین

برداشت فوق بنابراین احتمال است که مراد از < المرسلین > حضرت صالح (ع) باشد که پیامبر قوم ثمود بود و جمع آورده شدن < المرسلین > می تواند به این دلیل باشد که آن قوم با تکذیب صالح (ع)

در حقیقت همه انبیای الهی را مورد تکذیب قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۱ - ۱

۱ - تکذیب رسالت صالح (ع) از سوی قوم ثمود

کذبت ثمود المرسلین

عده ای مفسران بر آنند که <ثمود> نام جد اعلای قوم صالح می باشد. بنابراین تسمیه آن قوم به ثمود از باب تسمیه یک قبیله به نام نیای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۱،۳

۱ - ثمودیان ، منکر هر گونه امتیاز و شایستگی صالح (ع) ، برای رسالت الهی

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

۳ - ویژگی های بشری صالح (ع) ، مانع از رسالت وی در دیدگاه ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۸ - ۴

۴ - دو قوم عاد و ثمود ، پیامبرانی داشتند و آنان را تکذیب کردند .

و إلى مدین أخاهم شعیباً .. فکذبوه فأخذتهم الرجفه...و عادًا و ثمودًا و قد تبی

به قرینه سیاق، احتمال دارد که جمله، حذف به ایجاز داشته باشد، یعنی، چنین باشد: <و لقد أرسلنا إلى عاد و ثمود رسلهم

فکذبوهم فأخذتهم الرجفه>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۳ - ۴

٤ - > عن أبي بصير عن أبي عبدالله (ع) قال : قلت له : < كذبت ثمود بالنذر ... > قال هذا كان بما كذبوا صالحاً ... ;

أبي

بصیر از امام صادق(ع) درباره آیه <كذّبت ثمود بالنذر.. > سؤال نمود... امام فرمود: این زمانی بود که صالح(ع) را تکذیب کردند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قوم صالح ، رسالت او را تکذیب کرده ، فرمان رعایت ناقه و شرب آن را دروغ انگاشتند .

فکذبوه

مکر علیه خانواده صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله . . و مکروا مکراً

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً> آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند.>

مکر علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه و أهله . . و مکروا مکراً

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً> آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند.>

مکر علیه مخالفان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۲

۲ - مقابله خداوند با حيله و نيرنگ مخالفان صالح

و مکرنا مکرًا

مکر مخالفان صالح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - تلاش در جهت کشتن

انبیا و محو پیام آنان ، بارزترین نمود فسادگری در زمین

يفسدون في الأرض .. قالوا تقاسموا بالله لنبیتته

از این که خداوند از میان همه فسادگری های گروه های مورد بحث، تصمیم ایشان به قتل پیامبر را مطرح ساخته است، معلوم می شود که این تصمیم، خطرناک ترین و خائنانه ترین برنامه ای است که می تواند از سوی مفسدان عملی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۱

۱ - مکر و حيله مخالفان صالح پیامبر علیه وی و خانواده اش

قالوا تقاسموا بالله لنبیتته و أهله .. و مکروا مکراً

متعلق <مکروا> حذف شده و تقدیر آن با توجه به آیه قبل چنین است: <و مکروا به و بأهله مکراً> آنان علیه او و خانواده اش خدعه کردند.

ممانعت از ایمان به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۳

۳ - اشراف جامعه پس از نوح ، مردم را از گرویدن به فرستاده الهی بر حذر می داشتند .

و ما نحن له بمؤمنین

اعلام اشراف مبنی بر این که به این مرد (فرستاده الهی) ایمان ندارند، می تواند دستوری ضمنی به مردم باشد که باید از آنان پیروی کنند و به فرستاده الهی گرایش نداشته باشند.

منشأ دشمنی با صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ - برخورد های خصمانه ثمودیان با صالح پیامبر (ع) ، ناشی از فریب آنان توسط عوامل خدعه گر

بل أنتم قوم تفتنون

<تفتنون> می تواند از <فتنه> به معنای خدعه

و فریب باشد. بنابراین <تفتنون> معادل <تخدعون> است؛ یعنی، این سخنان از خود شما نیست؛ بلکه عناصری مرموز و خدعه گر آنها را به شما تلقین کرده و شما را فریب می دهند. آیه بعد این احتمال را تقویت می کند.

منشأ نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۱

۱ - نجات یافتن مؤمنان پیرو صالح ، از عذاب نازل شده بر ثمودیان به اراده الهی

و أنجینا الذین ءامنوا

منشأ هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۵

۵ - باور نداشتن رسالت صالح (ع) و بی اعتمادی به هشدار های او در مورد ناقه و آب شرب آن ، مایه اقدام بی پروای قوم ثمود به از میان بردن ناقه شد .

فكذبوه فعقروها

مواعظ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۲

۲ - موضع گیری خصمانه ثمودیان در برابر نصیحت های صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسخرين

چنان که گفته شد، <مسخر> به کسی گفته می شود که به شدت گرفتار سحر و افسون شده است. این تهمت سخت، بیانگر عمق دشمنی ثمودیان با صالح(ع) است.

موانع درك تعاليم صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۳ - ۳

۳ - سرمستی ، رفاه زدگی ، اسراف گری و فسادانگیزی ثمودیان ، مانع درک آنان از مفاهیم بلند و آسمانی پیام صالح (ع)

قالوا إنما أنت من المسحّرين

بیان رفاه مندی، اسراف گری و

فسادانگیزی ثمودیان، پیش از ذکر موضع گیری آنان در مقابل صالح(ع)، می تواند نشان دهنده این حقیقت باشد که آنچه سبب شد، ثمودیان مفاهیم مهم معرفتی صالح(ع) را، کلماتی جنون آمیز، بیهوده و گزاف به شمار آوردند و او را فردی افسون شده بخوانند؛ این بود که آنان گرفتار غرور، سرمستی، اسراف و فسادگری شده بودند.

موقعیت اجتماعی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۴

۴ - برخوردار نبودن صالح (ع) از موقعیت برتر اجتماعی و طبقاتی، مانع از پذیرش رسالت وی از سوی ثمودیان

قالوا .. ما أنت إلا بشر مثنا

تعبیر <مثنا> می تواند به معنای مثلثیت در بشر بودن نباشد؛ بلکه مراد مثل بودن از جهت موقعیت اجتماعی و طبقاتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۵

۵ - صالح پیامبر (ع)، فاقد پایگاه اجتماعی از نظر قوم ثمود

فقالوا أبشراً منا وحداً

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <واحداً>، نظر به عدم برخورداري صالح(ع) از عِدّه و عُدّه و قدرت اجتماعی، داشته باشد.

مؤمنان به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۸

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون .. قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۱

۱ مجادله

کفرپیشگان مستکبر قوم ثمود با مستضعفان مؤمن به صالح

استضعفوا لمن .. مؤمنون. قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۵

۵ گروهی از قوم ثمود ، توحید را پذیرفتند و به رسالت صالح (ع) ایمان آوردند .

نَجِّینَا صَلَاحًا و الذین ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۵

۵ - خانواده صالح ، جملگی مؤمنان به وی و مورد خشم عمیق کافران

لنَبِیتَه و أهله

مهربانی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۴

۴ صالح (ع) ، دلسوز برای قوم خویش و با محبت نسبت به آنان ، حتی پیش از بعثتش به پیامبری

و إلی ثمود أخاصم صلحًا

مراد از اخوت صالح(ع) برای قوم ثمود ، می تواند مهربانی و دلسوزی او نسبت به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

يقوم أریتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۳

۳ صالح (ع) با برخوردی عاطفی ، قوم خویش را با خصوصیات معجزه خویش آشنا ساخت .

و یقوم هذه ناقة الله

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از مهربانی و عطوفت دارد.

مهمترین تعالیم

صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۳

۳ - وعده معاد و حیات دوباره انسان ها در قیامت ، یکی دیگر از مهم ترین پیام های پیامبر جامعه پس از نوح

أیعدکم .. و کنتم ترابًا و عظمًا انکم مخرجون

مهمترین دعوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۲ - ۴

۴ - دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه ، اولین و مهم ترین پیام نخستین پیامبر پس از نوح (هود یا صالح)

أن اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

<آن> برای تفسیر پیامی است که پیامبر (پیامبری که برای جامعه پس از طوفان نوح برانگیخته شده بود)، مأمور ابلاغ آن به مردم بود.

مهمترین رسالت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری صالح پیامبر

إذ قال لهم أخوهم صلح .. ألا تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۵

۵ - دعوت به پرستش خدای یگانه ، مهم ترین و نخستین پیام صالح برای ثمودیان

و لقد أرسلنا إلى ثمود .. أن اعبدوا الله

اهمیت پیام و نخستین بودن آن از این جهت استفاده می شود که آیه شریفه دعوت به خداپرستی را در رأس همه پیام ها و قبل از هر پیام دیگر آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۶ - ۳

۳ - انجام نیکی

ها و پرهیز از بدی ها ، یکی دیگر از محور های تبلیغی صالح پیامبر (ع)

يقوم لم تستعجلون بالسيئه قبل الحسنه

نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۱

۱ صالح (ع) ، از انبیا و فرستادگان الهی

و إلى ثمود أخاهم صلحاً

<إلى ثمود> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه ۵۹ است، یعنی: أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱، ۶، ۸

۱ صالح (ع) ، از پیامبران الهی

أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۶ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال الملاء .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون .. قالوا إنا بما أرسل به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، موسی (ع) را پس از نوح ، هود ، صالح ، لوط و شعیب به پیامبری مبعوث کرد .

ثم بعثنا من بعدهم موسى

مراد از ضمیر در <من بعدهم> پیامبرانی است که داستان‌شان در آیات پیشین مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۱ - ۱

۱ صالح (ع)، از

پیامبران و رسولان الهی بود .

و لقد أرسلنا ... و إلى ثمود أخاهم صلحاً

<إلى ثمود> عطف بر <إلى قومه> و <أخاهم> عطف بر <نوحاً> در آیه بیست و پنجم است، یعنی: لقد أرسلنا إلى ثمود أخاهم صلحاً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۶

۶ خداوند ، صالح (ع) را از رحمت ویژه خویش بهره مند ساخت و به مقام نبوت رسانید .

و ءاتنی منه رحمه

مقصود از <رحمه>، به مناسبت مورد، مقام نبوت و پیامبری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۲ - ۴

۴ - نوح ، هود و صالح (ع) ، از پیامبران الهی

فقد کذبت قبلهم قوم نوح و عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۱

۱ - صالح (ع) ، رسول و فرستاده خدا به سوی قوم ثمود

و لقد أرسلنا إلى ثمود ... صلحاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۳

۳ - قوم ثمود ، براساس ملاک های مادی خود ، معتقد به وجود افرادی شایسته تر از صالح (ع) برای پیامبری

ألقى الذكر عليه من بيننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۱

۱ - حضرت صالح (ع) ، رسول خدا و پیامبر قوم ثمود بود .

فقال لهم رسول الله

ذکر وصف <رسالت> به جای نام صالح(ع) تأکید بر الهی بودن گفته های

آن حضرت است.

نبوغ صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱

۱ صالح (ع) ، حتی پیش از نبوتش ، انسانی فرزانه و دارای استعدادی ویژه در میان قوم ثمود

قالوا يصلح قد كنت فينا مرجوًا قبل هذا

برداشت فوق مبتنی بر دو نکته است: الف) جمله <قوم ثمود به تو امیدها داشتند> که مضمون جمله <قد كنت ..> است حکایت از نبوغ صالح(ع) و استعدادهای خاص و سابقه نیک او دارد. ب) مشارالیه <هذا> ادعای نبوت صالح(ع) و اعلام توحید و لزوم یکتاپرستی از سوی اوست.

نجات پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نَجِّينَا صٰلِحًا وَّ الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا مَعَهٗ . . . وَّ مَن خَزٰى يَوْمَئِذٍ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نَجِّينَا صٰلِحًا وَّ الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا

نجات صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۶،۷

۶ خداوند ، صالح (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر قوم ثمود رهانید و آنان را از ننگ آن عقوبت دور ساخت .

نَجِّينَا صٰلِحًا وَّ الَّذِيْنَ ءٰمَنُوْا مَعَهٗ . . . وَّ مَن خَزٰى يَوْمَئِذٍ

۷ نجات صالح (ع) و پیروانش از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند

بر آنان بود .

نَجِينَا صَلَاحًا وَ الَّذِيْنَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا

نژاد صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۱

۱ - صالح (ع) ، پیامبری از نژاد ثمودیان و دارای پیوند خویشاوندی با آنان

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ

قید <أخوهم> می تواند برای بیان پیوند خویشاوندی صالح(ع) با قومش و نیز تعبیری کنایی از شفقت و دلسوزی آن حضرت نسبت به آن قوم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۴ - ۴

۴ - صالح پیامبر (ع) ، برخاسته از میان قوم ثمود و دارای پیوند نژادی با آنان

فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّمَّنَّا وَحَدًّا

احتمال دارد تعبیر <منا>، نظر به هم خونی و پیوند قومی و نژادی داشته باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

نقش شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶، ۱۲

۱۲- < ناقه > معجزه ای روشنگر و اثبات کننده حق برای قوم ثمود بود .

و ءَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً

<مبصره> به صیغه اسم فاعل و متعدی است و معنای آن چنین است: ناقه ثمود برای ایجاد بینش و بصیرت در مردم بود.

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه .. و ما نرسل بالآیت إلاّ تخویفًا

نقش صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۴

۴ - مشکلات ثمودیان ، بنا به تقدیر الهی و در جهت آزمایش آنان

بود، نه معلول وجود صالح (ع) و پیروان او.

قال طرکم عند الله بل أنتم قوم تفتنون

عبارت <طائرکم..> یعنی، آنچه که باعث بروز مشکلات و گرفتاری برای شما شده، نزد خدا است. مقصود این است که وجود من تأثیری در پیدایش مشکلات شما ندارد؛ بلکه مشکلات تان بر اساس برنامه و تقدیر الهی است که در راستای آزمایش شما تدارک دیده شده است. گفتنی است که در برداشت یاد شده، <فتنه> در جمله <بل أنتم قوم تفتنون> به معنای آزمایش گرفته شده است.

نقش معجزه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع)، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم حق ستیز ثمود

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر . إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط <إنا مرسلوا الناقه> با آیه قبل، استفاده می شود که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود، امری محقق شدنی است؛ اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

نگرانی از استقامت پیروان صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۶

۶ - توطئه گران علیه صالح، نگران عکس العمل و مقاومت یاران وی در قبال هجوم علنی آنان

لنبیتنه و أهله ثم لنقولن لولیه ما شهدنا مهلك أهله

طرح هجوم شبانه و اندیشه کردن در چگونگی پاسخ به ولی دم، نشانگر نگرانی آنان است.

نواهی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ صالح (ع) بر حذر دارنده قوم ثمود از زیان رساندن به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۶

۱۶ صالح (ع) مردم خویش را از فسادگری در زمین بر حذر داشت .

و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

<لا تعثوا> از <عثی یعنی عثوا> است، یعنی فساد نکنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۴ - ۵

۵ صالح (ع) ، بر حذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزاررسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۶

۶ - حضرت صالح (ع) ، قوم ثمود را از بی توجهی به ناقه و برنامه آب خوردن آن ، بر حذر داشت .

فقال لهم رسول الله ناقه الله و سقیها

عامل نصب <ناقه الله>، فعلی است که بر تحذیر دلالت دارد (نظیر <احذروا>). کلمه <سقیها> عطف بر آن است و مراد، بر حذر داشتن مردم از آزاررسانی و منع آب است.

نهی از اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ صالح (ع)، بر حذر دارنده قوم ثمود از ایجاد هرگونه مزاحمت و آزارسانی به ناقه

و لاتمسوها بسوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثمودیان، نسبت به رساندن هرگونه گزندى به ناقه

و لاتمسوها بسوء... یوم

<مس> (مصدر <لا-تمسوا>) با <باء> تعدیه به معنای رساندن و وارد کردن است. <سوء> نیز معادلِ آسیب، بدی و گزند است و قرار گرفتن آن در سیاق نهی، افاده عموم می‌کند؛ یعنی، مبادا به او گزندی برسائید.

نهی از بی‌اعتنایی به شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۳ - ۶

۶ - حضرت صالح (ع) ، قوم ثمود را از بی‌توجهی به ناقه و برنامه آب خوردن آن ، برحذر داشت .

فقال لهم رسول الله ناقة الله و سقيها

عامل نصب <ناقه الله>، فعلی است که بر تحذیر دلالت دارد (نظیر <احذروا>). کلمه <سقیها> عطف بر آن است و مراد، برحذر داشتن مردم از آزاررسانی و منع آب است.

وحی به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون <صالح (ع)> ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

ألقى الذكر عليه من بيننا

وعدده به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۶

۶ نزول عذاب بر قوم ثمود ، وعده ای از ناحیه خداوند به حضرت صالح (ع)

ذلك وعد غير مكذوب

ولایت اولیای مقتول در دوران صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۹ - ۸

۸ - وجود قانون ولایت اولیای مقتول برای خونخواهی وی ، در عصر صالح پیامبر

لَنبِئَنَّهٗ وَاٰهْلَهٗ ثُمَّ لَنَنْقُوْلَنَّ لُوْلِيْهٖ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكًا

ویژگیهای شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۵ - ۵

۵ - ناقه صالح ، دارای جثه ای خارق العاده و بس عظیم *

قال هذه ناقه لها شرب و لکم شرب یوم معلوم

از این که آب آشامیدنی منطقه ثمود، سهمیه بندی می شود (یک روز سهم ناقه صالح و روز دیگر سهم همه مردم ثمود) می توان دریافت که آن ناقه از جثه ای چنان بزرگ برخوردار بود که به تنهایی به اندازه همه ثمودیان و چهارپایانشان، آب می نوشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۵

۵ - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

هجرت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۲،۵،۱

۱ صالح (ع) پس از حتمی شدن نزول عذاب الهی بر اثر پی کردن ناقه ، از قوم خویش فاصله گرفت و به دیاری دیگر شتافت

فتولی عنهم

جمله <تولی عنهم> عطف بر <ففقروا الناقه> در آیه ۷۷ است.

۲ صالح (ع) با دریغ و دلسوزی بر ثمودیان مشرف به هلاکت از میان آنان رفت .

فتولی عنهم و قال يقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم، بیانگر تحسر و دلسوزی صالح نسبت به مردم خویش است.

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم

ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربی

هدایتگری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۴

۴ صالح (ع) پیام الهی را به مردمش ابلاغ کرد و در هدایت و ارشاد آنان بسیار کوشید .

لقد أبلغتكم رساله ربی و نصحت لكم

لام تأکید در <لقد>، که دلالت بر قسم مقدر دارد، و نیز کلمه <قد>، که گویای تأکید است، می رساند که صالح(ع) در ابلاغ رسالت الهی کوتاهی نکرد و در این راه تلاش بسیار نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۲ - ۵

۵ - دعوت به تقوا ، محور تبلیغات و هدایت گری صالح پیامبر

إذ قال لهم أخوهم صلح .. ألا تتقون

هشدار به صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۷

۷ - تذکر خداوند به صالح (ع) ، برای آماده بودن در قبال عکس العمل ناشایست قوم ثمود پس از مشاهده معجزه

فارتقبهم و اصطر

امر <فارتقبهم و اصطر> در حقیقت تذکر به صالح(ع) است که انتظار نداشته باشد قوم حق ستیز ثمود با دیدن معجزه او، دست از عناد و لجاج بردارند؛ بلکه [شایسته است] وی به نظارت بنشیند و آماده عکس العمل های ناروای آنان باشد و خویشتن داری کند.

هشدار صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۳ - ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را

به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداري آن از چريدن ، هشدار داد .

فذرورها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب أليم

هشدارهای صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۴

۴ کفرپيشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهديدش (نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا يصلح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آيه ۷۳ (فأخذكم عذاب أليم) بيان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۶ - ۱

۱ - هشدار صالح (ع) به ثموديان ، درباره پايدار نبودن زندگي دنيوی و نعمت ها و آسایش آن

أتركون في ما ههنا ءامين

استفهام در آيه بالا انكاري و مفاد آن نفی است ؛ يعنی ، <أتركون في ما ههنا ءامين> شما در نعمتهای اين جا آسوده رها نخواهيد شد . مقصود اين است که اين برخورداری ها شما را نفریبد و از مرگ غافل نکند ؛ زیرا روزی پنجه های مرگ گريبان تان را خواهد گرفت و شما را از آنها جدا خواهد کرد . همچنين بر فرض که مرگ در نرسد ، خود رفاه و امنيت اين جا ، پايدار نيست و ممکن است ناگهان اوضاع دگرگون شود و همه آنچه که از آن برخوردار هستيد ، از دستتان برود .

هلاکت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۲،۴،۷

۲ - قوم ثمود ،

ناقه صالح را پی کرده ، آن را به هلاکت رساندند .

فَعْقَرُوهَا

زمانی که با شمشیر بر پاهای شتر یا اسب، ضربه وارد کنند، گفته می شود: <عَقَرْتُ> (صحاح اللغه). گاهی فعل <عقر> در موردی به کار می رود که آن را <نحر> کرده باشند. (مصباح)

۴- قوم ثمود ، برای دستیابی به آب اختصاصیِ ناقه صالح ، آن را هلاک کردند .

و سقیها .. فَعْقَرُوهَا

بیان هشدار به ثمودیان، در مورد آب شربِ ناقه و آن گاه سخن گفتن از تکذیب و عقر، نشانگر آن است که انگیزه قوم ثمود از پی کردن ناقه، چشم داشت آنان به آب مورد نیاز آن بوده است.

۷- کشتن ناقه صالح ، جلوه طغیان گری قوم ثمود

كذبت ثمود بطغويها .. فكذبوه فَعْقَرُوهَا

هماهنگی عاقر شتر صالح(ع) و قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۹ - ۷

۷- صورت گرفتن نوعی مبادله و تفاهم ، میان قوم ثمود و کشنده ناقه صالح ، قبل از اجرای توطئه *

فتعاطی فَعْقَر

با توجه به این که واژه <فتعاطی> در ساختار باب تفاعل بیانگر نوعی داد و ستد متقابل است؛ احتمال می رود که قبل از کشتن ناقه میان قوم ثمود و کشنده ناقه، قرار دادی خاص صورت گرفته باشد.

هوشیاری صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۵

۱۵ دعوت به توحید و بیان ضرورت یکتاپرستی از سوی حضرت صالح (ع) ، مایه تردید قوم ثمود در خردمندی و هوشیاری

او

و اِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا اِلَيْهِ مَرِيْبٌ

<مَرِيْبٌ>

(تردیدافکن) صفت برای <شك> است و متعلق آن به قرینه جمله <قد كنت فينا مرجوًا> خردمندی و هوشیاری صالح(ع) می باشد. بنابراین جمله <إِنَّا لَفِي...> یعنی، ما در درستی تعالیم تو شك داریم، آن چنان شکی که باعث شده درباره خردمندی و هوشیاری ات نیز تردید کنیم.

صالحان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صالحان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۸

۸ - ابراهیم (ع) از برگزیدگان خدا در دنیا و از صالحان و شایستگان سرای آخرت

و لقد اصطفينه في الدنيا و إنه في الآخره لمن الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ حضرت یحیی، بزرگوار و شریف و دوری گزین از زنان، به جهت پاکدامنی و عفت، و پیامبری از تبار صالحان

ان الله يبشرك بيحيى... و سيداً و حصورا و نبياً من الصالحين

<حصور> به کسی گفته می شود که از زنان دوری گزیند، یا بجهت ناتوانی جنسی و یا بجهت عفت و کنترل تمایلات جنسی. (مفردات راغب) و چون آیه در مقام ستایش از یحیی (ع) است دوری وی از زنان بجهت پاکدامنی بوده و نه ناتوانی. برداشت فوق را روایت امام باقر (ع) تأیید می کند که فرمود: <وسيداً و حصوراً> و الحصور الذي يأبى النساء... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۴۵؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۴۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۶ - ۵

۵ عیسی (ع)،

صالحی از نسل صالحان

اسمه المسيح عيسى ابن مريم . . . و من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۷،۱۵

۷ گروهی از اهل کتاب که مؤمن به خدا و روز واپسین و امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر و شتاب کنندگان به نیکی ها هستند ، از تبار صالحان هستند .

من اهل الكتب امه . . . يؤمنون بالله ... و اولئك من الصالحين

۱۵ عبدالله بن سلام و گروهی از اهل کتاب ، به اسلام گرویدند و از زمره صالحان گردیدند .

من اهل الكتب امه قائمه . . . و اولئك من الصالحين

در شأن نزول آمده است: چون عبدالله بن سلام و گروهی اسلام آوردند ، احبار یهود گفتند تنها اشرار ما به پیامبر(ص) ایمان آوردند. (مجمع البيان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۵ - ۸

۸ زندگی با فاسقان ، دشوار و ناخوشایند بر بندگان شایسته خداوند

فأفرق بيننا و بين القوم الفسقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدينا . . . و من ذريته ... كل من الصالحين ... و إسمعيل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۵

۵ پیامبر (ص) از زمره بندگان صالح خدا و برخوردار از حمایت های بی دریغ او

إِن وَلِيَّ اللَّهِ ..

و هو يتولى الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۳

۳ - مؤمنان نیکوکار با افراد بد کردار ، از نظر شخصیت و سرنوشت برابر و هم سنگ نیستند .

و ما يستوی ... و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ - از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و کانت من القتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۳

۳ - کسانی که انفاق کرده و زکات مال خود را ادا کنند ، انسان هایی صالح و نجات یافته اند .

قد أفلح من تزکی

برخی از لغت دانان، فعل <تزکی> را به معنای <تصدق> می دانند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۰ - ۳

۳ - خداوند ، به راه خیر و شرّ و رهروان هر یک ، آگاه است .

و هدینه النجدین

اسناد هدایت به خداوند در <هدینا> با توجه به <أیحسب أن لم یره أحد< در آیات پیشین بیانگر آن است که چون خداوند راه خیر و شرّ را به دیگران شناسانده است ، پس خود به آن آگاه است و رهروان آنان بر او مشتبه نمی شوند تا

مدعیان حقیقی انفاق را، از غیر آنها تشخیص ندهد.

آثار قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۲

۲ - برابر دانستن صالحان با مفسدان و تقوایندگان با تبه کاران ، به معنای باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش است .

و ما خلقنا السماء... بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت کالمفسدین

آمزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۹

۹ صبرپیشگان دارای اعمال صالح ، از مغفرت الهی بهره مند شده و گناهشان آمرزیده می شود .

أولئک لهم مغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۸

۸ - غفران خداوند در باره مؤمنان تائب و نیک کردار ، مغفرتی گسترده و پر دامنه است .

و إني لغفار لمن تاب

<غفار> صیغه مبالغه است و بر گستردگی غفران خداوند در مورد توبه کنندگان مؤمن و نیک کردار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا... و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۵

۵ - مؤمنان دارای عمل صالح ، قطعاً مشمول آمرزش خداونداند .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت اُولئک لهم مغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

۱ مؤمنان صلاح پیشه و معتقد به حقانیت راه محمد (ص)، مورد غفران و لطف الهی

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

ابراهیم(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۸،۱۰

۸ - ابراهیم (ع) از برگزیدگان خدا در دنیا و از صالحان و شایستگان سرای آخرت

و لقد اصطفیناه فی الدنیا و إنه فی الآخره لمن الصلحین

۱۰ - اخلاص ابراهیم (ع) و گزینشش از سوی خداوند و نیز شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت، دلیل های لزوم پیروی از آیین اوست .

و من یرغب .. لقد اصطفیناه فی الدنیا و إنه فی الآخره لمن الصلحین

جمله های <لقد اصطفیناه> و <إنه فی الآخره ..> به منزله دلیلی برای <و من یرغب ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۹

۹ - تسلیم بودن ابراهیم (ع) در برابر خدا، دلیل گزینش وی و شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت

لمن الصلحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

<إذ> در جمله <إذ قال ..> حرف تعلیل است، بیانگر علت گزینش

ابراهیم و شایستگی او برای وارد شدن به جرگه صالحان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۲

۲- ابراهیم (ع)، از جمله صالحان در آخرت است .

و إنه فی الآخره لمن الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم، یعقوب و اسحاق (ع)، از زمره صالحان اند .

و کلاً جعلنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۸

۸- ابراهیم (ع) در آخرت، در زمره صالحان و شایستگان است .

و إنه فی الآخره لمن الصالحین

اجابت دعای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، دعا ها و خواسته های مؤمنان نیک کردار را اجابت می کند .

و يستجيب الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

۳ - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و يزيدهم من فضله

احترام اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱

۱- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ

های بهشت با تکریم و اجلال

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

واژه <یدخل> و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

احترام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۳

۴۳- صالحان و مردان الهی ، پس از مرگ نیز شایسته احترام اند و آرامگاه آنان دارای منزلتی والا است .

لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۸

۸- برخورد شایسته با فرزندانِ افرادِ صالح ، به پاس نیکی پدران آنان ، لازم است .

و كان أبوهما صالحًا فأراد ربك

احترام فرزندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۸

۸- برخورد شایسته با فرزندانِ افرادِ صالح ، به پاس نیکی پدران آنان ، لازم است .

و كان أبوهما صالحًا فأراد ربك

ادریس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- اسماعیل ، ادريس و ذالكفل (ع) ، در زمرة صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إناهم من الصالحين

ارزش مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۳

۲۳ - شکوه و اقتدار مادی ، رنگ باخته و غیرقابل اتکا در مقایسه با مقام صالحان ، در نزد مردان الهی

و أدخلنی برحمتک فی عبادک الصالحين

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که سلیمان(ع)

با داشتن همه امکانات، باز آرزوی مقام صالحان را داشت.

ارزش همنشینی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۶

۱۶ ارزش همنشین شدن با صالحان و جویندگان طهارت، و تأثیر آن در رشد و کمال معنوی انسان

فیه رجال یحبون أن یتطهروا

<فیه رجال .. > به منزله دلیلی است برای سزاواری اقامه نماز در مسجد قبا^۲ یعنی، چون در این مسجد مردم صالح و جویندگان پاکی وجود دارند، شایسته است که دیگران با اینان همنشین شوند، زیرا همنشینی با صالحان و پاکان دارای تأثیر مثبت است.

ارزیابی اخروی عمل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر، پس از سنجش اعمال در قیامت، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد.

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه>^۲ یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

ازدیاد پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۱

۱۱ هر کس دارای اعمال صالح بیشتری باشد، از ناحیه خداوند پاداش افزون تری دریافت خواهد کرد.

و یؤت کل ذی فضل فضله

مقصود از <فضل> عمل خیر افزون بر دیگران است و ضمیر در <فضله> به <کل> باز می گردد.

استمرار پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

- مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

استهزای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۷

۷ طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ

اسحاق(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم ، یعقوب و اسحاق (ع) ، از زمره صالحان اند .

و کلاً جعلنا صلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۳

۳- اسحاق (ع)، مظهر صلاح و مصداق روشن صالحان

و بشرنه بإسحق نبياً من الصالحين

اسماعیل(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدينا .. و من ذريته ... كل من الصالحين ... و إسمعيل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- اسماعیل ، ادريس و ذالكفل (ع) ، در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إناهم من الصالحين

اصلاح زندگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۳

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

اعراض منافقان از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۷

۷ بخل ورزی منافقان صدر اسلام از پرداخت صدقات ، روی گردانی از تعهد و اعراض از قرار گرفتن در صف صالحان بود .

و منهم من عهد الله . . . و تولوا و هم معرضون

الیاس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحين

الیسع (ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط (ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدینا . . و من ذریته ... كل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

امداد به

بازماندگان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۴

۱۴- امداد رسانی به ایتام و بازماندگان انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربك .. رحمة من ربك

امداد به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۴

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو يتولى الصالحين

امنیت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۶

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، همواره در غرفه های بهشت ، در امنیت خواهند بود .

إلا من آمن وعمل صالحًا .. و هم في الغرفت ءامنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۹

۹ - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذين ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۴،۲۰

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليبدلنهم من بعد خوفهم أمناً

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده خداوند به مؤمنان صدر اسلام برای اعطای خلافت ،

پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

انبیا از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۴،۵

۴ - پیامبران ، انسان های صالح

نبیاً من الصالحین

۵ - صالح بودن ، برجسته ترین صفت پیامبران الهی

نبیاً من الصالحین

توصیف اسحاق(ع) به صالح بودن در حالی که پیامبران دارای اوصاف پسندیده دیگری نیز هستند می رساند که صالح بودن مهم ترین و برجسته ترین صفت برای آنان است.

انقیاد صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۳

۳ - تسلیم در برابر فرمان خداوند ، از نشانه های صالحان

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ .. فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ

اهمیت تربیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - پرورش انسان های نیک کردار و رواج کار های شایسته در جامعه ، فلسفه بهره مند شدن از امکانات مادی

و لقد آتینا داود مَنَّا فضلاً .. و أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ . أَنْ أَعْمَلَ سَبِغْتَ ... و اعْمَلُو

توصیه خداوند به انجام عمل صالح پس اعطای نعمت ها و امکانات فراوان به داوود(ع) در واقع جهت دهنده رفتار ایشان و بازگوکننده هدف و فلسفه این عطاها و بهره مندی

ها است.

اهمیت مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۳

۳ - برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان ، اوج کمال و سعادت انسان

رَبِّ هَبْ لِي حَكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگترین آرمان های ارزشی، این دو را از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

ایمان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگان دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّه لِيَتُوسِ كَفُورٌ .. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

ایوب(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. كل من الصالحين

برتری صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۴

۴ - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت كالمفسدين في الأرض

بشارت به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - خداوند نویدبخش انسان های صالح ، به غفران لغزش های ناخواسته

رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صٰلِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلأَوْبٰبِينَ غَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱

۱ - فضل و بخشش بی کران الهی در بهشت ، بشارت خداوند به مؤمنان نیک کردار

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . . . ذلك الذى يبشّر الله عباده الذين ءامنوا و ع

<ذلك> اشاره به بهشت و تفضل الهی دارد که در آیه قبل ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - معاد ، نویدی به مؤمنان صالح و هشدارى به کافران بدکردار

من عمل صلحًا فلنفسه و من أساء فعليها ثمّ إلى ربّكم ترجعون

پیام آیه شریفه، نوید به نیکوکاران و هشدار به بدکاران است. تعبیر <ثمّ إلى ربّكم...> نیز که اشاره به معاد دارد در راستای همین معنا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- قرآن ، بیم دهنده به ستمکاران و بشارت دهنده به نیک کرداران

لينذر الذين ظلموا و بشرى للمحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱

۱- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ های بهشت با تکریم و اجلال

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

واژه <یدخل> و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

بشارت حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۶

۶- بشارت الهی ، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

بصیرت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بد کردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کردار است.

بی تأثیری خویشاوندی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - بی تأثیر بودن پیوند خویشاوندی با نیکان و صالحان (همچون پیامبران الهی) ، در سرنوشت اخروی انسان ها

قیل ادخلا النار مع الدخلین

پاداش اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری .. > به شمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنِ

جمله <أُولَئِكَ..> یا خبر یکم برای <إِنَّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أُولَئِكَ> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدْنُ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا .. وَ رِزْقٍ كَرِيمٍ

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثَوَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنِ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

الصلحت لهم جنت

پاداش بزرگ صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان ، از سوی خداوند

و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الكتب .. و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

۳ اعمال خیر صالحان هرگز از جانب خداوند ، کفران نخواهد شد و مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت .

و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا .. کل من الصالحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین

، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحاً فله جزاء الحسنی

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۴

۴- عمل صالح باقی می ماند و نیکوکاران ، از پاداش آن در پیشگاه خداوند برخوردار می گردند .

والبقیة الصلحة خیر عند ربّك ثواباً

<خیر> گرچه اسم تفضیل است؛ ولی همواره این مفهوم را ندارد که نقطه مقابل هم، اصل وصف را داراست؛ بلکه در نظایر این آیه تفضیل به معنای حقیقی آن وجود ندارد و گفتن <خیر ثواباً> در مقابل پندار دنیامداران است که به نتیجه کارهایشان دل بسته اند و مراد این است که تنها به ثواب عمل صالح می توان دل بست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا و عملوا الصلحة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة غرفاً

لام تأکید و نون ثقیله در <لنبوئن> دلالت بر ضمانت می کند.

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوئنهم من الجنة .. خلدین فیها نعم أجرال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۱

۱ - بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۴،۴

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنان دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذين ءامنوا .. من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

۲ - مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

لهم جنّ النعيم

به قرینه مقابله با آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّ النّٰعِيمِ خٰلِدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱

۱ - باغ های بهشتی مهیا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أَمْآ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَلَهُمْ جَنَّٰتُ المَأْوٰى نَزْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنان دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه متنی بر آنان نخواهد گذاشت .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا .. کفر عنهم سیئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان

است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۲

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکو کردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . . جزاؤهم عند ربهم جنّ عدن تجري من تحتها الأن

۲ - پاداش مؤمنان شایسته کردار ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

عند ربهم

پاداش کامل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غير ممنون

از معنای <منّ > قطع است و معنای <نقص > نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

پاداش مضاعف صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۵

۵ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، دوچندان است .

إلا من ءامن و عمل صلحاً فأولئك لهم جزاء الضعف

پذیرایی اخروی از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۲

۲- باغ های سرسبز آخرت ، وسیله پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است .

كانت لهم جنّ الفردوس نزلاً

یکی از معانی <نزل>، <غذا> و یا <امکانات دیگری است که برای پذیرایی از میهمان آماده می شود.>

پذیرایی از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱

۱ - باغ های بهشتی مهیا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أما الذين

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنت المأوى نزلاً

پشیمانی اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - > قال رسول الله (ص) ... يابن مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المحسن و المسىء يندمان ، يقول المحسن : يا ليتنى ازددت من المحسنات و يقول المسىء : قصرْتُ ، و تصديق ذلك قوله تعالى : > و لا أقسم باللّوامة < ;

رسول خدا(ص) فرمود: .. ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت] نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: > و لا أقسم باللّوامة <.

پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که >من بعد الذکر< متعلق به >کائن< باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰، ۷

۷ - خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد الله الذین ءامنوا .. کما

استخلف الذين من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذين ءامنوا .. يعبدوننى لايشركون بى شيئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <يعبدوننى..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

تأمین خواسته های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما يشاءون عند ربهم

تأمین نیازهای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۷

۷ - فراهم آوردن تسهیلات زندگی و نیازهای طبیعی افراد صالح و درست کار ، از روش های مؤثر در تشویق دیگران به درست کاری و اصلاح خویشتن

و أنكحوا.. و الصالحين من عبادكم و إمائكم

<الصالحين> به منزله قید برای <عبادكم و إمائكم> است. بی شك اگر تنها افراد صالح و درست کار جامعه، از کمک و تسهیلات زندگی دیگران برخوردار شوند، افراد ناصالح و نادرست نیز، به صلاح و درست کاری تشویق شده و به آن روی خواهند آورد.

تبیین خط مشی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۵ - ۴،۵

۴ ترسیم راه و روش صالحان، از اهداف تبیین آیات قرآن

و كذلك نفصل

الآیت و لتستین سبیل المجرمین

بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش مجرمان، با بیان راه و روش صالحان، که نقطه مقابل مجرمان است، ملازمه دارد و بیان یکی از دو ضد، مآلاً- بیان دیگری نیز خواهد بود. لذا برخی گفته اند جمله <و لتستین> عطف بر جمله محذوف <لتستین سبیل المؤمنین> است.

۵ ترسیم راه و روش صالحان و مجرمان باید از محورهای اساسی تبلیغ باشد.

و كذلك فصل الآیت و لتستین سبیل المجرمین

چون در آیه ترسیم راه و روش مجرمان و صالحان به عنوان هدفی بارز برای تفصیل آیات بیان شده، می توان این پیام را در موضوع تبلیغ از آن دریافت کرد.

تشخیص صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳ - ۳

۳ - آگاهی از صالح یا ناصالح بودن افراد ، برای همگان مقدور نیست .

و ما یدریک

<ما> برای استفهام است و جمله <ما یدریک..> (چه چیز تو را آگاه می سازد)، نشانگر بسته بودن راه آگاهی برای مخاطب است.

تضمین پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۱

۱- پاداش تلاش های مؤمنان نیک کردار ، از سوی خداوند تضمین شده و بی کم و کاست به آنان داده می شود .

فمن يعمل من الصلحت و هو مؤمن فلا کفران لسعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

۳ - آگاهی عمیق خداوند به اعمال بندگان ، پشتوانه پاداش او به نیک کرداران

إِنَّهٗ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ . من جاء بالحسنة فله خير منها

از ارتباط <من جاء..> با بخش پایانی آیه قبل (إِنَّهٗ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ) می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

تفاوت صالحان و خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - برابر پنداشتن افراد صلاح پیشه و خطاکار ، حکمی ناروا است .

أَمْ حَسِبَ .. ساء ما يحكمون

تفضل به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۳

۳ - خداوند ، بیش از خواسته ها و دعا های مؤمنان نیک کردار ، به آنان عطا خواهد کرد .

و یزیدهم من فضله

تقرب صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

يَبشُرُ اللّٰهَ عِبَادَهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَعَمَلُوْا الصّٰلِحٰتِ

از اضافه <عباده> به ضمیر راجع به <اللّه> که اضافه تشریفیه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

تکفیر گناه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۷ - ۱،۵

خداوند ، گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح را نادیده می گیرد .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنكفرنَّ عنهم سيئاتهم

<تکفیر> مصدر فعل <نکفر> به معنای <پوشاندن> است (لسان العرب) و مراد از آن، نادیده گرفتن گناهان است.

۵- تکفیر و نادیده گرفته شدن گناهان مؤمنانِ دارای عمل صالح ، وعده حتمی خداوند است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لنكفرنَّ عنهم سيئاتهم

لام و نون تأکید <لنکفرنَّ> دلالت بر قطعیت می کنند.

تنزیه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- انسان های مؤمن ، نیک کردار و پرهیز کننده از ظلم به دیگران ، بسیار اندک اند .

و إنّ کثیرًا من الخطاء لیبغی .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قلیل ما

تنکیر <قلیل> و اضافه شدن <ما>ی مبهمه، بر مبالغه در قلت دلالت دارد.

توبه صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۶

۱۶- صالحان ، برخوردار از روحیه توبه اند .

إن تکونوا صلحین فإنه کان للأوبین غفورًا

در جواب شرط به جای گفتن <إنه کان للصلحین> آمده است: <إنه کان للأوبین>؛ یعنی، <الأوبین> به جای <الصلحین> آمده و دربردارنده معنای آن است.

توحید عبادی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت ، تنها خدا را عبادت کنند .

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت . . . و لیبدلنهم من

بعد خوفهم آمن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یعدوننی..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

جاودانگی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۱

۱ - جاودانگی در بهشت سراسر نعمت، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. جَنَّتِ النَّعِيمِ خَلِدِينَ فِيهَا

حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

حامی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ

حتمیت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱

۱- پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰

۷- پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجز غير ممنون

از معانی <مَنْ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

حسابرسی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳- شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

كُلُّ أُمَّه تَدْعِي إِلَىٰ كِتْبِهَا .. فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيَدْخُلُهُم رَّبُّهُمْ ف

حسن فرجام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و

<حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۳

۱۳- بهترین عاقبت ، در انتظار انجام دهندگان عمل صالح است .

و خیر مردّاً

<مرداً> می تواند اسم مکان و به معنای <مرجع> باشد (البحر المحيط). در این صورت مراد از <خیر مرداً> بهترین فرجام خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - صالحان ، دارای فرجامی نیک در جهان آخرت

لولا آخرتی ... و اکن من

حکومت جهانی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱ - حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

حلم صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸ - حلم و بردباری ، برجسته ترین نشانه صالح بودن فرزندان

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . فَبَشِّرْهُ بِغُلْمٍ حَلِيمٍ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ابراهیم(ع) از خداوند، فرزندی صالح درخواست کرده بود و خداوند در پاسخ فرمود: به تو فرزندی حلیم و بردبار عطا می کنم. ذکر این خصوصیت در واقع بیانگر ویژگی صالح بودن فرزند است.

۹ - حلم و بردباری ، از ویژگی های انسان های صالح

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . فَبَشِّرْهُ بِغُلْمٍ حَلِيمٍ

خشیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

خضوع صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۴

۴ - مؤمنانِ نیکوکار، با شنیدن آیات قرآن، در برابر آن سر تسلیم فرود آورده، خضوع می کنند.

فما لهم... و إذا قرء عليهم القرآن لا يسجدون... إلا الذين آمنوا

و عملوا الص

خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶،۲۰

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا. .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذین ءامنوا. .. یعبدوننی لایشرون بی شیئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

داود(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ - داوود (ع) ، داوری عادل ، راهنمایی مطمئن در زندگی و مرجعی صالح برای رسیدگی به امور اجتماعی در نظر مردم عصر خود

هل أتیک نبؤا الخصم . . . إذ دخلوا علی داود... خصمان بغی بعضنا علی بعض فاحکم بینن

درخواست بهشت برای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

- وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ .. وَ مِنْ صَلْحٍ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ

<مَينَ> در <و من صلح..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أَدْخِلْهُمْ...> و یا عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

درخواست مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۱۸

۱۸ - دعای سلیمان به درگاه خدا ، برای قرار گرفتن در زمره بندگان صالح

و أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

دعا برای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱

۱ - وارد کردن مؤمنان تائب و پیرو راه خدا و نیز پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بوستان های ماندگار بهشت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش از درگاه الهی

رَبَّنَا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ .. وَ مِنْ صَلْحٍ مِنْ ءَابَائِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ ذُرِّيَّتِهِمْ

<مَينَ> در <و من صلح..> می تواند عطف بر ضمیر <هم> در <أَدْخِلْهُمْ...> و یا عطف بر ضمیر <هم> در <وعدتهم> باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۱

۱ - نگه داشتن مؤمنان تائب و صالحان ، از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، دعا و درخواست فرشتگان عرش الهی از خداوند

وقهه السئئات

الف ولام جنس در

<السّيئات> مفید استغراق و عموم است و مقصود از آن در آیه شریفه، بدی ها و ناراحتی هایی است که یا بر اثر گناهان و لغزش های خود انسان و یا به خاطر شرایط سخت روز قیامت برای آدمی پدید می آید.

دعوت های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۰

۱۰- تنها انسان درست کردار و ایستاده بر صراط مستقیم ، شایستگی دعوت دیگران به عدل را دارد .

و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم

توصیف امر کننده به عدل به اینکه خود در صراط مستقیم باشد، در حقیقت بیان شرط شایستگی برای چنین مسؤولیت است.

ذکر خیر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۱

۲۱ یادکرد از عناصر صالح یک امت به هنگام سرزنش از ناصالحان ایشان ، امری لازم و پسندیده

و لو انهم اقاموا التوریه .. منهم امه مقتصده و کثیر منهم ساء ما یعملون

ذکر دائمی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۲

۲ صابران دارای اعمال صالح ، همواره و در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن اذقنا الإنسن منا رحمه .. إینه لیئوس کفور. إلاّ الذین صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

ذوالکفل(ع) از صالحان

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۴

۴- اسماعیل ، ادريس و ذالكفل (ع) ،

در زمره صالحان اند .

و أدخلنهم فی رحمتنا إناهم من الصالحین

رحمت بر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۱،۴۸

۱ - مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت پروردگار در قیامت

فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربهم فی رحمته

۴ - مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت حق در پی مشاهده نگرانی های همگانی قیامت *

و تری کلّ أمّه جائیه .. فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <فأما الذین ..> تفریح بر <تری کلّ أمّه جائیه> باشد.

۸ - مشمول رحمت حق در قیامت نسبت به مؤمنان صلاح پیشه ، نمودی از ربوبیت او

فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربهم فی رحمته

به کار رفتن واژه <رب> و اضافه آن به <هم>، بیانگر مطلب یاد شده است.

رستگاری اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۷ - ۴

۴ - فلاح و راستگاری اخروی برای مؤمنان شایسته کردار ، از سوی خداوند تضمین شده است .

من .. ءامن و عمل صلحاً فعسی أن یکون من المفلحین

برخی از مفسران برآنند که کریمان عادت دارند که وعده هایشان را در قالب <عسی أن یکون ..> بیان کنند. بنابراین

<عسی> در این آیه، برای تحقیق است و نه ترجیحی. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

رستگاری صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۵

۵ - رستگاری و سعادت جاودانی ، تنها از آنِ دارندگان اعمال صالح و گران وزن

فمن ثقلت موازينه

فَأَوْلئِكَ هم المفلحون

رضایت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه> یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

رضایت از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۱، ۱۷

۱۱ - رضایت خداوند ، از مؤمنان شایسته کردار در جهان آخرت

رضی الله عنهم

۱۷ - خشیت از خداوند ، شرط رضایت مندی او از مؤمنان دارای عمل صالح

رضی الله عنهم .. ذلك لمن خشى ربه

رضایت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۸

۸ خداوند ، خشنود از راستگویان و راستکرداران و آنان ، خشنود از خداوند .

رضی الله عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - رضایت مؤمنان شایسته کردار، از خداوند در آخرت

و رضوا عنه

۱۳ - رضایت خداوند، از مؤمنان صالح و رضایت آنان از او، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است.

جزاؤهم .. رضی الله عنهم و رضوا عنه

رفع ترس از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ - تبدیل و جایگزین کردن

ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعده خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و لبيدلتهم من بعد خوفهم أمناً

روزی اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذين ءامنوا و عملوا . . . و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۷

۷ - مؤمنان دارای عمل صالح ، قطعاً از روزی کریمانه ای در قیامت برخوردار خواهند بود .

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت أولئك لهم . . . رزق کریم

زکریا(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . . . کل من الصلحين

زمینه آموزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- صلاح پیشگان و توبه کنندگان از لغزش ها ، دارای زمینه برخورداری از غفران و آمرزش

إن تكونوا صلحین فإنه کان للأوبین غفورًا

زمینه حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۵

۵- تحقق حکومت جهانی صالحان ، در پرتو دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص) است .

و لقد كتبنا فی الزبور .. و ما

أرسلنك إلا رحمه للعلمين

با توجه به ارتباط دو آیه که در آیه اوّلی حکومت جهانی و در این آیه رسالت جهانی پیامبر(ص) را مطرح می کند برداشت یاد شده قابل استفاده است.

زمینه لغزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ .. ربّکم أعلم ... إن تكونوا صلحین فإنه کان للأوین غفو

زمینه مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۰

۲۰- قرار گرفتن در زمره صالحان ، منوط به عمل نیک و رحمت ویژه الهی

و أن أعمل صلحًا ترضه وأدخلنی برحمتک فی عبادک الصلحین

زندگی دنیوی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۱

۱ مؤمنان به خدای یکتا ، پیامبر (ص) و قرآن که دارای عمل صالح باشند ، از بهترین و پاک ترین زندگی های دنیوی بهره مندند .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم

متعلق <ءامنوا> به قرینه آیات گذشته توحید ، پیامبر(ص) و قرآن است. <طوبی> اسم تفضیل مؤنث اظیب و به معنای بهترین و پاک ترین می باشد و مراد از آن به قرینه مقابله آن با <مئاب> حیات و زندگانی برتر و پاک تر دنیوی است.

سرور اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیک کردار ، در

بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حبر> در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

سعادت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنانِ دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

سلیمان(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصلحین

شرایط همنشینی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۷

۲۷ فرمانبرداری از خداوند و تسلیم او بودن ، شرط درآمدن به جرگه صالحان است .

توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

شعیب (ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شعیب (ع) ، شخصیتی از زمره صالحان

ستجدنی . . . من الصالحین

شکرگزاری صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۲

۲ صابرانِ دارای اعمال صالح ، همواره و

در هر حال خداوند را فراموش نکرده و به درگاه او شاکرند .

لئن أذقنا الإنسن منا رحمه . . . إنه ليؤس كفور. إلاّ الذين صبروا

در برداشت فوق ، این احتمال منظور شده است که <کفور> از کفران (ناسپاسی) باشد.

صابران از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۷

۷- صبرپیشگان ، انسان هایی شایسته و در زمره صالحان اند .

كُلِّ مِنَ الصّبرين . إنَّهم من الصّالحين

خداوند، در آیه قبل که در توصیف برخی از پیامبران بود آنان را از صابران معرفی کرده و در این آیه، آنان را از صالحان دانسته است. از مجموع دو آیه استفاده می شود که افراد صبرپیشه، از صالحان و خوبان اند.

صالحان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۷

۷- وجود انسانی صالح و مصون از هر گناه و خطا ، در هر عصر و زمان

و یوم نبعث من کلّ أمّه شهیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۵

۵- وجود انسانی صالح و مصون از هر گناه و خطا ، در هر عصر و زمان

و یوم نبعث فی کلّ أمّه شهیداً علیهم من أنفسهم

صالحان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۶

۶ - خداوند ، پیامبران و مؤمنان نیکوکار پیش از اسلام را ، خلیفه و جانشین خود در زمین قرار داده بود .

وعد الله الذین ءامنوا. .. كما استخلف الذین من قبلهم

صالحان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۴ - ۶،۱۴

۶ گروهی از اهل کتاب که اطاعت خدا نمودند و به هنگام شب آیات الهی را تلاوت کردند و سجده به درگاهش نمودند ، از زمره صالحان هستند .

من اهل الکتاب امه قائمه . . . و اولئک من الصالحین

۱۴ صالحان از اهل کتاب ، آسوده از ذلّت و مسکنت و ایمن از غضب الهی

ضربت علیهم الذلّه . . . لیسوا سواءً من اهل الکتاب امه قائمه ... و اولئک من الصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۲

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحانِ اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الکتاب . . . و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ فسق (نادیده گرفتن دستورات خداوند) ، ریشه استهزای دین و شعایر الهی

اتخذوا دینکم هزواً و لعباً . . . و إن اکثرکم فسقون

مصدق جمله < اهل تنقمون . . . > همان استهزای نماز و احکام دین است. بنابراین < فسق > که علت برای < تنقمون > گرفته شده است، در حقیقت علت استهزای دین نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۸

۸ گروهی از اهل کتاب مردانی صالح ، پرهیز کننده از گناه ، و بدور از تجاوز و حرام خواری

و ترى كثيراً منهم يسرعون في الاثم و العدوان و

اکلهم السحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۶

۱۶ گروهی از اهل کتاب ، مردمانی وارسته از موضعگیری کفرآمیز و خصمانه در برابر قرآن

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغياناً و کفراً

صالحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱

۱ یهودیان ساکن در ایله متشکل از سه گروه بودند : تجاوزگران فاسق ، صالحان موعظه گر و نهی کننده از منکرات ، تارکان نهی از منکر .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

مقصود از موعظه، به دلیل <الذین ینهون عن السوء> در آیه بعد، نهی از منکر است.

صالحان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۲۰

۲۰ برخورداری گروهی از بنی اسرائیل بر اثر پایبندی به توبه خویش ، از بینش ها و نعمت های صحیح دینی

ثم عموا و صموا کثیر منهم

صالحان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ - حضور گروهی از انسان های برتر در آخرت با عنوان صالحان و شایستگان

و إنه فی الآخره لمن الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۹،۱۰

۹ - تسلیم بودن ابراهیم (ع) در برابر خدا، دلیل گزینش وی و شایستگی او برای ملحق شدن به صالحان سرای آخرت

لمن الصالحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

<إذ> در جمله <إذ قال...> حرف

تعلیل است، بیانگر علت گزینش ابراهیم و شایستگی او برای وارد شدن به جرگه صالحان می باشد.

۱۰ - در آمدن به جرگه صالحان سرای آخرت ، در گرو تسلیم بودن و اطاعت کردن از خداوند است .

و إنه فی الآخره لمن الصالحین. إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۲

۲- ابراهیم (ع) ، از جمله صالحان در آخرت است .

و إنه فی الآخره لمن الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - صالحان ، در جهان آخرت ، مردمی ممتاز و برجسته اند .

و إنه فی الآخره لمن الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از قرب خداوند و مورد عنایت ویژه او در جهان آخرت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - رضایت خداوند ، از مؤمنان شایسته کردار در جهان آخرت

رضی الله عنهم

۱۲ - رضایت مؤمنان شایسته کردار ، از خداوند در آخرت

و رضوا عنه

صالحان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۴

۴ مسیحیان مؤمن به قرآن و پیامبر (ص) آرزومند همراهی با صالحان در بهشت

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول حذف شده از

<یدخلنا> به قرینه مقام و نیز آیه بعد <الجنه> باشد یعنی <نطمع ان یدخلنا الجنه مع القوم الصالحین>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۸

۸ صالحان بهره مند از بهشت جاویدان

و نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین. فاثبهم الله بما قالوا جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۷

۷ بهشت جایگاه صالحان است .

و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ

جمله <أُولَئِكَ..> یا خبر یکم برای <إِنَّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أُولَئِكَ> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدْنٌ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۸ - ۱

۱- مؤمنان نیک کردار ، در باغ های بهشت برین ، جاودانه اند .

جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نَزْلًا . خَلْدِينَ فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، در بهشت ، جاودانه خواهند بود .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلح لنبؤننهم من الجنّه . . خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۲

۲ - مؤمنان نیک کردار ، در بهشت ، در سرور و شادمانی مستمر بسر می برند .

فهم فی روضه یحبرون

<حبر> در لغت به معنای اثر تحسین برانگیز است (مفردات راغب) و <فی روضه یحبرون> یعنی در باغی شادمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۸ - ۱

۱ - بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنان دارای اعمال صالح است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۴

۴ - وعده ورود مؤمنان دارای عمل صالح به بهشت و خلود در آن ، وعده ای تخلف ناپذیر است .

لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۳، ۹

۹ - مؤمنان نیک کردار ، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحٰت في روضات الجنّٰت

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

۱۳ - تمامی خواسته های مادی و معنوی مؤمنان نیک کردار ، در بهشت فراهم است .

لهم ما یشاءون عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۶- بهره مندی همواره و سهل موحدان نیکو کار ، از نعمت های الهی در بهشت

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

تعبیر به <أصحاب> اشاره به همنشینی دائم و همیشگی یکتاپرستان استوار بر طریق ایمان، با نعمت های بهشتی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۲

۲- ره یافتن مؤمنان نیک کردار به بهشت ، نمودی از ولایت الهی بر آنان

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا .. إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحِ

صالحان در بهشت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۳

۳- بهشت های عدن ، جایگاه توبه کنندگان مؤمن و دارای عمل صالح

فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ .. جَنَّتِ عَدْنِ

صالحان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین

در حکومت خویش بود .

أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ .. وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد

داد.

صالحان در فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به

هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّه لِيُؤْسُ كُفُورٍ .. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صالحان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن بالله و اليوم الآخر و عمل صالحاً .. و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف عليهم ..> قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفينه في الدنيا و إنه في الآخرة لمن الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ينفع الصدقين صدقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و كلهم ءاتيه يوم القيمة فردًا . إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد؛ زیرا

همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلهم آتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۴

۴ - نیک کرداران ، ایمن از هراس و وحشت روز رستاخیز

و هم من فزع یومئذ ءامنون

نکره آمدن <فزع> بیانگر بزرگ بودن وحشت آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۴

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ؛ نه از استحقاق آنان .

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند؛ می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - > قال رسول الله (ص) . . . یابن مسعود أكثر من الصالحات و البرّ فإنّ المحسن و المسیء یندمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازددت من المحسنات و یقول المسیء : قصرت ، و تصدیق ذلك قوله تعالی : > و لا أقسم باللّوامه < ؛

رسول خدا(ص) فرمود: ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت

[نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیاده تر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم باللّوامة>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۷ - ۱

۱ - صاحبان کردار گران قدر ، پس از سنجش اعمال در قیامت ، از زندگانی رضایت مندی برخوردار خواهند شد .

فهو فی عیشه راضیه

<عیشه> یعنی، نوعی زندگانی (لسان العرب). توصیف آن به <راضیه> (برخوردار از رضایت)، به اعتبار وجود رضایت کامل در آن است. چنین وصفی در حقیقت، با <مرضیه> به یک معنا است.

صالحان و زکات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنكوننّ من الصّالحين

صالحان و صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنكوننّ من الصّالحين

صالحان و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - انسان های مؤمن ، نیک کردار و پرهیز کننده از ظلم به دیگران ، بسیار اندک اند .

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي . . . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَّا

تنکیر <قلیل> و اضافه شدن <ما>ی مبهمه، بر مبالغه در قلت

دلالت دارد.

صالحان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهداءین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهداءین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

صالحان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهداءین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهداءین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

صالحان هنگام آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۳

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إنه لفرح فخور. إلا الذين صبروا و عملوا الصلحت

صالحان هنگام رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود

۳ صابرانِ دارای اعمال صالح ، به هنگام رفاه و آسایش و برخورداری از موهبت های دنیا ، هرگز تکبر نکرده و فخرفروشی و شادمانی نمی کنند .

إِنَّه لَفَرِحَ فَخُورًا . إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صالحان هنگام سلب نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱

۱ صبر پیشگانِ دارای اعمال صالح به هنگام زوال نعمت و روی آوری فقر و تنگدستی ، از رحمت خدامایوس نمی گردند و به تدبیر او در هستی کافر نمی شوند .

إِنَّه لِيُؤْسُ كُفُورًا .. إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صالحان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۸ - ۳

۳ برخی از امت های پراکنده شده یهود ، مردمی صالح و گروههایی از آنان ناصالح هستند .

منهم الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ

<دون> به معنای غیر می باشد و <ذلك> اشاره است به صالح که از <الصالحون> به دست می آید، یعنی: <منهم غیر صالحین> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۱،۴

۱ یهودیانی که به تورات چنگ زنند و به محتوای آن پایبند باشند و نماز را برپا دارند ، مردمی صلاح پیشه اند .

وَالَّذِينَ يَمْسُكُونَ بِالْكَتَبِ .. إِنَّا لَنَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

تمسیك (مصدر <يمسكون>) به معنای حفظ کردن و رها ساختن است. محافظت كتاب آسمانی به این است كه انسان معارف آن را باور داشته و به احكام آن پایبند باشد.

۴ گروهی از یهودیان نسل های پیشین ، بر

خلاف دنیاگرایان ایشان ، به محتوای تورات و میثاق های آن پایبند بودند و نماز را به پا داشتند .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

صبر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - صبر و شکیبایی ، از ویژگی های صالحان

ربِّ هب لی من الصالحین .. ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع)، از خداوند خواستار فرزندی صالح شد و خداوند به او، اسماعیل(ع) را عنایت کرد و این فرزند، خود را از صابران خواند.

ظلم به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۷ - ۵

۵ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما کان ربک لیهلک القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از <رب> که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.

عبادت کنار قبور صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۳۸

۳۸- ساختن مسجد بر اقامت گاه صالحان و مزار آنان ، جایز بوده و عبادت در کنار قبر آنان شایسته است .

لنتخذنّ علیهم مسجداً

هرگاه قرآن، از جوامع و ادیان پیشین، سخن و عملی را با لحنی نقل کند که نشانه تمجید و عنایت خاص خداوند باشد، معلوم می شود که قرآن، آن گفته و کردار را صحیح و پسندیده تلقی کرده است.

عبودیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- صالحان ، بندگان خاص خداوند

عبادی الصلحون

بنابراین که <الصالحون> قید توضیحی برای <عبادی> باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲

۲- اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

يَبْشُرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

از اضافه <عباده> به ضمیر راجع به <اللّه> که اضافه تشریفیه است برداشت یاد شده استفاده می شود.

عذاب صالحان ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۴

۴ خداوند حتی آن گروه از یهودیان ایله را که خود صالح بودند ، ولی متجاوزان را موعظه نکردند ، به عذابی شدید گرفتار ساخت .

أُنْجِنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعِزَّتِهِمْ

در آیه قبل در مقام تقسیم یهودیان ایله از نظر عملکرد، آنان را به سه گروه تقسیم کرد و آیه مورد بحث در مقام بیان سرنوشت آنان است و ایشان را در دو گروه قرار داده است. این مقایسه نشان می دهد که خداوند ترک کنندگان نهی از منکر را از گروه ظالمان (الذین ظلموا) شمرده است.

عقلانیت برتری صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۵

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ . . . كَالْفَجَّارِ

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أَمْ نَجْعَلُ . . . > به

دست می آید.

عقیده به حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۴

۴- تأثیر اعتقاد به حاکمیت نهایی صالحان بر زمین ، در عبودیت و بندگی خدا

و لقد كتبنا في الزبور .. إن في هذا لبلغاً لقوم عبدین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <هذا> اشاره به مسأله حاکمیت صالحان داشته باشد.

عقیده صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۶

۶ توجه صالحان به ولایت و سرپرستی خدا بر ایشان ، عامل مقاومت آنها در مبارزه با اهل شرک و نهرا سیدن از توطئه های ایشان

ثم کیدون فلا تنظرون .. هو يتولى الصالحين

از اهداف بیان ولایت خدا بر صالحان، پس از طرح توطئه مشرکان، این است که صالحان همواره توجه به یاری خدا داشته باشند و هرگز از مکرهای مشرکان نهرا سند.

عمل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۳

۳ اعمال خیر صالحان هرگز از جانب خداوند ، کفران نخواهد شد و مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت .

و اولئك من الصالحين. و ما يفعلوا من خير فلن يكفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنكوننّ من الصالحين

عمل ناپسند خویشاوندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۸

۸- صدور کردار ناروا از فرزندان انسان های

صالح و خویشاوندانِ شخصیت های برجسته ، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است .

يَاخْتِ هِرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ اُمُّكَ بَعِيًّا

عمل ناپسند فرزندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۸

۸- صدور کردار ناروا از فرزندان انسان های صالح و خویشاوندانِ شخصیت های برجسته ، نکوهیده تر و شرم آورتر از ارتکاب آن از سوی دیگران است .

يَاخْتِ هِرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ اُمُّكَ بَعِيًّا

عوامل محافظت از منافع صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۰

۱۰- عوامل غیبی الهی ، در حفظ منافع صالحان و فرزندان آنان ، دخالت دارد .

فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

داستان تعمیر دیوار و حفظ منافع یتیمان، گرچه در موردی خاص بوده، ولی پیام آیه، کلی است و آن این که به مناسبت عمل صالح پدران، منافع فرزندان نیز محفوظ می ماند.

عوامل محافظت از منافع فرزندان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۰

۱۰- عوامل غیبی الهی ، در حفظ منافع صالحان و فرزندان آنان ، دخالت دارد .

فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

داستان تعمیر دیوار و حفظ منافع یتیمان، گرچه در موردی خاص بوده، ولی پیام آیه، کلی است و آن این که به مناسبت عمل

صالح پدران، منافع فرزندان نیز محفوظ می ماند.

عیسی (ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له ... کل من الصالحین

فاسدان و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۸

۸ - انسان های صالح و پاکدامن ، عناصری مزاحم و غیرقابل تحمل برای فاسدان و منحرفان

أخرجوا آل لوط من قريبتكم إنهم أناس يتطهرون

موضع گیری مفسدان در قبال لوط (ع) و خاندانش، نشان می دهد که آنان تلاش های خیرخواهانه وی را برنتابیدند و او را به عنوان عنصری مزاحم محکوم به اخراج کردند.

فرجام اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - صالحان ، دارای فرجامی نیک در جهان آخرت

لولا آخرتی ... و أكن من الصالحین

فرجام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۷ - ۱

۱- بوستان های فردوس ، منزل گاهی تضمین شده برای نیک کرداران مؤمن به آیات الهی و قیامت است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. نَزَلًا

متعلق ایمان در <آمنوا> به قرینه آیات قبل که درباره کفر به آیات و لقای پروردگار بود ایمان به آیات و قیامت است. <فردوس> یعنی <وادی سرسبز>. برخی از زبان شناسان، آن را کلمه ای رومی می دانند که به زبان عرب وارد شده است (تاج العروس) کلمه <نزل> در معانی <منزل> و <وسایل پذیرایی> و... استعمال می شود. برداشت یاد شده، براساس معنای نخست

است. فعل ماضی (کانت) درباره حوادث آینده، بر وقوع حتمی و تضمین شده آن حوادث دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند، آگاه ساختن انسان ها را با خوبی و بدی و رساندن خوبان و بدکاران را به فرجام شایسته آنان، بر خود لازم شمرده است.

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

<هدی> مصدر و به معنای ارشاد و راهنمایی است (قاموس). مراد از هدایت ممکن است اعم از هدایت فطری و تشریحی و نیز رساندن به مقصد باشد. جملات <سنیسه لیسری> و <سنیسه للعسری> (در آیات پیشین) مؤید تعمیم است.

فرزند صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۴ - ۹

۹ امکان ناصالح شدن فرزندان، از پدران و مادران خوب و شایسته

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا وذریتنا قره أعین

برداشت فوق، به خاطر این نکته است که عبادالرحمان که خود از بهترین ها جامعه اند برای سرنوشت و آینده خوب فرزندانشان دعا می کنند و از خداوند خواستار صلاح و نیکی آنان می شوند.

فضایل اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۹

۹ - مؤمنان نیک کردار، ایمن در قیامت و برخوردار از بوستان های بهشت

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی روضات الجنّات

از تقابل <تری الظالمین> با <و الذین ءامنوا> مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - جائیہ - ۴۵ - ۳۰ - ۱،۴۸

مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت پروردگار در قیامت

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ

۴ - مؤمنان نیک کردار ، مشمول رحمت حق در پی مشاهده نگرانی های همگانی قیامت *

و تری کلّ أمّه جائیه .. فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ

برداشت بالا بدان احتمال است که <فَأَمَّا الَّذِينَ ..> تفریع بر <تری کلّ أمّه جائیه> باشد.

۸ - مشمول رحمت حق در قیامت نسبت به مؤمنان صلاح پیشه ، نمودی از ربوبیت او

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ

به کار رفتن واژه <ربّ> و اضافه آن به <هم>، بیانگر مطلب یاد شده است.

فضایل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۳۰

۳۰ امیر المؤمنین (ع) فرمود : <... قالت الملائكة : سبحانك > أتجعل فيها من يفسد فيها و يفسك الدماء و نحن نسبح بحمدك و نقصد لك <... فاجعله منّا فاننا لانفسد في الأرض و لانفسك الدماء . قال جلّ جلاله ... > إني أعلم ما لاتعلمون < انی ارید ان اخلق خلقاً بیدی اجعل ذریته انبیاء مرسلین و عباداً صالحین و ائمه مهتدین اجعلهم خلفائی فی ارضی .
;...

... ملائکه گفتند: پروردگارا منزهی تو <آیا قرار می دهی در زمین کسی را که فساد و خونریزی می کند و ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تقدیست می کنیم>. پس خلیفه را از ما قرار بده که ما نه در زمین فساد می کنیم و

نه خونریزی می نماییم. خداوند جل جلاله فرمود: من چیزی را می دانم که شما نمی دانید؛ من اراده نموده ام که با دست خود خلقی را بیافرینم که از نسل او پیامبران مرسل، بندگان صالح و پیشوایان هدایت یافته به وجود آیند که آنان را جانشینان خود بر مخلوقاتم در زمین قرار بدهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۵، ۴

۴ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم . . . و الصالحين

تصریح به اسم جلاله <الله> در جمله <انعم الله عليهم>، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

۵ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاص

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من يطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله

با توجه به آیه قبل، که اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و . . . قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و . . . رهروان صراط مستقیم هستند.

۷ پیامبری ، صدیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ *

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . و الصالحين

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در <انعم الله عليهم>، همان مقام نبوت و . . . باشد.

۸ مقام برتر پیامبران بر صدیقان ، و صدیقان بر شاهدان ، و شاهدان بر صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . و الصالحين

ترتیب درجات

از ترتیب در ذکر استفاده شده است.

۱۰ مقام پیروان ، صدیقین ، شاهدان و صالحان بالاتر از مقام اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

و من یطع الله و الرسول فاولئک .. الصالحین

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان (گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا) و صالحان

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۳

۳ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، بهره مند از تفضّل خاص الهی

من النبیین و الصدیقین .. ذلک الفضل من الله

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به انعام مستفاد از جمله <الذین انعم الله علیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کلّمهم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کلّمهم ءاتیه یوم القیامه فرداً). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند

آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۴

۴- صالحان، از رحمت خاص الهی، بهره منداند.

و أدخلنه فی رحمتنا إنه من الصالحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنه من الصالحین> تعلیل برای <أدخلناه..> است و تعلیل، موجب تعمیم حکم و شمول دیگر افراد مورد بحث می شود؛ یعنی، هرکس صالح باشد، در رحمت الهی وارد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد كتبنا .. أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۲

۲ - تهی گشتن جامعه از تمامی افراد مؤمن و صالح، زمینه ساز ابتلای آن به عذاب الهی

فنجينه و أهله أجمعين . إلا عجزوا في الغبرين . ثم دمرنا الآخرين

از آن جا که پس از خروج لوط(ع) و خاندان مؤمن وی، عذاب بر قوم او نازل گردید، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۴

۴ - نیک کرداران، ایمن از هراس و وحشت روز رستاخیز

و هم من فزع يومئذ آمنون

نکره آمدن <فزع> بیانگر بزرگ بودن وحشت آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ

۶- مؤمنان دارای عمل صالح ، همواره در غرفه های بهشت ، در امنیت خواهند بود .

إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا .. وَ هُمْ فِي الْغُرَفِ ءَامِنُونَ

۷- در بهشت ، غرفه های گوناگون و متعددی برای یک مؤمن دارای عمل صالح هست .

و هُمْ فِي الْغُرَفِ ءَامِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲- مؤمنانِ دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۰ - ۹

۹- انسان صالح ، انسان کامل و آرمانی مکتب وحی

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

از این که حضرت ابراهیم(ع) فرزند مورد علاقه اش را از میان انسان های صالح خواسته است، می توان استفاده کرد که آنچه برای ابراهیم(ع) مهم و به صورت یک آرمان تلقی می شد؛ انسان کامل و صالح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۸

۸- انسان صالح ، انسان کامل و آرمانی در مکتب وحی

نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ

از این که ابراهیم(ع) فرزند مورد علاقه اش را از میان انسان های صالح درخواست کرد (رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ) و خداوند هم فرزندی با صفت صالح به ایشان عطا فرمود، می توان استفاده کرد که آنچه برای ابراهیم(ع) مهم و به صورت یک آرمان

تلقی می شد، انسان کامل و صالح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۹ - ۲

۲ - مؤمنان تائب و صالحان ، مشمول رحمت الهی در قیامت در سایه دعا و درخواست فرشتگان

و قهم السيئات و من تق السيئات يومئذ فقد رحمته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

كل أمه تدعى إلى كتبها .. فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيدخلهم ربهم ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱

۱- نوید الهی به ورود مؤمنان نیک کردار ، به باغ های بهشت با تکریم و اجلال

إن الله يدخل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جنت

واژه <یدخل> و اسناد فعل به خداوند، می رساند که مؤمنان با تکریم و اجلال و در سایه لطف و اراده الهی، گام در بهشت می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۶،۷

۶ - صالح بودن ، محور فضیلت ها و اساس ارزش های الهی و انسانی

فجعل من الصالحين

توصیف یونس(ع) به صالح بودن پس از برگزیدگی او می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

۷ - اجتناب صالحان و برگزیدگان الهی ، از ترک اولی

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند یونس(ع) را پس از توبه و پشیمانی او از ترک اولی به مقام صالحان رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۷

۱ - افراد مؤمن و دارای عمل صالح ، بهترین مردم و برترین موجودات اند .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ

۳ - مؤمنان نیک کردار ، گرفتار عذاب ابدی جهنم نخواهند شد .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. فِي نَارٍ جَهَنَّمَ ... إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ

ترس از خداوند، به معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

قداست قبور صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۳

۴۳ - صالحان و مردان الهی ، پس از مرگ نیز شایسته احترام اند و آرامگاه آنان دارای منزلتی والا است .

لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

قیاس صالحان با مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۴،۵

۴ - مؤمنان نیکوکار در نگاه نظام ارزشی خدا با مفسدان برابر نیستند ، بلکه آنان برترند .

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ

۵ - یکسان نبودن صالحان با مفسدان و تقواییشان با تبه کاران ، امری بدیهی در نگاه عقل و منطق

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. كَالْفَجَّارِ

برداشت یاد شده از استفهام انکاری مستفاد از جمله <أَمْ نَجْعَلُ ..> به دست می آید.

کمی صالحان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - انسان های دارای عمل صالح زیاد ، اندک هستند .

اعملوا ءال داود شكراً و قليل من عبادى الشكور

بنابراین که <شکر> مفعول له <اعملوا> باشد، <قلیل من عبادى الشكور> اشعار به این نکته دارد: کسانی که به منظور ادای شکر عمل صالح انجام دهند، کم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - انسان های مؤمن ، نیک کردار و پرهیز کننده از ظلم به دیگران ، بسیار اندک اند .

و إنّ كثيراً من الخلقاء لیبغى .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قليل ما

تنکیر <قلیل> و اضافه شدن <ما> مبهمه، بر مبالغه در قلت دلالت دارد.

لوط(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

کلاً هدینا .. و من ذریته ... کل من الصلحین ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۲

۲- حضرت لوط (ع) ، از صالحان و شایستگان بود .

إنّ من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صلحین

محافظت از مال بازماندگان صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۴

۱۴- امداد رسانی به یتام و بازماندگان انسان های صالح و حفاظت از اموال ایشان ، کاری است مورد پسند خدا .

فأراد ربك ... رحمه من ربك

محبوبیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۱،۲،۷

۱- ایمان و عمل صالح موجب نفوذ محبوبیت شخص مؤمن در دل های مردم است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

<وَدٌّ> به معنای میل و محبت است. و مراد از آن، به قرینه <لهم>، محبتی است که خداوند برای مؤمنان در دل های دیگران قرار می دهد.

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

۷- محبوبیت یافتن مؤمنان نیک کردار در دل ها ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

محدوده حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبويه على العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

محمد(ص) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۵

۵ پیامبر (ص

(از زمره بندگان صالح خدا و برخوردار از حمایت های بی دریغ او

إن ولی الله . . . و هو یتولی الصالحین

مراتب صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۸

۱۸ - خوبی ها و نیکی ها ، دارای درجات گوناگون و نیک کرداران و خوبان ، دارای مراتب مختلف

لیلوکم اَیکم أحسن عملاً

مریم(س) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۵

۱۵ - مریم (س) ، از تبار طاعت پیشگان و از نسل نیکان و خداپرستان

و کانت من القتین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <من> در <من القاتین> نشویه باشد؛ یعنی، مریم(س) برآمده از قانتان بود.

مصونیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۹

۹ - مؤمنان دارای عمل صالح ، از عذاب الهی درامان اند .

و ما نحن بمعذبین . . . و ما أمولکم ... تقربکم عندنا... إلا من ءامن ... و هم ...

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <آمنون> در این آیه، تعریض به <ما نحن بمعذبین> در آیه ۳۵ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نجات مؤمنان و صالحان از بدی ها و ناراحتی های روز قیامت ، برخاسته از رحمت و لطف الهی است ؛ نه از استحقاق آنان .

و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته

یادآوری و تصریح فرشتگان به این که حفظ مؤمنان از ناراحتی های قیامت نشانگر این است که آنان

مورد رحمت و لطف الهی قرار گرفته اند؛ می تواند حکایت از حقیقت یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۱

۱ - مؤمنانی که عمل صالح دارند ، از عذاب الهی در امان اند .

فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

<إِلَّا> برای استثنای منقطع به کار رفته است و معنای <لکن> را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۴ - ۲

۲ - خداوند ، مؤمنان نیکوکار را از گرفتاری به عذاب مصون داشته و با آنان مهربان است .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ .. وَ هُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ

<غفر> (ریشه <غفور>) یعنی، پوشاندن لباسی که شخص را از آلودگی ها محفوظ دارد و غفران خداوند، ایجاد مصونیت از عذاب برای بندگان است (مفردات راغب). جمله <هو الغفور> در ارتباط با <إِنَّ بَطْشٌ...> که تهدید کافران بود نویدی به مؤمنان و بیانگر مصونیت آنان، از گرفتاری به دام عذاب است.

مقامات اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۴

۴- مرتبه و جایگاه صالحان در آخرت ، مرتبه ای ویژه و متعالی

و إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

از اینکه خداوند در مقام امتنان بر حضرت ابراهیم(ع)، ایشان را از زمره صالحان برشمرده است، نشان می دهد که مقام و منزلت صالحان بس بلند و عالی است و افرادی چون ابراهیم(ع) شایسته چنین مقامی اند (و إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ).

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۵ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، از درجات و مراتب بلندی در آخرت برخوردارند .

و من یأته مؤمن ا... لهم الدرجت العلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۵

۵ - خلود در بهشت عدن ، تبلور درجات عالی مؤمنان دارای عمل صالح در آخرت

لهم الدرجت العلی . جنّ عدن ... خلدین

<جنّات عدن> بدل برای <الدرجات العلی> است؛ یعنی، آن درجات بلند، همان باغ های بهشت عدن است.

مقامات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۰ - ۱۲

۱۲ - بندگان خالص و برگزیده خدا در قیامت به گروه صالحان ملحق خواهند شد .

و لقد اصطفینہ فی الدنیا و إنه فی الآخره لمن الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۱ - ۱۰

۱۰ - در آمدن به جرگه صالحان سرای آخرت ، در گرو تسلیم بودن و اطاعت کردن از خداوند است .

و إنه فی الآخره لمن الصلحین . إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۷،۸ - ۶

۶ صالحان دارای مقامی رفیع در پیشگاه خداوند

نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

۷ ایمان به خدا، قرآن و پیامبر (ص) زمینه عروج به درجه صالحان

و ما لنا لا نؤمن بالله و ما جاءنا من الحق .. یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <و نطمع ..> می رساند که حتی پس از اعتراف به

خدای یگانه نمی توان به همنشینی باصالحان یقین داشت بلکه ایمان مذکور تنها می تواند زمینه ساز نیل به درجه صالحان باشد.

۸ رسیدن به درجه و مقام صالحان در پرتو خواست و عنایت الهی است .

نطمع ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا .. کل من الصالحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۶ - ۴

۴ خداوند سرپرست و یاری دهنده همه صالحان است .

و هو یتولی الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۳

۴۳- صالحان و مردان الهی ، پس از مرگ نیز شایسته احترام اند و آرامگاه آنان دارای منزلتی والا است .

لنتخذنّ علیهم مسجداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۵ - ۵

۵ - مؤمنان دارای عمل صالح در پیشگاه پروردگارشان شأن و مقامی رفیع دارند .

و من یأته .. فأولئك لهم الدرجت

اسم اشاره <أولئك> که برای اشاره بعید به کار می رود، حاوی تکریم و بزرگداشت مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ - صالحان ، بندگان خاص خداوند

عبادی الصالحون

بنابراین که <الصالحون>

قید توضیحی برای <عبادی> باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۹ - ۲۱

۲۱ - مقام بندگان صالح ، بالاترین جایگاه کمالی انسان

أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ... وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا... وَ أَدْخُلَنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که سلیمان(ع) مقام <عباد صالح> را به عنوان آخرین و عالی ترین آرزوی خود مطرح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۹ - ۱،۵،۶

۱ - ایمان آورندگان دارای عمل صالح ، از سوی خداوند ، در زمره صالحان قرارخواهند گرفت .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

۵ - صالحان ، در پیشگاه خداوند ، مقامی ارجمند دارند .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

این که خداوند، به مؤمنان شایسته کردار، وعده حتمی داده است که آنان را، وارد زمره صالحان بکند، نکته بالا، فهمیده می شود.

۶ - خداوند ، مؤمنان دارای عمل صالح را ، در جایگاه صالحان ، وارد خواهد کرد .

و الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

<لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي مَدْخَلِ الصَّالِحِينَ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲

۲ - اهل ایمان و عمل صالح ، بندگان خاص و مقرب خداوند

يَبشّر الله عباده الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

از اضافه <عباده> به ضمير راجع به <الله> كه اضافه تشريفيه است برداشت ياد شده استفاده مي شود.

منافقان و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ پیمان بستن برخی از منافقان صدر اسلام با خدا مبنی بر پرداخت زکات و صدقه و قرار گرفتن در صف صالحان ، در صورت برخورداری از مال و فضل الهی

و منهم من عهد الله .. و لنكونن من الصالحين

منشأ آمرزش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۸

۱۸- مغفرت و محو کاستی های اعمال و لغزش های صالحان ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و مغفره من ربهم

از ارتباط غفران با وصف ربوبیت خدا، می توان نتیجه گرفت که خطاپوشی خداوند نسبت به مؤمنان نیک کردار متقی، ناشی از مقام ربوبیت و پروردگاری او است.

منشأ حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد كتبنا .. أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

موسی(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. كل من الصالحين

مهمترین پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۶

۶ - ایمنی از وحشت روز جزا ، مهم ترین پاداش الهی به نیک کرداران

من جاء بالحسنه فله خیر منها و هم من فزع یومئذ ءامنون

اختصاص به ذکر یافتن > و هم من فزع یومئذ

آمنون > با این که <له خیر منها> دربرگیرنده آن نیز هست نشان می دهد که ایمنی از وحشت روز رستاخیز، مهم ترین لطف و عنایت الهی در حق نیک کرداران است.

نجات اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کَلِّهْم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إِنَّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کَلِّهْم ءاتیه یوم القیمه فردًا). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات از تنهایی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند ، مؤمنان نیک کردار را در صحنه قیامت از رنج تنهایی نجات خواهد داد .

و کَلِّهْم ءاتیه یوم القیمه فردًا . إِنَّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

چنان که برخی از مفسران گفته اند، این آیه می تواند در ارتباط با مضمون آیه قبل و مربوط به صحنه قیامت باشد زیرا همگان در صحنه قیامت تنها و بی یاورند (و کَلِّهْم ءاتیه یوم القیمه فردًا). این آیه بشارتی است برای مؤمنان که خداوند آنان را در آن روز، تنها نخواهد گذاشت و به زودی آنان

را از انس و محبت دیگران برخوردار خواهد ساخت.

نجات صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۸

۸ خداوند ، پیش از نازل کردن عذاب استیصال ، مؤمنان و صالحان را از مهلکه خارج می سازد تا عذاب دامنگیر آنان نشود .

*

و لما جاءنا أمرنا نجينا هودًا والذين ءامنوا معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ خداوند ، تقوایندگان و درستکاران را از عذاب های استیصال نجات می بخشد .

فنجی من نشاء

از مصادیق مورد نظر برای <من نشاء> علاوه بر پیامبران ، تقوایندگان و درستکاران است. آیه قبل (أفلم یسیروا ... و لدار الأخره خیر للذین اتقوا) و ذیل آیه مورد بحث (و لایرد بأسنا عن القوم المجرمین) قرینه بر این معناست.

نشانه های صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنکوننّ من الصّالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۳

۳ - تسلیم در برابر فرمان خداوند ، از نشانه های صالحان

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ .. فَلَمَّا أَسْلَمَا وَ تَلَّهُ لِلجِینِ

نعمت همنشینى با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۲

۲۲ زیستن با صالحان در سرای آخرت از نعمت های گران سنگ الهی است .

و ألحقنی بالصالحین

جمله <ألحقنی> پس از <توفنی مسلماً> می رساند

که مراد از الحاق ، الحاق در قیامت و سرای آخرت است.

نعمتهای اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۷

۷ - در بهشت ، غرفه های گوناگون و متعددی برای یک مؤمن دارای عمل صالح هست .

و هم فی الغرفت ءامنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۲ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، در انبوه نعمت های وصف ناپذیر آخرت جای خواهند گرفت .

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

از جمله معانی بیان شده برای <بَرٌّ> ، <صلاح و درست کاری> ، <اطاعت> و <صداقت> است (لسان العرب). <نعیم>؛ یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب). نکره بودن آن، دلالت دارد که وصف نعمت ها امکان پذیر نیست. مراد از آن به قرینه آیات بعد نعمت های آخرت است.

نقش اجتماعی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۲

۲ - تهی گشتن جامعه از تمامی افراد مؤمن و صالح ، زمینه ساز ابتلای آن به عذاب الهی

فَنَجِّينَهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ . إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ . ثُمَّ دَمَّرْنَا الْأَخْرِينَ

از آن جا که پس از خروج لوط(ع) و خاندان مؤمن وی، عذاب بر قوم او نازل گردید، مطلب یاد شده به دست می آید.

نقش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- صنعت اسلحه سازی و تولید سلاح ، باید در اختیار افراد صالح و تحت نظارت رهبران جامعه دینی قرار

گیرد .

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

از این که خداوند برای دفاع مردم از منافع خویش در برابر دشمن، صنعت اسلحه سازی را تنها به داوود(ع) آموخت، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۸

۸ - انسان های صالح و پاکدامن ، عناصری مزاحم و غیرقابل تحمل برای فاسدان و منحرفان

أخرجوا آل لوط من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

موضع گیری مفسدان در قبال لوط(ع) و خاندانش، نشان می دهد که آنان تلاش های خیرخواهانه وی را برنتابیدند و او را به عنوان عنصری مزاحم محکوم به اخراج کردند.

نقش صالحان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۷

۷- وجود انسان های شایسته و متعالی در هر عصر و در میان هر گروه ، مایه اتمام حجت خداوند بر دیگران است .

و یوم نبعث فی کل أمه شهیداً علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که منظور از شهادت و گواهی، شهادت و گواهی قولی نباشد؛ بلکه شهادت عملی باشد؛ یعنی، وجود صالحان خود وسیله ای قرار گیرد برای اتمام حجت بر دیگران و اینکه آنان نیز می توانستند صالح باشند.

نگرانی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۶

۱۶ - مؤمنان دارای عمل صالح ، هراسان از فرجام خویش و نگران از کوتاهی در برابر عظمت خداوند

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. ذلک لمن خشی ربّه

ترس از خداوند، به

معنای نگرانی و هراس از فرجام خویش هنگام روبه رو شدن با او است.

نوح(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حضرت نوح و لوط (ع) ، دو بنده صالح و شایسته خداوند

عبدین من عبادنا صالحین

نهی از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۱ - ۷

۷ - احتمال درستکاری افراد ، کافی در مُجاز نبودن نهی آنان

أرءیت الذی ینهی .. أرءیت إن کان علی الهدی

وراثت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱،۷

۱- به ارث بردن زمین و تسلط بر منافع آن به وسیله بندگان صالح ، امری ثبت شده در کتاب تورات و زبور

و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که: ۱ الف و لام <الزبور> برای عهد و مقصود از آن کتاب آسمانی داوود(ع) باشد؛ چنان که در آیه ۱۶۳، سوره <نساء> آمده است (و آتینا داوود زبوراً)؛ ۲ مقصود از <الذكر> تورات باشد؛ چنان که این نام در قرآن بر تورات اطلاق شده است (انبیاء، آیه ۴۸)؛ ۳ <من بعد الذكر> متعلق به <كتبنا> باشد.

۷- بشارت خداوند به وراثت

بهشت برای بندگان صالح خویش

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <الأرض> بهشت باشد، چنان که در برخی از آیات به صراحت چنین آمده است: <وَأُورِثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ> (سوره زمر (۳۹) آیه ۷۴).

وعدۀ به صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعدۀ داد .

وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءٌ الْحَسَنَى

<جزاء> حال است و بیان این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۹، ۳

۳- خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعدۀ کرده است .

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

۹- خداوند ، استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش را به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعدۀ کرده است .

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... وَلَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى

۱۰- وعدۀ اُکید خداوند به استقرار و تثبیت دین مورد پسند خویش به سود مؤمنان نیکوکار

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... وَلَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى

۱۴- تبدیل و جایگزین کردن ترس و اضطراب به امنیت و آرامش ، وعدۀ خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ...

و ليبدلّتهم من بعد خوفهم أمّن

۱۶ - وعده خداوند به مؤمنان نیکوکار صدراسلام، به تبدیل و دگرگون کردن ترس و اضطراب آنان به امنیت و آرامش

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليبدلّتهم من بعد خوفهم أمّن

۱۹ - خداوند، به مؤمنان نیکوکار وعده داده است که در کمال امنیت و آرامش و بی هیچ ترسی از دشمنان دیانت، تنها خدا را عبادت کنند.

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و ليبدلّتهم من بعد خوفهم أمّن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <يعبدونني..> استینافیه و بیانگر نتیجه و بازتاب تبدیل ترس و اضطراب به امنیت و آرامش باشد؛ یعنی، مؤمنان آن چنان در امنیت و آرامش قرار می گیرند که بی هیچ ترس و اضطرابی از ناحیه دشمنان دیانت، به عبادت خدای واحد می پردازند.

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری از شرک، دلیل و سبب وعده خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت، پیروزی و امنیت به آنان

وعد الله الذين ءامنوا . . . يعبدونني لایشركون بي شيئاً

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <يعبدونني..> حال برای ضمائر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد؛ که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱۱

۱۱- قبولی اعمال نیک و ورود در زمره بهشتیان، وعده همیشگی و تخلف ناپذیر الهی به اهل تسلیم، صلاح و شکر

وعد الصدق الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنان نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد الله الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

وعده پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمین ، وعده اکید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعده خلافت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خلافت و جانشین خود قرار دادن در زمین ، وعده اُکید خداوند به مؤمنان نیکوکار

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

<خلافت>، به معنای نیابت از غیر است (مفردات راغب). در این که خلافت و نیابت در آیه شریفه،

از طرف چه کسی و یا چه کسانی است، میان مفسران چند نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را خلافت و جانشینی از خدا در زمین می دانند. ۲ عده ای دیگر آن را نیابت و جانشینی اقوام هلاکت شده و یا شکست خورده می شمردند که با هلاکت و یا شکست آنان مؤمنان نیکوکار جانشین آنها در اداره سرزمین هایشان می شوند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظریه نخست است.

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعده اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وفور نعمت اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۴

۴ - زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، برخوردار از روزی ها و نعمت های بی اندازه و بسیار در بهشت

و من عمل صلحًا .. فأولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب

وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأما الذین ءامنوا .. و أما الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

ویژگیهای روزی اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۸

۸ - روزی مؤمنان دارای عمل صالح در قیامت ، از هرگونه رنج و ممتی به دور است .

الذین ءامنوا .. أولئک لهم ...

مقصود از رزق کریم چنان که در روح المعانی آمده است روزی بی رنج و بی منت است؛ زیرا روزی ها یا با تلاش خود انسان ها به دست می آید که همراه با زحمت است و یا از سوی دیگران می رسد که نوعاً توأم با نوعی منت می باشد؛ ولی روزی خدا چنین نیست.

ویژگیهای صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۹

۹ - حلم و بردباری، از ویژگی های انسان های صالح

رَبِّ هَب لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . فَبَشِّرْهُ بِغُلْمٍ حَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - صبر و شکیبایی، از ویژگی های صالحان

رَبِّ هَب لِي مِنَ الصَّالِحِينَ . . . سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع)، از خداوند خواستار فرزندی صالح شد و خداوند به او، اسماعیل(ع) را عنایت کرد و این فرزند، خود را از صابران خواند.

هارون(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له . . . کل من الصَّالِحِينَ

هدایت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

كلا هدينا .. كل من الصالحين

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و

این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴،۷

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

۷ ربوبیت خداوند ، مقتضی دستگیری و هدایت پیوسته مؤمنان نیک کردار

إن الذین ءامنوا .. یهدیهم ربهم

همنشینی اخروی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۲،۲۳،۲۴،۲۵

۲۲ زیستن با صالحان در سرای آخرت از نعمت های گران سنگ الهی است .

و ألحقنی بالصلحین

جمله <ألحقنی> پس از <توفنی مسلماً> می رساند که مراد از الحاق ، الحاق در قیامت و سرای آخرت است.

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضا های یوسف (ع) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقنی بالصلحین

۲۴ انسان باید برای تسلیم بودن در برابر خدا و عاقبت به خیر شدن و زیستن با صالحان در سرای آخرت ، دعا کرده و به درگاه خدا نیایش کند .

توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

۲۵ پذیرش ولایت خداوند ، زمینه ساز تسلیم شدن در برابر خدا و شایسته بودن برای همزیستی با صالحان در سرای آخرت

أنت ولیّ فی الدنیا و الآخره توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

همنشینی با صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۲، ۹، ۶، ۱

۱ مصاحبت با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت

از خدا و رسول (ص)

و من يطع الله و الرسول .. و الصالحين

<صدیق>، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی بر آنند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

۶ پیروان خدا و رسول (ص) ، از همنشینان بهشتی پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من يطع الله .. فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين ... و الصالحين

چون مصاحبت و همنشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش بهشت است.

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، رفیقان و همنشینانی نیکو برای پیروان خدا و رسول (ص)

و من يطع الله و الرسول .. و حسن اولئك رفیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۱،۲

۱ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، دارای فضیلتی کامل

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين .. ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه

<ذلك>، اشاره به معیت و رفاقت در آیه قبل باشد، و فضیلت کامل بر این مناسبت که <الفضل> خبر برای <ذلك> باشد.

۲ معاشرت و همنشینی با پیامبران، صدیقان، شاهدان و صالحان، تفضلی الهی برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

فاولئك مع الذين .. ذلك الفضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۵

۵ مجاهدان راه خدا، همنشین با پیامبران، صدیقان، شاهدان و صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم .. يا ايها الذين امنوا خذوا حذرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۵

۵ همنشینی و همراهی با صالحان آرمانی مقدس و ارزشمند

و نطمع ان يدخلنا ربنا مع القوم الصالحين

یحیی(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحين

یعقوب(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس (ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۶

۶- ابراهیم، یعقوب و اسحاق (ع)، از زمره صالحان اند

و كلاً جعلنا صلحين

يوسف(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۳

۳ ابراهیم، اسحاق، یعقوب، نوح، داوود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی و الیاس(ع) از صالحان بودند.

و وهبنا له .. کل من الصلحين

يوسف(ع) و صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۳

۲۳ ملحق شدن به صالحان در سرای آخرت ، از تقاضای یوسف (ع) در نیایشش به درگاه خداوند

و ألحقني بالصلحين

يونس(ع) از صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۲

۲ اسماعیل، الیسع، یونس و لوط(ع)، از زمره صالحان و برخوردار از هدایت ویژه خداوند بودند.

كلاً هدینا ... و من ذریته ... کل من الصلحين ... و إسمعیل و الیسع و یونس و لوطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۰ - ۴،۵

۴- یونس (ع)، به عنایت خداوند از صالحان کامل و راستین بود .

فجعلہ من الصالحین

۵- برگزیدگی یونس (ع) به رسالت و از صالحان شدن او ، جلوه عنایت و لطف ویژه خداوند به ایشان

لولا أن تدرکه نعمه .. فجعله من الصالحین

صبح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صبح

استیذان قبل از نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲

۲- بردگان ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت صاحبان خود ، در سه وقت اذن بطلبند :

۱ پیش از نماز بامداد ، ۲ به وقت استراحت نیمروزی (ظهر) ، ۳ پس از نماز عشا (هنگام خواب شب) .

ليستئذنكم الذين ملكت أيمنكم .. ثلث مرّات من قبل صلوه الفجر و حين تضعون ثيابكم

اصحاب الجنة هنگام صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۱ - ۱

۱ - صاحبان بوستان یمنی در سپیده صبح ، همدیگر را صدا زده و در یک جا اجتماع کردند .

فتنادوا مصبحین

< مصبح > (مفرد < مصبحین >) به کسی گویند که در آغاز طلوع فجر (سپیده صبح) وارد شده باشد .

اهمیت صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۲

۲ - ظهور سپیده صبح ، از پدیده های عظیم و با اهمیت برای بشر

و الصبح إذا أسفر

اهمیت نافله صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۳

۱۳- > عن أبي عبد الله (ع) انه سئل عن قول الله عزوجلّ : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > قال : هو الركعتان

قبل صلاه الفجر ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدای عزوجلّ < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > سؤال شد، حضرت در جواب فرمود: آن دو رکعت (نماز نافله)، قبل از نماز صبح است.<

اهمیت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۶،۱۰

۶- اهمیت و جایگاه ویژه نماز صبح نسبت به سایر نمازها

أقم الصلوه . . . و قرءان الفجر إن قرءان الفجر كان

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر كان مشهودًا

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۹

۳۹- > عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام في قوله : < واصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي > قال :
إنما عنى بها الصلاة ;

از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در باره این سخن خدا: <.. يدعون ربهم بالغداة و العشي> روایت شده که فرمود:
همانا از تعبیر <خواندن خدا در صبح و عصر> نماز، قصد شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۶

۶- توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر اقامه نماز در سپیده دم و پسین گاه

و اذکر اسم ربک بکره و أصیلاً

مقصود از ذکر در این آیه بنا بر نظر مفسران ممکن است نماز باشد.

تسبیح خدا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۵، ۱۲

۱۲- زکریا (ع) با اشاره از قوم خویش خواست ، سپیده دم و پسین گاه به تسبیح خداوند پردازند .

فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة و عشياً

<بكره> به فاصله بين نماز صبح و طلوع خورشيد گفته مي شود (لسان

العرب). <عشيًا> یا به معنای <ظهر تا غروب> است و یا <آخر روز> و از برخی اهل لغت معانی دیگری نیز نقل شده است (لسان العرب).

۱۵- سپیده دم و پسین گاه ، زمان های مناسب برای تسبیح خداوند

أَنْ سَبَّحُوا بِكُرْهٍ وَعَشِيًّا

تسبیح خدا قبل از صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۵

۵- پیامبر (ص) ، مأمور تسبیح و ستایش پروردگار ، قبل از طلوع خورشید و قبل از غروب آن

و سَبَّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

تسبیح در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۶ - ۱۳، ۱۰

۱۰- منزل های عظمت یافته به اذن خداوند ، محل تسبیح شبانه روزی مردمان شایسته است .

فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تَرَفَعَ . . . يَسْبَحُ لَهَا فِيهَا بِالْغَدْوِ وَالْأَصَالِ

۱۳- صبح و شب ، موقعیت های بسیار مناسب برای تسبیح و تقدیس خداوند

يَسْبَحُ لَهَا فِيهَا بِالْغَدْوِ وَالْأَصَالِ

قید <بالغدو و الأصال> برای این نیست که تسبیح را به دو وقت صبح و شب مقید سازد. بنابراین اختصاص به ذکر یافتن این دو وقت از میان دیگر وقت ها بیانگر مناسب تر بودن آن دو، برای تسبیح و عبادت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۷ - ۳، ۴

۳- تسبیح و تنزیه خداوند ، در هر صبح و شام ، لازم است .

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

برداشت بالا، بنابراین است که <سبحان> بدل از فعل امر باشد.

۴ - صبح گاهان

و شام گاهان ، لحظه هایی ویژه و مناسب برای تسبیح و عبادت خدا است .

فَسَبِّحْنِ اللَّهَ حِينَ تَمْسُونَ وَ حِينَ تَصْبِحُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - مؤمنان ، موظف به تسبیح خداوند در هر صبح و شام اند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ سَبِّحُوهُ بَكْرَةً وَ أُصِيلاً

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذكروا اللَّهَ .. وَ سَبِّحُوهُ بَكْرَةً وَ أُصِيلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۶

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِشْرَاقِ

۶ - شبانگاه و بامداد ، بهترین وقت برای تسبیح پروردگار جهان

يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِشْرَاقِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که تصریح به شبانگاه و بامداد به خاطر خصوصیت ویژه ای باشد که در آن دو زمان وجود دارد و قهراً این خصوصیت می تواند حاکی از برتری و امتیاز آن دو وقت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَيِّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

١٦ - شَبَانَ گَاهَانَ وَ

بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْرَکِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

تشبیه به صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - فاصله ولادت تا قیامت در دیدگاه اهل محشر فاصله ای ناچیز و همسان با عصر یک روز و یا وقت چاشت آن

کأنهم .. لم یلبثوا إلاّ عشیه او ضحها

مراد از <لَبِثَ> در <لم یلبثوا>، درنگی است که در دنیا و برزخ رخ می دهد. این زمان گرچه زیاد باشد، در مقایسه با آنچه انسان پس از حشر با آن مواجه خواهد شد، اندک است. برای <عشیه> معانی متفاوتی ذکر شده است؛ از قبیل: <ظهر تا غروب>، <آخر روز> و <ظهر تا صبح فردا> (مصباح). <ضحی>؛ یعنی، گسترش نور خورشید و پهناور شدن روز (مفردات راغب). اضافه <ضحی> به <عشیه>، برای بیان این نکته است که مقدار صبح یا عصر از یک روز مراد است.

۲ - فاصله قیامت و دنیا هرچند طولانی باشد در برابر عظمت حوادث قیامت ناچیز و بسان گذشت نیمروز از عمر دنیا است .

کأنهم .. لم یلبثوا إلاّ عشیه او ضحها

مفاد <یرونها> ممکن است در ناچیز دیدن دوران گذشته، دخیل باشد؛ یعنی، دیدن قیامت و رخدادهای آن، این ذهنیت را در انسان ایجاد می کند که فاصله طولانی دنیا و برزخ، در نظر او اندک آید.

تشریح نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۴- دستور نماز مغرب ، عشا و صبح ، به پیامبر (ص) *

و من الیل فسبّحه و إدبار النجوم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من الیل>، نظر به نماز مغرب و عشا و <إدبار النجوم> نظر به نماز صبح داشته باشد، چه این که <حين تقوم> در آیه شریفه قبل می تواند نظر به نماز نیمروز داشته باشد. بر این اساس نمازهای پنجگانه در این دو آیه، مورد اشاره قرار گرفته است.

۵- < عن زراره ، عن أبي جعفر (ع) قال : قلت له ... > و إدبار النجوم < قال : ركعتان قبل الصبح ... >

از زراره روایت شده که گفت: به امام باقر(ع) عرض کردم: ..[مراد از تسبیح در] <إدبار النجوم> چیست؟ فرمود: مراد دو رکعت نماز قبل از صبح است.

تظاهر به نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرءان الفجر كان مشهودًا

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <كان> در آیه برای تثبیت است.

چرای چهارپایان در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- بردن دام ها در صبحگاهان به چرا و باز گرداندن آنان در پایان روز

، دارای منظره ای زیبا و بهجت انگیز

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

۳- زیبایی و جمال دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) در شبانگاه به هنگام بازگشت از چراگاه ، بیشتر از صبحگاهان به هنگام رفتن به آن جاست .

و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون

روشن است که حیوانات، صبحگاهان خارج می شوند و شامگاهان برمی گردند و ترتیب ذکر معمولاً مناسب با ترتیب خارجی است؛ ولی در این جا ترتیب ذکر برخلاف ترتیب خارجی است و شاید نکته اش همان برداشت فوق باشد؛ خصوصاً که کلمه <حین> تکرار شده و آهنگ لفظ <تریحون> و <تسرحون> با آیات قبل و بعد سازگار است.

حمد در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶، ۱۲

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْرَکِ

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْرَکِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

خضوع سایه در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۵ - ۷

۷ خضوع سایه ها در برابر خدا و فرمانبری آنها به هنگام صبح و عصر ، نمود بیشتر و روشن تری دارد .

و ظللهم بالغدو و الأصال

<غدو> (جمع غداه) به معنای صبحگاهها و <آصال> (جمع

اصیل) به معنای عصرهاست. سجده سایه ها که به معنای پیروی آنها از قوانین الهی در تکوین است، در همه زمانهاست نه خصوص صبح و یا عصر. از این رو به نظر می رسد آوردن آن دو قید به خاطر وضوح و روشنی این دو هنگام برای فرمانبری سایه هاز قوانین الهی است.

دعا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۹، ۱۱، ۸، ۷

۷- گروهی از مؤمنان عصر بعثت، با وجود محرومیت های مادی، همواره و در صبح و پسین، بر دعا و نیایش خود به درگاه خداوند مراقبت داشتند.

الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشی

<غده> براساس یکی از معانی ذکر شده در <قاموس> به فاصله زمانی بین نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود و <عشی> را، برخی، <میان ظهر تا غروب> و برخی، <فاصله ظهر تا صبح فردا> معنی کرده اند. (ر.ک: المصباح المنیر).

۸- سپیده دم و پسین، فرصت هایی مناسب برای دعا به درگاه خداوند است.

بالغدوه و العشی

مراد از <غده و عشی> ممکن است دو زمان مخصوص باشد و احتمال می رود تمام ساعات شبانه روز مورد نظر باشد. برداشت بالا، ناظر به نخستین معنا است.

۱۱- خو گرفتن به دعا و نیایش در صبح و پسین، مایه ارجمندی نزد خداوند و شایستگی برای همنشینی با پیامبر (ص) است.

و اصبر نفسک مع الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشی

فعل <یدعون> مضارع و برای استمرار است.

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است.

الذین

يدعون ربهم بالغدوة والعشي . . . و لا تطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

ذکر خدا در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۹

۹ - قبل از طلوع و غروب خورشید ، لحظه هایی مناسب برای یاد خدا *

و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل الغروب

ذکر در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۵۸

۵ انسان ها باید در دل و جان به یاد خدا بوده و در هر صبح و عصر لب به ذکر او گشایند .

و اذکر ربك . . . بالغدو و الاصال

<غدوه> (مفرد غدو) به معنای صبح (زمان طلوع فجر تا طلوع خورشید) است. <أصال> جمع و یا جمع الجمع <اصیل> است و اصیل به زمان میان عصر تا مغرب گفته می شود. قابل ذکر است که <ال> در <الغدو> و <الأصال> برای استغراق است و افاده عموم می کند / یعنی هر صبح و عصر.

۸ یاد کردن خدا در هر صبح و عصر ، انسان را از زمره غافلان بیرون می کند .

و اذکر ربك . . . بالغدو و الاصال و لاتکن من الغفلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۲ - ۳

۳ - صبح گاهان و شام گاهان ، وقت هایی مناسب برای ذکر و تسبیح خداوندند .

اذکروا الله . . . و سبحوه بکره و أصیلاً

بنابراین که <بکره> و <أصیلاً> به همان معنای حقیقی خود به کار رفته باشند، نه معنای کنایه ای، معنای یاد شده

فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْرَةِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۱،۵

۱ - ذکر نام پروردگار و یاد او در سپیده دم و پسین گاه ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اذکر اسم رَبِّكَ بَكْرَةً وَأَصِيلاً

<بکره>، هم به فاصله میان نماز صبح و طلوع خورشید گفته می شود (لسان العرب) و هم به آغاز روز (مفردات راغب).
<اصیلاً> به فاصله میان عصر و مغرب گفته می شود (صحاح اللغة) و نیز به معنای آخر روز آمده است (العین). <ذکر> هم دو نوع است: ذکر با قلب و ذکر با زبان. (مفردات راغب)

۵ - سپیده دم و پسین گاه ، از اوقات مناسب برای ذکر و یاد خداوند

و اذکر اسم رَبِّكَ بَكْرَةً و \$ أَصِيلاً

أصِيلاً

زیبایی صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۳

۳ - هنگام دمیدن صبح ، لحظه ای جالب و رضایت بخش

و الصبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ

سوگند خداوند، حاکی از عظمت چیزی است که به آن یاد می شود. عظمت صبحدم در رابطه با انسان ها، فرخناک و به کام بودن آن است.

سوگند به صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سوگند خداوند به سپیده صبح

و الصبح إذا أسفر

عبارت <سفر الصبح> و یا <أسفر الصبح>، به معنای <أضاء> (روشن شد) و <أشرق> (درخشید) است. (قاموس المحيط)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند به بامداد؛ زمانی که سپیده صبح در آسمان گسترده می شود .

و الصبح إذا تنفّس

<تنفّس روز> به معنای توسّع و گسترده شدن آن است. (مفردات راغب)

۲ - سوگند خداوند به سپیده دم؛ زمانی که نفس تازه کند .

و الصبح إذا تنفّس

از معانی <تنفّس> وارد ساختن نفس به درون و خارج ساختن آن است (مصباح). نفس تازه کردن صبح، کنایه از رفع موانع نور خورشید است؛ به گونه ای که گویا روز از حبس شب رها شده و در هوای آزاد نفس می کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۵

۵ - خداوند، در تأکید بر مأموریت جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص)، به ستارگان و شب و سپیده دم سوگند یاد کرده است .

فلا أقسم بالخنس .. و الیل .. و الصبح ... إنّه لَقول رسول کریم

صبح در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۷

۷- در زندگی بهشتیان ، تنوع زمان (بامداد و پسین) وجود دارد .

لهم رزقهم فیها بکره و عشیاً

طلوع صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ -

۱ خداوند شکافنده صبح از دل تیره شب است.

فالق الإصباح

۵ شکافته شدن صبح، آرامش شب و نظم و حساب خورشید و ماه، بر اساس برنامه ریزی خداوند عزیز و داناست.

فالق الإصباح .. ذلك تقدير العزيز العليم

عبادت در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۳

۳- زکریا (ع)، در مدت سکوت سه روزه، دخول وقت عبادت را در صبح و عصر، با اشاره به مردم اعلام می کرد.

فخرج علی قومه من المحراب فأوحى إليهم أن سبحوا بكرة و عشياً

احتمال می رود جمله <فخرج...> در باره خروج زکریا(ع) در مدت سه روز باشد. در این صورت، <بکره و عشياً> ظرف برای فعل های <خرج> و <أوحى> خواهد بود و مفاد آیه چنین می شود: چون زکریا(ع) وظیفه اعلام دخول وقت عبادت را برعهده داشت، در صبح و عصر آن سه روز که نمی توانست با مردم سخن بگوید، دستور <سبحوا> را با اشاره به آنان تفهیم می کرد.

عذاب در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۲۸، ۲۳

۲۳ صبحگاه ورود فرشتگان به دیار قوم لوط، زمان مقرر شده برای نزول عذاب بر آن قوم

إن موعدهم الصبح

<ال> در <الصبح> جانشین مضاف الیه است. بنابراین <إن موعدهم الصبح>؛ یعنی: پگاه امشب، زمان عذاب موعود قوم لوط می باشد.

٢٨ > عن أبي بصير و غيره عن أحدهما عليهما السلام : ... لما قال جبرئيل : > إنا رسل ربك < قال له لوط :

یا جبرئیل عَجَل ، قال : نعم ، قال : یا جبرئیل عَجَل ، قال : < إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب > ... فأدخل جناحه تحتها حتى إذا استعلت قلبها عليهم و رمى جدران المدینه بحجار من سجیل و سمعت إمراه لوط الهده فهلکت منها ;

ابوبصیر و غیر او از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده اند که فرمود: هنگامی که جبرئیل به لوط گفت: ما فرشتگان، فرستادگان پروردگار تو هستیم، لوط به او گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: باشد. لوط گفت: عجله کن، جبرئیل گفت: <موعده هلاکت آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟>... پس بال خود را به زیر زمین آن دیار فرو برد، آن گاه که آن آبادی بالا رفت آن را به روی آنان واژگون کرد و دیوارهای شهر را با سجیل (سنگ گِل) سنگباران کرد. همسر لوط صدای شدید فرو ریختن دیوارها را شنید و از آن صدا به هلاکت رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۶ - ۴

۴- عذاب و هلاکت قوم لوط ، در صبحگاهان تحقق پذیرفت .

أن دابر هؤلاء مقطوع مصبحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۳ - ۱

۱- قوم لوط ، در پی اصرار بر تداوم انحراف جنسی خود ، صبحگاهان گرفتار صدایی وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

قال هؤلاء بناتی .. فأخذتهم الصیحه مشرقین

<صیحه> به معنای صدا بلند کردن و فریاد است و چون این صدا همراه با فزع و ترس است، از این رو به صدای وحشتناک و

غرش سهمگین تعبیر شده است. <شرق> (مصدر مشرقین) به معنای طلوع خورشید است. وزن فاعلی آن به معنای آنان داخل صبح شدند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند.

و لقد كذب أصحاب الحجر المرسلين . و ءاتينهم ءايتنا ... معرضين ... فأخذتهم الصبي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - نزول عذاب بر قوم لوط، در صبحگاهان

و لقد صبّحهم بكرة عذاب مستقرّ

۲ - وزش طوفان شن بر قوم لوط، در نخستین ساعات روز

إنّا أرسلنا عليهم حاصبًا .. و لقد صبّحهم بكرة عذاب

عظمت صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۲

۲ - ظهور سپیده صبح، از پدیده های عظیم و با اهمیت برای بشر

و الصبح إذا أسفر

غار اصحاب كهف هنگام صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱

۱- غار اصحاب كهف ، به گونه ای بود كه خورشید ، صبح گاهان به سمت راست آن و عصر ، به جانب چپ آن می تابد .

و ترى الشمس إذا طلعت تزور عن كهفهم ذات اليمين و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال

<تراور> به معنای منحرف شدن و مایل گشتن است (لسان العرب). بنابراین، مفاد عبارت <إذا طلعت تراور عن كهفهم...>

این است

که خورشید، به هنگام طلوع، به جانب راست غار متمایل می گشت. <قرض> به معنای بریدن و قطع کردن است، از این رو، جمله <و إذا غربت تقرضهم ذات الشمال> یعنی، خورشید، به هنگام غروب، در جانب چپ از آنان درمی گذشت.

فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۷

۲۷ - < عن النبي (ص) في قوله : < و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا > قال : < قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ > صلاة الصبح < و قبل غروبها > صلاة العصر ;

از نبی اکرم (ص) روایت شده که در باره قول خدا: <و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا> فرمود: قبل طلوع الشمس < [وقت] نماز صبح است و <قبل غروبها> [وقت] نماز عصر است <.

گواهان نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۵

۱۵ - < عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عزّوجلّ يقول : < و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > یعنی صلاة الفجر تشهده ملائكة الليل و ملائكة النهار فإذا صلّى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرّتين اثبت ها ملائكة الليل و ملائكة النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مرا از با فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزّوجلّ

می فرماید: < قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً > مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز.

مناجات در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۵،۹

۵ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر (ص) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه

۹ بامدادان و شامگاهان، فرصتهایی مناسب برای نیایش و دعاست.

يدعون ربهم بالغدوة والعشي

نظارت بر نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۹

۹- نماز صبح در اول فجر ، مورد شهود و نظاره ای ویژه

إن قرآن الفجر كان مشهوداً

چنان که از روایات استفاده می شود <شهود ویژه> عبارت است از شهود ملائکه شب و ملائکه روز که هر دوی آنان، شاهد نماز صبح نماز گزارند.

نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱۰

١٠ - > عن النبي (ص) في قوله > و سَيِّحُ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلِ الْغُرُوبِ < قال : قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ صَلَاةُ الصُّبْحِ ، وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ صَلَاةُ الْعَصْرِ ;

از رسول خدا(ص) درباره

سخن خداوند <و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس.. > روایت شده است که فرمود: [مراد از تسبیح] قبل از طلوع خورشید <نماز صبح> و [مراد از تسبیح] قبل از غروب <نماز عصر> است.

نماز صبح با جماعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- لزوم اهتمام به اقامه نماز صبح ، در منظر همگان و همراه با جماعت *

إن قرآن الفجر كان مشهوداً

احتمال دارد که ذکر صفت <مشهود> برای نماز صبح، نوعی تشویق به این باشد که شایسته است انجام آن در معرض شهود و دید همگان باشد. لازم به ذکر است که فعل <کان> در آیه برای تثبیت است.

وقت فضیلت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۸ - ۸،۱۵

۸- مطلوبیت و فضیلت اقامه نماز صبح در اول وقت (طلوع فجر)

و قرآن الفجر

با اینکه وقت نماز صبح نیز موسع است و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب مجال دارد، اضافه شدن نماز به <فجر> اهمیت و فضیلت اول وقت را می رساند.

۱۵- > عن إسحاق بن عمار قال : قلت لأبي عبد الله (ع) : أخبرني بأفضل المواقيت في صلاة الفجر ؟ فقال : مع طلوع الفجر ان الله عز وجل يقول : > و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً < یعنی صلاة الفجر تشهده ملائكة الليل و ملائكة النهار فإذا صلى العبد الصبح مع طلوع الفجر ثبتت له مرتين اثبتها ملائكة الليل و ملائكة النهار ;

اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از با

فضیلت ترین اوقات نماز صبح خبر ده، حضرت فرمود: نمازی است که همگام با طلوع فجر باشد. همانا خداوند عزوجل می فرماید: <و قرآن الفجر إن قرآن الفجر كان مشهوداً> مقصود نماز طلوع فجر است که فرشتگان مأمور شب و فرشتگان مأمور روز همگی با هم در آن هنگام حضور دارند و بر آن شهادت می دهند. پس زمانی که بنده نماز صبح را همگام با طلوع فجر به جا می آورد، نماز صبح او دو بار ثبت می شود: یک بار [توسط] فرشتگان مأمور شب و بار دیگر [به وسیله] فرشتگان مأمور روز.<

وقت نماز صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۷

۳۷ - > عن علی بن مهزیار قال : كتب ابوالحسن بن الحصین إلى أبی جعفر الثانی (ع) معی جعلت فداک ، قد اختلفت موالوک فی صلاه الفجر فمنهم من یصلی إذا طلع الفجر الأول المستطیل فی السماء و منهم من یصلی إذا اعترض فی أسفل الأفق و استبان ... فکتب (ع) بخطه و قرأته : الفجر - یرحمک الله - هو الخیط الأبیض المتعرض لیس هو الأبیض صعداً ... فقال : کلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر ... ;

علی بن مهزیار می گوید: ابوالحسن بن حصین در نامه ای که توسط من به امام جواد(ع) فرستاد، نوشت: فدایت شوم، دوستان و شیعیان شما در وقت نماز صبح اختلاف دارند؛ گروهی از آنان، وقتی سپیده اول (فجر کاذب) که در آسمان کشیده می شود

طلوع نمود، نماز صبح می خوانند و بعضی نیز وقتی سپیده در پایین افق پخش و آشکار شد نماز می خوانند. امام (ع) با خط خود نوشت و من آن را خواندم که فجر همان نوار سفیدی است که در عرض افق ظاهر می شود و آن سفیدی که به طرف بالا می رود نیست؛ خداوند فرموده: *كلوا و اشربوا حتی یتبین لكم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر*.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۴ - ۲،۱۴

۲ دو طرف روز (صبح و عصر یا صبح و مغرب) و اوایل شب، از اوقات مقرر شده برای نماز است.

و أقم الصلوه طرفی النهار و زلماً من الیل

<طرف> به معنای جانب و ناحیه است. دو جانب روز منطبق است بر صبح و عصر و یا صبح و مغرب. <زُلف> (جمع زلفه) به معنای ساعات اولیه شب است که وقت نماز مغرب و عشا می باشد.

۱۴ > عن أبی جعفر (ع) [فی حدیث] : . . . و قال تبارك و تعالی : . . . < أقم الصلاه طرفی النهار > و طرفاه صلاه المغرب و الغداه . > و زلفاً من اللیل < فهی صلاه العشاء الآخره . . . >

از امام باقر(ع) ضمن حدیثی روایت شده است: . . . خداوند تبارك و تعالی فرمود: <أقم الصلاه طرفی النهار> دو طرف آن، نماز مغرب و صبح است. [و فرمود] <زلفاً من اللیل> آن نماز عشاء است...>.

هجوم در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سوگند خداوند ، به اسبان مجاهدان که هنگام صبحدم بر دشمنان تاخته و آنان را غافلگیر کرده اند .

فالمغیرت صبحاً

<اِغَارَه> (مصدر <مغیرات>)، به معنای تاختن سریع اسب برای غارت کردن یا غیر آن است (قاموس). <صبحاً> ظرف و تاختن در صبحگاه، کنایه از غافلگیر کردن دشمن است.

۲ - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فالمغیرت صبحاً

هلاکت در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۹

۹ کفرپیشگان قوم ثمود ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاه به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

چنان چه <أصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> باشد دلالت می کند که هلاکت آنان ، در صبحدم بوده است. در نتیجه صیحه و غرش به قرینه فاء در <فأصبحوا> پیش از صبح^۲ یعنی در شب بر قوم ثمود نازل شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ کفرپیشگان قوم شعیب ، شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند .

فأصبحوا فی دیرهم جثمین

<أصبحوا> می تواند به معنای <دخلوا فی الصباح> (به صبح وارد شدند) باشد و نیز می تواند به معنای <صاروا> (شدند و گشتند) باشد. بر اساس معنای نخست، جمله <فأصبحوا> دلالت می کند که هلاکت قوم شعیب در آغاز صبحدم بوده است و صیحه و غرش به قرینه <فاء> در <فأصبحوا> پیش از صبح^۲ یعنی، در

شب تحقق یافته است.

صبحگاهان

سوگند به صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به چاشت گاه و به گسترش نور خورشید در آن زمان

و الضحی

<ضحی> در معانی گسترش نور خورشید و <پهناور شدن روز> (مفردات راغب) و <اندکی پس از بالا آمدن روز> (قاموس) به کار می رود.

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

عظمت صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۱ - ۲

۲ - وقت چاشت و زمان پرتو افشانی خورشید ، دارای عظمتی درخور سوگند خداوند

و الضحی

مدبر صبحگاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۳،۵

۳ - خداوند ، تدبیرکننده صبحدم و صاحب اختیار طلوع فجر است .

بِرَبِّ الْفَلَقِ

<فَلَق>، به معنای صبح یا فجر است (قاموس). تناسب این کلمه با معنای <فَلَق> (شکافتن)، از این جهت است که طلوع فجر، تاریکی را می شکافد.

۵ - توصیف خداوند به < تدبیرکننده صبحدم > ، از آداب استعاذه به خداوند

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

صبر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صبر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

۴ دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲، ۱۵

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ

و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل اللّٰه .. و اللّٰه یحبّ الصّابرين

۱۵ ناشکیبایی در برابر هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کاین من نبی قاتل .. فما وهنوا ... و اللّٰه یحبّ الصّابرين

آثار بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۸

۸ - ناشکیبایی در برابر دشمن ، زمینه خفیف و خوار شدن است . *

فاصبر .. و لا یتخفّنک الذین لا یوقنون

احتمال دارد مراد از <إستخفاف> خفیف کردن و موهون کردن باشد، چنان چه در لسان العرب آمده است: <واستخفّه: طَلَبَ خِفْتَهُ>. ذکر <ولا یتخفّنک> پس از دستور به صبر، می تواند اشاره به این حقیقت باشد که عدم صبر، خفت می آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۴

۴ - زر اندوزی و انباشتن ثروت ، برخاسته از روح ناشکیبایی و آزمندی انسان

و جمع فأوعی . إنّ الإنسان خلق هلوغًا

جمله <إنّ الإنسان..>، می تواند در مقام تعلیل برای جمله قبلی (و جمع فأوعی) باشد. برداشت یاد شده، براساس این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۰ - ۳

۳ - بی صبری و ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها ، نشانه وجود خصلت حرص و آزمندی در انسان است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا . إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که عبارت <إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا>، می تواند توضیح صفت <هلوع> و نیز

بیان نشانه های آن باشد؛ زیرا حریص، فزون طلب است و چون شرور، مانع نیل به این خواسته است، قهراً در برابر آن ناشکیبا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - ضعف روح صبر و شکیبایی، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثماً أو کفوراً

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

آثار ترک تبلیغ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۴

۴ - کفرورزی، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج حق و صبر، زیان کاری است.

لفی خسر . إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار ترک صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۳

۱۳ بی صبری در برابر مشکلات، سستی در مقابل دشمنان و حفاظت نکردن از مرز های کشور اسلامی، بی تقوایی است.

اصبروا و صابروا و رابطوا و اتّقوا الله

آثار صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۴،۴،۵

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، طریق های موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملایمات

و استعینوا بالصبر و

۴ - صبر و نماز وسایلی کارساز برای موفقیت در انجام دستور های خدا (ایمان به قرآن ، وفا به عهد های الهی و ...)

أوفوا بعهدی . . . و استعینوا بالصبر و الصلوه

با توجه به آیه های قبل می توان گفت: متعلق <استعینوا> فرامینی است که در آن آیه ها بیان شد؛ یعنی: واستعینوا علی ما امرتکم به و نهیتکم عنه بالصبر و الصلاه.

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا أول کافر به . . . و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۷، ۶، ۴، ۳

۳ - پیشه ساختن صبر و اقامه نماز ، دو طریق کارساز برای موفقیت و پیروزی بر مشکلات و ناملازمات راه ایمان

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

۴ - صبر و نماز ، عامل جلب حمایت های الهی است .

یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

۶ - صبر و نماز ، مددکار مؤمنان برای به یاد خدا بودن و زدودن غفلت ایشان از یاد خداوند است . *

فاذکرونی أذکرکم . . . یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

برداشت فوق و نیز برداشت بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیه پیشین است؛ یعنی، آیه مورد بحث در حقیقت رهنمودی است برای اینکه، چگونه می توان غفلت از یاد خدا را، از دلها زدود و روحیه سپاسگزاری در برابر خداوند را، در قلبها گنجانید.

۷ - صبر و نماز دو عامل

کارساز برای ایجاد روحیه سپاسگزاری به درگاه خدا و دوری از کفرورزی به او *

و اشکروا لی و لاتکفرون. یا ایها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۶

۶ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز، دو وسیله کارساز برای تحمل ترس ها، گرسنگی ها، زیان های مالی و جانی و کمبود های به وجود آمده برای سالکان راه ایمان

یا ایها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه .. و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۳۱

۳۱ پیکارگران صابر و استوار، از سوی خداوند مأذون به پیروزی و غلبه بر دشمنانند . *

کم من فته .. باذن الله و الله مع الصّابرين

جمله <والله مع الصّابرين> می تواند بیانی باشد برای <باذن الله>؛ یعنی شکیبایان در نبرد، عامل جلب اذن الهی برای پیروزی و غلبه هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱

۱ صبر، ثبات قدم و نصرت الهی، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربّنا افرغ علينا صبراً .. فهزموهم باذن الله

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و ..) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۶۸

۶ صبر و تقوای اهل ایمان ، موجب ایمن شدن آنان در

برابر توطئه ها و دسیسه دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً

۸ صبر و پایداری در برابر ناگواری های ناشی از قطع رابطه دوستی با دشمنان دین ، عامل مصون ماندن جامعه ایمانی از کید و خیانت آنان

لا تتخذوا بطانه من دونکم ... و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً

در برداشت فوق، متعلق <تقوا> به قرینه صدر آیه، پرهیز از دوستی با دشمنان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱۳، ۲، ۳

۲ صبر و تقوای مؤمنان ، دو عامل اساسی فرود آمدن فرشتگان امدادگر ، به هنگام یورش شتابان دشمن

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم

۳ در هنگام ضرورت (همانند یورش شتابان دشمنان دین) ، صبر و تقوا ، تضمین کننده نزول فرشتگان برای امداد مؤمنان

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخسمه الاف

۱۳ مشکلات و اضطرار ، زمینه امداد های ویژه غیبی برای مؤمنان صابر و تقوایبیشه

ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم

جمله <و یأتوکم من فورهم هذا>، می تواند اشاره به موارد اضطرار باشد و شرطی برای امداد خداوند به وسیله فرشتگانی که به نفع مسلمانان به پیکار برخیزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۲

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لما یعلم الله الذین جاهدوا منکم و یعلم الصابرين ... و من یرد ثواب الدنیا

با توجه به

آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۴

۱۴ جهاد، صبر، دعا، استغفار و بینش خدامحوری، از عوامل جلب محبت الهی

قاتل معه... و الله يحب الصابرين... ربنا اغفر لنا... و انصرنا... و الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۳

۱۳ دستیابی به صفت توکل و اعتماد کامل به کفایت خداوند، در گرو اطاعت از خدا و رسول، پیشه ساختن صبر و تقوا و نیکوکاری است.

الذین استجابوا لله... للذین احسنوا منهم و اتقوا... و قالوا حسبنا الله و

به نظر می رسد صفات یاد شده در آیه قبل، رهنمودی باشد برای رسیدن آدمی به مقامی که خداوند را وکیل خود دانسته و به کفایت او مطمئن گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ ایمان به خدا و پیامبر (ص) و اطاعت از آنان، صبر و جهاد، تقوا و احسان و توکل، موجب رضایت کامل الهی و برخوردارگی از فضل بزرگ وی

المؤمنین. الذین استجابوا... و اتبعوا رضوان الله و الله ذو فضل عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۲۰، ۲۲

۲۰ صبر توأم با تقوا، شرط موفقیت در آزمایش های الهی

لتبلون... و ان تصبروا و

تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

۲۲ صبر توأم با تقوا، دژ مستحکم مؤمنان در برابر آزارهای دشمنان

و لتسمعنَّ . . . و ان تصبروا و تتقوا فإنّ ذلك من عزم الامور

در برداشت فوق، <عزم> به معنای محکم گرفته شده، چنانچه مجمع البیان نقل کرده است که: قیل من محکم الامور.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۸، ۱۱، ۱۰، ۶

۶ صبر در برابر مشکلات، زمینه ساز پایداری در برابر دشمن *

يا ايّها الذّين امنوا اصبروا و صابروا

تقدّم ذکرى <اصبروا> بر <صابروا>، مى تواند حاکی از این معنا باشد که تا در برابر مشکلات فردى صبور نباشید، نمى توانید در مقابل دشمنان دین مقاومت کنید.

۱۰ صبر و شکیبایی، زمینه ای برای استحکام پیوند های اجتماعی

اصبروا و صابروا و رابطوا

بیان لزوم ارتباط و هماهنگی افراد با یکدیگر، پس از طرح ضرورت صبر و شکیبایی، مى تواند اشاره به نفس صبر در ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد جامعه ایمانی داشته باشد.

۱۱ حفاظت از مرزهای کشور اسلامی، در گرو صبر و شکیبایی مسلمانان

يا ايّها الذّين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا

بر این مبنا که <رابطوا>، به معنای لزوم مرزبانی باشد، تقدّم صبر بر آن حکایت از نقش صبر در حفاظت از مرزها دارد.

۱۸ صبر در برابر مشکلات، مقاومت در برابر دشمن، حفاظت از مرزهای جامعه اسلامی و تقوای پیشگی، زمینه پیروزی و سعادت

يا ايّها الذّين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۶، ۱۲، ۱۰، ۷، ۶

۶ پیروزی، پایانی شیرین برای صبر انبیا در برابر تکذیب و آزار مخالفان بود.

فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتهم نصرنا

۷ نوید خداوند به یاری پیامبر اکرم (ص) در صورت پایداری و مقاومت

و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا .. حتی أتهم نصرنا

۱۰ نوید الهی به نصرت مؤمنان در سایه صبر و مقاومت

و لقد کذبت .. فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتهم نصرنا

۱۲ تحقق اهداف و رسالت انبیا و پیمودن راه حق، مستلزم تحمل مشکلات است.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون .. لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا ... حتی أتهم نصر

۱۶ پیروزی در سایه صبر و مقاومت، سنت تغییرناپذیر خداوند است.

فصبروا علی ما کذبوا و أوذوا حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۴

۴ صبر در راه ایمان، مقدمه پیروزی و مایه فرارسیدن فرج از جانب خداوند

فصبروا حتی یحکم الله بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۸

۸ حاکمیت مؤمنان بر زمین در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است .

استعینوا بالله و اصبروا إن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) پیش از بشارت به نابودی فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل مردمش را به استعانت جستن از خدا و صبر فراخوانده است، معلوم می شود این دو فضیلت از شرایط تحقق آن وعده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲،۱۳

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

۱۳ صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک ... بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۶،۷

۶ انجام کار های شایسته و پیشه ساختن صبر ، آدمی را از روحیه ای مقاوم بهره مند خواهد ساخت و از تزلزل روحی و روانی نجات خواهد داد .

إنه لیئوس کفور .. إنه لفرح فخور. إلا الذین صبروا و عملوا الصلحت

آیه نهم و دهم ، بیانگر این بود که: انسانها تحت تأثیر کمترین رفاه و محنت متزلزل شده و خود باخته می شوند و آیه مورد بحث ، صابرائی را که اعمال شایسته انجام می دهند ، از این خصلت استثنا کرده است.

۷ موفقیت در آزمون های الهی ، در گرو صبرپیشگی و انجام کار های شایسته است .

لیلوکم ائیکم أحسن عملاً .. لئن أذقنا الإنسن ... إلا الذین صبروا و عملوا ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ تقوای پیشگی و صبوری موجب بهره مند شدن از پاداش های الهی است .

إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جواب شرط (من یتق ..) محذوف است و جمله <فإن الله...> جانشین و گویای آن محذوف است ؛ یعنی: من یتق و یصبر فهو من المحسنین و لایضیع الله أجره لأن الله لایضیع أجر المحسنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

۱۵- صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های خدا

إن فی ذلك لآیت لكل صبار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲

۱۲- توکل به خداوند و صبر پیشه کردن در برابر آزار و اذیت کافران ، زمینه ساز برخورداری از حمایت الهی

و علی الله فلیتوکل المؤمنون .. و لنصبرنّ علی ما اذیتموننا ... فأوحی إلیهم ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۳

۳- صبرپیشگی و توکل بر خداوند ، از جمله شرایط و عوامل سعادت دنیوی و اخروی مهاجران راه خدا

و الذین هاجروا فی الله .. لنبوئنهم فی الدنيا ... و لأجر الآخره أكبر ... الذی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۷۸،۹

۷- گذشتن از مادیات به امید رسیدن به پاداش

های جاودان الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا یعملو

تذکر به فناپذیری مادیات و جاودانگی معنویات و سپس مطرح ساختن صبر و شکیبایی، می رساند که گذشتن از مادیات و دل بستن به نعمتهای اخروی، نیازمند صبر است.

۸- عمل همراه با سختی ، مرارت ، صبر و مقاومت ، دارای ارزش برتر

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون

۹- صبر و مقاومت ، دارای نقش اساسی در سعادت انسان و نیل به مقام والا در پیشگاه الهی

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون

ذکر صفت صبر و مقاومت به صورت اختصاصی از میان دیگر اوصاف خوب و ارزشمند مؤمنان، جهت پاداش و نیل به مقام معنوی، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶، ۱۵، ۱۱

۱۱- هجرت ، جهاد و صبر ، موجب جلب بخشش و رحمت گسترده الهی

ثمّ إن ربّک للذین هاجروا .. إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

۱۵- مرتدان ، در صورت توبه ، هجرت و جهاد در راه خدا و صبر و مقاومت در برابر کافران ، مورد غفران و رحمت الهی قرار می گیرند .

من کفر بالله من بعد ایمنه .. ثمّ ... إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله .. إلا من أکره و قلبه مطمئن بالإیمن ...

إِن رَّبِّكَ لِلذِّينِ هَاجِرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربك . . . و إن عاقبتم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۹

۱۹ - پذیرش مقدرات الهی با دیده رضایت و خشنودی ، بازتاب شکیبایی و بی عیب و نقص خواندن خداوند در ساعات شبانه روز

و لولا کلمه سبقت من ربک . . . و سبح بحمد ربک ... لعلک ترضی

متعلق کلمه <ترضی> به قرینه آیه قبل سنت امهال کافران است و مفاد آیه این است که به وسیله صبر و تسبیح و مداومت بر ثنای خداوند، محبت کارهای او در نفس انسان رسوخ می کند. در نتیجه مهلتی که به کافران داده می شود و نیز دیگر سنت های الهی را خواهد پسندید. حرف <لعل> نیز بیانگر به وجود آمدن زمینه رضایت، پس از تسبیح مکرر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۳

۳- صبر ، زمینه بهره مندی انسان از رحمت خاص الهی است .

من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۲،۵

۲ - صبر و شکیبایی در راه دین ، در پی دارنده پاداش حتمی خداوند

إني جزيتهم اليوم

بما صبروا أَنَّهُم هم الفائزون

۵- دستیابی به پیروزی واقعی و رستگاری اخروی ، در گرو صبر و تحمل مشکلات در راه دین

إِنِّي جزيتهم اليوم بما صبروا أَنَّهُم هم الفائزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۸

۸ صبر ، رمز موفقیت انسان در برابر آزمایش الهی

و جعلنا بعضكم لبعض فتنة أَتصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۲

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، عامل برخوردار شدن آنان از بناها و درجات عالی بهشت است .

أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعَرْشَةَ بِمَا صَبَرُوا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۲،۳

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشارهای هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزارهای مشرکان ،

عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است یعنی ، <بسبب صبرهم> . گفتنی است در این که اشخاص مورد

بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند ، چند نظر اظهار شده است از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل

کتاب و مشرکان می باشد . برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است .

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشارهای زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - چشم پوشی از زخارف دنیا، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ثواب الله خیر .. و لایلقیها إلا الصبرون

مفاد سخنان فرزندگان بنی اسرائیل این است که مردم نباید فریفته دنیا شوند؛ بلکه باید به ثواب اخروی خداوند دل ببندند. البته این امر نیاز به صبر و شکیبایی دارد تا بتوان با خواهش های نفسانی مبارزه کرد و بر انجام اعمال صالح توفیق یافت.

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب الله خیر .. و لایلقیها إلا الصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۸

۸ - استفاده از آیات الهی، در سایه بردبار بودن بر دشواری های راه بهرهوری از آنها است .

لیریکم من ءایته إن فی ذلک لأیت لکل صبار شکور

تعلیل ذیل آیه، احتمال دارد به این معنا باشد که استفاده از آیات الهی، دارای رنج و سختی است و تنها کسانی به خوبی می توانند از آن آیات بهره ببرند که آن سختی ها را بر خود هموار سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی (ع) به آیات الهی، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسرائیل بود .

و جعلنا منهم أئمه .. لَمَا صبروا و كانوا بآیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لَمَا> معنای جزا باشد، یعنی، آنان به رهبری

انتخاب شدند، به پاداش صبری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ - شکیبایی و فروتنی ، زمینه آموزش را فراهم می آورد .

و الصبرین ... و الخشعین ... أعد الله لهم مغفرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - بهره‌وری از آیات الهی برای کسانی میسر است که در سختی فهم آنها ، صبر پیشه کنند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ

این که در این آیه، آیات متعدد ماجرای اهل سبأ، برای صبرپیشگان و شکرگزاران دانسته شده است؛ می تواند بیانگر این نکته باشد که قبول آیت بودن آنها، نیاز به فهم و معرفتی درخور دارد. به تناسب ذکر صفت صبر، استفاده می شود که فهم و قبول آیات خداوندی، احتیاج به صبر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم . . . ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - نقش ممتاز صبر و شکیبایی ، در سعادت و بهره مندی انسان از پاداش های الهی و مقامات معنوی

إِنَّمَا يُوقَى الصَّبْرُونَ أَجْرَهُمْ بغير حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۸

۸ - صبر و شکیبایی در

برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إنَّ وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۷،۹

۷- ویژگی ها و خصایل اخلاقی (چون صبر و شکر)، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إنَّ فی ذلک لأیت لکل صَبَّار شکور

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

۹- مطالعه در اسرار آفرینش، نیازمند صبر و شکیبایی و برخورداری از روحیه سپاس و قدردانی

و من آیته .. إنَّ فی ذلک لأیت لکل صَبَّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۲

۲- دستیابی به اهداف دینی، محتاج به صبر و شکیبایی و پرهیز از حرکت های شتابزده است.

الله الذی سَخَّر لکم .. و سَخَّر لکم ما فی السموت ... قل للذین ءامنوا یغفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۵،۶

۵- جهاد و صبر در مسیر فرمان های وحی، ملاک امتیاز و از مهم ترین ارزش ها است.

و لنبلوئنکم حتّی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

اهمیت، از تخصیص به ذکر یافتن جهاد و صبر استفاده می شود.

۶- تفاوت مرتبه مجاهدان، در پرتو صبر و شکیبایی آنان در میدان جهاد *

و لنبلونكم حتى نعلم المجتهدين منكم و الصبرين

برداشت یاد شده بدان

احتمال است که وصف <الصابرین> صرفاً توضیح و تفسیر <المجاهدین> نباشد؛ بلکه ملاک دوم به شمار آید؛ یعنی، مدعیان ایمان در پرتو جهاد از یکدیگر متمایز می شوند و مجاهدان در پرتو صبر و شکیبایی بر یکدیگر شرافت می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - آرامش و بردباری ، سلاحی کارآمد و سازنده در رویارویی با خشم و تعصب جاهلانه

فی قلوبهم الحمیه . . . فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از این که خداوند، در قبال لجاجت و خشم جاهلانه مشرکان، پیامبر(ص) و مؤمنان را به سلاح آرامش و طمأنینه مجهز ساخته است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۳

۳ - صبر در طریق تقوا و آزمون های زندگی دنیوی ، دارای اثر است و نه صبر در آتش دوزخ . *

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

احتمال دارد که یادآوری صبر در چنین آیه ای، اشاره داشته باشد به این که به جای صبر بر آتش دوزخ که تأثیری ندارد شایسته است که آدمیان، صبر را در همین دنیا و در طریق تقوا، به کار گیرند که منشأ آثار فراوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار

گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۵،۶

۵ - نقش اساسی و محوری صبر در راه خدا ، در رسیدن انسان به مقام ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ ... جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

۶ - صبر در راه خدا ، از موجبات ورود به بهشت و بهره مندی از موهبت های آن است .

و جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۲،۸

۱ - تنها مؤمنانی که کار های شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند ، گرفتار خسارت نخواهند شد .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا

۲ - ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی ، بهره گیری درست از سرمایه های وجودی خویش است .

لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند؛ زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحق و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

آثار صبر ابرار

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۲

۲ - صبر و شکیبایی ابرار در راه خدا، سبب بهره مندی آنان از بهشت و موهبت های آن است .

و جزیههم بما صبروا جنة و حریرًا

آثار صبر ادريس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۲

۲- مقام صبر در اسماعیل ، ادريس و ذالکفل (ع) ، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسمعیل . . . کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

آثار صبر اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۲

۲- مقام صبر در اسماعیل ، ادريس و ذالکفل (ع) ، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسمعیل . . . کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

آثار صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۱۳

۱۳ پایداری در طریق ایمان ، زمینه جلب رأفت و رحمت الهی

اتبعوه فی ساعه العسره . . . إنه بهم رءوف رحیم

آثار صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۷

۷ صبر در مسیر حق ، وسیله جلب حمایت الهی است .

و اتبع ما یوحى إليك و اصبر حتى یحکم الله

آثار صبر بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۲،۳،۴

۲ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ،

عامل برخوردار شدن آنان از بناها و درجات عالی بهشت است .

أولئك يجزون الغرفة بما صبروا

گفتنی است <با> در <بما> برای سببیت است.

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا ، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوناً . . . و الذین یقولون ربنا... أولئك یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

۴ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا در ترک محرمات الهی چون اسراف و یا تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، عامل برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا . . . و لایزنون . . . و الذین لایشهدون الزور ... أول

آثار صبر در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۵

۵ صبر و شکیبایی در انجام تکالیف و ترک محرمات الهی ، عامل بهره مندی از نعمت ها و

درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا... و الذین لایشهدو

آثار صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

آثار صبر ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۲

۲- مقام صبر در اسماعیل ، ادريس و ذوالکفل (ع) ، زمینه ساز بهره مندی آنان از رحمت ویژه الهی

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین . و أدخلنهم فی رحمتنا

آثار صبر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۲

۲۲ - نیل پیامبر (ص) به مقام رضا ، در گرو صبر ، تسبیح و حمد مداوم پروردگار

فاصبر .. و سبّح ... لعلک ترضی

اخلاص در صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۲،۳

۲ ارجمندی صبر و شکیبایی در گرو جهت‌خدایی داشتن آن است .

والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم

۳ صبر و استقامت برای کسب رضایت خدا، از ویژگی‌های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم

ارزش صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۶

۶ صبر، صداقت، خضوع، انفاق و استغفار در سحرگاهان

، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجه اسلام

الصابرين .. و المستغفرين بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱۸

۱۸ ارزش کامل صبر و استقامت در راه خدا، در گرو احسان و تقوا

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۲۱، ۲۳

۲۱ ارزش والای صبر توأم با تقوا

و ان تصبروا و تتقوا فان ذلك من عزم الامور

کلمه <عزم> مصدر و به معنای مفعول است و <عزم الامور>، اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی <الامور المعزومه>، و معزوم، به هدف و مقصود ترجمندی گویند که باید به سوی آن حرکت کرد. بنابراین، معنای آیه چنین می شود که صبر و تقوا از اموری است که باید به خاطر کمال و شرف آن، به سوی حرکت کرد. و از اینکه اسم اشاره مفرد <ذلك> برای اشاره به صبر و تقوا به کار برده شده، لزوم توأم بودن آن دو استفاده می شود.

۲۳ پرداخت زکات، مصداق آزمایش در اموال و واداشتن خویش به صبر، آزمایش در انفس است.

لتبلون في اموالكم و انفسكم

امام رضا (ع) پس از تلاوت آیه فوق فرمود: <لتبلون في اموالكم> باخراج الزکاه و <في انفسكم> بتوطين الانفس على الصبر.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصیر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۶

۱۶- صبرپیشگی و شکرگزاری ، دارای ارزشی والا و صبرپیشگان و شکرگزاران ، مردمانی برجسته و نخبه

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۸

۸- عمل همراه با سختی ، مرارت ، صبر و مقاومت ، دارای ارزش برتر

و لنجزينّ الذين صبروا أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۵

۵- صبر و شکیبایی ، مفیدتر و ارزشمندتر از قصاص و مقابله به مثل است .

و إن عاقبتهم فعاقبوا . . . و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۶

۶- ارزش والای صبر و مؤمنان شکیبا ، در نزد خداوند

إِنِّي جَزَيْتَهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا

از آن جایی که خداوند، خود پاداش مؤمنان صابر را متکفل شده است، ارجمندی صبر و مؤمنان شکیبا در نزد خدا، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۶

۶ صبر و شکیبایی ، رمز سعادت و دارای جایگاهی ویژه در میان

الذین یمشون علی الأرض هوناً .. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

برداشت فوق از آن جا است که خداوند پس از برشمردن بیش از ده صفت ارزشمند برای عبادالرحمان، هیچ کدام آنها را سبب برخوردار شدن ایشان از نعمت های بهشت جاودان نمی داند و بلکه صبر و شکیبایی را علت آن می داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۹ - ۲،۳

۲ - صبر پیشه کردن و به خداوند توکل کردن ، اموری ارزش مند و مهم است .

نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربهم یتوکلون

۳ - صبر پیشگی و توکل ، دو مظهر عمل صالح اند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۲

۱۲ - نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، از زیربنایی ترین ارزش ها است .

إِنَّ ذَلِكْ مِنْ عِزْمِ الْأُمُورِ

بنابراین که <ذَلِكْ> اشاره به کل محتوای سخن لقمان در این آیه باشد، مشارالیه <ذَلِكْ>، جملات <أَقِمِ .. و أَمْرٌ ... و أَنَّهُ...> است و <عَزْمٌ> مصدر و به معنای مفعولی، و <عِزْمِ الْأُمُورِ> اضافه صفت به موصوف است یعنی، <الأُمُورِ المعزوم>. امر معزوم به هدف شایسته ای گویند که لازم است بر آن دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - روحیه بردباری و سپاسگزاری دائم از خدا ، روحیه

ای ارزش مند و ستودنی است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۵،۲۶

۲۵ - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فَبَشِّرْهُ بِغُلْمٍ حَلِيمٍ . . . سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

۲۶ - صبر ، صفتی بس ارزشمند و صابران ، دارای جایگاهی رفیع در پیشگاه خداوند

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

این سخن اسماعیل(ع) که: <مرا از زمره صابران خواهی یافت > گویای ارزش والای صبر و رفعت مقام صابران است؛ زیرا او که از بزرگان و پیامبر زادگان است خود را در زمره صابران یافته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۴

۴ - < صبر و شکیبایی > ، از برجسته ترین ارزش ها و کمالات وجودی انسان است .

و مَا يَلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا و مَا يَلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

در قسمت اول آیه گفته شده که تنها صابران توانایی برخورد شایسته با بدرفتاران را دارند و در قسمت نهایی آیه مطرح شده که تنها بهرهوران از ارزش های انسانی قادر بدان رفتار هستند. از این مطلب به دست می آید که صابران همان بهره مندان از کمالات والای انسانی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۱،۵

۱ - شکیبایی و بخشش خطاکار ، امری ارزشمند و نیازمند اراده قوی است .

و لِمَن صَبَرَ و غَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ عِزِّ الْأُمُورِ

اضافه <عزم> به <أمر>، از باب اضافه صفت

به موصوف است؛ یعنی، <من الأمور المعزومه> معنای این ترکیب در آیه چنان که مفسران گفته اند این است که صبر و گذشت، از اموری است که نیازمند به تصمیم و اراده استوار، می باشد.

۵- انسان های برخوردار از اراده قوی و خویشتن دار و اهل گذشت ارزشی والا دارند .

و لمن صبر و غفر إنَّ ذلک لمن عزمُ الأمور

ارزش صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

ارزش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

استمداد از صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- بقره - ۲ - ۴۵ - ۱۰، ۸

۸- استعانت از صبر و نماز برای موفقیت و پیروزی ، امری دشوار جز برای خاشعان

و استعينوا بالصبر و الصلوه و إنها لكبيره إلا على الخشعين

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <إنها> به <استعانت> بر گردد.

١٠ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز و جل > واستعينوا بالصبر و الصلوه <

قال : الصبر الصوم إذا نزلت بالرجل النازله و الشديده ، فليصم فان الله عز و جل يقول : استعينوا بالصبر یعنی الصيام ؛

از امام صادق(ع) درباره قول خدای عز و جل <و استعينوا بالصبر و الصلاه> روایت شده که فرمود: مراد از صبر روزه است هنگامی که سختی با گرفتاری شدید به شخص وارد شد روزه بگیرد زیرا خدا عز و جل می فرماید: از صبر یاری بجوید، یعنی از روزه <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

استعينوا بالصبر والصلوه .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله

اقسام صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۳

۳ - صبر ، در فرهنگ قرآن ، دو گونه است : < نیکو و به جا > ، < ناپسند و نابه جا > .

فاصبر صبراً جميلاً

صبر درباره هر چیزی، ممکن است به جا و نابه جا و نیکو و یا ناشایست باشد. آمدن <جمیلاً> ممکن است به همین نکته اشاره داشته باشد.

اندوه و صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ گریه و اندوه ، با بردباری و شکیبایی منافاتی ندارد .

فصبر جميل .. و قال یأسفی علی یوسف وایضت عیناه من الحزن

اهتمام يعقوب (ع) به صبر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) پیشه ساختن صبر و بردباری را زمینه ساز یاری خداوند در رفع مشکلات می دانست .

فصبر جميل عسى الله أن يأتيني بهم جميعاً

اهمیت تشویق به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۳

۳ - ایمان آوردن و تشویق یکدیگر به صبر و ترحم ، برتر از اقدام به آزادسازی بردگان و تغذیه یتیمان و مساکین است .

ثمَّ كان من الذين

حرف <ثم> برای تراخی رتبی است و دلالت دارد که آنچه بعد از آن آمده، در مرتبه ای والاتر از کارهای قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۳

۳ - گروه سمت راست در آخرت ، مجموعه ای سامان یافته از مؤمنانی که حامی بردگان و یتیمان و مسکینان بوده و مردم را به صبر و ترحم ترغیب کرده اند .

و ما أدريكم ما العقبه .. أولئك أصحاب الميمنه

<أَيْمَنَ > و <مِيمَنَه >، نقطه مقابل <أَيْسَرَ > و <مَيْسِرَه > (سمت چپ) است (صحاح اللغه). تقابل این دسته با <أَصْحَابِ الْمَشْأَمَةِ > با توجه به این که <مَشْأَمَهُ > در یک احتمال به معنای <مَيْسِرَه > است (صحاح) بیانگر آن است که قرار گرفتن در سمت راست یا چپ در آخرت، نشانگر فرجام افراد است.

اهمیت توصیه به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۸ - ۱

۱ - آزادکنندگان برده و غذادهندگان به یتیمان و مستمندان ، در

صورت ایمان آوردن و توصیه به صبر و رحمت ، در آخرت قرین نیک بختی و سرشار از خیر و برکت خواهند بود .

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمِيمَنَةِ

<ئِمن> و <میمنه> به معنای برکت است (قاموس). مصاحبت با برکت، کنایه از سرشاری و تداوم آن است.

اهمیت صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵، ۱

۱ - پیشه ساختن صبر و برپایی نماز ، سفارش و توصیه خداوند

و استعینوا بالصبر و الصلوه

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرّمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۳ - ۱

۱ - صبرپیشگی و برپایی نماز ، توصیه و فرمان خدا به مؤمنان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۸

۸ - پیکار در راه خدا و مصیبت های آن ، از مشکلات راه ایمان ، که باید با استعانت از صبر و نماز آن را تحمل کرده و بر ایمان خود ، راسخ قدم ماند .

اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ .. و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - صبر و استقامت ، دارای جایگاهی ویژه و اهمیتی خاص در میان دیگر فضیلتها

و الصبرین فی البأساء و الضراء و

سياق کلام اقتضا می کرد که <الصابرين> همانند <الموفون> مرفوع باشد. منصوب آوردن آن بیانگر تقدیر فعل <امدح> (ستایس می کنم) است، یعنی: و الصابرون امدح الصابرين. چنین تقدیری در کلام عرب گویای اهمیای اهتمام متکلم به موردی است که برای آن، فعل <امدح> را در تقدیر گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۵

۱۵ لزوم تحمّل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یا تکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۱

۱ صبر، استواری قدم و نصرت بر کافران، درخواست پیکارگران برگزیده طالوت از خداوند، به هنگام رویارویی با جالوت

و لما برزوا .. و انصرنا على القوم الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۷

۷ نبرد احد، نمونه ای از بی صبری و بی تقوایی دو گروه از مسلمانان و زیان دیدن از توطئه های دشمنان

و ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئاً .. اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۶۸

۶ تعلق نصرت الهی به اهل ایمان، در گروه همّت آنان (پیشه ساختن صبر و تقوا) است.

ان تصبروا و تتقوا .. یمددکم ربکم

۸ وعده الهی به نزول پنجهزار فرشته برای یاری رزمندگان بدر و یا احد و یا حمراءالاسد، در صورت صابر بودن و تقوا

ان تصبروا و تتقوا .. یمددکم ربکم بخسمة الاف من الملئکه

برخی مفسران به قرینه جمله <یا توکم من فورهم هذا>، آیه مورد بحث را درباره قضیه حمراءالاسد دانسته اند که مشرکان پس از غلبه در احد و انصراف از معرکه، پشیمان شدند و تصمیم بر یورش به مدینه را داشتند که پیامبر(ص) پس از دریافت این خبر، مسلمانان را برای رویارویی با آنان فراخواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۲ - ۲،۵

۲ پندار غلط ورود به بهشت بدون جهاد و صبر، در میان مسلمانان صدر اسلام

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

۵ بدون مجاهده و صبر، نمی توان به بهشت دست یافت .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يعلم الله الذين جاهدوا منكم و يعلم الصابرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۷،۱۸

۱۷ لزوم پیشه کردن صبر و تقوا در برابر آزمایش های الهی و آزار های دشمنان

لتبلون .. و لتسمعن .. و ان تصبروا و تتقوا فان ذلك من عزم الامور

۱۸ صبر و مقاومت، حتی در برابر دشمن، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعن .. اذی کثیراً و ان تصبروا و تتقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیتهای دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۴،۹

لزوم بردباری و تحمّل متقابل ، در بین مؤمنان

یا ایّها الذین امنوا اصبروا و صابروا

جمله <صابروا>، می تواند به این معنا باشد که مؤمنان موظّفند مشکلات به وجود آمده از ناحیه یکدیگر را تحمّل کنند و نسبت به هم شکّیا و بردبار باشند.

۹ لزوم پیشه ساختن صبر و شکّیایی ، قبل از دعوت دیگران به صبر و استقامت *

یا ایّها الذین امنوا اصبروا و صابروا

برداشت فوق مبتنی بر این معناست که مراد از <صابروا>، دعوت یکدیگر به صبر و استقامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۲

۲ شعیب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیت‌های کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن الله مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۵،۸

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومییدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبْرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۳

۱۳ خداوند یاور مؤمنانی است که در انجام کارها و فعالیتها صبور و مقاومند .

و الله مع الصبرین

<ال> در <الصبرین> هم می تواند عهد ذکری و اشاره به صابران در میدان نبرد باشد و هم می تواند <ال> برای استغراق باشد. در این صورت مراد از <الصبرین>، بر خلاف احتمال اول، خصوص صابران در جنگ نخواهد بود، بلکه شامل هر مسلمانی است که در انجام کارهای اجتماعی و غیر آن صبور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ از امام رضا (ع) روایت شده که فرمود: < ما احسن الصبر و انتظار الفرج أما سمعت قول الله عز و جل : > ... فانظروا
إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ < فعليكم بالصبر فانه انما يجيء الفرج على اليأس ... >

چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج. آیا نشنیده ای سخن خدای عز و جل را [که به پیغمبر خود دستور می دهد بگو] <پس منتظر باشید من نیز همراه شما از منتظرانم؟> پس بر شما

باد شکیبایی / زیرا فرج بعد از نومیدی فرامی رسد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلك من أنباء الغیب نوحيها إليك .. فاصبر إن العقبه للمتقين

خداوند، با تفریع جمله <إصبر..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست / بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ خداوند ، پیامبرش را به صبرپیشگی و شکیبایی فرا خواند .

واصبر

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم كما أمرت .. واصبر

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت .. ولا تركزوا إلى الذين ظلموا ... واصبر

۴ برپا کردن نماز در اوقات مقرر آن ، نیازمند صبرپیشگی است .

و أقم الصلوه طرفی النهار .. واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۵

۱۵ پیشه کردن تقوا و شکیبا بودن بر راه تقوایپیشگی ، از مصداق های بارز احسان و نیکوکاری است .

إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۹

۹- توکل بر خدا و صبرپیشگی ، دو ابزار لازم برای ابلاغ رسالت الهی

و ما لنا أَلَّا نتوَكَّل على الله . . . و لنصبرنَّ على ما ءاذيتمونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربِّك . . . و إن عاقبتهم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، از فرمان های بس مهم خداوند است .

أقم الصلوة . . . إنَّ ذلک من عزم الأمور

<عَزَمَ> ممکن است به معنای <تصمیم قطعی و جزمی> باشد که در این صورت، <عزم> به خداوند اسناد داده می شود. صاحب کشف، چنین معنایی را اختیار کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۷

۷ - برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمه . . . لَمَا صبروا و كانوا بآيتنا يوقنون

<لَمَا> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسرائیل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین

مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۴

۴ - مقام تبلیغ دین و رهبری امت ، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۷

۷ - ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشتن داری است .

و اصبر . . . و اهجرهم هجرًا جمیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۵

۵ - نقش اساسی و محوری صبر در راه خدا ، در رسیدن انسان به مقام ابرار

إِنَّ الْأَبْرَارَ . . . جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيرًا

اهمیت صبر در آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنس من رحمة . . . إلا الذين صبروا

اهمیت صبر در اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- لزوم شکیبایی و پایداری در عبادت و اطاعتِ خداوند یگانه و پرهیز از هرگونه شرک

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سمیاً

<اصطبار> نوعاً با <علی> متعدی می شود. تعدیه آن به <لام> در این آیه، به جهت تضمین معنای <ثبات> است. جمله <هل تعلم> نیز قرینه است بر این که مراد از <واصطبر...>، صبر بر توحید

در عبادت و اجتناب از پرستش غیر او است.

اهمیت صبر در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۲

۲ - مؤمنان ، تنها در صورتی دشوارترین راه های انفاق را می پیمایند که یکدیگر را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنند .

ثمَّ كان من الذين ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة

<مرحمة>، مصدر میمی و به معنای <رحمت> (رقت، مغفرت و عطوفت داشتن) است (قاموس). تکرار <تواصوا> برای تأکید بوده و ممکن است اشاره به این نکته باشد که سفارش به صبر و توصیه به محبت، دو وظیفه مستقل و در عرض هم است و با ترک یکی، زمینه دیگری از بین نرفته و تکلیف ساقط نمی شود.

اهمیت صبر در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۵

۵ - لزوم صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین ، برای مبلغان و رهبران جامعه اسلامی

قم فأنذر . . . و لربك فاصبر

اهمیت صبر در تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت صبر در تحصیل علم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۷ - ۵

۵- دستیابی به گوشه ای از دانش خضر و بندگان

خاص خداوند ، نیازمند صبر و تحمل فراوان است .

قال إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

هشدار خضر به موسی(ع) در حقیقت، بیان این نکته نیز هست که برای همراه شدن با خضر و کسب معارف از او، صبر پولادین مورد نیاز است.

اهمیت صبر در توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۷

۷- لزوم شکیبایی و پایداری در عبادت و اطاعتِ خداوند یگانه و پرهیز از هرگونه شرک

فاعبده واصطبر لعبده ته هل تعلم له سمیًا

<اصطبار> نوعاً با <علی> متعدی می شود. تعدیه آن به <لام> در این آیه، به جهت تضمین معنای <ثبات> است. جمله <هل تعلم> نیز قرینه است بر این که مراد از <واصطبر...>، صبر بر توحید در عبادت و اجتناب از پرستش غیر او است.

اهمیت صبر در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۸

۸- صبر و مقاومت ، عنصری مهم و ضروری در مسیر هجرت و جهاد

لذین هاجروا .. ثم جهدوا و صبروا

از آن جایی که هجرت و جهاد همواره همراه با مشکلات است و صبر و مقاومت بسیاری را می طلبد، در عین حال خداوند به صبر و مقاومت توصیه فرموده است؛ می توان گفت: این توصیه گویای نقش ویژه صبر در میدان هجرت و جهاد است.

اهمیت صبر در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۴

۴- دین داری و نیل به کمالات معنوی و سعادت ابدی ، نیازمند به صبر و شکیبایی است .

جزیهم بما صبروا جنّه و

حریراً

اهمیت صبر در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنسنا منا رحمة .. إلا الذین صبروا

اهمیت صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۲

۱۲ - مؤمنانی که بر دشواری ها و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیابردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از میزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۴

۴ ضرورت صبر و شکیبایی ، به هنگام روی آوردن مشکلات و ناملایمات و نیز به گاه رفاه و آسایش

لئن أذقنا الإنسنا منا رحمة .. إلا الذین صبروا

اهمیت صبر در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۹

۹- عبادت و پایداری بر آن ، توصیه فرشتگان به پیامبر (ص)

و ما نتنزل إلا بأمر ربك .. فاعبده واصطبر لعبده

آیه مورد بحث بر حسب ظاهر، در ادامه سخنان فرشتگان با پیامبر(ص) در آیه پیش است.

اهمیت صبر در نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - >

قال رسول الله (ص) ... يابن مسعود! دع نعيم الدنيا و أكلها و حلاوتها و حازها و باردها و لينها و طيبها و ألزم نفسك الصبر عنها فإنك مسؤول عن ذلك كله قال الله تعالى: < ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم > ;

رسول خدا(ص) [به عبدالله بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: <ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم>.

اهمیت صبر در هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۸

۸- صبر و مقاومت ، عنصری مهم و ضروری در مسیر هجرت و جهاد

للذين هاجروا .. ثم جهدوا و صبروا

از آن جایی که هجرت و جهاد همواره همراه با مشکلات است و صبر و مقاومت بسیاری را می طلبد، در عین حال خداوند به صبر و مقاومت توصیه فرموده است؛ می توان گفت: این توصیه گویای نقش ویژه صبر در میدان هجرت و جهاد است.

اهمیت صبر درباره عمل اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۴

۲۴- پرهیز از ناشکیبایی و قضاوت عجولانه در زمینه کار های شگفت اولیای الهی ، لازم است .

ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرًا

از مجموعه داستان موسی و خضر(ع) استفاده می شود که نباید کار اولیای الهی را با کار

خود قیاس کرد، بلکه باید شکیبایی ورزید و سخنی ناسنجیده بر زبان نراند؛ زیرا، آگاهی بر اسرار آن، مقدور همه نیست.

اهمیت صبر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است.

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

اهمیت صبر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۴

۴ - وعده خداوند به یاری پیامبران و مؤمنان، مقتضی صبر و شکیبایی همه رهبران و مبلغان دینی، در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان است.

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا .. فاصبر

اهمیت صبر مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۱

۱ - بردباری و خویشتن داری مؤمنان و مهاجران، در برابر فشارها و آزارهای مشرکان و پرهیز از انتقام گیری، امری مهم، سرنوشت ساز و مورد توصیه مؤکد خداوند (در اوایل هجرت از مکه به مدینه)

و الَّذِينَ هَاجَرُوا .. وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ . ذَلِكْ

<ذَلِكْ> خبر برای مبتدای محذوف و اشاره است به توصیه خدا به مؤمنان و مهاجران صدراسلام مبنی بر این که در برابر فشارها و آزارهای مشرکان، خویشتن داری کنند و بردباری را از دست ندهند. گفتنی است که در چنین مواردی معمولاً از کلمه <هَذَا> استفاده

می کنند. بنابراین به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به دور است بیانگر اهمیت خویشتن داری در برابر آزارهای مشرکان صدراسلام در آن مقطع خاص می باشد؛ مقطعی که ظاهراً هنوز مؤمنان از نیروی کافی برای برخورد قهرآمیز با دشمن، برخوردار نبودند.

بی ثمری صبر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۴

۲۴- <النبي (ص) ... فی قوله : > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص < قال : يقول أهل النار : هلموا ، فلنصبر ، فيصبرون خمسمائة عام فلما رأوا ذلك لاينفعهم قالوا : هلموا فلنجزع ... فيكون خمسمائة عام فلما رأوا ذلك لاينفعهم قالوا > سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص < ;

از رسول خدا(ص) در باره سخن خدا <سواء علينا أجزعنا..> روایت شده است که فرمود: اهل آتش [به یکدیگر] می گویند: بیاید صبر کنیم؛ پس پانصد سال صبر می کنند. آن گاه که دیدند این صبر سودی برایشان نداشت، گویند: بیاید بی تابی کنیم ... پس پانصد سال می گریند. آن گاه که دیدند این گریه [هم] سودی نبخشید، می گویند: سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محيص <.

بی ثمری صبر رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- رهبران مستکبر ، در قیامت ، درمی یابند که صبر و نیز جزع ، عذاب الهی را از آنان برطرف نخواهد کرد .

قالوا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا

پاداش صبر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱،۲

۱ بهشت ، از آن کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبنا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقوای پیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذين صبروا .. أولئك لهم عقبى الدار. جنت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۷

۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً > قال : بما صبروا على الفقر و مصائب الدنيا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند < و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً > روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند.

پاداش صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ -

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

پاداش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

پاداش صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ - از امام صادق (ع) روایت شده است : < ... من صبر کرهاً ... نصیبه ما قال الله عز و جل : > و بشر الصابرين < ای

بالجنه و المغفره ... >

... کسی که در مشکلات صبر کند پاداش وی همان بهشت و مغفرت الهی است که در سخن خدای عز و جل < و بشر

الصابرين > به آن بشارت داده شده است ... > .

تشویق به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۵

۵ مؤمنان ، موظفند یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات ترغیب کنند .

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا

به نظر می رسد الف مفاعله در <صابروا> ، برای متعدی کردن <صَبَّرَ> به کار رفته باشد ؛ بنابراین <صابروا> ، یعنی

دیگران را به صبر وادارید.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۵

۵ ترغیب و دعوت پیامبر(ص) و مؤمنان از جانب خداوند به صبر و پایداری در برابر مخالفان

و لقد کذبت رسل من قبلك فصبروا .. حتی أتهم نصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۹

۹ از هدف های بیان سرگذشت نوح (ع) در قرآن ، ترغیب پیامبر (ص) و اهل ایمان به صبر و مقاومت است .

تلك من أنباء الغیب نوحيها إليك .. فاصبر إن العقبه للمتقين

خداوند، با تفریع جمله <إِصْبِرْ..> به وسیله حرف <فاء> بر نقل داستان نوح(ع) ، به این نکته اشاره می کند که: مقصود از شرح ماجرای حضرت نوح (ع) ، قصه سرایی نیست؛ بلکه هدف از آن ، هدایت و تربیت مخاطبان قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۵

۵ تشویق پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، به صبر و پایداری در برابر دشمنان تبه کارشان همچون انبیای گذشته

و كذلك جعلنا لكل نبيّ عدوًّا من المجرمين و كفى برئك هاديًّا و نصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۵

۵ - ترغیب پیامبر (ص) از سوی خداوند به صبر و پایداری در انجام رسالت خویش ، به رغم تکذیب و مخالفت کافران و مشرکان

و إن يكذبوك فقد كذبت رسل من قبلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۵

۵ - ترغیب پیامبر (ص) از سوی خداوند به صبر و پایداری در انجام رسالت خویش ، به رغم تکذیب و مخالفت کافران و مشرکان

و إن یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - تشویق و ترغیب خداوند به صبر و تحمل سختی ها و مشکلات ناشی از هجرت

و أرض الله وسعه إنَّما یوفی الصبرون أجرهم بغير حساب

توصیه به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۷

۷ - صبر و شکیبایی در برابر آزار های روحی کافران ، توصیه خداوند به مؤمنان صدراسلام

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا . . . و کنتم منهم تضحکون . إنَّی جزیتهم الیوم بما صبروا

ذکر فرجام خوش مؤمنان شکیبیا در قیامت و اعلام رستگاری قطعی آنان، نشانگر تشویقی است از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام؛ که در برابر آزارهای کافران مقاومت کنند و بدانند که خداوند آنان را فراموش نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند .

فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، برای شکیبا بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر .

.. و لاتستعجل لهم

۹- پیامبر (ص) ، در معرض دشمنی عمیق کافران و نیازمند دل جویی و رهنمود به صبر از سوی خداوند

فاصبر .. و لاتستعجل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۲

۲ - صبر در برابر موضع گیری های تکذیب گرانه و استهزا آمیز شرک پیشگان صدر اسلام ، توصیه خداوند به پیامبر اکرم (ص)

(

سأل سائل بعذاب واقع .. فاصبر صبراً جميلاً

توصیه به صبر پس از بیان بعضی از گفته ها و درخواست های کافران می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۱

۱ - سعه صدر ، صبر و خویشتن داری در برابر سخنان ناشایست ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۲

۲ - مؤمنان ، تنها در صورتی دشوارترین راه های انفاق را می پیمایند که یکدیگر را به شکیبایی و مهرورزی سفارش کنند .

ثُمَّ كَانِ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

<مرحمه>، مصدر میمی و به معنای <رحمت> (رَقَّتْ، مغفرت و عطوفت داشتن) است (قاموس). تکرار <تواصوا> برای تأکید بوده و ممکن است اشاره به این نکته باشد که

سفارش به صبر و توصیه به محبت، دو وظیفه مستقل و در عرض هم است و با ترک یکی، زمینه دیگری از بین نرفته و تکلیف ساقط نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۵،۸

۱ - تنها مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند، گرفتار خسارت نخواهند شد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا

۵ - توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن، مصداق بارز عمل صالح است.

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

عطف توصیه به حق و صبر که مصداق عمل صالح است بر انجام اعمال صالح، عطف خاص بر عام و نشانه اهمیت ویژه خاص است.

۸ - < صبر >، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است.

تَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تووصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تووصوا>، این ارتباط را تأیید می کند؛ زیرا در تعبیری نظیر <تووصوا بالحق و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

درخواست صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۹

۹ صبر در برابر تحمل شکنجه های فرعون و تسلیم خدا بودن تا آخرین لحظه حیات، درخواست ساحران مؤمن در دعا به درگاه خداوند

ربنا أفرغ علينا صبراً

و توفنا مسلمین

درخواست صبر از خانواده موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امكثوا .. لعلی ءاتیکم منها بخیر أو جذوه من النار

دعوت به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۹

۹ لزوم پیشه ساختن صبر و شکیبایی ، قبل از دعوت دیگران به صبر و استقامت *

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

برداشت فوق مبتنی بر این معناست که مراد از <صابروا>، دعوت یکدیگر به صبر و استقامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسی لقومه استعینوا باللّٰه و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۸

۸ خداوند ، فراخوان پیامبر (ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت و مقاومت در برابر مشرکان و آزار های آنان

بیان سرگذشت نوح(ع) و سپس دعوت کردن پیامبر(ص) به صبر و مقاومت ، گویای این است که: مصداق مورد نظر برای <صبر> تحمل مشکلات و مشقتهای تبلیغ رسالت و مقاومت در برابر آزارها و کارشکنیهای مخالفان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۱

۱ خداوند ، پیامبرش را به صبرپیشگی و شکیبایی فرا خواند .

واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ یوسف (ع) برادرانش را به تقوا و صبر و درآمدن در زمره محسنان فراخواند .

إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - اهتمام به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و شکیبایی در بلاها ، از مواعظ لقمان به پسر خویش بود .

يَبْنَئِ أَقْمِ الصَّلَاةَ .. وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

وَلَقَدْ آتَيْنَا لَقْمَانَ الْحِكْمَةَ .. إِذْ قَالَ ... يَبْنَئِ أَقْمِ الصَّلَاةَ

زمینه تأثیر صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۸

۸ کارآیی صبر ، در گرو انجام اعمال صالح است .

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

زمینه صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۶

۱۶ ایمان ، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرزها و رعایت تقواست .

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و .. بیانگر آن است که ایمان زمینه

تحقق مسائل مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملايمات آن

و اصبروا إن الله مع الصبرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۶۸ - ۵

۵- آگاهی و شناخت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی است .

و كيف تصبر على ما لم تحط به خبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۵

۱۵ - توجه به رازقیت خداوند و مکلف نبودن با تأمین خواروبار ، زمینه سازانجام وظیفه عبادت و نماز و پایداری بر آن

وأمر أهلك بالصلوه .. لانسلک رزقًا نحن نرزقک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ توجه و اعتقاد به بصیرت و بینا بودن خداوند (به احوال بندگان) ، برانگیزنده آدمی به صبر و شکیبایی

و جعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون و كان ربك بصيراً

جمله <و كان ربك بصيراً> در صدد تحریک و تشویق مردم به صبر و شکیبایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۴

۴ - ایمان به

وعدۀ الهی به نصرت جبهه حق ، زمینه ساز پیدایش روحیه صبر و شکیبایی است .

فاصبر إنّ وعد الله حقّ

یادآوری <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> که به منزله تعلیل برای فرمان به صبر است، می تواند برای مطمئن ساختن پیامبر(ص) به ثمره صبر باشد. در نتیجه، در صورتی که ایمان حاصل شود که وعده خدا تخلف ندارد، شخص، آمادگی بیشتری برای صبر در راه خدا پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

۳- تدبر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذکر عبدنا ایوب إذ نادى ربّه أنّى مسنى الشیطن بنصب و عذاب

ابتلاى ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۳ - ۱

۱- شکیبایی و بخشش خطاکار ، امری ارزشمند و نیازمند اراده قوی است .

و لمن صبر و غفر إنّ ذلک لمن عزم الأمور

اضافه <عزم> به <أمور>، از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، <من الأمور المعزومه> معنای این ترکیب در آیه چنان که مفسران گفته اند این است که صبر و گذشت، از اموری است که نیازمند به تصمیم و اراده استوار، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- توجه به اسوه های صبر

و خداجویی ، تقویت کننده روحیه شکیبایی در انسان

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

توصیه خداوند به پیامبر (ص) در شکیبا بودن همچون پیامبران اولوالعزم و بازگویی آن توصیه برای انسان ها می تواند پیامدار این نکته باشد که اسوه های مقاومت و دینداری، خود وسیله ای برای تقویت صبر در راستای پایندی به دین و ارزش ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۶

۶ - تسبیح و ستایش (عبادت) پروردگار ، زمینه استواری روح و دستیابی به صبر در برابر ناگواری ها *

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک

از ارتباط <سبح بحمد ربک> با <فاصبر..>، می توان تأثیر عبادت در تکامل روح و استواری اراده را نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - التجا به پروردگار ، هنگام حرکت در مسیر دین و مسؤولیت ، ضامن شکیبایی و موفقیت

و اصبر .. و سبح بحمد ربک حین تقوم

از ارتباط <و اصبر> با <و اصبر>، می توان به مطلب بالا ره برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۸

۸ - ایمان به کارساز بودن خداوند و توکل به او ، هموارکننده راه صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی ها است .

فَاتَّخِذْهُ وَكَيْلًا . و اصبر ... و اهجرهم هجرًا جمیلًا

<واصبر> عطف بر <فاتخذوه وکیلاً> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که اتکال به خدا، موجب تقویت روح

صبر و مقاومت در انسان می

شود.

زمینه صبر در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶ - توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر .. فإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

زمینه صبر در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۹

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملازمات آن

و اصبروا إن الله مع الصبرین

زمینه صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۵

۵ - آگاهی از سنت های الهی و فلسفه آن ، زمینه ساز صبر و تحمل بیشتر در سختی ها و نگرانی ها

و لولا کلمه .. فاصبر علی ما یقولون

زمینه صبر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا .. فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت بالا به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام

تعلیل برای <فاصبر> می باشد؛ یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

يعرض الذين كفروا على النار .. فاصبر كما صبر أولوالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

زمینه صبر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۶

۶- توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر .. فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۴

۴- مطالعه تاریخ امت ها و پیامبران گذشته، مایه صبر و مقاومت مبلغان الهی در برابر دشمنان دین

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا

زمینه صبر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۶

۶- شکیبایی پیامبر (ص) در قبال تجاوزات دشمن ، نیازمند امداد و توفیق الهی بود .

و اصبر و ما صبرک إلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۲

۲ - نزول قرآن بر پیامبر (ص)، مستلزم صبر و شکیبایی آن حضرت در جهت تبلیغ و اجرای تعالیم آن

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا . فاصبر لحکم ربِّک

از تفریع فرمان به صبر (فاصبر)، بر نزول قرآن بر پیامبر(ص) (نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ) مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه صبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۷

۷ - تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزارهای دشمنان دین است .

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا .. فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد، یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان، شکیبایی آفرین برای مؤمنان*

و اصبر .. و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ . و من الَّیْلِ فَسَبِّحْهُ و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الَّیْلِ..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل

آمده ملاحظه کنیم.

زیان ترک تبلیغ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر، زیان بزرگی است.

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

صبر ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۸

۱۸ بردباری و شکیبایی ابراهیم (ع) در راه هدایت مردم و انجام تکالیف الهی

إن إبرهیم لأوّه حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - برخورد ابراهیم (ع) با بت پرستان، همراه با شکیبایی و سعه صدر بود.

سلم علیک سأسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۷

۷ - حضرت ابراهیم (ع)، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

و إنَّ من شيعته لإبرهيم . . . قالوا ابنوا له بنيًّا فألقوه في الجحيم ... إنَّه من

بیان داستان ابراهیم(ع) برای پیامبر اسلام وایمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسیر دعوت الهی باشد.

صبر ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۳، ۲، ۱

۱- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل . . . کلّ

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

۳- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمعیل و ادریس و ذوالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف <صابران> معرفی کرده است.

صبر اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۳، ۲، ۱

۱- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

۳- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمعیل و ادریس و ذوالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف <صابران> معرفی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - وعده شکیبایی اسماعیل (ع) به پدرش (ابراهیم (ع)) به هنگام انجام مأموریت ذبح

يَأْتِ أَفْعَلُ مَا تَوَمَّرُ سِتْجَدْنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّبْرِينَ

۲۴ - صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر، نشانه حلم و بردباری او است.

فَبَشِّرْهُ بِغَلْمٍ حَلِيمٍ .. يَأْتِ أَفْعَلُ مَا تَوَمَّرُ سِتْجَدْنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّبْرِينَ

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل (ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان فردی صابر و شکیبا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

صبر الیاس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۲ - ۷

۷ - الیاس (ع)، اسوه و الگوی مقاومت و شکیبایی در برابر دشمنان و مخالفان دعوت الهی

وَ إِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ .. فَكَذَّبُوهُ ... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

ذکر داستان الیاس (ع) برای پیامبر اسلام و ایمان آورندگان به آن حضرت در مکه، می تواند برای ارائه الگو در مسیر دعوت الهی باشد.

صبر انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۴،۶،۸،۱۸

۴ پیامبران گذشته در برابر تکذیب و آزارهای مخالفان خویش پایداری می کردند.

فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَأُوذُوا

۶ پیروزی، پایانی شیرین برای صبر انبیا در برابر تکذیب و آزار مخالفان بود.

فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا

۸ تاریخ پیامبران گذشته و بیان پایداریهای آنان، درس آموز و سازنده است.

و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا .. حتى أتتهم نصرنا

آیاتی از قرآن در تشریح و سرگذشت انبیای پیشین و صبر و مقاومت و پیروزی آنها قبل از سوره انعام بر پیامبر خدا نازل شده است.

فصبروا علی ما کذبوا .. و لقد جاءک من نبی المرسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۸

۸- پیامبران اقوام پیشین بصراحت به آنان اعلام کردند که در برابر هرگونه آزار و اذیتشان، شکیبایی پیشه خواهند کرد.

و لنصبرن علی ما اذیتموننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۵

۵- درجات تحمل و نیز نوع عملکرد پیامبران و اولیا، با هم متفاوت است.

سأبئک بتأویل ما لم تستطع علیه صبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۱

۱۱- پیامبران، مأمور پایداری در مسیر تبلیغ و ماندن در میان مردم و جامعه خویش تا آخرین مرحله

و ذالنون إذ ذهب مغضباً فظن أن لن نقدر علیه

توبیخ شدن یونس(ع) به خاطر ترک قوم خویش، قبل از این که فرمانی در این زمینه از جانب خداوند دریافت کند؛ برای نکته دلالت دارد که پیامبران مجاز به ترک مأموریت و مردم خود، قبل از آمدن فرمان و رخصت از جانب خداوند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۶،۷

۶ پیامبران الهی، الگو و مظهر صبر و پایداری در برابر دشمنان حق ستیز و تبه کار

و كذلك جعلنا لكل نبی عدواً من المجرمین و کفی برکک هادياً و نصیراً

تاریخ پیامبران و صبر و پایداری آنان در برابر دشمنانشان ، نیروبخش و تقویت کننده روح مقاومت است .

و كذلك جعلنا لكل نبي عدواً من المجرمين و كفى برّبك هاديًا و نصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۳

۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا .. فَاصْبِر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر..> تفریع بر جمله <إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا...> است.

صبر انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۲

۲ - پیامبران مردم انطاکیه ، برخوردار از صبر و پایداری بر مواضع خویش ، به رغم روبه رو شدن با تکذیب و مخالفت های

سخت

قالوا ربّنا يعلم إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ

تأکید پیامبران بر راستی ادعاهای خود، علی رغم تکذیب شدن شان، گویای برداشت یاد شده است.

صبر انبیای اولوالعزم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۳،۶

۳- برخی از رسولان الهی ، اولوالعزم و دارای صبر و شکیبایی بیشتر بودند .

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

بنابراین که <من> در <من الرسل> برای تبعیض باشد؛ استفاده می شود که همه رسولان، اولوالعزم نبوده اند.

۶- تمامی رسولان صاحب شریعت ، برخوردار از صبر و استقامتی بزرگ

فاصبر كما صبر أولوا العزم من الرسل

<اولواالعزم> می تواند به معنای صاحب شریعت باشد؛ زیرا در معنای <عزم>، <عزیمه> به

معنای شریعت را یاد کرده اند.

صبر اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۳

۳ صبر و استقامت برای کسب رضایت خدا، از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين صبروا ابتغاء وجه ربهم

صبر اولياء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۵

۵- درجات تحمّل و نیز نوع عملکرد پیامبران و اولیا ، با هم متفاوت است .

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

صبر ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : لَمَّا طَالَ بَلَاءُ أَيُوبَ وَ رَأَى إبليس صبره أتى إلى أصحاب له كانوا رهباناً في الجبال فقال لهم : مرّوا بنا إلى هذا العبد المبتلى و نسأله عن بليته ... و قالوا يا أيوب لو أخبرتنا بذنوبك فلانرى تبتلى إلا لأمر كنت تستره .. فعند ذلك دعا ربّه و قال : > ربّ أُنّى مسنى الشيطان بنصب و عذاب < ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: چون ابتلای ایوب(ع) طولانی گشت و ابلیس صبر او را دید، نزد دیرنشینانی که از اصحاب وی بودند آمد و به آنان گفت: بیایید تا نزد این بنده مبتلا برویم و از او درباره ابتلایش سؤال کنیم. .. آنان گفتند: ای ایوب! کاش گناهی را که انجام داده ای به ما می گفتی؟ ما را عقیده بر آن است که تو

تنها به خاطر چیزی (گناهی) که از ما پنهان می کنی، مبتلا شده ای... پس در آن موقع پروردگارش را خواند و گفت: (ربّ) اَنّی مسنی الشیطان بنصب و عذاب) <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۸،۹،۱۶

۸- ایوب (ع) ، انسانی صبور و شکیبا در پیشگاه خداوند

إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا

۹- ایوب (ع) ، الگوی بزرگ صبر و شکیبایی

إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، درصدد ارائه الگویی از صبر و شکیبایی برای پیامبر اسلام(ص) و یاران مؤمن او است که در مکه در اوج سختی ها و رنج های ناشی از دین داری قرار داشتند.

۱۶- صبر ایوب (ع) ، جلوه ای از عبودیت و خداخواهی او

و اذکر عبدنا أیوب .. نعم العبد إنه أواب

صبر بر اذیتهای دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۳

۳- اقامه نماز و ادای زکات ، عامل شکیبایی بر آزار های دشمنان و زمینه ساز مدارا کردن با ایشان است .

فاعفوا و اصفحوا .. و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه

در برداشت فوق، جمله <أقیموا الصلاه ..> در ارتباط با <فاعفوا و اصفحوا> ملاحظه شده است. در این لحاظ هدف از تأکید بر اقامه نماز و پرداخت زکات، ایجاد توان برای اطاعت امر خداوند (لزوم عفو و گذشت و مدارا کردن با دشمنان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۸،۹

۸- گذشت از دشمن و

نادیده گرفتن اذیت و آزارش ، امری دشوار و نیازمند شکیبایی است .

و إن عاقبتم فعاقبوا .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

۹- > عن علی بن الحسین (ع) : ... و أما حق من ساءك القضاء علی یدیه بقول أو فعل فإن كان تعمدھا كان العفو أولى بك لما فيه له من القمع و حسن الأدب ... قال عزوجل : > ... و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین < ... فإن لم یکن عمداً لم تظلمه ... ;

از امام سجاده(ع) روایت شده است که: .. اما حق کسی که از جانب او سخن یا عمل به تو بدی رسیده این است که: اگر بدی او عمدی باشد، گذشت از او برای تو بهتر است؛ زیرا این گذشت موجب منصرف شدن آن شخص از بدی کردن و ادب نیکو برای او می شود ... خدای عزوجل فرمود: >... و لئن صبرتم لهو خیر للصابرین < ... و اگر بدی او عمدی نبوده (با این گذشت) به او ظلم نکرده ای < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱۴،۱۵،۴،۲،۱

۱- پیامبر (ص) در برابر اذیت و آزار دشمنان به آن حضرت ، تنها مأمور به صبر و شکیبایی گردید و نه مجاز برای مقابله به مثل

ادع إلى سبیل ربك .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و اصبر

خداوند، در آیه قبل همه مسلمانان را مجاز به مقابله به مثل دانسته است؛ ولی در این آیه شخص پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و به او

اختصاصاً فرمان صبر و مقاومت داده است. از ارتباط این دو آیه، برداشت فوق به دست می آید.

۲- مبلغان دینی ، موظف به پایداری در راه تبلیغ و استقامت در برابر اذیت و آزار دشمنانند .

ادع إلى سبيل ربك . . . و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبرو ما صبرک إلا بالله

۴- صبر و مقاومت در برابر اذیت و آزار دشمنان دین ، مؤثرترین روش برخورد با آنان و بهترین راه تبلیغ اسلام است .

ادع إلى سبيل ربك . . . و إن عاقبتهم ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبر

۵- صبر و مقاومت در برابر اذیت ها و آزار دشمنان دین ، تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر است .

و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبر و ما صبرک إلا بالله

۱۴- پیامبر (ص) ، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت ، آزار و تعدیات دشمن ، برخوردار بود .

و اصبر . . . و لاتحزن علیهم و لاتکف فی ضیق ممّا یمکرون

از اینکه پیامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر می شد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۷،۸

۷- تخلف ناپذیر بودن وعده خداوند به نصرت پیامبران و مؤمنان ، مقتضی صبر و شکیبایی رهبران دینی و مؤمنان طرفدار آنان در برابر مشکلات و آزار های دشمنان دین است .

إنّا لننصر رسلنا . . . فاصبر إن وعد

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> در مقام تعلیل برای <فاصبر> می باشد، یعنی، <صبر پیشه کن چون وعده خداوند به پیروزی و نصرت، حق است>.

۸- صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های دشمنان، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند.

فاصبر

صبر بر اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲

۱۲- توکل به خداوند و صبر پیشه کردن در برابر آزار و اذیت کافران، زمینه ساز برخورداری از حمایت الهی

و علی الله فلیتوکل المؤمنون .. و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا ... فأوحی إلیهم ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۳

۳- صبر در برابر گفته ها و فشارهای تبلیغاتی و روانی کافران، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص)

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳- پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت،

مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبر اسلام (ص) و یاران ایشان، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

صبر بر اذیت های کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۴

۴ - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام، مبنی بر اینکه در برابر فشارها و آزارهای کافران، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند.

و الَّذِينَ هَاجَرُوا... تَمَّ قَتْلُوا... وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

متعلق <علیم> در جمله <وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ> محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: <إِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ بِمَا فَعَلَ الْمُشْرِكُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ إِخْرَاجِهِمْ مِنْ دِيَارِهِمْ وَقَتْلِهِمُ الْمُهَاجِرِينَ حَلِيمٌ يَمْلَهُمْ وَلَا يَنْتَقِمُ مِنْهُمْ إِلَىٰ حِينٍ> خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد. گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند؛ بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن

داری را از دست ندهند.

صبر بر اذیتهای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

صبر بر اذیتهای مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۱

۱ - بردباری و خویشتن داری مؤمنان و مهاجران ، در برابر فشارها و آزارهای مشرکان و پرهیز از انتقام گیری ، امری مهم ، سرنوشت ساز و مورد توصیه مؤکد خداوند (در اوایل هجرت از مکه به مدینه)

و الذین هاجروا .. و إنّ الله لعليم حلیم . ذلک

<ذلک> خبر برای مبتدای محذوف و اشاره است به توصیه خدا به مؤمنان و مهاجران صدراسلام مبنی بر این که در برابر

و آزارهای مشرکان، خویشتن داری کنند و بردباری را از دست ندهند. گفتنی است که در چنین مواردی معمولاً از کلمه <هَذَا> استفاده می کنند. بنابراین به کارگیری <ذَلِكَ> که برای اشاره به دور است بیانگر اهمیت خویشتن داری در برابر آزارهای مشرکان صدراسلام در آن مقطع خاص می باشد؛ مقطعی که ظاهراً هنوز مؤمنان از نیروی کافی برای برخورد قهرآمیز با دشمن، برخوردار نبودند.

صبر بر استهزاهای رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص)، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

صبر بر استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص)، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

صبر بر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۴،۷

۴ - مقاومت روحی در برابر استهزا و مضحکه کافران و حق ستیزان و پایبندی بر ارزش های دینی و الهی، از مصداق های بارز صبر و شکیبایی

فَاتَّخِذْهُمْ سَخِرِيًّا .. و کنتم منهم تضحکون . اِنِّی جزیتهم الیوم بما صبروا

۷ - صبر و شکیبایی در برابر آزار های روحی کافران، توصیه خداوند به مؤمنان صدراسلام

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا . . . وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ . إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا

ذکر فرجام خوش مؤمنان شکبیا در قیامت و اعلام رستگاری قطعی آنان، نشانگر تشویقی است از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام؛ که در برابر آزارهای کافران مقاومت کنند و بدانند که خداوند آنان را فراموش نخواهد کرد.

صبر بر اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور صبر و شکبیبی در برابر فرمان های الهی

فاصبر لحکم ربک

صبر بر ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۴

۴ صبر در راه ایمان، مقدمه پیروزی و مایه فرارسیدن فرج از جانب خداوند

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۸،۹

۸ حاکمیت مؤمنان بر زمین در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است.

استعینوا بالله و اصبروا إن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده

چون موسی(ع) پیش از بشارت به نابودی فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل مردمش را به استعانت جستن از خدا و صبر فراخوانده است، معلوم می شود این دو فضیلت از شرایط تحقق آن وعده است.

۹ پایداری مردم بر طریق ایمان و مقاومت در برابر آزار دشمنان، در گرو تحکیم مبانی عقیدتی آنان است.

استعینوا بالله و اصبروا إن الأرض لله یورثها من یشاء من عباده

صبر بر دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۸

۸ - وانهادن کافران و تحمل عداوت

آنان ، تکلیفی الهی برای پیامبر (ص)

فذرهم .. و اصبر لحکم ربّک

بنابراین که < و اصبر > عطف بر < فذرهم > باشد، برداشت بالا به دست می آید.

صبر بر سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۱۵

۱۵- صبر پیشه کردن در برابر مشکلات و بلایا و شکرگزاری در مقابل نعمت های الهی ، مایه رشد معرفت آدمی و درک بهتر آیات و نشانه های خدا

إن فی ذلک لأیت لکل صّبار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۴

۴ - مؤمنان راستین ، شخصیت هایی صبور در برابر مصیبت ها و ناملایمات زندگی

و بشر المخبّتین .. و الصبرین علی ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - عبادت و شب زنده داری ، نیروبخش و مقاومت آفرین ، در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر لحکم ربّک .. و من الیل فاسجد له و سبحه لیلاً طویلاً

صبر بر سخن ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۱

۱ - سعه صدر ، صبر و خویشتن داری در برابر سخنان ناشایست ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و اصبر علی ما یقولون

صبر بر سخنان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما

يقولون

صبر بر شکنجه های دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۴

۴- هجرت برخی از مسلمانان صدراسلام (به حبشه) ، پس از تحمل رنج و شکنجه دشمنان

للدین هاجروا من بعد ما فتوا

یکی از معانی <فتنه> آزار و شکنجه می باشد (مفردات راغب) و برداشت فوق مبتنی بر این معناست.

صبر بر ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

صبر بر ظلم فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱

۱ موسی (ع) پس از تصمیم فرعون به سرکوبی بنی اسرائیل ، مردمش را به استعانت از خدا و صبر و مقاومت در برابر آزار های فرعونیان فراخواند .

قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا

صبر بر ظلم مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۱

۱- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه ، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند .

و الذین هاجروا فی الله .. الذین صبروا

<الذین> عطف بیان برای <الذین> در آیه سابق است.

صبر بر عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نماز های پنجگانه و صبر در جنگ مسلحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند ، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره < .. اصبروا و صابروا و رابطوا ... > فرمود: اصبروا علی الصلوات الخمس، و صابروا علی قتال عدوکم بالسیف، و رابطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون.

الدر المثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

صبر بر عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ - ۲

۲ - تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فإن یصبروا فالنار مثوی لهم و إن یتعتبوا فما هم من المعتبین

<استعتاب> (مصدر <یتعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

صبر بر فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۸

۸ > عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی :] < سلام علیکم بما صبرتم > علی الفقر فی الدنیا . . .

از امام صادق(ع) درباره [سخن خداوند متعال]: <سلام علیکم بما صبرتم> روایت شده است که: [مراد شکیبایی ورزیدن است] بر تنگدستی در دنیا.

صبر بر مشکلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق من

ربکم ... و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّٰه

صبر بر مشکلات و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءکم الحق من ربکم ... و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّٰه

صبر بر مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۳،۴،۸

۳ - مؤمنانی که از سر باور به < از خدا بودن و به او بازگشتن > مصایب راه ایمان را تحمل می کنند ، از مقامی والا در پیشگاه خداوند برخوردارند .

قالوا إنا لله و إنا إلیه راجعون. أولئک علیهم صلوات من ربهم

۴ - مؤمنانی که در مصیبت های راه ایمان صابرند ، به هدایت واقعی نایل خواهند شد .

قالوا إنا لله و إنا إلیه راجعون .. و أولئک هم المهدتون

۸ - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهدتون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهدتون) حاکی از حصر است.

صبر بر مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۰

۲۰ صبر در انجام فرائض و در برابر مصائب و آمادگی برای پیروی از دستورات ائمه ، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اصبروا على الفرائض و صابروا على المصائب و رابطوا على الأئمة.

کافی، ج ۲، ص ۸۱ ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲ و ۶ و ۱۱.

صبر بر وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۳

۳- مؤمنان، وظیفه دار صبر و شکیبایی و پرهیز از درخواست تحقق سریع وعده های خداوند

أتى أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالى عما يشركون

با توجه به اینکه <لا تستعجلوه> مخاطب و <یشرکون> غایب است، به نظر می رسد مخاطب فعل اول مؤمنان باشد.

صبر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ بنی اسرائیل زمان موسی در دوران حکومت فرعون، مردمی صبور و مقاوم در برابر دشمنان دین بودند.

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

صبر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقوای پیشگان صبور و از زمره محسنان بودند.

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

۷ > قال [أبو عبد الله (ع)] : إن طائفه من الملائكه عابوا ولد آدم في اللذات و الشهوات . . . فإذا كان يوم القيامه و صار أهل الجنه في الجنه ، إستأذن أولئك الملائكه على

أهل الجنة فيؤذن لهم فيدخلون عليهم فيسلمون عليهم و يقولون لهم : < سلام عليكم بما صبرتم > في الدنيا عن اللذات والشهوات الحلال ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: همانا عده ای از فرشتگان، آدمیان را به خاطر گرایش به لذات و شهوات، عیب جویی می کردند . . . پس آن گاه که روز قیامت برپا شود و بهشتیان در بهشت قرار گیرند، آن فرشتگان برای ورود بر بهشتیان اجازه می خواهند، پس به آنان اذن داده می شود و آن گاه فرشتگان با سلام بر آنان وارد می شوند و به ایشان می گویند: سلام بر شما باد به خاطر اینکه شکیبایی ورزیدید و از لذتها و شهوتهای حلال چشم پوشی کردید.<

صبر پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۳

۳ - صبر ، در فرهنگ قرآن ، دو گونه است : < نیکو و به جا > ، < ناپسند و نابه جا > .

فاصبر صبراً جميلاً

صبر درباره هر چیزی، ممکن است به جا و نابه جا و نیکو و یا ناشایست باشد. آمدن <جميلاً> ممکن است به همین نکته اشاره داشته باشد.

صبر پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبرپیشگانی مقاوم در برابر ناملایمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . . فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر

ناملايمات صبور و شكيبا بودند.

صبر جميل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شكيبايي در برابر دشواري ها و حوادث تلخ ، خصلتي نيكو ، زيبا و ارجمند

فصير جميل

برداشت فوق ، مبتني بر اين است كه <صبر> مبتدا و <جميل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۱

۱ - پيامبراسلام (ص) ، مأمور صبري نيكو و شايسته در انجام دادن رسالت خویش

فاصبر صبرًا جميلًا

صبر داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۵

۵ - داوود (ع) ، مظهر صبر و مقاومت و الگوي صابران و بردباران تاريخ

واذكر عبدنا داود

توصيه شدن پيامبراسلام(ص) به يادآوري سرگذشت حضرت داوود(ع)، مي تواند گوياي برداشت ياد شده باشد.

صبر در اجتناب از اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در اجتناب از زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه

، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در اجتناب از سخن باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در اجتناب از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول الله (ص) : ... يابن مسعود قول الله ... > و لنبلونكم بشيء من الخوف ... و بشر الصابرين < قلنا يا رسول الله

فمن الصابرون؟ قال: الذين يصبرون على طاعه الله واجتنبوا معصيه، الذين كسبوا طيباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلاً فافلحوا... .

از رسول خدا(ص) روایت شده... که فرمود: ای پسر مسعود... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشيء من الخوف... و بشر الصابرين>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۶

۶ آنان که بر اطاعت فرمان های خدا صبوری کنند، از محسنانند.

واصبر فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۶

۶ عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست.

فنعم عقبی الدار

صبر در اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۶

۶- توحید در عبادت و اطاعت خداوند، امری دشوار و نیازمند صبر و تحمل است.

فاعبده واصطبر لعبدته هل تعلم له سمياً

<اصطبار>؛ یعنی، برای چیزی صبر قراردادن (لسان العرب). فرمان به کارگیری صبر برای عبادت، گویای مشکلات و موانعی است که بر سر راه عبادت خداوند وجود دارد و گذر از آن، نیازمند بهره گرفتن از صبر است.

صبر در امتحان

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۷،۲۰

۱۷ لزوم پیشه کردن صبر و تقوا در برابر آزمایش های الهی و آزار های دشمنان

لتبلونّ ... و لتسمعنّ ... و ان تصبروا و تتقوا فانّ ذلك من عزم الامور

۲۰ صبر توأم با تقوا ، شرط موفقیت در آزمایش های الهی

لتبلونّ .. و ان تصبروا و تتقوا فانّ ذلك من عزم الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱

۱ بهشت ، از آن کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبیا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۷،۸،۹

۷ شکیبیا سازی و توانمند کردن روحیه مردمان ، فلسفه آزمایش آنان از سوی خداوند

و جعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران مانند زمخشری، جمله <أتصبرون> پس از ذکر <فتنه>، همانند <أیکم> بعد از <ابتلاء> (در آیه <لیلوکم أیکم أحسن عملاً>) است که در مقام بیان فلسفه مطلب یاد شده در عبارت پیشین می باشد.

۸ صبر ، رمز موفقیت انسان در برابر آزمایش های الهی

و جعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون

۹ انسان ها ، وظیفه دار صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های الهی

و جعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون

استفهام در جمله <أتصبرون> استفهام حقیقی نیست؛ بلکه در معنای <امر> به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۹،۲۲

۱۹ - بدون کمک و عنایت خداوند ،

صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

إِنِّي أرى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ .. قَالَ يَا بْتَ افْعَلْ مَا تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنْ

مسأله ذبح اسماعیل(ع) چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء الله من الصابرين)، گویای برداشت یاد شده است.

۲۲- اجرای فرمان های خداوند و سربلندی در آزمایش های الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

قال يَا بْتَ افْعَلْ مَا تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنْ الصَّابِرِينَ

صبر در امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۸،۱۳

۸- امر به معروف و نهی از منکر ، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد .

و أمر بالمعروف و انه عن المنكر و اصبر على ما أصابك

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

۱۳ - > فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ > وَ اصبر على ما أصابك < من المشقه و الأذى فِي الأمر بالمعروف و النهي عن المنكر عن علي (ع) <
> ;

در مجمع البيان از امام علی(ع) درباره >

اصبر علی ما أصابک > روایت شده: در برابر سختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش >.

صبر در انتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربك . . . و إن عاقبتهم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

صبر در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنما یسرنه .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

صبر در برابر مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۲

۲ - صبر در برابر موضع گیری های تکذیب گرانه و استهزاآمیز شرک پیشگان صدراسلام ، توصیه خداوند به پیامبراکرم (ص)
(

سأل سائل بعذاب واقع .. فاصبر صبرًا جمیلًا

توصیه به صبر پس از بیان بعضی از گفته ها و درخواست های کافران می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

صبر در برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ -

۴ برپا کردن نماز در اوقات مقرر آن ، نیازمند صبرپیشگی است .

و أقم الصلوه طرفی النهار .. و اصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۵

۵ - مراقبت و مداومت بر اقامه نماز ، نیازمند صبر و مقید ساختن نفس بر آن است .

واصطبر علیها

صبر در تأخیر پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أملی لهم .. فاصبر لحکم ربک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

صبر در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۱ - ۶

۶ مبلغان دین باید دلسوز مردم و آراسته به شکیبایی در ابلاغ احکام و معارف الهی باشند .

إنی أخاف علیکم .. قال یقوم لیس بی ضلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۶۷ - ۵

۵ مبلغان دین باید دلسوز مردم و آراسته به شکیبایی در ابلاغ معارف الهی باشند .

قال یقوم لیس بی سفاهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۶،۷

۶- تبلیغ دین و هدایت مردمان ، پیامدار اذیت و آزار دشمنان و نیازمند مقاومت ، شکیبایی و گذشت است .

ادع إلى سبیل ربک .

.. و إن عاقبتهم ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبیل ربّک . . . و إن عاقبتهم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۲

۲- مبلغان دینی ، موظف به پایداری در راه تبلیغ و استقامت در برابر اذیت و آزار دشمنانند .

ادع إلى سبیل ربّک . . . و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین . و اصبرو ما صبرک إلا بالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۴

۴- صبر در راه تبلیغ دین و هدایت مردم ، تقوای پیشگی و احسان است .

ادع إلى سبیل . . . و اصبر ... إن الله مع الذین اتّقوا و الذین هم محسنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۱۱

۱۱- پیامبران ، مأمور پایداری در مسیر تبلیغ و ماندن در میان مردم و جامعه خویش تا آخرین مرحله

و ذاللون إذ ذهب مغضباً فظنّ أن لن نقدر علیه

توییح شدن یونس(ع) به خاطر ترک قوم خویش، قبل از این که فرمانی در این زمینه از جانب خداوند دریافت کند،^۷ برای نکتته دلالت دارد که پیامبران مجاز به ترک مأموریت و مردم خود، قبل از آمدن فرمان و رخصت از جانب خداوند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۵- پیامبر (ص)، نیازمند رهنمود و دلجویی از جانب خداوند برای پایداری در طریق تبلیغ

و اصبر لحکم ربک فإنک بأعیننا

چنانکه گفته شد: تعبیر <بأعیننا> پیامدار حمایت می باشد، از این تعبیر و از فرمان <و اصبر> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۴

۴- ارزشمندی صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین، بسته به خلوص و جهت خدایی آن است.

و لرَبِّک فاصبر

صبر در تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۷

۷- تبلیغ پیام الهی، نیازمند تحمل دشواری ها و مشکلات

ما یقال لک إلا ما قد قیل للرسل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۴

۴- مقام تبلیغ دین و رهبری امت، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱،۲

۱- فرمان پایداری و شکیبایی از سوی خداوند به پیامبر (ص)، در راستای تبلیغ دین

و اصبر لحکم ربّک

مراد از <لحکم ربّک> می تواند حکم رسالت و تبلیغ دین باشد. در این صورت پیامبر(ص) مأمور شده است تا در برابر اذیت و آزار تکذیب کنندگان، صبر پیشه کند و تحمل خویش را از دست ندهد.

۲ - تبلیغ دین و انجام رسالت الهی ، نیازمند شکیبایی

و اصبر لحکم ربّک

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۷

۷- ترویج دین و گسترش دین داری در جامعه ، مستلزم سعه صدر ، صبر و خویشتن داری است .

و اصبر .. و اهجرهم هجرًا جمیلًا

صبر در تبلیغ قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۵

۵- تبلیغ و اجرای تعالیم قرآن ، مستلزم صبر و شکیبایی است .

فاصبر لحکم ربّک

صبر در تعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۷

۷- شکیبا بودن و اطاعت از معلم ، ادب و شرط تعلّم است .

ولا أعصی لک أمرًا

صبر در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۰

۲۰ صبر در انجام فرائض و در برابر مصائب و آمادگی برای پیروی از دستورات ائمه ، وظیفه مؤمنان

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اصبروا علی الفرائض و صابروا علی المصائب و رابطوا علی الأئمه.

کافی، ج ۲، ص ۸۱ ح ۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲ و ۶ و ۱۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱

۱ لزوم استقامت و ورزیدن و صبر پیشه ساختن در اجرای احکام و فرمان های الهی

والذین صبروا

عبارت <ابتغاء وجه ربهم> (برای دستیابی به رضایت خدا) می رساند که متعلق <صبروا> احکام و فرمانهای خداست؛
یعنی: <صبروا علی ما أمرهم الله به و عمّا نهاهم عنه>.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۴،۵

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا در پی دارنده ورود به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <باء> در <بما صبرتم> سببیه و <ما> در آن مصدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشته (<الذین یوفون> تا <یدرءون بالحسنه السیئه>) مطرح شد که می توان از آنها به <طاعه الله> تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم یعنی: <بسبب صبر کم علی طاعه الله>.

۵ التزام به فرمان های خدا، نیازمند صبر و استقامت است.

بما صبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۵

۵- جهاد و صبر در مسیر فرمان های وحی، ملاک امتیاز و از مهم ترین ارزش ها است.

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

اهمیت، از تخصیص به ذکر یافتن جهاد و صبر استفاده می شود.

صبر در تواضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی، شب زنده داری، حلم، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق، دوری از اسراف، تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی و سخن باطل، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً... و الذین لایشهدون الزور... أول

صبر در توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو

کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۶

۶- توحید در عبادت و اطاعت خداوند ، امری دشوار و نیازمند صبر و تحمل است .

فاعبده واصطبر لعبده هل تعلم له سمياً

<اصطبار> یعنی، برای چیزی صبر قراردادن (لسان العرب). فرمان به کارگیری صبر برای عبادت، گویای مشکلات و موانعی است که بر سر راه عبادت خداوند وجود دارد و گذر از آن، نیازمند بهره گرفتن از صبر است.

صبر در تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۲۵

۲۵ صبر بر انجام نماز های پنجگانه و صبر در جنگ مسلحانه با دشمنان و پاسداری در راه خداوند ، وظیفه مؤمنان

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا

پیامبر اسلام (ص) درباره > .. اصبروا

و صابروا و رابطوا ... < فرمود: اصبروا على الصلوات الخمس، و صابروا على قتال عدوكم بالسيف، و ربطوا في سبيل الله لعلكم تفلحون.

الدّر المثور، ج ۲، ص ۴۱۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۳۱، ۲۸، ۲۷، ۱۵

۱۵ - صبر و مقاومت در نبرد با دشمنان دین، وظیفه ای بر عهده مجاهدان

و الصبرین ... حین البأس

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین، از مشخصه های ابرار

و لكن البر من .. الصبرین فی البأس و الضراء حین البأس

۲۸ - انجام وظایف عبادی، اجتماعی و اخلاقی دین، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است.

أولئك الذين صدقوا

در برداشت فوق <أولئك> اشاره به صفاتی است که از جمله <و آتی المال .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من آمن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند، تقواییشان حقیقی هستند.

الصبرین .. حین البأس ... أولئك هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۴

۴ دعوت و تشویق اهل ایمان به پیشه ساختن صبر و تقوا، در رویارویی با دشمن

ان تصبروا و تتقوا و یا توکم من فورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۸

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن

منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۶

۶- تفاوت مرتبه مجاهدان ، در پرتو صبر و شکیبایی آنان در میدان جهاد *

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که وصف <الصابرین> صرفاً توضیح و تفسیر <المجاهدین> نباشد؛ بلکه ملاک دوم به شمار آید؛ یعنی، مدعیان ایمان در پرتو جهاد از یکدیگر متمایز می شوند و مجاهدان در پرتو صبر و شکیبایی بر یکدیگر شرافت می یابند.

صبر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲،۳

۲- قرار و بی قراری تکذیب گران در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

۳- صبر در طریق تقوا و آزمون های زندگی دنیوی ، دارای اثر است و نه صبر در آتش دوزخ . *

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

احتمال دارد که یادآوری صبر در چنین آیه ای، اشاره داشته باشد به این که به جای صبر بر آتش دوزخ که تأثیری ندارد شایسته است که آدمیان، صبر را در همین دنیا و در طریق تقوا، به کار گیرند که منشأ آثار فراوان است.

صبر در حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم

کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی

صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در دعوت به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۷

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربك .. و إن عاقبتكم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

صبر در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۲،۳

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم كما أمرت .. و اصبر

۳ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری و تمایل نداشتن و تکیه نکردن بر ستمگران ، اموری نیازمند به صبرپیشگی

فاستقم كما أمرت .. و لا تتركوا إلى الذين ظلموا ... و اصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱

۱ لزوم استقامت ورزیدن و صبر پیشه ساختن در اجرای احکام و فرمان های

الهی

والذین صبروا

عبارت <ابتغاء وجه ربهم> (برای دستیابی به رضایت خدا) می رساند که متعلق <صبروا> احکام و فرمانهای خداست ؛ یعنی: <صبروا علی ما أمرهم الله به و عمّا نهاهم عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۴

۴ صبر و استقامت بر پیروی از فرمان های خدا در پی دارنده ورود به بهشت

سلم علیکم بما صبرتم

حرف <باء> در <بما صبرتم> سببیه و <ما> در آن مصدریه است. متعلق <صبرتم> اموری است که در آیات گذشته (<الذین یوفون> تا <یدرءون بالحسنه السیئه>) مطرح شد که می توان از آنها به <طاعه الله> تعبیر کرد. بنابراین بما صبرتم ؛ یعنی: <بسبب صبرکم علی طاعه الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۲

۲ - دستیابی به اهداف دینی ، محتاج به صبر و شکیبایی و پرهیز از حرکت های شتابزده است .

الله الذی سخر لکم ... و سخر لکم ما فی السموت ... قل للذین ءامنوا یغفروا

صبر در رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۴

۴ - مقام تبلیغ دین و رهبری امت ، نیازمند صبر و شکیبایی

فاصبر علی ما یقولون

صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۶، ۵، ۳، ۱

۱ مؤمنان ، موظف به صبر در برابر مشکلات

یا ایها الذین امنوا اصبروا

۳ مؤمنان ، موظف به پایداری و مقاومت در برابر دشمنان سرسخت و ستیزه جو

یا ایها الذین امنوا .. صابروا

<صابروا> از

باب مفاعله، دلالت بر مقاومت طرفینی دارد و این معنا غالباً بین دو خصم تصوّر می شود.

۵ مؤمنان، موظفند یکدیگر را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات ترغیب کنند.

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

به نظر می رسد الف مفاعله در <صابروا>، برای متعدی کردن <صَبَرَ> به کار رفته باشد؛ بنابراین <صابروا>، یعنی دیگران را به صبر وادارید.

۶ صبر در برابر مشکلات، زمینه ساز پایداری در برابر دشمن *

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا

تقدّم ذکری <اصبروا> بر <صابروا>، می تواند حاکی از این معنا باشد که تا در برابر مشکلات فردی صبور نباشید، نمی توانید در مقابل دشمنان دین مقاومت کنید.

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرزهای اسلامی، نشانه تقوای پیشگی است

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

۱۶ ایمان، زمینه شکیبایی در برابر مشکلات و پایداری در مقابل دشمن و حفظ مرزها و رعایت تقواست.

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

مخاطب قرار دادن مسلمانان به وصف ایمان و آنگاه امر به شکیبایی و... بیانگر آن است که ایمان زمینه تحقق مسائل مطرح شده است.

۱۸ صبر در برابر مشکلات، مقاومت در برابر دشمن، حفاظت از مرزهای جامعه اسلامی و تقوای پیشگی، زمینه پیروزی و سعادت

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا لعلکم تفلحون

<فلاح>، به معنای نیل به نجات و پیروزی است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصيبة قالوا إنا لله و إنا إليه راجعون

<الذین .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۷ - ۸

۸ - مؤمنانی که در مصیبت ها و سختی ها صابر و تسلیم قضای الهی باشند ، تنها کسانی هستند که به هدایت دست یافته اند .

و بشر الصبرین. الذین ... و أولئک هم المهتدون

ضمیر فصل (هم) و معرفه بودن خبر (المهتدون) حاکی از حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۶،۲۶،۲۸،۱۴

۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، وفای به عهد ، صبر در مشکلات و استقامت در نبرد از وظایف اهل ایمان و از مسائل

اساسی دین

لیس البر أن تولوا وجوهکم ... و لكن البر من ... و أقام الصلوه ... والصبرین فی ال

۱۴ - اهل ایمان به هنگام گرفتار شدن به فقر و تنگدستی و نیز روی آوری مشکلات و ناهنجاری ها ، باید صبور و پایدار

باشند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لكن البر من .. أقام الصلوه ... والصبرین فی البأساء و الضراء

۲۸ - انجام

وظایف عبادی، اجتماعی و اخلاقی دین، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است.

أولئك الذين صدقوا

در برداشت فوق <أولئك> اشاره به صفاتی است که از جمله <وءاتی المال .. و حین البأس> به دست می آید و متعلق <صدقوا> به قرینه <من ءامن ...> ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۵، ۵، ۲

۲ ورود به بهشت، بدون تحمل سختی ها و مصائب، پنداری بیش نیست.

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم .. مستهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۱۵ لزوم تحمل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۲

۲ مؤمنان وظیفه دار استعانت از خدا و پیشه سازی صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه ایمان

استعینوا بالله و اصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۶ - ۸، ۹

۸ خداوند، فراخوان مؤمنان به صبر و تحمل مشکلات پیش آمده از نبرد با دشمنان

و اصبروا إن الله مع الصبرين

۹ باور به همراهی خدا با مجاهدان صابر ، زمینه ساز تحمل سختی های نبرد و صبر در برابر ناملايمات آن

و اصبروا إن الله

مع الصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۲

۲ لزوم پیشه ساختن صبر در مشکلات راه دین

فاستقم كما أمرت .. واصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ، خصلتی نیکو، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۶، ۱۰

۱۰ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و حوادث تلخ، خصلتی زیباست.

فصبر جمیل

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد. احتمال دیگر در ترکیب <فصبر

جمیل> این است که <صبر> خبر برای مبتدایی محذوف و جمیل صفت برای <صبر> باشد؛ یعنی، [امری] صبر جمیل و یا

[صبری] صبر جمیل و یا ...

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگناها و حوادث دشوار، وامی دارد.

فصیر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۲

۲- صبر در

برابر نامالایمات ، دارای ثمرات دنیوی و اخروی است .

لنبوّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا .. و لأجر الأخره أكبر ... الذين صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - مؤمنان راستین ، محکم و بردبار در هنگامه های سخت و دشوار زندگی

لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۴

۱۴ - صبر بر مشکلات و داشتن روحیه ای امیدوار ، به هنگام مبتلا شدن به دشواری ها ، امری ارزشمند و پسندیده است .

و إن تصبهم سيئه .. إذا هم يقنطون

از مذمت شدن کسانی که با مبتلا شدن به ناگواری ها، ناامید می شوند، استفاده می شود که حفظ روحیه امیدواری، در چنین حالتی مطلوب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۵

۵ - لزوم صبر و شکیبایی در برابر تلاش ها و تبلیغات سوء

و لئن جئتهم بأية ليقولن الذين كفروا.. فاصبر إن وعد الله حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - صبر و شکیبایی بر مشکلات ، امری اساسی و نیازمند اراده ای محکم است .

و اصبر على ما أصابك إن ذلك من عزم الأمور

<عَزْمٌ> در لغت به معنای <تصمیم قطعی قلب بر انجام دادن کار> است. (مفردات راغب) چنین معنایی، حکایت از اراده محکم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۱ - ۳

- تدبیر در سرگذشت ایوب (ع) ، مایه تقویت نیروی صبر و شکیبایی در برابر مشکلات

و اذکر عبدنا ایوب إذ نادى ربّه أنّى مسنى الشیطن بنصب و عذاب

ابتلاى ایوب(ع) به مشکلات و رنج های طاقت فرسا و صبر و شکیبایی او، مهم ترین بخش سرگذشت آن حضرت است. بنابراین یادآوری آن، می تواند سبب دمیدن روح مقاومت و شکیبایی در انسان گرفتار گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - منافات نداشتن دعا و درخواست از خداوند برای رفع گرفتاری با مقام صبر و شکیبایی

إذ نادى ربّه أنّى مسنى الشیطن . . . إنا وجدنه صابراً

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند، ایوب(ع) را که درخواست رفع گرفتاری از خود را داشت به صبور و شکیبا بودن توصیف و ستایش کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

فاصبر

۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إنا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا . . . فاصبر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر..> تفریع بر جمله <إنا لننصر رسلنا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) مکلف به استقامت و پایداری در برابر مشکلات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکیبا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلونکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۶

۶- صبر بر ناگواری ها ، عبادت در برابر پروردگار و ایمان به قیامت ، تکلیف تمامی مؤمنان

فاصبر . . . و سَبِّحْ ... و استمع یوم یناد المناد

هر چند واژه های <اصبر> ، <سَبِّحْ> و <استمع> ظاهراً خطاب به پیامبر(ص) است؛ ولی در حقیقت تکلیفی است برای همگان و پیامبر(ص) از آن جهت که الگوی امت است، به تنهایی مخاطب قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۰ - ۸

۸- ایمان به کارساز بودن خداوند و توکل به او ، هموارکننده راه صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و سختی ها است .

فَاتَّخِذْهُ وَكَيْلًا . و اصبر ... و اهجرهم هجرًا جمیلًا

<واصبر> عطف بر <فَاتَّخِذْهُ وَكَيْلًا> است. این عطف می تواند به این مناسبت باشد که اتکال به خدا، موجب تقویت روح صبر و مقاومت در انسان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۷

۷- نماز و ارتباط با خدا، موجب تقویت روح صبر و شکیبایی انسان در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر... و

اذکر اسم ربّک بکره و أصیلاً

صبر در سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۲، ۱۵

۱۲ خداوند دوستدار پایمردان در جنگ و شکیبایان در برابر هجوم حوادث آن

فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله .. و الله یحبّ الصّابرين

۱۵ ناشکیبایی در برابر هجوم حوادث ، از عوامل عمده شکست مردم در عرصه های زندگی

و کاین من نبی قاتل .. فما وهنوا ... و الله یحبّ الصّابرين

صبر در سلوک راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۹

۹ - حرکت در مسیر خدا و احیای ارزش ها ، در پی دارنده دشواری ها و نیازمند شکیبایی است .

أقم الصلوه و أمر بالمعروف و انه عن المنکر .. و اصبر علی ما أصابک

صبر در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۵

۵- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پرستش خداوند و صبر و تحمل در راه عبادت او

فاعبده و اصطر لعبدته

صبر در عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در

عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۵

۵ - ترغیب پیامبر (ص) از سوی خداوند به صبر و پایداری در انجام رسالت خویش ، به رغم تکذیب و مخالفت کافران و مشرکان

و إن يكذبوك فقد كذب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۲

۲۲ - اجرای فرمان های خداوند و سربلندی در آزمایش های الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

قال ياأبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصبرين

صبر در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۴، ۱۲

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکیبا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزنداناش

فصیر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف(ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزنداناش می باشد.

۱۴ شکیبایی یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، ستودنی و درخور تحسین بود .

فصیر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد ، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن) ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

صبر در فقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۴

۱۴ - اهل ایمان به هنگام گرفتار شدن به فقر و تنگدستی و نیز روی آوری مشکلات و ناهنجاری ها ، باید صبور و

پایدار باشند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۷

۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً > قال : بما صبروا على الفقر و مصائب الدنيا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً> روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند.

صبر در فهم آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - بهره‌وری از آیات الهی برای کسانی میسر است که در سختی فهم آنها ، صبر پیشه کنند .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ

این که در این آیه، آیات متعدد ماجرای اهل سبأ، برای صبرپیشگان و شکرگزاران دانسته شده است؛ می تواند بیانگر این نکته باشد که قبول آیت بودن آنها، نیاز به فهم و معرفتی درخور دارد. به تناسب ذکر صفت صبر، استفاده می شود که فهم و قبول آیات خداوندی، احتیاج به صبر دارد.

صبر در کيفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین،

به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

صبر در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۹،۱۶

۹ پایداری مردم بر طریق ایمان و مقاومت در برابر آزار دشمنان، در گرو تحکیم مبانی عقیدتی آنان است.

استعينوا بالله و اصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

۱۶ ایمان به حاکمیت خدا بر زمین، صبر در برابر دشمنان دین و استعانت از خدا، جلوه هایی از تقوای پیشگی است.

و العقبه للمتقين

از بشارت ضمنی موسی(ع) به حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به شرط استعانت از خدا و پیشه کردن صبر و سپس بیان این حقیقت که <حاکمیت سرانجام از آن تقوای پیشگان است>، معلوم می شود شرایط ذکر شده جلوه هایی بارز از تقوای پیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجّه به قاهر بودن خدا، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

صبر در مشکلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به .. فاصبروا

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۱

۲۱ - تشویق و ترغیب خداوند به صبر و تحمل سختی ها و مشکلات ناشی از هجرت

و أرض الله وسعه إنّما يوفّى الصبرون أجرهم بغير حساب

صبر در مصایب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۲،۳

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۳ ایمان ، بدون تحمل مصائب ، برای ورود به بهشت کافی نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

با توجه به اینکه خطاب به مؤمنان است ؛ ورود آنان را به بهشت، مشروط به تحمّل مصائب کرده است.

صبر در مصیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۷

۷ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله : > و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً < قال : بما صبروا على الفقر و مصائب الدنيا ؛

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند > و جزاهم بما صبروا جنة و حريراً < روایت شده که فرمود: [این پاداش] برای این است که بر فقر و مصیبت های دنیا صبر کرده اند.<

صبر در معاشرت با فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- معاشرت و ملازمت با اقشار محروم جامعه ایمانی ، در پی دارنده مشکلات و نیازمند صبر و شکیبایی است .

و اصبر نفسک

صبر در مقابله به مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- منفعت برتر و خیر مؤمنان به هنگام دعوت به اسلام ، در صبر و عدم تعجیل در انتقام از دشمنان و مقابله به مثل با آنان است .

ادع إلى سبيل ربك . . . و إن عاقبتكم فعاقبوا ... و لئن صبرتم لهو خير للصبرين

صبر در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۵

۲۵ - صبر و شکیبایی در دوران نوجوانی ، امری بس ارزشمند و سرنوشت ساز برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم . . . ستجدنی إن شاء الله من الصبرين

صبر در نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۸،۱۳

۸ - امر به معروف و نهی از منکر ، مشکلاتی در پی دارد که باید آنها را تحمل کرد .

و أمر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما أصابک

احتمال دارد دستور به صبر پس از سه فرمان اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، همانند آن سه، فرمانی عام باشد و احتمال دارد فرمانی ویژه و مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باشد. در صورت دوم، نشان می دهد که امر به معروف و نهی از منکر، مشکلاتی به همراه دارد که باید آن را تحمل کرد.

۱۳ - > فی مجمع البیان > و اصبر علی ما أصابک < من المشقه و الأذى فی الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر عن علی (ع) ; (

در مجمع البیان از امام علی(ع) درباره <و اصبر علی ما أصابک> روایت شده:

در برابر سختی ها و اذیت هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر می بینی، بردبار باش <.

صبر در هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - هجرت در راه دین ، پیام دار مشکلات و زحمات بسیار و نیازمند به صبر و تحمل آنها است .

و أرض الله وسعه إنّما يوفى الصبرون أجرهم بغير حساب

یاد کردن از اجر و پاداش صابران، پس از ذکر مسأله هجرت، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

صبر در همنشینی با اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۲

۲- صبر و تحمل در مصاحبت با اولیای خدا و برخورداران از علوم ویژه الهی ، شرطی ضروری جهت بهره بردن از آنها است .

ألم أقل إنك لن تستطيع معي صبراً

مسلم است که حضرت موسی(ع) به جهت تعلّم، با خضر(ع) همراه گردید و او نیز شرط لازم را صبر و شتاب نکردن در پرسش دانست. در این آیه، مجدداً، بر آن شرط ضروری تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۵

۵- صبر و شکیبایی ، شرط ضروری جهت بهره بردن از مصاحبت اولیای خاص خداوند و برخورداران از علوم الهی است .

قال ألم أقل لك إنك لن تستطيع معي صبراً

صبر در همنشینی با خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخوردارى از علم تأويل و تحليل حوادث و مصاحبت با

عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

صبر در همنشینی با علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۲ - ۲

۲- صبر و تحمّل در مصاحبت با اولیای خدا و برخورداران از علوم ویژه الهی ، شرطی ضروری جهت بهره بردن از آنها است .

أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

مسلم است که حضرت موسی(ع) به جهت تعلّم، با خضر(ع) همراه گردید و او نیز شرط لازم را صبر و شتاب نکردن در پرسش دانست. در این آیه، مجدداً، بر آن شرط ضروری تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۵ - ۵

۵- صبر و شکیبایی ، شرط ضروری جهت بهره بردن از مصاحبت اولیای خاص خداوند و برخورداران از علوم الهی است .

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی مانند خضر (ع) ، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است .

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

صبر ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۲

۲- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان

أَمَا مِنْ ظَلَمٍ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ . . . وَأَمَا مِنْ ءَامِنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا فَلَهُ جِزَاءٌ الْحَسَنَى

مراد از <من ءامن و. . .> (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی اند که از ظلم و کفر، دست برداشته و ایمان آورند، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودند؛ زیرا، معنا ندارد که او، بین عذاب و یا رفتار نیک با مؤمنان مخیر باشد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نَعَذِّبُهُ) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

صبر ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۳، ۲، ۱

۱- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) از صابران و بردباران بودند .

و إسمعیل . . . کلّ من الصبرین

۲- سرگذشت اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) و صبر و شکیبایی آنان ، درس آموز و شایسته یاد و یادآوری است .

و إسمعیل . . . کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که نصب <اسماعیل> به وسیله عامل مقدری چون <أذکر> یا <أذکروا> باشد.

۳- اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، الگو و سرمشق برای مردمان در صبر و شکیبایی

و إسمعیل و ادریس و ذوالکفل کلّ من الصبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند در مقام تربیت و هدایت مردم عصر بعثت، هر سه پیامبر را با وصف <صابران> معرفی کرده است.

صبر رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۷

۷- برخورداری از روحیه صبر و بردباری و نیز یقین به آیات الهی ، از شرایط رهبری

و امامت دینی است .

و جعلنا منهم أئمة .. لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بِأَيْتِنَا يُوْقِنُونَ

<لَمَّا> زمانی است و دلالت می کند بر این که برگزیدگان بنی اسرائیل، زمانی که به مقام صبر و یقین رسیدند، به پیشوایی انتخاب شدند و این، نشان می دهد که رهبران دینی باید چنین مقامی را برای خود تحصیل کنند و یا واجد آن دو باشند.

صبر رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۹

۹ - هشیاری ، نظارت دقیق و صبر و بردباری ، لازمه رهبری

فارتقبهم و اصطر

صبر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۶

۶ - صالح پیامبر (ع) ، موظف به صبر و انتظار برای مشاهده عکس العمل قومش در برابر معجزه (ناقه)

إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ .. فارتقبهم و اصطر

صبر صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۳

۲۳ - صبر و شکیبایی ، از ویژگی های صالحان

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ .. ستجدنی إن شاء الله من الصبرين

برداشت یاد شده از آن جا است که حضرت ابراهیم(ع)، از خداوند خواستار فرزندی صالح شد و خداوند به او، اسماعیل(ع) را عنایت کرد و این فرزند، خود را از صابران خواند.

صبر مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۷

۷- لزوم پایداری و تلاش افزون تر مبلغان ، در عمل به توصیه های خود

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

وظیفه صبر شدید

بر نماز، پس از توصیه خانواده به آن، گویای نکته یاد شده است.

صبر متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱

۱ صبر و راستی در گفتار، خضوع در برابر خداوند، انفاق و استغفار در سحرگاهان، از صفات متقین

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. الصابرين ... بالاسحار

آیه فوق (الصابرين و الصادقين ..)، بیان و توضیح دیگری برای <لَّذِينَ اتَّقَوْا> است.

صبر متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ توکل کنندگان بر خداوند، انسانهایی صبور و مقاومند.

فصبر جميل والله المستعان على ما تصفون

صبر مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۴

۴ استواری قدم پیکارگران، از نتایج شکیبایی آنان در پیکار و زمینه ساز نصرت الهی *

قالوا ربنا افرغ .. و انصرنا على القوم الكافرين

بنابراینکه سه جمله ای که به عنوان دعا ذکر شده است، هر یک مقدمه انجام پذیری جمله بعدی باشد. یعنی صبر، عامل ثبات قدم و ثبات قدم، عامل نصر و پیروزی.

صبر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۴

۴ پیامبر (ص) مأمور به صبر و خویشتن داری در برابر مشکلات رسالت تا فرارسیدن حکم و داوری خداوند بود .

و اتبع ما یوحى إلیک و اصبر حتى یحکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱،۱۴

۱- پیامبر)

ص) در برابر اذیت و آزار دشمنان به آن حضرت، تنها مأمور به صبر و شکیبایی گردید و نه مجاز برای مقابله به مثل

ادع إلى سبيل ربك .. و إن عاقبتم فعاقبوا ... و اصبر

خداوند، در آیه قبل همه مسلمانان را مجاز به مقابله به مثل دانسته است؛ ولی در این آیه شخص پیامبر(ص) را مخاطب قرار داده و به او اختصاصاً فرمان صبر و مقاومت داده است. از ارتباط این دو آیه، برداشت فوق به دست می آید.

۱۴- پیامبر (ص)، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت، آزار و تعدیات دشمن، برخوردار بود.

و اصبر .. و لاتحزن علیهم و لاتكف فی ضیق ممّا یمكرون

از اینکه پیامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر می شد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۵

۵- پیامبر (ص)، وظیفه دار پرستش خداوند و صبر و تحمل در راه عبادت او

فاعبده و اصطر لعبدته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۴

۴ - نزول آیات در باره فلسفه مهلت دهی به کافران، موجب تسلی خاطر و صبر پیامبر (ص) در برابر فشارهای تبلیغاتی کافران

و لولا کلمه سبقت .. فاصبر علی ما یقولون

<فاصبر> عطف و تفریع بر آیه قبل است؛ یعنی، حال که تأخیر عذاب از سر اهمال نیست بلکه

امری قانون مند است، بنابراین تحمل کن. در این مجموعه، خداوند با بیان فلسفه امهال و سنت های حاکم بر تاریخ، زمینه تسلی خاطر پیامبر(ص) و مؤمنان را فراهم کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۴

۴ - صبر در برابر بدرفتاری های مشرکان و وانهادن کیفر آنان به خدا، توصیه ای الهی به پیامبر (ص) در مقطع پیش از هجرت

ادفع بالتی هی أحسن السیئه نحن أعلم بما یصفون

برداشت فوق، با توجه به مکی بودن سوره مؤمنون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) به صبر در برابر تبلیغات سوء کافران، موظف بود.

فاصبر إن وعد الله حقّ

متعلق صبر، محذوف است که به قرینه <و لئن جئتهم بأیه ليقولنّ الذین کفروا..> می تواند بر خوردهای ایزایی و تبلیغاتی سوء کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) و یاران ایشان، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پیامبر (ص)، مأمور به صبر و انتظار

در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم... و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی‌اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم...) در حقیقت سفارش به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی‌های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی‌اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص)، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

و تولّ عنهم... و أبصر

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند، پس از سفارش به بی‌اعتنایی به آنان (و تولّ عنهم) در حقیقت، توصیه به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص)، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۳، ۱

۱ - پیامبر (ص)، مأمور به

۳- توصیه خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر تأسی کردن از پیامبران گذشته در صبر و شکیبایی در برابر مشکلات رسالت

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا .. فَاصْبِر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <فاصبر..> تفریع بر جمله <إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۸

۸ - پیامبر (ص)، انسانی صبور و برخوردار از عالی ترین کمالات و ارزش ها است.

ادفع بالتی هی أحسن .. و ما یلقیها إلا الذین صبروا و ما یلقیها إلا ذو حظّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مخاطب اصلی توصیه خداوند در این آیه، پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص)، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنّما یسّرناه .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - احقاف - ٤٤ - ٣٥ - ٧

٧- رهنمود الهی

به پیامبر (ص) ، برای شکیبیا بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر . . . و لاتستعجل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۱

۱ - فرمان پایداری و شکیبایی از سوی خداوند به پیامبر (ص) ، در راستای تبلیغ دین

و اصبر لحکم ربک

مراد از <لحکم ربک> می تواند حکم رسالت و تبلیغ دین باشد. در این صورت پیامبر(ص) مأمور شده است تا در برابر اذیت و آزار تکذیب کنندگان، صبر پیشه کند و تحمل خویش را از دست ندهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۲، ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در برابر فرمان های الهی

فاصبر لحکم ربک

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملی لهم . . . فاصبر لحکم ربک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر اسلام (ص)، مأمور صبری نیکو و شایسته در انجام

دادن رسالت خویش

فاصبر صبرًا جمیلًا

۲ - صبر در برابر موضع گیری های تکذیب گرانه و استهزا آمیز شرک پیشگان صدر اسلام ، توصیه خداوند به پیامبر اکرم (ص)
(

سأل سائل بعداب واقع .. فاصبر صبرًا جمیلًا

توصیه به صبر پس از بیان بعضی از گفته ها و درخواست های کافران می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و پایداری در انجام دادن رسالت خویش

و لرَبِّكَ فاصبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۱

۱ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر صبر و شکیبایی در برابر حکم پروردگار (تبلیغ قرآن و اجرای تعالیم آن)

فاصبر لحکم ربِّک

مقصود از حکم پروردگار به قرینه آیه پیش تبلیغ قرآن و اجرای تعالیم آن است.

صبر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک .. بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) و یاران ایشان، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد

آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبر اسلام (ص) و یاران ایشان، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزارها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

صبر مسلمانان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند مؤمنان مکه را به صبر در برابر حرکات ناشایست مشرکان و عفو از خطاکاری آنان فرمان داد .

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ

با توجه به این که این آیات در مکه نازل شده، به دست می آید که این فرمان در مقطع قبل از هجرت بوده است و منظور از <الذین لایرجون..> مشرکان اند.

صبر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۹ - ۱۸

۱- موسی (ع) به شکیبا بودن در برابر کارهای خضر و چیزهایی که از او فرا می گیرد، متعهد گردید .

قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

جمله <ستجدنی..> (تو مرا صابر خواهی یافت) حاکی از این است که موسی(ع) صبری را نوید می داد که آثارش مشهود باشد. این تعبیر، در مقایسه با <سأصبر> و نظایر آن، تأکید بیشتری

دارد.

۸- > عن جعفر بن محمد (ع) : > ... قال موسى : > ستجدني إن شاء الله صابراً ولا أعصي لك أمراً < فلما استثنى المشيه قبله ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده: > موسی(ع) به خضر گفت: > ستجدنی إن شاء الله صابراً.. < پس چون مشیت الهی را استثنا کرد (یعنی > إن شاء الله < گفت) خضر، او را پذیرفت...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۰ - ۳

۳- خضر ، خواهان تعجیل نکردن موسی در فهم اسرار بود و او را بر متابعت بی چون و چرا از خود ، الزام نکرد .

حَتَّى أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

صبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۵، ۱۴

۱۴ امید مؤمنان به امداد الهی ، پشتوانه صبر و مقاومت آنها

متى نصر الله الا ان نصر الله قريب

جویای یاری خدا بودن (متی نصر الله) در حین شدت مصائب و مقاومت در برابر آنها، بیانگر نقش امیدواری به یاری خدا در تحمل مشکلات است.

۱۵ لزوم تحمل سختی ها بر مؤمنان

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما يأتكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۲۰۰ - ۱۴

۱۴ شکیبایی مؤمنان در برابر مشکلات ، پایداری آنان در مقابل دشمن و حفاظت از مرز های اسلامی ، نشانه تقوای پیشگی است

يا ايها الذين امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵

۴ - مؤمنان راستین ، شخصیت هایی صبور در برابر مصیبت ها و ناملایمات زندگی

و بَشْرَ الْمُخْبِتِينَ .. و الصبرین علی ما أصابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - مؤمنان راستین ، محکم و بردبار در هنگامه های سخت و دشوار زندگی

لولا أن ربطنا علی قلبها لتكون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۳

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است

أولئك يُؤتون أجرهم مرتین بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۷

۷- مؤمنان راستین ، اهل جهاد و شکایا در برابر همه مشکلات زندگی

و لنبلوئنکم حتی نعلم المجهدین منکم و الصبرین

وصف <الصابرین> علاوه بر صبر در جهاد، می تواند به همه زمینه های صبر و شکیبایی نظر داشته باشد.

صبر مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۲

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ، عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است؛ یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر

اظهار شده است؛ از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل کتاب و مشرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

صبر مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۱

۱- مسلمانان مهاجر از ستم مشرکان مکه، مردمانی صبور بودند که در برابر ستم ظالمان شکیبایی پیشه کردند.

و الذین هاجروا فی الله .. الذین صبروا

<الذین> عطف بیان برای <الذین> در آیه سابق است.

صبر مهاجران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۴

۴- توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام، مبنی بر اینکه در برابر فشارها و آزارهای کافران، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند.

و الذین هاجروا .. ثم قتلوا ... و إن الله لعليم حلیم

متعلق <عليم> در جمله <و إن الله لعليم حلیم> محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: <إن الله لعليم بما فعل المشركون بالمؤمنين من إخراجهم من دیارهم و قتلهم المهاجرین حلیم یمهلهم و لا ینتقم منهم إلی حین> خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد. گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکند؛ بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

صبر ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۵ - ۳

۳ - صبر ، در فرهنگ قرآن ، دو گونه است : < نیکو و به جا > ، < ناپسند و نابه جا > .

فاصبر صبراً جميلاً

صبر درباره هر چیزی، ممکن است به جا و نابه جا و نیکو و یا ناشایست باشد. آمدن <جميلاً> ممکن است به همین نکته اشاره داشته باشد.

صبر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۴

۱۴ نوح (ع) و پیروان او ، صبرپیشگانی مقاوم در برابر ناملايمات راه ایمان

تلک من أنباء الغیب . . . فاصبر

دعوت به صبر و مقاومت ، پس از بیان سرگذشت نوح(ع) و پیروانش ، اشاره به این حقیقت دارد که: آن حضرت و پیروانش ، در برابر ناملايمات صبور و شکيبا بودند.

صبر و شکوه به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۸

۸ منافات نداشتن صبر با شکوه بردن به درگاه خداوند

فصبر جميل . . . إنما أشکوا بثی و حزنی إلى الله

اظهار یعقوب(ع) به اینکه صبر زیبا و خوب است و در عین حال به درگاه خداوند شکوه برده است ، نشان می دهد که منافاتی بین این دو نیست.

صبر و عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۸

۸ کار آیی صبر ، در گرو انجام اعمال صالح است .

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ

صبر یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۱۲ یعقوب (ع) مصمم بر شکلیا بودن در فراق یوسف (ع) و بردباری کردن بر رفتار ناهنجار فرزنداناش

فصبر جمیل

متعلق صبر ، به قرینه جمله های قبل ، فراق یوسف (ع) و نیز عملکرد ناصواب و صحنه سازیهای دروغین فرزنداناش می باشد.

۱۶ یعقوب (ع) شخصیتی صبور و موحد که تنها خداوند را بر یاری رسانی توانا می دانست .

والله المستعان علی ما تصفون

۲۲ > عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که از قول یعقوب (ع) فرموده: <فصبر جمیل> روایت شده که فرمود: مراد ، صبر بدون گله است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۸۹، ۱۴، ۲۴

۸ یعقوب (ع) بر آن بود که در فراق فرزنداناش (یوسف (ع) ، بنیامین و لایوی) صبری نیکو و بدور از هر گونه جزع و شکایت پیشه کند .

فصبر جمیل

صبر جمیل ، صبری است که در آن جزع نباشد و از مصیبت رخ داده به مردم شکایت نشود (مجمع البیان).

۹ یعقوب (ع) ، پیامبری صبور و بردبار بود .

فصبر جمیل

۱۴ یعقوب (ع) ، صبورانه از پی گیری ماجرای اتهام سرقت بنیامین چشم پوشید و به امداد های الهی دل بست .

فصبر جمیل عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو.. >

علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز باشد. برداشت فوق، ناظر به این احتمال است.

صبر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۹،۱۰

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد.

فأسرها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرها> و <لم یبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرها...> یعنی، یوسف(ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت و از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ یوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرها یوسف فی نفسه و لم یبدها لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۷،۸

۷ یوسف (ع) و بنیامین از تقوایبشگان صبور و از زمره محسنان بودند.

قد منّ الله علينا إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر، پاداشی بر تقوایبشگی، صبر و نیکوکاری او بود.

قد منّ الله علينا إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

عوامل صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۳

بر آزار های دشمنان و زمینه ساز مدارا کردن با ایشان است .

فاعفوا و اصفحوا .. و أقيموا الصلوه و ءاتوا الزكوه

در برداشت فوق، جمله <أقيموا الصلاه ..> در ارتباط با <فاعفوا و اصفحوا> ملاحظه شده است. در این لحاظ هدف از تأکید بر اقامه نماز و پرداخت زکات، ایجاد توان برای اطاعت امر خداوند (لزوم عفو و گذشت و مدارا کردن با دشمنان) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۱۴

۱۴ امید مؤمنان به امداد الهی ، پشتوانه صبر و مقاومت آنها

متی نصر الله الا ان نصر الله قريب

جویای یاری خدا بودن (متی نصر الله) در حین شدت مصائب و مقاومت در برابر آنها، بیانگر نقش امیدواری به یاری خدا در تحمل مشکلات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۹

۹ پایداری مردم بر طریق ایمان و مقاومت در برابر آزار دشمنان ، در گرو تحکیم مبانی عقیدتی آنان است .

استعينوا بالله و اصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۴، ۲۶

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جميل .. إنه هو العليم الحكيم

جمله <إنه هو ..> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسى الله ...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جميل> نیز باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

و حکیمانه بودن افعال الهی، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگناها و حوادث دشوار، وامی دارد.

فصبر جمیل... إنه هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۹

۹ - انسان در شرایط سخت، برای کسب تحمل بیشتر، به تسبیح و یاد خدا نیازمند است.

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک

توصیه به تسبیح، پس از فرمان به <صبر>، نشانگر نقش تسبیح در توانمند شدن بر صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۷

۷ شکیبیا سازی و توانمند کردن روحیه مردمان، فلسفه آزمایش آنان از سوی خداوند

و جعلنا بعضکم لبعض فتنة أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران مانند زمخشری، جمله <أتصبرون> پس از ذکر <فتنه>، همانند <أیکم> بعد از <ابتلاء> (در آیه <لیبلوکم أیکم أحسن عملاً>) است که در مقام بیان فلسفه مطلب یاد شده در عبارت پیشین می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۷

۷ - توجه به اعتقاد به بازگشت همه امور به خداوند، موجب پایداری و استقامت در راه خدا

و إن یکذبوک .. و إلى الله ترجع الأمور

یاد آوری این حقیقت که همه امور به خدا بازمی گردد پس از بیان تکذیب رسالت پیامبران از سوی کافران و استقامت و پایداری آنان می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ -

۴- توجه به حقانیت مواضع عقیدتی خویش ، موجب تقویت روح صبر و بردباری در مسیر عقیده و دفاع از آن

فاصبر .. إنهم یرونه بعیداً . و نریه قریباً

از یادآوری مسأله حقانیت معاد برای پیامبر(ص) پس از توصیه به ایشان مبنی بر صبر و مقاومت در انجام رسالت مطلب یاد شده، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۵ - ۷

۷- نماز و ارتباط با خدا ، موجب تقویت روح صبر و شکیبایی انسان در برابر مشکلات و سختی ها

فاصبر .. و اذکر اسم ربک بکره و أصیلاً

عوامل صبر در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی ، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما کان ربک نسیاً . رب السموت ... فاعبده واصطبر لعبده

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

عوامل صبر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۶ - ۵

۵ - جهان بینی مؤمنان صابر (از خدا بودن و به سوی او بازگشتن) دلیل صبر و استقامت آنان در برابر دشواری های راه ایمان

الذین إذا أصبتهم مصیبه قالوا إنا لله و إنا إليه رجعون

<الذین .. قالوا ...> علاوه بر بیان اوصاف و ویژگی صابران، حکایتگر دلیل و علت صبر آنان نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۷

۷ باور به داوری برتر خدا مایه صبر مؤمنان در برابر کفرپیشگان حق ستیز

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

هدف شعیب(ع) از بیان داوری برتر خدا پس از دعوت مؤمنان به صبر تا فرارسیدن قضاوت الهی، ایجاد زمینه صبر در آنان بود.

فضیلت صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۵

۵- صبر و شکیبایی ، مفیدتر و ارزشمندتر از قصاص و مقابله به مثل است .

و إن عاقبتهم فعاقبوا .. و لئن صبرتم لهو خیر للصبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۵ - ۴

۴- ارزش مندی صبر و جایگاه والای صابران ، در پیشگاه خداوند

و إسمعیل .. کلّ من الصبرین

فلسفه صبر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۲

۲ - جلب رضای خداوند ، فلسفه و هدف صبر و پایداری پیامبر (ص) در دوران رسالت

و لرّبک فاصبر

لام در <لرَبِّكَ> برای تعلیل است.

فواید اخروی صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۲

۲- صبر در برابر ناملايمات ، دارای ثمرات دنیوی و اخروی است .

لنَبُوْتُهُمْ فِي الدُّنْيَا ... و لِأَجْرِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ ... الَّذِينَ صَبَرُوا

فواید دنیوی صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۲

۲- صبر در برابر ناملايمات ، دارای ثمرات دنیوی و اخروی است .

لنَبُوْتُهُمْ فِي

الدنيا... ولأجر الآخرة أكبر... الذين صبروا

کیفر اخروی اعراض از توصیه به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی، آزاد نکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحم، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فک رقبه... و الذين كفروا... عليهم نار مؤصده

گریه و صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ گریه و اندوه، با بردباری و شکیبایی منافاتی ندارد.

فصیر جمیل... و قال یأسفی علی یوسف وایضت عیناه من الحزن

محرومان از صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۵

۵ - کافران، از حالت شکیبایی، مهرورزی و عطوفت، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند.

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

مدح صبر یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ شکیبایی یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع)، ستودنی و درخور تحسین بود.

فصیر جمیل

چنان چه <جمیل> صفت برای <صبر> باشد، در تقدیر گرفتن مبتدا (صبری صبر جمیل) و یا خبر (صبر جمیل أحسن) ضروری است. برداشت فوق ناظر به این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص)، از بالاترین مرتبه صبر و تحمل در برابر اذیت، آزار و تعدیات دشمن، برخوردار بود.

و اصبر... و لاتحزن علیهم و لاتکف فی ضیق ممّا یمکرون

از اینکه پیامبر(ص) اختصاصاً به صبر مأمور گشت و صبر او تنها در پرتو عنایت و کمک خداوند میسر می شد، به دست می آید که صبر آن حضرت، صبری ویژه و بسیار بزرگ بود.

مراد از صبر بر آتش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - > عن ابی عبداللّٰه (ع) فی قول اللّٰه عز و جل < فما اصبر هم علی النار > فقال ما اصبرهم علی فعل ما یعلمون أنه یصیّرهم إلی النار ;

از امام صادق(ع) در تفسیر سخن خداوند عز و جل که فرموده: < فما أصبر هم علی النار > روایت شده است: چه چیز آنان را شکستیا نموده بر انجام عملی که می دانند آنها را به سوی آتش می کشاند.

۱۱ - از امام صادق (ع) درباره < فما أصبر هم علی النار > روایت شده که فرمود: < ان معناه ما اجرأهم علی النار... ;

چه چیز آنها را بر آتش جرأت داده است. (چه چیز به آنان جرأت داده تا اعمالی انجام دهند که موجب ورود به آتش شود).

مراد از صبر جمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲

۲۲ > عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که از قول یعقوب(ع) فرموده: <فصبر جمیل> روایت شده که فرمود: مراد ، صبر بدون گله است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۷

۲۷ > عن الصادق (ع) فی قوله عزوجل فی قول یعقوب : < فصبر جمیل > قال : بلاشکوی ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا از قول یعقوب: <فصبر جمیل> روایت شده است که فرمود: مراد صبر بدون گله است.<

مصونیت از بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۲

۲ - نمازگزاران ، مبرا از ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها

إذا مسّه الشرّ جزوعًا .. إلا المصلّین

معرضان از صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۷ - ۵

۵ - کافران ، از حالت شکیبایی ، مهرورزی و عطوفت ، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند .

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمة

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

ملاک ارزش صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۷ - ۴

۴ - ارزشمندی صبر و پایداری در انجام دادن رسالت الهی و تبلیغ دین ، بسته به خلوص و جهت خدایی آن

است .

و لربك فاصبر

منشأ صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ - بدون کمک و عنایت خداوند ، صبر و شکیبایی در برابر آزمایش های بزرگ همچون کشته شدن در راه خداوند ، ممکن نیست .

إِنِّي أرى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ .. قَالَ يَا بْتَ افْعَلْ مَا تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ

مسأله ذبح اسماعیل(ع) چنان که در آیه بعد به صراحت آمده است یک آزمایش الهی بود. براین اساس، مشروط کردن موفقیت این آزمایش به مشیت و عنایت خداوند (ستجدنی إن شاء الله من الصابرين)، گویای برداشت یاد شده است.

منشأ صبر اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۱۸

۱۸ - اسماعیل (ع) صبر و شکیبایی خود را در قربانی شدن به دست پدر ، منوط به مشیت خدا دانست .

يَأْتِ افْعَلْ مَا تَوْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنْ الصَّبْرِينَ

موارد صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۱ - ۸

۸- جهاد ، بارزترین نمود صبر مؤمنان در راه خدا *

و لنبلوَنكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَ الصَّبْرِينَ

می توان گفت: ملاک اصلی در تمایز مؤمنان، صبر و شکیبایی آنان، در انجام وظایف الهی است و تقدم <المجاهدين> بر

<الصابرین> از آن جهت است که مجاهدان، سرآمد صابران اند و جهاد بارزترین نمونه صبر است.

موانع بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۴

۴ - انفاق و اختصاص دادن مقدار

معنی از اموال خویش به نیازمندان جامعه، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در اخلاق بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ... وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۲

۲ - اعتقاد به روز جزا، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ... وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۷ - ۲

۲ - هراس و نگرانی از عذاب الهی، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (حرص، بخل، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا الْمُصَلِّينَ... وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۹ - ۲

۲ - تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی، در تعدیل غرایز و تأثیرگذار در خلق و خوی بشر (بخل، آزمندی، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا... إِلَّا... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ

نشانه های بی صبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۷

۷ - برخورد انتقام جویانه و غیر منطقی، نشانه ناشکیبایی و کمبود ارزش های والا

است .

ادفع بالتي هي أحسن .. و ما يلقىها إلا الذين صبروا و ما يلقىها إلا ذوحظّ

نشانه های صبر مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۵ - ۴

۴ - سکوت در برابر یاوه گویان ، نمودی از بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب

أولئك يؤتون أجرهم مرتين بما صبروا .. و إذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه

نعمت صبر در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۸

۸ - آرامش روحی و شکیبایی در بحران ها ، نعمتی الهی است .

فأنزل الله سكينته على رسوله و على المؤمنين

تعبیر <سکینه> و انتساب آن به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

نیاز به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۲ - ۸

۸- صبر ، نیازی موقت و توکل بر خداوند نیازی دائمی برای مسلمانان

الذين هاجروا .. الذين صبروا و على ربهم يتوكلون

از اینکه در توصیف صبر مهاجران، از فعل ماضی استفاده شده و برای تعریف توکل آنها از فعل مضارع استفاده گردیده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

صحابه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صحابه

آثار انفاق به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- توصیه خداوند به مؤمنان ، برای جبران کمبود ها و نیاز های اقتصادی اصحاب نیازمند پیامبر (ص) ، جهت خنثی کردن توطئه منافقان در انفاق به آنان

لاتنفقوا علی من عند رسول الله . . . و أنفقوا من ما رزقناکم

انعطاف ناپذیری صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲

۲- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبر اسلام (ص)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

انفاق به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۴

۴- انفاق و کمک های مالی مؤمنان ، به یاران نیازمند پیامبر (ص)

هم الذین یقولون لاتنفقوا علی من عند رسول الله

انفاق صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۵

۲۵- مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا الله

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۵

۴۵- از میان اصحاب پیامبر (ص)، تنها پایداران بر طریق ایمان و عمل نیک، برخوردار از مغفرت و پاداش عظیم الهی اند.

وعد الله الذين ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظيمًا

در صورتی که <من> در <منهم> برای

تبعیض باشد؛ از آیه شریفه استفاده می شود که از میان کسانی که همراه پیامبرند، تنها بخشی از آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده و بر این وصف پایدار می باشند از مغفرت و اجر الهی برخوردارند.

برپایی نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۳

۲۳ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به برپایی نماز مأمور شدند .

و أقيموا الصلوة

تشبیه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۳

۳۳- تشبیه پیامبر اسلام و یاران آن حضرت در انجیل ، به زراعتی شکوفا ، پرحاصل و شگفت انگیز

و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطه فازه

<کزرع..> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

تقویت روحیه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۸

۸- دلداری و تقویت روحیه مؤمنان و اصحاب پیامبر (ص) از سوی خداوند

هم الذين يقولون .. و لله خزائن السموت و الأرض

تکلیف صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک .. علم أن لن تحصوه

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و

فاقرءوا ما تيسر من القرآن

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل .. فاقراءوا ما تيسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

۲۳ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به برپایی نماز مأمور شدند .

و أقيموا الصلوة

۲۴ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به پرداخت زکات مأمور شدند .

و ءاتوا الزکوة

۲۵ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا الله

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

تلاوت قرآن صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱،۹

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ .. و طائفه من الذين معك

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

۹ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به تلاوت قرآن در شب هنگام به میزان میسور و ممکن

فاقرءوا ما تيسر من القرآن

توبه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از

ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معك

توطئه علیه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۶

۶ - اقدام الهی برای خنثی کردن توطئه اقتصادی منافقان ، علیه پیامبر (ص) و اصحاب آن حضرت

هم الذين يقولون لا تنفقوا على من عند رسول الله حتى ينفضوا

تهجد صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ . . . و طائفه من الذين معك

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

دلداری به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۸

۸ - دلداری و تقویت روحیه مؤمنان و اصحاب پیامبر (ص) از سوی خداوند

هم الذين يقولون . . . و لله خزائن السموت و الأرض

رفع مشکلات اقتصادی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - توصیه خداوند به مؤمنان ، برای جبران کمبود ها و نیاز های اقتصادی اصحاب نیازمند پیامبر (ص) ، جهت خنثی کردن توطئه منافقان در انفاق به آنان

لاتنفقوا علی من عند رسول اللّٰه . . و أنفقوا من ما رزقناکم

زکات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به پرداخت زکات مأمور شدند .

و ءاتوا الزکوه

سجده صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵،۲۸

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

۲۸- اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

سیره صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۵

۵ سخن اصحاب پیامبر و طریقه آنان ، همان سخن و طریقه پیامبر (ص) بود .

و قل .. إنا عملون

سخن گفتن پیامبر(ص) از جانب مؤمنان (إنا) نشانه وثوق و اطمینان آن حضرت به هم سویی آنان با اوست.

سیمای صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

شگفتی از عبادت صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۵،۷

۵ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکنونون علیه لبدا

۷ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکنونون علیه لبدا

شگفتی از نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکنونون علیه لبدا

۷ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای جن

کادوا یکنونون علیه لبدا

صحابه در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۹،۳۲

۲۹ - بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

۳۲ - بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

تکرار < مثلهم > ، اشاره به تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر < مثلهم فی التوراه > خبر برای < ذلك > و < كزرع... > خبر برای < مثلهم فی الإنجیل > است.

صحابه در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۹،۳۲

۲۹ - بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبراسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلك مثلهم في التوریه و مثلهم في الإنجیل كزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم في التوراه> خبر برای <ذلك> و <كزرع...> خبر برای <مثلهم في الإنجیل> است.

صحابه فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۵ خداوند حضور مسلمانان فقیر و ضعیف را در اطراف پیامبر اکرم (ص) برای پیامبر (ص) و اسلام زیانبار نمی داند.

ما علیک من حسابهم من شیء

مرجع ضمیر در <حسابهم> می تواند معنوی باشد یعنی کسانی که خواهان طرد مؤمنان فقیر از اطراف پیامبر (ص) بودند. و مقصود از <ما علیک> یعنی چیزی به ضرر تو از ناحیه محاسبات کافران اتفاق نخواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۳ - ۲

۲ حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر (ص)، وسیله ای برای آزمایش دیگران است.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم .. و کذلک فتنا بعضهم ببعض

صحابه قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معک

صحابه و شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۷

۷ صحابه پیامبر پیش از ایمانشان به آن حضرت ، مردمی مشرک بودند و با گرایش به توحید از شرک توبه کردند .

و من تاب معک

صدقه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۵

۲۵ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا الله

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

صفات صحابه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۹،۳۲

۲۹- بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت، در تورات و انجیل

ذلك مثلهم فى التوریه و مثلهم فى الإنجیل كزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل، در معرفی ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلك مثلهم فى التوریه و مثلهم فى الإنجیل كزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فى التوراه> خبر برای <ذلك> و <كزرع...> خبر برای <مثلهم فى الإنجیل> است.

طرد صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱،۳

۱ مشرکان برای دور ساختن برخی مؤمنان از اطراف پیامبر(ص) آن حضرت را تحت فشار قرار می دادند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم

۳ پیامبر(ص) نباید برای جلب نظر مشرکان، مؤمنان را از خود طرد کند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم

در سبب نزول این آیه آمده است که بزرگانی از مشرکان، حضور نزد پیامبر(ص) را مشروط به عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف دانستند و این آیات در رد درخواست آنان نازل گردیده است.

طرد صحابه فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۳،۲۰

۱۳ خیرخواهیهای مشرکان مبنی بر زیانبار بودن حضور مؤمنان ضعیف در کنار پیامبر(ص) نباید موجب طرد و محرومیت آنان

از محضر پیامبر(ص) گردد.

ما علیک من حسابهم من شیء و ما من حسابک علیهم من شیء فتطردهم

<حسابهم> می تواند اضافه مصدر به فاعل خود (هم) باشد ؛ یعنی حسابگرهای مشرکان درباره مؤمنان و فقر و محرومیت آنها.

پیامبر اکرم(ص) نباید با طرد مؤمنان مستمند و فقیر از اطراف خویش، خود را در جرگه ظالمان قرار دهد.

فتطردهم فتكون من الظلمين

عبودیت صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

علمای صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۷

۷- وجود شخصیت های شناخته شده ، عالم و آگاه به مفاهیم وحی در میان اصحاب پیامبر (ص)

قالوا للذين أوتوا العلم

می توان گفت: <الذين أوتوا العلم> بر همه مؤمنان اطلاق نشده است؛ بلکه نظر به افراد خاصی دارد که از جهت علمی، متمایز با دیگران بوده اند و گویندگان <ماذا قال آنفاً> به خاطر همین تشخص و ویژگی، به آنان مراجعه می کرده اند.

عمل صالح صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۵

۴۵- از میان اصحاب پیامبر (ص) ، تنها پایداران بر طریق ایمان و عمل نیک ، برخوردار از مغفرت و پاداش عظیم الهی اند .

وعد الله الذين ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفرة و أجرًا عظيمًا

در صورتی که <من> در <منهم> برای تبعیض باشد؛ از آیه شریفه استفاده می شود که از میان کسانی که همراه پیامبرند، تنها بخشی از آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده و بر این وصف پایدار می باشند از مغفرت و اجر الهی برخوردارند.

فضایل صحابه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۵،۲۸

۲۵- آثار سجده و عبادت ، آشکار در چهره یاران پیامبر (ص)

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

۲۸- اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه .. سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱

۱ - تمجید خداوند از پیامبر (ص) و یاران آن حضرت به خاطر شب زنده داری و قرائت قرآن

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ .. و طائفه من الذین معک

مطلب یاد شده از تذکر به علم خداوند، استفاده می شود.

فلسفه فقر صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۳،۱۴

۱۳ - تنگدستی یاران پیامبر (ص) ، ناشی از حکمت الهی بود .

لاتنفقوا .. و لله خزائن السموت و الأرض و لكن المنفقین لایفقهون

۱۴ - منافقان ، ناتوان از درک حکمت تنگدستی یاران پیامبر (ص)

و لله خزائن السموت .. و لكن المنفقین لایفقهون

قاطعیت صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- شدت و قاطعیت یاوران پیامبر (ص) در برابر کافران

محمّد .. و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

کافران و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۲

۲ حضور طیف خاصی از مؤمنان نزد پیامبر(ص)، برای برخی کافران ناخوشایند بود.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

سبب نزول نقل

شده در ذیل این آیه و نیز لحن آن، گواه چگونگی ترکیب یاران پیامبر(ص) و فقر آنان و نیز نداشتن موقعیت اقتصادی و شؤن اجتماعی است. و همین امر موجب اعتراض و واکنشهایی از سوی کافران ثروتمند و قدرتمند می گشته است.

کفرستیزی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲

۲- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبراسلام (ص)

و الذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم

محمد(ص) و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۳

۳ پیامبر(ص) نباید برای جلب نظر مشرکان، مؤمنان را از خود طرد کند.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

در سبب نزول این آیه آمده است که بزرگانی از مشرکان، حضور نزد پیامبر(ص) را مشروط به عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف دانستند و این آیات در رد درخواست آنان نازل گردیده است.

محمد(ص) و صحابه فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ محاسبه اعمال و برآورد تأثیر حضور و یا عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف در کنار پیامبر(ص)، در محدوده وظایف آن حضرت نیست.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغدوه . . . ما علیک من حسابهم من شیء

مرجع ضمیر در <من حسابهم> موصول در صدر آیه و مراد از آن همان مؤمنان فقیرند. و <من> بنا بر گفته اهل ادب، زاید

و مفید استغراق است. یعنی حساب هیچ عمل و کاری از آنان با تو نیست،

که از جمله آنها برآورد نقش حضور و یا عدم حضور آنان در نزد پیامبر(ص) است.

مدت تهجد صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۶،۷،۸،۴۶

۶ - اندازه گیری کامل شب و روز و مقدار دقیق شب زنده داری برای مؤمنان و یاران پیامبر (ص) میسر و آسان نبود .

علم أن لن تحصوه

۷ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، در آغاز بعثت مدتی چند به شب زنده داری به میزان دوسوم یا نصف و یا یک سوم از شب موظف شده بودند .

و طائفه من الذین معک .. علم أن لن تحصوه

۸ - رخصت یافتن مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به کاستن از مدت شب زنده داری خویش و انجام آن به میزان میسور و ممکن

علم أن لن تحصوه فتاب علیکم

در گذشتن خداوند از مؤمنان شب زنده دار پس از یادآوری به کم و زیاد شدن میزان شب زنده داری آنان حاکی از رخصت دادن او، به این کمی و زیادی است.

۴۶ - > رُوِيَ عن أبي جعفر و أبي عبد الله (عليهما السلام) أن السبب في (نزول) هذه السورة أن النبي (ص) كان يقوم هو و أصحابه الليل كله للصلاة حتى تورمت أقدامهم من كثرة قيامهم فشق ذلك عليه و عليهم فنزلت السورة بالتخفيف عنهم في قوله تعالى : > و الله يقدر الليل و النهار علم أن لن تحصوه < أي لن تُطيقوه ;

از امام باقر و امام صادق(عليهما السلام) روایت شده که سبب نزول این سوره (مزمل) این

بود که پیامبر(ص) و اصحابش، تمام شب را برای نماز می ایستادند تا این که پاهایشان از کثرت ایستادن ورم کرد. و این بر پیامبر و یاران آن حضرت مشقت بار شد پس این سوره برای تخفیف دادن به آنان نازل شد. آن جا که خداوند متعال فرمود: <و الله يقدر الليل والنهار علم أن لن تحصوه> و <لن تحصوه> به معنای لن تطيقوه است [یعنی، خداوند می داند که شما توان این کار را ندارید].>

مسئولیت صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲

۲ اصحاب پیامبر (ص) دارای مسئولیتی فزونتر نسبت به دیگر مسلمانان

ما كان لأهل المدينة و من حولهم من الأعراب أن يتخلفوا عن رسول الله

از این آیه استفاده می شود که اهل مدینه و اطراف آن به دلیل قرب بیشتر به پیامبر(ص) مسئولیتی فزونتر از دیگران دارند و بدین جهت است که خداوند آنان را اختصاص به ذکر داده است.

مسیحیان و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم في التوريه و مثلهم في الإنجيل كزرع

مشركان و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱

۱ مشركان برای دور ساختن برخی مؤمنان از اطراف پیامبر(ص) آن حضرت را تحت فشار قرار می دادند.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم

مشكلات اقتصادى صحابه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۳

۳ - وجود مشکل مالی و اقتصادی ، در میان اصحاب و یاران نزدیک پیامبر اکرم (ص)

لاتنفقوا علی من عند رسول الله

ممانعت از انفاق به صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۲

۲ - تلاش منافقان ، برای جلوگیری از انفاق مردم به اصحاب و یاران پیامبر اکرم (ص)

هم الذين يقولون لاتنفقوا علی من عند رسول الله

مناجات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۵

۵ حضور مؤمنانی در اطراف پیامبر (ص) که هر بامداد و شامگاه به درگاه خداوند نیایش خالصانه داشتند.

ولا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه

مهربانی صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲

۲- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبر اسلام (ص)

و الذين معه أشداء علی الكفار رحماء بينهم

نفاق در صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۶

۴۶- وجود برخی از افراد ناخالص ، در میان همراهان پیامبر (ص) *

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم

در صورتی که <من> در <منهم> برای تبعیض باشد؛ احتمال می رود که قید <منهم> تعریض به کسانی باشد که منافقانه، همراه پیامبر(ص) بودند و یا در آینده منحرف خواهند شد.

نماز شب صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، موظف به نماز در پاسی از شب به میزان میسور و ممکن

تقوم أدنی من ثلثی الیل . . . فاقراءوا ما تیسر من القرآن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از قرائت قرآن، نماز باشد؛ زیرا خواندن قرآن از اجزای مهم نماز است. گفتنی است چون جمله های پیش درباره نماز شب بود، می تواند قرینه بر مطلب یاد شده باشد.

نماز صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۸

۲۸- اصحاب پیامبر (ص) ، اهل نماز و سجده های بسیار

و الذین معه . . . سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

ویژگیهای صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲

۲- انعطاف ناپذیری در برابر جبهه کفر و مهربانی با مؤمنان ، ویژگی مهم همگامان و اصحاب پیامبر اسلام (ص)

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

هماهنگی صحابه با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۵

۵ سخن اصحاب پیامبر و طریقه آنان ، همان سخن و طریقه پیامبر (ص) بود .

و قل . . . إنا عملون

سخن گفتن پیامبر(ص) از جانب مؤمنان (إنا) نشانه وثوق و اطمینان آن حضرت به هم سویی آنان با اوست.

یهود و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان

، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم في التوریه و مثلهم في الإنجیل كزرع

صدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صدا

اجتناب از صدای طنّازانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۲،۱۳

۲ - همسران پیامبر ، از سخن گفتن طنّازانه و با صدای جذّاب ، منع شده اند .

فلاتخضعن بالقول

۱۳ - همسران پیامبر ، به سخن گفتن با لحنی مناسب و به دور از هر گونه طمع انگیزی نامحرمان موظف بودند .

و قلوباً معروفاً

مراد از <قولاً معروفاً> به قرینه <فلاتخضعن> می تواند سخن گفتن به گونه ای باشد که طمع بیمار دلی را برانگیزاند.

اعتدال صدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۹،۱۱،۲۰

۹- نهی خداوند از خواندن دعا و نیایش با خدا ، با صدایی بسیار بلند یا بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

بنابر اینکه مراد از <صلاه> مطلق دعا باشد، برداشت فوق به دست می آید.

۱۱- لزوم رعایت اعتدال صوت در دعا و نیایش به درگاه خداوند

لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها

۲۰- < إن رسول الله (ص) قال : < و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها > إنما نزلت في الدعاء . . . >

همانا رسول خدا(ص) فرمود: < و لاتجهر بصلاتك و لاتخافت بها > [این آیه] فقط در مورد دعا نازل شده است . . <.

اعتدال صدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱۲، ۱۰

۱۰- خواندن نماز با آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته ، جایز نیست .

و لاتجهر بصلاتك

و لاتخافت بها

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <صلاه> هر نمازی باشد که نمازگزار آن را ادا می کند.

۱۲- پیامبر (ص) ، موظف به رعایت اعتدال در قراءت نماز و پرهیز از آواز بلند یا با صدای بسیار آهسته

و لاتجهر بصلاتک و لاتخافت بها

زشت ترین صدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۶

۶- زشت ترین و ناهنجارترین صداها ، برای انسان ، صدای الاغ است .

إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

صدا در ورد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۲۰۵ - ۴

۴ پرهیز از آوای بلند در ذکر زبانی ، از آداب لب گشودن به ذکر خداوند است .

و اذکر ربک .. دون الجهر من القول

<دون> به معنای پایبند و <جهر> به معنای آشکار کردن و علنی ساختن و <من القول> بیان برای <الجهر> است. بنابراین <الجهر من القول>، یعنی بلند کردن صدا و <دون الجهر من القول>، یعنی ادا کردن لفظ و سخن پایبندتر از حد جهر.

صدای ناخوشایند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۲،۳

۲ - آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهيقاً

مطلب یاد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

۳- از اهل دوزخ، ناخوشایندترین صداها برمی خیزد.

لها شهيقاً

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که صدای برخاسته از دوزخ، به اعتبار اهل آن باشد، نه از خود آتش؛ چنان که در

آیه ۱۰۶

سوره <هود> بدان تصریح شده است.

عفت در صدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۲ - ۹

۹ - باید زنان ، در سخن و نیز صدا ، عفت داشته باشند .

فلاتخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض

صداها

آثار روانی صداها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۵

۵- تأثیرپذیری عمیق روح و روان آدمی در برابر صداها و نغمه ها

و استفزز من استطعت منهم بصوتک

صداقت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صداقت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴۹

۴۹ وفاکنندگان به سوگند ، راستگویان در گفتار و دارندگان استقامت قلب و عفت در شکم و شهوت ، از راسخان در علم هستند .

و الراسخون فی العلم

رسول الله (ص) در پاسخ سؤال از مفهوم راسخان در علم فرمود: من برّت یمینه و صدق لسانه و استقام قلبه و من عفت بطنه و

فرجه فذلک من الراسخین فی العلم

الدر المشور، ج ۲، ص ۱۵۱.

آثار اخروی صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۱

۱ راستگویان و راستکرداران ، بهره مند از آثار صدق خویش ، در قیامت

قال الله هذا يوم ينفع الصديقين صدقهم

آثار صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۰ - ۱۱، ۹

۹ اگر مشرکان از صداقت بهره مند باشند، بر گرایش خویش به هنگام سختیها، به خدای یگانه اقرار می کنند.

قل أراءيتكم .. أغير الله تدعون إن

کنتم صدقین

۱۱ اگر مشرکان در ادعاهای پوچ و شرک آمیز خود صادق هستند، باید به هنگام سختی متوجه معبودهای خود شوند.

أغیر الله تدعون إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۷

۷ تنها گفتار راست و درست که از دروغ پیراسته باشد می تواند آموزنده بوده و مایه عبرت گردد .

لقد کان فی قصصهم عبره .. ما کان حدیثاً یفتی

جمله <ما کان ..> به منزله تعلیل برای <لقد کان ...> است ؛ یعنی ، چون قرآن راست و درست است ، از داستانش می توان عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۸

۸- ارزش اعمال ، در پرتو صداقت و خلوص و عدم آمیختگی آن به ریا است .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إنه کان صدیقاً نبیاً

تقدیم <صدیقاً> بر <نبیاً> به نکته یاد شده اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۶۸

۶- نقش ویژه صداقت پیشگی در راه یابی به مقام های معنوی و الهی

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

۸- صداقت ، شرط رسیدن به مقام نبوت است .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

تقدیم <صَدِيقًا> بر <نَبِيًّا> حاکی از برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۷ - ۳

۳- صداقت ، زمینه ساز رشد

و ترقی و رسیدن انسان به مقامی رفیع نزد خداوند

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا .. و رفعه مكاناً علیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۱

۱ - خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

لیجزی الله الصّٰدقین بصدقهم

لام در <لیجزی> لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - اطاعت خاضعانه از خدا و صداقت ، سبب می شود که فرد ، مشمول آمرزش خداوند شوند .

و القنتین .. و الصّٰدقین ... أعدّ الله لهم مغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۱ - ۳

۳ - راست و درست گفتاری ایمان آوردگان ، سبب می شود که اعمال آنان از سوی خداوند رو به صلاح رود .

یأتیها الذین ءامنوا .. و قولوا قولاً سدیداً . یصلح لکم أعمالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۳۰

۳۰ - ایمان و کفر و راستی و نفاق در نگاه وحی ، از معیار های دوستی و دشمنی و از مرز های خودی و غیر خودی

لا تجد قومًا .. ألا إن حزب الله هم المفلحون

آثار صداقت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۷

۷- مقام نبوت و صدیق بودن ابراهیم (ع) ، موجب تجلیل و یاد از او در قرآن

واذکر فی الکتب إبرهیم إنه کان صدیقاً نبیاً

جمله > إنه کان صدیقاً

نَبِيًّا > به منزله تعلیل برای <اذکر.. > است.

آثار صداقت ادريس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۵

۵- صداقت و راستی کامل ادريس (ع) و نبوت آن حضرت ، مایه گرمی داشت یاد و خاطره او در قرآن است .

و اذکر فی الکتب ادريس إنه کان صدیقاً نبیًّا

<إنه کان صدیقاً > به منزله علت برای <واذکر .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۷ - ۲

۲- صداقت کامل حضرت ادريس (ع) ، زمینه ساز نیل او به مقامی رفیع

إنه کان صدیقاً نبیًّا . و رفعنه مکاناً علیًّا

آثار صداقت با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۸

۸- لازمه صداقت داشتن با خداوند ، تسلیم بودن در برابر تمامی دستورات دین و عمل به آن است .

فلو صدقوا الله لکان خیرًا لهم

تعبیر <فلو صدقوا الله > در پی <فإذا عزم الأمر > می رساند که لازمه صداقت در برابر خداوند این است که هر گاه فرمانی از جانب شارع به گونه قطعی صادر شد، بی تأمل و بدون استثنا، پذیرفته شده و مورد عمل قرار گیرد.

آثار صداقت در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - صداقت در ایمان مقتضی محبت و ایثار به مؤمنان و رنجدیدگان در مسیر دین

أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ . وَ الَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ يَخْبُونَ مِنْ هَاجِرٍ إِلَيْهِمْ وَ ...

آثار صداقت در توبه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۵

۵ پذیرش توبه گنهکاران از سوی خداوند ، در گرو اقدام های عملی آنان برای نشان دادن صداقت خود است .

أَن اللّٰهُ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۳

۳ پذیرش توبه گنهکاران از سوی خدا ، در گرو اقدام های عملی ایشان برای نشان دادن صداقت خود است .

وَأٰخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ .. وَ قَلْ اَعْمَلُوا فِى سَبِيْلِ اللّٰهِ عَمَلِكُمْ

آثار صداقت رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۶

۶ - برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمان برداری از آنان است .

إِنِّى لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ أَطِيعُوا

ادعای صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۳

۳ - اصرار و تأکید منافقان صدراسلام ، بر صداقت خویش در ایمان به خدا و رسول و فرمان بری از ایشان

و يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنَا

مدن فعل مضارع (يقولون) که دال بر استمرار است و نیز تکرار <با> در <بالله> و <بالرسول> و تصریح بر فرمان بری و اطاعت، همگی حاکی از اصرار و تأکید فراوان منافقان بر صحت ادعا خویش است.

ارزش صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۶

۶ صبر ، صداقت ، خضوع ، انفاق و استغفار در

سحرگاهان ، از ارزش های اخلاقی و معنوی مورد توجه اسلام

الصابرين . . . و المستغفرين بالاسحار

برداشت فوق، از ذکر این صفات به عنوان ارزش برای بندگان برگزیده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۹

۹ راستگویی ، از ارزش ها و ملاک های فضیلت و کمال است .

و من اصدق من الله حدیثا

توصیف خداوند به راستگوترین راستگویان، دلالت بر ارزش والای راستگویی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ صداقت و راستگویی از ارزش های والا

و امه صدیقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۱

۱۱ راستی و عدل از ملاکها و مفاهیم اساسی و ارزشی اسلام است.

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۵

۵ صدق و راستی ، از ارزش های والای انسانی و مهمترین صفت مؤمنان راستین

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. و كونوا مع الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۸

۸- ارزش های معنوی و راستی و درستى در گفتار و عمل ، ملاكى مهم در بزرگداشت یاد و نام افراد

واذکر .. إِنَّه کان صدیقًا

یادکرد از حضرت ابراهیم(ع)، به جهت مقام نبوت و صدیق بودن او، درسی است برای همه که در تبلیغات و مطرح کردن افراد باید جنبه های معنوی و راستین شخصیت ها را مد نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۸

۸- راستی در گفتار ، مزیتی ارزنده و دارای ارزشی والا است .

و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۷

۷- راستی و درستی در گفتار و عمل ، دارای ارزشی والا و از معیار های تجلیل و تمجید از افراد

واذکر فی الکتب إدریس إنه کان صدیقًا

ارزش صداقت در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۸

۸- درست کاری اقتصادی ، دارای ارزشی برتر از مال داشتن و دارایی

ذلک خیر و أحسن تأویلا

ممکن است مفضل علیه <خیر>، کم فروشی و خیانت در سنجش کالا- و سود حاصله از آن باشد؛ یعنی، رعایت عدل و انصاف و به کارگیری ترازوی کامل و سود حاصله از آن، بهتر از کم فروشی و سود به دست آمده از آن است.

اقرار به صداقت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۹

۹ - کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

قالوا یویلنا .. و صدق المرسلون

اهمیت صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء

۱۴ صداقت ، علم و صلاح ، از معیار های انتخاب رفیق

و حسن اولئک رفیقاً

در برداشت فوق ، <الشهداء> به معنای عالمان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۸

۸ صدق و عدل معیار و مبنای قوانین و سنتهای خداوند در نظام هستی است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر مراد از <کلمت رب> قوانین و سنتهای جاری خداوند باشد، صدق و عدل دو ویژگی شاخص آن سنتها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۹

۱۹ عفت و پاکدامنی ، امانت و صداقت ، یکتاپرستی ، کتمان نکردن دانش و مسؤولیت پذیری ، از مصادیق نیکوکاری است .

و لانضیع اجر المحسنین

از مصداقهای مورد نظر برای <المحسنین> یوسف(ع) است. بنابراین توصیفها و ویژگیهای یاد شده برای او ، مصادیق احسان و نیکوکاری در دیدگاه قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۵،۷

۵- پیامبر (ص) ، موظف به درخواست از خداوند برای توفیق انجام هر عملی از آغاز تا فرجام ، بر اساس نیتی خالص و آمیخته با صدق و راستی

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و

درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الیل فتهجد به نافلة لك .. و قل

ربّ ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۰ - ۴

۴ - مؤمنان ، موظف اند که در گفتار خود ، سخن ، درست و استوار بگویند .

و قولوا قولاً سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - لزوم صداقت انسان و هماهنگی زبان و قلب او ، در آموزش خواهی و استغفار

فاستغفر لنا یقولون بالسنتم ما لیس فی قلوبهم

از لحن نکوهش آمیز آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

اهمیت صداقت در دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۱ - ۶

۶- لزوم صداقت داشتن در مسیر دین و پذیرفتن فرمان جهاد ، پس از صدور آن

فاذا عزم الأمر فلو صدقوا الله لکان خیراً لهم

پاداش اخروی صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قال الله هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

پاداش صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۴

۴ - صداقت و راستی ، پاداش الهی را به دنبال دارد .

لیجزی الله ... بصدقهم

<باء> در <بصدقهم> سببی است.

درخواست صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۷،۹،۵

۵- پیامبر (ص) ، موظف به درخواست از خداوند برای توفیق انجام هر عملی از آغاز تا

فرجام ، بر اساس نیتی خالص و آمیخته با صدق و راستی

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الیل فتهجّد به نافله لک .. و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۹- لزوم درخواست توفیق و خلوص و صداقت کامل از خداوند در نوافل شب

و من الیل فتهجّد به .. و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

از اینکه خداوند، در پی توصیه پیامبر(ص) به تهجد، از او خواسته است که برای اخلاص در هر کاری به درگاه او دعا کند، می تواند مشعر به معنای فوق باشد.

دعوت به صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۲

۲ خداوند ، فراخوان مؤمنان به راستی و درستی در گفتار و عمل

يأيتها الذين آمنوا .. كونوا مع الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۴

۴ - دعوت به پاکی و درست کاری ، سرلوحه برنامه پیامبران

فقل هل لك إلى أن تزكى

دلایل صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۳

۳ گریه و ناله ، نمی تواند دلیل صداقت و حقانیت باشد .

و جاء و أباهم عشاءً يبكون

دلایل صداقت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۲ - معجزه ، دلیل صدق پیامبران و رسالت آنان

فَأْتِ بَابَهُ إِنَّ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ . قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۵

۵ - اعطای معجزه به پیامبران ، در جهت رفع اتهام کذب و یا ریاست خواهی از ایشان

بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ . سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشْرِ . إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ فَتَنَّا لَهُمْ

از آن جا که <إِنَّا مَرَّسَلُوا النَّاقَةَ> در قبال اتهام <بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشْرٌ> مطرح شده است؛ می توان نتیجه گرفت که اعطای معجزه، وسیله ای کارآمد برای رفع اتهام کذب از صالح پیامبر(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۰ - ۲

۲\$ - معجزات پیامبران ، نشانه صداقت آنان در به عهده داشتن مسؤولیت هدایت و انذار است .

و أَهْدِيكَ . . . فَتَخْشَى . فَأَرِيهِ الْآيَةَ الْكُبْرَى

<فَاء> در <فَأَرَاهُ> برای تعقیب است و می رساند که آوردن معجزه در پی ادعای هدایت گری و نیز انذار فرعون صورت پذیرفته است. کلمه <آیه> به معنای علامت و نشانه است و مصداق مورد نظر از آن، معجزه عصا و یا مجموع عصا و یدبیطا است که نشانه رسالت حضرت موسی(ع) بود.

دلایل صداقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ دوزخی شدن جن و انس به سبب اختلاف در دین ، گواه راستی و درستی سخن خداوند (جهنم را از جن و انس پر خواهم کرد) است .

ولايزالون مختلفين . . . و

تمت کلمه ربك لأملأَن جهنم

سخن از تحقق یافتن فرموده خداوند (تمت کلمه ربك ..) پس از بیان اختلافهای مردم و پوشیده شدن حق بر آنان، گویای این نکته است که: همان اختلافها که مخفی ماندن حق را در پی داشت موجب دوزخی شدن انسانها و جنیان شده و حقانیت کلمه خدا (لأملأَن ...) را به طور کامل محقق ساخت.

دلایل صداقت زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، صداقت زلیخا و دروغ گویی یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن یوسف (ع) از پیش رو دانست .

إن كان قميصه قد من قبل فصدقت و هو من الكذابين

دلایل صداقت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لكن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

دلایل صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲

۲- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتينا بالملئكه إن كنت من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۳

۳ - شخصیت ارزشی و اخلاقی پیامبر (ص)، خود گواه صداقت آن حضرت بود.

أم لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است.

أولم يكن لهم آية أن يعلمه علموا بنى إسرائيل

استفهام در این آیه توییخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و <آیه> خبر <لم يكن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن يعلمه...> نیز اسم <لم يكن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد؛ یعنی، <أولم يكن علم علماء بنى اسرائيل بخبر القرآن أو خبر نزوله عليك على سبيل البشارة فى كتب الأنبياء الماضين آية للمشركين على صحه نبوتك>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۶ - ۳

۳ - زنده ماندن پیامبر (ص) پس از ادعای نبوت، دلیل صدق رسالت و درستی ادعای آن حضرت است.

و لو تقول علينا.. لقطعنا منه بالوتين

خداوند، مجازات مرگ را برای پیامبر(ص) در صورت دروغ بستن بر خدا مقرر فرمود. این مطلب می تواند گویای این حقیقت باشد که زندگانی آن حضرت پس از ادعای نبوت، گواه صدق ادعای ایشان است.

دلایل صداقت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتک بشیء مبین

مراد از <بشیء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱،۳

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتک بشیء مبین . قال فأت به

۳ - فرعون دلایل آفاقی و انفسی ارائه شده از سوی موسی را گویای صدق ادعای او ندانسته و تنها معجزه را شاهد صدق گفتارش می دانست .

قال رب السموت و الأرض .. قال ... لأجعلنک من المسجونین . قال أولو جئتک بشیء

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که فرعون دلایل آفاقی و انفسی حضرت موسی را نپذیرفت و ضمن تمسخر آنها، او را به زندان تهدید کرد؛ ولی آن گاه که آن حضرت مسأله معجزه (شیء مبین) را مطرح ساخت، فرعون به ظاهر به آن تن داد و پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۳ - ۲

۲ - ید بیضا ، دومین معجزه موسی (ع) و دلیل صدق رسالت وی

و نزع یده فإذا هی بیضاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۹ - ۵

۵ - موسی (ع) ، ارائه دهنده برهانی آشکار ، بر صدق خویش در دعوی رسالت

إِنِّي ءَاتِيكُمْ بِسُلْطٰنٍ مِّبِينٍ

دلایل صداقت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۷ - ۱

۱ داور ماجرای یوسف (ع) و زلیخا، کذب ادعای زلیخا و صداقت یوسف (ع) را منوط به پاره شدن پیراهن از پشت سر دانست .

و إن كان ... و هو من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲،۴

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع)، به صداقت او پی برد .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبُر قال إنه من کیدکن

۴ عزیز مصر شواهد ارائه شده از سوی داور ماجرای یوسف و زلیخا را، برای رفع اتهام از یوسف (ع) و اثبات بی گناهی او کافی دانست .

فلما رءا قمیصه قُد من دُبُر قال إنه من کیدکن

دلایل صداقت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۷

۷ - ادعای یهودیان (یقین به بهشتی بودن) آن گاه صادقانه و برخاسته از باور آنان است که تمنای مرگ کرده و از آن استقبال کنند .

قل إن كانت لكم الدار الآخرة .. فتمنوا الموت

روش کشف صداقت هدهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۶

۶- تدبیر سلیمان در کشف صدق و کذب ادعای هدهد از طریق به کارگیری خود وی

قال سننظر أصدقت .. اذهب بکتبی هذا

زمینه صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۶

۶- ورود در کار

ها به صدق و راستی و خروج از آن به درستی ، نیازمند استمداد از خدا

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۶

۶ - درست کاری و صلاح افراد ، در گرو اراده و خواست خود آنان است .

هل لك إلی أن تزکی

زمینه صداقت تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۴

۴ - آشکار شدن صداقت توبه کنندگان واقعی ، در میدان عمل و تکالیف دشوار

قل للمخلفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولى بأس شدید

سوگند به صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۰ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، بر درست گویی و راست گویی پیامبر اسلام (ص)

إنه لقول رسول کریم

شک در صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۷

۷ - ثمودیان در توانایی صالح (ع) برای ارائه معجزه بر اثبات درستی ادعایش ، تردید داشتند .

فَأْتِ بَنَاتِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

برداشت یاد شده از به کار گرفتن <إِنْ> که در موارد تردید به کار می رود استفاده می شود.

صداقت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۱ - ۵،۶

۵- حضرت ابراهیم (ع) از صدیقان و از پیامبران الهی بود .

واذکر فی الکتب ابرهیم إنه کان صدیقاً نبیاً

۶- حضرت ابراهیم (ع) ، شخصیتی در

اوج راستی و درستی و یگانگی در گفتار و کردار بود .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا

(مفردات راغب).

صداقت ادریس (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۳،۴

۳- حضرت ادریس (ع) ، از صدیقان و دارای مقام نبوت بود .

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

۴- ادریس (ع) ، شخصیتی در اوج راستی و درستی و یگانگی در گفتار و عمل

إِنَّهٗ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا

<صدیق> صیغه مبالغه است ؛ یعنی کسی که از او صداقت بسیاری سر زده است و برخی گفته اند: صدیق کسی است که در گفتار و اعتقاد صادق باشد و راستی خود را در عمل محقق سازد(مفردات راغب).

صداقت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۴ - ۴،۵

۴- صداقت در وعده ، از صفات برجسته اسماعیل (ع) بود .

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ

۵- صداقت در وعده ، رسالت و نبوت اسماعیل (ع) ، علت گرامی داشت یاد و نام او در قرآن

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهٗ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

صداقت امام علی (ع)

۱۲ > عن جعفر بن محمد (ع) في قوله عز وجل : < اتقوا الله وكونوا مع الصادقين > قال : محمد و علي عليهما السلام ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره <الصادقين> در آیه شریفه فرمود: منظور محمد و علی علیهما السلام می باشد.

صداقت انبیا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۶

۶ معجزات روشننگر انبیای الهی ، نشانه صدق دعوی رسالت آنان

بایه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۹

۹ پیامبران ، خیرخواه امت های خویش و انسانهایی امین و درستکار

و لکنی رسول . . . و أنا لکم ناصح أمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۲

۲ پیامبران الهی حریص بر راستگویی و حقگویی درباره خداوند

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

اعلام رسالت و سپس بیان این حقیقت که موسی سخنی جز حق به خدا نسبت نمی دهد، بیانگر این است که حقگویی درباره خدا اقتضای رسالت است. بنابراین همه پیامبران الهی دارای این ویژگی هستند.

گفتنی است کلمه <حقیق> به معنای <سزاوار> است و چون به <علی> متعدی شده است، می تواند معنای <حریص> در آن تضمین شده باشد؛ یعنی: اِنی حریص علی کذا حقیقاً به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۴ - ۵

۵ - پیامبران الهی ، گویندگانی صادق و راستگو برای مردمان

و اجعل لی لسان صدق فی الآخرین

صداقت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۲ - ۶

۶ لای از برادرانش خواست نزد پدر بر راستگویی خویش در سرقت بنیامین تأکید کنند .

و انا لصدقون

صداقت پیروان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۰

۱۰ پیروان واقعی پیامبر اکرم (ص) در لحظات سخت جنگ تبوک ، از صادقان بودند .

الذین اتبعوه فی ساعه العسره .. و کونوا مع الصدقین

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در زمینه ثبات قدم برخی از مؤمنان در شداید جنگ تبوک و لغزش گروهی دیگر بود و خداوند متخلفان را در پی توبه شان بخشید اکنون به ایشان رهنمود می دهد که شما نیز همانند مؤمنان، استوار و تزلزل ناپذیر باشید.

صداقت تائبان غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ تأیید خداوند نسبت به واقعی بودن توبه تائبان متخلف از جنگ تبوک *

خذ من أموالهم .. و صل عليهم ... و الله سمیع علیم

برداشت فوق بر این اساس است که

آیه را با توجه به شأن نزول معنا کنیم که مورد آن توبه متخلفان از جنگ تبوک است. از این رو احتمال می رود صفت <علیم> به این نکته اشاره داشته باشد که خداوند صداقت آنان را در توبه دانسته و بر اساس آن فرمان به اخذ زکات و دعا داده است.

صداقت جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۵

۵ - راه داشتن خیانت و صداقت در جنیان

و إني عليه لقوي أمين

تأکید عفریت بر امانت داری خویش، می رساند که احتمال خیانت وی وجود داشته است.

صداقت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۱، ۱۰، ۸

۸ هیچکس از خداوند راستگوتر نیست .

و من اصدق من الله حديثا

۱۰ توجه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند ، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من الله حديثا

تکیه بر اسم جلاله <الله> با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیت، ملازم حقایق تمامی اخبار اوست. یعنی چون <الله> است و کمال مطلق، اخبار او با واقع مطابقت دایمی دارد.

۱۱ توجه به راستگویی مطلق خداوند ، برطرف کننده هر گونه تردید در تحقق قیامت

ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه و من اصدق من الله حديثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً و من

اصدق من الله قیلا

۱۰ هیچ کس در راستی و درستی گفتار ، همانند خدا نخواهد بود .

و من اصدق من الله قیلا

صداقت در آغاز عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- آغاز به کار از روی صداقت و اخلاص ، تضمین کننده به پایان رساندن آن همراه آن دو نیست .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

صداقت در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ خیرخواهی و امین بودن ، از ارزش های متعالی در ادیان الهی

و أنا لکم ناصح أمين

صداقت در استغفار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۷

۱۷ - لزوم صداقت انسان و هماهنگی زبان و قلب او ، در آمرزش خواهی و استغفار

فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

از لحن نکوهش آمیز آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

صداقت در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۲

۲ - صداقت توده های مردم در ایمان به پیامبر (ص) و آیین اسلام

ءامنوا كما ءامن الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۲۸

۲۸ - انجام وظایف عبادی ، اجتماعی و اخلاقی دین ، تحمل مشکلات و استقامت در راه مبارزه با دشمنان نشانه راستی و درستی ایمان است .

أولئك الذين صدقوا

در برداشت فوق <أولئك> اشاره به صفاتی است که از جمله <و ءاتی

المال .. و حين البأس > به دست می آید و متعلق > صدقوا > به قرینه > من ءامن ... > ایمان به خدا و ... گرفته شده است.

صداقت در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۴

۴ - بهشت ، سرزمین صداقت و راستی بدون کمترین دغل و نادرستی *

فی جنت و نهر . فی مقعد صدق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که < صدق > در مقابل کذب باشد. در این صورت جایگاه صدق یعنی، جایگاهی که در آن صداقت و راستی حاکم است و از هرگونه دغل و نادرستی مبرا می باشد.

صداقت در پیروی از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۱

۱۱ فراخوانی مردم به توحید و مبارزه با شرک ، نشانه صداقت در پیروی از پیامبر (ص) است .

أدعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعنى

صداقت در عذر خواهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من كفر بالله .. إلا من أكره و قلبه مطمئن بالإيمان ... إن ربك للذین هاجروا

صداقت در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- پیامبر (ص) ، موظف به درخواست از خداوند برای توفیق انجام هر عملی از آغاز تا

فرجام ، بر اساس نیتی خالص و آمیخته با صدق و راستی

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۶- ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به درستی ، نیازمند استمداد از خدا

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۷- درخواست توفیق از خداوند در نوافل و نماز شب ، برای ورود در کارها به صدق و راستی و خروج از آن به راستی و درستی ، امری مطلوب و پسندیده است .

و من الیل فتهجد به نافلة لك . . . و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۸- ارزش اعمال ، در پرتو صداقت و خلوص و عدم آمیختگی آن به ریا است .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

۱۱- همه انسانها ، حتی پیامبر (ص) برای داشتن اخلاص و صداقت در عمل ، به امداد ویژه الهی نیازمندند .

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

صداقت در فرجام عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- آغاز به کار از روی صداقت و اخلاص ، تضمین کننده به پایان رساندن آن همراه آن دو نیست .

أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

صداقت در مدح دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۵

۵- لزوم مراعات صدق و راستی ، در تکریم و تمجید از اشخاص و خارج نشدن از مرز واقعیت

و جعلنا لهم لسان صدق عليًا

خداوند، ابراهیم و فرزندش را از ثنایی رفیع، ولی راستین

برخوردار کرده است؛ یعنی آنچه که در باره آنان به عنوان ثنا و تمجید گفته می شود، راست و عین واقعیت است، نه این که مبالغه باشد. این قید دارای پیام و درسی است برای همه که در تمجیدها به افراط و یا تفریط دچار نشوند، بلکه حقیقت اظهار کنند.

صداقت در نماز شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۶ - ۲

۲ - ایستادن در پیشگاه خدا با گامی استوارتر و گفتوگو در محضر او با سخنانی راست تر و ریشه دارتر، دو امتیاز برجسته نماز و عبادت شبانه

هی اشدّ وطاً و أقوم قیلاً

ضمیر <هی> به <ناشئه> بازمی گردد. <أشدّ> معادل <أثبت> (با ثبات تر، استوارتر) و <وطیء> مرادف <قیام> (ایستادن) است (لسان العرب). <أقوم> نیز به معنای <أسدّ> (محکم تر) و <قیلاً> همتای <مقال> (سخن گفتن) است؛ یعنی، آن (پدیده شب) از حیث ایستادن (ایستادن در پیشگاه خدا) استوارتر و از حیث سخن (سخن گفتن در محضر خدا) محکم تر است.

صداقت رهبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۶

۶ - برخوردارى رهبران از صداقت و امانت، شرط اطاعت و فرمان بردارى از آنان است.

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۶

۶ - برخوردارى رهبران از صداقت و امانت، شرط اطاعت و فرمان بردارى از آنان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

۶- برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمان برداری از ایشان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۶

۶- برخورداری رهبران از صداقت و امانت ، شرط اطاعت و فرمانبری از ایشان

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

صداقت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۲

۲- شعيب (ع) ، خواهان اطاعت اصحاب ايکه از او ، به دليل آشکار بودن صداقت و امانت داری اش

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

برداشت یاد شده از تفریع <اتَّقُوا..> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> به دست می آید.

صداقت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۲

۲- صالح (ع) ، خواهان اطاعت ثمودیان از او به دليل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ . فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> می تواند مفید این مطلب باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۴ - ۵

۵ - ثمودیان ، خواستار نشانه و معجزه ای از صالح (ع) برای پی بردن به صدق ادعای وی

فأت بئایه إن كنت من الصادقین

صداقت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۵

۵ معجزات

روشنگر عیسی (ع)، دلیل صدق دعوت او

اَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بَايَه مِنْ رَبِّكُمْ

چون عیسی (ع) مدعی رسالت بود، نخست می بایست آن را اثبات کند. بنابراین منظور از آیه و نشانه در <بایه من ربکم>، نشانه نبوت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۲،۳

۲ عیسی (ع) از زمره راستگویان و درست کرداران

هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ

از مصادیق مورد نظر برای <الصادقین> به قرینه آیات گذشته حضرت مسیح (ع) است.

۳ خداوند، گواه بر راستگویی عیسی (ع) در انجام رسالت های الهی خویش و اظهار برائت از ادعای الوهیت

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمَ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صَدَقُهُمْ

از مصادیق مورد نظر برای <صدقهم> سخنان نقل شده از عیسی (ع) در آیات پیشین است که ابلاغ توحید و یکتاپرستی، نفی ادعای الوهیت برای خویش و مادرش مریم (ع) و نداشتن هیچ نقشی در گرایش امت به شرک از جمله آنهاست.

صداقت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱،۹،۱۰

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذي أنزل إليكم الكتب... و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۹ خبرهای قرآن صادق و معارف، احکام و قوانین آن بر میزان عدل است.

و تمت كلمت ربك صدقا و عدلا

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

اگر > صدقا و

عدلاً > تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۵

۵ قرآن ، گفتاری دروغ و بافته شده نبوده ؛ بلکه سخنی راست و درست است .

ما کان حدیثاً یفتری

مراد از ضمیر <کان> قرآن است. وصفهای بیان شده در آیه (و لکن تصدیق ...) بیانگر این معناست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۲

۲ - قرآن ، سخنی راست و به دور از هر دروغ

بل أتینهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و کذب بالصدق

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد ؛ یعنی، قرآن و

دینی که عین حق و نفس صدق است.

صداقت کاتبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۲

۲ - نویسندگان قرآن در صحیفه های پاک و والا مرتبه ، کاتبانی راست گفتار ، مطیع خداوند و درست کردارانند .

<برره> و <ابرار> به یک معنا است؛ جز این که <برره> مبالغه بیشتری دارد؛ زیرا جمع <بِرٌّ> است و <بِرٌّ> مبالغه بیشتری از کلمه <بارٌّ> (مفرد <ابرار>) دارد (مفردات راغب). از جمله معانی ای که برای <بِرٌّ> ذکر شده، <صلاح و درست کاری>، <اطاعت> و <صداقت> است. (لسان

(العرب)

صداقت کلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۰

۱۰ قرآن و کلام الهی در برترین مرتبه از نظر صدق و عدل قرار دارند.

و تمت کلمت ربك صدقا و عدلا

اگر <صدقا و عدلا> تمیز نسبت باشند، بیانگر جهت تمامیت بوده که مضمون آن در برداشت فوق آمده است.

صداقت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۴

۴ - لوط (ع) ، خواهان اطاعت قومش از او به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریع <اتَّقُوا اللَّهَ> بر <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ> بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - قوم لوط ، درباره صداقت لوط (ع) و وعده عذاب او ناباور بودند .

إِنَّا بَعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

صداقت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱

۱ صبر و راستی در گفتار ، خضوع در برابر خداوند ، انفاق و استغفار در سحرگاهان ، از صفات متّقین

لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا .. الصّابرين ... بالاسحار

آیه فوق (الصّابرين و الصّادقين ..)، بیان و توضیح دیگری برای <لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا> است.

صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ وجود نشانه های صدق پیامبر (ص) در تورات *

اگر چنین نشانه هایی در تورات نبود، دعوت به

حکمت تورات برای رفع اختلاف در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص)، صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۶

۶ آگاهی پیامبر (ص) از حقایق نهفته تاریخ زکریا و مریم، نشانگر صدق ادعای وی در ارتباط با وحی

ذلك من انباء الغيب... و ما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايتهم يكفل مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۳

۳ بیان سرگذشت حضرت مریم، زکریا، یحیی و عیسی (ع)، از معجزات و نشانه های صدق پیامبر اکرم (ص)

ذلك تتلوه عليك من الايات

بنابراینکه منظور از <الایات>، با توجه به معنای لغوی آن (علامتها)، نشانه های صداقت پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۱۲

۱۲ > عن جعفر بن محمد (ع) فی قوله عز و جل : < اتقوا الله و كونوا مع الصادقين > قال : محمد و علی علیهما السلام ;

از امام صادق (ع) روایت شده که درباره <الصادقین> در آیه شریفه فرمود: منظور محمد و علی علیهما السلام می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش کافران از سوی خداوند، به خاطر انکار رسالت پیامبر (ص)، علی رغم آگاهی آنان از شخصیت ارزشی و

اخلاقی (صداقت، امانت و...)

(آن حضرت

أم لم يعرفوا رسولهم فهم له منكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳ - ۱

۱ - تأکید خداوند ، بر اصالت سخنان پیامبر (ص) و متکی نبودن پیام های آن حضرت به هوای نفس

و ما ينطق عن الهوى

صداقت مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۸ - ۱

۱ اعتماد کامل حضرت زکریا به صداقت حضرت مریم (س)

هنا لك دعا زكريا ربه

پس از پاسخ مریم، حضرت زکریا تسلیم گفته او (هو من عند الله ..) شد و از خدا، درخواست ذریه پاک کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۰، ۹

۹ مریم (ع) مادر مسیح (ع) ، بانویی بسیار راستگو

و امه صدیقه

<صدیق> به کسی گفته می شود که بسیار راستگو باشد. (مفردات راغب).

۱۰ گفتار و کردار مریم (ع) هماهنگ با یکدیگر و مطابق با واقع

امه صدیقه

<صدیق> به کسی گفته می شود که سخن و اعتقادش مطابق واقع باشد و راستگویی خودش را با کردارش ثابت کند. (این

معنا را راغب از برخی اهل لغت نقل کرده است).

صداقت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۱

۱ فرعون ، ناباور به صداقت موسی (ع) در ادعای رسالت و برخورداریش از معجزه و آیتی از جانب خدا

قال إن كنت جئت بثأيه فأت بها إن كنت من الصدقين

متعلق <الصدقين> اصل رسالت

و نیز داشتن <بینه> است. یعنی: إن كنت من الصادقين في دعوى الرساله و دعوى البينه.

صداقت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۲

۲ - مؤمنان راستین ، انسان هایی سنجیده کار و درست گفتاراند .

و الذين هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران ، به صداقت و راستگویی مؤمنان ، باور نداشتند .

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۴

۴ - مؤمنان ، دارای صفت صداقت و درستکاری اند .

ليستل الصدقين عن صدقهم

مراد از <الصادقين> به قرینه مقابله با <الكافرين> مؤمنان اند. تعبیر از مؤمنان به <الصادقين> می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۱ - ۳

۳ - راست و درست گفتاری ایمان آوردگان ، سبب می شود که اعمال آنان از سوی خداوند رو به صلاح رود .

يأيتها الذين ءامنوا... و قولوا قولاً سديداً . يصلح لكم أعمالكم

۳- لزوم هماهنگی گفتار و کردارِ مؤمنان ، در راستای طاعت خداوند *

طاعه و قول معروف

در صورتی که <طاعه و قول معروف> مبتدا برای خبر محذوف باشد؛ از مجزا آمدن <طاعه> و <قول معروف> استفاده می شود که آنچه خداوند از انسان می خواهد، صرف طاعت عملی نیست؛ بلکه

باید سخن انسان همراه با عمل وی، نیک و پسندیده باشد و در ضمن طاعت، اظهار ناراحتی نکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند، آگاه از خلوص و صداقت باطنی مؤمنان در بیعت رضوان

لقد رضی الله... فعلم ما فی قلوبهم

مراد از <ما> در <ما فی قلوبهم> به قرینه <رضی الله...> می تواند صداقت و خلوص مؤمنان باشد زیرا این امور است که رضایت و خشنودی را در پی دارد.

صداقت مؤمنان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۲

۲ - صداقت توده های مردم در ایمان به پیامبر (ص) و آیین اسلام

ءامنوا كما ءامن الناس

صداقت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ - نوح (ع)، خواهان اطاعت قومش از او به خاطر صداقت و امانت داری وی

إني لكم رسول أمين . فاتقوا الله و أطيعون

صداقت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۸ - ۷۸

۷ ابلاغ پیام های خداوند به مردم ، جلوه ای از درستکاری و خیرخواهی هود برای مردم خویش

أبلغکم رسلت ربی و أنا لکم ناصح أمين

۸ هود در میان قومش به درستکاری و خیرخواهی شهرت داشت .

أبلغکم . . . و أنا لکم ناصح أمين

آوردن <ناصح> و <أمين> به صورت وصف، در مقابل بیان تبلیغ رسالت به صورت فعل <أبلغکم>، می تواند اشاره به این نکته

داشته باشد که خیرخواهی و درستکاری هود(ع) مخصوص زمان رسالت وی نبوده بلکه پیش از آن نیز بدان شهرت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۱، ۱۰

۱۰ قوم عاد ناباور به صداقت و راستگویی حضرت هود (ع)

فأتنا .. إن كنت من الصادقين

۱۱ قوم عاد با ناباوری به صداقت و راستگویی هود، از وی خواستند تا تهدیدهای خویش را تحقق بخشد.

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ - هود (ع)، خواهان اطاعت قومش از او، به دلیل آشکار بودن صداقت و امانت داری وی

إني لكم رسول أمين . فاتقوا الله و أطيعون

تفریع <اتقوا الله و أطيعون> بر <إني لكم رسول أمين> مفید مطلب یاد شده است.

صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۳، ۵

۳ عزیز مصر با پی بردن به صداقت یوسف (ع)، زلیخا را محکوم کرد و به نفع یوسف (ع) رأی داد.

فلما رءا قمیصه قُد من دُبُر قال إنه من کیدکن

۵ عزیز مصر پس از پی بردن به حقانیت یوسف (ع)، زنان را انسانهایی پر مکر و حيله خواند.

إنه من کیدکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۲

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب > صدیق

< او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیها الصدیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

ظهور صداقت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۲

۲ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، این است که میزان صداقت مؤمنان بروز کند .

و إذا أخذنا من النبیین میثقهم .. لیسئل الصدقین عن صدقهم

آنچه از پرسش مذکور در آیه، به ذهن خطور می کند، این است که مؤمنان، مورد سؤال قرار می گیرند تا صداقت شان معلوم شود.

عجز از صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۸

۸- بیماردلانِ منافق ، ناتوان از درک خیر واقعی خویش و پیمودن راه صدق و جهاد

فلو صدقوا الله لكان خیراً لهم .. أولئک ... فأصمّمهم و أعمی أبصرهم

با توجه به ارتباط آیات، ممکن است به میان آوردن <أصمّم> و <أعمی> در پی <فلو صدقوا الله لكان خیراً لهم> بیانگر این معنا باشد که صداقت با خدا و دستورات او، تضمین گر منافع آدمی است؛ اما افسوس که بیماردلان در نتیجه کوری باطنی عاجز از درک مصالح آن اند.

عزیز مصر و صداقت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۸ - ۲

۲ عزیز مصر با دیدن پارگی پشت پیراهن یوسف (ع) ، به صداقت او

فلما رءا قميصه قُذ من دُبر قال إنه من كيدكن

عوامل صداقت در عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- حفظ صداقت و راستی در انجام کارها از آغاز تا انجام ، نیازمند قدرت و توانی خدادادی

أدخلني . . . و اجعل لي من لدنك سلطانًا نصيرًا

فضیلت صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۴

۴ نبوت ، صداقت کامل ، گواه بودن بر اعمال بندگان و صالح شدن ، تفضل خاص الهی

فاولئك . . . ذلك الفضل من الله

گواهان صداقت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۷

۷- گواهی آکید خداوند ، به صدق رسالت پیامبر (ص)

و الله يعلم إنك لرسوله

گواهان صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۵

۵ عزیز مصر برادرش بنیامین را شاهی بر صدق دعوی خویش (من یوسفم) دانست .

قال أنا یوسف و هذا أخی

جمله <هذا أخی> می تواند علاوه بر اینکه تمهیدی برای <قد من الله> باشد به عنوان شاهی بر ادعای عزیز مصر که خود را یوسف معرفی کرده نیز باشد. گویا به برادرانش می گوید: اگر تردید دارید که من یوسفم، در چهره من و بنیامین بنگرید، اخوت ما را درخواهید یافت.

ملاک صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۶ - ۲۱

۲۱ میدان عمل ، عرصه شناخت

صداقت ادّعی آدمیان

فلما كتب عليهم القتال تولّوا

منشأ تعیین صداقت در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ تعیین راستی و درستی ایمان افراد و حسابرسی مدعیان ایمان ، از شؤون خداوند است .

بل نطنکم کذبین . . ما أنا بطارد الذین ءامنوا إنهم ملقوا ربهم

کفرپیشگان، ایمان پیروان نوح را سطحی، بلکه آنان را در ادعای ایمان دروغگو می شمردند (بل نطنکم کاذبین). نوح(ع) در پاسخ ایشان با جمله <إنهم ملاقوا ربهم> بیان می دارد که برای انسانها روز آخرتی است و خداوند در آن روز، راستی و ناراستی ایمانها را تعیین خواهد کرد.

منشأ صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- همه انسان ها ، حتی پیامبر (ص) برای داشتن اخلاص و صداقت در عمل ، به امداد ویژه الهی نیازمندند .

و قل ربّ أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق

منشأ صداقت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرتنین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علینا

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام

صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <عَلِيًّا> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

منشأ صداقت اسحاق(ع)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرتین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیاً

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

منشأ صداقت یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۷

۷- ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، به عنایت خداوند ، دارای گفتارهایی راستین و پرتین در جهان و تاریخ

و جعلنا لهم لسان صدق علیاً

<لسان> در معانی مختلفی به کار رفته است، از جمله به معنای <کلام>، لذا ممکن است <لسان صدق> به معنای کلام صادق و راست باشد؛ یعنی آنچه که ابراهیم(ع) و فرزندان او ابراز داشته اند، عین حقیقت است. وصف <علیاً> برای <لسان>، نشان بازتاب وسیع آن بین مردم است.

نشانه های صداقت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۴

۴ - استغنا از مردم ، شرط لازم نبوت و درخواست کمترین مزد از آنان ، نشانه عدم صداقت مدعی پیامبری است .

أم تسألهم خرَجًا

نشانه های صداقت مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۶

۶ چشم ندوختن به

مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و يقوم لا أسئلكم عليه مالا إن أجرى إلا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۴

۴ مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

يقوم لا أسئلكم عليه أجرًا .. أفلاتعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله <لا أسئلكم> اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

نشانه های صداقت مصلحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۶

۶ چشم ندوختن به مال و دارایی مردم ، از نشانه های صداقت مصلحان جامعه و مبلغان راستین دین است .

و يقوم لا أسئلكم عليه مالا إن أجرى إلا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۴

۴ مطالبه نکردن پاداش از مردم ، به خاطر تبلیغ حقایق و معارف الهی ، نشانه صداقت مبلغان و مصلحان است .

يقوم لا أسئلكم عليه أجرًا .. أفلاتعقلون

از آن جا که هدف مدعیان دروغین ، رسیدن به منافع مادی و مال و منال دنیوی است ، می توان گفت: حضرت هود(ع) با جمله <لا أسئلكم> اشاره به دلیل و نشانه صداقت خویش دارد.

نشانه های صداقت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

هود (ع) ، پاداش نخواستن از مردم را ، نشانه ای بر صداقت خویش در ادعای نبوت دانست .

لَأَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أُجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ

در برداشت فوق ، جمله <أفلا تعقلون> در ارتباط با <لَأَسْئَلُكُمْ ..> معنا شده است. بر این اساس ، هود(ع) به مردم می گوید: اگر در این معنا اندیشه کنید که من هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم ، خواهید فهمید که در ادعای نبوت راستگو هستم.

نشانه های صداقت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ > عن أبي جعفر (ع) في قوله : < ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجننه حتى حين > فالآيات شهادة الصبي و القميص المخزق من دبر و استباقهما الباب حتى سمع مجاذبت ها إياه على الباب فلما عصاها فلم تزل ملتحه بزوجها حتى حبسه . ; ..

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا که فرمود: <ثم بدا لهم ..> روایت شده است: آن نشانه ها گواهی کودک و پیراهن پاره شده از پشت و سبقت آن دو به طرف در بود، به گونه ای که شنیده شد آن زن پشت در، یوسف را به طرف خود می کشد ; پس چون یوسف درخواست بانو را نپذیرفت به طور پیگیر به شوهرش اصرار نمود تا [شوهرش] او را زندانی کرد.<

واقعیت صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- حق ، درستی و راستی ، مفاهیمی واحد در فرهنگ جن و انس

و نه اموری اعتباری و نسبی *

قالوا یقومنا إنا سمعنا کتباً .. یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

قرآن، گرچه بر انس نازل شده و هدایت گر انسان به سوی حق و راه مستقیم است؛ اما جنیان نیز همان پیام، مفاهیم و تعالیم را، حق و راه مستقیم دانسته اند. از این مطلب استفاده می شود که حق و راه مستقیم، در بینش جن و انس و در فهم و ادراک آنان واحد است.

صدقه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صدقه

آثار ترک صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۲

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلا صدق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است؛ یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است؛ مانند: <ما سلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلّین . و لم نک نطعم المسکین >، (سوره مدثر، آیات ۴۲ ۴۴).

آثار صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۲،۴،۷،۸

۲ خداوند، رشدهنده اموالی که صدقه داده می شود .

و یربی الصدقات

۴ رواج صدقه و انفاق، عاملی جهت رشد نظام اقتصادی

و یربی الصدقات

<یربی> از <ارباء> به معنای رشد دادن و زیاد کردن است.

۷ اهل انفاق و صدقه ، سپاسگزاران نعمت های الهی و اطاعت کنندگان فرمان او

یمحق الله .. کل کفار اثم

از مقابله صدقه و ربا به

دست می آید که این دو در آثار و تبعات متضادند؛ بنابراین چون رباخوار ناسپاس و گنهکار است، انفاق کننده، سپاسگزار و فرمانبر خداست.

۸ صدقه و انفاق، سپاسگزاری در برابر نعمت های الهی و پیروی از فرمان اوست .

يُمَحِّقُ اللَّهُ .. كَلَّ كَفَّارِ اثْمِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - صدقه دادن در راه خدا، مایه افزون شدن مال است؛ نه سبب کم شدن آن .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ .. يَضْعَفُ لَهُمْ

قید <يضاعف لهم> شاید ناظر به این معنا باشد که صدقه برخلاف پندار مردم باعث کم شدن مال آنان نمی شود؛ بلکه باعث می گردد که مال آنان رشد کند و فزونی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ - صدقه دادن، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذَلِكْ خَيْرٌ لَّكُمْ

کلمه <ذَلِكْ> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خَيْرٌ> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

۷ - صدقه، مؤثرترین کار برای تطهیر نفس و پالایش روح از آلودگی است .

ذَلِكْ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ أَطْهَرُ

مقصود از طهارت در <وَ أَطْهَرُ>، طهارت معنوی است و به کارگیری اسم تفضیل، بیانگر تأثیرگذاری برتر صدقه در تطهیر نفس می باشد.

آثار و جوب صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادلہ - ۵۸ - ۱۳ - ۲

۲ - وجوب

صدقه ، باعث شد مسلمانان از گفتوگوی محرمانه با رسول اکرم (ص) صرف نظر کنند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين يدي نجويكم صدقت

آداب صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات) ، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب ، به صورت پنهان

ان تبدوا الصدقات

امام باقر (ع) درباره آیه <ان تبدوا .. > فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <وان تخفوها و تؤتوها الفقراء > فرمود: یعنی النافله ...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۶

۶ - مرغوب بودن کالای مورد انفاق و خلوص نیت انفاق کننده ، دو عنصر لازم در صدقه و انفاق

و أقرضوا الله قرضاً حسناً

در صورتی که وصف <حسناً> قید تخصیصی باشد، ناظر به حسن فاعلی (خلوص نیت) و حسن فعلی (پرداخت کالای مرغوب) خواهد بود.

احکام صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵، ۱۶

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

۱۶ استحباب پرداخت صدقه به مستحقان و نیازمندان

مَسْنَا وَ أَهْلْنَا الضَّرَّ . . . إِنْ اللَّهُ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

احکام صدقه نجوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - صدقه نجوا ، تنها بر کسانی واجب بود که توانایی مالی داشتند .

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ارزش صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۵

۵ - وام دادن به خداوند (صدقه و انفاق در راه او) ، قرضی نیکو و بس با ارزش است .

و أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

وصف <حسنًا>، می تواند قید توضیحی و یا قید تخصیصی باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

امتناع از صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۴،۵

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيِ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَاتٍ

۴ - نکوهش مسلمانان از سوی خداوند ، به خاطر صرف نظر کردن از ملاقات های محرمانه با پیامبر اکرم (ص) و امتناع

ورزیدن از پرداخت صدقه نجوا

ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيِ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَاتٍ

۵ - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص)

(لغو و نسخ کرد .

فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

اهمیت تداوم صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۲

۲ - صدقه و انفاق در راه خداوند ، باید برنامه همیشگی

مؤمنان باشد؛ نه به صورت مقطعی و موقت .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ

تکیه بر وصف (اسم فاعل)، بیانگر آن است که صدقه دادن در بینش الهی، در صورتی ارزشمند خواهد بود که به صورت خصلتی برای مؤمنان درآید.

اهمیت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند، مردان و زنان مؤمن را به انفاق کردن و پرداخت صدقه فرا می خواند .

إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمَصْدَقَاتِ .. لِهَمَّ أَجْرِ كَرِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اهمیت و جایگاه ویژه نماز و صدقه، در سلسله تعالیم دین

فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى

پاداش اخروی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند)، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فِيضَاعِفْ لَهُمْ>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش به صدقه دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ خداوند ، به اعطا کنندگان صدقه پاداش خواهد داد .

إن الله يجزي المتصدقين

پاداش دنیوی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقصدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان باز می گرداند .

و أقرضوا الله قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

پاداش صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵

۵ - صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلك خير لكم

کلمه <ذلك> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خير> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

تشبیه صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا الله

تشويق به صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢ - بقره - ٢

۸ توجه به قیامت و خوف از آن ، بازدارنده آدمی از اعمال ناشایست (ربا و ...) و ترغیب کننده او به اعمال شایسته (انفاق ، صدقه و ...)

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربوا .. و ان تصدقوا خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۲

۲ ارزش والای نجواها و مذاکرات محرمانه ، به انگیزه وادار نمودن دیگران به صدقه و دعوت به کار نیک و اصلاح میان مردمان

لا خیر فی کثیر من نجویهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس

حبط صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱،۲،۸

۱ اهل ایمان نباید صدقات خود را با منت گذاردن و آزار رسانیدن ، باطل و بی اثر سازند .

یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی

۲ منتّ و آزار ، باطل کننده صدقات

یا ایها الذین امنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی

۸ ریا و کفر به خدا و قیامت ، موجب بطلان صدقات و اعمال خیر

لا تبطلوا .. کالذی ینفق ماله رثاء الناس و لا یؤمن بالله و الیوم الاخر

حقیقت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۴

۴ - صدقه و انفاق در راه خداوند، قرض دادن به او محسوب می شود .

إِنَّ الْمَصْدِقِينَ .. و أقرضوا الله

جمله <و أقرضوا الله>، عطف

تفسیری و بیانگر حقیقت صدقه و انفاق است. آن این که کسانی که با صدقات خود، احتیاج نیازمندان را برطرف می کنند، در واقع به خدا وام می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۶

۲۶ - انفاق و صدقه ، به منزله قرض و وام دادن به خداوند است .

و أقرضوا الله

خیریت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۶

۶ - صدقه دادن به نیازمندان ، عملی سراسر خیر و نیکی در بینش الهی

ذلک خیر

در صورتی که <خیر> در مقابل <شر> باشد؛ معنای <ذلک خیر> این خواهد بود که صدقه صرفاً خیر است و هیچ بدی در آن راه ندارد.

صالحان و صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۳

۳ پرداخت زکات و صدقه ، از اعمال و نشانه های صالحین است .

لنصدقنّ و لنكوننّ من الصالحين

صدقه امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - > عن علی (ع) إنه قال : بی خفف الله عن هذه الأمة لأن الله امتحن الصحابه بهذه الآیه فتقاعسوا عن مناجاه الرسول (ص) . . . و كان معی دینار فتصدقت به فکنت أنا سبب التوبه من الله علی المسلمین حین عملت بالآیه و لو لم يعمل بها أحد لنزل العذاب لإمتناع الكل من العمل بها ;

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: خدا به وسیله من [کیفر سنگینی]

این امت را سبک کرد؛ زیرا خداوند صحابه را با آیه <قدّموا بین یدی نجواکم صدقات> امتحان کرد. آنان از نجوا کردن با رسول خدا(ص) خودداری کردند... و با من دیناری بود که آن را [قبل از نجوا] صدقه دادم. پس من سبب گذشت خداوند از مسلمین شدم؛ آن گاه که به این آیه عمل کردم و اگر هیچ کس به آن عمل نمی کرد، عذاب نازل می شد؛ زیرا همه از عمل به آن امتناع کرده بودند.<

صدقه به ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . . . و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

صدقه به بدهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقت . . . و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

صدقه به بنی هاشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲۶

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إن أناساً من بنی هاشم اتوا رسول اللّٰه (ص) فسألوه أن یستعملهم علی صدقات المواشی و قالوا : یكون لنا هذا السهم الذی جعله اللّٰه للعالمین علیها

فَنَحْنُ أُولَىٰ بِهِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا بَنِي عَبْدِ الْمَطْلَبِ انْصُدُّوا لِي وَلا لَكُمْ . . . ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ... <

صدقه به خویشاوندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

صدقه به فرزندان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

صدقه به فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱

نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء و المسکین و العملین علیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ استجاب پرداخت صدقه به مستحقان و نیازمندان

مَسْنَا و أَهْلَنَا الضَّرَّ . . . إِنْ اللَّهُ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

صدقه به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲۶

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إِنْ أَنَسًا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ اتَّوَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) فَسَأَلُوهُ أَنْ يَسْتَعْمَلَهُمْ عَلَى صَدَقَاتِ الْمَوَاشِي وَ قَالُوا : يَكُونُ لَنَا هَذَا السَّهْمُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ لِلْعَالَمِينَ عَلَى مَا فَتَحْنَا أَوْلَى بِهِ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِنْ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِي وَلَا لَكُمْ . . . ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست . . . <

صدقه به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء و المسکین و العملین علیها

صدقه به مؤلفه قلوبهم

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۷

۷ فقرا، مساکین، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم، مالک سهم خویش از صدقات هستند.

إنما الصدقات للفقراء... و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء...> که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

صدقه پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۳، ۲

۲ سود افزونتر صدقه پنهانی برای شخص انفاق کننده، نسبت به صدقه آشکار

ان تبدوا الصدقات فنعما هی و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

به نظر می رسد کلمه <لکم> بیانگر این معناست که صدقه پنهانی برای شخص صدقه دهنده بهتر باشد؛ چون احتمال ریا و امثال آن کمتر است؛ نه اینکه به طور کلی صدقه پنهانی ارزشمندتر از صدقه آشکار باشد.

۳ ارزش برتر صدقه پنهانی، نسبت به صدقه آشکار

ان تبدوا... و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم

بنابراینکه کلمه <لکم> قرینه برای ارزشمندتر بودن صدقه پنهانی برای شخص صدقه دهنده نباشد و به اطلاق آیه نظر شود.

۷ صدقه پنهانی به فقرا، کفاره برخی گناهان

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء... و یکفر عنکم من سیئاتکم

۱۰ پرهیز از ریا و مت و آزار، از حکمت های ارزش برتر صدقه پنهانی

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالذی ینفق ماله رءاء الناس... و ان تخفوها

در آیات سابق، پاداش انفاق را در گرو <فی سبیل الله> بودن و پرهیز از ریا

و منت و آزار شمرد؛ چون صدقه پنهانی تأمین کننده این معیار است، لذا دارای ارزش برتر خواهد بود.

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات)، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب، به صورت پنهان

ان تبدوا الصدقات

امام باقر (ع) درباره آیه <ان تبدوا...> فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء> فرمود: یعنی النافله...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

صدقه صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۵

۲۵ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص)، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند.

و أقرضوا الله

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

صدقه کفاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۴۰، ۲۹، ۱۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی، فدیة (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی، برای مُحْرِمِ معذور

فمن كان منكم .. ففديه من صيام او صدقه او نُسُك

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است.

فمن كان منكم مريضاً .. او صدقه او نسك

امام صادق (ع): ... و جعل الصيام ثلاثه ايام و الصدقه على سته مساكين لكل مسكين مدين و النسك شاه ...

كافي، ج ٤، ص ٣٥٨، ح ٢؛ نورالثقلين، ج ١، ص

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه ، کفاره تراشیدن اضطراری سر در حج ، صدقه است .

فقدیه من صیام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصدقه مقام الصیام اذا عسر علیه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

صدقه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۲۵

۲۵ - مؤمنان و یاران پیامبر (ص) ، به انفاق و صدقه در راه خدا مأمور شدند .

و أقرضوا الله

به گفته مفسران، مقصود از قرض به خدا، انفاق و صدقه در راه او است.

صدقه ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۸

۱۸ عن أبي جعفر(ع) قال: .. إن الله يقول: <وآتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين> قال: كان فلان ... له حرث و كان إذا جذه تصدق به و بقى هو و عیاله بغير شیء فجعل الله ذلك سرفا.

از امام باقر(ع) روایت شده که پس از تلاوت آیه <وآتوا حقه...> فرمود: شخصی زراعتی داشت که وقتی محصول آن را می چید، همه را صدقه می داد و خود و عائله اش بی چیز می ماندند. خداوند این عمل را اسراف نامیده است.

صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، بر هر مسلمانی که خواستار نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم

(ص) بود ، واجب کرد که پیش از آن صدقه ای بپردازد .

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَيْكُمْ صَدَقَةَ

۱۲ - اجازه گفتوگویی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) ، بدون دادن < صدقه نجوا > برای افراد ناتوان ، برخاسته از غفران و رحمت خداوند

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۵ - < قال علی (ع) إِنَّ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَآيَةً مَا عَمِلَ بِهَا أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَعْمَلُ بِهَا أَحَدٌ بَعْدِي وَهِيَ آيَةُ النُّجْوَى ، كَانَ عِنْدِي دِينَارٌ فَبَعْتُهُ بَعِشْرَةَ دِرْهَمٍ فَجَعَلْتُ أَقْدَمَ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ نَجْوَى أَنَا جِئْتُهَا دِرْهَمًا ، قَالَ : فَنَسَخَهَا قَوْلُهُ > ءَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدَمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ < ;

حضرت علی (ع) فرمود: در قرآن آیه ای است که قبل از من هیچ کس به آن عمل نکرد و بعد از من نیز احدی احد به آن عمل نخواهد کرد و آن آیه <نجوا> است. نزد من دیناری بود که آن را به ده درهم فروختم و هر دفعه که با رسول خدا (ص) نجوا داشتم، یک درهم آن را صدقه می دادم. حضرت فرمود: این حکم را آیه <ءأشفقتم أن تقدّموا بين يدي نجواكم صدقات< نسخ کرد [و دیگر در پی نجوا با رسول خدا(ص) صدقه واجب نبود].>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ - < عن علی (ع) إِنَّهُ قَالَ : بِي خَفَّفَ اللَّهُ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ لِأَنَّ اللَّهَ امْتَحَنَ الصَّحَابَةَ بِهَذِهِ الْآيَةِ فَتَقَاعَسُوا عَنْ مَنَاجَاةِ الرَّسُولِ (ص) . . . و كان معي دينار

فتصدقت به فكنت أنا سبب التوبه من الله على المسلمين حين عملت بالآيه و لو لم يعمل بها أحد لنزل العذاب لإمتناع الكل من العمل بها ؛

از حضرت علی(ع) روایت شده که فرمود: خدا به وسیله من [کیفر سنگینی] این امت را سبک کرد؛ زیرا خداوند صحابه را با آیه <قدّموا بین یدی نجواکم صدقات> امتحان کرد. آنان از نجوا کردن با رسول خدا(ص) خودداری کردند... و با من دیناری بود که آن را [قبل از نجوا] صدقه دادم. پس من سبب گذشت خداوند از مسلمین شدم؛ آن گاه که به این آیه عمل کردم و اگر هیچ کس به آن عمل نمی کرد، عذاب نازل می شد؛ زیرا همه از عمل به آن امتناع کرده بودند.

صدقه واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۱

۱۱ حسن پرداخت صدقات واجب (زکات) ، به صورت آشکار و پرداخت صدقات مستحب ، به صورت پنهان

ان تبدوا الصدقات

امام باقر(ع) درباره آیه <ان تبدوا...> فرمود: هی یعنی الزکاه المفروضه. و در پاسخ سؤال از <وان تخفوها و تؤتوها الفقراء> فرمود: یعنی النافله ...

کافی، ج ۴، ص ۶۰، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۹، ح ۱۱۴۵.

فضیلت صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۱۰، ۱۳

۱ صدقه آشکار ، عملی نیک و ارزشمند

ان تبدوا الصدقات فنعما هی

۳ ارزش برتر صدقه پنهانی ، نسبت به صدقه آشکار

ان تبدوا... و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لكم

<لکم> قرینه برای ارزشمندتر بودن صدقه پنهانی برای شخص صدقه دهنده نباشد و به اطلاق آیه نظر شود.

۱۰ پرهیز از ریا و منت و آزار، از حکمت های ارزش برتر صدقه پنهانی

لا تبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی کالذی ینفق ماله رءاء الناس .. و ان تخفوها

در آیات سابق، پاداش انفاق را در گرو <فی سبیل الله> بودن و پرهیز از ریا و منت و آزار شمرد؛ چون صدقه پنهانی تأمین کننده این معیار است، لذا دارای ارزش برتر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۱

۱ - صدقه دادن ، امری بس پسندیده در بینش الهی

یأیها الذین ءامنوا .. فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه

واجب شدن صدقه و نه هر عمل پسندیده دیگر بر کسانی که می خواستند با پیامبر(ص) نجوا کنند و با آن حضرت گفت و گوی محرمانه داشته باشند؛ بیانگر مطلب بالا است.

فلسفه صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اقدام به انجام بهترین عمل و مؤثرترین کار برای طهارت نفس ، حکمت واجب شدن صدقه ، پیش از نجوا و گفتوگوی محرمانه با پیامبراکرم (ص)

فقدّموا بین یدی نجویکم صدقه ذلک خیر لکم و اطهر

مسلمانان صدر اسلام و صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۱،۳

۱ - مسلمانان ، از پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبراکرم (ص) ، امتناع ورزیدند .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين يدي نجويكم

۳ - پرداخت صدقه ، پیش از هر بار نجوا با پیامبر اکرم (ص) ، برای مسلمانان امری دشوار می نمود .

ءأشفقتم أن تقدّموا بين يدي نجويكم صدقت

مصارف صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۴

۴ اولویت تأمین زندگی نیازمندان به وسیله صدقات ، نسبت به سایر مصارف

ان تبدوا الصدقات .. و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خير لكم

از تخصیص به ذکر <فقراء> در بین تمام مصارف که قطعاً صدقات مصارف دیگری نیز دارند اولویت آنان استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۱۱

۱۱ وامداران تهیدست و ناتوان از پرداخت بدهی خویش ، یکی از مصارف صدقه

و ان كان ذو عسره .. و ان تصدقوا خیر لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ اعطای صدقه به فرزندان و خاندان پیامبران ، جایز و امری شایسته و نیکوست .

و تصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين

<تصدق> به معنای اعطای صدقه است و <صدقه> آن گونه که در <کشاف> آمده است عطیه و بخششی است که به منظور رسیدن به ثواب پرداخت می شود.

موارد صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۱۰

۱۰ گذشت از بدهی وامداران تنگدست ، نمونه ای از صدقه

و ان تصدقوا خیر لکم ان کنتم تعلمون

گذشت از بدهی وامداران به صدقه تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ بخشش خونب ها از سوی خانواده مقتول ، نوعی صدقه است .

و ديه مسلّمه الی اهله الا ان یصدّقوا

مراد از <ان یصدّقوا>، گذشت از ديه است. و خداوند از آن به صدقه دادن تعبیر کرد تا اشاره کند به اینکه گذشت از ديه نوعی صدقه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ چشمپوشی از قصاص بدون دریافت بهایی در مقابل آن ، از مصادیق صدقه

فمن تصدق به فهو کفاره له

واژه <تصدق> به معنای عفو بدون عوض می باشد.

نسخ صدقه نجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۳ - ۵

۵ - خداوند ، حکم صدقه نجوا را در پی امتناع ورزیدن مسلمانان از آن و ترک کردن گفتوگوی محرمانه با پیامبر اکرم (ص) لغو و نسخ کرد .

فاذلم تفعّلوا و تاب الله علیکم

مفسران، بر آنند که این آیه ناسخ حکم صدقه نجوا است.

صدقات

آثار امتناع از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پیامد بخل ورزی منافقان از پرداخت صدقات ، گرفتار شدن آنان به نفاقی مزمن تا دم مرگ

فَأَعْقِبَهُمْ نِفَاقًا فِى قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ

<فَأَعْقِبَهُمْ> تفریع بر فراز پیشین است، یعنی، منافقان در پی امتناع از پرداخت صدقات علی رغم پیمانی که با خدا بسته بودند مبتلا به نفاقی شدند که تا دم مرگ آنان را رها نخواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ دل‌بستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دل‌بستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

آثار صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۶، ۲۴، ۱۱، ۸

۸ پرداخت صدقه و زکات، مایه تطهیر (پاکی روح از آلودگی) و تزکیه (رشد معنوی) انسان است.

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

۱۱ پرداخت صدقه (زکات)، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی اقتصاد آن *

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

۲۴ از امام جواد (ع) روایت شده که فرمود: > ... ان موالی أسئل الله صلاحهم او بعضهم قصرُوا فیما یجب علیهم فعلت ذلک فاحببت ان اطهرهم و ازکیهم بما فعلت فی عامی هذا من امر الخمس قال الله تعالی > خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم بها ... < ;

... دوستان ما که از خدا صلاح آنان را مسألت

می کنم یا بعضی از آنان در تکلیف واجب خود کوتاهی کردند و من آگاه شدم. پس دوست داشتم با برنامه ای که این سال در مورد خمس اجرا کردم، آنان را تطهیر و تزکیه کنم. خداوند فرموده است: از اموال آنان صدقه بگیر تا بدین وسیله آنها را تطهیر و تزکیه کنی...>

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > من زعم ان الامام يحتاج الى ما في ايدي الناس فهو كافر اتما الناس يحتاجون ان يقبل منهم الامام قال الله عزو جل : > خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزكهم بها < ;

کسی که گمان کند، امام به آنچه در دست مردم است نیاز دارد، او کافر است ؛ بلکه مردم نیاز دارند که امام صدقه را از آنها قبول کند. خدای عز و جل فرمود: از اموال آنان صدقه بگیر، تا بدین وسیله آنان را تطهیر و تزکیه کنی.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۹

۹ انفاق و پرداخت صدقات از نشانه های اصلی و جلوه توبه راستین است .

أن الله هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

احکام صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۰، ۱۶، ۷، ۴، ۲، ۱

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقت للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه

إنما الصدقات ... و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال
۴ صرف صدقات (زکات) ، بجز در موارد هشتگانه (فقرا و ...) ممنوع است .

إنما الصدقت للفقراء .. و ابن السبیل

آیه شریفه در مقام بیان موارد صرف صدقات است. به کارگیری کلمه <إنما> که برای افاده حصر است بیانگر این است که صرف صدقات در غیر موارد هشتگانه ای که آیه شریفه متعرض آن شده، ممنوع است.

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقت للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء ..> که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب .. و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

۲۰ از امام صادق (ع) درباره قول خدای تعالی <إنما الصدقات ...> روایت شده است که فرمود: <ان جعلت ها فیهم جمیعاً و ان جعلت ها لواحد اجزاء عنک ؛

صدقات را چه به مصرف همه هشت صنف برسانی و چه به مصرف یک صنف، مجزی است.>

۲۵ عبدالرحمان بن حجاج

گوید : > ان محمد بن خالد سأل ابا عبد الله عن الصدقات قال : اقسامها فيمن قال الله : و لا يعطى من سهم الغارمين الذين ينادون نداء الجاهليه قلت : و ما نداء الجاهليه ؟ قال : الرجل يقول : يا آل بني فلان فيقع فيهم القتل و الدماء فلا يؤدي ذلك من سهم الغارمين و الذين يغرمون من مهور النساء . . . و لا الذين لا يباليون بما صنعوا من اموال الناس ؛

محمد بن خالد از امام صادق (ع) درباره [مصرف] صدقات سؤال کرد، حضرت فرمود: آن را بین کسانی که خداوند فرموده تقسیم کن ولی از سهم غارمین به آنان که مانند زمان جاهلیت ندا می دهند داده نمی شود. من پرسیدم: ندای جاهلیت چه بوده است؟ فرمود: شخصی ندا می کرد: <یا آل فلان> [و قبیله خود را به کمک می طلبید]. و در بین آنان کشتار و خونریزی واقع می شد. این خسارتهای از سهم <غارمین> داده نمی شود و نیز بدهکاریهای اشخاص بابت مهرهای زنان و بدهی افرادی که در مصرف اموال مردم بی باک هستند [از آن سهم پرداخت نمی گردد].<

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است : إن أناساً من بني هاشم اتوا رسول الله (ص) فسألوه أن يستعملهم على صدقات المواشي و قالوا : يكون لنا هذا السهم الذي جعله الله للعالمين على ما فتحنا أولى به ، فقال رسول الله (ص) يا بني عبدالمطلب ان الصدقه لا تحل لي و لا لكم . . . ؛

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از

آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر(ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ... <

۲۷ از ابن عباس روایت شده است: > فرض رسول الله (ص) الصدقه ... فی الذهب و الورق و الابل و البقر و الغنم و الزرع و الکرّم و النخل ... ;

رسول خدا (ص) صدقه را در طلا، نقره (پول رایج)، شتر، گاو، گوسفند، محصول (زراعت)، انگور و خرما واجب کرد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۳، ۵، ۲

۲ اموال و دارایی های گوناگون انسان، متعلق صدقه (زکات) است.

خذ من أموالهم صدقه

> مال < (مفرد اموال) اسم جنس است و شامل هر آنچه را که آدمی به دست بیاورد می شود.

۵ تنها بخشی از اموال و دارایی ها به عنوان صدقه و زکات دریافت می شود؛ نه تمامی آن.

خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق، با توجه به استعمال > مِنْ تَبْعِيْهِ < به دست آمده است؛ یعنی، بخشی از اموال آنان را به عنوان صدقات اخذ کن.

۲۳ از بعضی اصحاب روایت شده که گفت: > عن بعض اصحابنا عن ابی عبد الله (ع) قال: سألته عن قول الله > خذ من أموالهم صدقه ... < جاریه هی فی الامام بعد رسول الله

؟ قال : نعم ؛

از امام صادق (ع) پرسیدم سخن خداوند که می فرماید: <از اموال آنان صدقه بگیر . . . > در مورد امام بعد از رسول خدا (ص) نیز جاری است؟ فرمود: آری <.

اهمیت صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۷

۷ اهمیت پرداخت زکات و صدقات ، و جایگاه ویژه آن در میان تکالیف دینی

و يأخذ الصدقة

از اینکه خداوند خود را به عنوان دریافت کننده صدقه معرفی کرده است، برداشت فوق استفاده می شود.

بادیه نشینان و صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۸ - ۱،۵

۱ گروهی از بدویان بی فرهنگ در عصر بعثت ، انفاق (زکات و صدقات) را غرامت و تاوان تلقی می کردند .

و من الأعراب من يتخذ ما ينفق مغرمًا

۵ نارضایتی و خشم شدید برخی از بادیه نشینان از انفاق های مالی و پرداخت مالیات به پیامبر (ص) و حکومت اسلامی

و من الأعراب . . . و يتربص بكم الدوائر

تشویق به صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۸

۸ ترغیب گنهکاران از سوی خدا به توبه کردن از خطاهایشان و نیز دادن صدقه (زکات) در راه خدا و امیدوار بودن به

پذیرفته شدن آن

أن الله هو يقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت

تقسيم صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٥٨ - ٥

٥ سياست گذاري امور مالي و اقتصادي جامعه

اسلامی (تقسیم صدقات ، نظارت بر آن و ...) از شئون پیامبر اسلام (ص)

و منهم من يلمزك في الصدقت

تملیک صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۶

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیاز های آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب ... و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

رهبران دینی و اخذ صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۳

۳ پیامبر (ص) و حاکم اسلامی ، موظف به گرفتن صدقه (مالیات شرعی) از مردم و منتظر نماندن برای اقدام خود مردم به پرداخت آن

خذ من أموالهم صدقه

به کارگیری امر <خذ> (بگیر) به جای مثلا <تقبل> حکایت از آن دارد که حاکم اسلامی نباید در انتظار پرداخت صدقه باشد؛ بلکه باید خود اقدام به اخذ آن کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۳

۳ گیرنده زکات در حقیقت ، خداست و پیامبر (ص) و حاکم اسلامی تنها وسایطند .

خذ من أموالهم صدقه .. و يأخذ الصدقت

سرزنش بخل در صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۶ بخل ورزیدن از پرداخت صدقات پس از برخورداری از مال و فضل الهی ، خصلتی است منفی و منافقانه .

فلما آتیهم من فضله بخلوا به

سهم عاملان صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱،۷

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء و المسکین و العملین علیها

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقة للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء ..> که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

سهم فقرا از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۷

۷ فقرا ، مساکین ، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم ، مالک سهم خویش از صدقات هستند .

إنما الصدقة للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء ..> که برای افاده ملکیت می باشد استفاده شده است.

سهم مساکین از صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۷

۷ فقرا، مساکین، کارگزاران امور صدقات و مؤلفه قلوبهم، مالک سهم خویش از صدقات هستند.

إنما الصدقة للفقراء... و المؤلفه قلوبهم

برداشت فوق با توجه به <لام> در <للفقراء...> که برای افاده ملکیت می باشد

استفاده شده است.

صدقات در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقة .. و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل اللّٰه و ابن ال

عاملان صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۹

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقة للفقراء .. و العملین علیها

برداشت فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

عاملان صدقات در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۸

۸ وجود کارگزارانی در عصر پیامبر (ص) برای جمع آوری صدقات

إنما الصدقة للفقراء .. و العملین علیها

فلسفه صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان، بدهکاران، راه و در راه ماندگان، فقط برای تأمین نیازهای آنان است، نه تملیک به ایشان.

و فی الرقاب .. و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۷

۷ گرفتن صدقه (زکات) از خطاکاران نادم از سوی حاکم اسلامی باید به منظور تطهیر روح و تکامل معنوی آنان باشد .

خذ من أموالهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

قبول صدقات تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۴

۴ انفاق ها و صدقات گناهکاران توبه کننده ، مورد قبول و پذیرش پروردگار است .

و ءآخرون اعترفوا بذنوبهم .. خذ من أموالهم صدقه ... و يأخذ الصدقت

قبول صدقات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۶

۱۶ دستور خدا به دلجویی کردن پیامبر (ص) از گناهکاران نادم ، با قبول صدقه شان و دعا برای آنان

خذ من أموالهم صدقه .. و صل علیهم إن صلوتک سکن لهم

برداشت فوق با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیش است که درباره متخلفان نادمی نازل شده که برای جبران تخلفشان از

جنگ تبوک عزم انفاق تمامی اموال خود را داشتند.

گیرنده صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۱۳،۱۴

۱۳ از امام صادق (ع) روایت شده که امام سجاد (ع) فرمود : > ... ان الصدقه لاتقع فی ید العبد حتی تقع فی ید الرب و

هو قوله > هو یقبل التوبه عن عباده و يأخذ الصدقت < ;

به تحقیق صدقه در دست عبد قرار نمی گیرد مگر اینکه [قبلا] در دست خدا

قرار گیرد و این سخن خداست که فرمود: اوست که توبه را از بندگان خود می پذیرد و صدقات را می گیرد.

۱۴ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: >... الأخذ فی وجه القبول منه (الله عز وجل) كما قال: > و يأخذ الصدقات < ای یقبلها من أهلها و یشیب علیها... >

> اخذ < در یک وجه [به معنای] قبول از طرف خدای عز و جل می باشد، چنان که فرموده: > و يأخذ الصدقات < یعنی صدقات را از اهل آن قبول می کند و برای آن ثواب می دهد... <.

متعلق صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲۷

۲۷ از ابن عباس روایت شده است: > فرض رسول الله (ص) الصدقه... فی الذهب و الورق و الابل و البقر و الغنم و الزرع و الکرم و النخل... >

رسول خدا (ص) صدقه را در طلا، نقره (پول رایج)، شتر، گاو، گوسفند، محصول (زراعت)، انگور و خرما واجب کرد... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۲۷

۲۷ عبدالله بن سنان گوید: امام صادق (ع) فرمود: > لما انزلت آیه الزکوه > خذ من اموالهم صدقه... <... فامر رسول الله (ص) منادیه فنادی فی الناس ان الله فرض علیکم الزکوه... ففرض الله عز

و جل عليهم من الذهب و الفضة و فرض الصدقه من الابل و البقر و الغنم و من الحنطه و الشعير و التمر و الزبيب . . . و عفا لهم عما سوى ذلك . . . ;

چون آیه زکات نازل شد که <از اموال آنان صدقه بگیر . . . > رسول خدا (ص) به منادی خود دستور داد و او در بین مردم ندا داد که خداوند: بر شما زکات را واجب فرموده است؛ پس خداوند [زکات] را از طلا و نقره بر آنان واجب فرمود و نیز صدقه را از شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش واجب کرد . . . و غیر اینها را برای مردم گذشت نمود . . . <.

محمد(ص) و اخذ صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱،۳،۶

۱ فرمان خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر گرفتن صدقه (زکات) از اموال مردم

خذ من أموالهم صدقه

۳ پیامبر (ص) و حاکم اسلامی، موظف به گرفتن صدقه (مالیات شرعی) از مردم و منتظر نماندن برای اقدام خود مردم به پرداخت آن

خذ من أموالهم صدقه

به کارگیری امر <خذ> (بگیر) به جای مثلا <تقبل> حکایت از آن دارد که حاکم اسلامی نباید در انتظار پرداخت صدقه باشد؛ بلکه باید خود اقدام به أخذ آن کند.

۶ اجازه خداوند به پیامبر (ص) در مورد گرفتن صدقه (زکات) از جهاد گریزانی که به گناه خویش معترف بودند .

و ءآخرون اعترفوا بذنوبهم . . . خذ من أموالهم صدقه

برداشت فوق با توجه به شأن

نزول آیه است که برخی از متخلفان از جنگ تبوک، نادم شدند و در قبال خطای خویش، پیشنهاد کردند که تمام اموالشان را به عنوان صدقه بپردازند.

محمد(ص) و تقسیم صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۹ - ۳

۳ تأیید صریح خدا نسبت به عملکرد پیامبر (ص) در مورد نحوه تقسیم صدقات میان مسلمانان

و لو أنهم رضوا ما آتاهم الله و رسوله

محمد(ص) و متعلق صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۴

۴ تعیین اموال متعلق صدقه (زکات) و مقدار آن، بسته به نظر پیامبر (ص) و حاکم اسلامی است.

خذ من أموالهم صدقه

نکره آمدن <صدقه> و عدم تعیین مقداری خاص از آن، احتمالاً اشاره به این دارد که موارد فوق، مبتنی بر صلاحدید پیامبر (ص) و حاکم اسلامی است.

مراد از اخذ صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <... الأخذ فی وجه القبول منه (الله عز وجل) كما قال: > و يأخذ الصدقات < ای یقبلها من أهلها و یشیب علیها... >

<اخذ> در یک وجه [به معنای] قبول از طرف خدای عز و جل می باشد، چنان که فرموده: <و يأخذ الصدقات>؛ یعنی صدقات را از اهل آن قبول می کند و برای آن ثواب می دهد...>.

تقسیم صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۹

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقة للفقراء... و العملین علیها

برداشت فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

مصارف صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۲۶، ۲۵، ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۴، ۲، ۱

۱ لزوم پرداخت صدقات و زکات به نیازمندان (فقرا) ، تهیدستان (مساکین) و کارگزاران امور صدقات

إنما الصدقة للفقراء و المسکین و العملین علیها

۲ وجوب صرف صدقات بر تألیف قلوب ، آزادی بردگان ، بدهکاران ، راه خدا و در راه ماندگان

إنما الصدقة... و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین و فی سبیل الله و ابن ال

۴ صرف صدقات (زکات) ، بجز در موارد هشتگانه (فقرا و...) ممنوع است .

إنما الصدقة للفقراء... و ابن السبیل

آیه شریفه در مقام بیان موارد صرف صدقات است. به کارگیری کلمه <إنما> که برای افاده حصر است بیانگر این است که صرف صدقات در غیر موارد هشتگانه ای که آیه شریفه متعرض آن شده، ممنوع است.

۱۶ صرف صدقات در مورد بردگان ، بدهکاران ، راه و در راه ماندگان ، فقط برای تأمین نیازهای آنان است ، نه تملیک به ایشان .

و فی الرقاب... و ابن السبیل

با توجه به اینکه برای چهار مورد اخیر، به جای

لام ملکیت، حرف <فی> که بیانگر جهت صرف صدقات است به کار گرفته شده، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۹ منحصر شدن مصارف صدقات از سوی خداوند در موارد هشتگانه (فقرا و ...) نشأت گرفته از علم و حکمت اوست .

إنما الصدقات للفقراء .. و الله علیم حکیم

۲۰ از امام صادق (ع) درباره قول خدای تعالی <إنما الصدقات ...> روایت شده است که فرمود: <ان جعلت ها فیهم جمیعاً و ان جعلت ها لواحد اجزاء عنک ;

صدقات را چه به مصرف همه هشت صنف برسانی و چه به مصرف یک صنف، مجزی است.>

۲۵ عبدالرحمان بن حجاج گوید: <ان محمد بن خالد سأل ابا عبد الله عن الصدقات قال: اقسامها فیمن قال الله: و لا یعطى من سهم الغارمین الذین ینادون نداء الجاهلیه قلت: و ما نداء الجاهلیه؟ قال: الرجل یقول: یا آل بنی فلان فیقع فیهم القتل و الدماء فلا یؤدی ذلک من سهم الغارمین و الذین یغرمون من مهور النساء ... و لا الذین لا یبالون بما صنعوا من اموال الناس ;

محمد بن خالد از امام صادق (ع) درباره [مصرف] صدقات سؤال کرد، حضرت فرمود: آن را بین کسانی که خداوند فرموده تقسیم کن ولی از سهم غارمین به آنان که مانند زمان جاهلیت ندا می دهند داده نمی شود. من پرسیدم: ندای جاهلیت چه بوده است؟ فرمود: شخصی ندا می کرد: <یا آل فلان> [و قبیله خود را به کمک می طلبید]. و در بین آنان کشتار

و خونریزی واقع می شد. این خسارتهای از سهم <غارمین> داده نمی شود و نیز بدهکاریهای اشخاص بابت مهرهای زنان و بدهی افرادی که در مصرف اموال مردم بی باک هستند [از آن سهم پرداخت نمی گردد].<

۲۶ از امام صادق (ع) روایت شده است: *إن أناساً من بنی هاشم اتوا رسول الله (ص) فسألوه أن يستعملهم علی صدقات المواشی و قالوا: یكون لنا هذا السهم الذی جعله الله للعالمین علی ها فنحن أولى به* ، فقال رسول الله (ص) *یا بنی عبدالمطلب ان الصدقه لا تحل لی و لا لکم ...* ;

جمع از بنی هاشم به خدمت رسول خدا (ص) آمده، از آن حضرت خواستند ایشان را بر جمع آوری صدقات چهارپایان بگمارد و گفتند: [این درخواست را بپذیرید تا] سهمی از صدقات که خداوند برای مأموران جمع آوری صدقات معین فرموده به ما برسد. پس ما به دریافت آن شایسته تریم. پیامبر (ص) فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! صدقه بر من و بر شما حلال نیست ...<

منافقان صدر اسلام و صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۵

۵ چشمداشت منافقان صدر اسلام به دریافت صدقات ، با وجود عدم استحقاق آنان

و منهم من یلمزک فی الصدقت فإن أعطوا منها رضوا .. . إنما الصدقت للفقراء ... و ابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۶ - ۷

۷ بخل ورزی منافقان صدر اسلام از پرداخت صدقات ، روی گردانی از تعهد و اعراض از

قرار گرفتن در صف صالحان بود .

و منهم من عهد الله . . . و تولوا و هم معرضون

منافقان و تقسیم صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۶

۶ تصور غلط منافقان ، در مورد نبودن ملاک و معیار در تقسیم صدقات و انجام آن به دلخواه پیامبر (ص)

و منهم من يلزمك في الصدقة . . . إنما الصدقة للفقراء . . . و ابن السبيل

تعیین موارد مصرف زکات از سوی خدا، به عنوان رد منافقان عیجوجو، اشعار به این دارد که: آنان گمان می کردند پیامبر(ص) در کار خویش به دلخواه و بی ملاک و معیار عمل می کند.

منافقان و صدقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۱

۱ پیمان بستن برخی از منافقان صدر اسلام با خدا مبنی بر پرداخت زکات و صدقه و قرار گرفتن در صف صالحان ، در صورت برخورداری از مال و فضل الهی

و منهم من عهد الله . . . و لنكونن من الصالحين

صدیقان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صدیقان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۶ - ۳

۳- حضرت ادریس (ع) ، از صدیقان و دارای مقام نبوت بود .

إنه كان صدیقاً نبیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۶

۶ - کسانی که به خدا و همه پیامبران او ایمان دارند ، در زمره صدیقان و شهدا (گواهان) ، قرار می گیرند .

و الذین ءامنوا باللّٰه و رسله

أولئك هم الصّديقون و الشّهداء

<شهید> (مفرد <شهداء>) به معنای گواه است.

پاداش اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند؛ یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آن ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

تقرب صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۷

۷ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصّديقون و الشّهداء عند ربّهم

فضایل اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم ... و نورهم

فضایل صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۵، ۴

۴ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان برخوردار از نعمت عظیم الهی

و من یطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم . . و الصالحین

تصریح به اسم جلاله <الله> در جمله <انعم الله علیهم>، دلالت بر عظمت آن نعمت دارد.

۵ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاص

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع الله و الرسول فاولئك مع الذين انعم الله

با توجه به آیه قبل، که

اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و .. قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و ... رهروان صراط مستقیم هستند.

۷ پیامبری ، صدیق ، شاهد و صالح بودن ، مقامی رفیع و نعمتی بزرگ *

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . و الصالحين

بنابراین احتمال که مراد از نعمت در <انعم الله عليهم>، همان مقام نبوت و .. باشد.

۸ مقام برتر پیامبران بر صدیقان ، و صدیقان بر شاهدان ، و شاهدان بر صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين . . . و الصالحين

ترتیب درجات از ترتیب در ذکر استفاده شده است.

۱۰ مقام پیروان ، صدیقین ، شاهدان و صالحان بالاتر از مقام اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

و من يطع الله و الرسول فاولئك .. الصالحين

۱۱ مقام والای انبیا ، صدیقان ، شاهدان (گواهان اعمال یا عالمان یا کشته شدگان در راه خدا) و صالحان

فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۳

۳ پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، بهره مند از تفضّل خاص الهی

من النبيين و الصديقين . . . ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه <ذلك> اشاره به انعام مستفاد از جمله <الذين انعم الله عليهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۷۸

۷ - صدیقان و شهدا (گواهان)

، غنوده در جوار قرب الهی

هم الصّدّيقون و الشّهداء عند ربّهم

۸ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، مورد عنایت و لطف ویژه خداوند

الصّدّيقون و الشّهداء عند ربّهم

اضافه <ربّ> به ضمیر <هم> اضافه تشریفی و بیانگر توجه خاص و عنایت ویژه خداوند به صدیقان و شهدا است.

نورانیت اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت دارای نورانیتی ویژه و مخصوص به خود هستند .

لهم ... و نورهم

همنشینی با صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۲، ۹، ۶، ۱

۱ مصاحبت با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت از خدا و رسول (ص)

و من یطع الله و الرّسول .. و الصّالحین

<صدّیق>، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی برآند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

۶ پیروان خدا و رسول (ص) ، از همنشینان بهشتی پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان خواهند بود .

و من یطع الله .. فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النّبیین ... و الصّالحین

چون مصاحبت و همنشینی با پیامبران برای همه پیروان آنان در دنیا تحقق نمی یابد، بنابراین زمان آن، آخرت و مکانش

بهشت است.

۹ همنشینی و مصاحبت با پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، از نعمت های الهی در بهشت

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم

از اینکه همنشینی با پیامبران و .. پاداشی برای پیروان خدا و رسول (ص) شمرده شده است، برداشت فوق به دست می آید.

۱۲ پیامبران ، صدیقین ، شاهدان و صالحان ، رفیقان و همنشینانی نیکو برای پیروان خدا و رسول (ص)

و من یطع الله و الرسول .. و حسن اولئک رفیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۰ - ۱،۲

۱ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، دارای فضیلتی کامل

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین .. ذلك الفضل من الله

بنابر اینکه <ذلك>، اشاره به معیت و رفاقت در آیه قبل باشد، و فضیلت کامل بر این مبناست که <الفضل> خبر برای <ذلك> باشد.

۲ معاشرت و همنشینی با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، تفضلی الهی برای اطاعت کنندگان از خدا و رسول (ص)

فاولئک مع الذین .. ذلك الفضل من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۱ - ۵

۵ مجاهدان راه خدا ، همنشین با پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان

فاولئک مع الذین انعم الله علیهم .. یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم

صدیقین

{صدیقین}

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - > قال رسول اللہ (ص) الصديقون

ثلاثه : حبيب النجار مؤمن آل ياسين الذى قال < يا قوم اتبعوا المرسلين ... > ;

از رسول خدا روايت شده كه صديقين سه نفرند: [اول] حبيب نجار همان مؤمن آل ياسين است كه گفت: < يا قوم اتبعوا المرسلين .. > < ... > .

صراط مستقيم از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

{ صراط مستقيم }

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۴۲، ۴۳

۴۲ هدف از بعثت انبيا و ارسال كتاب هاى آسمانى ، راهنمايى انسان ها به صراط مستقيم است .

فبعث الله .. و الله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم

۴۳ خداوند هر كه را بخواهد ، به صراط مستقيم هدايت مى كند .

و الله يهدى من يشاء الى صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۱ - ۸، ۹

۸ صراط مستقيم ، عبادت و پرستش خداوند است .

ان الله ربى و ربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم

۹ پرستش و عبادت خدا ، راهى است مستقيم به سوى او (كمال مطلق)

فاعبدوه هذا صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۵۸

۵ تمسك به خدا و پيروي كامل از او ، عامل حتمى هدايت آدمى به صراط مستقيم

و من يعتصم بالله فقد هُدى الى صراط مستقيم

فعل ماضی <هُدى> با صیغه مجهول، دلالت بر تحقق حتمی هدایت در صورت اعتصام به خدا دارد.

۸ هدف و انگیزه از تلاوت آیات الهی (انزال قرآن) و ارسال پیامبران ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

انتم تتلى عليكم آيات الله و فيكم رسوله و من يعتصم بالله فقد هدى الى صراط مس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ هدایت به صراط مستقیم ، نتیجه عمل به احکام و مواظب الهی

و لو انهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

۲ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و رضایت از حکم وی و تسلیم او بودن ، از عوامل هدایت و دستیابی به صراط مستقیم است .

حتى یحکموک ... و لو انهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون به ... >، همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است؛ یعنی پذیرش حاکمیت پیامبر (ص) و...

۳ دستیابی به صراط مستقیم ، در سایه جانبازی ، هجرت ، فداکاری و تحمل مشکلات در راه خدا *

و لو انا کتبتنا ... و لو انهم فعلوا ما یوعظون به ... و لهدیناهم صراطا مستقیما

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون به > همان هجرت و جهاد باشد که در آیه ۶۶ مطرح شده است.

۴ هدایت به صراط مستقیم و دستیابی به آن ، نتیجه ثبات و پایداری در ایمان

و لو انهم فعلوا ما یوعظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تثیباً. و اذا ... و لهدینا

در برداشت فوق، جمله <و لهدیناهم>، نتیجه <اشدّ تثیباً> گرفته شده است.

۶ خداوند ، هادی انسان ها به صراط مستقیم

و لهدیناهم صراطاً مستقیما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۵

پیامبران ، صدیقان ، شاهدان و صالحان ، رهروان صراط مستقیم و برخورداران از هدایت خاص

و لهدیناهم صراطاً مستقیماً. و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله

با توجه به آیه قبل، که اطاعت کنندگان را راه یافته به صراط مستقیم می داند و در این آیه آنان را همراهان پیامبران و .. قلمداد می کند معلوم می شود پیامبران و ... رهروان صراط مستقیم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۶

۶ خداوند ، مؤمنان متمسک به او را ، به راه مستقیم هدایت می کند .

فاما الذین ءامنوا بالله و اعتصموا به .. و یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

۷ صراط مستقیم ، راه و روشی است که آدمی را به خدا برساند و به سوی او راهنما شود .

و یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

در برداشت فوق <صراطاً مستقیماً> عطف بیان برای <الیه> گرفته شده است، یعنی راه هایی که به <الله> ختم شود، صراط مستقیم است.

۱۰ هدایت به راه راست و رسیدن به خدا در گرو ایمان به خداوند و تمسک به وی

فاما الذین ءامنوا بالله و اعتصموا به .. یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

۱۱ هدایت به راه راست و رسیدن به خداوند ، در گرو ایمان به وی و تمسک به قرآن و پیامبر (ص)

فاما الذین ءامنوا بالله و اعتصموا به .. یهدیهم إلیه صراطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۳

۳۳ اقامه نماز ، پرداخت زکات ، ایمان به پیامبران

و نصرت آنان ، انفاق در راه خدا و وفاداری به پیمان های او ، راه میانه است .

لئن اقمتم الصلوه .. سواء السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹

۱۵ قرآن و پیامبر (ص) ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صراط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم>، قرآن و پیامبر(ص) باشد.

۱۶ خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه مستقیم

و یهدیهم إلی صراط مستقیم

بنابر اینکه فاعل <یهدیهم> خدا باشد. نیابردن قید <بازنه>، مؤید این احتمال است.

۱۷ هدف نهایی انبیا ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم

یهدیهم إلی صراط مستقیم

از اینکه به هنگام شمارش اهداف رسالت، هدایت به صراط مستقیم در آخر آمده است، برداشت فوق استفاده می شود.

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم ، در گرو ایمان به

قرآن و پیامبر (ص)

یاهل الکتب قد جاءکم رسولنا .. یهدیهم إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ ایمان به آیات الهی، صراط مستقیم است.

و الذین کذبوا .. من یشاء الله یضللّه و من یشاء یجعله علی صراط مستقیم

برداشت فوق از قرینه مقابله استفاده شده است. یعنی وقتی تکذیب آیات خداوند گمراه ساختن باشد، نقطه مقابل آن که ایمان به آیات است صراط مستقیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۱،۲

۱ اسلام و

روحیه تسلیم در برابر پروردگار، صراط مستقیم اوست.

هذا صراط ربك مستقيماً قد فصلنا الأيت

<هذا> می تواند اشاره با <للاسلام> در آیه پیشین باشد.

۲ گمراه کردن حقگريزان با ضيق صدر و هدايت حقپويان با شرح صدر، صراط مستقيم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صراط ربك مستقيماً

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضيق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۳،۴

۳ توحيد در عبادت و يکتاپرستی ، دين حنيف و صراط مستقيم است .

و أن أقم وجهك للدين حنيفاً و لا تكونن من المشركين

۴ اسلام ، دين حنيف و تنها راه مستقيم و بی انحراف برای بشریت است .

أقم وجهك للدين حنيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۱

۱- عبودیت و پاک بودن از هرگونه ناخالصی ، صراط مستقيم الهی است .

إلا عبادك منهم المخلصين . قال هذا صراط عليّ مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۹

۹- پرستش خدای یگانه و اعتقاد به توحيد ربوبی ، صراط مستقيم است .

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرْطٌ مُسْتَقِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۳ - ۱۶

۱۶- بندگی خدای یکتا، راه راست، معتدل و به دور از افراط و تفریط است.

أَهْدِكْ صِرْطًا سَوِيًّا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴ - ۱،۲،۳

۱ - راه پیامبر اسلام ، راهی مستقیم و به دور از کژی و انحراف

علی صراط مستقیم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که عبارت <علی صراط..> خبر دوم برای <إِنَّ> و به تقدیر <إِنَّكَ لَعَلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ> باشد؛ یعنی، قطعاً تو بر راهی راست قرار داری.

۲ - راه پیامبران الهی ، راهی مستقیم و به دور از کژی و انحراف

علی صراط مستقیم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که <علی صراط..> متعلق به <المرسلین> و به تقدیر <الذین أرسلوا علی صراط مستقیم> باشد؛ یعنی، قطعاً تو از جمله آن کسانی هستی که بر صراط مستقیم فرستاده شدند.

۳ - ادیان الهی و شریعت اسلام ، راهنمای انسان ها به راه راست بی هیچ کجی و انحرافی

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ . علی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۲

۲ - عبادت خداوند و پرهیز از اطاعت شیطان ، صراط مستقیم الهی

أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ .. وَ أَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۵

۵ - راه پیامبران ، راه مستقیم و بی انحراف

و هَدَيْنَهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۱۰

۱۰ - توحید ، صراط مستقیم ، به سوی معبود هستی

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۷۸

- راه پیامبر (ص) ، راهی مستقیم و به دور از هرگونه کژی و انحراف

إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

۸- تمسك جویندگان به قرآن و وحی ، در صراط مستقیم الهی اند .

فاستمسك بالذی .. إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۱

۱۱- راه وحی و پیامبر (ص) ، تنها راه مستقیم و به دور از کژی و انحراف است .

وَاتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۹

۹- عبودیت و بندگی انسان به درگاه پروردگار یگانه ، تنها راه مستقیم و طریق رستگاری است .

فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۲

۲- راه اسلام ، راهی هموار ، مستقیم و دارای مقصدی روشن

أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۷

۷- راه خدا ، راه راست و معتدل و به دور از افراط و تفریط و اعوجاج است .

لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

<استقامه > به معنای اعتدال و استواء است. (لسان العرب)

آثار اعراض از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ اعتقاد به توحید، نتیجه حق‌گرایی، و شرک، گمراهی و مولود گریز از راه مستقیم است.

وجهت وجهی . . . حنیفا و ما أنا من المشرکین

آثار سلوک صراط مستقیم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۲

۲ - تنها آن کسانی از تعالیم قرآن بهره می برند که خواهان حرکت در راه راست باشند .

لمن شاء منكم أن يستقيم

ابلیس و صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۵

۵ ابلیس، معترف و معتقد به مستقیم بودن صراط الهی

لأقعدن لهم صراطك المستقيم

اختلاف در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۸

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

ارزش صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ صراط مستقیم ، راهی والاتر از سبیل السلام و نیازمند هدایتی ویژه

یهدی به الله من اتبع رضونه سبیل السلم .. و یهدیهم إلی صراط مستقیم

مقدم داشتن هدایت به <سبیل السلام> بر هدایت به <صراط مستقیم>، گویای این است که برای رسیدن به صراط مستقیم باید از <سبیل السلام> گذشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۸ - ۲

۲ صراط مستقیم، ارجمند و با عظمت است.

و هدیٰ لهم إلی صراط مستقیم. ذلک هدی الله

استقامت در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۳- ایمان به آخرت ، اهرم پایندی انسان به ارزش های الهی و صراط مستقیم

و إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . و إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكِبُونَ

اقرار ابلیس به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۱۶ - ۵

۵ ابلیس، معترف و معتقد به مستقیم بودن صراط الهی

لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

انحراف از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ شرک ، انحراف از دین حنیف و صراط مستقیم است .

و أَنْ أَقْمِ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا و لَاتَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۶

۶- پیروی از دعوت های شیطان ، انحراف از راه مستقیم است .

و مَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ . . . لَمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

اهمیت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۸۷ - ۶

۶ صراط مستقیم، مرتبه ای عالی در مسیر هدایت است.

و هدینهم إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۰ - ۵

۵- اطاعت و تسلیم هر چه بیشتر در برابر خدا و بر راه مستقیم و معتدل بودن ، عامل ارجمندی فزون تر انسان نزد او

إِنْ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا

بازگشت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۳،۱۶

۱۳ - فلسفه

از دست رفتن امکانات دنیوی، در پی گناه، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم است.

ظهر الفساد فی البرّ .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعلّ> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

۱۶ - بازگشت انسان های گناهکار، به صراط مستقیم، حتی پس از تبه دادن شان قطعی نیست.

لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و توقع است، یعنی می خواهد بگوید: <امید است که بازگردند.>

ثابت قدمان در صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - تنها انسان درست کردار و ایستاده بر صراط مستقیم، شایستگی دعوت دیگران به عدل را دارد.

و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم

توصیف امر کننده به عدل به اینکه خود در صراط مستقیم باشد، در حقیقت بیان شرط شایستگی برای چنین مسؤولیت است.

حقیقت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۲

۲ - <صراط مستقیم> همان راه خداوند است.

صراط مستقیم . صراط الله

دعوت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

دعوت به عدالت و بر صراط مستقیم بودن ، منشأ قدرت ، استقلال و خیرات برای جامعه است .
أحدهما أبکم لایقدر علی شیء .. هل یستوی هو و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم
برداشت فوق، از تقابل <من یأمر بالعدل..> و <أحدهما أبکم... لایأت بخیر> به دست آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱- عیسی (ع) ، دعوت کننده مردم به صراط مستقیم

هذا صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، دعوت کننده راستین مردم ، به راه مستقیم

و إنک لتدعوهم إلی صراط مستقیم

دوری از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- کفر به ربوبیت خداوند ، گمراهی است و از صراط مستقیم فاصله بسیاری دارد .

الذین کفروا برّهم .. ذلک هو الضلل البعید

زمینه سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۳

۳- پیمودن صراط مستقیم ، نیازمند هدایت الهی است .

و هدينهما الصراط المستقيم

از اين كه خداوند به عنوان امتنان بر موسى و هارون (عليهما السلام) مسأله اعطای صراط مستقيم را مطرح فرمود، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان ، نیازمند امداد های مادی و معنوی خداوند ، برای حرکت مداوم در

طریق دین و ارزش ها

لتكون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

تعبیر <لتكون..> اخباری است که حکایت از واقعیت نیاز انسان به آیات و رهنمودهای خداوند دارد. تداوم این نیاز از <یهدیکم> که به صورت فعل مضارع آمده استفاده می شود.

زمینه هدایت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۸

۸ - بشارت و انذار ، دو نیاز ضروری بشر ، برای ره یابی به هدایت و انتخاب راه صحیح

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ .. وَ مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا

برداشت یاد شده بااستفاده از این نکته است که حقایق کتاب تشریح و محتوای رسالت پیامبران، منطبق بر نیازهای واقعی بشر است و خداوند در این آیه به دو عنصر بشارت و انذار، به عنوان اصول رسالت پیامبر اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجازآمیز خداوند ، از پیروزی های آینده مؤمنان ، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم ... و لتكون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

<آیه> به معنای معجزه است؛ زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

سالکان صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ انسانها بر اساس طینت اولی خویش سالکان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صرطك المستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - اعراف -

۱۱ شکر گزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقيم .. لا تجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۹

۹ - برخی انسان ها ، پس از رهایی از مشکلات و سختی های شدید ، در صراط مستقیم الهی باقی می مانند .

و إذا غشيه موج ... دعوا الله ... فلما نجّهم إلى البرّ فمنهم مقتصد

<قصد> ریشه <مقتصد> به معنای <راه راست و میانه> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۱،۲،۴

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدينيهما الصراط المستقيم

۲ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام)

و لقد منّا على موسى و هرون .. و هدينيهما الصراط المستقيم

۴ - در صراط مستقیم بودن ، از ویژگی های رسولان الهی

و هدينيهما الصراط المستقيم

سلوك در صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۷،۱۴

۷ وجوب پیروی از قوانین دین و حرکت در صراط مستقیم الهی

و أن هذا صرطى مستقيماً فاتبعوه

۱۴ سلوک در صراط مستقیم (عمل به قوانین دین) و پرهیز از حرکت در راههای غیر الهی، توصیه خدا به انسانهاست.

ذلکم وصیکم به

سلوک صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۱ - ۳

۳ - بودن در صراط مستقیم، خواسته و آرمان انسان ها

است .

و أن اعبدونى هذا صراط مستقيم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که جمله <هذا صراط مستقيم>، تعلیل برای امر به عبادت (أن اعبدونى) باشد و چون تعلیل باید به امری مسلّم و روشن انجام گیرد. پس بودن در صراط مستقيم برای آدمی، امری مسلّم و پذیرفته شده است.

سهولت صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۴

۴ - صراط مستقيم الهی ، راهی آسان و هموار و بدون پیچیدگی و دشواری است .

و الله يهدى من يشاء إلى صراط مستقيم

برخی از اهل لغت در فرق <سیل> و <طریق> با <صراط> آورده اند که: <صراط> تنها به راهی گفته می شود که آسان و هموار باشد و از هر گونه پیچیدگی و دشواری منزّه باشد (فروق اللغه).

عوامل استقامت در صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۴

۴ - راه یابی انسان به راه راست و پایداری بر پیمودن آن ، در گرو تصمیم و خواست خود او است .

لمن شاء منكم أن يستقيم

واژه استقامت، در معنای مداومت و ثابت قدم بودن نیز به کار می رود. (نهایه ابن اثیر)

عوامل هدایت به صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۵

۵- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق گرایی، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم (ع) در هدایت

شدنش به < صراط مستقیم >

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَّ لَمْ يَكُ مِنَ

المشركين . شاكراً لأنعمه اجتهبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۴

۴ - راه یابی انسان به راه راست و پایداری بر پیمودن آن ، در گرو تصمیم و خواست خود او است .

لمن شاء منکم أن یستقیم

واژه استقامت، در معنای مداومت و ثابت قدم بودن نیز به کار می رود. (نهایه ابن اثیر)

فرجام صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ - < الله > ، هدف نهایی < صراط مستقیم >

إلی صراط مستقیم .. ألا إلی الله تصیر الأمور

فطریت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۲

۱۲ - انسان به سرشت خویش جستجوگر راه راست است . *

و اتبعون هذا صراط مستقیم

برداشت بالا بدین احتمال است که تعبیر < هذا صراط مستقیم > پاسخی به روح جستجوگر آدمی باشد.

گرایش به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۸

۸ اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی . . . حنیفا و ما أنا من المشرکین

راغب در معنای حنیف می گوید: <حنف> تمایل به استقامت و دوری از گمراهی است. و چون <حنیفا> در آیه شریفه وصف برای فاعل <وجهت> است، تعلیلی برای مضمون <وجهت ...> محسوب می شود.

گمراهی از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف

۲ ابلیس به تلافی گمراه شدن خویش، با کمین کردن در صراط مستقیم، بر گمراه کردن مردم مصمم شد.

فبما أغويتني لأقعدن لهم صراطك المستقيم

کلمه <باء> در <فبما أغويتني> سببیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۵

۵- پرستش شیطان ، انحراف از راه راست و متعادل است .

فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكْ صِرَاطًا سَوِيًّا .. لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۸

۸- شرک و بت پرستی ، گمراهی و انحراف از صراط مستقیم است .

فَلَا يَنْزِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعِ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مَّسْتَقِيمٍ

مراد از صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۸، ۷

۷- یکتاپرستی و تنها از خدا یاری جستن ، < صراط مستقیم > است .

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ. إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.

<ال> در <الصراط> می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به حقایقی باشد که در آیات پیشین مطرح شده، و از آنهاست یکتاپرستی و تنها از خدا استعانت جستن.

۸- ایمان به خدا و صفاتش ، < صراط مستقیم > است .

الحمد لله رب العلمين .. إهدنا الصراط المستقيم

از حقایقی که <الصراط المستقیم> می تواند به آنها اشاره داشته باشد، ایمان به خدا و ربوبیت او و .. است که از <الحمد لله> تا <مالک يوم الدين> به دست می آید.

۱۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <...> ..

الصراط المستقيم < صراط الأنبياء و هم الذين أنعم الله عليهم ؛

.. < صراط المستقيم > راه انبیاست و آنانند که خداوند به آنها نعمت بخشیده است < .

۱۴ - < عن رسول الله (ص) أنه قال : [في قول الله عز و جل] < إهدنا الصراط المستقيم > دين الله الذي نزل به جبرئيل (ع) على محمد (ص) ... ؛

از رسول خدا (ص) روایت شده که [درباره سخن خدای عز و جل] <إهدنا الصراط المستقيم> فرمود: [مراد از صراط مستقيم] دين خداست که جبرئیل آن را بر محمد (ص) نازل کرده است. .. < .

۱۵ - < عن رسول الله (ص) و عن علي (ع) في معنى < صراط المستقيم > انه كتاب الله ؛

از رسول خدا (ص) و علی (ع) روایت شده که مراد از <صراط المستقيم> کتاب خداست < .

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است که : < الصراط المستقيم > أمير المؤمنين علي (ع) ؛

< صراط مستقيم > (راه) امير المؤمنين علي (ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - < عن جعفر بن محمد (ع) قال : قول الله عز و جل في الحمد > صراط الذين أنعمت عليهم ؛ یعنی ، محمداً و ذريته صلوات الله عليهم ؛

از امام صادق (ع) درباره <صراط الذين أنعمت عليهم> در سوره حمد روایت شده که مراد از <الذين أنعمت عليهم> حضرت محمد (ص) و ذریه او می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱۶

۱۶ حمران: سمعت أبا جعفر(ع) يقول: في قول الله تعالى: <و أن هذا صراطى مستقيما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل> قال: على (بن ابى طالب) و الاثمه من ولد فاطمه، هم صراط الله فمن أباهم سلك السبل.

امام باقر(ع) درباره صراط در آیه فوق <و أن هذا صراطى .. > فرمود: مراد، على بن ابى طالب(ع) و امامان از نسل فاطمه(س) هستند، هر کس از آنان دوری کند به راههای غیر الهی رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۶

۶ > عن رسول الله (ص) < الصراط المستقيم > الاسلام ;

از رسول خدا (ص) روایت شده که <صراط مستقیم> اسلام است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ > عن على ابن ابى طالب (ع) في قوله < إن ربى على صراط مستقيم > يعنى انه على حق يجزى بالاحسان إحساناً و بالسئىء سيئاً و يعفو عنمن يشاء و يغفر سبحانه و تعالى ;

از على(ع) درباره قول خدای تعالی <إن ربى على صراط مستقيم> روایت شده که معنای آیه این است: پروردگار بر طریق حق است، نیکی را به نیکی و بدی را به بدی پاداش می دهد و او که منزّه و بلند مرتبه است از هر کس بخواهد می گذرد و او را می آمرزد <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۴

۴ - > عن سلام

بن المستنیر الجعفی قال : دخلت علی ابي جعفر (ع) . . . قال : قلت : ما قول الله عزّوجلّ فی کتابه : > قال هذا صراط علیّ مستقیم < قال : صراط علی بن ابي طالب (ع) . . . ;

از سلام بن مستنیر جعفی روایت شده است که گفت: وارد بر امام باقر(ع) شدم و گفتم: مقصود از سخن خداوند عزّوجلّ در کتابش چیست که می فرماید: >قال هذا صراط علیّ مستقیم<؟ فرمود: [این راه]، راه علی بن ابي طالب(ع) است. <..

منشأ سلوك صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۹ - ۱

۱ - تصمیم انسان به آموختن و پیمودن راه راست ، در گرو اراده و خواست خداوند است .

و ما تشاءون إلا أن یشاء الله

مفعول محذوف >و ما تشاءون< به قرینه آیه قبل تعبیری نظیر >أن تستقیموا< است.

منشأ سهولت سلوك صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، پیمودن راه طاعت و حرکت در راه راست را ، برای انسان ها آسان ساخته است .

ثمّ السبیل یسرّه

>ال< در >السبیل< بیانگر ماهیت است. کلمه >السبیل< گرچه مطلق است، ولی به قرینه سیاق آیه که در مقام بیان معذور نبودن کافران است مراد راه طاعت خداوند است.

منشأ هدايت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۶ - ۵

۵ - هدايت شدن هر کسی به صراط مستقیم الهی ، به

مشیت و خواست خداوند بستگی دارد .

و الله يهدى من يشاء إلى صراط مستقيم

موارد صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۳ - ۱۷، ۲، ۳

۱ پرهیز از شرک، فرزندکشی، کردارهای شنیع، کشتن بیگناهان، تجاوز به دارایی یتیمان، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

ألا تشرکوا به شیئاً .. و أن هذا صرطی مستقیماً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر متکلم در <صراطی> خداوند باشد. صراط خداوند یعنی راهی که به سوی اوست.

۲ نیکی به پدر و مادر، عدالت در داد و ستد، پایبند بودن به پیمانهای الهی و به عدل سخن گفتن، راهی است راست برای حرکت به سوی خدا.

و بالولدين إحسناً .. و أن هذا صرطی مستقیماً

۳ احکام و قوانین الهی، صراط مستقیم است.

و أن هذا صرطی مستقیماً

۱۷ عن رسول الله (ص): .. معاشر الناس أنا صراط الله المستقیم الذی أمرکم باتباعه ثم علی من بعدی ثم ولدی من صلبه ائمه یهدون إلى الحق ...

از رسول خدا(ص) روایت شده است: .. ای مردم! من راه مستقیم خداوند هستم که (خداوند)، به پیروی از آن دستور داده و بعد از من، علی و فرزندان من از نسل وی امامانی هستند که مردم را به سوی حق دعوت و هدایت می کنند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۷

۷ دین اسلام، راهی است مستقیم، بدون کجی و انحراف

هدی نبی ربی إلی صرط مستقیم دینا قیما

<دینا> عطف بیان و یا بدل برای <إلی صراط>

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ - توحید و یکتاپرستی ، راه هدایت و صراط مستقیم

أَنَّ الْحَقَّ مِنْ رَبِّكَ . . . و إِنَّ اللَّهَ ... إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۹

۹ - توحید و یکتاپرستی ، راه هدایت و صراط مستقیم است .

و ادعِ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ

موانع صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۸ - ۵

۵ وابستگی به دنیا و بی‌اعتنایی به مواعظ الهی و پیروی نکردن از احکام پیامبر (ص) ، مانعی برای نیل به صراط مستقیم

فلا وَ رَبِّكَ . . . و لو أَنَا كَتَبْنَا ... و لو أَنهْم فَعَلُوا ... و لَهْدِينَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۲ - ۳

۳ - پیروی از شیطان ، عامل انحراف و بازماندن از صراط مستقیم

و اتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . و لَا يَصِدُّكُمْ الشَّيْطَانُ

وحدت صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ - صراط مستقیم و راه راست ، تنها یک راه است .

هذا صراط مستقیم

ویژگیهای صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۷

۷ - < صراط مستقیم > راهی است به سوی خدا که هرگز به انحراف و کجی نمی گراید .

إهدنا الصراط المستقیم. صراط الذین انعمت

عليهم

از توصیف <الذین .. > به وسیله <غیر المغضوب ... > معلوم می شود که مراد از <صراط الذین ... > راهی است که هرگز به انحراف و کجی نمی گراید و همین راه به صراط مستقیم نامیده شده است؛ زیرا <صراط الذین > عطف بیان برای <الصراط المستقیم > است.

هدایت به صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۵ - ۴

۴ خدا، رهنمون انسان ها به راه راست و معتدل و به دور از افراط و تفریط است .

و یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۴،۶،۸

۴- خداوند، حضرت ابراهیم (ع) را به < صراط مستقیم > هدایت کرد .

هده إلی صراط مستقیم

۶- انسان، نیازمند به هدایت الهی در راهیابی به < صراط مستقیم >

هده إلی صراط مستقیم

۸- کسب فضایل معنوی و کوشش خود انسان، مؤثر در توفیق یافتن او بر بودن در < صراط مستقیم >

إن إبرهیم کان أمه قانتاً لله حنیفاً .. هده إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۳

۳- قرآن، هدایتگر مردمان به خلل ناپذیرترین و استوارترین راهها

إن هذا القرءان یهدی للتی هی أقوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- راه یابی به صراط مستقیم ، هدف اصلی از عبادت خداوند است .

فاعبدوه هذا صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

۱۴- آگاهی های ویژه حضرت ابراهیم (ع) ، هدایت گرانسان ها به راه راست و به دور از افراط و تفریط

إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

<سوی> به چیزی گفته می شود که از افراط و تفریط مصون باشد(مفردات راغب). و <صراطاً سَوِيًّا>، یعنی راهی که از تعادل کامل برخوردار و از افراط و تفریط به دور باشد.

۱۵- پیامبران ، انسان ها را به راه تام و کامل و به دور از افراط و تفریط هدایت می کنند .

فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۷ - ۱۱،۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، شخصیتی ره یافته به صراط مستقیم

إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

۱۱ - دعوت گمراهان به راه هدایت و صراط مستقیم ، وظیفه الهی تمامی ره یافتگان به آن

و ادع إلى ربك إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

جمله <إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ> تعلیل برای <و ادع إلى ربك> است؛ یعنی، چون تو بر طریق هدایت و در صراط مستقیم هستی، آن گمراهان شرک پیشه را به سوی پروردگارت دعوت کن، تا شاید از ضلالت و گمراهی نجات یابند و به راه تو باز گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۶

۶ - ابزار حسی و تعقلی انسان ، وسیله راه یابی او به شناخت حق و صراط مستقیم

و إِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ .. أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خداوند ، هدایت گر انسان ها به صراط مستقیم (راه معتدل ، میانه و متناسب)

و الله يهدى من يشاء إلى صراط مستقيم

<استقامت> (مصدر <مستقیم>) به معنای <اعتدال> و <استواء> است. به متوسط بین دو حال از نظر کمی و کیفی، بلندی و کوتاهی، سردی و گرمی و... <اعتدال> گویند و نیز هر شیء متناسب را، معتدل خوانند (لسان العرب).

۶ - آیات الهی (قرآن) ، بیانگر صراط مستقیم الهی و رهنمون کننده به این راه است .

لقد أنزلنا آيات مبینة و الله يهدى من يشاء إلى صراط مستقيم

خداوند متعال، در توصیف آیاتش فرمود: <آیات روشننگر> و ولی متعلق روشننگری را (این که چه چیز را روشن می سازد) بیان نمود و ولی ذیل آیه (و الله یهدی..) می تواند قرینه باشد که متعلق آن، صراط مستقیم الهی و هدایت به این راه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، هدایت کننده انسان ها به راه درست است .

و هو يهدى السبيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۸ - ۱،۲،۳

۱ - موسی و هارون (علیهما السلام) بر صراط مستقیم در پرتو هدایت خداوند

و هدينيهما الصراط المستقيم

۲ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند به موسی و هارون (علیهما السلام)

و لقد منّا على موسى و هرون .. و هدينيهما الصراط المستقيم

۳ - پیمودن صراط مستقیم ، نیازمند هدایت الهی است .

و هدينيهما الصراط المستقيم

خداوند به عنوان امتنان بر موسی و هارون (علیهما السلام) مسأله اعطای صراط مستقیم را مطرح فرمود، می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ - نزاع کنندگان و شاکیان ، از داوود (ع) خواستند که برای حل مشکلات و اختلافات اقتصادی آنها ، راه درست و میانه را به آنان بیاموزد .

و اهدنا إلی سواء الصراط

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که درخواست هدایت به راه درست، ممکن است به موضوع مورد اختلافشان مربوط باشد که از موضوعات اقتصادی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۱۴، ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، هدایت کننده انسان ها به صراط مستقیم

و إنک لتهدی إلی صراط مستقیم

۱۴ - پیامبر (ص) ، نشان دهنده صراط مستقیم به انسان ها و خداوند توفیق دهنده آنان به حرکت در مسیر آن

نهدی به من نشاء من عبادنا و إنک لتهدی إلی صراط مستقیم

تأمل در تفاوت دو هدایت، بیانگر معنای یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۳ - ۶، ۷، ۱

۱ - پیامبر اکرم (ص) ، هادی و رهنمای انسان ها به راه خداوند است .

و إنک لتهدی إلی صراط مستقیم . صراط الله

<صراط الله> بدل از <صراط مستقیم> در آیه قبل است؛ یعنی، <و إنک لتهدی إلی صراط الله> .

۶- تنها خداوند (مالک تمام هستی) ، می تواند راه راست و به دور از انحراف و گمراهی

را ترسیم کند .

صرط الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

۷- مکاتب غیر الهی ، عاجز و ناتوان در تعیین راه صحیح و درست برای جوامع انسانی

صرط مستقیم . صرط الله الذی

از این که <صرط مستقیم> به صراط خداوند، تعبیر شده است، می توان استفاده کرد که اندیشه شرک و دیگر مکاتب غیر الهی، نمی تواند راه صحیح را به انسان ارائه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، در مراحل مختلف زندگی خویش ، بهره مند از هدایت های الهی به سوی راستی و درستی

و یهدیک صراطاً مستقیماً

۱۱ - پیامبر (ص) ، نیازمند هدایت الهی ، برای رهنمون شدن به راه راست و صلاح

و یهدیک صراطاً مستقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۳

۳ - هدایت انسان به راه راست و آسان ساختن سلوک آن ، مهم تر از آفرینش اندام او است .

ثمّ السبیل

حرف <ثمّ> برای تراخی است و چنانچه جمله <ثمّ السبیل یسره>، تفسیر جمله <قدّره> و بیان گوشه ای از تقدیرات الهی درباره انسان باشد، مراد تراخی رتبی خواهد بود، یعنی، آنچه بعد از ثمّ ذکر شده است، والاتر و ارجمندتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۸ - ۳

۳ - قرآن ، هدایت گر مردم به راه راست

لمن شاء منكم أن يستقيم

<استقامه> در مورد انسان به معنای ملازمت او با راه راست است. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۹، ۵، ۲، ۱

۱ - درخواست هدایت به صراط مستقیم ، مهمترین خواسته انسان عارف به مقام الهی است .

الحمد لله .. إياك نستعين . إهدنا الصراط المستقیم

چنانچه <اهدنا الصراط المستقیم> در ارتباط با <الحمد لله رب العالمین ..> ملاحظه شود، حاوی این پیام است که انسان پس از شناخت خدا هدفش سلوک در صراط مستقیم خواهد بود؛ یعنی، همان راهی که خداوند منتهی الیه آن است.

۲ - لزوم دعا به درگاه الهی برای دستیابی به صراط مستقیم

إهدنا الصراط المستقیم

۵ - درخواست هدایت به < صراط مستقیم > شایسته ترین مورد برای استعانت از خدا

إياك نستعين . إهدنا الصراط المستقیم

اگر <اهدنا ..> در ارتباط با <إياك نستعين> در نظر گرفته شود، بیانگر این معناست که هدایت به صراط مستقیم بالاترین موردی است که آدمی در نایل شدن به آن، نیازمند یاری خداوند می باشد.

۶ - انسان بدون یاری شدن از جانب خدا ، از راهیابی به صراط مستقیم ناتوان است .

إهدنا الصراط المستقیم

۹ - هدایت همگان به صراط مستقیم ، آرمان انسان موحد است .

إهدنا الصراط المستقیم

به کارگیری <اهدنا> (ما را هدایت کن) به جای <اهدنی> (مرا هدایت کن) حاوی نکته ای است که در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۷ - ۸، ۳

۳ - هدایت به صراط مستقیم ، از نعمت های بزرگ خداوند است .

صراط الذین انعمت علیهم

اطلاق نعمت و اراده کردن نعمت هدایت، بیانگر این است که گوینده، نعمتهای دیگر را در مقابل نعمت هدایت، نعمت به حساب نمی آورد،

و این، حکایت از والایی نعمت هدایت دارد.

۸- الگوها و نمونه های عینی راه یافتگان ، دارای نقشی مهم در نیل به صراط مستقیم و سلوک در آن است .

إهدنا الصراط المستقیم. صراط الذین انعمت علیهم

از اینکه <صراط مستقیم> به راه انسانهای هدایت یافته تفسیر شده، می توان به این نکته رسید که انسان در نیل به صراط مستقیم نیازمند الگوها و نمونه های عینی راه یافتگان است و باید سالکان این طریق را بیابد و به ایشان اقتدا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۵، ۱۴، ۱۲

۱۲ - قبله شدن کعبه ، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

ما ولیهم عن قبلتهم ... یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

جمله <لله المشرق...> بیانگر این است که: کعبه و بیت المقدس هر دو ملک خداست و از این جهت تفاوتی ندارند و جمله <یهدی...> اشاره به این دارد که انتخاب کعبه به عنوان قبله، زمینه ساز هدایت انسانهاست و لذا آن را قبله همگان قرار داد.

۱۴ - خداوند ، هدایت کننده انسان ها به صراط مستقیم است .

یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

۱۵ - هدایت انسان ها به صراط مستقیم ، هدف از تشریح دین و جعل احکام از سوی خداوند است .

ما ولیهم عن قبلتهم ... یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۸، ۹

۸ پذیرش آیات خداوند، زمینه تعلق مشیت وی بر هدایت انسان به راه مستقیم

و الذین کذبوا بآیتنا ..

يجعله على صراط مستقيم

۹ عنایت ویژه الهی به برخی هدایت یافتگان یا مستقر ساختن آنان بر راه مستقیم

يجعله على صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۷ - ۱،۴

۱ خداوند برخی از پدران و فرزندان و برادران انبیای گذشته را (ابراهیم، اسحاق، یعقوب(ع) و...) برگزید و به صراط مستقیم هدایت کرد.

و من ءابائهم و ذریتهم و إخونهم و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

۴ پیامبران، برگزیدگان خداوند و رهیافتگان به صراط مستقیم هستند.

و اجتینهم و هدینهم إلی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۸ - ۱،۳،۴،۵

۱ دست یافتن به صراط مستقیم، هدایت ویژه خداوند است.

و هدینهم إلی صراط مستقیم. ذلک هدی الله

۳ راه یافتن به صراط مستقیم منوط به مشیت خداوند است.

ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده

۴ خداوند از میان بندگان خود، رهنوردانی برای طی صراط مستقیم بر می گزیند.

ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده

۵ عبودیت به درگاه خداوند، زمینه و شرط رهیابی به صراط مستقیم است.

ذلک هدی الله یهدی به من یشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۷

۷ نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به صراط مستقیم، از ملاکهای گزینش انبیا

كذلك نجزي المحسنين . . . كل من الصالحين ... هدينه إلى صراط مستقيم ... ءاتينهم الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۸

۸ توجه

به آیات و سنتهای خداوند و به یاد آوردن پیوسته آنها زمینه دستیابی به صراط مستقیم است.

و هذا صراط ربك مستقيما قد فصلنا الأيت لقوم يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۱ - ۱

۱ پیامبر(ص) هدایت یافته به صراط مستقیم

إنني هديني ربي إلى صراط مستقيم

صفات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صفات

آثار جهل به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۳

۱۳- برخی شبهه های عقیدتی انسان ، ناشی از عدم شناخت عمیق صفات الهی است .

أو لم يروا أن الله الذي .. قادر على أن يخلق مثلهم

از اینکه خداوند، برای رفع شبهه منکران معاد، آنان را به قدرت عظیم خویش توجه داده، نکته فوق قابل استفاده است.

آثار شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ شناخت خداوند و صفات او ، مایه امیدواربودن به رحمت و یاری اوست .

و أعلم من الله ما لا تعلمون .. و لا تأثسوا من روح الله

آثار صفات اخلاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - تأثیر خصلت های درونی و روحيات انسان ، در دیدگاه و شناخت وی

كذلك زين لفرعون سوء عمله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۹

۹ - انگیزه ها و خصلت های درونی انسان ها ، عامل تأثیرگذار در مجموعه رفتارها و شکل دهنده چگونگی آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَجْدُلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَنٍ

أَتِيهِمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۷

۷- ویژگی ها و خصایل اخلاقی (چون صبر و شکر) ، مؤثر در فهم معارف توحیدی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

با توجه به این که صبر و شکر از فضایل اخلاقی می باشد، از تعلیق فهم آیات الهی بر صبر و شکر استفاده می شود که ویژگی های اخلاقی، دارای نقشی مهم و اساسی برای درک معارف است.

آثار صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵- رفتار انسان متأثر از خصلت های درونی اوست .

لَأَمْسِكْتُمْ... وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا

احکام اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۴

۱۴- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

چنان که گفته شد، <سمی> به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است و ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند هر چند اعتباری بیش نیست ولی کاری ناروا است.

اختلاف در صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - اختلاف اهل کتاب با مسلمانان ، درباره خدا و صفات او *

و الذین یحاجون فی الله

بنابراین

که مراد از <الذین> اهل کتاب و <فی الله> خداوند و صفات او باشد، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

اسما و صفات در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۸ - ۳

۳- ذکر صفت های خداوند (صفات کمال و جمال) از آداب دعا به درگاه اوست .

رَبِّنا إِنَّكَ تَعْلَمُ ما نَخْفِي و ما نَعْلَن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۱،۴

۱- جواز خواندن خدا به هر یک از نام ها و اوصاف متعدد او

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

۴- توجه به ذات یکتای پروردگار ، مقصود اصلی در خواندن او با نام ها و صفات متعدد

أَيَّما تَدْعُوا فَلَهُ الأَسْماءُ الْحَسَنِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یاد کردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام نیایش و دعا

و أنت خير الورثين

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزندان شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

انذار از صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- پیامبر (ص) ، مأمور تذکر و هشدار به انسان ها نسبت به خصلت های نفسانی ناروای آنان

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربی إذا لأمسکتهم

اهمیت صفات جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - برطرف ساختن افکار انحرافی مردم در باره خداوند ، مقدم بر بیان صفات ثبوتی او است .

کی نسبحک کثیرًا . و نذکرک کثیرًا

در کلام موسی(ع)، تسبیح که ابطال عقاید ناروا است بر ذکر خدا مقدم شده است، بنابراین رتبه تخلیه، مقدم بر تخلیه است.

ایمان به صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۷

۷ - ایمان به خدا و صفات او ، مایه باور به حضور همگان در پیشگاه اوست .

الحمد لله رب العلمین .. إياک نعبد

تغییر اسلوب کلام در سوره حمد، یعنی التفات از غیبت به خطاب حاوی نکاتی است، از جمله اینکه آدمی پیش از آگاه شدن به صفات خدا مانند ربوبیت او بر هستی و .. گویا احساس نمی کند که خداوند بر همه چیز حاضر و ناظر است و ولی پس از باور به ربوبیت او و سایر صفاتش، خود و دیگران را در محضر خدا می یابد و او را در همه شؤونات حاضر می بیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۸

۸ - ایمان به خدا و صفاتش ، < صراط مستقیم > است .

الحمد لله رب العلمین .. إهدنا الصراط المستقیم

از حقایقی که < الصراط المستقیم > می تواند به آنها اشاره داشته باشد، ایمان به خدا و ربوبیت او و .. است که از < الحمد لله > تا < مالک يوم الدين > به دست می آید.

بهترین صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- تنها خداوند ، عالی ترین صفات را داراست .

و الله المثل الأعلى

۹- واجد عالی ترین صفات بودن ، دلیل تنزیه خداوند از نسبت های ناروای مشرکان

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم .. . كنتم تفترون . و يجعلون لله البنت

۱۰- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذين لا يؤمنون بالأخرة مثل السوء

عبارت <و الله المثل الأعلى> در مقام جواب به نسبت ناروایی است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست؛ در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۵

۵- تنها خداوند ، دارای اسمای حسنی (بهترین نام ها) و برخوردار از برترین صفات

أيُّما تدعوا فله الأسماء الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۳

۳- بهترین نام ها و اوصاف ، از آن خدای یگانه و زبینه او است .

له الأسماء الحسنی

<الأسماء> جمع با الف و لام است و افاده عموم می کند و <الحسنی> اسم تفضیل است و مفاد آیه این است که تمامی نام های بهتر و نیکوتر، مخصوص خداوند است. توصیف اسم ها به حسن و خوبی، حکایت از آن دارد که مقصود نام هایی است که در اصطلاح صرفی، صفت نامیده می شود، مانند: رازق، شکور و رحیم، زیرا اسمی که معنای وصفی ندارد، تنها برای اشاره به ذات است و

زشتی و زیبایی در باره آن معنا ندارد.

بی نظیری صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱۴، ۱۲، ۷

۷ - در نظر همه کائنات ، خداوند ، دارای صفات والا و بی مانند است .

و له المثل الأعلى فی السموت و الأرض

مراد از <المثل > صفات و شؤون و کمالات است.

۱۲ - عزت و حکمت خداوند ، مظهر عالی ترین صفات او است .

و له المثل الأعلى . . . و هو العزیز الحکیم

۱۴ - عالی ترین صفات را داشتن ، دلیل توانایی خداوند بر بازآفرینی آسان انسان هادر قیامت است .

ثمّ یعیده و هو أهون علیه و له المثل الأعلى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱۹

۱۹ - شریک قرار دادن موجودات مخلوق برای خداوند ، با بی همتایی او و داشتن عالی ترین صفات ، ناسازگار است .

و له المثل الأعلى . . . ضرب لکم مثلاً ... هل لکم من ما ملکتم أیمنکم من شرکاء ...

پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پرسش از صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۲

۲ - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألك عبادي عني فإني قريب

تجلی

صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۲۴

۲۴ قابلیت ، شرط بهره مندی از تجلی صفات الهی

و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً

جمله <لوجدوا الله> به این معناست که اگر بندگان گنهکار توبه و استغفار نکنند، یعنی قابلیتی در آنان نباشد، <تواب> و <رحیم> بودن خداوند را نمی یابند و شامل حال آنان نمی شود؛ نه اینکه خداوند <تواب> و <رحیم> نیست.

تذکر صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۱

۱- پیامبر (ص)، مأمور تذکر و هشدار به انسان ها نسبت به خصلت های نفسانی ناروای آنان

قل لو أنتم تملكون خزائن رحمة ربِّي إذا لمسكنم

تعدد اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۳

۳- صفات و اسمای متعدد خداوند، به تعدد در مسمی و به شرک در ذات او منجر نمی شود.

ادعوا الله أو ادعوا الرحمن أياً ما تدعوا فله الأسماء الحسنی

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که آیه، در صدد جواب مشرکان باشد که خوانده شدن خداوند با <الله> یا <رحمان> را، به معنای تعدد در مسمی و ذات او می گرفتند.

تغییر صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خداوند ، می تواند انسان ها را خوی فرشتگی بخشد و آنان را مطیع و فرمانبر خویش قرار دهد .

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة فى الأرض يخلفون

برداشت یاد شده

بنابراین نکته است که مراد از <لجعلنا منكم ملائکه> این باشد که، می توانیم خوی عصیان و طغیان را از شما باز گیریم و شما را همانند ملائکه مطیع و فرمانبردار خود قرار دهیم. علامه در <المیزان> این احتمال را پذیرفته اند.

تقدیر صفات جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۶

۶ - توانمندی های انسان و ویژگی های جسمی ، اخلاقی و رفتاری او ، دارای میزانی تعیین شده از سوی خداوند

فقدّره

حدّ نهایی و اندازه هر چیزی را <قدر> آن می گویند (مقایس اللغه). بنابراین، تقدیر یعنی، اندازه و مقدار چیزی را مشخص ساختن.

تکذیب صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ - شرک ، در حقیقت کفر به خدا و انکار صفات کمالی او است .

و من يدع مع الله .. إنه لا يفلح الكفرون

<کافرون> می تواند در مقابل <مؤمنون> باشد و یا در مقابل <شاکرون>. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

توسل به اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - توسل به اسما و صفات الهی ، از آداب نیایش و زمینه اجابت دعا *

ربّنا إنّک رءوف رحيم

ذکر اوصاف متعدد خداوند (ربّ، رؤوف و رحيم) در این آیه که رهنمودی است به دعا کنندگان بیانگر مطلب یاد شده است.

خدا و صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱ - ۱،۴

۱ - تسبیح

خداوند و دور نگه داشتن نام های او از اوصاف ناروا، وظیفه ای الهی برعهده پیامبر (ص)

سَبِّح

۴- نام خداوند، هرگز نباید با اثبات صفات ناشایست و سلب صفات بایسته، همراه شود.

سَبِّح اسم رَبِّكَ

تسبیح و تقدیس و تنزیه به یک معنا است (مصباح). مراد از تسبیح نام خداوند، پاک و دور از عیب معرفی کردن آن است که مستلزم چند چیز است: ۱. همراه نساختن نام خداوند با وصفی ناشایست؛ ۲. حمل نکردن نام او بر معنایی نادرست؛ ۳. سلب نکردن صفات نیکو از آن؛ ۴. به کار نبردن نام های اختصاصی خداوند برای غیر او؛ ۵. پرهیز از بی احترامی به نام های او. برداشت یاد شده به برخی از امور یاد شده نظر دارد.

دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۳

۳- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سراسر هستی، دلیل منزّه بودن او از نسیان

و ما كان رَبِّكَ نَسِيًّا . رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا

ذکر صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما كان رَبِّكَ نَسِيًّا . رَبِّ السَّمَوَاتِ ... فاعبده واصطبر لعبادته

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

ذکر صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللهم فاطر السموت .. علم ... أنت تحکم بین عبادك فی ما كانوا فیہ یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۵ - ۲،۶

۲ - ذکر اوصاف خداوند و توجه همیشگی به آنها ، از آثار ترکیه است .

ترکی . و ذکر اسم ربّه فصلی

شناخت اسم، بدون شناخت مسمی حاصل نمی شود (مفردات راغب) و نمی توان تکلم به الفاظی را که ذهن برای آن معنایی تصور نکرده است، <ذکر اسم> نامید. بنابراین یاد نام های خداوند، ملازم با یاد محتوای آنها است که بر ویژگی های او دلالت دارند. عطف این آیه بر <ترکی> در آیه قبل، بیانگر مقدمه بودن ترکیه برای <ذکر اسم> است.

۶ - یاد نام و اوصاف خداوند ، سوق دهنده انسان به عبادت و نماز است .

و ذکر اسم ربّه فصلی

ذکر صفات خدا هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱ - ۹

۹ - لزوم توجه به صفات و نشانه های خداوند ، هنگام قرائت قرآن

اقراً باسم ربّك

حرف <باء> در <باسم ربّك>، برای الصاق یا استعانت و یا مصاحبت است. و در صورت اخیر مفاد آیه شریفه لزوم همراه ساختن تمام لحظات قرائت با ذکر اسم خداوند است. در حقیقت مراد توجه به صفات و نشانه هایی است که این اسم، بیانگر آن است.

زمینه ادراک صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ - مطالعه جهان طبیعت ، زمینه پرورش روح توحیدی و درکی ژرف از صفات خداوند است .

فانظر إلی ءاثر رحمت اللّٰه . . و هو علی کلّ شیء قَدیر

زمینه تنزیه اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۲ - ۵

۵ - باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سَبِّح اسم . . الذی خلق فسوٰی

شناخت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۵

۵ - میسر بودن شناخت صفات و افعال خداوند (چون رازقیت او) برای انسان ها

أولم يعلموا أنّ الله یسط الرزق لمن یشاء و یقدر

از سرزنش شدن کسانی که مشیت خداوند در روزی را نشناخته اند، برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا سرزنش از انجام ندادن کاری، نشان دهنده آن است که آن کار برای انسان مقدور و میسر است.

صفات آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۲ - ۲

۲- آتش دوزخ ، دارای صدای وحشتناک است .

لا یسمعون حسیسها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۲،۴

۲ - آتش دوزخ ، دارای ناخوشایندترین صدا های مخصوص به خود

لها شهیقاً

مطلب یاد شده، از <لام> اختصاص در <لها> استفاده شده است.

۴ - آتش دوزخ ، دارای فوران و جوشش

و هی تفور

صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۵

۵ - > عن أبي مریم عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن قول الله عزوجل > و أرسل عليهم طيراً أبابیل . ترمیهم بحجاره من سجیل < قال : كان طیر سافاً جاءهم من قیل البحر رؤوسهم كأمثال رؤوس السباع و أظفارها كأظفار السباع من الطیر مع کلّ طائر ثلاثة أحجار فی رجلیه حجران و فی منقاره حجر فجعلت ترمیهم بها حتّی جُردت أجسادهم فقتلهم [فقتلتهم خل] بها . . . ;

ابی مریم گوید: از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزوجل > و أرسل عليهم طيراً أبابیل . ترمیهم بحجاره من سجیل < سؤال کردم حضرت فرمود: پرنده‌گانی که در سطح پایین پرواز می کردند از جانب دریا به سوی آنان آمدند. سرهای آنها مثل سرهای درندگان و چنگال‌های آنها نیز مثل چنگال‌های پرنده‌گان درنده بود و با هر پرنده سه سنگ [بود]؛ دو سنگ در پاهایش و سنگی در منقارش با آن سنگ‌ها [سپاه ابرهه] را هدف قرار می دادند تا این که در بدن‌های آنان آبله پدیدار شد که با همان سنگ‌ها آنان را نابود کردند.<

صفات ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۷۸

۷ - ابراهیم (ع) ، انسانی حق‌گرا و گریزان از باطل

مله ابرهیم حنیفاً

>حنیف< به کسی گفته می شود که از ضلالت روی برتابد و به طریق مستقیم روی آورد. (مفردات راغب)

۸ - ابراهیم (ع) ، هرگز به شرک گرایش

پیدا نکرد و از مشرکان نبود .

و ما كان من المشركين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ ابراهیم (ع) ، اهل دعا و نیایش بسیار و شخصیتی حلیم و بردبار بود .

إن إبراهيم لأواه حلیم

در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: <لأواه الدعاء>: یعنی اوّاه کسی است که بسیار دعا و نیایش کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۵

۵- پذیرش مهمان هر چند که ناشناس باشد از خلق و خوی ابراهیم (ع) بود .

و تَبَّئَهُم عن ضيف إبراهيم . إذ دخلوا عليه ... قال إنا منكم وجلون

ترس و اضطراب ابراهیم(ع) از حضور مهمانان (إنا منكم وجلون) نشان می دهد که آنان برای ابراهیم(ع) ناشناخته بودند و اگر آن حضرت آنان را می شناخت هراس بر نمی داشت. پذیرش مهمان ناشناخته گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۷ - ۶

۶- حضرت ابراهیم (ع) از جهت فرایند جسمی و حالات روحی و نیز در روابط موجود میان انسان ها ، همانند سایر مردم بود .

و تَبَّئَهُم عن ضيف إبراهيم . .. قال إنا منكم وجلون ... مسنى الكبر ... قال فما خطبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۱

۱- شکرگزاری در برابر نعمت های الهی ، از اوصاف و ویژگی های حضرت ابراهیم (ع)

إن إبرهيم كان .. شاكراً لأنعمه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۸۳ - ۲

۲ - ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

و إِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لازمه پیرو بودن ابراهیم(ع) در سیر و سلوک زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوک نوح پیامبر(ع) است.

صفات اخرویمناقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۶

۶ - ثابت ماندن روحیه نفاق برای منافقان در قیامت

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ

صفات اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۶

۶ - تجلی خوی استکباری ، در موضع گیری اشراف علیه دعوت انبیا

لَقَدْ وَعَدْنَا .. . إِنَّ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

به ریشخند گرفتن دعوت پیامبران و افسانه خواندن آن، بیانگر مطلب یاد شده است.

صفات اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملؤا الذين كفروا

صفات اصحاب شمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۲ - ۳

۳ - تکذیب و گمراهی ، دو ویژگی اصلی اصحاب الشمال

و أما إن كان من المكذبين الضالين

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که در توصیف اصحاب الشمال به جای ذکر همین عنوان، وصف >المکذبین الضالین< آمده است.

صفات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۳

۳ - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

كُلُّ مَا جَاءَ أُمَّهُ رَسُولَهَا كَذَّبُوهُ

صفات انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۷ - ۱۴، ۱۵

۱۴ - پیامبران ، از مسخره کردن و به بازیچه گرفتن مردم ، منزهند .

قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

۱۵ - پیامبران ، منزه از کردار های جاهلانه هستند .

قال أعوذ بالله أن أكون من الجهلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۳

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا .. و انصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱

۱ ساحت پیامبران ، پاک و منزه از هر گونه خیانت است .

و ما كان لنبی ان یغلّ

<یغلّ> از ماده غلول و غلل، به معنای خیانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۱۷، ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

يَا بَانَا اسْتَغْفِر لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِر لَكُمْ رَبِّي

۱۷ امیدوار ساختن مردم به مغفرت و رحمت الهی و بخشوده شدن گناهانشان ، شیوه ای پسندیده و از خصلت های پیامبران است .

سَوْفَ اسْتَغْفِر لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ

الغفور الرحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۴

۱۴- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمنک واهجرنی ... سأستغفر لک ربّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۴

۴- پیامبران ، برخوردار از خصلت های بشری

إذ ذهب مغضبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۵

۵ - تسلیم و انقیاد در برابر فرمان های خداوند ، صفتی بس ارزشمند و پیامبرگونه

فلما أسلما و تله للجبين

برداشت یادشده از آن جا است که آیه شریفه، در مقام تمجید از دو انسان والا و پیامبران الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۲ - ۵

۵ - صالح بودن ، برجسته ترین صفت پیامبران الهی

نبیًا من الصالحين

توصیف اسحاق(ع) به صالح بودن در حالی که پیامبران دارای اوصاف پسندیده دیگری نیز هستند می رساند که صالح بودن مهم ترین و برجسته ترین صفت برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۱ - ۳

۳ - عبودیت و بندگی خدا، برجسته ترین صفت رسولان الهی

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

یاد کردن از پیامبران با صفت <عبادنا> پیش از صفت <مرسلین>، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۰ - ۲

۲ - پیامبران، از نظر خصوصیات و ویژگی های انسانی

همانند دیگر انسان ها هستند .

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که یادآوری رحلت پیامبر(ص)، می تواند به خاطر این باشد که برخی از مردم، عقیده داشتند که پیامبر(ص) نباید بمیرد و باید حیات جاودانه و یا عمر طولانی داشته باشد. بر این اساس آیه شریفه، پیام آور این حقیقت کلی و عام است که همه انسان ها حتی پیامبران از نظر خصوصیات انسانی مانند روبه رو شدن با مرگ یکسان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۸

۸- ایمان به هدف و پابندی به آرمان های خویش ، از خصوصیات پیامبران است .

و الذی جاء بالصدق و صدق به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - شهامت و شجاعت در ابلاغ رسالت ، از صفات برجسته پیامبران الهی

و لقد أرسلنا .. فقال إني رسول ربّ العلمین

از این که موسی(ع) در کانون قدرت ستمگر عصر خویش، یک تنه نوای توحید سر می دهد و نیز با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا استفاده می شود.

صفات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و ...)

خلق الإنسن من عجل .. یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و یقولون متی .. > عطف بر

جمله <سأوريكم...> باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

و لاتتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۵ - ۸

۸ - انسان ، موجودی برخوردار از اختیار انتخاب راه نجات یا هلاکت خویش

و لاتلقوا بأیدیکم إلی التهلکه

آوردن کلمه <بأیدیکم> (با دستان خویش) رسای به این است که آدمی در نجات و هلاکت خویش، برخوردار از انتخاب و اختیار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۸

۸ قدرت و حکومت ، خصلت های درونی انسان را نمایان می سازد .

و اذا تولى سعى فى الأرض لىفسد فیها و یهلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۶

۶ بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به انفاق در راه خداوند و کار های خیر

من ذا الذی یقرض الله . . فیضاعفه له اضعافاً کثیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۱۶

۱۶ محدودیتِ توانِ انسان

و لا تحمّلنا ما لا طاقة لنا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و

التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفيه لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۵

۵ بشر در دستیابی به خواسته ها و تمایلات خود ، موجودی عجول و ناشکیباست .

و لو يعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخير

<الخير> به معنای هر چیز خوب و دلخواه است و <استعجال> منصوب به نزع خافض می باشد و تقدیر آن <کاستعجالهم بالخير> است یعنی، اگر خداوند نیز همانند انسانها که در رسیدن به خواسته های خود عجول و ناشکیبا هستند بی درنگ به مجازات بزهکاران می پرداخت و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۳

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه .. إذا لهم مكر في آياتنا

مفهوم آیه این است که: انسانها به جای شکر و سپاسگزاری در برابر نعمتهایی که به ایشان عطا کرده ایم، با آیات و نشانه های ما به نیرنگورزی و توطئه برخاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۴،۵،۳

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر دستگیری های خداوند

فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغير الحق

۴ انسان ، عنصری سست پیمان و عهدشکن

لئن أنجیتنا من هذه لنكونن من الشكرين. فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغير الحق

۵ انسان ، موجودی بیدادگر و خودکامه

إذا هم يبعون في الأرض بغير الحق

<بغی بنا حق > کنایه

از ستم کردن به دیگران و تجاوز به حقوق آنان است. به کارگیری فعل مضارع (بیغون) که مفید استمرار است بیانگر وجود خوی خودکامگی و قانع نبودن به حق خود و تجاوز به حقوق دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹ - ۵، ۶، ۲

۲ آدمی ، به هنگام از دست دادن امکانات و موهبت های دنیوی ، از رحمت الهی مأیوس شده و تدبیر خداوند در هستی را منکر می شود .

و لئن أذقنا الإنسن . . . إنه لیئوس کفور

<کفور> می تواند از کفر که به معنای انکار است گرفته شده باشد. بر این اساس جمله <إنه ... کفور> اشاره به این دارد که: انسان در پی برخوردار شدن از نعمت و سلب آن نعمت از وی چنین می پندارد که تبدیلهای و تغییرها در هستی به دست خداوند نیست و از اختیار او بیرون است.

۵ علاقه و دلبستگی شدید انسان به نعمتهایی که در اختیار دارد .

ثم نزعنها منه

کلمه <نزع> به معنای کندن است. به کارگیری این کلمه در سلب نعمت ، برای رساندن دلبستگی شدید انسان به موهبتهای دنیوی است.

۶ انسان از نظر روحی و روانی ، موجودی ضعیف و ناتوان است .

و لئن أذقنا الإنسن منا رحمه ثم نزعنها منه إنه لیئوس کفور

ذوق (ریشه لغوی أذقنا) به معنای چشیدن غذا برای درک مزه آن است. قرآن، اعطای نعمت را به چشاندن غذا تشبیه کرده است تا به این نکته اشاره کند که: انسان از نظر روحی و روانی، ضعیف است به گونه ای که حتی با دستیابی به اندکی

از موهبت‌های دنیوی و از دست دادن آن، نمی‌تواند خویشتن‌داری کند و سرانجام به کفر و ناامیدی کشیده می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۳، ۱۴

۱۳- انسان در برابر نعمت‌های بیکران الهی، بسیار ستم‌پیشه و ناسپاس است.

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

<ظلوم> و <کفّار> صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

۱۴- انسان به خویشتن‌ستمکار و در برابر نعمت و احسان، بسیار ناسپاس است.

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

مقصود از <ظلوم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده‌های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۴، ۵

۴- انسان، موجودی مجادله‌گر و ستیزه‌جو درباره خالق خویش است.

فإذا هو خصیم

<خصم> (مصدر <خصیم>) به معنای جدال و منازعه است (لسان العرب). درباره متعلق <خصیم> دو احتمال وجود دارد: B۱ متعلق آن خداوند باشد. ۲ حذف متعلق قرینه عمومیت و اطلاق باشد، یعنی، خصیم بودن از خصوصیات انسان است. برداشت فوق به قرینه صدر آیه گذشته که از خداوند خالق سخن می‌گوید بنابر احتمال اول است.

۵- جدال و ستیزه‌جویی، از جمله ویژگی‌های انسان است.

فإذا هو خصیم مبین

برداشت فوق، بر طبق احتمال دوم در متعلق خصیم است، یعنی، متعلق خصیم حذف شده تا دلالت کند که انسان پیوسته سعی در جدال و ستیزه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۳،۷

۳- انسان ، در برابر خیر های ناگوار انفعال پذیر است .

و إِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوَدًّا

۷- توانمندی انسان بر فرو خوردن خشم و کنترل احساسات خویش

و إِذَا بَشَّرَ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۱،۴

۱- انسان ، شرّ و بدی را چونان خیر و خوبی ، طالب و خواستار است .

و يَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ

مراد از <دعا> مطلق درخواست است اعم از اینکه به لفظ دعا باشد و یا به غیر آن.

۴- سرشت انسان ، آمیخته با عجله و شتابزدگی است .

و كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۷ - ۴

۴- خصلت های درونی آدمی ، پایه رفتار و کردار اوست .

و لَاتَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا

<مرحاً> حال برای ضمیر فاعلی <لاتمش> است و بر تأثیر آن حالت، در رفتار و راه رفتن دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۹،۱۰

۹- انسان ، موجودی بس ناسپاس و حق ناشناس

و كان الإنسان كفورًا

<کفور> صیغه مبالغه و برای مبالغه در کفران نعمت (نادیده گرفتن نعمت) است.

۱۰- غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلما نجکم إلى البرّ أعرضتم و كان الإنسان كفورًا

جمله <و كان الإنسان كفورًا> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱،۶

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسان أعرض و ثنا بجانبه

<ثنا> به معنای <بُعْد> (دوری می شود) است و <أعرض و ثنا بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

۶- انسان ، در برخورد با کمترین سختی ها و ناگواری ها ، دچار یأس و سرخوردگی شدید می شود .

و إذا مسّه الشرّ کان یوسّاً

تعبیر از گرفتار شدن به شرّ و سختی به <مسّه الشرّ> (شر او را مس کند) حاکی از کمترین ناگواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۰ - ۱۴،۱۳،۵،۴

۴- انسان ها ، حتی با مالک بودن تمامی خزاین رحمت پروردگار ، باز هم گرفتار بخل و نگران تهی دستی خویشند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربّی إذا لأمسکتکم خشیه الإنفاق

با توجه به اینکه خداوند، خصلت بخل را برای تمامی انسانها دانسته است (و کان الإنسان قتوراً) احتمال دارد که مخاطب (لو أنتم تملکون) تمامی انسانها باشند.

۵- انسان ها ، هر چند دارای ثروت و مکنت فراوان باشند ، باز هم گرفتار بخل بوده و دست از آن بر نمی دارند .

قل لو أنتم تملکون خزائن رحمة ربّی إذا لأمسکتکم خشیه الإنفاق

۱۳- انسان ها ، دارای روحیه خست و بخلند .

و کان الإنسان قتوراً

<قتور> صیغه مبالغه از <قتر> به معنای خودداری از پرداخت نفقه و اکتفا کردن به حداقل و قوت ناچیز است (مفردات راغب).

بخل ، دارای ریشه در نهاد بشر و خصلتی نیرومند در نوع انسانها

و كان الإنسان قتورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۴ - ۶،۷

۶- انسان ، مجادلگرتترین موجود هستی است .

و كان الإنسان أكثر شیء جدلاً

<جدل> یعنی: <گفتوگو به گونه نزاع و برتری طلبی> (مفردات راغب). البته، غالباً، جدال، در جایی به کار می رود که این نزاع و گفتوگو، با سخنان باطل و بی اساس باشد.

۷- انسان ، موجودی مباحثگر و نیازمند مشاهده دلایل و بیان های مختلف برای پذیرش حق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من كلّ مثل و كان الإنسان أكثر شیء جدلاً

بیان مجادلگری انسان، پس از اشاره به ارائه مثال ها و بیان های مختلف در قرآن، گویا به این نکته اشاره دارد که برای این موجود مجادلگر، سخن بسیار و با طرح های مختلف باید گفته شود تا او قانع شده و به راه هدایت، رهنمون گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۱،۲

۱- طبیعت آدمی ، بسیار عجول و شتابزده است .

خلق الإنسان من عجل

تعبیر <انسان از شتاب آفریده شده> کنایه از این است که شتاب در سرشت آدمی عجین شده است؛ و گرنه انسان از نطفه و .. آفریده شده است؛ نه از شتاب.

۲- آدمی تحت تأثیر گرایش های طبیعی انسانی قرار دارد؛ نه صرفاً متأثر از شرایط بیرونی .

خلق الإنسان من عجل

از این که خلقت بشر از خمیر مایه عجله و شتاب دانسته شده است، استفاده می شود که انسان ها فقط از شرایط

و محیط خارجی (جامعه، تربیت و ..) تأثیر نمی پذیرند، بلکه غرایز انسانی نیز در آنان مؤثرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبه می شوند نه از منطق و برهان .

و لئن مشتهم نفعه من عذاب ربك ليقولنّ یویلنا إنّنا کنا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۵

۵ - انسان ، آفریده ای بسیار ناسپاس در برابر خداوند

و هو الذی أحياكم .. إنّ الإنسن لکفور

<کفور> صیغه مبالغه و مشتق از ریشه <کفر> است. <کفر> گاهی در مقابل ایمان به کار می رود و گاهی در مقابل شکر. بنابراین <کفور> در جمله یاد شده، می تواند در مقابل <شکور> (بسیار سپاس گزار) و به معنای بسیار ناسپاس باشد. هم چنین می تواند به معنای بسیار بی ایمان باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۹

۹ انسان ، موجودی نیکوگزين و در اندیشه به دست آوردن بهترین ها

قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون

خداوند، مردم را به گزینش بهترین راه و روش زندگی، با مقایسه میان دو نوع طرز تفکر و روش زیستن، فراخوانده است. این فراخوانی، گویای این نکته است که گزینش بهترین و برترین، امری طبیعی و مشترک میان همه انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۱۰ - شادمانی ، در شرایط رفاه ، و کفر و ناسپاسی به هنگام سختی و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فَإِذَا أَصَابَ .. إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ... وَ لَئِن أُرْسِلْنَا رِيحًا ... مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۶۲ - ۲

۲ - انسان ، طالب خیر و دنبال بهترین ها برای خویش است .

أَذْلَكَ خَيْرٍ نَزَلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ

از پرسش درباره خوب یا خوب تر بودن دو نوع زندگی، می توان استفاده کرد که انسان طبیعتاً طالب خیر و به دنبال بهترین ها است؛ ولی در تشخیص آن ممکن است دچار خطا شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۴،۵

۴ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ دَعَا رَبَّهُ مَنِيئًا إِلَيْهِ

<إنابه> (مصدر <منياً>) به معنای رجوع است و <منياً إليه>؛ یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

۵ - انسان ها ، به هنگام گرفتاری و رنج ، به ناتوانی خود و قدرت یاری رسانی خداوند پی برده و اعتراف می کنند .

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ دَعَا رَبَّهُ مَنِيئًا إِلَيْهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۴

۴ - انسان ها ، هنگام گرفتاری و رنج ، روی به خدا آورده و او را به فریادرسی می خوانند .

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرْبٌ دَعَا

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۳

۱۳ - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لكن أكثر الناس لا يشكرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۴

۴ - سیطره یأس و ناامیدی بر انسان ، به هنگام مواجه شدن با سختی و ناکامی ها (شرور)

و إن مسّه الشّرّ فيئوس قنوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱

۱ - غرور و خودبینی آدمی ، پس از رفع گرفتاری و رسیدن به کمترین رفاه

و لئن أذقنه رحمه منّا من بعد ضراء مسّته ليقولنّ هذا لي

<رحمت> به قرینه <ضراء> کنایه از رفاه و آسایش است. از تنکیر <رحمه> که برای تقلیل است و نیز از واژه <أذقنا> (چشانندیم) مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۶

۶ - انسان ، موجودی کم ظرفیت در ملایمات و ناملایمات

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض .. و إذا مسّه الشّرّ فذو دعاء عریض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۶، ۱۵

۱۵ - انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوتاه بین و ناسپاس است .

و

إِنَّا إِذَا أَذَقْنَا .. وِإِنْ تَصْبِهِمْ ... الْإِنْسَانَ كَفُورًا

این که انسان در برخورد با اندک نعمت و یا سختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کومه نظری او است.

۱۶ - انسان ، گرفتار تناقض در مواجهه با خوشی ها و ناخوشی ها

إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مَنَا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وِإِنْ تَصْبِهِمْ سَيِّئَةً .. فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورًا

از مضمون آیه شریفه چنین استفاده می شود که انسان، در حال رفاه و آسایش یادی از خدا نمی کند؛ گویی منشأ آن نعمت ها کسی غیر خداوند است؛ ولی زمانی که ناگواری به او رو می آورد، خدا را متهم کرده و ناسپاسی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۸ - ۹

۹ - خصلت های روحی انسان ، دارای تأثیر عمیق بر شناخت های وی *

مستكبرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

تعبیر <مستكبرًا>، در صورتی که مشعر به علیت باشد، می فهماند که <کبر> به عنوان یک روحیه و خصلت بر دریافت های معرفتی و حسّی انسان تأثیر می گذارد و چه بسا آن را خنثی می کند (كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۴

۴ - انسان ، همواره در معرض لغزش و غفلت از خدا و فرو نهادن مسؤولیت ها *

لِكُلِّ أَوْابٍ حَفِيفٍ

واژه <أَوَابٍ> در جایی صادق است که فرد، گرفتار نوعی غفلت و لغزش شود و یا در معرض چنین مشکلی قرار داشته باشد

و

نیازمند به آن باشد که خویش را در مسیر توجه به خدا، حفظ کرده یا بدان مسیر متوجه سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۸ - ۴

۴ - لزوم توجه به روحیه تنوع طلب انسان ، در راستای انگیزش او به سوی ارزش ها *

ذواتا أفنان

از این که خداوند برای ترغیب انسان ها به ایمان و حق پذیری، بر نعمت های متنوع تکیه کرده است، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۸

۸ - بهره جستن از خصلت نفع طلبی انسان ها ، از روش های قرآن برای تشویق آنان به کار های خیر و انفاق در راه خداوند

و أقرضوا الله... يضعف لهم و لهم أجر كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب .. و تکاثر فی الأموال و الأولاد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - انسان ، موجودی بس بی صبر و

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا

<هلوع>، در دو معنا به کار می رود: ۱ جزوع (بی صبر و ناشکیبا)؛ ۲ حریص و آزمند (العین). برداشت یاد شده براساس معنای نخست است.

۲ - انسان ، موجودی حریص و آزمند

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - انسان هنگام مبتلا شدن به شرّ و بدی ، بسیار بی صبر و ناشکیبا است .

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

<جزع> ضد صبر است ؛ یعنی، بی صبری و ناشکیبایی (العین و قاموس المحيط).

۲ - بی صبری و ناشکیبایی در برابر بدی ها و شرور ، از ویژگی های انسان است .

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - انسان ، به هنگام دستیابی به خیر و خوبی ، از بهره مند شدن دیگران از آن به شدت منع می کند .

و إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

۲ - بخلورزی و خودداری از رسیدن خیر به دیگران ، از ویژگی های انسان

و إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - انسان ، موجودی بی نهایت طلب و افزون خواه ، در به چنگ آوردن ثروت و قدرت

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۱۵ - ۶

۶ - انسان ها ، هنگام برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزّت مند و با کرامت می پندارند .

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا ..

اکرام در فعل های <أكرمهُ> و <أكرمن>، به يك معنا نيست؛ زیرا لحن آيه شريفه گوينده <رَبِّي أَكْرَمَن> را نکوهش کرده؛ با آن که اکرام را در <أكرمهُ> پذيرفته است. بنابراین در <أكرمهُ> مراد <رساندن نفع بدون خواری و ذلت> است که در <مفردات راغب> از معانی اکرام شمرده شده و در <أكرمن> مقصود <با عظمت شمردن و بی عیب دانستن> است که در <قاموس> آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۵ - ۱

۱ - رفتار برخی از انسان ها، بسان کسی است که خود را شکست ناپذیر و تواناترین موجود می پندارد .

أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

فاعل <يَحْسِبُ> ضمیری است که به <الإنسان> در آیه قبل برمی گردد و به قرینه آیات بعد، روی سخن با مؤمنان حقیقی نیست؛ بلکه کافران و یا آنها و منافقان مورد نظر هستند. بنابراین باید گفت: عموم <الإنسان>، یا عموم عرفی است و مراد بیشتر مردمی است که در زمان نزول این آیات، در مکه بوده و از زمره مؤمنان حقیقی نبودند و یا ارجاع ضمیر به آن، به صورت استخدام بوده و تنها بخشی از افراد مرجع ضمیر، مقصود هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱،۱۰

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

<ال> در <الإنسان> برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند.

اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۱۰ - > قال رسول الله (ص) : < إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ > قال : لكفور الذی يأكل وحده ، و يضرب عبده و يمنع رفده ؛

رسول خدا(ص) [آیه] <إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ> را تلاوت کرده فرمود: [<لكنود> یعنی [ناسپاس، همان که به تنهایی غذا می خورد و غلام خود را می زند و از بخشش امتناع میورزد].

صفات اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۷

۷ - شرح صدر و برخورداری از نور و برهان های الهی ، از اوصاف صاحبان عقل و خردناب است .

لكن الذين اتقوا .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِأُولَى الْأَلْبَابِ . أفمن شرح الله صدره للإ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که آیه شریفه، تفریع بر دو آیه پیشین بوده و بیان برای آن دو باشد که در اوصاف تقوایندگان و صاحبان عقل و خردناب است.

صفات اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۳ - ۱

۱ ایمان و تقوایستگی ، از صفت اولیای خداست .

ألا إن أولیاء الله .. الذین ءامنوا و كانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۴ - ۳

۳- پذیرفتن عذرخواهی خطاکاران و قبول درخواست عفو و گذشت آنان ، از صفات اولیای الهی است .

لا تأخذنی بما نسیت .. فانطلقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرِ وَيَدْعُونَنا رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوا لَنَا خَشَعِينَ

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۶ - ۴،۵

۴ - نرسیدن از مرگ و مشتاق لقای خدا بودن ، نشان اولیا و دوستان خداوند است .

فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ

۵ - خداوند توسط پیامبر (ص) ، به یهود پیشنهاد کرد برای اثبات ادعای خود (این که آنان دوستان خدایند) ، آرزوی مرگ کنند .

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا.. فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

صفات اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دل‌بستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم... إِذَا هُمْ فِيهِ مَبْلُوسُونَ

<حَتَّىٰ> غایت برای <مَا يَتَضَرَّعُونَ> و <فَتَحَ> (مصدر <فَتَحْنَا>) به معنای گشودن است. <إِبْلَاسَ> (مصدر <مَبْلُوسُونَ>) نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از

عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] انومید خواهند شد.

صفات اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۳،۴

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ الله میثاق... و لا تکتمونه... لا تحسین الذین یفرحون بما اتوا

برخی برآنند که مراد از <الذین>، اهل کتاب هستند؛ چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۳ خودپسندی و شهرت طلبی عالمان اهل کتاب

لا تحسین الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسین الذین یفرحون بما اتوا

مراد از <ما اتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <و اشتروا به ثمناً>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

صفات اهل ناصره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۷ - ۵

۵- مردم شهری که موسی و خضر (ع) به آن وارد شدند، مردمی دور از خوی مهمان دوستی و غریب نوازی، دور بودند.

فأبوا أن یضیفوهما

صفات اهل یقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۵

۱۵ - تنها اهل یقین (کسانی که از عنادورزی و

لجاجة پیراسته اند) ، از آیات الهی بهره مند شده و در پرتو آن ، حقایق و معارف دینی را در می یابند .

قد بیّننا الآیة لقوم یوقنون

چون آیات و نشانه های صداقت پیامبر به همگان ارائه شده است، لام در <لقوم> لام انتفاع می باشد و جمله فوق چنین معنا می شود: ما آیات و نشانه ها را برای همگان بیان داشته ایم، ولی اهل یقین از آنها بهره می برند.

صفات بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۵

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون .. و یکتُمون ما اتیهم اللّٰه من فضله

صفات برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ برادران یوسف ، گروهی نیرومند ، کارآمد و عهده دار رتق و فتق امور پدرشان یعقوب بودند .

و نحن عصبه إن أبانا لفی ضلل مبین

<عصبه> به جماعتی گفته می شود که تعداد آنان از ده نفر افزون تر باشد و با یکدیگر پیوند داشته و هم دیگر را پشتیبانی کنند. لازمه این معنا نیرومند و کارآمد بودن آن گروه است. رابطه جمله <و نحن عصبه> با خطا پنداشتن محبت افزون تر یعقوب به یوسف و بنیامین، گویای این است که: برادران یوسف، نیرو و توان خویش را در جهت منافع یعقوب(ع) به کار می بردند و امور او را سامان می دادند.

صفات بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ -

۱ بندگان خالص خدا، مظهر تواضع و فروتنی و به دور از تکبر و خود بزرگ بینی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً

برداشت یاد شده با توجه به چند نکته است: ۱ <عباد> (جمع <عبد>) به معنای بندگان است و اوصافی که خداوند برای آنان در ضمن چند آیه بیان می فرماید، حاکی است که آنان از بندگان خالص او هستند. ۲ <هون> به دو معنا آمده است: الف) سکینه و وقار (قاموس المحيط)؛ که در این صورت این واژه در آیه شریفه یا در همان معنای لغوی استعمال شده است و یا در معنای کنایی آن؛ یعنی، تواضع و فروتنی. برداشت فوق مبتنی بر همین معنای کنایی است. ب) رفق و لین (مدارا و نرمی)، در مقابل خشونت و درشتی (نهایه ابن اثیر). ۳ <هوناً> مصدر و صفت برای <مشی> بوده و آمدن مصدر به جای صفت، بیانگر مبالغه است.

۲ مشی و راه رفتن بندگان خالص خدا، در کمال وقار و آرامی، و به دور از سرعت و شتابزدگی است.

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً

۳ بندگان خالص خدا، مظهر مدارا و نرمی و منزّه از روح خشونت و درشتی

و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۴ - ۱

۱ بندگان خالص خدا، مردمی شب زنده دار

و الذین یبیتون لربّهم

<بیتوته> (مصدر <بیتون>) به معنای شب زنده داری است؛ چه این بیداری در تمام شب باشد و چه در بخشی از آن.

جلد - نام سوره -

۶ بندگان خالص خدا، مردمی فروتن و خود کم بین در برابر خدا

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که بندگان خالص خدا، با آن که مردمی شب زنده دار و عابدانند، اما باز از عذاب دوزخ در هراس و اضطراب اند.

۸ بندگان خالص خدا، بسیار نگران و هراسناک از لغزش خویش و نافرمانی خدا

رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عذاب دوزخ برای کیفر دادن مجرمان است. بنابراین ترس عبادالرحمان از عذاب دوزخ، حاکی از آن است که آنان از جرم و خطایی که مرتکب شده اند هر چند ارتکاب جرم از ایشان بسیار کم اتفاق می افتد بسیار نگران و مضطرب اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ بندگان خالص خدا در هزینه کردن اموالشان، نه اسراف می کنند و نه به خود و خانواده خویش تنگ می گیرند.

و عباد الرحمن... و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا

آنچه از ظاهر آیه شریفه و لغت به دست می آید، این است که واژه <انفاق> به معنای هزینه کردن و کاستن از اموال است؛ چه آن که این اموال برای زندگی شخصی و خانواده به مصرف برسد و چه به دیگران بخشش شود. گفتنی است <اسراف> (مصدر <یسرفوا>) به معنای زیاده روی در مصرف اموال و <قترا> (مصدر <یقتروا>) به معنای

سخت گیری در مصرف است.

۲ رعایت اعتدال و میانه روی در معیشت و زندگی اقتصادی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قوامًا

<ذلک> اشاره است به آنچه که در آغاز آیه شریفه ذکر شد (یعنی، اسراف و اقتار) و <قوام> به معنای عدل و راه میانه و وسط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۳،۷

۳ بندگان خالص خدا ، هیچ انسانی را به ناحق نمی کشند .

و لا یقتلون النفس التي حرّم الله إلاّ بالحقّ

۷ بندگان خالص خدا ، هرگز به گناه زنا و روابط ناسالم جنس دست نمی آلاینند .

و لایزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۱،۳،۵،۷،۹

۱ بندگان خالص خدا ، در مجالسی که به باطل و دروغ پرداز می گذرد ، هرگز حضور نمی یابند .

و عباد الرحمن .. و الذین لایشهدون الزور

فعل <شهد> گاهی در معنای <حضر> (حضور یافت) استعمال می شود و گاهی در معنای <أخبر عن الشیء و شهده> (خبر داد از چیزی و گواهی به آن داد) به کار می رود. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است. <زور> نیز به معنای دروغ و باطل است.

۳ بندگان خالص خدا ، هرگز به باطل و دروغ ، شهادت و گواهی نمی دهند .

و الذین لایشهدون الزور

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می

گذرند .

و إذا مَرَّو باللغو مَرَّو كرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مَرَّو باللغو مَرَّو كرامًا

۹ زندگی بر مبنای هدفی معقول و مفید ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین لایشهدون الزور و إذا مَرَّو باللغو مَرَّو كرامًا

اجتناب کردن بندگان خالص خدا از مجالس باطل (لایشهدون الزور) و نیز پرهیز از لغو و بیهودگی، حاکی است که از آن است که آنان در زندگی، دارای هدفی معقول و مفیداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۱،۲،۳

۱ بندگان خالص خدا به هنگام شنیدن و یادآور شدن آیات الهی ، مانند کران و کوران ، با بی اعتنایی و ناخرسندی از آنها نمی گذرند .

و الذین إذا ذكروا بآيت ربهم لم يخزوا عليها صمًا و عميًّا

فعل <خَزَّ> در معنای <سقط> به کار می رود که به معنای فرود از بالا- به پایین است (لسان العرب) و <صمًا> و <عميًّا> حال برای فاعل <يخزوا> است. گفتنی است فعل <لم يخزوا> در معنای کنایی به کار رفته است و مقصود از آن آن ناخرسندی و امتناع کردن است زیرا انسان با فرود آوردن سر به طرف پایین، ناخرسندی خود را ابراز می دارد.

۲ پندپذیری و درس آموزی از آیات الهی ، از اوصاف بندگان خالص خدا

و الذین إذا ذكروا بآيت ربهم لم يخزوا عليها صمًا و عميًّا

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم يخزوا عليها صمًا و عميًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

بندگان خالص خدا، از خداوند خواستار همسر و فرزندان شایسته ای اند که رفتار و سیر و سلوک آنان، مایه چشم روشنی و سرفرازی آنان در زندگی باشد.

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزوجنا و ذریتنا قره أعین

درباره <من> در <من أزواجنا..> دو احتمال وجود دارد: ۱ <من> ابتدائیه باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: <به ما از ناحیه همسران و فرزندانمان، آن ده که مایه روشنی چشمانمان باشد.> ۲ <من> بیانیه باشد. براساس این احتمال، معنای آیه چنین می شود: <به ما روشنی چشمان که عبارت از همسر و فرزندان اند ببخش. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.>

۴ بندگان خالص خدا، از خداوند خواستار سرور و روشنی چشمان در پرتو اعطای همسر و فرزند به آنان هستند.

و الذین یقولون ربنا هب لنا من أزوجنا و ذریتنا قره أعین

۱۳ بندگان خالص خدا، از خداوند می خواهند که خود و همسر و فرزندانمان، الگو و مقتدای مردم تقوای پیشه باشند.

و اجعلنا للمتقین إماماً

۱۴ رسیدن به اوج مرتبه تقوای پیشگی، از اوصاف بندگان خالص خدا

و اجعلنا للمتقین إماماً

درخواست الگو و مقتدای تقوای پیشگان شدن از سوی عباد الرحمان که خود از ایمان و تقوای بالایی برخوردارند حاکی از آن است که آنان خواستار بالاترین مرتبه تقوای پیشگی اند، تا برای الگو و مقتدا شدن دیگر تقوای پیشگان، شایسته باشند.

۱۶ بندگان خالص خدا، از خداوند خواستار در دست داشتن اداره جامعه متقین و مردم تقوای پیشه اند.

و اجعلنا للمتقین إماماً

برداشت فوق، بر این اساس استوار است که مقصود

از <امام> امامت و پیشوایی سیاسی و اجتماعی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن يعبدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (آن یعدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۴ - توبه و بازگشت به خدا ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است .

و أنابوا إلى الله

<إنابه> (مصدر <أنابوا>) به معنای رجوع است و <أنابوا إلى الله> یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

صفات بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۷

۷ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، ویژگی ها و خصوصیات روحی اسلاف و گذشتگان خویش را دارا بودند .

إذ قلتُم یموسیٰ لئن نصبر علیٰ طعام وحد

نسبت دادن کردارها و گفتارهای گذشتگان بنی اسرائیل به بنی اسرائیل عصر بعثت و گفتن <إذ قلتُم> به جای <إذ قالوا> گویای این است که: بنی اسرائیل عصرهای بعد در روحيات و رفتارهای اجتماعی، همسان گذشتگان خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۴ - شکستن پیمان های الهی و تمرد از فرمان های خدا ، عادت روزمره بنی اسرائیل است .

و أنتم معرضون

برخی از مفسران برآنند که جمله < و أنتم معرضون > (شما [از عهدها و پیمانها] رویگردان هستید) جمله معترضه است و اشاره به این معنا دارد که: بنی اسرائیل نه تنها پیمانهای یاد شده را شکستند بلکه رویه و عادت آنها چنین است که به عهدها و پیمانها پایبند نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۸

۸ - قوم موسی ، نمونه ای بارز از اقوام بهانه جو در برخورد با پیامبران و دارای توقعات و خواسته های بی جا از آنان

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم كما سئل موسی من قبل

چون بعید به نظر می رسد که در میان امتهای گذشته، تنها قوم موسی پرسشها و درخواستهای نا به جا از پیامبران داشتند، می توان به این نتیجه رسید که: یاد کردن از قوم موسی، به خاطر رواج بیشتر این خصیصه در میان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۰، ۱۱

۱۰ قوم موسی (ع) ، مردمی گستاخ و بی پروا در برابر خداوند

قال رجلان من الذین یخافون

<من الذین یخافون> می تواند اشاره به این باشد که قوم موسی(ع) به جهت نترسیدن از خداوند، فرمان موسی(ع) را اطاعت نکردند.

۱۱ گستاخی و بی پروایی قوم موسی (ع) در برابر خداوند ، زمینه سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع) (ورود به

سرزمین مقدس و مبارزه با جباران)

إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا .. قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ انْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذكروا نعمه الله عليكم .. قالوا يموسى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا اِبْدًا مَا دَامُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۰ - ۷

۷ بنی اسرائیل ، مردمی پیمان شکن و هواپرست

لقد اخذنا ميثق بنى اسرائيل .. كلما جاءهم رسول بما لا تهوى انفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۸

۸ - بنی اسرائیل ، در عین مشاهده آیات بزرگ الهی ، فاقد ایمان ژرف و راسخ بودند .

يبينى اسرائيل قد أنجينكم .. أضلهم السامريّ ... ألم يعدكم ربكم

با توجه به این که گمراهی بنی اسرائیل به دست سامری، پس از نجات آنان از چنگال فرعون، عبور آنان از دریا و مشاهده آیات متعدد الهی در طول آن مدت بوده است؛ به نظر می رسد آنان از بیثباتی و ایمان سستی برخوردار بودند که این چنین با اغواگری سامری به صف گمراهان پیوستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند؛ نه حقیقت طلب .

لن نبرح .. حتى يرجع إلينا موسى

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع)

و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

صفات بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی، پاداش تضمین شده از جانب خداوند، برای تقوایندگان

لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۲،۱۲

۲ ضرورت شتاب برای نیل به بهشتی که به پهنای آسمان ها و زمین است .

و سارعوا .. و جنّٰه عرضها السّموات و الارض

۱۲ بهشت موعود اهل تقوا، دارای وسعتی به پهنه آسمان ها و زمین

و جنّٰه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

بنابر اینکه مراد از <عرض>، وسعت باشد، نه عرض مقابل طول.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۱۰،۱۲

۱۰ بهشت ها، جایگاهی جاودانه و دارای نهرهایی جاری

و جنّٰت تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

۱۲ آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری، پاداش خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّٰت تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و نعم اجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱۱

بهشت ، دارای بوستان های متعدد و سرشار از نعمت

لادخلنهم جنت النعیم

<نعیم> به معنای فراوان است. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۳،۴،۵

۳- بهشت جایگاه مؤمنان و پوشیده از درختان انبوه است .

جَنَّتِ تجری من تحتها الأنهر

<جنات> به جایی گفته می شود که مملو از درخت باشد، به گونه ای که زمین را با درختان خود بپوشاند. جمع آورده شدن
<جنات> هم می تواند مؤید این مطلب باشد.

۴- بهشت ، مجموعه ای از باغ های متعدد است . *

جَنَّتِ تجری من تحتها الأنهر

جمع آورده شدن <جنات> می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد.

۵- نهر های فراوانی همواره در بهشت جاری است .

تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۵

۵- بهشت ، واجد تمامی موهبت ها و خوبی های قابل تصور برای انسان

جَنَّتِ عدن .. لهم فیها ما یشاءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) ... قال : إنّ الله خلق الجنّة ... و لم ترها عين و لم يطلع عليها مخلوق ... و هو قول الله تعالى :
> فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرّه أعين < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: خداوند، بهشت را آفرید و هیچ چشمی آن را ندیده و هیچ مخلوقی از آن آگاه نگشته است .. و آن، این سخن خداوند است که می

فرماید: فلاتعلم نفس ما أخفى لهم من قُرّه أعين <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۷

۷ - اطلاع فرشتگان از بهشت برین و خصوصیات آن

تنزّل علیهم الملائکه ... و أبشروا بالجنّه ... و لكم فیها ما تدّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۴

۴ - جریان نهرها در زیر قصرها و درخت های بهشت ، از جاذبه های مهم آن است .

جَنّت تجری من تحتها الأنهر

از آن جا که خداوند از میان همه اوصاف بهشت، تنها به جریان نهرها اشاره کرده است، اهمیت آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۵ - ۱

۱ - بهشت ، در بردارنده همه آرزو ها و برآورنده همه خواسته های بهشتیان

لهم ما یشاءون فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۷

۷ - بهشت ، متشکل از باغ های بسیار با درختانی انبوه و نعمت های گسترده و گوناگون

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنّتٍ وَنَعِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۴ - ۲

۲ - بهشت ، دارای درختان پرسایه و نزدیک بر سر بهشتیان

و دانه‌ی علیهم ظللها

<دانه> از ریشه <دُنُوٌّ> (قرب و نزدیکی) است و <دانه‌ی علیهم ظللها>؛ یعنی، سایه‌های درختان بهشت، مانند چتر بر سر بهشتیان سایه افکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۶

بوستان های بهشت ، دارای نهرهایی فراوان که از زیر آن بیرون زده و جریان می یابد .

لهم جنت تجری من تحتها الأنهر

حرف <من> برای ابتدای غایت است و دلالت دارد که آب نهرها، از منابع زیر زمینی بوستان ها تأمین می شود. این احتمال نیز وجود دارد که با تقدیر گرفتن کلمه <اشجار>، مراد از <من تحتها>، <من تحت اشجارها> باشد.

صفات بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۸

۸ حسین بن میسرقال: سألت أبا عبدالله(ع) عن جنة آدم(ع) فقال: جنة من جنان الدنيا تطلع فيها الشمس و القمر و لو كانت من جنان الآخرة ما خرج منها أبدا.

حسین بن میسر گوید از امام صادق(ع) درباره بهشت آدم سؤال کردم، فرمود: باغی از باغهای دنیا بود که خورشید و ماه در آن طلوع می کرد و اگر از باغهای بهشتی بود، هرگز آدم(ع) از آن خارج نمی شد.

صفات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ عدم اتکای بهشتیان به اعمال خویش ، در رسیدن به نعمت های بهشت

و قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۲ - ۵

۵- بهشتیان ، دارای روزی ویژه ، منظم و تضمین شده در هر صبح و عصر

و لهم رزقهم فيها بكرة و عشياً

از آن جایی که در بهشت هر آنچه که خواسته شود مهیا است، روشن می گردد که آنچه در این آیه در مورد رزق

صبح و عصر آمده، تفضلی ویژه است. البته برخی این جمله را کنایه از دائمی بودن رزق بهشتی دانسته اند. درباره معنای <عشی> نظریات گوناگونی ابراز شده است؛ از جمله: <بین ظهر تا غروب> و <آخر روز> (مصباح).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۱

۱ - وجود غریزه و تمایل جنسی در میان بهشتیان

و حور عین

صفات بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض.. قالوا للذین کرهوا... سنطیعکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیماردلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

صفات پدیده ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ عن الرضا(ع): إن إبراهيم(ع) وقع إلى ثلاثة اصناف، صنف يعبد الزهره .. <فلما جن عليه الليل> فرأى الزهره، قال <هذا ربی> <على الانكار والاستخبار> فلما اقل <الكوكب> قال لا احب الآفلین <لأن الافول من صفات المحدث لا من صفات القدم ...>

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. ابراهیم(ع) با سه گروه برخورد کرد؛ گروهی که ستاره زهره را می پرستیدند ... <چون شب، ابراهیم(ع) را فرو گرفت> و ستاره زهره را دید، به عنوان استفهام انکاری گفت: <این پروردگار من است> و چون ستاره غروب کرد گفت: <غروب>

کنندگان را دوست ندارم > زیرا غروب کردن از صفات موجود حادث است نه قدیم ...

صفات پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۹ - ۹،۱۵

۹ تهیه غذا برای مهمانان ، از آداب معاشرت و خصلتی نیکوست .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

۱۵ مباشرت میزبان در پذیرایی از میهمانان ، از خصلت های نیکو و پسندیده است .

فما لبث أن جاء بعجل حنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۵

۵ بردباری ، تأسف و تأثر بر مشکلات مردم و توجه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او ، صفات و خصلتهایی نیکو و پسندیده است .

إن إبرهیم لحلیم أوه منیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ صبر و شکیبایی در برابر دشواری ها و حوادث تلخ ، خصلتی نیکو ، زیبا و ارجمند

فصبر جمیل

برداشت فوق ، مبتنی بر این است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۶

۶ رعایت عفت و پرهیز از خیانت به ویژه در نهان و به دور از چشم مردم ، خصلتی ارزشمند و نیکوست .

ذلك لیعلم أنى لم أخنه بالغیب

<بالغیب> (در نهان) می تواند حال برای ضمیر فاعلی و نیز برای ضمیر مفعولی در <لم أخنه> باشد. بنابراین <لم أخنه بالغیب> ; یعنی، به او خیانت نکردم آن گاه که وی [از چشم ما] نهان بود و یا من از

او در نهران بودم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۹ - ۱۱

۱۱ مهمان نوازی ، خصلتی نیک و ارزشمند است .

ألا ترون .. أنا خير المنزلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و حوادث تلخ ، خصلتی زیباست .

فصبر جمیل

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <صبر> مبتدا و <جمیل> خبر آن باشد. احتمال دیگر در ترکیب <فصبر جمیل> این است که <صبر> خبر برای مبتدایی محذوف و جمیل صفت برای <صبر> باشد ؛ یعنی، [امری] صبر جمیل و یا [صبری] صبر جمیل و یا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين .. لا تثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ یاری به خویشان و وابستگان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های نیکوکاران است .

وأتونی بأهلکم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۸ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران الهی است .

يَا بَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا .. قَالَ سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۷

گذشت از خطا کاران پشیمان و تائب و یاد نکردن از خطا های ایشان ، خصلتی نیکو و خلقی پسندیده است .

من بعد أن نزع الشيطان بيني وبين إخوتي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۴، ۱۲، ۱۰

۱۰ انفاق کردن خصلتی نیکوست چه پنهانی انجام گیرد و چه آشکارا .

أنفقوا مما رزقنهم سرًا و علانیه

۱۲ انجام دادن کار های شایسته به جبران بدی ها و گناهان ، خصلتی نیکو و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. والذين ... يدرءون بالحسنه السيئه

<درأ> (مصدر یدرءون) به معنای دفع کردن و برطرف کردن است. مراد از <السيئه> می تواند بدیها و گناهانی باشد که شخص نیکوکار مرتکب شده و محتمل است مقصود از آن بدیها و ستمهایی باشد که دیگران در حق او انجام داده اند، برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۴ خوبی کردن در پاسخ به بدی ها و ستم های دیگران ، خصلتی ارزشمند و از ویژگی های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. والذين ... يدرءون بالحسنه السيئه

برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است که در توضیح برداشت شماره ۱۲ آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۲ - ۲

۲- سلام کردن به هنگام ملاقات و وارد شدن بر یکدیگر ، از آداب و اخلاق پسندیده

و تبئهم عن ضيف إبراهيم . إذ دخلوا عليه فقالوا سلماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۶

۲۶- مواسات و بهره‌وری گروهی ، از اموال

هم ، از اوصاف پسندیده مردان الهی است .

بورقکم هذه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳- یاد خداوند ، در صورت فراموش کردن کاری و انتظار کمک از او برای شناسایی و انجام دادن کاری بهتر ، خصلتی پسندیده و مورد فرمان او است .

واذکر ربک إذا نسیت وقل عسی أن یهدین ربی لأقرب من هذا رشداً

<هذا> در برداشت بالا- اشاره به مفعول محذوف <نسیت> است و مفاد آیه، این است که: <هرگاه، کاری را فراموش کردی، یاد خدا کن و بگو: > امید است که پروردگارم، مرا، به کاری مفیدتر از این، راهنمایی کند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۶ - ۶

۶- انتقاد از خود و انصاف در قضاوت نسبت به خویشتن و پذیرش مسؤولیت عملکرد خود ، از صفات ارزشمند و شایسته است .

إن سألتک عن شیء بعدها فلا تصحبنی قد بلغت من لدنی عذراً

موسی(ع) با وجود آن که در مرحله قبل، عذر نسیان را مطرح کرد، ولی در این مرحله، اولاً، مسؤولیت عمل خود را بر عهده گرفت و ثانیاً، در مورد خود، رأیی منصفانه صادر کرد و خضر(ع) را در جدا شدن از او، محق دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۷ - ۱۴

۱۴- گذشت از خطاکاران و دعا برای آنان ، خصلتی نیکو و از صفات پیامبران است .

لأرجمنک واهجرنی .. سأستغفر لک ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- صداقت در وعده ، خصلتی نیکو و بسیار ارزشمند است .

واذکر فی الکتب . . . إنه کان صادق الوعد

ستودن اسماعیل به <صادق الوعد> بودن علاوه بر تمجید از موصوف، تمجید از وصف نیز به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۵ - ۵

۵- عزم و تصمیم جدی برای عمل به توصیه های خداوند ، خصلتی ارزشمند است .

و لقد عهدنا إلی ءادم . . . فَنسِی و لم نجد له عزمًا

تعبیر <نیافتیم> به جای <نبود>، گویای آن است که دراین موارد، وجود عزم، مطلوب و مورد انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱ - ۵

۵- ترس از عذاب اخروی ، خصلتی ارزشمند و مورد توصیه خداوند

يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۸

۸- تقوا و خداترسی ، خصلتی ارزشمند در پیشگاه الهی

فإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۲

۲- ترس و خشیت از خدا ، خصلتی ارزشمند در بینش قرآنی

الذین إذا ذکر الله وجلت قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲ - ۵

۵ - داشتن خشوع و تذلل در نماز ، از ستوده ترین و ارجمندترین خصلت ها در پیشگاه خداوند

قد أفلح المؤمنون . الذین هم فی صلاتهم خشعون

در این آیات خداوند هفت صفت را برای مؤمنان برشمرده است که

خشوع و فروتنی آنان در نماز یکی از آنها است و در این جا پیش از همه ذکر شده است. بنابراین، تقدیم آن بر سایر صفات، می تواند بیانگر پسندیده تر و ارجمندتر بودن آن در نزد خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۵

۵ - حکمت و سنجیده کاری ، خصلتی پسندیده و ارجمند در پیشگاه خداوند

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ - مهمان نوازی ، خصلتی نیکو و خلقی الهی است .

و أنت خیر المتزلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۷ - ۲

۲ - ترس از خدا ، خصلتی ارجمند در نزد پروردگار

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۳ - ۳

۳ - عفت ، نجابت و ایمان ، سرآمد ارزش ها و صفات ستوده زنان

المحصنت الغفلت المؤمنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۰

۳۰- عفت و پاکدامنی برای زنان ، صفتی بس ارزشمند و پسندیده

و لاتکرها فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۳ - ۸

۸ جایگاه ویژه صفت تواضع و فروتنی و رفق و مدارا ، در مقایسه با دیگر اوصاف پسندیده و ارزشمند ، در نگاه وحی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هونًا

آمدن

صفت تواضع و فروتنی به عنوان نخستین صفت از سلسله اوصاف <عباد الرحمان> که در چند آیه از آنها یاد شده است می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۶

۶ گذر از رفتار لغو و بیهوده با بزرگواری و متانت ، امری شایسته و مورد تشویق خداوند

و إذا مرّوا باللغو مرّوا كرامًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۴

۴ پندپذیری و حرف شنوی ، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین إذا ذكروا بأیت ربهم لم یخزوا علیها صمًا و عمیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۴

۴ - قلب سالم از امراض روحی و اخلاقی ، پایه و اساس خصلت های پسندیده و کمالات انسانی

إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که از میان انواع اوصاف پسندیده ابراهیم(ع)، تنها به صفت <قلب سلیم> اشاره شده است که در واقع، شرط بار یافتن به درگاه الهی است. ضمن این که نوعاً تمامی خصلت ها و رفتارهای ناپسند، از قلب ناسالم نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۴

۴ - اجلال و گرامی داشت میهمانان ، خصلتی پسندیده و پیامبر گونه

حدیث ضیف ابرهیم المکرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۷ - ۳

۳ - هراس و نگرانی از عذاب الهی ، خصلتی

شایسته و عملی بایسته

و الذین هم من عذاب ربهم مشفقون

مطلب یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تمجید از مؤمنانی است که دارای چنین خصلت ها و اوصافی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۲ - ۲

۲ - امانت داری و پایبندی به عهد و پیمان ، از خصلت های شایسته و بایسته

و الذین هم لأمتهم و عهدهم رعون

صفات پسندیده زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۶

۶ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف عین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی و تشویق انسان ها به دستیابی به آنان در سایه کردار خداپسندانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۵

۵ - علاقه به همسر و برگرفتن چشم از غیر او و زیبایی چشم ، از کمالات و اوصاف پسندیده زنان

و عندهم قصرت الطرف

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن کمالات و اوصاف خوب زنان بهشتی است.

صفات پسندیده زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عَفَّتْ و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که

خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

صفات پسندیده مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۱

۱- خداوند ، به کسانی که منزلت نیکو و خصلت پسندیده دارند (مؤمنان راستین) ، وعده دوری و نجات از آتش دوزخ داده است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

<الحسنی> مؤنث <أحسن> و صفت برای موصوف محذوفی چون <المنزله> و <الخصله> است و به قرینه مقابله با آیه قبل که در باره کافران و مشرکان بود آیه شریفه در باره مؤمنان راستین است.

صفات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الی الله .. امننا بالله و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷- برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِابْرَهِيمَ . إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

صفات پيروان شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلا أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن برطرف مقابل است.

صفات جامهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۶ - ۳

۳ - ظرف ها و جام های بهشتیان (ابرار و ...) ، در هندسه و اندازه های بسیار دقیق است .

قَدْرُوها تقدیراً

نصب <تقدیراً> به جهت مفعول مطلق بودن آن برای فعل <قَدْرُوا> است و این در حقیقت تأکید برای مفاد آن فعل است.

صفات جسمانی شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۸ - ۵

۵ - ناقه صالح ، حیوانی خارق العاده در هیکل و مصرف آب *

أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَهُ بَيْنَهُمْ

برداشت یاد شده در صورتی است که نیمی از آب سهم ناقه باشد و ناقه آن سهم را تماماً مصرف کرده باشد.

صفات جسمانی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۹ - ۱۴ ، ۱۳

۱۳ قوم عاد برخوردار از اندامی بزرگتر و نیرومندتر نسبت به دیگر اقوام

و زادکم فی الخلق بصطه

۱۴ برخورداری قوم عاد از اندامی درشت و نیرومند ، از نعمت های بزرگ خداوند برای آنان

و اذکروا إذ . . . و زادکم فی الخلق بصطه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۰ - ۳

۳ - قوم عاد ، مردمانی تناور و بلند قامت بودند . *

كأنهم أعجاز نخل منقعر

تشبیه قوم عاد به <نخل> می تواند نظر به مطلب بالا داشته باشد.

صفات جسمی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۳

۳ - زن ، اساساً برای کار های دشوار و خشن و جدال و درگیری آفریده نشده است .

و هو فی الخصام غیر مبین

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که آیه شریفه به جهت مماشات و بازگویی باور مشرکان، این مطالب را مطرح نکرده باشد؛ بلکه به عنوان یک واقعیت بدان پرداخته باشد.

صفات جسمی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۷ - ۶

۶ - قوم عاد ، مردمی بلند قامت و پر قدرت *

إرم ذات العماد

چنانچه <إرم> نام قوم عاد باشد، توصیف آنان به <ستون دار>، کنایه از نیرومندی و قامت رشید آنان خواهد بود. گفتنی است که در این برداشت، <عماد> به معنای عمود و ستونی گرفته شده است که خانه را بر آن استوار می کنند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - قوم عاد ، مردمی بی نظیر در قدرت و قامت *

ذات العماد . الّتی لم یخلق مثلها فی البلد

در برداشت یاد شده ، < ارم > نام قوم عاد گرفته شده است ؛ در نتیجه < الّتی .. > توصیف گر آن قبیله ، به نبود امثال آنها در شهرها خواهد بود .

صفات جلال

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۲،۳

۲ - خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنك

۳ - خداوند ، منزّه از آن است که به اسرار و نهران موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء .. قالوا سبحنك

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه <سبحانك> و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن <سبحانك> ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۳، ۷، ۹، ۴، ۱

۱ - خداوند ، منزّه از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

۴ - گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند ، نقص است .

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

<سبحان> به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است یعنی: <سبحت الله تسبیحاً>. کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

۷ - خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم <له> بر <ما فی السماوات ..> به دست می آید - استفاده می شود.

۹ - مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزّه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فى السموت و الأرض

جملة > له

ما فی السماوات . . . > برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

۱۳ - عبادت و اطاعت هستی برای خدا، دلیل منزّه بودن او از داشتن فرزند است .

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل . . . کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۵

۵ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزّه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل . . . بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که <بدیع السماوات . . .> همانند جمله <له ما فی السماوات ...>، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۷

۷ - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزّه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۱

۲۱ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما اللّٰه بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۶

۶ - اعمال انسان ها هرگز مورد

غفلت خداوند نیست .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

<حمید> در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۹

۱۹ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شرّ از او

بِيدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۷

۷ خداوند ، مُنَزَّه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما الله يريد ظلماً للعالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۴،۱۰

۴ مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين. و لله ما في السموات و ما في الارض

۱۰ بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين . . . و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۴

۱۴ ارتداد و كفر افراد ، زياني به خداوند نمى رساند .

و من ينقلب على عقبيه فلن يضر الله شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران

۱ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير و نحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از <الذين قالوا>، یهودیان هستند.

۹ خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

ان الذين .. ان الله فقير و نحن اغنياء سنكتب ما قالوا

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبياء بغير حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۶

۶ نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

و ان الله ليس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۴، ۲۵، ۲۷

۱۷ پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقصی ، نشانه خردمندی

لايات لاولى الالباب. الذين ... ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك

۲۴ خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك

۲۵ خردمندان ، خداوند را از هر کاستی میرا و منزّه می دانند .

لايات لاولى الالباب. الذين ... سبحانك

۲۷ منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن بیهودگی در آفرینش او

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۳۶،۳۹

۳۶ مالکیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل فرزند نداشتن

سبحنه ان يكون له ولد له ما في السموت و ما في الأرض

جمله <له ما في السموت . . .> دلیل و برهانی است برای جمله <سبحنه ان يكون له ولد> یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

۳۹ کفایت خداوند برای تدبیر هستی ، دلیل وحدانیت او و منزله بودنش از داشتن شریک و فرزند

انما الله اله وحد سبحنه ان يكون له ولد . . . کفی بالله وکیلا

جمله <کفی . . .> دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۷

۷ خداوند منزله از هر گونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۶

۶ راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخیر

از صفات <قاهر>، <حکیم> و <خیر>، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۹، ۱۰، ۶

۶ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنین و بنت بغير علم

۹ خداوند از داشتن شریک و فرزندان منزّه است.

و خرقوا له بنین و بنت . . . سبحنه و تعلی عما یصفون

۱۰ خداوند منزّه و برتر از پندارهایی است که جاهلانّه درباره

او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱۱، ۶، ۴، ۳

۳ خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۴ وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزله از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد .. و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدركه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه مبرا بودن او از خصوصیات جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم و أهلها غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۵، ۲

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلك بما قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم للعبيد

۵ خداوند منزه از

اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن الله ليس بظلم للعبيد

با توجه به اینکه < أن الله .. > در مقام استدلال بر این حقیقت است که گرفتاری کافران به عذاب حریق ستمی به آنها نیست، باید مراد از ظلام نبودن خدا، نفی کمترین ظلم از ساحت قدس وی باشد، و گر نه استدلال تمامی نیست. و بسیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

۱۶ خداوند ، منزّه و فراتر از داشتن شریک است .

سبحنه و تعلی عما یشركون

۱۷ از علی (ع) روایت شده که فرمود : < اما ما لا- يعلمه الله ، فلا يعلم الله أن له شریکاً و لا وزیراً و لا صاحبه و لا ولدأ و شرحه فی القرآن : < قل اتبئون الله بما لا يعلم > ... ;

.. اما (مراد از) آنچه را خدا نمی داند، (یعنی) خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و

نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟ > ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۶، ۱

۱ خداوند ، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد .

إن الله لا يظلم الناس شيئاً

۶ از امام هادی (ع) روایت شده است : > ... من زعم ان الله عزوجل أجبر العباد على المعاصي و عاقبهم على ها ... فقد ظلم الله في حكمه و كذبه و رد عليه قوله : ... > إن الله لا يظلم الناس شيئاً > ... ;

... هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: >خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند< رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت .. قضی بینهم بالقسط و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۳

۳ برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ، مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنى

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند ، بر بندگانش ستم نمی کند .

و ما ظلمنهم

۲ خداوند ، مردمان را به طرف گناهان (شرکورزی ، انکار پیامبران و ...) سوق نمی دهد .

و ما ظلمنهم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شرکو ..) وانمی دارد. بنابراین عذابهایی نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۷ - ۱،۵

۱ خداوند ، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم

حرف <باء> در <بظلم> برای ملابست است. براین اساس جمله <ما كان...> چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

۵ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدبر بودن اوست .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از <رب> که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می

شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربك بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک میراست .

و سبحن الله و ما أنا من المشركين

<سبحان> به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبیح و یا نسبیح) می باشد ؛ یعنی: اسبیح و یا نسبیح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله <سبحان الله> عطف بر <هنده سبیلی> است ؛ یعنی: <قل سبحان الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۶

۶ خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته

<تسبیح> (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و یجعلون لله البنت سبحنه

۴- فرزند (دختر) داشتن برای خداوند نقص است .

و يجعلون لله البنت سبحانه

ذکر تنزیه <سبحانه> برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با

اسناد

فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

۵- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و يجعلون لله البنت سبحانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۷

۷- خداوند در تکالیف دینی ، از بی عدالتی و ظلم به بندگان میبَراست .

و علی الذین هادوا حرمنا .. و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۴

۴- خداوند ، برخلاف پندار واهی مشرکان ، هیچ گاه برای آنان ، پسر برنگزیده و برای خود دختری نگرفته است .

أفأصفيكم ربكم بالبنين و اتخذ من الملكة إنثا

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توبیخ و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۳ - ۱،۳

۱- خداوند ، بسیار برتر و منزّه تر از شریک داشتن است .

سبحنه و تعلقا عما يقولون علواً كبيراً

۳- خداوند ، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود .

أفأصفيكم ربكم بالبنين و اتخذ من الملكة إنثا .. سبحنه و تعلقا عما يقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱۲

۱۲- خداوند ، منزّه از تحیز ، جسمیت و قابل رؤیت بودن و دیگر اوصاف ماده است .

أوتأتى بالله .. قل سبحان ربّی

چون درخواست مشرکان از پیامبر(ص) (أوتأتى بالله) مستلزم جسمانیت، جا به جایی و قابل رؤیت بودن خداوند بود، جمله

<سبحان ربّی>

می تواند پاسخ چنین درخواست غیر منطقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۱

۱- پروردگار، منزّه از هر کاستی و نقص در بینش آگاهان به معارف آسمانی

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ... يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۵۸

۵- خداوند، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هر گونه شریک و حمایتگر، مبرا و بی نیاز است.

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ... وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

۸- خداوند، تنها فرمانروای هستی و مبرا از داشتن هر گونه شریک در جهاننداری

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۶- خداوند، در قیامت، به هیچ کس، ظلمی روا نخواهد داشت.

وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

۱۷- حضور نفس اعمال انسان در قیامت، پشتوانه اجرای عدالت و نفی کمترین ظلم از ساحت خداوند است.

وَ وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَ لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

بیان حضور اعمال و تجسم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن احکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

۱۸- مبرا بودن خداوند از هر گونه ظلم و بی عدالتی، مقتضای ربوبیت او است.

و لا يظلم ربك أحداً

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶- خداوند ، پاک و منزّه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أَنْ سَبَّحُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۳،۵،۶

۳- خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است .

ذَلِكْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ .. مَا كَانَ لَلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ

<ولد> نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. <من> زائده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با تأکید است.

۵- خداوند ، منزّه از هرگونه نقص و نیاز است .

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سَبْحَهُ

۶- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سبّحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۶

۶- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ .. إِنْ نَحْنُ نَرُثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

در آیات قبل، سخن از پندار فرزند عیسی (ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- خداوند ، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی دارد .

و لا یظلمون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۸،۱۰

۸- خداوند ، از هر گونه فراموشی منزّه است .

و

<نَسِیًّا> صیغه مبالغه است و مبالغه در کلام منفی، به اصل نفی مربوط می شود. بنابراین در جمله <و ما کان...> مراد این است که: خداوند هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش کار نیست.

۱۰- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما نَنْتَظِرُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّکَ .. و ما کان رَبِّکَ نَسِیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۱ - ۲،۴

۲- مبرابودن خداوند از داشتن فرزند ، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تکاد السموت یتفطرن . . أن دعوا للرحمن ولدًا

۴- فرزند داشتن خداوند ، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات ، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولدًا

گزینش وصف <الرحمان> (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت <أن دعوا..> دلیل در آن کنجانده است زیرا همه موجودات از جمله فرزندهای پنداری مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او تلقی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۲ - ۱،۴

۱- فرزند گزینی خداوند ، کاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ینبغی للرحمن . . ولدًا

زمانی از کلمه <إِنْبَغَى> استفاده می شود می شود که کاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و <ما ینبغی> امکان آن را نفی می کند.

۴- فرزند گزینی ، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن مبرا است .

و ما ينبغي للرحمن أن يتخذ ولدًا

گزینش فرزند با فراگیری

رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است.

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۷،۸

۷ - خداوند، منزّه از هرگونه فراموشی است.

و لاینسی

۸ - ربوبیت خداوند بر هستی، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است.

لا یضِلُّ رَبِّي و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۵

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیوم

<قیوم> به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۴،۶

۴- منزّه بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و برگزیدن فرزند

قالوا اتّخذ الرحمن ولداً سبحنه

<سبحانه> مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون <سبحوه>) است.

۶- رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

قالوا اتّخذ الرحمن ولداً سبحنه

<رحمان> صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و گستردگی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می

تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۵

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین .. فلا تظلم نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۳

۳- وجود شریک برای خداوند ، امری ممتنع و محال است .

لو كان هؤلاء الهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد <لو> امتناعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۳،۵

۳ - کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندگان

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

۵ - خدا ، پروردگاری عادل و مبرا از ستم کردن به بندگان خود

و أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقتش

و ما كنا عن الخلق غفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۶

۶ - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب ... و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۱،۲،۸

۱ - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ الله من ولد

۲ - خدا ، مبرا از شریک و همتا

و ما کان معه من إله

۸ - ساحت خدای یگانه

هستی ، مبرّا از نسبت های ناروای مشرکان

سبحن الله عمّا يصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۴

۴ - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۳

۳ - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنّما خلقناکم عبثاً .. فتعلی الله الملك الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۶

۶ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه است .

سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۹

۹ - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند .

أم یخافون أن یحییف الله علیهم ورسوله بل أولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۵۸

۵ خداوند ، هیچ کسی را به فرزندی برنگزیده است .

لم يَتَّخِذْ وَلَدًا

<ولدًا> نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم يَتَّخِذْ وَلَدًا و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در

ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزندگزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۴

۴ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الحيّ الذی لا يموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۴،۷

۴ - ساحت خداوندی ، مبرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنا ظلمین

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلكنا من قریه .. ذکرى و ما کنا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبیح عقاب بلا بیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - خدا ، منزّه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن الله ربّ العلمین

۱۱ - خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزّه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

أن بورک من فی النار .. و سبحن الله ربّ العلمین

مطرح شدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسی این نشانه را با پدیدآوردن نشانه، اشتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱

۱ - ستایش ها ، همه از آن خداوند است .

وقل الحمد لله

<ال>

در <الحمد لله> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <الحمد لله> یعنی، <كل حمد لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹،۱۰

۹ - خدا، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

۱۰ - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزه و برتر است .

و رَبِّكَ يَخْلُقُ .. سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعْلَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۳

۲۳ - ساحت قدس الهی، به دور از هر گونه ظلم و ستم است .

فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - تنها خداوند، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

ضمیر فصل <هو> و <ال> جنس در <العلی> و <الکبیر> که هر دو خبر <أَنَّ> هستند دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - ساحت خداوند، از هر گونه نقص و کاستی منزه و مبرا است .

سبحن الذی

۵ - حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دارِ جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت

یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - ساحت مقدس خداوند ، از هر گونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

فسبحن الذی

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، منزّه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا .. سبحن الله عمّا یصفون

۲ - ساحت خداوند ، منزّه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه (شریک بودن) با جن

أصطفى البنات .. و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا .. سبحن الله عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۶

۶ - منزّه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا .. سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

۱۱ - ساحت خداوند ، از داشتن هر گونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه و مبرا است .

یسَّبِحون بحمد ربِّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزّه و مبرا است .

یسَّبِحون بحمد ربِّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواسته و در حق آنان روا نداشته است .

و ما لله یرید ظلماً للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۴، ۷

۷ - خداوند ، مبرا از هر شریک و همانند

قل ائتکم لتکفرون .. تجعلون له أنداداً

از استفهام در < ائتکم > مطلب بالا استفاده می شود.

۱۴ - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أنداداً ذلک ربّ العلمین

تعبیر < ذلک > که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۴

۴ - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

و ما رَبِّكَ بِظَلْمٍ لِّلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إِن مِّنْ شَرٍّ .. و لئن أذقنه رحمه ... و إذا أنعمنا على الإنسان ...

و إذا مس

از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده و ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷- لزوم تنزیه خداوند ، از هرگونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۵

۵- بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات ، امری شگفت و متناقض

و الذی خلق الأزواج کلها .. و جعلوا له من عباده جزءاً

عبد و مخلوق خداوند، نمی تواند جزء وجود او به حساب آید زیرا هیچ موجودی نمی تواند خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود باشد. بنابراین دو تعبیر <عباده> و <جزءاً>، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۳

۳- فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أم اتخذن ممّا یخلق بنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم يعى بخلقهنّ

مفاد جمله <لم يعى بخلقهنّ> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهی، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقروه و تسبّحوه

<توقیر> به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. <تسبیح> به معنای منزّه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۱

۱ راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند، به خاطر آفرینش موجودات

أفعینا بالخلق الأوّل

از استفهام انکاری (أفعینا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۴،۵،۶،۷

۴ خداوند، منزّه از کم ترین ظلم و اعمال کیفر های ناروا، بر بندگان

و ما أنا بظلم للعبيد

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید... و ما أنا بظلم للعبيد

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قد قدّمت إلیکم بالوعید... و ما أنا بظلم للعبيد

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدّمت..> باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت

باشد.

۷- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و

دور از ساحت خدا *

ما يبدّل القول لددى و ما أنا بظلم للعبيد

برداشت بالا- بدان احتمال است که <و ما أنا بظلامم..> تعلیل <ما يبدّل...> باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی چون ظلمی نیست تبدیل قول هم نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۵،۶

۵ - آفرینش جهان ، با همه گستردگی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

<لغوب> به معنای تعب و خستگی می باشد.

۶ - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۹

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

و يبقی وجه ربك ذو الجلل و الإكرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذوالجلال>، ناظر به صفات جلال و <الإكرام>، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۹

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

تبرک اسم ربك ذی الجلل و الإكرام

برداشت یاد

شده بدان احتمال است که <ذی الجلال> اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و <الاکرام> بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۰ - ۳،۴

۳ - ساحت خداوند ، مبرّا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسبوقین

۴ - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسبوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

<تسبیح> به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

<تسبیح>، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴- فرمانروایی خداوند بر هستی، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است.

الملك القدوس

وصف <القدوس>، در پی <الملك>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر

۱۰ - هر يك از مظاهر هستی ، گواهی بر مبرّا بودن آفریدگار آن ، از هر عیب و کاستی

یسَّبِح له ما فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از <تسبیح>، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزه و مبرّا از هر عیب و نقص است .

سَبِّحَ لِلَّهِ ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <سَبِّحَ>) به معنای تنزیه و مبرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، مبرّا از هر نقص و عیب

یسَّبِحَ لِلَّهِ ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <یسَّبِحَ>) به معنای تنزیه و مبرّا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۲،۴

۲ - خدا ، نه دارای همسر است و نه فرزند .

ما اتَّخَذَ صَاحِبَهُ و لا وُلْدًا

۴ - همسرگزینی و فرزندداری ، دون شأن و منزلت والای خداوند است .

و أَنَّهُ تَعَلَى جَدِّ رَبَّنَا ما اتَّخَذَ صَاحِبَهُ و لا وُلْدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

و سَبَّحَه

<تسبیح> (مصدر <سَبَّحَ>) به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲

۹ - > علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عزوجل > و جاء ربك و الملك صفاً صفاً < فقال : إن الله تعالى لا يوصف بالمجىء و الذهاب تعالى عن الإنتقال إنما يعنى بذلك و جاء أمر ربك و الملك صفاً صفاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند > و جاء ربك و الملك صفاً صفاً < پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والا-تر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، مبرّاً و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۹، ۶

۶ - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

الله الصمد

> صمد < ; یعنی ، > مُصَمَّت < و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

۹ - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

الله الصمد

دو آیه بعد (لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد)، به دلیل قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر

کلمه <صمد> باشد.

۱۱ - > قال الباقر (ع) حدّثنی أبی زین العابدین عن أبیه الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهى سُؤدُده و الصمد الذی لا یأکل و لا یشرّب و الصمد الذی لا ینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لا یزال ؛

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود.

۱۵ - > سأل رجل علیاً (ع) عن تفسیر هذه السوره فقال : . . . الصمد بلا تبعیض بدّد ؛

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . . . صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است.

۱۶ - > قال وَهْب بن وَهْب القرشی و حدّثنی الصادق جعفر بن محمد عن أبیه الباقر عن أبیه (ع) أنّ أهل البصره کتبوا إلی الحسین بن علی (ع) یسألونه عن الصمد فکتب إلیهم . . . ان الله سبحانه قد فسّر الصمد فقال : > الله أحد . الله الصمد < ثمّ فسّره فقال > لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفوّاً أحد < . . . هو الله الصمد الذی لا من شیء و لا فی شیء و لا علی شیء ؛

وهب ۱۵۲ بن وهب قرشی گوید: که امام صادق(ع) از

طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاده(ع) برایم روایت کرده که: اهل بصره به امام حسین(ع) نامه نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند؛ امام به آنان نوشت: .. به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده >اللّٰه أحد . اللّٰه صمد<، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: >لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد< ... او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۱،۲

۱ - خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

۲ - خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

صفات جلال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۲۶، ۱۲، ۱۱، ۷

۷ هیچگاه خواب سبک (چرت) و سنگین ، خداوند را فراموشی گیرد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

۱۱ ناسازگاری غفلت از تدبیر عالم با قیومیت خداوند .

الحیّ القیوم لا تأخذه سنه و لا نوم

جمله >لا تأخذه .. < به منزله بیانی است برای صفت >قیوم< .

۱۲ هیچ دگرگونی و تغییری در ساحت قدس خداوندی راه ندارد .

لا تأخذه سنه و لا نوم

۲۶ عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیومیت خداوند

الحَيِّ الْقَيُّومِ . . . وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

تمام مطالبی که پس از صفت <الْقَيُّومِ> آمده است، می

تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

صفات جمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، بی نیاز از اعمال خیر بندگان (اقامه نماز ، پرداخت زکات و ...)

و ما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عندالله

هدف از آوردن قید <لأنفسكم> (برای خودتان) توجه دادن انسانها به این حقیقت است که: آنچه انجام می دهید خود از آن بهره می گیرید. مبادا خیال کنید که خداوند به آنها نیازمند است و سودی عاید او می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۵،۹

۵ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزّه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که <بدیع السماوات ..> همانند جمله <له ما فی السماوات ...>، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

۹ - خداوند ، در ایجاد اشیا بی نیاز از استخدام وسایط است .

إذا قضی أمراً فإنما يقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۳

۳ - خداوند

حقیقتی است بی همتا و بی مانند

و من الناس من يتخذ من دون الله أنداداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۹

۹ بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگان آزاررسان

قول . . . و الله غنیّ حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲ - ۷

۷ خداوند ، بی نیاز از دیگران

الله . . . الحیّ القيوم

قیوم (قائم به ذات)، یعنی کفایت ذات در قوام خویش؛ و این معنا مستلزم بی نیازی از غیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۶

۱۶ بی نیازی مطلق خداوند از جهانیان

فإنّ الله غنیّ عن العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۴،۷،۱۲

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

۷ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما النَّصْرَ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۱۲ خداوند ، < عزیز > (پیروز شکست ناپذیر) و < حکیم > است .

من عند الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ . . . و أنّ الله هو العلیّ الکبیر

<حقّ> به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و <العلیّ> مفید صفات سلبی و <الکبیر> افاده کننده سعّه وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی ها است .

بحمد ربّهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد لله

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۵

۵ - حاکمیت قانون زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دار جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها

... و ممّا لا يعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۴

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱

۱ - خداوند ، بی نیاز از انسان ها است .

إن تکفروا فإنّ الله غنی عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۸ - ۲

۲ - بی نیازی مطلق خداوند ، از عبادت انسان ها

إن استکبروا فالذین عند ربّک یسبحون له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

<توقیر> به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. <تسبیح> به معنای منزه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

و یبقی وجه ربک ذو الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذوالجلال>، ناظر به صفات جلال و <الإکرام>، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۹

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

تبرک اسم ربک ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذی الجلال> اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و <الإکرام> بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۸

۸ - تمامی صفات کمال ، در والاترین مرتبه آن مخصوص ذات خدا است .

له الأسماء الحسنی

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که تقدم <له> که افاده حصر می کند و واژه <حسنى> که افعال تفضیل است بیانگر مرحله عالی و برتر صفات و کمالات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - خداوند ، بی نیاز از ایمان انسان ها

و استغنی الله

متعلق و مورد استغناى خداوند در آیه شریفه، می تواند دو چیز باشد: ۱ استغناى خداوند از ایمان انسان ها به او ۲ استغناى

الهی از این که پس از ارائه معجزات و دلایل روشن از سوی پیامبران، باز هم معجزات و دلایل دیگری به بشر عرضه دارد؛ زیرا همین مقدار برای هدایت بشر کافی است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

و اللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <حمید>، صفت برای <غنی> باشد؛ نه صفت مستقل برای <اللّٰهُ>.

صفات جمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۶،۸

۶ بی نیازی مطلق خداوند از غیر

هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

برخی در معنای کلمه <قیوم> گفته اند: <هو القائم بذاته>. (روح المعانی) و لازمه قیام به ذات، بی نیازی از غیر است.

۸ خداوند ، لحظه ای از تدبیر و قوام بخشیدن به عالم هستی غافل نیست .

الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ

صفات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان ، بهره مند از نعمت های زمین و دارای درک و مسؤولیت

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در صورتی که خطاب در آیه شریفه، متوجه جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

صفات جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۳

۱۳ جهنم ، بد جایگاهی است .

فحسبه جهنم و لبس المهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۳

۳ دوزخ، محیطی بسته و خفقان زا برای مجرمان

لهم من جهنم مهاده و من فوقهم غواش

جمع آوردن کلمه <غواش> و مقید کردن آن به <من فوقهم> حکایت از برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۲

۲ جهنم ،

دارای منظره ای بس هول انگیز

و إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۴

۴- جهنم ، جسمانی است و جهات مختلف دارد .

و يأتيه الموت من كل مكان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۴

۴- دوزخ ، چاهی است عمیق .

جهنم يصلونها

<جهنم> معرب <جهنم> و به معنای چاهی عمیق است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنم للكافرين حصيراً

<الحصير> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲۳

۲۳ - دوزخ ، دارای آتشی شعله‌ور و فروزان

عذاب الجحيم

<جحیم> اسم مکان از <جحمه> (شعله و افروزندگی شدید آتش) و به معنای محل آتش شعلهور و افروخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۲۴

۲۴ - جهنم ، دارای آتشی ملتهب و پر شراره

و فریق فی السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۷ - ۴،۵

۴- منطقه مرکزی دوزخ ، دارای حرارتی فزون تر و شکنجه ای شدیدتر

فاعتلوه إلی سواء الجحیم

امر به کشیدن گنه کاران به <سواء الجحیم>، در صورتی دارای تأثیر است که کناره های دوزخ،

با نقطه مرکزی آن از نظر شدت حرارت و عذاب متفاوت باشد.

۵- مکان های مختلف دوزخ ، دارای شرایط متفاوت از نظر شدت و ضعف و حرارت و سختی

فاعتله إلى سواء الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۶

۶- طبع دوزخ ، همچون طبع دنیاطلبان ، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول .. و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۵ - ۱۶

۱۶- دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

عذاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۹

۹- دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی به شدت برافروخته و شعله‌ور است .

أصحاب السعیر

<سعیر>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعیر>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۵

۵ - دوزخ ، جایگاهی به غایت گرم و دارای آتشی

برافروخته و شعله‌ور است .

لأصحاب السعير

<سعير>، به معنای گرم و نیز آتش افروخته و ملتهب است. دخول <ال> کمالیه بر <سعير>، بیانگر گرمای بی اندازه دوزخ و التهاب و برافروختگی شدید آتش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۵

۵ - <حریق> از اوصاف جهنم *

و لهم عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۰ - ۲

۲ - عظمت جهنم و توصیف اعماق هولناک آن ، فراتر از حد تصوّر و بیان است .

و ما أدريک ماهیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۱۱ - ۱

۱ - جهنم ، یک پارچه آتش و دارای حرارتی بس شدید است .

نار حامیه

<هاویه>، اسم مکان است و آتش خواندن آن، مبالغه در بیان گستردگی آتش است؛ به گونه ای که گویا آن مکان چیزی جز آتش نیست. <حَمِيَّتِ النَّارِ> یعنی، حرارت آن شدت یافت (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۳

۳ - دوزخ ، مکانی سوزان و دارای آتشی شعله‌ور و متراکم

لترونّ الجحيم

<جحيم>، به معنای آتشی است که سخت شعله‌ور بوده و زبانه کشد. هم چنین بر هر آتش متراکم و یا افروخته در گودال های عمیق و هر مکان پر حرارت اطلاق می گردد. (قاموس)

صفات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ ستمگری ، ویژگی مشترک همه دوزخیان است .

إذا صرفت ابصرهم تلقاء اصحاب

النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

يودّ المجرم .. تدعوا من أدبر و تولّى

صفات حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>) ؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>) ؛ یعنی، زنان فراخ چشم.

صفات حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۴، ۱۳، ۹

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذين كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذين كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که

حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

۱۴- سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت ، عملی حیوانی *

يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت گسترده خداوند ، پایه و اساس مشیت و اراده او

إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۸

۸ خداوند ، بخشاینده گناهان و ستم کاری های مردم است .

وَإِنْ رَبُّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۹ - ۲

۲ خداوند ، حقیقتی بزرگ و بلند مرتبه است .

الكبير المتعال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱۲، ۱۰، ۹، ۸

۸- تنها خداوند ، عالی ترین صفات را داراست .

و لله المثل الأعلى

۹- واجد عالی ترین صفات بودن ، دلیل تنزیه خداوند از نسبت های ناروای مشرکان

و يجعلون لما لا يعلمون نصيبًا مما رزقنهم .. كنتم تفترون . و يجعلون لله البنت

۱۰- اسناد فرزند دختر به خداوند ، ناسازگار با مثل اعلا بودن و صفات عالی داشتن او

للذين لا يؤمنون بالأخره مثل السوء

عبارت <و لله المثل الأعلى> در مقام جواب به نسبت ناروایی

است که از سوی مشرکان به خداوند داده می شد و آن اسناد دختر داشتن خداست؛ در حالی که خداوند عالی ترین صفات را داراست و با چنین ادعایی قابل جمع نیست.

۱۲- عزّت و حکمت ، مظهر عالی ترین صفات خداوند

و لله المثل الأعلى و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۷

۱۷- بیشتر مشرکان نسبت به حقیقت صفات خدا و قابل مقایسه نبودن مخلوقات با او ، ناآگاهند .

بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت فوق به خاطر این است که صدر آیه سخن از قابل مقایسه نبودن خلق با خدا بود و نفی علم (لا يعلمون) نیز به همین زمینه نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، هیچ گونه ترسی از بندگان خود ندارد .

ضرب لکم مثلاً .. تخافونهم کخيفتکم أنفسکم

این که در مَثَل، برای نفی شریک از خداوند، موضوع ترس انسان ها را از هم و نترسیدن آنها را از بَرَدگان شان مطرح کرده است، می تواند رساننده نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، جامع صفات کمالی است .

هو الحقّ .. و أنّ الله هو العلیّ الکبیر

<حقّ> به معنای ثابت زوال ناپذیر (واجب الوجود) است و <العلیّ> مفید صفات سلبی و <الکبیر> افاده کننده سعه

وجودی او برای هرگونه صفت کمالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳ - ۵

۵ - خالقیت

و رازقیت ، دو صفت جداناپذیر خداوند

هل من خلق غیر الله یرزقکم من السماء و الأرض

از این که در آیه شریفه، خالق که روزی دهنده نباشد، نفی شده است؛ به دست می آید که میان دو صفت <خالقیت> و <رازقیت> ارتباط ناگسستنی وجود دارد و ممکن نیست خدایی خالق باشد؛ ولی رازق نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۲ - ۵

۵ - ربوبیت ، خالقیت ، الوهیت و یکتایی ، از اوصاف و ویژگی های خداوند

ذلکم الله ربکم خلق کل شیء لا اله الا هو

صفات خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۳

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل رب انزلنی منزلاً مبارکاً و انت خیر المنزلین

<منزل> در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله <و انت خیر المنزلین> (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۸ - ۷

۷ - التجا به ربوبیت الهی و برشمردن صفات رحمت آفرین او ، از آداب دعا و نیایش

و قل رب اغفر و ارحم و انت خیر الرحمین

صفات خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خواهر موسی ، دختری زیرک و

راز نگه دار بود .

هل أدلكم على من يكفله

صفات داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۵

۵- داوود (ع) ، پیامبری جنگجو و رزمنده در میدان های جنگ حق علیه باطل *

داود . . . و علمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

آموزش صنعت اسلحه سازی و ساختن زره از سوی خداوند به داوود(ع)، حاکی از این است که آن حضرت، اهل رزم بوده و در میدان های جنگ حضور می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۸

۸- داوود (ع) ، شخصیتی نیرومند و پرتوان

و اذکر عبدنا داود ذاالأید

<أید> به معنای قوت و شدت است و <ذاالأید> یعنی، صاحب قدرت و نیرومند.

صفات درختان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ عبدالسلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله أخبرنی عن الشجرة التي اكل منها آدم و حوا ما كانت؟ فقد اختلف الناس فيها فمنهم من یروی انها الجنيه و منهم من یروی انها العنب و منهم من یروی انها شجرة الحسد، فقال(ع): كل ذلك حق. قلت: فما معنی هذه الوجوه علی اختلافها؟ فقال: یا أباالصلت ان شجرة الجنه تحمل انواعا فكانت شجرة الحنطه و فيها عنب و لیست كشجرة الدنيا ...

عبدالسلام بن صالح هروی گوید: به امام رضا(ع) گفتم: یابن رسول الله(ص) مرا آگاه کنید، درختی که آدم و حوا از آن خوردند چه بوده؟ مردم درباره آن اختلاف دارند؛ عده ای

می گویند: آن، درخت گندم بوده، عده ای گویند: درخت انگور بوده و بعضی دیگر می گویند: آن، درخت حسد بوده، آن حضرت فرمود: تمامی اینها درست است. گفتم: این وجوه مختلفی که گفته شده چه معنایی دارد؟ فرمود: ای اباصلت، درخت بهشتی چند نوع ثمره دارد، یعنی درخت گندم انگور هم می دهد و مانند درختان دنیا نیست ...

صفات دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۲

۲ دشمنان پیامبران، همواره از سنخ مجرمان و تبه کاران بودند.

لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمَجْرِمِينَ

صفات دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۶

۶ - طبع دوزخ، همچون طبع دنیاطلبان، فزون طلب و زیاده خواه *

یوم نقول .. و تقول هل من مزید

با توجه به این که دوزخ و بهشت، مقام ظهور و تجلی حقایقی است که آدمی در عالم <ناسوت> تدارک دیده است، آیه می تواند کنایه از فزون طلبی دنیاداران دوزخی باشد.

صفات دود آتش جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۱ - ۱

۱ - دود سایه مانند دوزخ، فاقد سایبان حقیقی (خنک کنندگی) است و مانع از شعله های سوزان آتش نیست.

لاظلیل و لا یغنی من اللّهب

<لاظلیل> صفت برای <ظّل> در آیه پیش است و <ظّل ظلیل> به معنای سایه دائم و مستمر است (صحاح اللغه). بر این

اساس <ظَلَّ... لاظليل> کنایه از نبودن سایه قابل استفاده و <لهب> به معنای شعله خالص

و بدون دود است.

صفات ذات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۵

۵ خداوند ، قائم به ذات خویش و دارای حیات ازلی

إن الله له ملك السموت والأرض يحيى و يميت

تنها مالک، فرمانروا و حیات بخش جهان هستی خداوند است پس جز او عاملی برای حیات وجود ندارد و در نتیجه ذات او قائم به خویش و حیات او ازلی است.

صفات رستگاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ - امر به معروف ، پنددهی و پندپذیری ، از خصلت های برجسته انسان های کامیاب

لفی خسر . إلا الذین ... تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

<تواصوا>، از باب تفاعل و بیانگر آن است که مؤمنان، در کنار توصیه به دیگران، از توصیه های آنان نیز بهره می برند.

صفات رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۹

۹ گوش فرادادن به سخنان همه طیف های جامعه و داشتن سعه صدر در برابر آنان ، خصلتی شایسته و بایسته برای رهبران و مسؤولان جامعه اسلامی

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- محبت و دل سوزی عمیق نسبت به دیگران ، از ضروری ترین و مطلوب ترین صفات رهبران الهی است .

و حناناً من لدناً

با توجه به این که <حناناً> اولین صفتی است که پس از <آتیناه الحکم> ذکر شده است، مطلب فوق از آن استفاده

می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۲ - ۸

۸ - اطمینان و تزلزل ناپذیری در بحران ها ، از صفات ضروری رهبر جامعه ایمانی

قال أصحاب موسى إنا لمدركون . قال كلاً إن معي ربّي سيهدين

صفات رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۹

۱۹ - رهبران مستکبر حتی در قیامت هم از خوی استکباری خویش دست برنخواهند داشت .

فقال الضعفاء للذين استكبروا .. قالوا لو هدینا الله لهدینکم

مفسران برای هدایت در این آیه دو احتمال ذکر کرده اند: یکی هدایت در برابر گمراهی و دیگری راهنمایی جهت نجات از عذاب. برداشت فوق با توجه به احتمال دوم است؛ به اضافه اینکه مستکبران به جای اینکه نجات پیروان خود را به خدا موکول کنند، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات خود آنها را نیز نجات خواهند داد.

صفات رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۸

۸ لزوم برخورداری رهبران از احساس هم دردی نسبت به انسان ها و سعادت خواهی برای آنان و داشتن رأفت و رحمت عمیق

رسول من أنفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

برداشت فوق به دلیل این است که خداوند پیامبر(ص) را به عنوان یک رهبر الهی به داشتن این صفات تمجید کرده است.

صفات زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا، زنی زیرک، طراح و هوشیار بود.

فلما سمعت بمکرهنّ أرسلت

إِلَيْهِنَّ... وءاتت كل وحده منهنّ سكّيناً... فلما رأينه

صفات زنان شایسته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۶

۶ - تسلیم در برابر خداوند ، ایمان به او ، فرمانبری از او ، توبه ، عبادت و روزه داری ، از اوصاف زنان شایسته در نگاه وحی

أزوجًا خیرًا منکّنْ مسلمت مؤمنت قنتت تثبت عبتت سئحت

<قنوت> (مصدر <قانتات>) به معنای اطاعت همراه با خضوع است (مفردات راغب). <سیاحت> (ماده <سائحات>) به معنای سیر در زمین به منظور عبادت است. اهل لغت و مفسران گفته اند: از آن جا که روزه داران، تمام روز را بدون غذا سپری می کنند، به آنان <سائح> می گویند (برگرفته از لسان العرب).

صفات زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۵ - ۸

۸ - هجرت در راه خداوند ، از اوصاف زنان شایسته و از ارزش های والا و ملاک های برتری *

خیرًا منکّنْ... سئحت

مقصود از <سائحات> می تواند هجرت کنندگان باشد؛ زیرا مهاجران، همان کسانی اند که برای حفظ دین خود و انجام تکالیف الهی، به سرزمینی دیگر سفر می کنند و بیشتر زنان مسلمان و همه همسران پیامبر(ص)، از مهاجران بودند و این خود از افتخارات هر مسلمانی به شمار می آمد.

صفات زندان یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۸

۸ زندانی که یوسف (ع) به محبوس شدن در آن تهدید شد ، موجب خوار گشتن و حقیر پنداشتن او می

شد .

لیسجنن و لیکوناً من الصغیرین

جمله خوار و بی مقدار خواهد شد (لیکوناً من الصاغیرین) به منزله نتیجه ای برای عبارت <زندانی خواهد شد> (لیسجنن) است؛ زیرا یوسف (ع) هنگام ترجیح زندان بر خواسته زنان در آیه بعد سخنی از ترجیح حقیر شدن نگفت.

صفات شقاوتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۱ - ۸

۸ - تیره بختان در روی گردانی از تعالیم قرآن ، درنگی نکرده و شتابزده خود را از آن دور می سازند .

سیدّ کر .. و یتجنّبها الأشقی

فعل <سیدّ کر> در آیه قبل، تصمیم اهل خشیت بر پذیرش تذکرات قرآن را، به دور از شتاب زدگی و همراه با درنگ و تأمل، معرفی کرد و در این آیه فعل <یتجنّب> بدون حرف <سین> درباره شقاوتمندان آمد تا بر عجلولانه بودن واکنش آنان دلالت کند.

صفات شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۲ - ۵

۵- شیاطین ، موجوداتی قابل رام شدن و فرمان بری برای انسان ها .

و سخّنا .. من الشیطین من یغوصون له

صفات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۱۰

۱۰ - شیطان موجودی اغواگر و انسان موجودی اغواپذیر است .

و لا تتبعوا خطوات الشيطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۶

۶ شیطان ، موجودی سرکش و فاقد هرگونه خیر و فضیلت

و إن يدعو شیطاناً مریداً

مرید از مصدر <مرود> به معنای سرکشی و خروج از طاعت است (مجمع

البیان). مفردات راغب <مرید> را به معنای عاری از خیر دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- تزیین ضد ارزش ها ، برای متمایل ساختن انسان ها به آن ، خصلتی شیطانی است .

الشیطن سؤل لهم و املی لهم

چنانچه <تسویل> به معنای زیبا نمایش دادن زشتی ها باشد.

صفات شیطانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ - خود بزرگ بینی از خصلت های نکوهیده و شیطانی

أبی و استکبر

صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۹،۳۲

۲۹- بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، در تورات و انجیل

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل ، در معرفی ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

تکرار <مثلهم>، اشاره به تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خبر برای <ذلك> و <كزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

صفات ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۳

۳ - خشوع و فروتنی ظالمان در قیامت ، خشوعی ذلیلانه و از سر ترس و هراس

و تریهم ... خشعین من الذلّ ینظرون من طرف خفیّ

صفات عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۱

۱ - ابن ام مکتوم مسلمانی خدا ترس بود

و خطر محرومیت از تزکیه او را نگران ساخته بود .

و هو یخشی

حذف بعضی از قیده‌های کلام، گاهی به منظور تعمیم است تا مخاطب احتمالات گوناگونی را مد نظر داشته باشد. متعلق <خشیت> در این آیه گویا به همین منظور ذکر نشده است تا احتمالاتی از قبیل ترس از خدا، نگرانی از سلب توفیق تزکیه، ترس از فرجام خویش و نظایر آن را در ذهن شنونده ترسیم کند.

صفات عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱۳

۱۳ حنان بن سدير گوید : < سألت ابا عبد الله عن العرش و الكرسي فقال : إن للعرش صفات كثيرة مختلفة . . . فقوله : > رب العرش العظيم < يقول : الملك العظيم ;

از امام صادق (ع) درباره عرش و کرسی سؤال کردم، فرمود: برای عرش صفات مختلف زیادی است . . . قول خدا که می فرماید: <رب العرش العظيم> مقصود، ملک عظیم است <.

صفات علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۲

۲ عالمان ، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین ، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیون> را به معنای عالمان تقوایسته و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۶

۶ - خشیت و ترس از خدا ، نشانه عالمان راستین و اهل معرفت است .

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ

جلد - نام سورہ - سورہ -

۱ - انس با قرآن و تلاوت مستمر آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه <إِنَّ الَّذِينَ..> در مقام بیان جمله <إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ> است یعنی، در توصیف عالمان خداترس می باشد.

۱۱ - اخلاص و انگیزه خدایی داشتن ، از اوصاف عالمان راستین و اهل معرفت

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ ... وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا

۱۳ - امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .. إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

صفات عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

صفات غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ انسان های غافل از یاد خدا و ذکر او ، انسانهایی مضطرب و نگرانند .

ألا بذكر الله تطمئن القلوب

صفات فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۶

۱۶ - انسان های فاسق ، دارای قلب های منحرف

أزاع الله قلوبهم و الله لا يهدى القوم الفسقين

صفات فرزند صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۶

۶- پاک و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

يبدلهما ربّهما خيراً منه زكوه و أقرب رحمًا

صفات فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۴ - ۱

۱ - فرعون ، مردی طغیان گر و سرکش در برابر خداوند بود .

اذهب إلى فرعون إنّه طغی

مراد از <طغیان فرعون> به قرینه رسالت موسی(ع)، سرکشی او در برابر خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - فرعون ، مردی سرکش و خدانشناس بود .

اذهبا إلی فرعون إنه طغی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرينه آیتنا کلها فکذب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- فرعون، حاکمی مستبد، مغرور و متکبر بود.

قبل أن أذن لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۲

۲- فرعون، دارای طبعی خسیس و سخت گیر در اعطای مال و منال به خدمتگذاران و حامیان خود

قالوا لفرعون ائن لنا لأجرًا إن كنا نحن الغلین

شرط ساحران مبنی بر دریافت مزد و پاداش از فرعون، در مقابل دفاع از او، می تواند به خاطر مشاهده روح خست و تنگ نظری در وجود وی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۵

۵- مشابهت پیکره نظام فرعونی با شخص فرعون در خصلت های منفی

إنه كان عاليًا من المسرفین

برداشت بالا بنابراین نکته است که <المسرفین> نظر به اسراف گران جامعه فرعونی داشته باشد که فرعون سرکرده آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۱

۱- فرعون زمان موسی (ع)، مردی طغیان گر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنه طغی

<طغیان>؛ یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از <طغیان فرعون> به قرینه <تزکی> و <فتخشی> در آیات بعد ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

صفات فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۳

۳ - فرعونیان ، برای تصمیم در باره امور مهم و اساسی ، روش مشورتی داشتند .

فتنزعوا أمرهم بينهم

بروز تنازع در میان فرعونیان،

نشان از آن دارد که آنان خود را تابع بی چون و چرای فرعون نمی دانستند؛ بلکه در امور مهم برای خود حق نظر و رأی، قائل بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۷

۷- فرعونیان در عصر موسی (ع)، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

از مصداق های بارز <مصرفان>، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۵

۵- مشابهت پیکره نظام فرعونی با شخص فرعون در خصلت های منفی

إنّه كان عالیاً من المسرفین

برداشت بالا بنابراین نکته است که <المسرفین> نظر به اسراف گران جامعه فرعونی داشته باشد که فرعون سرکرده آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۶

۶- فرعونیان، دارای اقتدار و توان بالا

فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

آورده شدن اوصاف <عزیز> و <مقتدر> برای خداوند در این آیه، تعریض به قدرت ظاهری فرعونیان دارد.

صفات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۷ - ۳

۳- تنها وصف شایسته برای قرآن، وصف < تذکردهنده > است؛ نه کلام شیطان یا ساخته مجنون

و ما صاحبکم بمجنون... و ما هو بقول شیطن... إن هو إلا ذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۳

۳- قرآن، کتابی شریف و پرفایده است.

قرءان مجید

<مجید>، به

معنای رفیع (قاموس) و مجد به معنای عزت و شرف است. (مصباح). اصل این کلمه از <مَجَّ دَتِ الْاَبْلِ> گرفته شده است؛ یعنی، شتران به چراگاهی وسیع و پر علف دست یافتند. (مفردات راغب)

صفات قلب بیمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر، خصیصه بیمار دلان سست ایمان

اقسموا بالله جهد ايمانهم انهم لمعكم

صفات قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۵ - ۴

۴ قوم ثمود، مردمی سخت دلبسته به دنیا و تمتعات آن

فقال تمتعوا فی دارکم ثلثه ایام

روشن است که مقصود صالح (ع) از این فرمان (تمتعوا ..) این نیست که قوم ثمود را به بهره برداری از تمتعات دنیا فرابخوانند؛ بلکه به قرینه جمله بعد، اعلام سه روز مهلت است. بیان مهلت سه روزه به سه روز بهره گیری از تمتعات دنیا، اشاره به رویه قوم ثمود دارد؛ یعنی، آنچه خواهان آن هستید و بدان دل بسته اید و به خاطر آن به آیین الهی نمی گرایید، تنها تا سه روز دیگر ادامه خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۴

۴ کشتن ناقه صالح، از ستمگری های قوم ثمود بود.

و أخذ الذین ظلموا الصیحه

از آن جا که کشتن ناقه صالح نیز در نزول عذاب دخیل بود، معلوم می شود ظلم در <الذین ظلموا> اشاره به کشتن ناقه نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود)، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود؛ چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

صفات قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ قوم عاد، مردمی مغرور، متعصب و لجوج در برابر دعوت توحیدی هود (ع)

فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ قوم عاد، مردمی قوی و نیرومند بودند .

و یزدکم قوه إلی قوتکم

صفات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۸

۸- قوم نوح، دچار خوی استکبار و خودبرترینی

و استکبروا استکبارًا

صفات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۳

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلى جهنم يحشرون. ليميز الله الخبيث من الطيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۳

۱۳- جهنم یان در آخرت یکدیگر را شناخته و حوادث دنیا را به خاطر خواهند آورد .

و برزوا لله جميعًا فقال

الضعفوا للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۶

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جميعا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ... إن الله وعدكم وعد الحق و

صفات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم كفرون. أو لا يرون أنهم يفتنون في كل عام ... ثم لا يتوبون و لا هم يدك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . . . و رضوا بالحوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده

، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شک و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . . . و ما أظنّ ... لکنّا هو الله ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مرد سمبل ایمان، با قاطعیت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبه می شوند ، نه از منطق و برهان .

و لئن مسّتهم نفعه من عذاب ربّک ليقولنّ یویلنا إنا کنا ظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران ، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

و لهم أعمل من دون ذلک هم لها عملون

<ذلک> اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أولئک یسارعون فی الخیرات) ، یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دل بستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّی إذا فتحنا علیهم . . . إذا هم فیہ مبلسون

<حتّی> غایت برای <ما یتضرّعون> و <فتح> (مصدر <فتحنا>) به معنای گشودن است. <إبلاس> (مصدر <مبلسون>) نیز برای چند معنای نزدیک

به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] نوید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین كفروا .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل اللّٰه .. بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممن كذب علی اللّٰه و كذب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مَثْوًی لِّلْكَافِرِينَ) کافران می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۵

۵ - کافران ، گروهی خود بزرگ بین و متکبرانند .

حَقَّتْ کَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَی الْکَافِرِينَ .. فَبئسَ مَثْوًی الْمُتَكَبِّرِينَ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشيع> جمع <شيعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است؛ یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنا منّا المسلمون و منّا القسطنون

با توجه به معنای <قسط> (جور) و نیز تقابل <قاسطنون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۱ - ۲

۲ - دل بستگی به دنیا و رها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بل تحبون العاجله . و تذرون الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۲، ۱

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلا صدق ولا صلی

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلا صدق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است؛ یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است؛ مانند: <ماسلککم فی سقر. قالوا

لم نك من المصلين . و لم نك نطعم المسكين >، (سوره مدثر، آیات ۴۲-۴۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۱

۱ - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

و لکن کذب و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثم ذهب إلى أهله يتمطى

مفسران واژه <یتمطی> را به معنای <تبختر> دانسته اند؛ زیرا این واژه یا از ماده <مط> (کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا> (پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إن هؤلاء يحبون العاجله و یذرون وراءهم یوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران، بی اعتنا به مرگ، قبر و قیامت خود و بی توجه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلاً

<کلاً> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه

تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلاً> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

صفات کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی، تکبر، ستیزه جویی و حق ناپذیری، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عِزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳

۳ - کافران صدراسلام، مردمی لجوج، مستکبر و حق گریز

بل لَجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۲

۲- کافران مکه، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

صفات كفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۴

۴- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأنتم أن يخسف بكم . .. أم أمتم أن يعيدكم

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

صفات گاو بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۳،۴،۶،۸

۳ - قوم موسی ، از وی خواستند تا مشخصه های گاوی را که باید ذبح شود از خداوند بخواهد و برای ایشان بیان کند .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي

۴ - میانسال بودن - نه گوساله جوان و نه گاوی پیر - از مشخصه های تعیین شده برای گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند .

إنها بقره لافارض و لابكر عوان بين ذلك

<فارض> به معنای پیر و بزرگ سال است. <بقره بکر> یعنی، ماده گاوی جوان که هنوز باردار نشده است (لسان العرب).
<عوان> هم به معنای میانسال است.

۶ - میانسال بودن گاو - پیش از سؤال از مشخصه های دیگر - تنها ویژگی لازم برای گاو ماده ای که بنی اسرائیل به ذبح آن مأمور شدند .

عوان بين ذلك فافعلوا ما تؤمرون

جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (به آنچه مأمور شدید عمل کنید) بیانگر این است که: تکلیف قوم موسی و به اصطلاح <مأمور> به < آنان، ذبح گاوی میانسال بوده است بدون لحاظ شرطی دیگر.

۸ - از امام صادق (ع) درباره آیه < قال إنه يقول إن ها بقره لافارض و لابكر > روایت شده که فرموده اند : و < الفارض < التي قد ضرب ها الفحل و لم تحمل و > البكر < التي لم يضرب ها

<فارض> گاو ماده ای است که جفت گیری کرده ولی باردار نشده است و <بکر> گاو ماده ای است که جفت گیری نکرده است ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۹ - ۱،۴

۱ - قوم موسی ، میانسال بودن گاو را شرطی کافی برای مشخص شدن تکلیف و رسیدن به مقصود (حل معمای قتل) نمی دانستند .

فافعلوا ما تؤمرون. قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

علی رغم اینکه موسی(ع) با جمله <فافعلوا ما تؤمرون> به قوم خویش تفهیم کرد که تکلیف آنان بیش از این نیست که گاوی میانسال را ذبح کنند؛ ایشان با پرسش از رنگ و دیگر ویژگیها در صدد ابقای این معنا بودند که: ذبح چنین گاوی (تنها میانسال بودن) نمی تواند وسیله حل معمای قتل باشد.

۴ - تأکید موسی (ع) بر اینکه ، صفات بیان شده برای گاوی که باید ذبح شود ، صفاتی تعیین شده از جانب خداوندست نه از ناحیه خود او

قالوا إنه يقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۰ - ۱،۲،۹

۱ - قوم موسی ، بیان رنگ و سن گاو مورد نظر را مشخص کننده ندانسته و خواهان توضیح بیشتری درباره ویژگی های آن شدند .

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها

۲ - قوم موسی ، بر این باور بودند که گاو مورد نظر برای ذبح و حل معمای قتل ، باید ویژگی های منحصر به فرد داشته باشد .

إن البقر تشبه علينا

<تشابه> به معنای همانند بودن است و

چون با <علی> متعدی شده، متضمن معنای التباس و اشتباه نیز هست. بنابراین <إن البقر...>؛ یعنی، آن گاو توصیف شده به میانسانی و زرد رنگی، مصادیق زیادی دارد که همگی مشابه یکدیگرند و این موجب می شود که ندانیم کدامین را انتخاب کنیم. این جمله از قوم موسی، حکایت از آن دارد که: آنان گمان داشتند گاو مورد نظر برای ذبح باید به گونه ای توصیف شود که تنها یک فرد داشته باشد تا همانندی از بین برود.

۹- از رسول خدا (ص) روایت شده که: <أنهم أمروا بأدنی بقره و لكنهم لما شدوا علی أنفسهم شدد الله علیهم و ایم الله لو لم یستثنوا ما بینت لهم، إلی آخر الأبد...>

بنی اسرائیل مأمور به ذبح کم ارزش ترین گاو بودند؛ لکن چون بر خویشتن سخت گرفتند خداوند نیز بر آنان سخت گرفت و سوگند به خدا اگر آنان <إن شاء الله> نمی گفتند هرگز علامتهای گاوی که می بایست ذبح نمایند برای آنان بیان نمی شد...>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۶، ۳، ۲، ۱

۱ - گاوی که برای شخم زنی رام نشده و برای کشتزاران آبکشی نکرده، از ویژگی های گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند.

قال إنه یقول بقره إنها بقره لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

<ذلول> به معنای رام و مطیع است. <إثاره> (مصدر تثیر) به معنای زیر و رو کردن می باشد. مراد از زیر و رو کردن زمین به وسیله گاو، شخم زدن آن است.

گاوی که قوم موسی به ذبح آن مأمور شدند باید سالم ، بی نقص و پیراسته از هر نقطه و خطی در رنگ و پوستش می بود .

مسلمه لاشیه فیها

<مسلمه> یعنی دارای سلامت و سلامتی به معنای: مبرا بودن از عیب و آفت است. <شیه> به هر رنگی گفته می شود که مخالف رنگ عمومی چیزی باشد. بنابراین <لاشیه فیها> یعنی، در رنگ آن گاو، رنگ دیگری نباشد. گفتنی است که <شیه> از ماده <وشی> است و <هاء> آخر عوض واو محذوف می باشد.

۳- قوم موسی ، آخرین علایم تعیین شده را (رام نشده برای شخم و . . .) نشانه هایی قاطع و برطرف کننده سردرگمی خویش دانستند .

قالوا الثن جئت بالحق

<حق> در جمله فوق به معنای ثابت و استوار در مقابل امری تردیدپذیر و نامشخص است. ال در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است؛ یعنی، حق کامل و تمام.

۶- قوم موسی ، ویژگی های اولیه گاوی را که باید ذبح می شد ، نارسا پنداشته و موسی (ع) را به کوتاهی در بیان حقیقت متهم کردند .

قالوا الثن جئت بالحق

مفهوم کلام قوم موسی (الآن . . .) هم اکنون حق را به تمامی بیان کردی) این است که: وی قبل از ذکر اوصاف یاد شده در این آیه، حق را به طور کامل بیان نکرده بود.

صفات گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است

و لاتطع منهم ءائماً أو كفوراً .. إن هؤلاء يحبون العاجله و يذرون وراءهم يوم

صفات متقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳ - ۱

۱ - ایمان به غیب (خدا و ...) ، اقامه نماز و انفاق از صفات اهل تقواست .

هدی للمتقين . الذین يؤمنون ... ینفقون

<غیب> به معنای پنهان و ناپیداست و چون ایمان به آن ارزشهای دینی شمرده شده، مقصود از <غیب> هر پنهان و نهانی نیست، بلکه مراد از آن، به مناسبت فرازهای بعد، خدا و فرشتگان و مانند آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۵، ۲، ۱

۱ - ایمان به قرآن و معارف و احکام نازل شده بر پیامبر (ص) ، از صفات متقین است .

هدی للمتقين .. الذین يؤمنون بما انزل إلیک

۲ - تقوا پیشگان ، مؤمن به کتاب های آسمانی ادیان گذشته و معارف و احکام آنها

و الذین يؤمنون بما انزل إلیک و ما انزل من قبلک

۵ - یقین به جهان آخرت از صفات اهل تقواست .

و بالأخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۳۱، ۳۰، ۲۹

۲۹ - آنان که ابعاد اعتقادی دین را باور دارند و از اموال خویش برای دستگیری مستمندان بهره می گیرند و وظایف عبادی و اجتماعی خویش را انجام می دهند ، تقوای پیشگان حقیقی هستند .

و لكن البر من ءامن . . و أولئك هم المتقون

۳۰ - کسانی که علی رغم فقر و تنگدستی و گرفتار بودن به

مشکلات ، بر ایمان خویش استوارند ، تقوایبندگان حقیقی هستند .

و الصبرین فی البأساء و الضراء .. أولئك هم المتقون

۳۱ - مجاهدانی که در نبرد با دشمنان دین استقامت میورزند ، تقوایبندگان حقیقی هستند .

الصبرین .. حین البأس ... أولئك هم المتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۶

۶ تقوایبندگان ، رعایت کنندگان حقوق زنان مُطلّقه در میان افراد جامعه

حقاً علی المتّقین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است / ولی حکم را بر متّقین بار نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۲

۲ تقوایبندگان ، فریفته تمایلات شهوانی و مادی نیستند .

زین .. ذلك متاع الحیوه الدّنیاء ... للذین اتقوا عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۶ - ۱،۲،۳

۱ اقرار به ایمان و دعای مستمر تقوایبندگان به درگاه خداوند

للذین اتقوا .. الذین یقولون ربّنا

استمرار، از فعل مضارع <یقولون> برداشت شده است. و <الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

۲ تقوایبندگان ، همواره خواستار بخشایش گناهان خویش از خدا و مصوئیت از عذاب دوزخند .

للذین اتقوا .. فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

<الذین یقولون>، بیان ویژگیهای <الذین اتقوا> است.

۳ نگرانی دائمی متّین، از کردار خویش و عذاب الهی

لّذین اتقوا .. یقولون ربّنا ... فاغفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار

استمرار و دوام، از فعل مضارع <یقولون> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۷ - ۱،۷،۸،۹

۱ صبر و راستی در گفتار ، خضوع در برابر خداوند ، انفاق و استغفار در سحر گاهان ، از صفات متّین

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. الصّابرين ... بالاسحار

آیه فوق (الصّابرين و الصادقين ..)، بیان و توضیح دیگری برای <لَّذِينَ اتَّقَوْا> است.

۷ دوام سحر خیزی ، از شیوه های تقوایبندگان

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. و المستغفرين بالاسحار

کلمه <الاسحار>، جمع و دارای الف و لام استغراق است و بر این معنا دلالت می کند که تقوایبندگان، در تمامی سحرها استغفار می کنند.

۸ هفتاد مرتبه استغفار در سحر گاهان ، شیوه تقوایبندگان .

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. و المستغفرين بالاسحار

امام صادق (ع): من قال فی و تره اذا أوتر <استغفر الله ربّي و اتوب اليه> سبعين مرّه .. كتبه الله عنده من المستغفرين بالأسحار ...

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۴؛ خصال صدوق، ص ۵۸۱، ح ۳، باب السبعين؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۶۲.

۹ نماز خواندن در سحر گاهان ، از اوصاف متّین

لَّذِينَ اتَّقَوْا .. و المستغفرين بالاسحار

امام صادق (ع) درباره <و المستغفرين بالاسحار> فرمود: المصلّين وقت السحر.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۱۴؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ قیام به امر خدا ، تلاوت آیات او ، سجده ، ایمان به خدا و معاد ، امر به معروف و نهی از منکر و شتاب در امر خیر ، از ویژگی های تقوای پیشگان

امّه قائمه یتلون ءایت الله .

.. و الله عليم بالمتقين

آیه، در صدد بیان پاداش کسانی است که خصلتهای مذکور را دارند، از آنها تعبیر به متقین کرده، پس آن خصلتها از آن متقین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۱،۲،۳،۴

۱ انفاق در حال توانمندی و تنگدستی، از ویژگی های تقوایندگان

اعدت للمتقين. الذين ينفقون في السراء والضراء

مراد از <في السراء والضراء>، حالت تنگدستی و توانمندی است، و در برداشت فوق، توصیف انفاق کننده گرفته شده است، نه وصف برای مورد انفاق.

۲ انفاق در حالت رفاه و آسایش و نیز رنج و سختی جامعه، از ویژگی های تقوایندگان

اعدت للمتقين. الذين ينفقون في السراء والضراء

بنابر اینکه مراد از <السراء والضراء> بیان حالت جامعه و مردم، یعنی مورد انفاق باشد، نه بیان حالت انفاق کننده.

۳ فرو بردن خشم و گذشت از لغزش های مردم، از ویژگی های اهل تقوا

اعدت للمتقين .. و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی، از ویژگی های اهل تقوا

اعدت للمتقين. الذين ينفقون ... و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۵ - ۱۸

۱ یاد خدا و طلب آمرزش (توبه) شیوه پارسایان، در صورت ارتکاب کاری ناشایست (زنا یا مطلق گناه کبیره) و یا ستم بر خویش

اعدت للمتقين .. و الذين اذا فعلوا فاحشه او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا

گفته اند مراد از <فاحشه>، زنا و مقصود از ظلم در این آیه، سایر گناهان چه صغیره و چه کبیره است. برخی دیگر گفته اند که مراد از <فاحشه>، گناهان کبیره و مقصود از ظلم، گناهان صغیره است.

۸ - عدم عناد و اصرار آگاهانه تقوایندگان ، بر گناه

و الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً .. لَمْ يَصُرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ

چون به مجرد ذکر خدا توبه می کنند، معلوم می شود گناهشان از روی عناد نیست، بلکه به جهت غفلت از یاد پروردگارشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۱

۱ - عبادت خالصانه خدا ، اجتناب از عبادت طاغوت ، توبه ، پیروی از بهترین سخن و خردورزی ، از اوصاف تقوایندگان

و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ .. الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ .

<الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ> بیان تفصیلی برای آن دسته از افراد مؤمنی است که در آیات قبل توصیف شده اند، یعنی، <الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ .. الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - احسان ، نشانه اصلی تقوا و صفت برجسته تقوایندگان است .

أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ .. ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

توصیف تقوایندگان به صفت احسان، می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۲

۲ - متقین ، در عین اعتقاد به رحمانیت خداوند ، بیمناک از مخالفت با او *

من خشى الرحمن بالغيب

از این که وصف <الرحمان> مفعول

<خشی> قرار گرفته است، می توان به مطلب فوق ره برد^۲ زیرا در نظر ابتدایی، وصف <منتقم، قهار و...> متناسب با خشیت است و این که وصف <رحمت> به کار گرفته شده است، می رساند که رجای متقین آنان را به گناه نمی کشاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۹ - ۴

۴ - براءت ذمه از حقوق دیگران ، از نشانه های تقوایبندگان است .

الأتقی . الذی ... و ما لأحد عنده من نعمه تجزی

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال مستأنفه بودن این آیه است که در این صورت بر اوصاف پیشین، وصف جدیدی را افزوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱

۱ - برخورداران درجه والای تقوا ، تنها برای جلب توجه و عنایت خداوند ، اموال خود را انفاق می کنند .

الأتقی .. إلا ابتغاء وجه ربّه

استثنا در این آیه، منقطع است^۲ یعنی، حق نعمتی بر گردن او نیست^۲ لکن <ابتغاء> وجود دارد^۲ یعنی، شخص <أتقی> در انفاق خود، نمی خواهد پاسخ نعمت دیگران را داده باشد. او تنها به این انگیزه انفاق می کند که خداوند، به او رو کرده و وی را مورد لطف خود قرار دهد. <وجه> به معنای <صورت و چهره> و کنایه از توجه و عنایت است.

صفات مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۲

۲ امید داشتن به رحمت الهی نه خود را مستحق آن شمردن ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران

انّ الذين امنوا و الذين هاجروا و جاهدوا فى سبيل الله اولئك يرجون رحمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۳

۳ آخرت اندیشی و وارستگی از دل بستن به دنیا ، ویژگی مجاهدان در راه خدا

فليقاتل فى سبيل الله الذين يشرون الحيوه الدنيا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

ان الله اشترى من المؤمنين .. التّوبون ... و الحفظون لحدود الله

صفات محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۲

۲۲ جان فشانی و تحمل هر گونه سختی (تشنگی ، گرسنگی و حرارت های جبهه جنگ) در راه خدا ، از نشانه ها و اوصاف محسنان است .

لا يرغبوا بأنفسهم عن نفسه ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ .. فى سبيل الله ... ان اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۹

۹ گذشت از خطاکاران و دعا برای آمرزش آنان ، خصلتی نیکو و از صفات محسنان است .

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين .. لا تتريب عليكم اليوم يغفر الله لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۴ - ۱۱، ۱

۱ - اقامه همواره نماز ، و پرداخت مداوم

زکات و یقین به آخرت ، از صفات محسنان است .

هَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ . الَّذِينَ يُقِيمُونَ ... وَ هُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

فعل های مضارع < یقیمون > و < یؤتون > دلالت بر استمرار دارند. لازم به ذکر است که < زکات > در این آیه، به قرینه مکی بودن سوره، زکات اصطلاحی نیست، بلکه اعانه های مالی است. گفتنی است در صورتی که جمله < الَّذِينَ يُقِيمُونَ... > جمله وصفی و یا بدلی باشد، مفید معنای یاد شده است.

۱۱ - توجّه به خدا و بر طرف ساختن نیاز های نیازمندان ، دو خصلت همگام در وجود محسنان است .

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

صفات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱

۱ پیامبر (ص) دارای اخلاقی خوش و اهل مدارا با مردمان ، به دور از هر گونه سنگدلی و خشونت

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ

کلمه <لنت> از مصدر <لین> به معنای مهربانی و خوشخویی است و <فظًا> به معنای جفاکار و بد خلق است و <غلیظ القلب> به معنای سنگدل و بی رحم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۵،۶

۵ پیامبر (ص) جویای رضایت و خشنودی خداوند

وَ مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُغَلَّ . . . افمن اتّبع رضوان الله

به دلیل آیه قبل (و ما كان لنبي ان يغلل)، از مصادیق بارز و مورد نظر برای <افمن اتّبع .. >، پیامبر اکرم (ص) است.

۶ جویای رضای الهی از سوی پیامبر (ص) ،

دلیل و نشانگر پاکی ساحت وی از هر گونه خیانت

و ما کان لنبی ان یغلّ .. افمن اتبع رضوان الله

جمله <افمن اتبع رضوان الله> به منزله دلیل و تعلیل برای جمله <و ما کان لنبی ان یغلّ> است ؛ یعنی آیا امکان دارد پیامبری که همواره در پی جلب رضای الهی است، خیانت کند و از همان کسانی باشد که خدا بر آنان خشم گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۸

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یا مرهم بالمعروف ... و یحل لهم الطیبت و یحرم علیهم الخبیث

جمله های <یا مرهم و .. > حال برای ضمیر مفعولی در <یجدونه> است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۱ - ۵،۷

۵ گوش فرادادن به سخنان گوناگون مردم ، با شکیبایی و سعه صدر کامل ، از خصلت های پیامبر اکرم (ص)

و یقولون هو اذن قل اذن خیر لکم

۷ پیامبر (ص) شنوای سخنان نیک و ارزنده و نه سخنان

باطل و بیهوده

و يقولون هو أذن قل أذن خير لكم

برداشت فوق بر این اساس است که: اضافه <أذن> به <خیر> اضافه حقیقی باشد؛ نه از باب اضافه موصوف به صفت یعنی، پیامبر(ص) شنوای سخنان خیر است نه شنوای هر سخنی هر چند باطل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۴

۴ رأفت پیامبر (ص) نسبت به همه مردم و تلاش آن حضرت برای هدایت همگان

إن تستغفر لهم سبعين مرة فلن يغفر الله لهم

لحن سخن الهی، حاکی از تمایل آن حضرت به استغفار برای منافقان است. استغفار برای مردمانی چون منافقان، نشانگر رأفت و رحمت گسترده آن حضرت نسبت به عموم مردم و تلاش او برای هدایت همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۲

۲ پیامبر (ص) از میان خود انسان ها و دارای خصلت های طبیعی یک انسان

رسول من أنفسکم

تعبیر <من أنفسکم> به جای <منکم> می تواند اشاره به این جهت باشد که نه تنها پیامبر(ص) از میان شماست؛ بلکه او برخوردار از نفس و روح انسانی همانند دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۲، ۲۹

۲۹- بیان اوصاف پیامبر (ص) و یاران آن حضرت، در تورات و انجیل

ذلك مثلهم في التوریه و مثلهم في الإنجیل كزرع

۳۲- بیان متنوع تورات و انجیل، در معرفی ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت *

ذلك مثلهم فى التوريه و مثلهم فى الإنجيل كزرع

تكرار <مثلهم>، اشاره به

تنوع دو بیان دارد. به تعبیر دیگر <مثلهم فی التوراه> خبر برای <ذلک> و <کزرع...> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

صفات مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۳

۳ - تقوا ، یکتاپرستی و دوری از شرک ، از اوصاف بندگان مخلص

أَلَا تَتَّقُونَ . أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ . اللَّهُ رَبُّكُمْ ... إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ

صفات مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۸ - ۶

۶ - بی رغبتی به زیورآلات ، توان مندی و فرادستی در میدان بحث و درگیری ، خصلت های دیرینه مردان

أَوْ مِنْ يَنْشُؤْا فِي الْحَلِيهِ

با توجه به قرینه مقابله، استفاده می شود که مردان نوعاً دارای ویژگی های ذکر شده در آیه نیستند.

صفات مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ - انسان رفاه مند سرمست ، موجودی خودخواه و طلبکار از خداوند

و لئن رجعت إلی ربی إن لی عنده للحسنی

تعبیر <إن لی عنده> نشان می دهد که انسان سرمست و رفاه مند حقی برای خود نزد خدا قائل است؛ نه این که صرفاً امید به تفضل، انعام و مغفرت الهی داشته باشد.

صفات مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمراً تهجرون

صفات مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دل‌بستگی کافران و

مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم... إِذَا هُمْ فِيهِ مَبْلُوسُونَ

<حَتَّىٰ> غایت برای <مَا يَتَضَرَّعُونَ> و <فَتَحَ> (مصدر <فَتَحْنَا>) به معنای گشودن است. <إِبْلَاسَ> (مصدر <مَبْلُوسُونَ>) نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است؛ یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر [روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن [حال، از هر سبب نجات بخشی] انومید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۸

۸ - تأثیر مقطعی و ناپایدار آیات الهی بر روح مستکبران *

تَتَلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصِّرُ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

بنابراین که واژه <ثُمَّ> دال بر تراخی زمانی باشد، می توان چنین برداشت کرد که آیات الهی، تأثیر گذرا و مقطعی در کافران دارد؛ اما در نهایت انگیزه های استکباری آنان، مانع از تأثیر گذاری آن آیات در وجود آنها می شود.

صفات مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

صفات مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است

که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أَنَا مِّنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

با توجه به معنای <قَسِطٌ> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

صفات مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ - وجود روحیه تحقیق و بررسی بین مسلمانان صدراسلام

و یَسْلُونَكَ

صفات مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكُتُبَ .. فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ

صفات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ مخالفت مشرکان با رسالت پیامبر (ص) و قرآن کریم ، برخاسته از روح لجاجت و گردنکشی آنان

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان غير هذا أو بد

با توجه به اینکه آیات الهی، آشکار و واضح بود و

در عین حال مشرکان از پذیرش آن امتناع ورزیدند، برداشت فوق استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إِنْ كَادَ لِيُضِلَّنَا عَنْ ءَآلِهَتِنَا لَوْلَا أَنَّ صَبْرَنَا عَلَيْهَا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۸ - ۳

۳ - پندار گریبی و گمان محوری ، شالوده هویت مشرکان بی باور به آخرت

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ .. . إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

با توجه به حصر در <إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۴

۴ - مشرکان ، مستورسازنده حقیقت اند .

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

به کار بردن عنوان <کافر> که به معنای پوشاننده و انکارکننده امری معلوم است تعریض به مخاطبان است که بین من و شما، این شما هستید که حقیقت را پوشانده اید.

صفات مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳- لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذكروا لا يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۵ - ۳

ایمان نداشتن به جهان آخرت ، از اوصاف مهم و شناخته شده مشرکان صدراسلام

الذین لایؤمنون بالآخره

توصیف مشرکان به ایمان نداشتن به آخرت و انتخاب این وصف از میان اوصاف دیگر آنان، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

صفات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۷

۱۷ - ربوبیت ، از اوصاف خدای حقیقی (الله) است .

الله ربکم

<ربکم> صفت برای <الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۱۰

۱۰ - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب .. لا إله إلا هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۵

۵ - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحی لا إله إلا هو

صفات مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئُسُوا مِنَ الْآخِرَةِ

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

صفات مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲ - روح آلوده و فسادگر، افزون طلب و اشباع ناپذیر است . *

و لقد رودوه عن ضیفه

با این که تمامی قوم لوط، مبتلا به فساد اخلاق بودند و برای انجام اعمال زشت و انحراف جنسی خویش، محدودیتی نداشتند؛
با این حال چشم از میهمانی تازه وارد بر پیامبری که همواره در ستیز با ایشان بود، برنداشتند.

صفات مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱ - ۳

۳- منکران آخرت شرّ و بدی را بسان خیر و خوبی خواستارند .

و أن الذین لایؤمنون بالأخره . . . و یدع الإنسان بالشرّ دعاءه بالخیر

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که مقصود از <الإنسان> مطلق انسانها نباشد چنانکه برخی از مفسران گفته اند؛ بلکه
الف و لام <الإنسان> برای عهد ذکری است و اشاره به منکران معاد می باشد که در آیه قبل (الذین لایؤمنون بالأخره. ..)
آمده است.

صفات مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذبوا بآیتنا . . . عذاب مهین

صفات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - تکذیب گران روز جزا ، فاقد تقوا و روح احسان و نیکوکاری اند .

ويل يومئذ للمكذّبين . .. إنّ المتّقين ... إنّك كذلك نجزي المحسنين

از تقابل تکذیب گران با تقواییشان و محسنان در

آیات مورد بحث، برداشت یاد شده استفاده می شود.

صفات مکذبان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۱

۱ - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود، از کسی سر می زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد .

فذلك الذي يدع اليتيم

<ذلك>، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. <دَعَّ> (مصدر <يَدْعُ>)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر <ذلك الذي...> که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد بیانگر حصر است.

صفات مکذبان کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۱

۱ - تکذیب کنندگان مجازات های الهی، نه خود به تغذیه مسکینان کمک می کنند و نه دیگران را به آن وادار می سازند .

ولا يحضّ على طعام المسكين

تعبیر <حَضَّه على الامر>؛ یعنی، او را بر آن کار وادار ساخت (مصباح). مراد از <طعام المسكين>، <بذل طعام المسكين> است و ممکن است طعام [اسم مصدر و] به معنای اطعام باشد؛ مانند <عطاء> به معنای <اعطاء>. (البحر المحيط)

صفات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۹

۹ منکران معاد، گرفتار خود بزرگ بینی و استکبار در درون جان خویش

وقال الذين لا يرجون لقاءنا .. لقد استكبروا في أنفسهم

صفات ملائكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - زخرف - ٤٣ - ١٧ - ٤

- ٤

در دیدگاه مشرکان مکه فرشتگان ، دختران خدا و همانند او در صفات

و إذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلاً

با توجه به این که <مثَل> در آیه به معنای شبیه است، می توان گفت که مشرکان مکه معتقد به همسانی فرشتگان با خدا بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۰ - ۶

۶ - خداوند ، قادر به آفرینش انسان هایی فرشته صفت هم چون عیسی (ع) *

و لو نشاء لجعلنا منكم ملئكة

گروهی از مفسران منظور از این آیه را، ایجاد انسان هایی فرشته صفت دانسته اند که در صدد رفع استبعاد مشرکان نسبت به قدرت ویژه انسان هایی هم چون عیسی(ع) که می توانست مردگان را زنده کند و بیماران را شفا بخشد.

صفات منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹ - ۱

۱ - منافقان مردمی نیرنگباز و فریبکارند .

يخدعون الله و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲ - ۱،۶

۱ - منافقان ، مردمی فسادپیشه و تبهکارند .

ألا إنهم هم المفسدون

۶ - اهل ایمان ، باید منافقان را همواره مفسده گر و تبهکار بدانند .

ألا إنهم هم المفسدون

بیان فسادگری منافقان با جمله اسمیه مقرون به حرف تنبیه (ألا = آگاه باشید) و نیز حرف تأکید (إنّ)، گویای این است که منافقان با دروغ پردازیها مسلمانهایی را به این پندار رسانده بودند که ایشان مردمی اصلاح طلب هستند. بنابراین می توان گفت از اهداف جمله <ألا> این است که: مسلمانان هرگز در مفسده گر

بودن منافقان، تردید نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳ - ۵،۸،۱۰

۵ - خود بزرگ بینی و تحقیر مؤمنان راستین، از صفات اهل نفاق است.

أَنْتُمْ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ

۸ - منافقان، خود مردمی سفیه و بی خردند.

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ

مقرون بودن خبر به <ال> و نیز وجود ضمیر فصل در جمله <أَلَا إِنَّهُمْ...> از حصر حکایت دارد و این حصر به اصطلاح <حصر> اضافی است. بنابراین معنای جمله چنین است: منافقان بی خردند، نه مؤمنان راستین.

۱۰ - منکر شمردن معروف ها و معروف دانستن منکرات، از ویژگی های منافقان

إِذَا قِيلَ... و إِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامَنُوا... قَالُوا أَنْتُمْ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ

از اینکه فساد را اصلاح گری می شمردند و ایمان را سفاقت می پندارند، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱

۱ سرسختی، تکبر و غرور ریاکاران مدعی اصلاح (منافقان)، در مقابل دعوت به تقوا

و مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجَبُكَ... و إِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۴،۶

۴ دوگانگی برخورد منافقان با پیامبر (ص) و رهبران الهی، به هنگام سختی ها و آسایشها

فَكَيْفَ إِذَا... ثُمَّ جَاءُوكَ يُحْلِفُونَ بِاللَّهِ انْزَلْنَا أَلَّا إِحْسَانًا

منافقان تا قبل از گرفتاری، از پیامبر (ص) اعراض کرده و به طاغوتها می گرایند، و آنگاه که به مشکلات برخوردند، از

پیامبر (ص) عذرخواهی می کنند.

۶ دروغ ، سوگند به خدا ، توجیه اعمال ناروا و عذر تراشی ، از شگرد های منافقان

يَصِدُّونَ عَنْكَ صِدُودًا .. ثُمَّ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ انْ اردنا اِلَّا احساناً و توفيقاً

به دلیل <يَصِدُّونَ عَنْكَ> معلوم می شود که ادعای اراده احسان دروغ بوده است. بنابراین ادعای آنان تنها توجیه و عذر تراشی برای اعمال ناروایشان بوده است ؛ نه پی بردن به اشتباه و عذرخواهی واقعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۲

۲ فرصت طلبی ، طمعکاری و برخورد های طلبکارانه ، از ویژگی های اهل نفاق است .

الذين يترَبِّصونَ بكم فإن كان لكم فتح من الله .. و نمنعكم من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۹،۱۱،۱۴

۹ سستی و نشاط نداشتن در نماز و مقدمات آن ، از صفات منافقان

و إذا قاموا إلى الصَّلوة قاموا كسالى

<كسالى> جمع <كسلان> است ؛ و كسلان به کسی گفته می شود که با کندی و اکراه و بدون نشاط و میل ، کاری را انجام دهد. قیام به سوی نماز که مفاد جمله <قاموا إلى الصَّلوة> است ، شامل مقدمات نماز نیز می شود.

۱۱ ریاکاری در نماز و عبادت ، از صفات منافقان و نشانه نفاق

و إذا قاموا إلى الصَّلوة قاموا كسالى يراءون الناس

۱۴ غفلت از خداوند و کم به یاد او بودن ، از صفات منافقان

و لا يذكرون الله إلا قليلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱،۱۳

متحیر و سرگردان میان کفر و ایمان

مذبذبین بین ذلک لا إلی هؤلاء ولا إلی هؤلاء

<ذلک> اشاره به ایمان و کفر است. <مذبذب> به شیء معلق گفته می شود که دایم به این سو و آن سو حرکت می کند و استقراری ندارد.

۱۳ تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: ... یظهرون الایمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم الله.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۲۹۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۵

۵ منافقان، گروهی فرصت طلبند.

إن تصبک حسنه تسؤهم و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۲ - ۹

۹ منافقان، دارای روحیه ای شرک آلود

یحلفون بالله لکم لیرضوکم و الله و رسوله أحق أن یرضوه

کوشش منافقان در جلب رضایت مردم (لیرضوکم) و غفلت از رضایت خدا (و الله و رسوله أحق أن یرضوه)، نشانگر روحیه شرک آلود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۵ - ۸

۸ بی شرمی منافقان و اصرار آنان بر دروغ پردازی و تزویر ، حتی پس از افشای اسرار درونی و توطئه های آنان

و لئن سألتهم ليقولن إنما كنا نخوض و نلعب قل أبالله و آياته و رسوله كنتم تستهزءو

جمله > قل أبالله ..

< می تواند رد ادعای منافقان در مورد <نخوض و نلعب> باشد / یعنی، آنان هنوز هم با این سخنان در مقام تزویرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۷، ۱۰

۱۰ منافقان ، مردمی دارای خصلت بخل و امتناع از انفاق در راه خدا

المنفقون و المنفقت . . . و يقبضون أیدیهم

۱۷ ترویج زشتی ها و فساد (منکر) و پیشگیری از تحقق نیکی ها و ارزش ها و فراموشی خدا و فرمان های او ، از عملکرد ها و اوصاف منافقان

المنفقون . . . يأمرن بالمنکر و ینهون عن المعروف و يقبضون أیدیهم نسوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۱۵

۱۵ عملکرد ، مواضع اجتماعی و خصلت های مؤمنان و منافقان ، کاملاً متفاوت و متضاد است .

المنفقون و المنفقت . . . يأمرن بالمنکر . . . و المؤمنون و المؤمنت . . . يأمرن بالمع

با توجه به تقابل این آیه با آیه ۶۷ که در مورد خصلتهای منافقان بود برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ خیانت در برابر خدمت ، از خصلت های منافقان است .

و ما نقموا إلا أن أغنيهم الله ورسوله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۵ - ۴،۶

۴ مشروط نمودن انجام فرایض و صالح شدن ، به برخورداری از مال و ثروت ، خصلتی است منافقانه .

و منهم من عهد الله .. لنكونن من الصالحين

۶ اقرار منافقان صدر اسلام به ناخالصی و صالح نبودن خویش

و منهم من عهد الله .. لنكونن من الصالحين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۸

۸ دروغ گویی ، شیوه مستمر منافقان

و بما كانوا يكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۷

۷ طعنه زدن به مؤمنان انفاقگر و استهزای آنان ، از خصلت منافقان است .

الذين يلمزون المطوعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۳،۱۲

۳ خوشحال بودن از مخالفت با رسول خدا (ص) و دستورات دین ، خصلت منافقان و برخاسته از نفاق

فرح المخلفون بمقعدهم خلف رسول الله

۱۲ منافقان ، دارای روحیه رفاه طلبی

وقالوا لاتنفروا في الحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۳ - ۳

۳ تظاهر به آمادگی برای جهاد و فداکاری ، پس از پایان یافتن دشواری های نبرد ، خصلتی است منافقانه .

فإن رجعت الله إلى طائفه منهم فاستذنوك للخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۸

۸ منافق ، دارای خصلت حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۹

۱۹ دروغ گویی ، خصلت منافقان است .

و الله يشهد انهم لكاذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم كفرون. أو لا يرون أنهم يفتنون في كل عام ... ثم لا يتوبون و لا هم يدرك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۷ - ۶

۶ - نافرمانی و روی گردانی از خدا و رسول او و برخلاف قول و قرار خود عمل کردن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و يقولون ءامنا بالله .. ثم يتولّى فريق منهم من بعد ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۸ - ۳

۳ - پذیرفتن داوری پیامبر (ص) ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان است .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۴

۴ - اندیشه سودجویانه ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . و إن يكن لهم الح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۱۰، ۷، ۴، ۲، ۱

۱ - منافقان صدر اسلام ، به بیمار دلی مبتلا بودند .

أفی

همزه در <أفی> برای استفهام است؛ ولی متضمن معنای تقریر می باشد که برای سرزنش بیشتر منافقان آمده است.

۲ - بیمار دلی ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أفی قلوبهم مرض

۴ - شك و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

۷ - گمان ناعادلانه بودن حکم خدا و رسول او ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله

۱۰ - نسبت دادن جرم و گناه خویش به دیگران و چهره مظلومانه به خود گرفتن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم یخافون أن یحیف الله علیهم ورسوله بل أولئك هم الظلمون

منافقان خدا و رسول او را به ستم و اجحاف کردن در داوری هایشان متهم می کردند. در مقابل خداوند نیز با تأکید فراوان، آنان را ظالم معرفی کرده است این مطلب می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۳ - ۳

۳ - استفاده از سوگند به خدا و مقدسات دینی ، برای پوشش چهره کریه و مزورانه خویش و فرار از فریضه جهاد ، از اوصاف منافقان است .

و أقسموا بالله جهد أیمنهم لئن أمرتهم لیخرجنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۶

۶- بیماردلان و منافقان گریزان از تکالیف دینی ، دارای زمینه گرایش به دشمنان اسلام

و ذکر فیها القتال رأیت الذین فی قلوبهم مرض.. قالوا للذین کرهوا... سنطیعکم

این آیه با آیات پیشین، می توان نتیجه گرفت که میان بیمار دلی و گریز از تکالیف دشوار و تمایل به دشمنان اسلام، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - آرزوی ناکامی برای جامعه ایمانی ، تردید در باور های دینی ، فریفتگی به آرزو های باطل و مظاهر دنیا و غفلت از خداوند ، از اوصاف منافقان و از نشانه های نفاق

و غرّکم باللّٰه الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۸ - ۹

۹ - منافقان ، عناصری دروغگو و بیگانه با صدق و راستی

ألا إنّهم هم الكذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱ - ۴،۵،۹

۴ - تلاش منافقان ، برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق آلود خود

إذا جاءك المنفقون قالوا نشهد إنّك لرسول الله

۵ - شهادت صریح و اکید به رسالت پیامبر (ص) در حضور آن حضرت ، از شگرد های منافقان برای پنهان نگه داشتن چهره نفاق خود از آن حضرت

إذا جاءك المنفقون قالوا نشهد إنّك لرسول الله

۹ - دروغ گویی ، از ویژگی ها و خصلت های منافقان

والله يشهد إنّ المنفقين لكذّبون

تکیه بر وصف <کاذبون> نشانگر آن است که دروغ گویی، برای منافقان خصلتی ثابت و جدایی ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱،۳

۱ - منافقان ، دارای ظاهری فریبنده و قیافه ای زیبا

و إذا رأيتهم تعجبك أجسامهم

۳ - منافقان ، دارای زبانی شیوا و

و إن يقولوا تسمع لقولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۵ - ۹، ۷، ۱

۱ - منافقان ، عناصری نصیحت ناپذیر

و إذا قيل لهم تعالوا .. لتؤا رءوسهم

۷ - منافقان ، عناصری منحرف و باطل گرا

و رأيتهم يصدون

<صدّ> (مصدر <يصدّون>) بر دو معنا اطلاق می شود: الف) میل و انحراف، ب) منع و بازداشتن. در آیه شریفه، ظاهراً معنای اول اراده شده است.

۹ - استکبار و خودبرتربینی ، از خصلت های عناصر نفاق پیشه

و هم مستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۲

۱۲ - منافقان ، عناصری نادان و بی بهره از معارف بلند الهی

و لله العزّه و لرسوله و للمؤمنين و لكنّ المنفيين لا يعلمون

صفات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۷ - ۵

۵ تأثیرپذیری موجودات ، دلیل عدم صلاحیت آنان برای خدایی و پرستش

ان يدعون من دونه الا اثناً

صفات موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱،۴،۷،۸

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان ، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربیون> جمع <ربی> است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

۴ مصیبت ها و مشکلات ، آنگاه که در راه خدا باشد ، هرگز مردان الهی را به ضعف و ناتوانی و تسلیم در برابر دشمنان

نخواهد کشید .

فما وهنوا لما اصابهم في سبيل الله و ما ضعفوا و ما استكانوا

۷ یادآوری پایداری و مقاومت خداپرستان پیشین ، از روش های قرآن برای ایجاد روحیه مقاومت در مبارزه با دشمنان دین

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر . . . فی سبیل الله

۸ قدرت روحی ، استقامت و تسلیم ناپذیری در مقابل دشمن ، از ویژگی های مردان الهی

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر فما وهنوا . . . و ما استكانوا

<وهن> به معنای فتور و سستی است، و کلمه <ما استکانوا>، از ماده <سکن>، به معنی خضوع است / یعنی در برابر دشمن، خاضع و ذلیل نمی شوند و تسلیم نمی گردند.

صفات موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۷ - ۱

۱ - موسی (ع) قبل از رسالت خویش ، لکنت زبان داشت .

واحلل عقده من لسانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - موسی (ع) برخوردار از توان جسمی فوق العاده و دشمن شکن

فوکزه موسی ففضی علیه

صفات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۲

۲ امید داشتن به رحمت الهی نه خود را مستحق آن شمردن ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران مجاهد

اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ الَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَ جَاهَدُوْا فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ يَرْجُوْنَ رَحْمَتَ اللّٰهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۹

۹ مؤمنان به خدا

و قیامت از ازدواج زن مُطلَّقه ، ممانعت نمی کنند .

فلا تعضلوهنَّ ان ینکحن . . . ذلك یوعظ به من کان منکم یؤمن باللّهِ و الیوم الآخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۱۵، ۱۸

۱۵ اطاعت از خدا و انبیا و طلب مغفرت ، از ویژگی های مؤمنان

و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا

۱۸ احساس و اظهار عجز از جانب مؤمنان ، نسبت به انجام وظایف خود در برابر پروردگار

و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربّنا

طلب آموزش از سوی مؤمنان با وجود پذیرش دستورات الهی و اطاعت، حاکی از عجز ایشان نسبت به وظایف خویش در برابر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۲۰

۸ مؤمنان در صورت انجام ندادن تکالیف الهی ، بر اثر فراموشی یا خطا و اشتباه ، خود را مستحق مؤاخذه می دانند .

ربّنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا

درخواست گذشت از مؤاخذه، اعترافی ضمنی به استحقاق مؤاخذه است.

۱۰ التزام مؤمنان به ترك معاصی و انجام تكالیف الهی

و قالوا سمعنا و اطعنا . .. ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا

توجه به پیشامد خطا و نسیان در تكالیف الهی

و درخواست عفو در مورد آن، گویای مراقبت مؤمنان از اعمال و رفتار خویش است.

۱۴ توجه مؤمنان به تاریخ گذشتگان و درس آموزی از آن

رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا أَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا

۱۵ درخواست مؤمنان از خداوند مبنی بر تحمیل نکردن عقوبت های طاقت فرسا بر آنان

و لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ

چون در بخشهای قبلی تکالیف مشقّبار مطرح شده و نفی گردیده است (لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)، الزاماً این بخش از آیه می تواند مشقّت و دشواری در غیر تکالیف باشد که همان عقوبت و عذاب است.

۲۰ عفو، غفران و رحمت نسبت به مؤمنان، از شؤون ولایت الهی

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا

جمله <انت مولینا> به منزله دلیل برای درخواست مطالب قبلی است؛ یعنی خدایا چون تو مولای ما هستی عفو کن و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۵

۱۵ یاری کردن دین خدا، مشخصه ایمان آورندگان به خدا و تسلیم شدگان در برابر اوست.

نحن انصار الله امانا بالله و اشهد بانّا مسلمون

جمله <امنا بالله .. > به منزله برهانی است از جانب حواریون برای دعوای یاری خدا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱۰

۱۰ توکل بر خداوند، از ویژگی های مؤمنان

و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳ - ۱۷۳ - ۱۷، ۱۵، ۷، ۶

۶ مؤمنان واقعی ، از

زیادی دشمن و آمادگی آنها برای جنگ ، هراسی به خود راه نمی دهند .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ .. فزادهم إيماناً

۷ اجتماع دشمنان دین برای نبرد با مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص) ، موجب افزایش ایمان و اعتقاد آنان به حَقَّانیت راهشان می گردد .

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ .. فزادهم إيماناً

مراد از ضمیر فاعلی در <زادهم>، اجتماع دشمنان است که از <إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ> استفاده می شود. یعنی اجتماع مشرکان برای نبرد، باعث افزونی ایمان پیروان خدا و رسول شد.

۱۵ امیدواری مؤمنان به نصرت الهی و پیروزی در غزوه حمراءالاسد

و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل

اکثر مفسران این آیه و آیات پیشین را درباره غزوه حمراءالاسد می دانند. مشرکان فاتح نبرد احد در راه بازگشت به مکه از اینکه کار مسلمانان را یکسره نکردند، پشیمان شدند و آهنگ هجوم به مدینه را داشتند. پیامبر (ص) پس از اطلاع، مسلمانان را برای دفاع تا حمراءالاسد حرکت داد. این غزوه به غزوه حمراءالاسد معروف شد.

۱۷ نهرا سیدن از کثرت دشمن و توکل بر خدا در رویارویی با آنان ، از نشانه های مؤمنان پیرو خدا و رسول (ص)

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لَإِلهِ و الرَّسُولِ .. و قالوا حسبنا الله و نعم الوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۸،۹

۸ کارآمد نبودن تبلیغات سوء و جنگ روانی ، در بازداشتن مؤمنان از شرکت در غزوه حمراءالاسد یا بدر صغرا

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ .. فانقلبوا بنعمه من الله و

زیرا در عین تبلیغات سوء دشمن، مؤمنان برای شرکت در نبرد حرکت کردند.

۹ مؤمنان واقعی، در پی جلب رضایت کامل الهی

و اتبعوا رضوان الله

<رضوان>، یعنی رضایت بسیار (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۱۷

۱۷ شجاعت و شهامت در برابر دشمنان دین، از نشانه های ایمان و ویژگی مؤمنان

فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱

۱ نبرد در راه خدا، از ویژگی های بارز مؤمنان واقعی

الذین امنوا یقاتلون فی سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۲

۲ منافقان در صورت توبه، اصلاح گذشته، تمسک به خدا و اطاعت خالصانه از او، در زمره مؤمنان واقعی قرار می گیرند.

الا الذین تابوا .. فأولئك مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۹

۹ عشق به خدا و محبوب وی شدن، فروتنی در برابر اهل ایمان و سرفرازی در مقابل کافران، از صفات مؤمنان واقعی

فسوف يأتي الله بقوم .. اعزه على الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٧١ - ١٥

١٥ عملکرد ، مواضع اجتماعی و خصلت های مؤمنان و منافقان ، کاملاً متفاوت و متضاد است .

المنفقون و المنفقت . . . يأمرون بالمنكر ... و المؤمنون و المؤمنت ... يأمرون بالمع

با توجه به

تقابل این آیه با آیه ۶۷ که در مورد خصلتهای منافقان بود برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۲،۴

۲ انفاق از روی میل و رغبت ، خصلت مؤمنان راستین

يلمزون المطوعين من المؤمنين

<تطوع> (مصدر مطّوعين) به معنای دادن چیزی همراه با میل و رغبت است. <المطوعين في الصدقات>؛ یعنی، کسانی که صدقات را با طیب نفس و با میل و رغبت می پردازند.

۴ تلاش عملی و قرار دادن تمامی توان جسمی خود برای رفع نیاز حاجتمندان جامعه در صورت نبود امکانات مالی از اوصاف مؤمنان راستین است .

و الذين لا يجدون إلا جهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ مؤمنان راستین ، پذیرای هر سختی و دشواری در راه خدا

و قالوا لا تنفروا في الحر

از اینکه خداوند منافقان را به خاطر گریز از جهاد در هوای گرم، به بهانه سختی و دشواری آن، مذمت کرده است، استفاده می شود که مؤمنان راستین از چنین خصلتی به دور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۶

۶ خشنودی قلبی از خدا و پذیرش قوانین و مقررات الهی از روی میل و رغبت و نه از روی اکراه و بی میلی از اوصاف مؤمنان راستین است .

و السبقون الأولون .. و الذين اتبعوهم يا حسن رضی الله عنهم و رضوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱ مؤمنان راستین ، دارای روحیه توبه ، عبادت و ستایش خدا

التَّابُونَ الْعِبَادُونَ الْحَمْدُونَ

۵ مؤمنان راستین ، دارای حرکت و جنب و جوش در راستای بندگی خدا و نه مردمی راکد و زمین گیر

السَّحُونَ

گاهی واژه <السائح> درباره آبی به کار می رود که همواره در گذرگاهی جاری باشد، توصیف اهل ایمان به این صفت می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

۶ مؤمنان راستین ، سیرکنندگان در زمین برای شناخت نشانه های خدا و تعقل در آنها

السَّحُونَ

<سیح و سیاحت> (مصدر السائحون) به معنای سیر و سفر کردن است و توصیف مؤمنان به سائحون می تواند ناظر به مطلب فوق باشد.

۲۰ > عن جعفر بن محمد (ع) انه سئل عن قول الله تعالى : > ان الله اشترى من المؤمنين أنفسهم و أموالهم بان لهم الجنة .. . < هذا لكل من جاهد في سبيل الله أم لقوم دون قوم ؟ فقال ابو عبد الله (ع) : .. . أنزل الله عز و جل عليه بعقب ذلك : > التائبون العابدون الحامدون .. . < فابان الله عز و جل بهذا صفه المؤمنين الذين اشترى منهم أنفسهم و أموالهم .. . >

روایت شده که از امام صادق (ع) سؤال شد: اینکه خدای تعالی می فرماید: >به تحقیق خدا از مؤمنان نفسها و مالهایشان را خریده است که در مقابل به آنان بهشت بدهد< آیا شامل همه کسانی است که در راه خدا جهاد می کنند یا برای گروه خاصی است و نه همه گروهها؟ امام فرمود: .. . خدای عز و جل به دنبال آیه مزبور،

این آیه را بر رسول خود نازل فرمود: <التائبون العابدون الحامدون ... > و بدین وسیله صفات مؤمنانی را که نفسها و مالهایشان را خریده است بیان نمود ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۹ - ۵

۵ صدق و راستی ، از ارزش های والای انسانی و مهمترین صفت مؤمنان راستین

يَأْيُهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا . . . وَ كُونُوا مَعَ الصّٰدِقِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۷

۷ اهل ایمان ، از عقل و خرد برخوردار و از نادانی و سفاهت مبرا هستند .

و مَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُوْمِنَ . . . وَ يَجْعَلَ الرَّجْسَ عَلٰى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۳

۳- هوشیاری ، فراست و ژرف اندیشی ، از اوصاف مؤمنان راستین

اِنْ فِىْ ذٰلِكَ لَآيٰتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِيْنَ . . . اِنْ فِىْ ذٰلِكَ لَآيٰةٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ

از اینکه خداوند در آیه قبل داستان قوم لوط را آیه برای ژرف اندیشان هوشیار قرار داد و در این آیه همین داستان را آیه برای مؤمنان دانسته است، می توان استفاده کرد که ژرف اندیشان همان مؤمنان راستینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شک و تردید و بی ثبات است .

مَا اَظُنُّ . . . وَ مَا اَظُنُّ . . . لَكُنَّا هُوَ اللّٰهُ رَبِّيْ

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را

با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظَنَّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مردِ سمبلِ ایمان، با قاطعیت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۵ - ۵،۶

۵ - مداومت در اقامه نماز و مواظبت بر انجام درست و کامل آن، یکی دیگر از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

و المقيمي الصلوه

<إقامه> (مصدر <مقيمین>) به معنای انجام دادن درست و کامل است. به کارگیری وصف (مقيمین) بیانگر این نکته است که خواندن نماز، خصلتی است که از مؤمنان جدا نمی شود. بنابراین معنای <المقيمي الصلوه> چنین می شود: آنان که همواره نماز را درست و کامل به جا می آورند، نه آن را ترک می کنند و نه در انجام درست و کامل آن، کوتاهی میورزند.

۶ - انفاق مال و دستگیری از نیازمندان، از برنامه های زندگی مؤمنان راستین

و بشرِ المحبتين... و مما رزقنهم ينفقون

به کارگیری فعل مضارع (ينفقون) بیانگر این حقیقت است که انفاق و رسیدگی به کار نیازمندان، کار یک روز و یا چند روز مؤمنان راستین نیست؛ بلکه برنامه ای است که آنان در طول زندگی، خود را موظف به انجام آن می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۲

۲ - مؤمنان راستین، انسان هایی سنجیده کار و درست گفتاراند.

و الذين هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون

۲ - مؤمنان راستین ، آنانی اند که زکات مال را همواره می پردازند .

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم للزكوة فعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵ - ۲

۲ - مؤمنان راستین ، انسان هایی عقیف و پاک دامن اند .

قد أفلح المؤمنون .. و الذين هم لفروجهم حفظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱،۴

۱ - < حرف شنوا و مطیع هستیم > ، تنها سخن همیشگی مؤمنان راستین در برابر فرا خوانده شدن آنان به پذیرش حکم خدا و داوری پیامبر (ص)

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و

فعل مضارع < يقولوا > همراه با فعل < كان > بر استمرار و کلمه < إنما > که اصطلاحاً آن را قصر افرادی می گویند بر حصر دلالت می کند.

۴ - لیبیک گفتن به دعوت خدا و رسول او و پذیرش بی چون و چرای داوری پیامبر (ص) و رهبران الهی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم أن يقولوا سمعنا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۴

۴ - اطاعت از خدا و رسول او ، خدا ترسی و تقوایبشگی ، از نشانه های ایمان واقعی و اوصاف مؤمنان راستین

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا .. أن يقولوا سمعنا و أطعنا ...

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و آیه پیشین که درصدد بیان اوصاف مؤمنان راستین است به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - پرهیز از ظلم و دوری از ستم در روابط اقتصادی، ویژگی مؤمنان راستین است.

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغَىٰ .. إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲

۲ - عبادت شبانه با سجده و قیام، دغدغه خاطر داشتن از روز قیامت و امید به رحمت الهی، از اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین

أَمَّنْ هُوَ قَنُتٌ ءَانَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ

آیه شریفه به قرینه مقابله با آیه قبل که درباره انسان های کافر بود درصدد بیان اوصاف و نشانه های مؤمنان راستین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱،۴

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّغُوتَ أَنْ يعبُدوها

<طاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمده و هم در بت و صنم به کار رفته است. چنانچه این واژه در آیه شریفه در معنای نخست به کار رفته باشد، مقصود از عبادت (آن یعبدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه

شریفه درصدد توصیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

۴ - توبه و بازگشت به خدا، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است.

و أنابوا إلى الله

<إنابه> (مصدر <أنابوا>) به معنای رجوع است و <أنابوا إلى الله> یعنی، بازگشت به خدا با توبه و اخلاص (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - <عن موسى بن جعفر (ع) ... ما من مؤمن يرتكب ذنباً إلا ساء ذلك و ندم عليه ... فإن لم يندم على ذنب يرتكبه فليس بمؤمن و لم تجب له الشفاعة و كان ظالماً و الله تعالى يقول: > ما للظالمين من حميم و لا شفيع يطاع < ;

از امام کاظم (ع) روایت شده است: .. هیچ مؤمنی نیست که پس از ارتکاب گناه ناراحت و پشیمان نشود... و اگر بر گناه خود پشیمان نشود، مؤمن نیست و شفاعت برای او نخواهد بود و او ظالم است. خداوند تعالی می فرماید: ما للظالمين من حميم و لا شفيع يطاع < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۲

۲ - بغض و دشمنی (تبراً) نسبت به کافران حق ستیز، از اوصاف مؤمنان راستین

الذين يجدلون في آيات الله.. .. كبر مقتاً... عند الذين ءامنوا

تذکر خداوند به این که مؤمنان نیز نسبت به مجادله گران بغض و دشمنی دارند؛ در واقع در صدد مدح آنان و نیز بیان اوصاف پسندیده ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۹

۹ - چشم پوشی از خطای دیگران ، به هنگام خشم ، از صفات مهم اهل ایمان

للذین ءامنوا .. الذین ... و إذا ما غضبوا هم یغفرون

اهمیت این صفت، از تخصیص به ذکر یافتن آن، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۹ - ۴

۴ - اهل ایمان ، نه متجاوزاند و نه تجاوز را از سوی دیگران می پذیرند .

و الذین إذا أصابهم البغی هم ینتصرون

>إنتصار< به معنای یاری طلبیدن است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- مؤمن واقعی ، در پی اعمال نیک است ؛ نه غوطهور در لذت و هوسرانی .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت .. و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الآن

خداوند، مؤمنان را متصف به <عملوا الصلحات> کرده و کافران را مشمول <یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعام> دانسته است. از این تقابل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۲۶

۲۶- آثار روح عبودیت و اعمال ارزشی ، آشکار در سیمای اهل ایمان

سیماهم فی وجوههم من أثر السجود

سجده، مظهر روحیه بندگی و نیایش انسان به درگاه الهی است و این روحیه در پرتو مظاهر آن، در اندام ظاهری انسان (چهره) تأثیر می‌گذارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۰ - ۲

۲ - اخوت و برادری ، بارزترین صفت در

زندگی اجتماعی مؤمنان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ

با توجه به این که حصر <إِنَّمَا> ناظر به خبر است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۳

۳ - مؤمن ، همواره در اندیشه قیامت و مطمئن به تحقق وعده های الهی

و استمع یوم یناد المناد من مکان قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۰ - ۳

۳ - مؤمنان راستین ، دور از سرمستی ، و گریان و اندوهناک در برابر انذار های الهی

و تضحکون و لاتبکون

از تویخ کافران به خاطر سرمستی و سرخوشی، استفاده می شود که مؤمنان بر خلاف ایشان از خوف انذارهای الهی، گریان و از سرمستی ها به دوراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۳

۳ - دل مؤمن ، باید چنان نرم باشد که با یاد خدا و تلاوت قرآن کریم ، تأثیرپذیر و خاشع گردد .

ألم یأن للذین ءامنوا أن تخشع قلوبهم لذكر الله و ما نزل من الحقّ

خداوند، در آیه شریفه، مؤمنان بی تفاوت را نکوهش کرده و به آنان هشدار می دهد تا فرصت باقی است و گرفتار قساوت قلب نشده اند؛ دل های خود را با یاد او و تلاوت آیاتش خاشع و نرم گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۱

۱ - تعیین کردن مقدار معینی از اموال خود برای انفاق ، از اوصاف مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۱

۱ - اختصاص دادن مقدار معینی از اموال خود به سائلان و محرومان جامعه ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین فی أموالهم .. للسائل و المحروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۷ - ۱

۱ - ترس و نگرانی از عذاب پروردگار ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم من عذاب ربّهم مشفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۹ - ۱

۱ - پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین است .

و الذین هم لفروجهم حفظون

<فروج> (جمع <فَرْج>) کنایه از شرمگاه و <حفظ> (مصدر <حافظون>) به معنای صیانت و نگه داری است؛ یعنی، آنان که دامن های خود را [پاک] نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - رعایت امانت و پابندی به عهد و پیمان خویش ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم لأمتهم و عهدهم رعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ادای شهادت و گواهی ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم بشهدتهم قائمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۴ - ۱

۱ - اهمیت دادن به نماز ، مواظبت بر انجام دادن به موقع آن و پرهیز از سهل انگاری در ادای آن ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین هم علی صلاتهم یحافظون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۵

۵ - > عن الحارث بن الدلهات مولى الرضا (ع) قال : سمعت أبا الحسن (ع) يقول : لا يكون المؤمن مؤمناً حتى يكون فيه ثلاث خصال سنّه من ربّه و سنّه من نبیّه و سنّه من ولیّه ، فالسنّه من ربّه : کتمان سرّه ، قال الله عزّوجلّ : > عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحداً إلاّ من ارتضى من رسول < ... ;

حارث بن دلهات گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که می فرمود: مؤمن، مؤمن نیست مگر این که سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از ولیّ و امامش. اما سنت پروردگارش، نهان داشتن سرّ خویش، خدای عزّوجلّ فرمود: >عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه أحداً إلاّ من ارتضى من رسول<...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۸ - ۴

۴ - نماز ، نشانه ایمان و از اوصاف مؤمنان است .

و إذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون

صفات مؤمنان به نظارت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۶ - کسانی که خداوند را ناظر خویش می دانند ، از تبلیغات هدایت پیشگان و دعوت کنندگان به تقوا جلوگیری نمی کنند .

أرءیت إن كان علی الهدی . أو أمر بالتقوی ... ألم یعلم بأنّ الله یری

صفات مؤمنان راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۲ - ۱،۲،۵

۱ - ایمان به خدا و رسول او ، دو رکن ایمان و از اوصاف مؤمنان راستین است .

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا بالله ورسوله

حصر در <إنّما المؤمنون..> اضافی و از باب قصر موصوف بر صفت است و براساس آنچه که در شأن نزول آن آمده آیه شریفه، در ارتباط با منافقان نازل شده است. بر این اساس پیام آیه چنین خواهد بود: <ایمان حقیقی، دارای دو رکن اساسی است: ایمان به خدا و ایمان به رسول او، و مؤمنان راستین دارای چنین اوصافی اند.>

۲ - حضور در کنار پیامبر (ص) و رهبری جامعه اسلامی برای امور مهم اجتماعی و مشاوره و کنکاش پیرامون یک مسأله عمومی ، از اوصاف مؤمنان راستین

إنّما المؤمنون الذین ءامنوا بالله ورسوله و إذا كانوا معه علی أمر جامع لم یذهبوا

<أمر جامع> به مسأله ای گفته می شود که در خور این باشد که مردم به خاطر آن اجتماع کنند و به مشاوره و فراگیری و حل و فصل آن پردازند. کلمه <مع> نیز افاده کننده معنای مشارکت است.

۵ - اجازه خواستن از پیامبر (ص) و رهبر امت اسلامی برای ترک حضور در امور اجتماعی و حل و

فصل مسائل عمومی ، از اوصاف مؤمنان راستین است .

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَذْنُونَكَ أَوْلِيَّكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

صفات مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۲

۲ امید داشتن به رحمت الهی نه خود را مستحق آن شمردن ، از ویژگی های مؤمنان و مهاجران مجاهد

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْلِيَّكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ

صفات مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵ - ۴

۴ - برپادارندگان نماز و انفاق کنندگان ، هدایت یافتگانند .

يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ .. أَوْلِيَّكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۱۸

۱۸ - هدایت یافتگان ، دارای روحیه تعبد و تسلیم در برابر خدا و احکام الهی

وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۷

۷- ایمان و استغفار ، از نشانه های هدایت یافتگان است .

أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ

صفات ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۶ - ۱۷

۱۷ گردنفرازی و فخر فروشی از خصلت های نکوهیده

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ جهل و نادانی ، صفتی ناپسند و نکوهیده در پیشگاه خداوند

إِنِّي أَعْظَمُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴ - ۷

۷- جدال و مخاصمه ، صفتی بس مذموم و ناپسند برای انسان

فإذا هو خصيم مبین

آوردن <إذا> ی فجائیه می تواند نشان دهنده ناپسند بودن جدال و مخاصمه باشد، خصوصاً با توجه به اینکه انتظار از مخلوق، تسلیم بودن در مقابل خالق است و جدال و مخاصمه خلاف انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۳

۳- لهُو و دل مشغولی به امور غیر مهم و بی ارزش ، از بیماری های قلب و امری زشت و ناپسند

لاهیة قلوبهم

آیه شریفه، در مقام بیان اوصاف ناپسند و ویژگی های منفی مشرکان و مذمت از آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱

۱ - خود بزرگ بینی و تحقیر دیگران ، صفتی نکوهیده در نزد خداوند

و من الناس من یجدل فی الله بغیر علم . .. ثانی عطفه

<ثنی> (مصدر <ثانی>) به معنای پیچاندن و برگرداندن و <عطف> به معنای پهلو است. پیچاندن پهلو، کنایه از تکبر و تحقیر دیگران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۶

۶ - ستم به دیگران ، کاری است بسیار زشت و ناروا .

و أنّ الله لیس بظلم للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۲ - ۷

۷ - بدگمانی نسبت به مؤمنان ، امری ناپسند و مورد سرزنش خداوند

لولا إذ سمعتموه ظنّ المؤمنون و المؤمنت بأنفسهم خيراً و قالوا هذا إفك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۳

۳ - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعود خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدق بالحسنى . . فأمّا من ... استغنى

مراد از <استغنى> به قرینه جمله <صدق بالحسنى> در آیات پیشین ممکن است استغناى از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسرى) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش آن خصلت ها است.

صفات نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۲

۲ - ابراهیم (ع) ، دارای اوصاف و ویژگی های نوح (ع)

و إنّ من شیعتہ لإبرهیم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که لازمه پیرو بودن ابراهیم(ع) در سیر و سلوک زندگی، دارا بودن همان سیر و سلوک نوح پیامبر(ع) است.

صفات نهرهای بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۶

۶ بهشت دارای نهرهایی متعدد ، لبریز و همواره جاری

تجرى من تحتهم الأنهر

اسناد جریان به خود نهرها، همانند <جرى المیزاب>، حکایت از پر بودن و لبریز بودن نهرهای بهشتی دارد.

صفات نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۷، ۲۰، ۲۶، ۲۷

۱۷ - ایمان به خدا، قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لكن البر من ءامن بالله . . و النبین

۲۰ - پرداخت مال برای رفع نیازمندی خویشان، یتیمان،

مساکین ، در راه ماندگان و فقیران مشخصه نیکوکاران است .

و لكن البر من . . . و آتی المال علی حبه ذوی القربی و السائلین

۲۶ - برپایی نماز ، پرداخت زکات ، پایبندی به عهد ها و صبر و پایداری در تنگنا ها و شداید از ویژگی های نیکان

و لكن البر من . . . أقام الصلوه ... والصبرین فی البأساء و الضراء

۲۷ - استقامت و پایداری در جنگ علیه دشمنان دین ، از مشخصه های ابرار

و لكن البر من . . . الصبرین فی البأساء و الضراء حین البأس

صفات هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۲

۲ هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه یهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد ؛ یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

صفات همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱،۲،۳،۶،۸

۱ حرمت ازدواج مؤمنان با زنان مشرک ؛ مگر در صورتی که ایمان بیاورند .

و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمننَّ

۲ باید ایمان معیار اصلی در انتخاب همسر باشد ؛ نه زیبایی و یا حریت (برده نبودن)

و لا تنکحوا المشرکات حتی یؤمننَّ و لامه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتکم . . . و لعب

مصدق بارز <اعجاب> در انتخاب همسر، زیبایی و دلربایی است.

۳ کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک ؛ هر چند زیبا و دلربا باشد .

و لآمه مؤمنه خیر من مشرکه و

لو اعجبتکم

۶ حرمت ازدواج زنان مؤمن با مشرکان؛ مگر در صورتی که ایمان بیاورند .

و لا تنکحوا المشرکین حتی يؤمنوا

۸ برده مؤمن برای همسری زن مسلمان شایسته تر است از آزاد مرد مشرک؛ هر چند ظاهری فریبنده داشته باشد .

و لعبد مؤمن خیر من مشرک و لو اعجبتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۲

۲ عقیم نبودن، از ویژگی های زن شایسته و کامل

نساؤکم حرث لکم

از خصوصیات مهم زن، قابلیت بارور شدن او برای بقای نسل است؛ بنابراین چنانچه زن نازا باشد، از این ویژگی مهم عاری است و طبعاً چنین زنی از جهت طبیعی کامل نخواهد بود.

صفات همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۸ - ۴،۵

۲ - بندگان مخلص خدا، برخوردار از زنان چشم فروهشته

و عندهم قصر الطرف

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از <قاصرات الطرف> کوتاه کردن از نگاه و فروهشتن اندک چشم از نظر ظاهری باشد. گفتنی است که این نوع نگاه کردن و فروهشتن چشم، خود بر زیبایی و جذابیت زنان می افزاید.

۴ - زنان بهشتی، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصر الطرف

۵ - زنان بهشتی، برخوردار از چشمانی درشت و جذاب

<عیناء> (مفرد <عین>) به معنای چشم درشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۱،۲،۳

۱ - زنان و حوران بهشتی ، از شدت سفیدی و درخشندگی همچون تخم شترمرغ زیر پر

هستند .

کائهن بیض

<بیض> اسم جنس و مفرد آن <بیضه> و به معنای تخم شترمرغ است که رنگ آن سفید و درخشانده و کمی متمایل به زردی است و این حیوان آن را زیر پر خود می پوشاند تا از غبار و آلودگی و دستبرد محفوظ ماند. عرب ها، زنان زیبا را به <بیض> تشبیه می کنند.

۲- رنگ زنان بهشتی ، سفید و درخشانده و کمی متمایل به زردی است .

کائهن بیض

۳- تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کائهن بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۲ - ۴

۴- زنان بهشتی ، زنانی بس زیبا و جذاب اند .

و عندهم قصر الطرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوَجْنَهُمْ بِحُورٍ عِینٍ

<حور> (جمع <حوراء>) یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>) یعنی، زنان فراخ چشم.

صفات يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١ - بقره - ٢ - ٨٠ - ٤

٤ - يهود ، مردمی خودخواه ، مغرور و خودبرترین

و قالوا لن تمسنا النار إلا أياماً معدوده

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۶

۶ - یهودیان به انگیزه دستیابی به مزایای دنیا ، همکیشان خود را کشته و آنان را از دیارشان آواره می ساختند .

ثم أنتم هؤلاء تقتلون .. أولئك الذين اشتروا الحيوه الدنيا بالآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۳

۱۳ - یهودیان ، مردمی نژادگرا

قالوا تؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه و هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۹

۹ - یهود ، مردمی ستم پیشه و ظالمند .

و أنتم ظلمون

جمله <و أنتم ظلمون> (و شما ستمکار بودید) را می توان جمله ای معترضه دانست. بر این مبنا جمله مذکور بیانگر آن است که: یهود نه تنها در مورد گوساله پرستی ستمکاری کردند، بلکه عادت و رویه آنها ستمگری بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۴ - ۳

۳ - قوم یهود ، مردمی نژادگرا و خودبرترین

إن كانت لكم الدار الآخره .. خالصه من دون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۳،۷

۳- یهود، مردمی گنهکار و دارای کردارهایی ناروا

و لن يتمنوه أبداً بما قدمت أيديهم

مراد از <ما> در <ما قدمت أيديهم> (آنچه را پیش فرستادند) گناهان و اعمال نارواست.

۷- یهود، مردمی ستم پیشه اند.

و الله عليم بالظالمين

از مصداقهای <الظالمين> - به قرینه صدر آیه و آیات پیشین - یهودیان می باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱،۲،۶

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

۲ - یهود ، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

نکره آوردن <حياه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۱،۲،۷

۱ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود اعتماد کنند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه <لا تؤمنوا>، به معنای عدم اعتماد باشد نه به معنی عدم تصدیق و باور.

۲ علمای یهود ، به پیروانشان هشدار دادند که مبادا به غیر همکیش خود ایمان بیاورند .

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

بنابراینکه ایمان، به معنی گرایش و باور باشد.

۷ خودبرترینی دینی و تعصب نابجای یهود

و لا تؤمنوا الا لمن تبع دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۲۰

۲۰ یهودیان ، مردمی لجوج و معاند

قل قد جاءكم رسل من قبلى بالبينات و بالذی قلم فلم قتلتموهم ان كنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۵

بخل شدید و انحصارطلبی یهودیان

فاذا لا یؤتون الناس نقیراً

ظاهراً منظور از کلمه <الناس>، غیر یهودیان هستند؛ به قرینه آیه بعد: <ام یحسدون الناس>، بنابر این معنای جمله <فاذا> .. <چنین می شود: یهودیان منافع دنیا را از دیگر مردمان دریغ می دارند و در انحصار خویش نگه می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ - یهود و نصارا، مردمانی گرفتار قساوت قلب و سنگدلی

و لایکونوا کالذین أوتوا الکتب .. فقست قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۶

۱۶ - یهود، مردمانی دور از اندیشه و خردورزی *

ذلك بأنهم قوم لا یعقلون

با توجه به بازگشت ضمیر <هم> به یهودیان، اسناد عدم تعقل به <قوم> می تواند اشاره به خصوصیت این <قوم> داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب الله علیهم قد یسوا من الآخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد؛ بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند؛ ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - يهود ، قومی نژاد پرست و خود برترین

إن زعمتم أنكم أولياء لله من دون الناس

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - یهود ، قومی هراسان از مرگ و غیر مشتاق برای لقای الهی

و لا یتمنّونه أبداً

۲ - یهودیان ، مردمی ظالم و ستمگراند .

و لا یتمنّونه .. و الله علیم بالظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۲

۲ - قوم یهود ، مردمی هراسان از مرگ

قل إنّ الموت الذی تفرّون منه

صفات یهود دوران مریم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۵

۵ - مردم بیت المقدس در زمان مریم (س) ، در برابر انحرافات اخلاقی و جنسی حساس بودند .

لقد جئت شیئاً فریاً

عینیت صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۲ - ۶

۶ - اتحاد و یکی بودن اراده ، قول و فعل خداوند

إنّما أمره إذا أراد شیئاً أن یقول له کن فیکون

مراتب صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ سبقت رحمت و نعمت خدا بر نعمت او

لم يك مغيرا نعمه أنعمها

مسیحیان و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم في التوریه و مثلهم في الإنجیل كزرع

مسیحیان و صفات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم فى التوریه و مثلهم فى الإنجیل كزرع

ملاك صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۱۳

۱۳ - ملاک شایستگی اسامی و اوصاف برای خداوند ، دلالت آنها بر بی عیب بودن خداوند و سازگاری شان با مقام والای او است .

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

منشأ صفات پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۱ - ۲

۲- داشتن ایمان راستین و منزلت نیکو و متصف بودن به خصال پسندیده ، بسته به تقدیر الهی است .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحَسَنَى

جمله <سبقت لهم منا> بیانگر مقدر شدن <الحسنی> (نیکوبودن) از پیش به وسیله خداوند است ، یعنی، کسانی که ما از قبل برای آنان مقدر کردیم. ...

نامگذاری با اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۴

۱۴- از نام گذاری افراد و اشیا به نام های اختصاصی خداوند باید اجتناب کرد .

هل تعلم له سمياً

چنان که گفته شد، <سمی> به معنای هم نام است گفتنی است که آیه در صدد بیان امری حقیقی در مورد یکتایی خداوند و بی نظیر بودن او است و ولی نفی هم نام می تواند متضمن این پیام نیز باشد که نام گذاری افراد به نام های ویژه خداوند هر چند اعتباری بیش نیست ولی کاری ناروا است.

نقش صفات اخلاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند.

و یتم نعمته علیک و علی ءال یعقوب .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۰ - ۶

۶- روحيات و خصلت های درونی انسان، دارای ظهوری آشکار در سبک گفتار وی

و لتعرفنهم فی لحن القول

خداوند با تأکید بیان کرده است که: می توان منافقان را از شکل و محتوای سخنان شناخت، از این سخن معلوم می شود که منافق، با تمام تلاش برای پنهان داشتن اسرار خود، ناخود آگاه سر درونش بر شیوه گفتارش تأثیر می گذارد.

ویژگیهای صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۴ - ۶

۶- تشبیه خدا به سایر موجودات، ناشی از ناآگاهی انسان به تمایز ذات و صفات خدا از غیر اوست.

فلاتضربوا لله الأمثال .. أنتم لاتعلمون

با توجه به اینکه منظور از <أنتم لاتعلمون> نفی علم مطلق نیست؛ زیرا بدیهی است که انسانها در زمینه های مادی زندگی خود دانشهایی دارند؛ بلکه نفی علم مربوط می شود به همان زمینه ای که در آیه مطرح است؛ یعنی، قابل مقایسه نبودن ذات

و صفات خدا با

سایر مخلوقات، برداشت فوق به دست می آید.

هماهنگی با صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- انگیزه اهل دعا و استغاثه در عصر بعثت ، جلب رضایت خداوند و قرار گرفتن در حالتی مناسب با صفات او بود .

یدعون ... یزیدون وجهه

مراد از <وجه> در <یزیدون وجهه> نه معنای حقیقی <وجه> است زیرا، خداوند، دارای صورت نیست و نه کنایه از ذات خداوند است زیرا، نمی توان آن را اراده کرد بنابراین، یا کنایه از رضایت خداوند است، به این مناسبت که انسان ها، در هنگام رضایت، صورت خود را به سوی مخاطب خود برمی گردانند و یا کنایه از صفات خدا است که اهل دعا، یا خود را مشمول آن قرار می دهند و یا در برابر هر صفتی نظیر عزّت و علم خداوند، وضعیتی مناسب، نظیر ذلّت و ناآگاهی به خود می گیرند.

یهود و صفات صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

یهود و صفات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۰

۳۰- آشنایی دیرین یهودیان و مسیحیان ، با اوصاف و ویژگی های پیامبر اسلام و اصحاب آن حضرت

ذلك مثلهم فی التوریه و مثلهم فی الإنجیل كزرع

صفات ارزشمند

{صفات ارزشمند}

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۷

۷ هم دردی با انسان ها و اشتیاق به سعادت‌مند شدن آنان و داشتن رأفت و محبت ، از خصلت های والا و ارزشمند

عزیز علیه ما عنتم حریرص علیکم بالمؤمنین رءوف رحیم

صفات جلال

{صفات جلال}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۴

۴ - خداوند در مؤاخذه بندگان ، هرگز از حق تجاوز نمی کند .

فلا یخاف ظلماً ولا هضماً

در باره فرق <ظلم> و <هضم> احتمالاتی داده شده است؛ از جمله این که ظلم؛ یعنی، بیش از حق مطالبه کردن و هضم؛ یعنی، از حق کم گذاشتن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۳

۳ - خداوند ، حق محض است و هیچ باطلی در او راه ندارد .

فتعلی الله الملك الحقّ

<حقّ> نقطه مقابل باطل است (لسان العرب).

دلایل صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۳

۳- ربوبیت و تدبیر کارآمد و دقیق خداوند بر سرتاسر هستی ، دلیل منزه بودن او از نسیان

و ما کان ربّک نسیّاً . ربّ السموت والأرض و ما بینهما

ذکر صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۵ - ۱۰

۱۰- توجه به نبود فراموشی در خداوند و ربوبیت او بر سراسر هستی ، برانگیزنده آدمی به عبادت و اطاعت او و پایداری بر آن

و ما کان ربّک نسیّاً . ربّ السموت ... فاعبده واصطبر لعبدته

تفریع لزوم عبادت بر معارف ذکر شده در

جملات پیشین، گویای برداشت یاد شده است.

صفات جلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۳،۳

۲ - خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

قالوا سبحنك

۳ - خداوند ، منزّه از آن است که به اسرار و نهان موجودات آگاه نباشد .

أنبئونی بأسماء هؤلاء .. قالوا سبحنك

در مقامی که سخن متکلم موجب توهم نقصی برای خدا شود، کلمه <سبحانك> و مانند آن به کار می رود. گویا فرشتگان چون در مقام پاسخگویی هستند، از سخنان این توهم به وجود می آید که خداوند از پیش به پاسخ آنان آگاهی ندارد. هدف ایشان از گفتن <سبحانك> ابراز منزّه دانستن خداوند از چنین منقصتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۳، ۷، ۹، ۴، ۱

۱ - خداوند ، منزّه از گزینش فرزند و داشتن زاده

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

۴ - گزینش فرزند و داشتن زاده برای خداوند ، نقص است .

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحنه

<سبحان> به معنای تسبیحاً، مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ یعنی: <سبحت الله تسبیحاً>. کاربرد این کلمه در هنگامی است که خداوند به چیزی که درباره او ناروا و یا مستلزم نقص و عیب است، توصیف شود.

۷ - خداوند ، در مالکیت موجودات هستی شریکی ندارد .

له ما فی السموت و الأرض

برداشت فوق با توجه به حصر - که از تقدیم <له> بر <ما فی السماوات ..> به دست می آید - استفاده می شود.

۹ - مالکیت خدا بر هستی ، دلیل منزه بودن او از گزینش فرزند و داشتن زاده

وقالوا

اتخذ الله ولداً سبحانه بل له ما فى السموت و الأرض

جمله <له ما فى السماوات .. > برهانی است برای رد پندار ناروای یهود و نصارا.

۱۳ - عبادت و اطاعت هستی برای خدا، دلیل منزّه بودن او از داشتن فرزند است .

و قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. كل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۷ - ۵

۵ - آفرینش آسمان ها و زمین ، بدون مثال و الگویی از پیش ، دلیل منزّه بودن خدا از اختیار کردن فرزند و نیاز داشتن به آن

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل .. بدیع السموت و الأرض

برداشت فوق بر این اساس است که <بدیع السماوات .. > همانند جمله <له ما فى السماوات ... >، دلیل و برهانی برای تنزیه خداوند از داشتن فرزند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۹ - ۷

۷ - مسلمانان ، خداوند را از داشتن شریک منزّه دانسته و تنها او را پرستش می کنند .

و نحن له مخلصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۳

۱۳ - خداوند از اعمال انسان ها غافل نبوده و به همه آنها آگاهی دارد .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۱

۲۱ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نخواهد بود .

و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۶ - اعمال انسان ها هرگز مورد غفلت خداوند نیست .

و ما الله بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، ستایشگر انفاق کنندگان ، در عین بی نیازی از انفاق آنان

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

<حمید> در برداشت فوق به معنای حامد (ستایش کننده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۹

۱۹ قدرت مطلق خداوند ، مقتضی نفی هر گونه شر از او

يَبْدَأُكَ الْخَيْرَ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۷

۷ خداوند ، مُنَزَّه از اراده هر گونه ظلم نسبت به موجودات

و ما الله يريد ظلماً للعالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۴،۱۰

۴ مالکیت انحصاری خداوند نسبت به تمام هستی ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين. و لله ما في السموات و ما في الارض

۱۰ بازگشت همه امور هستی به خداوند ، دلیل نفی اراده ظلم و ستم از ساحت اوست .

و ما الله يريد ظلماً للعالمين . . . و الى الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۴

۱۴ ارتداد و کفر افراد ، زیانی به خداوند نمی رساند .

و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ الله شیئاً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱،۹،۱۵

۱ پندار ناروای یهود به فقر و نیاز خداوند ، و غنا و بنی نیازی خویش

لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير و نحن اغنياء

به گفته بسیاری از مفسرین، مراد از <الذين قالوا>، یهودیان هستند.

۹ خداوند ، غنی و بی نیاز از انفاق بندگان

ان الذين .. ان الله فقير و نحن اغنياء سنكتب ما قالوا

۱۵ همسنگی گناه و زشتی فقیر پنداشتن خدا و نسبت های ناروا به او ، با گناه کشتار انبیا

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبياء بغير حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۶

۶ نفی ظلم از جانب خدا نسبت به بندگان خویش

و ان الله ليس بظلام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۱۷،۲۴،۲۵،۲۷

۱۷ پاک و منزّه دانستن خداوند از هر عیب و نقصی ، نشانه خردمندی

لايات لاولى الالباب. الذين ... ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك

۲۴ خداوند از اینکه آفرینشی باطل و بیهوده داشته باشد ، پاک و منزّه است .

ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك

۲۵ خردمندان ، خداوند را از هر کاستی مبرّا و منزّه می دانند .

لایات لاولی الالباب. الذین ... سبحانک

۲۷ منزّه بودن خداوند از هر نقص و عیب ، دلیل راه نداشتن یهودگی در آفرینش او

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱

۳۶ مالکیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل فرزند نداشتن او

سبحنه ان یکون له ولد له ما فی السموت و ما فی الأرض

جمله <له ما فی السموت...> دلیل و برهانی است برای جمله <سبحنه ان یکون له ولد> یعنی آنچه غیر خداست و از جمله حضرت مسیح، مملوک و عبد اوست و کسی که مالک تمام هستی است، نیازی به داشتن فرزند ندارد.

۳۹ کفایت خداوند برای تدبیر هستی، دلیل وحدانیت او و منزله بودنش از داشتن شریک و فرزند

انما الله اله وحد سبحنه ان یکون له ولد... کفی بالله وکیلا

جمله <کفی...> دلیل دیگری است برای مطالب گذشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۷

۷ خداوند منزله از هر گونه شریک در الوهیت و فراتر از داشتن همتایی شایسته پرستش

قال سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۶

۶ راه نیافتن هیچگونه ضعف و کاستی، گزافه، جهل و اشتباه در حریم خداوند

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخبیر

از صفات <قاهر>، <حکیم> و <خبیر>، که برای خداوند بیان شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۹،۱۰،۶

۶ شریک پنداشتن برای خداوند و انتساب فرزند به او، پنداری باطل و از سر نادانی است.

و خرقوا له بنين و بنت بغير علم

۹ خداوند از داشتن شريك و فرزندان منزه است.

و خرقوا له بنين و بنت . . . سبحنه و تعالى عما

۱۰ خداوند منزّه و برتر از پندارهایی است که جاهلانه درباره او ابراز می گردد.

بغیر علم سبحنه و تعلی عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۱ - ۱۱، ۶، ۴، ۳

۳ خداوند نه فرزندی دارد و نه هیچگاه همسری داشته است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۴ وجود فرزند برای خدا، با توجه به نبودن همسری برای وی، امری نامعقول است.

أنی یکون له ولد و لم تکن له صحبه

۶ ابداع کننده هستی (خداوند) سزاوار تسبیح و منزّه از داشتن شریک و فرزند است.

سبحنه و تعلی عما یصفون. بدیع السموت و الأرض

۱۱ انحصار آفرینش هستی به خدا، دلیل بی نیازی او از فرزند و شریک است.

أنی یکون له ولد . . و خلق کل شیء و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ خداوند حقیقتی فوق تصور و ادراک انسان و پیراسته از ویژگیهای جسم است.

لا تدرکه الأبصر

عدم امکان دیدن خداوند نشانه مبرا بودن او از خصوصیات جسم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۱

۱ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكِ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفْلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲،۵

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذَٰلِكَ بِمَا

قدمت أیدیکم و أن الله لیس بظلم للعبيد

۵ خداوند منزّه از اعمال کمترین ظلم به بندگان خویش

و أن الله لیس بظلم للعبيد

با توجه به اینکه <أن الله...> در مقام استدلال بر این حقیقت است که گرفتاری کافران به عذاب حریق ستمی به آنها نیست، باید مراد از ظلام نبودن خدا، نفی کمترین ظلم از ساحت قدس وی باشد، و گر نه استدلال تمامی نیست. و بسیار ستمگر نبودن، نمی تواند دلیل باشد بر اینکه آتش سوزان ستمی بر گرفتاران به آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۷

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزّه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۵، ۱۶، ۱۷

۱۵ خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

۱۶ خداوند ، منزّه و فراتر از داشتن شریک است .

سبحنه و تعلی عما یشركون

۱۷ از علی (ع) روایت شده که فرمود : < اما ما لا- یعلمه الله ، فلا یعلم الله أن له شریکاً و لا وزیراً و لا صاحبه و لا ولداً و

شرحہ فی القرآن : < قل اتنبئون اللہ بما لا یعلم > ... ;

.. اما (مراد از آنچه را خدا نمی داند، یعنی)

خدا (او را) برای خود شریک نمی داند و نه وزیر و نه همسر و نه فرزند و شرح این مطلب در قرآن این است: آیا خدا را خبر می دهید به آنچه نمی داند؟ < ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۱،۶

۱ خداوند ، بر هیچ کس کمترین ظلمی روا نمی دارد .

إن الله لا يظلم الناس شيئاً

۶ از امام هادی (ع) روایت شده است : < ... من زعم ان الله عزوجل أجبر العباد على المعاصي و عاقبهم على ها ... فقد ظلم الله في حكمه و كذبه و رد عليه قوله : ... > إن الله لا يظلم الناس شيئاً < ... ;

... هر کس گمان کند که خدای عزوجل، بندگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خدا در حکمش اسناد ظلم داده و قول او را که فرموده: <خدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند> رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت .. قضی بینهم بالقسط و هم لا يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۸ - ۳

۳ برگزیدن فرزند ، بیانگر وجود نقص است و خداوند از هر نقصی ،

مبرا و منزه می باشد .

قالوا اتخذ الله ولداً سبحانه هو الغنى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵ - ۲

۲ ناآگاهی خداوند به سخنان و کار های پنهانی ، از پندار های نادرست مشرکان عصر بعثت

ألا إنهم يثنون صدورهم ليستخفوا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱ خداوند ، بر بندگانش ستم نمی کند .

و ما ظلمنهم

۲ خداوند ، مردمان را به طرف گناهان (شرکوری ، انکار پیامبران و ...) سوق نمی دهد .

و ما ظلمنهم

منظور از ستم نکردن خدا بر بندگان این است که: او آنان را به موجبات هلاکت و عذاب (شرکو ..) و انمی دارد. بنابراین عذابهای نازل شده بر آنان مقتضای عملکرد خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۷ - ۱،۵

۱ خداوند ، هیچ گاه ظالمانه و بدون دلیل جوامع بشری را به عذاب های دنیوی گرفتار نساخته و نخواهد ساخت .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم

حرف <باء> در <بظلم> برای ملابست است. براین اساس جمله <ما كان...> چنین معنا می شود: هرگز خداوند مردم آبادیها را از سر ظلم به هلاکت نمی رساند. نسبت دادن هلاکت به آبادیها، گویای این نکته است که مراد از هلاکت، هلاکت دنیوی و عذاب استیصال است.

۵ ستم به انسان ها و به هلاکت رساندن جوامع درستکار ، ناسازگار با مقام ربوبیت خدا و مدیر بودن اوست .

و ما كان ربك ليهلك القرى بظلم و أهلها مصلحون

برداشت فوق از

<رب> که به معنای مدبر و مربی است - استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰ خداوند ، هرگز از اعمال انسان ها غافل نبوده و رفتارشان بر او مخفی نمی ماند .

و ما ربك بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۸ - ۱۲

۱۲ خداوند از هر عیب و نقصی منزّه و از داشتن شریک میراست .

و سبحن الله و ما أنا من المشركين

<سبحان> به معنای تسبیح (منزّه دانستن از نقص و عیب) است. این کلمه مفعول مطلق برای فعل محذوف (اسبیح و یا نسبح) می باشد ؛ یعنی: اسبیح و یا نسبح الله تسبیحاً. از مصادیق مورد نظر برای عیب و نقص، شریک داشتن است. قابل ذکر است که جمله <سبحان الله> عطف بر <هنده سبیلی> است ؛ یعنی: <قل سبحان الله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۶

۶ خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبح الرعد بحمده و الملائکه من خیفته

<تسبیح> (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳- خداوند ، بسی منزّه و برتر از فرزند دختر داشتن

و يجعلون لله البنت سبحنه

۴- فرزند (دختر) داشتن برای خداوند نقص است .

و يجعلون لله البنت سبحانه

ذکر تنزیه < سبحانه > برای تبرئه خداوند از نسبتی است که مشرکان به او

می دادند و این تنزیه، حاکی از نقصی است که با اسناد فرزند برای خداوند، ایجاد می شد.

۵- خداوند ، منزّه از تناسل و توالد است .

و يجعلون لله البنت سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۷

۷- خداوند در تکالیف دینی ، از بی عدالتی و ظلم به بندگان میبَراست .

و علی الذین هادوا حَرَمنا .. و ما ظلمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۰ - ۴

۴- خداوند ، برخلاف پندار واهی مشرکان ، هیچ گاه برای آنان ، پسر برنگزیده و برای خود دختر به فرزندى نگرفته است .

أفأصْفكم ربكم بالبئین و اتّخذ من الملائکه إنّثا

استفهام در آیه، انکاری و در مقام توبیخ و سرزنش مشرکان است و این، حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۳ - ۱،۳

۱- خداوند ، بسیار برتر و منزّه تر از شریک داشتن است .

سبحنه و تعلی عمّا یقولون علوّا کبیرا

۳- خداوند ، فراتر و عظیم تر از آن است که نسبت فرزند گرفتن به او داده شود .

أفأصْفكم ربكم بالبئین و اتّخذ من الملائکه إنّثا .. سبحنه و تعلی عمّا یقولو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۱۲

۱۲- خداوند ، منزّه از تحیز ، جسمیت و قابل رؤیت بودن و دیگر اوصاف ماده است .

أوتأتى بالله .. قل سبحان ربّی

چون درخواست مشرکان از پیامبر(ص) (أوتأتى بالله) مستلزم جسمانیت،

جا به جایی و قابل رؤیت بودن خداوند بود، جمله <سبحان ربی> می تواند پاسخ چنین درخواست غیر منطقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۱

۱- پروردگار، منزّه از هر کاستی و نقص در بینش آگاهان به معارف آسمانی

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ... يَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۵۸

۵- خداوند، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هر گونه شریک و حمایتگر، مبرا و بی نیاز است.

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ... و لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ

۸- خداوند، تنها فرمانروای هستی و مبرا از داشتن هر گونه شریک در جهاننداری

و لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۶- خداوند، در قیامت، به هیچ کس، ظلمی روا نخواهد داشت.

و لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

۱۷- حضور نفس اعمال انسان در قیامت، پشتوانه اجرای عدالت و نفی کمترین ظلم از ساحت خداوند است.

و وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا و لَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

بیان حضور اعمال و تجسم آن، علاوه بر ثبت و ضبط در نامه اعمال، جملگی تأکیدی بر دقیق بودن احکام صادره بر قیامت و عادلانه بودن عقوبت های است و گویای این است که اسناد و مدارک کافی و غیر قابل انکاری در قیامت عرضه خواهد شد.

۱۸- مبرا بودن خداوند از هر گونه ظلم و بی عدالتی، مقتضای ربوبیت او است.

رَبِّكَ أَحَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- خداوند ، پاک و منزّه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أَنْ سَبَّحُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۳،۵،۶

۳- خداوند نه عیسی (ع) و نه هیچ کس دیگر را فرزند خویش قرار نداده است .

ذَلِكْ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ .. مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ

<ولد> نکره در سیاق نفی است و افاده عموم می کند. <من> زائده و برای تأکید است. بنابراین مفاد آیه، عمومیت همراه با تأکید است.

۵- خداوند ، منزّه از هرگونه نقص و نیاز است .

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سَبْحَهُ

۶- لزوم تنزیه ذات اقدس خداوند از هرگونه نقص و نیاز

سَبْحَهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۶

۶- خداوند ، بدون فرزند و بی نیاز از آن است .

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ .. إِنْ نَحْنُ نَرُثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا

در آیات قبل، سخن از پندار فرزند عیسی(ع) برای خداوند به میان آمد. این آیه با بیان رجوع نهایی همه موجودات به خداوند و نفی نیاز از او، بر بطلان آن پندار تأکید میورزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۱

۱۱- خداوند ، ذره ای ستم بر بندگان روا نمی دارد .

و لا یظلمون شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹

۸- خداوند ، از هر گونه فراموشی منزّه است .

و ما كان ربك نسيًا

<نسيًا> صيغه مبالغه است و مبالغه در کلام منفی، به اصل نفی مربوط می شود. بنابراین در جمله <و ما كان...> مراد این است که: خداوند هیچ گاه و درباره هیچ موضوعی، فراموش کار نیست.

۱۰- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما ننزل إلا بأمر ربك .. و ما كان ربك نسيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۱ - ۲،۴

۲- مبرابودن خداوند از داشتن فرزند ، با ذات هستی و اجزای آن عجین شده است .

تكاد السموت يتفطرن .. أن دعوا للرحمن ولداً

۴- فرزند داشتن خداوند ، با گستردگی و فراگیری رحمت او بر همه موجودات ، ناسازگار است .

أن دعوا للرحمن ولداً

گزینش وصف <الرحمان> (دارای رحمت گسترده و فراگیر) در ضمن عبارت <أن دعوا..> دلیل در آن کنجانده است؛ زیرا همه موجودات از جمله فرزندهای پنداری مشمول رحمت الهی اند و سنخیتی با رحمت آفرین ندارند تا فرزند و مجانس او تلقی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۲ - ۱،۴

۱- فرزند گزینی خداوند ، کاری ناشدنی و به دور از شأن خداوند

و ما ينبغى للرحمن .. ولداً

زمانی از کلمه <إنبغى> استفاده می شود می شود که کاری میسر و راه برای آن هموار باشد (قاموس) و <ما ينبغى> امکان

آن را نفی می کند.

۴- فرزندگزینی ، نشانه نقص بوده و خدای رحمان از آن

مبّر است .

و ما ینبغی للرحمن أن یتخذ ولدًا

گزینش فرزند با فراگیری رحمت سازگار نیست؛ زیرا فرزند خداوند، باید هم جنس او بوده و در الوهیت مانند او باشد؛ در نتیجه باید به رحمت او نیازی نداشته باشد؛ زیرا لازمه آن، فراگیر نبودن رحمت الهی و نقصان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، دارای همه کمالات و منزّه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند؛ بنابراین او از هر عیبی مبّر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۲ - ۸، ۷

۷ - خداوند ، منزّه از هرگونه فراموشی است .

و لاینسی

۸ - ربوبیت خداوند بر هستی ، به دور از هرگونه ناآگاهی و فراموشی است .

لا یضلّ ربّی و لاینسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۵

۵ - بی نیازی مطلق خداوند از غیر خود

القیوم

<قیوم> به کسی گفته می شود که قائم به ذات بوده و در وجود، متکی به غیر نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۴،۶

۴- منزله بودن خداوند رحمان ، از انتخاب و برگزیدن فرزند

قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ

<سبحانه> مفعول مطلق برای فعل محذوف (چون <سبحوه>) است.

۶- رحمت گسترده الهی ، ناسازگار با داشتن فرزند

قالوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ

<رحمان> صیغه مبالغه است و دلالت بر شدت و

گسترده‌گی رحمت دارد. ذکر این صفت از میان دیگر اوصاف خداوند، می‌تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۵

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه‌ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی‌شود.

و نضع الموزین .. فلا تظلم نفس شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۹ - ۳

۳- وجود شریک برای خداوند، امری ممتنع و محال است.

لو كان هؤلاء الهه

برداشت یاد شده به خاطر کاربرد <لو> امتناعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۳،۵

۳ - کیفرهای الهی در آخرت، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندگان

أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

۵ - خدا، پروردگاری عادل و مبرا از ستم کردن به بندگان خود

و أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۷ - ۶

۶ - راه نداشتن کمترین غفلت در خداوند نسبت به خلقتش

و ما كنا عن الخلق غفلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۶

۶ - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب ... و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۱ - ۱،۲،۸

۱ - خدا ، بی نیاز از گزینش فرزند

ما اتخذ الله من ولد

۲ - خدا ، مبرا از

شریک و همتا

و ما کان معه من إله

۸ - ساحت خدای یگانه هستی ، میرا از نسبت های ناروای مشرکان

سبحن الله عما یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۲ - ۴

۴ - ساحت خدای یگانه ، برتر از آنچه که با او شریک می گردانند .

فتعلی عما یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۳

۳ - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنما خلقنکم عبثاً .. فتعلی الله الملك الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۶ - ۶

۶ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه است .

سبحنک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۹

۹ - خدا و رسول او ، در داوری و حکمشان به احدی ، حتی منافقان ، ستم روا نمی دارند .

أم یخافون أن یحیف الله علیهم و رسوله بل أولئک هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۵۸

۵ خداوند ، هیچ کسی را به فرزندی برنگزیده است .

لم يَتَّخِذْ وَلَدًا

<ولداً> نکره است و نکره در سیاق نفی، دلالت بر عموم و شمول دارد.

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم يَتَّخِذْ وَلَدًا و لم یکن له شریک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزند گزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۴

۴ خداوند ، زنده ای است جاویدان که هرگز او را مرگ در نمی یابد .

الحیّ الذی لایموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۴،۷

۴ - ساحت خداوندی ، مبرا از کمترین ظلم به بندگان

و ما کنا ظلمین

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلكنا من قریه .. ذکرى و ما کنا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبیح عقاب بلا بیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - خدا ، منزّه از هر پیرایه و کاستی

و سبحن الله ربّ العلمین

۱۱ - خدا ، حقیقتی نامحدود ، منزّه از مکان و جا گرفتن در آتش و محدود شدن در آن

أن بورک من فی النار .. و سبحن الله ربّ العلمین

مطرح شدن تسبیح الهی در پی تجلی خدا در آتش طور، بدان جهت است که کسی این نشانه را با پدیدآورنده نشانه، اشتباه نگیرد و خدای لامکان را محدود در مکان نپندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱

- ستایش ها ، همه از آن خداوند است .

و قل الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <الحمد لله>؛ یعنی، <کلّ حمد لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹،۱۰

۹ - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن الله

۱۰ - ساحت خداوند از داشتن انباز در آفرینش و تدبیر خلق منزّه و برتر است .

و ربّك يخلق .. سبحن الله و تعلى عما يشركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۳

۲۳ - ساحت قدس الهی ، به دور از هرگونه ظلم و ستم است .

فما كان الله ليظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - تنها خداوند ، بسی برتر و والاتر از شریک داشتن است .

و أنّ الله هو العلیّ الكبير

ضمیر فصل <هو> و <ال> جنس در <العیّ> و <الكبير> که هر دو خبر <أنّ> هستند دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۱،۵

۱ - ساحت خداوند ، از هرگونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

سبحن الذی

۵ - حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های شناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . . . و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن

پدیده های جان دار جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - ساحت مقدس خداوند ، از هر گونه نقص و کاستی منزّه و مبرا است .

فسبحن الذی

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، منزّه از توصیف های مشرکان است .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا .. سبحن الله عمّا یصفون

۲ - ساحت خداوند ، منزّه از داشتن فرزند و ارتباط و نسبت ویژه (شریک بودن) با جن

أصطفى البنات .. و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا ... سبحن الله عمّا یصفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۶

۶ - منزّه بودن ساحت قدسی خداوند ، از فرزند گزینی

لو أراد الله أن يتخذ ولدًا .. سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

۱۱ - ساحت خداوند ، از داشتن

هرگونه شریک منزّه و برتر است .

تعلی عمّا یشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۳

۳ - خداوند ، از هر عیب و نقصی منزّه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۳

۳ - خداوند از هر عیب و نقصی ، منزّه و مبرا است .

یسبّحون بحمد ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، هیچ ظلمی برای بندگانش نخواسته و در حق آنان روا نداشته است .

و ما اللّٰه یرید ظلماً للعباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱۴، ۷

۷ - خداوند ، مبرا از هر شریک و همانند

قل ائنکم لتکفرون .. تجعلون له اندادا

از استفهام در < ائنکم > مطلب بالا استفاده می شود.

۱۴ - داشتن شریک ، دور از ساحت بلند ربوبیت خدا است .

و تجعلون له أندادًا ذلک ربّ العلمین

تعبیر <ذلک> که اشاره به دور است می تواند بیان کننده رفعت مقام ربوبی از داشتن شریک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۴

۴ - پروردگار ، پیراسته از هر گونه ظلم و ستمی نسبت به بندگان خویش

و ما ربّک بظلم للعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۹

۹ - خداوند ، منشأ نعمت ها و پیراسته از شرور و بدی ها

و إن مسّه الشرّ .

.. و لئن أذقته رحمه ... و إذا أنعمنا على الإنسان ... و إذا مس

از این که خداوند رحمت و نعمت را به خود نسبت داده و ولی شرور را به خویشتن منتسب نکرده است، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۷

۷ - لزوم تنزیه خداوند ، از هر گونه عیب ، نقص و شریک به هنگام بهره مندی از نعمت ها

و تقولوا سبحن الذی سخّر لنا هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۵

۵ - بخشی از وجود خدا دانستن مخلوقات ، امری شگفت و متناقض

و الذی خلق الأزواج کلّها .. و جعلوا له من عباده جزءاً

عبد و مخلوق خداوند، نمی تواند جزء وجود او به حساب آید زیرا هیچ موجودی نمی تواند خالق خود و یا خالق اجزای وجود خود باشد. بنابراین دو تعبیر <عباده> و <جزءاً>، اشاره به وجود یک تناقض در این تفکر دارد. هم چنین آیه شریفه می تواند نظر به اعتقاد مسیحیان در باب تثلیث نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۶ - ۳

۳ - فرشتگان ، مخلوق و آفریده های خدایند و نه فرزندان و اجزای وجود او .

أم اتّخذ ممّا یخلق بنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۳ - ۵

۵- عارض نگشتن کم ترین ضعف و خستگی بر خداوند ، در نتیجه آفرینش آسمان ها و زمین

و لم يعى بخلقهنّ

مفاد جمله

<لم يعى بخلقهن> راه نیافتن تعب و خستگی در ذات حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۹ - ۱۲

۱۲ - ذات الهی ، آراسته به همه کمالات و پیراسته از تمامی کاستی ها

و توقروه و تسبحوه

<توقیر> به معنای تعظیم و بزرگ داشت و می تواند اشاره به صفات جمال داشته باشد. <تسییح> به معنای منزّه شمردن ذات حق از عیب و کاستی است که می تواند بیانگر صفات سلبی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۱

۱ راه نیافتن عجز و خستگی در خداوند ، به خاطر آفرینش موجودات

أفعینا بالخلق الأوّل

از استفهام انکاری (أفعینا بالخلق)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۴،۵،۶،۷

۴ خداوند ، منزّه از کم ترین ظلم و اعمال کیفر های ناروا ، بر بندگان

و ما أنا بظلم للعبيد

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید .. و ما أنا بظلم للعبيد

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قد قدّمت إلیکم بالوعید .. و ما أنا بظلم للعبيد

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدمت..> باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا *

ما یبدّل القول لدیّ و ما أنا بظلم للعبد

برداشت بالا- بدان احتمال است که <و ما أنا بظلام..> تعلیل <ما یبدّل...> باشد؛ یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی چون ظلمی نیست تبدیل قول هم نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۵،۶

۵ - آفرینش جهان ، با همه گستردگی و عظمت آن ، فاقد کم ترین خستگی و رنج برای خداوند

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

<لغوب> به معنای تعب و خستگی می باشد.

۶ - خلقت آسمان ها و زمین بدون کم ترین زحمت و دشواری ، نشان قدرت خداوند بر معاد

و لقد خلقنا .. و ما مسنا من لغوب

با توجه به این که سیاق عمده آیات پیشین، در اثبات معاد بود؛ طرح خالقیت خدا و آسان بودن خلقت برای او، می تواند بیانگر امکان معاد و دشوار نبودن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۹

۹ - خداوند ، آراسته به صفات جلال و جمال *

و یتقی وجه ربّك ذو الجلال و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذوالجلال>، ناظر به صفات جلال و <الإکرام>، ناظر به صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۹

صفات جلال و جمال *

تبرک اسم ربّك ذی الجلل و الإکرام

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ذی الجلال> اشاره به منشأ صفات جلال داشته باشد و <الإکرام> بیانگر صفات جمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۰ - ۳،۴

۳ - ساحت خداوند ، میرا از عجز و ناتوانی

و ما نحن بمسوقین

۴ - خداوند ، مغلوب کسی یا چیزی واقع نمی شود .

و ما نحن بمسوقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۴ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و میرا از هر عیب و نقص

فسّبح باسم ربّك العظيم

<تسبیح> به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و میرا از هر عیب و نقص است .

فسّبح باسم ربّك العظيم

<تسبیح>، به معنای تنزیه کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملك القدّوس

وصف <القدّوس>، در پی <الملك>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرا

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - هر يك از مظاهر هستی ، گواهی بر مبّرّا بودن آفریدگار آن ، از هر عیب و کاستی

یسَّبِحْ له ما فی السموت و الأرض

برداشت یاد شده، بدان اعتبار است که مراد از <تسبیح>، تسبیح وجودی و به زبان حال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱

۱ - ساحت خداوند ، منزّه و مبّرّا از هر عیب و نقص است .

سَبِّحْ لله ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <سَبِّحْ>) به معنای تنزیه و مبّرّا کردن از نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، مبّرّا از هر نقص و عیب

یسَّبِحْ لله ما فی السموت و ما فی الأرض

<تسبیح> (مصدر <یسَّبِحْ>) به معنای تنزیه و مبّرّا کردن از هر نقص و کاستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۳ - ۴،۲

۲ - خدا ، نه دارای همسر است و نه فرزند .

ما اتَّخَذَ صحبه و لا ولدًا

۴ - همسرگزینی و فرزندداری ، دون شأن و منزلت والای خداوند است .

و أَنَّهُ تَعَلَىٰ جَدِّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَهُ وَ لَا وَلَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۶ - ۵

۵ - ساحت خداوند ، منزّه از هر عیب و نقص

و سَبَّحَهُ

<تسبیح> (مصدر <سَبَّحَهُ>) به معنای تنزیه است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۹

۹ - > علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبيه قال : سألت الرضا (ع) . . . عن قول الله عزوجل > و جاء ربك و الملك صفاً صفاً < فقال : إن الله تعالى لا يوصف بالمجىء و الذهاب تعالى عن الانتقال إنما يعنى بذلك و جاء أمر ربك و الملك صفاً صفاً ;

علی بن الحسن از پدرش روایت کرده که گفت: از امام رضا(ع)، درباره سخن خداوند <و جاء ربك و الملك صفاً صفاً> پرسیدم، فرمود: خداوند متعال به آمدن و رفتن توصیف نمی شود. او والا-تر از انتقال یافتن است. مقصود این است که امر پروردگارت، فرارسد و فرشتگان صف اندر صف حاضر شوند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۳

۳ - خداوند ، مبرا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فسبح بحمد ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۹، ۶

۶ - خداوند ، منزّه از کاستی های درونی و بی نیاز از غذا و آب است .

الله الصمد

>صمد< ; یعنی ، >مُصَمَّت< و آن موجودی است که جوف (درون خالی) ندارد (تاج العروس). درون خالی نداشتن موجود زنده، بر بی نیازی او از غذا و آب دلالت دارد.

۹ - خداوند ، از چیزی پدید نیامده و بی فرزند و بی همتا است .

الله الصمد

دو آیه بعد (لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد)، به دلیل

قرار نگرفتن حرف عطف بین آنها و این آیه، می تواند مفسر کلمه <صمد> باشد.

۱۱ - < قال الباقر (ع) حدّثنی أبی زین العابدین عن أبیه الحسین بن علی (ع) أنّه قال : الصمد الذی لا جوف له و الصمد الذی قد انتهى سُؤدُده و الصمد الذی لا یأکل و لا یشرّب و الصمد الذی لا ینام و الصمد الدائم الذی لم یزل و لا یزال ؛

امام باقر(ع) از پدرش زین العابدین(ع) از امام حسین(ع) روایت کرده که فرمود: صمد کسی است که درون خالی ندارد. صمد کسی است که سیادت و آقایی اش، به کمال خود رسیده است. صمد کسی است که نمی خورد و نمی آشامد. صمد کسی است که خواب ندارد و صمد دائمی است که همیشه بوده و خواهد بود.

۱۵ - < سأل رجل علیاً (ع) عن تفسیر هذه السوره فقال : . . . الصمد بلا تبعیض بدّد ؛

مردی از امام علی(ع) درباره تفسیر این سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . . . صمدیت خداوند، بدون تجزیه شدن به اجزای جدا از یکدیگر است.

۱۶ - < قال وَهْب بن وَهْب القرشی و حدّثنی الصادق جعفر بن محمد عن أبیه الباقر عن أبیه (ع) أنّ أهل البصره كتبوا إلی الحسین بن علی (ع) یسألونه عن الصمد فكتب إلیهم . . . ان الله سبحانه قد فسّر الصمد فقال : < الله أحد . الله الصمد > ثمّ فسّره فقال < لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفوّاً أحد > . . . هو الله الصمد الذی لا من شیء و لا فی شیء و

وہب ۱۵۲ بن وہب قرشی گوید: کہ امام صادق(ع) از طریق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) برایم روایت کرده کہ: اہل بصرہ بہ امام حسین(ع) نامہ نوشتند و از ایشان معنای صمد را پرسیدند، امام بہ آنان نوشت: . . . بہ درستی کہ خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نمودہ و فرمودہ <اللہ أحد . اللہ صمد>، آن گاہ آن را تفسیر کردہ و فرمودہ است: <لم یلد و لم یولد . و لم یکن لہ کفواً أحد> . . . او است خدای صمد کہ نہ از چیزی بہ وجود آمدہ و نہ در چیزی جای گرفتہ و نہ بر چیزی مستقر است .<

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۳ - ۱،۲

۱ - خداوند ، فرزند ندارد .

لم یلد

۲ - خداوند ، فرزند کسی نیست .

و لم یولد

صفات جلال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیہ - فیش

۲ - بقرہ - ۲ - ۲۵۵ - ۲۶، ۱۲، ۱۱، ۷

۷ هیچگاہ خواب سبک (چرت) و سنگین ، خداوند را فرامی گیرد .

لا تأخذہ سنہ و لا نوم

۱۱ ناسازگاری غفلت از تدبیر عالم با قیومیت خداوند .

الحیّ القیوم لا تأخذہ سنہ و لا نوم

جملہ <لا تأخذہ . . . > بہ منزله بیانی است برای صفت <قیوم> .

۱۲ هیچ دگرگونی و تغییری در ساحت قدس خداوندی راہ ندارد .

لا تأخذه سنه ولا نوم

۲۶ عدم غفلت در تدبیر عالم ، مالکیت ، علم و قدرت مطلق و اذن به تأثیر اسباب و علل ، نشانه و دلیل قیومیت خداوند

الحيّ القيوم .. وسع كرسيه

تمام مطالبی که پس از صفت <القیوم> آمده است، می تواند توضیح دهنده آن صفت و نیز برهانی برای اثبات آن باشد.

صلاح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صلاح

آثار صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۶ - ۷۸

۷ نیکوکار و صالح بودن، از معیارهای فضیلت یافتن پیامبران بر همه جهانیان است.

نجزی المحسنین .. کل من الصالحین ... فضلنا علی العلمین

۸ پیشه ساختن احسان و صلاح، زمینه ساز ارتقای درجه در پیشگاه خداوند است.

نجزی المحسنین .. کل من الصالحین ... فضلنا علی العلمین

چون دو صفت احسان و صلاح به عنوان ممیزات پیامبران در آیات پیشین مطرح شده بود، چنین برمی آید که این دو صفت دارای نقش اساسی در بالا بردن درجه و مقامات معنوی هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۷

۷ نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به صراط مستقیم، از ملاکهای گزینش انبیا

کذلک نجزی المحسنین .. کل من الصالحین ... هدینه إلی صراط مستقیم ... ءاتینهم الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۹

۹- صلاح پیشگی، از شرایط لازم برخورداری از عفو و آمرزش خداوند

إن تكونوا صلحين فإنه كان للأوبين غفورًا

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۲۴

۲۴- گرایش به صلاح و جلب رضای الهی ، نمودی از کمال عقلی انسان

حتی إذا بلغ أشده و بلغ أربعين سنة قال رب أوزعنی .. و أن أعمل

توجه به قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که تعبیر <أربعین سنه> ناظر به بلوغ عقلی است، چه این که <بلغ أشده> می تواند اشاره به بلوغ جسمی داشته باشد. بنابراین آنچه بر سن چهل سالگی انسان در آیه مترتب شده، از کمال عقلی نشأت یافته است.

آثار گرایش به صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۱،۷

۱- احسان به والدین ، روحیه شکر ، توبه ، صلاح جویی و تسلیم ، شرط پذیرش تمام اعمال نیک انسان به درگاه خدا

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا

مراد از <أحسن..> می تواند اعمال واجب و مستحب در قبال اعمال مباح باشد. که در این صورت از ارتباط دو آیه استفاده می شود که اگر کسی از روحيات یاد شده برخوردار بود اعمال نیک او (واجب و مستحب) پذیرفته می شود.

۷- احسان به والدین ، روحیه شکر و صلاح جویی برای خود و آیندگان ، مؤثر در شمول عفو الهی نسبت به انسان

و وصینا الإنسن .. أوزعنی أن أشکر ... و أن أعمل صلحاً ترضیه و أصلح لی فی ذرّ

آنچه در آیه قبل به عنوان احسان به والدین و .. یاد شده است؛ در حقیقت عامل اصلی برای اغماض خداوند از سیئات انسان می باشد. واژه <أُولَئِكَ> این ارتباط تنگاتنگ را برقرار کرده است.

اهمیت صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ صداقت ، علم و صلاح ، از معیار های انتخاب رفیق

و حسن اولئک رفیقاً

برداشت فوق، <الشهداء> به معنای عالمان گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۷

۲۷ گرایش طبیعت مردم به صلاح و رعایت عدالت در امور اقتصادی است .

و لا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها

آنچه در برداشت فوق آمده احتمالی است که درباره <بعد إصلاحها> گفته شده است.

حقیقت صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۶

۶- صلاح ، امری درونی و قلبی و نه صرفاً ظاهری و ادعایی

رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ

<صلاح> نوعی شرط برای پذیرش توبه تلقی شده است. قبل از طرح صلاح و توبه، هشدار داده شده که خداوند به درون شما آگاهی دارد. چنین هشدار می تواند بیانگر این نکته باشد که صلاح امری درونی است.

زمینه صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۴

۴ - دستیابی به اوج صلاح ، در پرتو معرفت استوار و حکمت الهی

هَبْ لِي حَكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

مقدم آوردن <حکماً> می تواند اشاره به تقدم رتبی و واقعی آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- توفیق در ره یابی به صلاح و خودسازی ، نیازمند امداد و الهام الهی

قال ربّ أوزعنی أن أشکر نعمتک . . . و أن أعمل صلحًا

<أوزعنی> (از مصدر <ایزاع>) به معنای الهام کردن و توفیق و بازداشتن از انحراف است. این خود می رساند که توفیق شکرگزاری و خودسازی را نیز، باید از خداوند طلب کرد و

از او الهام گرفت.

زمینه صلاح اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰- پیروی از مرام حنیف (معتدل و بی انحراف) ابراهیمی ، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

و ءاتینه فی الدنيا حسنه و إنه فی الآخره لمن الصالحین .. اتّبع ملّه إبرهیم حنیف

زمینه صلاح جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۱ - ۴

۴- راه یابی صلاح و فساد و خیر و شر در میان جن

و انا منّا الصالحون و منّا دون ذلك

عوامل صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأنّ الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

مقید شدن <الحق> به <من ربهم> و مقابله <الحق من ربهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

منافقان و صلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ منافقان ، دارای روحیه اعراض از صلاح و انجام وظیفه

لنكوننّ من الصّٰلِحِيْنَ . . . و تولوا و هم معرضون

صلاحیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صلاحیت

آثار صلاحیت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۳ - ۵

۵- صالح بودن ، شرط دستیابی به مقام امامت است .

كَلَّا جَعَلْنَا صٰلِحِيْنَ . وَ جَعَلْنٰهُم اٰثِمَةً

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند پیش از آن که مقام امامت را برای ابراهیم(ع) و .. قرار دهد، آنان را صالح گردانید و آن گاه این منصب را به آنان سپرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۴

۴ - تأثیر انداز ها و اخطار های به حق ، در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش آن در نهاد آدمی است .

و سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۳

۳ - تأثیر انداز ها و اخطار های به حق ، در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش آن در نهاد آدمی است .

إنّما تنذّر من اتّبع الذّکر و خشی الرحمن

آثار صلاحیت ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۵

۵- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل .. و أدخلنهم فی رحمتنا إنّهم من الصّٰلِحِیْنَ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ> تعلیل برای جمله پیشین است ؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

آثار صلاحیت اسماعیل (ع)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۵

۵- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . . . و أدخلنهم فی رحمتنا إیّهم من الصّالحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إیّهم من الصّالحین> تعلیل برای جمله پیشین است؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

آثار صلاحیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۹

۹- صلاح و شایستگی پدر ، دارای نقش مؤثر در سعادت و نیک بختی فرزندان است .

كان أبوهما صلحاً فأراد ربك أن يبلغا أشدهما ويستخرجا كنزهما

آثار صلاحیت ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۶ - ۵

۵- صالح و شایسته بودن اسماعیل ، ادریس و ذوالکفل (ع) ، موجب بهره مند شدن آنان از رحمت خاص الهی

و إسمعیل . . . و أدخلنهم فی رحمتنا إیّهم من الصّالحین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إیّهم من الصّالحین> تعلیل برای جمله پیشین است؛ یعنی، چون آنان از صالحان بودند، در رحمت بی کران خود قرارشان دادیم.

آثار صلاحیت لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۵ - ۳

۳- صالح و شایسته بودن حضرت لوط (ع) ، موجب بهره مندی او از رحمت ویژه خداوند

و أدخلنه فی رحمتنا إله من الصالحین

برداشت یاد شده به خاطر این است که جمله

>إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ < تعلیل برای جمله > و أدخلناه فی رحمتنا < است.

آثار صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تأثیر انذارها و اخطارها هرچند به حق و از جانب حق مداران باشد در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

صلاحیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۶،۷

۶ انتخاب رسول از سوی خداوند بر اساس علم کامل او به شایستگی رسولان انجام می گیرد.

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

۷ صلاحیت و شایستگی، اساس دستیابی انبیا به مقام رسالت است.

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ

صلاحیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۴

۴ انسان ها ذاتا شایسته دریافت نعمت های خداوند هستند .

لَمْ يَكْ مَغِيرًا نِعْمَهُ أَنْعَمَهَا عَلٰى قَوْمٍ

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضیح آن به دست می آید.

صلاحیت برای نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۴،۶

۴ انسان ها ذاتا شایسته دریافت نعمت های خداوند هستند .

لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم

برداشت فوق با توجه به برداشت قبل و توضیح آن به دست می آید.

۶ فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای تشکلشان امتیاهی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فأخذهم الله بذنوبهم . . . ذلک

بأن الله لم يك مغيرا ... حتى يغيروا ما بأنفسهم

از نکاتی که می توان از ارتباط این آیه و آیه قبل به دست آورد این است که فرعونیان و امتهای پیش از آنها در ابتدای تشکّلشان امتهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

صلاحیت پدران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّ . . . و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيتهم

صلاحیت فرزندان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّ . . . و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيتهم

صلاحیت همسران مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنّ . . . و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّيتهم

منشأ صلاحیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- دستیابی ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی ، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود .

و کلاً جعلنا صلحین

منشأ صلاحیت اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- دستیابی ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود.

و کلاً جعلنا صلحین

منشأ صلاحیت یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۲ - ۷

۷- دستیابی ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) به صلاح و شایستگی، در پرتو اراده و عنایت خداوند بود.

و کلاً جعلنا صلحین

نقش صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴۱

۴۱ ضرورت آگاهی دقیق به صلاحیت و شایستگی افراد و برآوردن آن در اعطای امتیاز به آنان

ذلك فضل الله يؤتیه من یشاء و الله واسع علیم

مطرح ساختن علم گسترده الهی پس از بیان احسان و تفضل خداوند به زبندگان، می رساند که شناخت و آگاهی، شرطی لازم برای امتیاز دهندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۷

۷ رسیدن به مقام نبوت، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیت است.

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسئولیت های اجتماعی به آنان

اللّٰه یصطفیٰ من الملائکه رسولاً و من الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹ - هدایت نشدن برخی از مردمان

به وسیله پیامبر (ص)، ناشی از فقدان بصیرت، شایستگی ها و زمینه های لازم در وجود خود آنان بود؛ نه برخاسته از ضعف تبلیغی حضرت رسول (ص)

و ما یتوی الأعمی و البصیر .. الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیات گذشته، کافران را همچون کوردلان و مردگان، فاقد روح حق پذیری و دل بیدار معرفی کرده بود. آن گاه مسأله ناتوانی پیامبر(ص) در هدایت کردن آنان را مطرح فرمود.

۱۰ - تأثیر تبلیغ و هدایت گری ها هرچند از سوی پیامبران باشد در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

و ما یتوی الأعمی و البصیر .. الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶،۷

۶ - صلاحیت و شایستگی، شرط ورود پدران، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنت .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

۷ - صلاحیت و شایستگی، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنت .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

صلاحیت ها

آثار صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - تأثیر انذار ها و اخطار ها هرچند به حق و از جانب حق مداران باشد در گرو وجود شایستگی ها و

زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

نقش صلاحیت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۴۱

۴۱ ضرورت آگاهی دقیق به صلاحیت و شایستگی افراد و برآوردن آن در اعطای امتیاز به آنان

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

مطرح ساختن علم گسترده الهی پس از بیان احسان و تفضل خداوند به زبندگان، می رساند که شناخت و آگاهی، شرطی لازم برای امتیاز دهندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۷

۷ رسیدن به مقام نبوت ، مشروط به داشتن زمینه و صلاحیت است .

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۴

۴ - لزوم ملاک قرار دادن لیاقت و صلاحیت افراد در اعطای مناصب و مسئولیت های اجتماعی به آنان

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۹،۱۰

۹ - هدایت نشدن برخی از مردمان به وسیله پیامبر (ص) ، ناشی از فقدان بصیرت ، شایستگی ها و زمینه های لازم در وجود

خود آنان بود ؛ نه برخاسته از ضعف تبلیغی حضرت رسول (ص)

و ما يستوى الأعمى و البصير . . الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فى الق

برداشت یاد شده با توجه به این نکته

است که خداوند در آیات گذشته، کافران را همچون کوردلان و مردگان، فاقد روح حق پذیری و دل بیدار معرفی کرده بود. آن گاه مسأله ناتوانی پیامبر(ص) در هدایت کردن آنان را مطرح فرمود.

۱۰ - تأثیر تبلیغ و هدایت گری ها هرچند از سوی پیامبران باشد در گرو وجود شایستگی ها و زمینه های لازم برای پذیرش در نهاد آدمی است .

و ما یتوی الأعمی و البصیر .. الأحياء و لا الأموت ... و ما أنت بمسمع من فی الق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۶،۷

۶ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود پدران ، همسران و فرزندان مؤمنان به بهشت

و أدخلهم جنت .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

۷ - صلاحیت و شایستگی ، شرط ورود به بهشت

و أدخلهم جنت .. و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذریتهم

صلح از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{صلح}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۸

۸ اسلام ، آیین صلح طلب

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

اسلام، حرمت ماههای حرام را - که پیش از آن مرسوم بود - تأیید کرده است.

آثار صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۲،۳،۷

۲- صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ،

در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

۷- وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحننا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۶، ۷، ۲، ۱

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروختن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست؛ زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازساخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و

پس

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومت‌ورزی بی‌امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . . . و يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۷ - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . . . و يَتِمُّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ

<یتّم نعمته> بیانگر نتیجه‌ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(ص) داد؛ یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود؛ اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می‌گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . . . و يَنْصُرُكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا

<ینصر..> بیانگر نتیجه‌ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است؛ یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

۴ - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان *

إنا فتحنا لک فتحًا .. هو الذی أنزل السکینه

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد، از ارتباط <أنزل السکینه> با <إنا فتحنا..> احتمال مطلب بالا می رود.

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إنا فتحنا لک .. هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۶،۹

۶ - صلح حدیبیه ، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان ، در تنگنا و رنج *

إنا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر ... لیدخل المؤمنین و ... ویعدّب المنفقین و ا

در صورتی که <یعدّب..> با صدر سوره (إنا فتحنا...) در ارتباط باشد، احتمال می رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد، بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی

قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنْفِقِينَ و ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه <و يعذب.. > عطف بر <ليغفر لك...> باشد؛ آیه شریفه می تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سيقول لك المخلفون .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یاد آور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا تتبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم

آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸، ۱۲، ۱۱، ۴

۴ - غنایم خیر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم الله .. فعجل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیر دارد.

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم الله .. فعجل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛ اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <کفّ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۲، ۱۰

مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهن

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

۱۲- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن ، اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون . . . لم تعلموهن

تعبیر <لم تعلموهن>، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - تثبیت روح تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و أَلْزَمَهُم كَلِمَةَ التَّقْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۷، ۱۶، ۵

۵- منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام ، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت

*

لقد صدق الله

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَعَجَلْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا قَرِيبًا

<ذلك> اشاره به <لَدْخَلْنَ> و <فَتْحاً قَرِيباً> نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی،

همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اقدام برخی از زنان مؤمن، به هجرت از مکه به سوی مدینه، پس از پیمان حدیبیه

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

احکام صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۵، ۴، ۲

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا...> استفاده می شود.

۵ پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطة قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه

پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجیح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۶

۶- جواز صلح با دشمن ، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

در صورتی که <و أنتم الأعلون> بیانگر مورد نهی باشد، از مفهوم آیه شریفه مطلب بالا استفاده می شود، یعنی، در صورت برتری قوای سپاه اسلام، صلح با دشمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صلح بی مانع است.

اسلام و صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۸

۸ اسلام ، آیین صلح طلب

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

اسلام، حرمت ماههای حرام را - که پیش از آن مرسوم بود - تأیید کرده است.

اهداف صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی به زندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند

* .

و إن جنحوا للسلم فاجح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا

و مانند آن بپذیرند.

اهمیت صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ جایگاه مهم حفظ روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق

الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ... وَالْقَوَا أَلَيْكُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۹

۹ جایگاه مهم روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

فَان لَّمْ يَعْزَلُوا لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ... فَخَذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۵

۳۵ اسلام ، فراخوان مردم به برقراری صلح و امنیت اجتماعی در میان خویش *

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... ان تَعْتَدُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۲

۲ خداوند ، هدایتگر انسان ها به راه های سلامت ، امنیت و صلح ، به وسیله پیامبر (ص) و قرآن

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ

مقصود از ضمیر <به> ، پیامبر (ص) نیز می تواند باشد. زیرا پیامبر (نور) و قرآن (کتاب مبین) پیگیر هدفی واحد هستند و به منزله یک چیز به شمار می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به او امری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إِنْ جُنَحُوا... وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۸

۱۸ - ایجاد صلح و امنیت از اهداف پیامبران الهی است .

والسلم علی من اتبع الهدی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۹ - ۱،۴۸

۱ - مسلمانان ، موظف به برقراری صلح و از میان بردن جنگ ها و درگیری های داخلی گروه های مسلمان

و إن طائفتان من المؤمنین اقتتلوا فأصلحوا بینهما

۴ - در جریان درگیری و جنگ دو گروه از مسلمانان ، نخست باید آنان را به مسالمت واداشت و در مرحله بعد با متجاوز برخورد کرد .

و إن طائفتان .. فأصلحوا ... فإن بغت

۸ - گردن نهادن گروه های مؤمن متخاصم به صلح ، تکلیفی الهی است .

فقتلوا الّتی تبغی حتّی تفیء إلی أمر الله

تعبیر <إلی أمر الله> به جای تعبیر <إلی السلم> بیانگر این معنا است که دستور صلح و مسالمت، صرفاً رهنمود اخلاقی نیست؛ بلکه تکلیفی شرعی است.

اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید <فسیؤتیه..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک .. و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة حمیة الجهلیة

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

تقدم صلح بر جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۲، ۱

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعددی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

توکل بر خدا در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا... و توکل علی الله

۸ توکل بر خدا در پذیرش صلح ، موجب عقیم ماندن اهداف پنهانی کافران از پیشنهاد صلح

فاجنح لها و توکل علی الله

دشمنان صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۸ - ۱۳

۱۳ هشدار الهی بر اینکه شیطان ، عامل ایجاد تفرقه و مخالف صلح و وحدت جامعه ایمانی است .

ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین

ذکر خدا در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا... و توکل علی الله

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجهلیه

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح

حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۱ - ۳،۱۶

۳ - صلح و صفای اجتماعی ، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزا ، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ .. لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْ

۱۶ - صلح ، برادری و صفای اجتماعی ، در گرو پرهیز اعضای جامعه از استهزاگری ، عیب جویی و نسبت دادن عناوین زشت به یکدیگر

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ .. لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَلَا تَلْمِزُوا أَنْ

زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

وَأُنَبِّهُمُ فَتَحًا قَرِيبًا . وَ مَغَانِمَ كَثِيرَةً ... وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

از ارتباط <كان الله..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

سرزمین های صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۵

۵- امکان تعلق گرفتن سرزمین هایی ، بدون درگیری نظامی ، به مسلمانان ، به عنوان غنایم

و أورثکم . . . و أرضاً لم تطئوها

شرایط صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ جنگ اهل ایمان و نیز صلح

آنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

فان اعتزلوكم .. . فما جعل الله لكم عليهم سيلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ جنگ و صلح مؤمنان ، همواره باید بر اساس موازین تعیین شده از سوی خداوند صورت گیرد .

و اولئکم جعلنا لکم علیهم سلطاناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۲

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی

و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۶

۶- جواز صلح با دشمن ، در صورت توان نداشتن سپاه اسلام برای مقاومت و ادامه جنگ

فلاتهنوا و تدعوا إلى السلم و أنتم الأعلون

در صورتی که <و أنتم الأعلون> بیانگر مورد نهی باشد؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب بالا استفاده می شود؛ یعنی، در صورت برتری قوای سپاه اسلام، صلح با دشمن جایز نیست. اما در غیر این صورت که عملاً انتظار پیروزی نمی رود، صلح بی مانع است.

شرایط صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به او امری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا .. و توکل علی الله

صلح با غیر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۴

۴ بستن پیمان صلح با جوامع غیرمسلمان ، جایز است .

و إن نکثوا أیمانهم من بعد عهدهم

صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

وإن

یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک الله

برداشت فوق بر این اساس که <إن یریدوا .. > توضیحی باشد برای <فاجنح لها>. یعنی ای پیامبر(ص) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبادا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه ۵۸ معلوم می شود اگر قرائن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۶، ۵، ۴، ۲، ۱

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند.

و إن جنحوا للسلام فاجنح لها

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است.

و إن جنحوا للسلام فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمة قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد.

و إن جنحوا للسلام فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا .. > استفاده می شود.

۵ پذیرش

صلح و متارکه جنگ در حیظه قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

۶ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی الله

حرف لام در <للسلم> گویای این است که باید احراز شود که کافران در پیشنهاد صلح در صدد حيله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حيله گری باز دارد. مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

صلح با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۹

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لك فتحاً .. و يتم نعمته عليك و يهديك صراطاً مستقيماً

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است، احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان ، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

صلح با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲

۲- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

صلح بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۲

۲ زندگی بهشتیان آکنده از صلح و سلامت و به دور از کشمکشهایی مانند جدال دوزخیان است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

هدف از بیان پاکیزگی دل های بهشتیان از کینه و عداوت پس از گوشزد کردن نزاع دوزخیان، مقایسه دو جایگاه از جهت صفا و صمیمیت و عداوت و کینه توزی است.

صلح در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۹

۹ - بهشت آدم ، محیط صفا و صلح و تأمین کامل نیازها و عاری از بروز دشمنی در میان ساکنان آن بود .

إِنَّ لَكُمْ أَلْتَجْوَع .. اهبطا ... بعضكم لبعض عدو

چون موضوع دشمن به عنوان مجازات و اقتضای هبوط مطرح گردیده. چنین برمی آید که در مسکن قبلی آدم(ع) (بهشت)

چنین

عارضه ای در کار نبوده و به خاطر فراهم بودن نیازمندی ها، زمینه های عداوت منتفی بوده است.

صلح طلبی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۲

۲ - پی آمد های شوم جنگ برای مردم و حکومت ، دلیل تمایل بلقیس به روش های مسالمت آمیز

قالت إن الملوک إذا دخلوا قرية أفسدوها

صلح طلبی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ ادعای نیکوکاری ، مُدارا و صلح جویی ، توجیه ناروای منافقان در مورد مراجعه به حکم طاغوتی

یریدون ان يتحاكموا الى الطاغوت .. ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

۱۱ ادعای نیکوکاری و صلح جویی از شگرد های منافقان

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۴

۴ دروغگویی منافقان ، در ادعای خیرخواهی و صلحجویی

ان اردنا الا احساناً و توفيقاً. اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم

صلح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير

جواب شرط <انتهوا> به قرینه <قتلوههم> جمله ای همانند <فلا تقاتلوههم> است ؛ یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوند به اعمال

این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتكون آية للمؤمنين و يهديكم صراطًا مستقيمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

عوامل صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۶ - ۱۹، ۷، ۱

۱ خداوند کسانی را که در پی جلب رضایت اویند در راه های سلامت، امنیت و صلح قرار می دهد.

يهدى به الله من اتبع رضونه سبل السلم

مراد از هدایت، رساندن به راههای سلامت است، نه فقط راهنمایی به آن. چون صرف راهنمایی برای همه انسانها موجود است، چه در پی رضایت الهی باشند و یا نباشند.

۷ صلح و امنیت، در سایه هدایت های انبیای الهی

يهدى به الله من اتبع رضونه سبل السلم

۱۹ دستیابی اهل کتاب به راه های سلامت و رهایی آنان از گمراهی ها و قرار گرفتن آنان در صراط مستقیم، در گرو ایمان به قرآن و پیامبر (ص)

ياهل الكتب قد جاءكم رسولنا... يهديهم إلى صراط مستقیم

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۹

۱۹ - ادیان الهی ، هدایتگر مردم و وسیله رسیدن آنان به صلح و امنیت است .

والسلم علی من اتبع الهدی

فسخ معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۴،۵

۴ اعلام الغای اعتبار پیمان صلح به طرف معاهده لازم است .

براءه .. . إلى الذین عهدتم

۵ لغو اعتبار پیمان های صلح و عدم تعرض ، از اختیارات رهبر جامعه اسلامی است .

براءه من الله و رسوله إلى الذین عهدتم

فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۲ ، ۲۰ ، ۱۵

۱۵- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جان مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون .. . أن تطوهم

۲۰- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لیدخل الله فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله <لیدخل .. .> با آیه قبل ، مطلب بالا استفاده می شود زیرا <لیدخل ...> غایت برای جواب محذوف است ؛
یعنی ، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نبینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

۲۲- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیروهای فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال .. لیدخل الله فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد؛ زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را

می یابند.

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتوحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتوحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نكث..> بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱،۲،۹،۱۳،۱۴

۱ - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سيقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲- پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی

پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سيقول لك المخلفون من الأعراب

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سيقول .. فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <يقولون..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای مسلمانان

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. يقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم

تعبیر <إلى أهلهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از

همراهی پیامبر (ص)، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توییح شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توییح خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر (ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان >، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با

پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی الله عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹- نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر <فأنزل السکینه> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱۰، ۶، ۳

۳- مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنه الله ... و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بطن مکه

۶- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر< بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰- امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان الله بما تعملون بصیرا

ارتباط <کان الله..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر

اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدوکم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً أن يبلغ محله

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذین کفروا و صدوکم عن المسجد الحرام و الهدی معکوفاً

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته را به یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷- نزول آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹ - تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول < آرامش > استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجهلیه

با توجه به شأن نزول

آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصیبت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان ، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷ - ۵

۵ انعقاد پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان در کنار مسجدالحرام

إلا الذین عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۸،۱۰،۲

۱ انعقاد پیمان صلح ، میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان عصر بعثت

وإن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

شرک پیشگان عصر بعثت ، بر پیمان صلح خود با مسلمانان ، سوگند وفاداری یاد کرده بودند .

و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

۴ بستن پیمان صلح با جوامع غیرمسلمان ، جایز است .

و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نكثوا أيمانهم .. فقتلوا أئمة الكفر

۱۰ طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

و إن نكثوا أيمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقتلوا

معاهده صلح در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷ - ۶

۶ وجود پیمان های صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

إلا الذین عهدتم عند المسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۳ - ۳

۳ وجود پیمان صلح میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان

قوماً نكثوا أيمانهم

مغضوبیت صلح ناعادلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صلح ناعادلانه مبتنی بر مماشات با متجاوز مورد تأیید و رضایت الهی نیست .

فإن بغت .. فأصلحوا بينهما بالعدل ... إنَّ الله يحبُّ المقسطين

از مفهوم آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

مکر در صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ -

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احراز نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلام فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلى المسالمة قاصدين لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حيله گری ...).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوك فإن حسبك الله

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حيله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

منشأ صلح اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲

۲- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر

و هو الذی کفّ .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرشان از سر مسلمانان دفع گردید.

منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ یبایعونک تحت الشجره .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحاً قریباً

عبارت <فتحاً قریباً> ممکن است اشاره به <فتحاً میناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱

۱ - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ - صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قریباً

<ذلك> اشاره به <لتدخلن< و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

صلح با اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۴

۴ - درگیر نشدن مؤمنان و مکیان با یکدیگر در < عمره القضا > ، نعمتی مهم برای اهل ایمان *

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

برداشت بالا- بدان احتمال است که تعبیر < بیطن مکه > اشاره به < عمره القضا > داشته باشد که مسلمانان پس از پیروزی حدیبیه براساس قرارداد، سال بعد به شهر مکه وارد شدند و با آرامش کامل، مناسک عمره را به جا آوردند.

نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک الله .. و یتّم نعمته علیک

< یتّم نعمته > بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومت‌ورزی بی‌امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنا فتحنا لک فتحًا مبینًا .. و یتّم نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق < فتح مبین > بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه‌گشای حرکت‌های سرنوشت‌ساز بعدی پیامبر (ص)

(ص) *

فتحنا لک فتحًا .. و یتّم نعمته علیک و یهدیک صراطًا مستقیمًا

با توجه به این

که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان، قادر به دفع هجوم کافران، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لو لؤا الأذیر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد؛ یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد؛ اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

نقض معاهده صلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱ - ۱

۱ ابطال اعتبار پیمان های صلح مسلمانان صدر اسلام از سوی خدا و پیامبر (ص) در پی نقض آن توسط مشرکان معاهد

براه من اللّٰه و رسوله إلی الذین عهدتم من المشرکین

<برائت> به معنای جدا شدن و فاصله گرفتن است. متعلق <برائت> به قرینه <الذین عاهدتم> پیمانهای منعقد شده میان مسلمانان صدر اسلام و مشرکان است. اعلام جدا شدن و فاصله گرفتن از عهد و پیمان کنایه از الغا و بی اعتبار نمودن آن است.

صلح حدیبیه

{صلح حدیبیه}

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۹

۹ - > فی روایه طویلہ عن الصادق (ع) أنّها نزلت بعد الصلح فی الحدیبیہ ;

در یک روایت طولانی از امام صادق (ع) روایت شده که آیه فتح بعد از صلح حدیبیه، نازل شده است <.

آثار صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۲،۳،۷

۲- صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

بنابراین که مراد از <فتْحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

۷- وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتَحْنَا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱،۲،۶،۷

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروختن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر

با توجه به اين كه در اين

آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازساخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . .. وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۷ - نوید الهی ، به تحقق نعمت کامل فتح مکه ، در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ . .. وَ يَتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

<یتّم نعمته> بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(ص) داد؛ یعنی، صلح حدیبیه راه را

با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود؛ اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه ، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا .. و يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا

<ینصر..> بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است؛ یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - مؤمنان ، قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب و ناآرامی وجود داشته باشد.

۴ - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا .. هو الذی أنزل السکینه

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد؛ از ارتباط <أنزل السکینه> با <إِنَّا فَتَحْنَا..> احتمال مطلب بالا می رود.

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ .. هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند

در چنین شرایطی، قلب‌ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۶،۹

۶ - صلح حدیبیه، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان، در تنگنا و رنج *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ ... لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ و... وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَا

در صورتی که <یُعَذِّبَ..> با صدر سوره (إِنَّا فَتَحْنَا...) در ارتباط باشد، احتمال می‌رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد؛ بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

۹ - رخداد صلح حدیبیه، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت‌های اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ ... و يُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ و ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه <و یُعَذِّبَ..> عطف بر <لیغفر لک...> باشد؛ آیه شریفه می‌تواند بیانگر این مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می‌پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ ... فَاَسْتَغْفِرُ لَنَا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی‌های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می‌شود که اعراب متخلف،

انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸، ۱۲، ۱۱، ۴

۴ - غنایم خیر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وَعَدَكُمْ اللَّهُ .. فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیر دارد.

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وَعَدَكُمْ اللَّهُ .. فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛ اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فَعَجَّلْ لَكُمْ هَذِهِ وَ كَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

ممکن است <هذه> اشاره

به صلح حدیبیه داشته باشد و <كَفَّ..> مرتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتكون آیه للمؤمنين و يهديكم صراطًا مستقيمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط، قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

۱۲- پی بردن مسلمانان ، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن؛ اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهم

تعبیر <لم تعلموهم>، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - تثبیت روح تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان ، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و ألزمهم کلمه التقوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵- منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت

*

لقد صدق الله

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

۱۶- صلح حدیبیه، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً

<ذلك> اشاره به <لتدخلن> و <فتحاً قريباً> نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اقدام برخی از زنان مؤمن، به هجرت از مکه به سوی مدینه، پس از پیمان حدیبیه

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفى . . . فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد

صلح حدیبیه صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نوید <فسیئوتیه..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ یبایعونک .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سیقول المخلفون

با توجه به <سین> در <سیقول> و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان الله عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان الله..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در

جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتكون آية للمؤمنين و يهديكم صراطاً مستقيماً

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۲، ۲۰، ۱۵

۱۵- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جانِ مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون .. أن تطوهم

۲۰- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف برقراری صلح حدیبیه

لیدخل الله فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله <لیدخل ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا <لیدخل ...> غایت برای جواب محذوف است؛ یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

۲۲- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیرو های فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال .. لیدخل الله فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد؛ زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را می یابند.

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتوحی بزرگ برای جبهه اسلام

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتوحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳ - بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص) ، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نكث..> بحرانی بودن آن شرایط استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴، ۱۳، ۹، ۲، ۱

۱ - تَخَلَّفَ برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تَخَلَّفَ این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ .. فاستغفر لنا

- عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سیقول .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴- سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لك المخلفون من الأعراب .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲- سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أہلہم

تعبیر <إلی أہلہم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳- ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ینقلب الرسول و المؤمنون إلی أہلہم أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳- افراد مریض

و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توییح شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توییح خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی الله عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این

برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹- نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ

از تعبیر <فأنزل السكينة> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۳،۶،۱۰

۳- مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سَنَّهُ اللَّهُ .. و هو الذی کَفَّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکه

۶- رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفرکم علیهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰- امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان الله بما تعملون بصیرا

ارتباط <کان الله..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم

به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوكم عن المسجد الحرام و الهدی معكوفاً أن يبلغ محله

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجد الحرام و الهدی معكوفاً

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته را به یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷- نزول آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا ، در قبال تعصب ورزی جاهلانه مشرکان در حدیبیه

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

۹- تحمل تعصب های جاهلانه مشرکان در حدیبیه ، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فأنزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰- اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳،۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ،

در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان، تدبیر عالمانه خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فعلم ما لم تعلموا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر(ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی شمرده است؛ به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ يباعدونك تحت الشجرة .. فأنزل السكينة عليهم و أثبهم فتحاً قريباً

عبارت <فتحاً قريباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبیناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱

۱ - رخداد

صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکیان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم ببطن مکّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من ذلک فتحاً قریباً

<ذلک> اشاره به <لقد خلن< و <فتحاً قریباً> نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لیغفر لک الله .. و یتّم نعمته علیک

<یتّم نعمته> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إنا فتحنا لک فتحاً مبیناً .. و یتّم نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (

ص)

فتحنا لك فتحًا .. و يتم نعمته عليك و يهديك صراطًا مستقيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان، قادر به دفع هجوم کافران، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لو لولا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتکم> نظر به گذشته داشته باشد؛ یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد؛ اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

صلح نامه

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن <بسمله> و عنوان <رسول الله> در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیة الحمیة الجهلیة

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

صلح نامه حدیبیه

{ صلح نامه حدیبیه }

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - عدم شمول < عهدنامه حدیبیه > نسبت به بازگرداندن زنان مؤمن مهاجر ، به اهل مکه

يأيتها الذين آمنوا إذا جاءكم المؤمنت

از شأن نزول استفاده می شود که آیه شریفه، به مضمون پیمان حدیبیه نظر دارد. طبق این پیمان مؤمنان مدینه ملزم بودند تا کسانی که پس از آن تاریخ، از مکه به مدینه هجرت می کنند، به مکیان عودت دهند.

۳ - عهدنامه حدیبیه ، شامل پیمان مسلمانان با اهل مکه در استرداد مهاجران آتی به آنان

يأيتها الذين آمنوا إذا جاءكم المؤمنت

با استفاده از شأن نزول، از مفهوم آیه دانسته می شود که آنچه در مضمون عهدنامه آمده است، تنها شامل مردان می باشد. بنابراین مسأله استرداد مهاجرین، امری مسلم بوده است.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که

خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

صله رحم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

تحقیق و تالیف : رسول ملکیان اصفهانی

صله رحم

آثار قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۱

۱۱- رعایت نکردن عدالت در جامعه ، خودداری از احسان و قطع رابطه با خویشاوندان ، زمینه ساز رواج فحشا ، بزهکاری ، ستم و سرکشی در جامعه است . *

إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذی القربى وینهى عن الفحشاء والمنکر و

برداشت فوق، از مقابله عدل و ... با فحشا و ... استفاده گردید؛ یعنی، اگر عدل و ... در جامعه باشد، زمینه رواج فحشا و ... از بین می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۲

۲- فسادگری در زمین و گسستن از خویشاوندان ، موجب خشم و نفرین الهی

تفسدوا فى الأرض و تقطّعوا أرحامكم . أولئك الذين لعنهم الله

اهمیت صلہ رحم

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - بقرہ - ۲ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - از امام باقر (ع) روایت شدہ کہ

فرمود: > قال لی اُبی علی بن الحسین ... إیاک و مصاحبہ القاطع لرحمہ ... قال اللّٰه عز و جل > الذین ... یقطعون ما امر اللّٰه به أن یوصل ... أولئک هم الخاسرون < ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: .. از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند بپرهیز ... خدای عز و جل فرمود: > آنان که ... قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده ... اینانند زیانکاران <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۱۶، ۲۰

۱۶ لزوم اهتمام و توجه به خویشاوندان (صله رحم)

و اتَّقوا اللّٰه الَّذی تَسَاءَلُونَ بِهِ و الارحام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هی ارحام النَّاس، انَّ اللّٰه عز و جل امر بصلتها و عَظَمها الا ترى انَّه جعلها معه.

کافی، ج ۲، ص ۱۵۰، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۷، ح ۲۵.

۲۰ هشدار خداوند به مردمان بی تقوا و قاطع رحم

و اتَّقوا اللّٰه ... و الارحام انَّ اللّٰه کان علیکم رقیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۲، ۵

۲- عدل، احسان و صله رحم، از مهم ترین دستورات هدایتی قرآن است.

و نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْکِتَابَ ... إِنْ اللّٰه یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ و الْإِحْسَانِ و إیتای ذی القربی

خداوند، پس از معرفی قرآن به مسأله عدل، احسان و بخشش به خویشاوندان پرداخته است. ارتباط این دو موضوع، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

۵- سیاست اسلام بر تحکیم

پیوند خویشاوندی و رفع مشکلات موجود میان خویشاوندان است .

إن الله يأمر . . . و إيتای ذی القربی

زیان قطع صله رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: > قال لی ابي علی بن الحسین . . . إياک و مصاحبه القاطع لرحمه . . . قال الله عز و جل > الذین . . . یقطعون ما امر الله به أن یوصل . . . أولئک هم الخاسرون < ;

پدرم، امام سجاد (ع)، به من فرمود: . . . از همنشینی با کسی که قطع رحم می کند پرهیز . . . خدای عز و جل فرمود: > آنان که . . . قطع می کنند آنچه را که خدا امر به وصل آن نموده . . . اینانند زیانکاران < .

سرزنش قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۴

۲۴ ایجاد فساد میان خویشاوندان و واداشتن آدمیان به قطع رحم ، کاری شیطانی است .

من بعد أن نزع الشیطن بینی و بین إخوتی

عوامل قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، بر اثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

قطع رحم در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ سلب پیوند ها و روابط خویشاوندی ، بر اثر اعمال ناشایست ، در مکاتب الهی

إنه

لیس من أهلك إنه عمل غير صالح

گناه قطع رحم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ > دخل عمرو بن عبید علی ابی عبدالله (ع) فلما سلّم و جلس... قال: أحبّ أن أعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل ، فقال: ... منها: ... نقض العهد و قطيعه الرحم لأن الله عزوجل يقول: > أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار < ... ;

عمرو بن عبید بر امام صادق(ع) وارد شد و بعد از سلام نشست .. و گفت: دوست دارم گناهان کبیره را از کتاب خدا بشناسم، پس حضرت فرمود:... یکی از آن گناهان ... عهدشکنی و قطع رحم است ; چون خداوند عزوجل می فرماید: أولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ > قطع رحم < ، گناهی بزرگ و در ردیف فسادانگیزی در زمین

تفسدوا فی الأرض و تقطّوا أرحامکم

از این که > تقطّوا أرحامکم < در کنار > تفسدوا فی الأرض < قرار گرفته و از میان همه گناهان اختصاص به ذکر یافته است ; بزرگی گناه آن استفاده می شود.

صنعت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صنعت

اهمیت صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۴

۴ - توصیه به انجام کار صنعتی و متناسب و به اندازه عمل کردن در آن ، از جمله تعالیم دینی و در قلمرو آن

أن اعمل سبغت و قدّر فی السرد

کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۳

۳ - صنعت زره سازی ، از دستاورد های داوود (ع) است .

داود . . . و علّمه صنعه لبوس

با توجه به این که آیات در مقام بر شمردن ویژگی های پیامبران و نیز لطف خاص خداوند به داوود(ع) است، چنین استفاده می شود که این صنعت سابقه نداشته است و در غیر این صورت، ذکر این مورد چندان مناسبتی نداشت.

تاریخ صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۵

۵ کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلک بأعیننا ووحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۶

۶ مردم عصر بعثت آشنا با گداختن و ذوب فلزات در کوره های آتش ، برای تهیه زیورآلات و اسباب زندگی

و مما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیه أو متع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- صنعت ذوب فلز ، در تمدن زمان ذوالقرنین ، وجود

داشته است .

قال انفخوا حتّى إذا جعله نارًا قال ءاتونى أفرغ عليه قطرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - صنعت شیشه و استفاده از آن برای روشنایی ، در عصر بعثت وجود داشت .

فى زجاجه الزجاجه كأنّها كوكب درى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۷

۷ - وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجه .. قال إنه صرح ممرد من قوارير

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب پندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۶

۶ - وجود صنعت آهنگری و ساخت و ساز ابزار آهنی در عصر داوود (ع)

أن اعمل سبغت و قدّر فى السرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۸

۸ - وجود صنعت مسگری در دوران سلیمان (ع)

و أسلنا له عين القطر

<قطر> به معنای نوعی مس مذاب است (مفردات راغب و المنجد). گفتنی است که <اساله> (مصدر <أسلنا>) به معنای سیلان و جریان است و کاربرد آن در اشیای جامد، معنای ذوب را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۶

۶ - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطين کلّ بناء و غواص

صنعت در دوران سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۷

۷ - وجود تمدن ، هنر و صنعت پیشرفته در عهد سلیمان (ع)

حسبته لجه .. قال إنه صرح ممرد من قوارير

ساختن صحنی از آبگینه ها به گونه ای طبیعی که آب جلوه کند و بیننده آن را آب پندارد، نشانگر صنعت و هنر پیشرفته دستگاه سلیمانی است.

صنعت ذوب فلز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - صنعت ذوب فلز ، در تمدن زمان ذوالقرنین ، وجود داشته است .

قال انفخوا حتی إذا جعله نارًا قال ءاتونی أفرغ علیه قطرًا

صنعت سد سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۴

۴- مردم سبا، از صنعت سدسازی برخوردار بودند و با آن، آب ذخیره می کردند.

فأرسلنا عليهم سيل العرم

عوامل موثر در انتقال صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- نقش پیامبران در انتقال صنعت و علوم تجربی به انسان

داود . . . و علّمنه صنعه لبوس لکم لتحصنکم من بأسکم

منشأ رشد صنعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲

۷ - پیشرفت صنعت و تمدن بشری ، در عین انتساب به بشر ، ناشی از اراده و قدرت الهی است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

صورت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صورت

بریانی صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

یغاثوا بماء کالمهل یشوی الوجوه

پیدایش صورت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۳

۳ - مرحله پیدایش قیافه و سیما برای هر انسان ، پس از مراحل آفرینش ، تکمیل و تعدیل اعضای او است .

فی أیّ صوره ما شاء ربّک

جمله <فی أیّ صوره..> مستأنفه و بیانگر مرحله ای دیگر از مراحل پیدایش انسان است. برخی آن را تفسیر جمله <فعدلک> در آیه قبل، قرار داده و مرحله تعدیل و چهره پردازی را یکی دانسته اند.

چرخش صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱

۱ - در روز بی یار و یآوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لايجدون ولياً .. يوم تقلب وجوههم في النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون> باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

حساسیت صورت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۳

۳ - صورت انسان دارای حساسیت و موقعیتی خاص در میان سایر اعضای وی است

یوم تقلب وجوههم

اختصاص به ذکر <وجه> از میان سایر اعضای بدن، با این که با این سو و آن سو گرداندن صورت، اعضای دیگر هم گردانده می شود، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

درخشندگی صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۵

۵ - > قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول الله عزوجلّ : < وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره > یعنی مشرقه تنتظر ثواب ربّها ;

امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزوجلّ: < وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره > فرمود: یعنی (صورت هایی در آن روز) درخشیده است و در انتظار ثواب پروردگارشان اند.

درخشندگی صورت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۱

۱ - چهره تابناک مؤمنان در روز قیامت ، تنها متوجه خدا بوده و آنان مجذوب جمال اویند .

وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره

تقدیم <إلی ربّها> می تواند برای افاده حصر باشد.

رنگ صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۲ - ۶

۶ - مجرمان در قیامت ، با چهره هایی کبود و رنگ باخته محشور خواهند شد . *

و نحشر المجرمین یومئذ زرقاً

ممکن است مراد از <أزرق> یا <زرقاء> (مفرد <زرقا>) رنگ لاجوردی باشد که به آن، کبود آسمانی و یا نیلگون نیز اطلاق می شود. این وصف گرچه غالباً برای توصیف چشم به کار می رود، ولی در غیر چشم نیز کاربرد دارد (لسان العرب). برداشت یاد شده بر این

اساس است که <زرقاً> بیانگر حالت جسمی مجرمان باشد.

زشتی صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۱

۱ - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زشتی صورت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۱

۱ - زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلما رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

واژه <سوء> مرادف <قیح> و <سیئه> مقابل <حسنه> است.

زیبایی صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۴ - ۲

۲ - تلالؤ نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نصره النعیم

<تعرف>، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

سوزاندن صورت بدکاران

۴ - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فكبت وجوههم فی النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

شستن

صورت در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهكم و ایدیکم . . . و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

صورت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۳

۳ - چهره انسان در قیامت ، نمایانگر فرجام او است .

و جوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۴

۴ - چهره انسان در قیامت ، نمایشگر فرجام او است .

و وجوه یومئذ علیها غیره

صورت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزکی . أو یدکر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

صورت اخروی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَرْكَبُ . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوَّهَ يَوْمَئِذٍ مَسْفَرَه

صورت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۶

۶ - کافران و منکران معاد ، در

رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد . *

علی أن نبذل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <أمثال> در آیه شریفه جمع <مَثَل> و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم؛ برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم>. گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئك هم الكفرة الفجرة) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

صورت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۶

۶ - کافران و منکران معاد، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد . *

علی أن نبذل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <أمثال> در آیه شریفه جمع <مَثَل> و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم؛ برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم>. گفتنی است که روی سخن در این

آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

صورت اخروی موعظه پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَرْكَبِي . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفَرَه

صورت اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه ... و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفٰجِرَةُ) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

صورت اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکر پذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لَعَلَّ يَرْكَبِي . أَوْ يَذَّكَّرُ ... جَاءَكَ يَسْعَى . وَ هُوَ يَخْشَى ... وَ جَوْهَ يَوْمئِذٍ مَسْفَرَه

صورت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، شکل هر انسان را مطابق خواست خویش ، ترسیم کرده است .

فی أیّ صورة ما شاء ربّک

۵ - هیئت و سیمای هر انسان ، جلوه گاه کرم و ربوبیت الهی است .

بربّک الکریم .. فی أیّ صورة ما شاء ربّک

صورت انسان ها در قیامت

جلد - نام سوره - سوره -

۲ حیات مجدد انسان ها در قیامت ، با دمیده شدن در صورت های آنان *

و نفخ فی الصور

<صور> در احتمالی ضعیف به معنای صورت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - چهره های انسان ها در قیامت ، بیانگر فرجام آنها است .

وجوه یومئذ ناضره . . . و وجوه یومئذ باسره

صورت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - صورت زیان کاران دوزخی ، مواجه با هجوم مداوم شعله های آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار

<لَفْحٌ> (مصدر <تلفح>) به معنای سوزاندن است؛ یعنی، <آتش، چهره های آنها را می سوزاند>. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (تلفح)، بیانگر هجوم پی در پی شعله های آتش دوزخ می باشد.

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالِح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - > عن حذيفه ان النبي قال : إِنَّ اللَّهَ إِذَا قَالَ لِأَهْلِ النَّارِ > اخسئوا فيها و لا تكلمون > عادت وجوههم قطعه لحم ليس فيها أفواه و لا مناخير تردد النفس في أجوافهم ;

حذيفه از رسول خدا(ص) روایت کرده [که آن حضرت فرمود:] آن گاه که خداوند به اهل آتش می گوید: > اخسئوا فيها و لا تكلمون <.

صورت های آنان به قطعه گوشتی تبدیل می شود که در آن دهان و بینی نیست و نفس در درون آنان تردد می کند.

صورت دهی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۰ - ۸

۸ - آفرینش انسان از خاک تا صورت آدمی ، مراحل مختلفی داشته است .

أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

<ثُمَّ> حرف تراخی است و دلالت بر مهلت و مدت می کند و از طرفی <إِذَا> فجایه است و دلالت بر ناگهانی بودن می کند. جمع بین این دو، به این است که میان خلق انسان از مبدأ خاک تا صورت انسانی، مراحل طی شده که چندان روشن و آشکار نبوده است.

صورت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۱

۱- چهره مشرکان دوران جاهلی ، به هنگام دریافت خبر دختردار شدن ، از شدت غضب و ناراحتی ، دگرگون می شد .

وَ إِذَا بَشَرٌ أَحَدَهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ مَسْوُودًا

صورت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۲ - ۱

۱ - مؤمنان ، دارای چهره هایی شاداب و زیبا در عرصه قیامت

وجوه یومئذ ناضره

<ناضره> در معانی زیبایی و نعمت به کار می رود (قاموس المحيط). <ناضره> (مؤنث <ناضر>) به معنای زیبا و برخوردار از نعمت است و مقصود از آن به قرینه مقام شادابی و درخشندگی چهره های مؤمنان در عرصه قیامت است.

ضربه بر صورت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد -

۱۰- صورت و پشت منافقان همدل با کافران ، آماج ضربات ملانکه به هنگام مرگ

فکیف إذا توفتھم الملائکة یضربون وجوھهم و أدبرھم

۱۲- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، به هنگام مرگ ، نتیجه دورویی آنان با دین و مؤمنان *

إذا توفتھم الملائکة یضربون وجوھهم و أدبرھم

برداشت بالا بدان احتمال است که تصریح به <جوھهم> و <أدبرھم>، اشاره به این باشد که، چون منافق دو چهره دارد و در هر دو چهره نیز خائن است؛ لذا از دو سو عذاب می شود.

۱۳- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، بازتاب روی آوری به کافران و اعراض از اهل ایمان *

قالوا .. سنطیعکم ... یضربون وجوھهم و أدبرھم

ضمیر <هم> احتمالاً به منافقانی بازمی گردد که در آیه قبل، روی آوری پنهانی آنان به کافران مطرح شده است. با توجه به این نکته، احتمال می رود که وجود شکنجه برای آنان از دو سو، از آن جهت باشد که اولاً- رو به کفر کرده و ثانیاً پشت به ایمان و مؤمنان کرده اند.

ضربه به صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو تری إذ یتوفی الذین کفروا الملائکة یضربون وجوھهم و أدبرھم

نشانه های صورت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۱،۶

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

<سیما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۶ - ظهور علامت های جرم در چهره مجرمان ، زمینه شناسایی آنان از سوی مأموران عذاب

يعرف المجرمون .. فيؤخذ بالنوصی و الأقدام

نقش صورت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۳

۳ - چهره انسان در قیامت ، نمایانگر فرجام او است .

وجوه یومئذ مسفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۴

۴ - چهره انسان در قیامت ، نمایشگر فرجام او است .

و وجوه یومئذ علیها غبره

نورانیت صورت ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - وفور ، خرمی و طراوت نعمت های آخرت ، نیکوکاران را شاداب و دارای رخساری درخشان خواهد ساخت .

تعرف فی وجوههم نضره النعیم

<نعیم> به معنای نعمت فراوان، <نضره> به معنای زیبایی و <نضره النعیم> به معنای درخشندگی آن است (مفردات راغب). مراد از آن به قرینه <تعرف فی وجوههم>، تابناکی چهره بر اثر نعمت وافر است.

۲ - تالؤ نور و زیبایی در رخسار نیکوکاران بر اثر نعمت های آخرت ، بر هر بیننده ای آشکار و مشهود است .

تعرف فی وجوههم نصره النعیم

<تعرف>، خطاب به نوع است و هر مخاطبی را شامل می شود.

ورود با صورت در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۱

۱ - قیامت ، روز کشانده شدن مجرمان بر

صورت هاشان در آتش دوزخ

یوم یسحبون فی النار علی وجوههم

<سحب> (مصدر مجهول <یسحبون>) به معنای کشانده شدن است.

صومعه ها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صومعه ها

احترام صومعه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ - لزوم حفظ احترام صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد و جلوگیری از تخریب و انهدام آنها

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع و بیع و صلوت و مسجد

محافظت از صومعه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - حفاظت و پاسداری از معابد و مراکز دینی (صومعه ها ، کلیسا ها ، کنیسه ها و مساجد) فلسفه جهاد و دفاع

و لولا دفع الله .. لهدمت صومع و بیع ... و مسجد

<صوامع> جمع <صومعه> و <بیع> جمع <بیعه> و <صلوات> جمع <صلاه یا صِلَوْه> است. <صومعه> مرداف <دیر> جایی است که راهبان در آن به ریاضت می پردازند. <بیعه> به کلیسای نصارا گفته می شود. <صلاه یا صلوه> کنیسه یهودیان است؛ یعنی، اگر خدا برخی از مردم را به بعضی دیگر دفع نمی کرد، صومعه ها، کلیساها، کنیسه ها و مساجدی که در آن بسیار ذکر خدا می شود، تخریب می شدند.

صیحه آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

آثار صیحه آسمانی

۱ - زندگی نسل انسان ها در دنیا ، با یک صیحه و فریاد سهمگین به پایان خواهد رسید .

و يقولون متى هذا الوعد .. ما ينظرون إلا صیحه وحده تأخذهم

<صیحه> به معنای صدای بلند و سهمگین است و مقصود از آیه شریفه، با توجه به آیه قبل

که در آن کافران از زمان برپایی قیامت سؤال می کردند بیانِ نشانه های برپایی قیامت و شرایطی است که در آن، رستاخیز برپا می شود.

۲- برپایی قیامت ، پس از یک صیحه و فریاد مرگ بار آغاز می شود .

و يقولون متی هذا الوعد .. ما ينظرون إلا صیحه وحده تأخذهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۱،۲

۱- با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از هرگونه توصیه و اندک سفارشی ، ناتوان خواهند شد .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصیه

نکره آمدن <توصیه> می تواند برای تقلیل باشد.

۲- با فرارسیدن زمان برپایی قیامت بر اثر صیحه و فریاد مرگ بار ، انسان ها از مراجعه به کسان خود ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصیه و لا إلی أهلهم يرجعون

ترسناکی صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۳،۴

۳- میان وقوع صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا ، هیچ فاصله ای نخواهد بود .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا يستطيعون توصیه و لا إلی أهلهم يرجعون

ناتوانی بشر از هرگونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین حاکی از حقیقت یاد شده است.

۴- انسان ها به وقت شنیدن صیحه و فریاد سهمگین در آستانه برپایی قیامت ، از هرگونه تحرک و عملی ناتوان خواهند بود .

صیحه وحده .. فلا يستطيعون

توصیه و لا إلیٰ أہلہم یرجعون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است کہ ناتوانی انسان ہا از توصیه و مراجعہ بہ کسان خود، بہ عنوان مثال و مصداق آمدہ و مقصود اصلی بیان ناتوانی کامل بشر در برابر مشیت خداوند بہ برپایی قیامت باشد.

حتمیت صیحہ آسمانی در قیامت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۲

۲ - فریاد آسمانی در آستانہ رستاخیز ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

یوم یسمعون الصیحہ بالحقّ

بنابراین کہ <بالحقّ>، نشانگر حتمیت و تخلف ناپذیری باشد، برداشت بالا استفادہ می شود.

حقانیت صیحہ آسمانی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۳

۳ - فریاد آسمانی در آستانہ رستاخیز ، امری بایستہ در روند تجدید حیات ، و نہ گزاف و بیهودہ

یسمعون الصیحہ بالحقّ

برداشت بالا بنابراین نکتہ است کہ <بالحقّ> اشارہ بہ بایستگی و نقش ضروری صیحہ آسمانی برای رخداد رستاخیز داشتہ باشد؛ تا گمان نرود کہ صیحہ صرفاً پدیدہ ای تشریفاتی است.

صیحہ آسمانی در قیامت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - رستاخیز و لحظہ خروج آدمیان از خاک ، هنگام شنود فریاد آسمانی بہوسیله ہمگان

یوم یسمعون الصیحہ بالحقّ ذلک یوم الخروج

۳- فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز، امری بایسته در روند تجدید حیات، و نه گراف و بیهوده

یسْمعون الصَّیْحَةَ بِالْحَقِّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحقّ> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای

تشریفات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۶ - ۳

۳ - پیدایش صیحه ای رعد آسا ، در آستانه قیامت

یوم ترجف الراجفه

<رَجَفَ الرَّعْدُ>؛ یعنی، صدای رعد در ابرها پیچید (قاموس). اطلاق <رجف> که <مفردات> آن را لرزش و اضطراب شدید معنا کرده است بر صداهای شدید، به سبب شباهت آن به زلزله است. این آیه می تواند اشاره به اولین نفخ صور باشد که اهل آسمان ها و زمین را مدهوش می سازد.

عذاب با صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۱۶

۱۶ عن أبي جعفر (ع) فی قوله: <.. عذابا من فوقکم> هو الدخان و الصیحه <او من تحت ارجلکم> و هو الخسف <او یلبسکم شیعا> و هو اختلاف فی الدین و طعن بعضکم علی بعض <و یدیق بعضکم بأس بعض> و هو ان یقتل بعضکم بعضا و کل هذا فی أهل القبلة ...

از امام باقر(ع) روایت شده است: مراد از <عذابا من فوقکم>، دود و صیحه آسمانی و مراد از <أو من تحت أرجلکم>، فرو رفتن در زمین و مراد از <یلبسکم شیعا>، اختلاف در دین و بدگویی بعضی از شما نسبت به بعض دیگر می باشد، و مراد از <و یدیق بعضکم بأس بعض> این است که گروهی از شما گروه دیگر را بکشد و تمام اینها مربوط به اهل قبله است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۱،۱۰

۱ کفرپیشگان قوم ثمود ، با غرشی مهیب

به هلاکت رسیدند .

و أخذ الذين ظلموا الصيحه

۱۰ > عن أبي عبدالله (ع) (في إهلاك قوم صالح) : ... لما كان نصف الليل أتاهم جبرئيل (ع) فصرخ بهم صرخه خرقه تلك الصرخه أسماعهم و فلقت قلوبهم و صدعت أكبادهم ... فأصبحوا في ديارهم و مضاجعهم موتى أجمعين ثم أرسل الله عليهم مع الصيحه النار من السماء فأحرقتهم أجمعين ... ;

از امام صادق(ع) [درباره هلاکت قوم صالح] روایت شده است: چون نیمه شب فرا رسید، جبرئیل نزد آنان آمد. پس فریادی بلند بر سرشان زد که گوشهای آنان را پاره کرد و قلبهایشان را شکافت و جگرهایشان را درید؛ در نتیجه صبحگاه آن شب، همه آنان در خانه ها و بسترهایشان مرده بودند. سپس خداوند همراه با آن فریاد آتشی از آسمان فرستاد که همه را سوزاند <...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۷،۱۲

۷ کفرپیشگان قوم شعیب ، با غرشی مهیب به هلاکت رسیدند .

و أخذت الذين ظلموا الصيحه

۱۲ صیحه و غرشی که مردم مدین را فرا گرفت ، توان حرکت و بیرون آمدن از خانه ها را از آنان سلب کرد .

و أخذت الذين ظلموا الصيحه فأصبحوا في ديارهم جثمين

<فی دیارهم> متعلق به <جاثمین> است و دلالت بر این دارد که: قوم شعیب در خانه هایشان به هلاکت رسیدند. بیان این معنا حکایت از آن دارد که صیحه و غرّش مهیب، آن چنان بود که مردم مدین نتوانستند از خانه ها که طبعاً آدمی در این موارد آن را ترک می

کند بیرون آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۱

۱ جوشش آب های سیل آسا ، بارش باران های طوفان زا ، زیر و زبر شدن آبادیها ، فرو ریختن سنگ های عذاب و ایجاد صیحه و غرش های تخریب گر ، نمونه هایی است از عقوبت های الهی و عذاب های استیصال .

و كذلك أخذ ربك

<ذلك> اشاره به عذابهایی است که در این سوره بیان شده است؛ از قبیل طوفان نوح ، زیر و زبر شدن آبادیهای قوم لوط و ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۳ - ۱،۳

۱- قوم لوط ، در پی اصرار بر تداوم انحراف جنسی خود ، صبحگاهان گرفتار صدایی وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

قال هؤلاء بناتی .. فأخذتهم الصيحة مشرقين

<صیحه> به معنای صدا بلند کردن و فریاد است و چون این صدا همراه با فزع و ترس است، از این رو به صدای وحشتناک و غرش سهمگین تعبیر شده است. <شرق> (مصدر مشرقین) به معنای طلوع خورشید است. وزن فاعلی آن به معنای آنان داخل صبح شدند است.

۳- صدای وحشتناک و غرش سهمگین ، از اسباب و عوامل عذاب الهی

فأخذتهم الصيحة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۴ - ۱

۱- خداوند ، شهر قوم لوط را در پی صدایی وحشتناک ، زیر و رو و واژگون کرد .

فأخذتهم الصيحة .. فجعلنا عليها سافلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

۲- صدای وحشتناک و غرش سهمگین ، از اسباب و عوامل عذاب های الهی

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۴ - ۳

۳- عذاب الهی (صیحه) اصحاب حجر را در داخل خانه های سنگی و دژ های مستحکمشان درهم کوبید .

يَنْحَتُونَ مِنَ الْجِبَالِ يَوْمًا آمِنِينَ . فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ ... فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

اصحاب حجر برای در امان ماندن از عذاب الهی، خانه های سنگی بنا کرده بودند ولی این خانه ها آنان را از عذاب مصون نداشت و در دفع آن کارساز نبود (فما أغنى عنهم ..). حقیقت فوق بیانگر این نکته است که در وقت عذاب، آنان در همین خانه ها سُکنی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۲

۲ - نابودی جامعه پس از نوح ، تنها با یک فریاد مرگ بار (صیحه)

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ

<صیحه> مصدر عددی و به معنای یک فریاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۱، ۱۰، ۷

۷- برخی از اقوام مکذِّب انبیا (قوم ثمود) با صیحه و صدایی مهیب و وحشت ناک ، عذاب و نابود شدند .

و عَادًا وَ ثَمُودًا .. فَكَالًا أَخَذْنَا بَدَنِهِمْ ... وَ مِنْهُمْ مَنْ أَخَذْتَهُ الصَّيْحَةَ

۱۰- رخداد های ناگوار طبیعی ، مانند طوفان شن و صدا های مهیب و فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، ممکن است عذاب الهی باشند .

فَكَأَنَّ أَخَذْنَا بَذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا

و منهم من أخذته الصيحة و منهم من

۱۱ - نابود کردن قوم عاد و ثمود با طوفان و صدای مهیب و نیز هلاکت قارون و فرعون و هامان با فرورفتن در کام زمین و امواج دریا ، نشانه پیشی داشتن قضای الهی بر هر قدرتی است .

و قرون و فرعون و همن . . . و ما كانوا سبقين . فكلاً أخذنا بذنبه فمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۹ - ۱،۲

۱ - عذاب و هلاکت مردم انطاکیه ، تنها با یک صیحه و بانگ سهمناک بود .

إن كانت إلا صيحة وحده

اسم <کانت> به قرینه مقام که درصدد بیان مجازات و عذاب مردم انطاکیه است عقوبت و نابودی می باشد.

۲ - مردم انطاکیه ، با صیحه و بانگ سهمناک به حال خموشی و سکون مرگ بار درآمدند .

فإذا هم خمدون

<خمدون> در اصل به معنای خاموش شدن زبانه آتش است و جمله <إذا هم خمدون> کنایه از مردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - تهدید سران کفر و شرک عصر بعثت ، به عذاب ناگهانی (بانگ سهمگین) از سوی خداوند

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

<ينظر> (از مصدر <نظر>) به معنای <انتظار> است و مقصود از <صیحه> عذاب استیصال می باشد که ممکن است به صورت صاعقه و بانگ سهمگین باشد. آمدن کلمه <واحد> نیز برای اشاره به ناگهانی و یکباره بودن نزول عذاب است.

۳ - صیحه (بانگ سهمگین) ، از عذاب های الهی در دنیا

و ما ينظر هؤلاء

إِلَّا صِيحَهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۲،۴

۲ - صیحه (صدای سهمگین) آسمانی ، وسیله نابودی قوم ثمود

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صِيحَةَ وَحْدَةٍ

۴ - خشک شدن قوم ثمود ، همانند علف های خشک دامداران ، با یک صدای مهیب آسمانی

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صِيحَةَ وَحْدَةٍ فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

<هشیم> به گیاه خشک و <محترز> به کسی گفته می شود که برای دام آغل درست کند. بنابراین <هشیم المحترز>؛ یعنی، علف خشکی که دامدار برای دامش تهیه می کند.

عظمت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۱

۱ - نفخ صور در قیامت ، تنها یک صیحه عظیم و صدای سهمگین است .

و نفخ فی الصور .. إن كانت إِلَّا صِيحَةَ وَحْدَةٍ

اسم <کانت> به قرینه مقام که در دو آیه پیش سخن از نفخ صور بود <نفخه> می باشد.

عظمت صیحه آسمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۳ - ۲

۲ - همه انسان ها در قیامت ، تنها با یک صیحه عظیم زنده و به پیشگاه پروردگارشان حاضر خواهند شد .

إن كانت إِلَّا صِيحَةَ وَحْدَةٍ فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

نقش صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۴

۴ - فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز ، دارای نقش در خروج آدمیان از خاک *

یسمعون الصیحه . . . ذلك يوم الخروج

بنابراین که تقدم لفظی <صیحه> بر <خروج> ، بیانگر تأثیر صیحه در

سر بر آوردن آدمیان از خاک باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

ویژگیهای صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۰ - ۳

۳ - میان وقوع صیحه و فریاد سهمگین و مرگ و انقراض نسل بشر در دنیا ، هیچ فاصله ای نخواهد بود .

صیحه وحده تأخذهم .. فلا یستطیعون توصیه و لا إلی أھلهم یرجعون

ناتوانی بشر از هر گونه توصیه و سفارش و یا مراجعه به کسان خود با شنیدن صیحه و فریاد سهمگین حاکی از حقیقت یاد شده است.

صید از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

صید

اجتناب از صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منھم لم تعظون .. قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر > باشد.

احکام صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۸،۹

۸ حرمت صید و شکار در حال احرام

<صید> مصدر و به معنای شکار کردن است کلمه <حُرْم> (جمع حرام) می تواند از احرام گرفته شده باشد یعنی کسانی که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند و می تواند از <حَرَم> گرفته شده باشد یعنی کسانی که داخل حرم می شوند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۴

۲۴ حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۷، ۳۶، ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۱۹، ۱۷، ۱۵، ۱۳

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد ، حلال است .

فكلوا مما امسكن عليكم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل <فكلوا مما امسكن عليكم ... >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و ...) صید شود ، حلال است

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فكلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک

مصدق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم الله

مراد از <علمکم الله> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد

شد .

و اذكروا اسم الله عليه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا <مما علمتم من الجوارح مکلبین> .

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴؛ تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۱ رعایت مقررات الهی در خوردنی ها و شکار حیوانات، نشانه تقوا و پرهیزگاری است .

احل لكم الطیبت . . . و اذكروا اسم الله عليه و اتقوا الله

۳۲ آموزش سگ، بهنگام فرستادن برای شکار، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: . . . و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم

....

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

۳۳ حرمت صید کشته شده به وسیله حیوانی غیر از سگ تعلیم دیده

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . . . فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از صید به وسیله پرندگان شکاری، سگ و یوزپلنگ فرمود: لا تأکل صید شیء من هذه الا ما ذکیموه الا الکلب المکلب . . .

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۷.

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . . و ما علمتم من الجوارح مكليين

از امام صادق(ع) روايت شده: الفهد مما قال الله <مكليين>.

تفسير عياشى،

ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

۳۶ خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودند : ... وان ادرکته وقد قناه واکل منه فکل ما بقی

دو روایت مدرک برداشت شماره ۳۶ و ۳۷ با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۲؛ استبصار، ج ۴، ص ۶۷، ح ۱ تا ۱۰.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاکلوا مما امسک الکلب مما لم يأکل الکلب منه فاذا اکل الکلب منه قبل ان تدرکه فلا تأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتم حرماً

برداشت فوق بر این مناسبت که <صید> به معنای مصدری باشد در

این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

استفاده از صید حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۶

۳۶ استفاده از حیوانی که بر اثر خفگی، زده شدن، پرت شدن و ضربه دیدن از شاخ حیوانی دیگر بمیرد و یا درنده ای آن را بکشد، در حال اضطرار جایز است.

حرمت علیکم... فمن اضطر فی مخصه غیر متجانف لاثم فإنّ الله غفور رحیم

امتحان با صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۴

۴ انواع شکارها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و...) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود.

لیلونکم الله بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۹

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان)، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

کذلک نبلوهم

انگیزه صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۷

۲۷ ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات، به انگیزه ای جز تأمین نیازهای خوراکی و مادی

فكلوا مما امسكن عليكم .. و اتقوا الله

فرمان به تقوایبشگی (اتقوا الله) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فكلوا

..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرّج خلاف تقواست.

اهمیت ترک صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۷

۲۷ ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم .. و اتقوا الله

فرمان به تقوای پیشگی (اتقوا الله) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا ..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرّج خلاف تقواست.

بسمله در صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۴، ۲۵، ۳۸

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذکروا اسم الله علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم

یسم فلا یأکل و هذا >مما علمتم من الجوارح مکلبین<.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴؛ تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه

از امام صادق(ع) روایت شده: .. اذا صاد و قد سَمیَ فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا >مما علمتم من الجوارح مکلبین<.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

پرنده صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۵

۱۵ پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم، حرام است.

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و ما کان من طیر یكون فی البر و بیض فی البحر و یفرخ فی البر فهو من صید البر ...

بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

تقسیم صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۱ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها *

فكلوا مما امسكن عليكم

<من> در <مما امسكن> برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

تقوا در

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۶

۲۶ لزوم رعایت تقوا در صید و خوراکیها

احل لكم الطيبت .. فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه و اتقوا الله

شرایط حلیت صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۷،۲۳

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده ، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فكلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگانی که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فكلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

شرایط صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۴،۲۵،۳۲،۳۷،۳۸

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من

الجوارح < برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ بردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد.

و اذکروا اسم الله علیه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق (ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا >مما علمتم من الجوارح مکلبین<.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴؛ تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۲ آموزش سگ، بهنگام فرستادن برای شکار، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله

از امام صادق (ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: .. و ان کان غیر معلم یعلمه فی ساعته حین یرسله فیأکل منه فانه معلم
....

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده، از شکار خویش، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاکلوا مما امسک الکل مما لم یأکل الکل منه فاذا اکل الکل منه قبل ان تدرکه فلا تأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله

سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللہ علیہ

از امام صادق(ع) روایت شده: .. اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا >مما علمتم من الجوارح مکلبین<.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

صید باز شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

صید تفریحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۲۰

۲۰ - > عبدالعظیم بن عبدالله الحسنی ، عن ابی جعفر (ع) محمد بن علی الرضا (ع) قال : سألته ... یابن رسول الله ! ما معنی قوله عز و جل > فمن اضطر غیر باغ و لاعاد فلا إثم علیه < قال : العادی السارق و الباغی یبغی الصید بطراً أو لهواً لالیعود به علی عیاله ؛

عبدالعظیم حسنی گوید: از امام جواد(ع) از معنای <باغی> و <عادی> در آیه فوق پرسیدم، امام فرمودند: عادی؛

یعنی، دزد و باغی کسی است که به خاطر خوش گذرانی یا سرگرمی به شکار می رود نه برای انتفاع خانواده خود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۵

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

صید جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۴

۲۴ حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۲،۳۰

۱۲ جواز شکار با سگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده <مکلبین> که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۱، نورالتقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۴۱.

۳۰ توجه به حسابرسی سریع خداوند، زمینه حصول تقوا در انسان

و اتقوا الله إنّ الله سريع الحساب

جلد - نام سورہ - سورہ

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۲،۳،۱

۱ جواز صید حیوان های دریائی (آبی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

صید حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۴

۸ حرمت صید و شکار در حال

احرام

غیر محلی الصید و انتم حرم

<صید> مصدر و به معنای شکار کردن است کلمه <حُرْم> (جمع حرام) می تواند از احرام گرفته شده باشد یعنی کسانی که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند و می تواند از <حَرَم> گرفته شده باشد یعنی کسانی که داخل حرم می شوند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ خوردن گوشت و سایر بهره برداری ها از حیوانی که در حال احرام شکار شود ، حرام است .

غیر محلی الصید

بنابر اینکه <صید> به معنای اسم مفعول باشد ؛ یعنی حیوان شکار شده.

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرْم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

۱۲ حلیت بهره برداری از چهارپایان ، مشروط به پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است . *

أحلت ... غیر محلی الصید

بنابر اینکه <غیر محلی> ، حال برای ضمیر در <لکم> باشد و با توجه به اینکه حال، عامل خود را مقید می کند ؛ بنابراین، حلیت چهارپایان حلال گوشت، در فرض پرهیز از صید و حرام شمردن آن در حال احرام است.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود

أحلت لكم بهيمه الانعم الا ما يتلى عليكم غير محلى الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴،۲۴

۴ حرام ها و حلال های الهی (همانند حلیت چهارپایان و حرمت صید در حال احرام) ، از شعایر الهی است . *

أحلت لكم بهيمه الانعم .. لاتحلوا شعر الله

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

۲۴ حرمت صید و شکار در حال احرام و جواز آن پس از خروج از احرام

و إذا حللتهم فاصطادوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۴

۴ حرمت استفاده از حیوانی که طعمه و شکار درندگان شده و بمیرد .

حرمت .. و ما اكل السبع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۵،۳۳،۳۵

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار ، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذكروا اسم الله عليه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا >مما علمتم من الجوارح مکلبین< .

۳۳ حرمت صید کشته شده به وسیله حیوانی غیر از سگ تعلیم دیده

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .

.. فكلوا مما امسكن عليكم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از صید به وسیله پرندگان شکاری، سگ و یوزپلنگ فرمود: لا تأکل صید شیء من هذه الا ما ذکیتموه الا الکلب المکلب . . .

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۷.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین . . فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶، ۲، ۱

۱ حرمت کشتن شکار در حال احرام

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

"حرم" جمع حرام، به کسانی گفته می شود که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند.

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم . . عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفّاره جمله <عفا الله عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۱۵ پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم، حرام است.

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و ما كان من طير يكون في البر و يبيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صيد البر ...

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

۱۶ شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد، بر محرم حرام و موجب کفاره است.

و حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً

امام صادق(ع): كل شيء يكون اصله في البحر و يكون في البر و البحر فلا ينبغي للمحرم ان يقتله فان قتله فعليه الجزاء كما قال الله عزوجل.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۲/ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۹، ح ۳۹۲.

صید حرام بر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ وفور ماهی در روز شنبه (روز حرمت صید بر یهودیان) ، وسیله آزمون مردم ایله از سوی خداوند

كذلك نبلوهم

۱۴ فسق و تبهکاری دیرینه مردم ایله ، موجب آزمون آنان با فراهم آوردن زمینه ای مساعد (تسهیل ماهیگیری در شنبه و

نایاب

شدن ماهی در غیر آن روز) برای سرپیچی از حکم تحریم صید

كذلك نبلوهم بما كانوا يفسقون

<كذلك> اشاره است به معنایی که از <إذ تأتبهم حيتانهم...> به دست می آید.

صید حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۲، ۳۴

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند.*

فكلوا مما امسكن عليكم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسكن عليكم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل... و ما علمتم من الجوارح مكلين

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال الله <مكلين>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

صید حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵، ۲۱، ۲۳

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است

و ما علمتم من الجوارح مكلين... فكلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۲۱ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها

فكلوا مما امسكن عليكم

<من> در <مما امسكن> برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان.

فكلوا مما امسكن عليكم

کلمه <عليکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

صید خشکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۵، ۱۰، ۸، ۷

۷ حرمت صید شکارهای خشکی برای محرم

و حرم عليكم صید البر ما دتم حرمًا

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۸ حرمت خوردن شکار صحرائی در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند.

احل لكم صید البحر و طعامه .. و حرم عليكم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۰ صید حیوانات صحرائی و خوردن گوشت آنها در حال احرام بی تقوایی است.

و حرم عليكم صید البر ما دتم حرمًا و اتقوا الله

مورد نظر برای <تقوا> به قرینه <حرم علیکم ..> پرهیز از صید در حال احرام است.

۱۵ پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حرمًا

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: .. و ما كان من طير يكون في البر و يبيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صيد البر ...

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

اوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الانعم الا ما يتلى علیکم غیر محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۵

۱۵ شکار در حال احرام ، علیرغم هشدار الهی به پرهیز از آن ، موجب عذاب دردناک

بشيء من الصيد .. فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم

به قرینه آیه بعد، مراد از شکار ممنوع شکار در حال احرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۰، ۱۹، ۳، ۱

۱ حرمت کشتن شکار در حال احرام

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

"حرم" جمع حرام، به کسانی گفته می شود که برای انجام

حج و یا عمره محرم می شوند.

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او کفره

۱۹ تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفاره نخواهد شد .

و من عاد فینتقم الله منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

۲۰ تکرار صید در حال احرام ، موجب عذاب و انتقام الهی

و من عاد فینتقم الله منه

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: . . . اذا اصاب آخر فلیس علیه کفاره و هو ممن قال الله عزوجل <و من عاد فینتقم الله منه> .

کافی، ج ۴، ص ۳۹۴، ح ۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۸، ح ۳۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۶، ۱۵، ۸، ۷

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

۸ حرمت خوردن شکار صحرايي در حال احرام هر چند شخص محرم آن را شکار نکند .

احل لكم صيد البحر و طعامه . . و حرم علیکم صید البر

در برداشت فوق کلمه <صید> به معنای اسم مفعول حیوان شکار شده گرفته شده است. و این معنا اعم از این است

که خود محرم و یا شخص دیگری آن حیوان را شکار کند.

۱۵ پرندگان صحرائی که در دریا تخم می گذارند ولی در خشکی تکثیر نسل می کنند ، صید خشکی محسوب می شوند و شکارشان بر محرم ، حرام است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: ... و ما كان من طير يكون في البر و يبيض في البحر و يفرخ في البر فهو من صيد البر ...

بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۵۹، ح ۵۷.

۱۶ شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد ، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حراماً

امام صادق(ع): كل شيء يكون اصله في البحر و يكون في البر و البحر فلا ينبغي للمحرم ان يقتله فان قتله فعليه الجزاء كما قال الله عزوجل .

کافی، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۹، ح ۳۹۲.

صید در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸، ۴

۴ انواع شکارها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و ...) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

ليلونكم الله بشيء من الصيد تناله ايدىكم و رماحكم

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکارهای وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

يأيها الذين ءامنوا ليبلونكم الله بشيء ء

من الصيد تناله ايديكم و رماحكم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۷، ۳، ۲

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم . . او کفره

۱۷ صید های انجام شده پیش از تشریح کفاره شکار ، جریمه ای ندارد .

فجزاء مثل ما قتل . . عفا الله عما سلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۳

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لكم صيد البحر و طعامه متعاً لكم و للسياره

کلمه <السياره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۵

۵ بی اعتنائی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از

چشم مردم ، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

و الله يعلم ما تبذون و ما تكتُمون

از مصادیق مورد نظر برای <ما تكتُمون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

صید در حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرْم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها ، از حیوانی که در حرم مکه صید شود .

غیر محلی الصید و انتم حرم

صید دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۴، ۵

۴ جواز استفاده از خوراکی های دریا برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضمیر در <طعامه> به <البحر> برگردانده شده است بر این مبنا طعام به معنای <مایؤکل> خوراکیها است اعم از صید و غیر صید.

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متاعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلّیت دائر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

صید دریایی در احرام

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱،۲

۱ جواز صید حیوان های دریائی (آبی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

صید دوزیستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۶

۱۶ شکار حیوان دوزیستی که جایگاه اصلی زندگیش آب باشد ، بر محرم حرام و موجب کفاره است .

و حرم علیکم صید البر ما دتم حرمًا

امام صادق(ع): کل شیء یكون اصله فی البحر و یكون فی البر و البحر فلا ینبغی للمحرم ان یقتله فان قتله فعليه الجزاء كما قال الله عزوجل.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۳، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۹، ح ۳۹۲.

صید سگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸

۱۲ جواز شکار با سنگ تعلیم دیده و فرمانبر

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن علیکم

گفته شده <مکلبین> که از مصدر تکلیب و به معنای تعلیم

سگ برای شکار است، می تواند جوارح را مقید به خصوص سگان شکاری کند. برداشت فوق را فرمایش امیرالمؤمنین (ع) تأیید می کند که درباره آیه فوق فرمود: هی الکلاب.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۴، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۴۱.

۱۳ خوردن شکاری که به وسیله سگ تعلیم دیده صید و کشته شده باشد، حلال است .

فکلوا مما امسکن علیکم

بیان اوصافی برای سگان شکاری و شرایطی برای حلیت شکار آنها نشانه آن است که شکار آنها نیازی به تذکیر ندارد. برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که در پاسخ از سؤال از حلیت شکاری که توسط سگ تعلیم دیده، صید و کشته شده باشد فرمود: لا بأس قال الله عزوجل <فکلوا مما امسکن علیکم ... >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۳.

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان شکاری تعلیم دیده، عمل کنند .

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و

معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگان که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۱۸ صید سگ شکاری تعلیم دیده از طیبات است .

احل لكم الطيب و ما علمتم من الجوارح

عطف < ما علمتم >، عطف خاص بر عام است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان .

فكلوا مما امسكن عليكم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

۲۴ وجوب تسمیه (بردن نام خدا) به هنگام فرستادن سگ تعلیم دیده برای شکار

فكلوا مما امسكن عليكم و اذكروا اسم الله عليه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر در <علیه> به <ما علمتم من الجوارح> برگردد بر این مبنا معنای آیه چنین می شود: بر حیوان شکاری تعلیم دیده نام خدا را ببرید و مقصود، بردن نام خدا به هنگام فرستادن آن به سوی شکار است.

۲۵ نبردن نام خدا به هنگام فرستادن سگ برای شکار، موجب حرمت حیوان صید شده خواهد شد .

و اذكروا اسم الله عليه

بنابر اینکه دستور تسمیه (بردن نام خدا)، بیان شرط حلیت باشد نه یک حکم تکلیفی. برداشت فوق را روایت منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند: ... اذا صاد و قد سمی فلیأکل و ان صاد و لم یسم فلا یأکل و هذا

<مما علمتم من الجوارح مكليين >.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴؛ تهذیب، ج ۹، ص ۲۵، ح ۱۰۰.

۳۵ حرمت صید سگی که خودسرانه شکار کرده است .

و ما علمتم من الجوارح مکلیین .. فکلوا مما امسکن علیکم

از امام صادق(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حلیت صید سگی که خودسرانه شکار کرده فرمود: لا.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

۳۶ خوردن سگ تعلیم دیده از شکار خویش ، به حلیت صید ضرری نمی رساند .

و ما علمتم من الجوارح مکلیین .. فکلوا مما امسکن علیکم

امام باقر(ع) و امام صادق(ع) درباره حیوانی که سگ شکاری آن صید کند فرمودند : ... وان ادركته وقد قناه واكل منه فكل ما بقى

دو روایت مدرک برداشت شماره ۳۶ و ۳۷ با یکدیگر معارض و حل تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۲، ح ۲؛ استبصار، ج ۴، ص ۶۷، ح ۱ تا ۱۰.

۳۷ نخوردن سگ تعلیم دیده ، از شکار خویش ، شرط حلیت صید آن

فکلوا مما امسکن علیکم

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: لا بأس ان تاكلوا مما امسك الكلب مما لم يأكل الكلب منه فاذا اكل الكلب منه قبل ان تدرکه فلا تأکل منه.

تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۷، ح ۱۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۱، ح ۳۹.

۳۸ بردن نام خدا به هنگام صید به وسیله سگ شکاری ، شرط حلیت شکار وی

فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم اللّٰه علیہ

از امام صادق(ع) روایت شده: .. . اذا صاد

و قد سَمِيَ فلياً كل و ان صاد و لم يسم فلا يأكل و هذا <مما علمتم من الجوارح مكلين>.

کافی، ج ۶، ص ۲۰۶، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۲، ح ۴۴.

صید شیر شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۵

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ، شیر، باز شکاری و...) صید شود، حلال است

و ما علمتم من الجوارح مكلين . . فكلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

صید ماهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱۰

۱۰ حرمت ماهیگیری در روز شنبه بر یهود و نهی الهی از مخالفت با آن

و قلنا لهم لاتعدوا فی السبت

مقید شدن <لاتعدوا> به <فی السبت> حکایت از آن دارد که روز شنبه دارای حکمی خاص برای یهودیان بوده است که با توجه به دیگر آیات می توان گفت مراد از آن حکم، حرمت ماهیگیری است.

صید ماهی در ایله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ پرهیزکنندگان از صید ماهی در میان یهودیان ایله (چه موعظه گران و چه تارکان نهی از منکر) مطمئن به نزول عذاب الهی بر متجاوزان

و یا به هلاکت رسیدن ایشان به دست خدا

اللّٰه مهلكهم أو معذبهم عذاباً شديداً

صید ماهی در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ - از امام سجاد (ع) روایت شده است: >... أما القرده فكانوا قوماً من بني اسرائيل... اعتدوا في السبت فصادوا الحيتان فمسخهم الله قرده... ;

... اما بوزینه ها گروهی از بنی اسرائیل بودند... که در روز شنبه از دستور الهی سرپیچی کرده به صید ماهی پرداختند و خداوند آنان را به صورت بوزینه مسخ کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۲

۲ اکثریت ساکنان ایله به گناه صید ماهی در روز شنبه آلوده شدند .

إذ قالت أمه منهم لم تعظون قوماً

تعبیر از تجاوزگران با کلمه <قوما> می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۲،۶

۲ خداوند یهودیان متمرّد در آبادی ایله را پس از مداومت بر صید ماهی در روز شنبه و بی اعتنایی به مواعظ اصلاحگران به عذابی شدید گرفتار ساخت .

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس

>بئس< به معنای شدید است.

۶ یهودیان متخلف از حکم روز شنبه (حرمت تلاش برای کسب مال و صید ماهی) مردمانی فاسق و ظالم در پیشگاه خداوند

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئس بما كانوا يفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده حسئين

<عتو> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

۳ خداوند یهودیان ایله را پس از عبرت نگرفتن از عذاب نازل شده بر آنان و اصرارشان بر صید ماهی ، به بوزینه تبدیل کرد .

و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئیس .. فلما عتوا عن ما نهوا عنه

واقع شدن جمله <فلما عتوا> پس از <أخذنا الذين ظلموا .. >، بیانگر این است که متجاوزان پس از مبتلا شدن به عذاب دنیوی همچنان به صید ماهی در شنبه ادامه می دادند.

صید ماهی در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون .. قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت .. > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

صید ممنوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۷

۲۷ ضرورت پرهیز از شکار و صید حیوانات ، به انگیزه ای جز تأمین نیاز های خوراکی و مادی

فکلوا مما امسکن علیکم .. و اتقوا الله

فرمان به

تقوایشگی (اتقوا الله) پس از تجویز استفاده های خوراکی از شکار (فکلوا ..)، می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که شکار کردن به انگیزه هایی دیگر همانند تفریح و تفرج خلاف تقواست.

صید وحوش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَلُونَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ آيِدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

صید یوزپلنگ شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۴

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل .. و ما علمتم من الجوارح مکلبین

از امام صادق (ع) روایت شده: الفهد مما قال الله <مکلبین>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

کفاره صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ بی‌اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه‌های حرام به دور از چشم مردم، پدیدار و آشکار در محضر خداوند

و الله يعلم ما تبون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ما تکتمون>

با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

کفّاره صید آهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفّاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفّاره شکار آهو و گاو کفّاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید الاغ وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفّاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفّاره شکار آهو و گاو کفّاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید در احرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . . . هدیاً

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخیری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . . . و کل شیء من القرآن <او> فصاحبه بالخیار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفاره شکار در حال احرام باید ادا شود ، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یشمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . . .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . . . <ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۶ شتر ، کفاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعمه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

۲۷ کفاره صید در حال احرام، قربانی و در صورت ناتوانی از آن، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت، روزه می باشد.

فجزاء مثل ما قتل من النعم . . . او کفره طعام مسکین او عدل ذلك صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم يجد هدیاً کان علیه ان يتصدق بثمانه و اما قوله < او عدل ذلك صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم يجد الفديه ولم يجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موقوف به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷ بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

کفاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزاء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلا تضاعف لأنه أعظم ما يكون، قال الله عز وجل: و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب ۱

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در باره کفاره صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود تا آن جایی که کمتر از

شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: <و من يعظم شعائر الله...>».

کفاره صید شتر مرغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفاره صید گاو وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر، کفاره شکار شتر مرغ، گاو، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کیفر صید در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی

مطروود مبدل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خسئين

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

گناه صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفّاره جمله <عفا الله عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹